



مدیریت شهری

نشریه علمی - پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۳

شماره استاندارد بین المللی: ۲۲۲۷-۱۶۰۷

سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۳

۱. اولویت بندی معیارهای امکان سنجی چندسطحی سازی معابر شهری بر اساس روش تحلیل عاملی
۲. کاهش خطرات زلزله با تاکید بر عوامل اجتماعی رویکرد تاب آوری؛ نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران
۳. راهکارهای احیاء بافت های تاریخی به مثابه هویت واجد ارزش شهری؛ مورد پژوهی: محور تاریخی تربیت تبریز
۴. تحلیل فضایی - زمانی وقوع جرایم در فضاهای شهری (عرضه، خرید و فروش و سوء مصرف مواد مخدر در منطقه ۱۶ کلاتشهر تهران)
۵. سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض آباد شهر کرمانشاه)
۶. برآورد تابع تقاضای حمل کالای فاسدشدنی با کمک روش داده های تابلویی
۷. تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه های روستایی (با تاکید بر رویه تکوینی و ساختاری)
۸. تبارشناسی تاثیر گذاری و تاثیر پذیری ادبیات داستانی بر معماری شهری با رویکرد تحلیل ساختاری و هرمنوتیک
۹. بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان تهرانی به محله (جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران)
۱۰. بررسی رابطه عدالت سازمانی با مسئولیت پذیری کارکنان؛ مورد مطالعه: کارکنان شهرداری ملایر
۱۱. مبانی اقتصادی و اقتضانات مالی تکوین دولت در جامعه ایرانی
۱۲. بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیلک)
۱۳. پیامد سیاست های هدایت و کنترل رشد فضایی بر روند گسترش سکونتگاه های پیراشهری در هاله کلاتشهری تهران
۱۴. تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت محور در نظام مدیریت شهری با تاکید بر طرح های توسعه شهری
۱۵. اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی
۱۶. ظرفیت سنجی ارتقای نقش شهرداری ها در مدیریت مسکن شهری (نمونه موردی شهرداری تهران)
۱۷. ارزیابی و اولویت بندی عوامل کلیدی موثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی ایران و ارائه راهکارهای بهینه (مطالعه موردی: رشته های شهرسازی و علوم تربیتی)
۱۸. گفتمانی تحلیلی در ارزیابی رویکردها و رویه های معماری زمینه گرایی شهری در عصر جهانی شدن
۱۹. تدوین و طراحی سیستم مدیریت بحران در شهرداری الکترونیک با بهره گیری از روش مدلسازی یکنواخت (UML)
۲۰. بررسی راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی به واسطه معماری سرای محلات، مورد پژوهی: سرای محلات تهران

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سر دبیر: محمدرضا بمانیان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban management

شماره ۳۷ زمستان ۱۳۹۲

No.37 Winter 2015

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

- دکتر محمدرضا بمانیان، استادتمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر مصطفی بهزادفر، استادتمام دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

- دکتر محمدرضا پورجعفر، استادتمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر حمیدرضا صارمی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر محمود طاووسی، استادتمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته)

- دکتر محمدمهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا

- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران

- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر غلامرضا لطیفی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی

- دکتر محمد نقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

دبیر داخلی: دکتر هادی محمودی نژاد

امور اجرایی: مهدی شهریار

کمیته اجرایی: ابوذر دلفارادی، احسان طاهری مهر، نیما متین فر، امید احدیان

ویراستار انگلیسی: دکتر صدیقه سلیمانی

ویراستار فارسی: امیر اشراقی

صفحه آرایی: پایش و پویش payeshpouyesh@gmail.com



مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۶۳۹۰۲۰۸۳، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۴۱۶۶۳۳۶۶۱

درگاه اینترنتی ارسال مقالات

<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی

<http://safta.imo.org.ir>

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

(www.ISC.gov.ir)

«پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)»

(www.SID.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)»

(www.Magiran.com)

«بانک اطلاعات نشریات کشور»

(www.IMO.org.ir)

«درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی»

(www.noormags.com)

«پایگاه مجلات تخصصی نور»

(www.doi.org)

«سیستم شناساگر دیجیتال نشریات علمی»

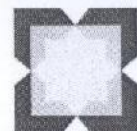
(www.rur.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی»

(www.ensani.ir)

«پرتال جامع علوم انسانی»

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshahri@gmail.com

مدیریت شهری

شماره ۳۷: عستان ۱۳۹۳

No.37 winter 2015

۵-۷

فهرست مطالب

۱. اولویت‌بندی معیارهای امکان‌سنجی چندسطحی‌سازی معابر شهری بر اساس روش تحلیل عاملی
هومن آل‌نوری، شیدا روشن‌خواه، سعید شرافتی‌پور، علیرضا ماهپور ■ ۷-۱۸
۲. کاهش خطرات زلزله با تاکید بر عوامل اجتماعی رویکرد تاب‌آوری؛ نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران
سارا نیکمردنمین، ناصر برک‌پور، مجید عبداللهی ■ ۱۹-۲۲
۳. راهکارهای احیاء بافت‌های تاریخی به مثابه هویت واجد ارزش شهری؛ موردپژوهی: محور تاریخی تربیت‌تبریز
حسین اسمعیلی سنگری ■ ۲۵-۵۶
۴. تحلیل فضایی- زمانی وقوع جرایم در فضاهای شهری (عرضه، خرید و فروش و سوء مصرف مواد مخدر در منطقه ۱۶ کلانشهر تهران)
مهدی اکبری، مظفر صادقی، مهران شیرواند ■ ۵۷-۷۲
۵. سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض آباد شهر کرمانشاه)
هوشمند علیزاده، کیومرث ایراندوست، مهنا برآور ■ ۷۳-۹۲
۶. برآورد تابع تقاضای حمل‌کالای فاسدشدنی با کمک روش داده‌های تابلویی
رسام مشرفی، هادی رحمانی‌فضلی، هادی گنجی ■ ۹۳-۱۰۲
۷. تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های روستایی (با تاکید بر رویه تکوینی و ساختاری)
محسن ساردوئی ■ ۱۰۳-۱۲۶
۸. تبارشناسی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ادبیات داستانی بر معماری شهری با رویکرد تحلیل ساختاری و هرمنوتیک
رضا کشاورز نوروزپور، لیلا کریمی فرد ■ ۱۲۷-۱۵۰
۹. بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان تهرانی به محله (جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران)
حسین ابراهیم‌زاده، نوروز هاشم‌زهی، اباذر اشتری، فاطمه مفرح ■ ۱۵۱-۱۶۴
۱۰. بررسی رابطه عدالت سازمانی با مسئولیت‌پذیری کارکنان؛ مورد مطالعه: کارکنان شهرداری ملایر
مرتضی مرادی، علی رضا رضایی، محمدرضا تیموری ■ ۱۶۵-۱۷۴

۱۱. مبانی اقتصادی و اقتضائات مالی تکوین دولت در جامعه ایرانی
 مهناز بیات کمیتکی، مهدی بالوی، سید سلمان سامانی ■ ۱۷۵-۱۹۲
۱۲. بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت
 (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیاهکل)
 بهرام کریمی، سیدعلی بدری، محمد سلمانی ■ ۱۹۳-۲۱۲
۱۳. پیامد سیاست‌های هدایت و کنترل رشد فضایی بر روند گسترش سکونتگاه‌های
 پیراشهری در هاله کلانشهری تهران
 سید عبدالهادی دانشپور، مظفر صرافی، تکتک آشنایی ■ ۲۱۳-۲۳۰
۱۴. تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت محور در نظام مدیریت شهری با تاکید بر طرح‌های
 توسعه شهری
 محمدرضا بمانیان، علی اکبر تقوایی، مهدی بهرام پور ■ ۲۳۱-۲۵۵
۱۵. اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی
 امید تبریزی، مصطفی مختاباد امرئی، محسن فیضی ■ ۲۵۷-۲۷۲
۱۶. ظرفیت‌سنجی ارتقای نقش شهرداری‌ها در مدیریت مسکن شهری (نمونه موردی
 شهرداری تهران)
 سوده حمزه‌لو، غلام‌رضا کاظمیان ■ ۲۷۳-۲۸۶
۱۷. ارزیابی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی ایران و ارائه
 راهکارهای بهینه (مطالعه موردی: رشته‌های شهرسازی و علوم تربیتی)
 سید کرامت حسینی، امید تبریزی، محمد تقی حسن‌زاده ■ ۲۷۷-۲۹۸
۱۸. گفتمانی تحلیلی در ارزیابی رویکردها و رویه‌های معماری زمینه‌گرایی شهری در عصر
 جهانی شدن
 محمدمهدی بلندیان، سارا ناصری ■ ۲۹۹-۳۲۶
۱۹. تدوین و طراحی سیستم مدیریت بحران در شهرداری الکترونیک با بهره‌گیری از
 روش مدلسازی یکنواخت (UML)
 تیمور حیدری، مهدی احمدی ■ ۳۲۷-۳۵۰
۲۰. بررسی راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی به واسطه معماری سرای محلات،
 موردپژوهی: سرای محلات تهران
 سحر شکیب، قاسم مطلبی ■ ۳۵۱-۳۶۲

اولویت‌بندی معیارهای امکان‌سنجی چندسطحی‌سازی معابر شهری بر اساس روش تحلیل عاملی

هومن آل‌نوری* - کارشناسی‌ارشد راه و ترابری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران.

شیدا روشن‌خواه - کارشناسی مهندسی عمران دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران.

سعید شرافتی‌پور - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی حمل و نقل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علیرضا ماهپور - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی حمل و نقل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Criteria Prioritization for Feasibility Studies of Multilevel Urban Roads Construction by Factor Analysis

Abstract

It's not too hard to see how urbanization and boost of vehicle production have been increasing the tendency toward using private vehicles in decades. Consequently, demand rate have been increased and, now, traffic jam is an inseparable part of urban road networks. Therefore, beside demand management policies, expanding roads' capacity is also inevitable. Although road capacity could be easily increased by adding new lanes in past, various limitations make building multilevel roads more popular rather than constructing additional lanes in many metropolitans. In this paper, authors try to determine effective factors in urban multilevel road feasibility studies by studying other countries' experiences and designing a questionnaire based on collected data. Transportation and urban design experts are asked to fill the questionnaires and the factors are classified and prioritized by factor analysis. The results illustrate that "Road level of service in peak hours", "Historical places' preservation", "Noise pollution", "Capital cost", "protecting urban linear centers", "Number of bottlenecks", "safety considerations (number of accidents)", and "Link's daily volume" are the best 8 chosen factors for further studies. These factors could cover 30 proposed measures without wasting time and money

Keywords: Capacity, Multilevel Roads, Questionnaire, Factor Analysis, Prioritization

چکیده

با گسترش شهرنشینی و افزایش تولید وسایل نقلیه، تمایل شهروندان به استفاده از خودروهای شخصی نیز افزایش یافته است. در نتیجه، همگام با پیاده‌سازی سیاست‌های مدیریت تقاضا، افزایش ظرفیت معابر شهری امری غیرقابل اجتناب خواهد بود. افزایش ظرفیت معابر در ابتدا با تکیه بر گسترش معابر از طریق افزودن خطوط اضافی به معابر انجام می‌گردد؛ اما با گذشت زمان و افزایش تقاضا، افزایش خطوط به علت معارضین ملکی امری غیرممکن می‌نماید. به منظور رفع محدودیت‌ها، اجرای معابر چندسطحی مورد توجه بسیاری از کلانشهرها واقع شده است. در این پژوهش، نویسندگان سعی نموده‌اند تا با بررسی نمونه‌هایی از این معابر و شناسایی معیارهای موثر، اقدام به تهیه پرسشنامه کارشناسی نموده و با اخذ نظریات کارشناسان حوزه حمل‌ونقل و شهرسازی، عوامل موثر برای امکان‌سنجی این نوع معابر را براساس روش تحلیل عاملی اولویت‌بندی نمایند. بررسی نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد عواملی همانند سطح سرویس معبر در ساعت اوج، حفظ بافت باارزش تاریخی، آلودگی‌های صوتی، هزینه کلی اجرا، حفظ مراکز خطی-محله‌ای و شهری، تعداد گلوگاه‌های ترافیکی موجود در معبر، ملاحظات ایمنی و حجم روزانه شمارش‌شده در کمان به عنوان مهمترین عوامل موثر از بین ۳۰ معیار شناسایی شده است که با استفاده از این ۸ عامل می‌توان بدون انجام هزینه زیاد و صرف زمان طولانی، مطالعات امکان‌سنجی این نوع معابر را برای سایر شهرها به انجام رسانید.

واژگان کلیدی: ظرفیت، معابر چند سطحی، پرسشنامه، تحلیل عاملی، اولویت‌بندی

۱. مقدمه

در دنیای امروز با گسترش زندگی شهری و توسعه اقتصادی که در جوامع به وقوع پیوسته است، تمایل شهروندان به استفاده از وسایل نقلیه شخصی نیز فزونی یافته و در نتیجه این افزایش تمایل، نرخ تقاضا و تراکم ترافیک معابر شهری به صورت روزانه در حال افزایش است. تراکم ترافیک به عنوان یکی از معضلات امروزی کلانشهرها، را می‌توان نتیجه تقابل نابرابر عرضه و تقاضای شبکه معابر شهری دانست زیرا با وجود آن که فضای شهری، فضایی محدودی است، تقاضای تردد با وسایل نقلیه شخصی به صورت روزانه در حال رشد می‌باشد. برای رفع این مشکل علاوه بر روش‌های مدیریت تقاضا (مانند قیمت‌گذاری معابر، اعمال محدودیت بر اساس شماره پلاک وسیله‌نقلیه و تغییر ساعات کاری) می‌توان اقدام به افزایش ظرفیت معابر نیز نمود.

افزایش ظرفیت معابر شهری در فاز ابتدایی با تکیه بر گسترش معابر موجود و افزودن خطوط به این معابر انجام می‌گردد اما پس از گذر زمان و رشد تقاضا، افزایش خطوط جدید به علت مشکلاتی از جمله محدودیت هزینه و لزوم تملک املاک مجاور، امری غیرممکن می‌نماید. از اینرو در بسیاری از کلانشهرها، توسعه حمل‌ونقل انسان‌مدار و در برخی دیگر توسعه معابر در سطوح مختلف (به صورت فراتراز یا فروتراز) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، نویسندگان سعی نموده‌اند تا پس از مروری بر تجارب کشورهای دارای معابر چندسطحی در بخش دوم، معیارهای موثر در تصمیم‌گیری برای ساخت معابر چندسطحی را در بخش سوم شناسایی نموده و با اخذ نظرات کارشناسان مجرب حمل‌ونقل و شهرسازی در بخش چهارم با استفاده از روش تحلیل عاملی اقدام به اولویت‌بندی معیارها نمایند و عوامل موثر را شناسایی کنند. در بخش نهایی پژوهش نیز عوامل موثر در زمینه چندسطحی‌سازی معابر بیان گردیده و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. پیشینه اجرای معابر چندسطحی

بررسی تجارب استفاده از معابر چندسطحی (فروتر از یا فراتر از) در سایر کشورها نشان می‌دهد، احداث چنین معابری اغلب در کشور ایالات متحده آمریکا و کشورهای جنوب شرق آسیا رواج یافته است و گزینه‌های محدود اروپایی به صورت فروتر از بوده است. از اینرو به صورت اجمالی تجارب شهرهای سنول، توکیو، کوالالامپور، سانفرانسیسکو و بوستون مرور گردیده و نتایج اجرای طرح، اثرسنجی گردیده است.

بزرگراه طبقاتی چنونگیچون سنول که در ابتدا با هدف کاهش بار ترافیکی مناطق مرکزی شهر طراحی شده بود، با گذر زمان، خود موجب ایجاد گره ترافیکی در شهر گردید که شدت آلودگی صوتی و هوای آن، بیش از حد قابل قبول توسط شهروندان بود (جوی، ۲۰۰۶). از اینرو، این بزرگراه با نظر موافق اکثریت شهروندان (۷۹/۱ درصد) در سال ۲۰۰۰، تخریب و بافت جدید شهری بر مبنای گسترش حمل و نقل عمومی بنا نهاده شد. این اقدام موجب گردید تا استفاده از وسایل نقلیه در این محدوده ۳۰ درصد کاهش یابد و در نتیجه، کاهش تعداد وسایل نقلیه موجب کاهش تولید ذرات معلق و دی‌اکسیدنیترژن به میزان ۲۱ و ۱۸ درصد گردید. با تخریب این بزرگراه و بازسازی محدوده طرح، ارزش املاک مسکونی و تجاری مجاور طرح به ترتیب ۲۵٪ و ۳۰٪ افزایش یافت (کروور، ۲۰۰۶). شبکه بزرگراهی شهر توکیو (شوتو^۱) نیز متشکل از ۲۴ بزرگراه به طولی در حدود ۳۲۲/۵ کیلومتر است که به علت طبیعت کوهستانی این شهر و کمبود زمین، اغلب به صورت بزرگراه‌های طبقاتی (فروتر از یا فراتراز) اجرا شده است (تارنمای رسمی سفارت ژاپن). از جمله دیگر شهرهای آسیای جنوب شرقی که سابقه‌ای در چندسطحی‌سازی دارد، می‌توان به کوالالامپور اشاره نمود که با احداث این نوع بزرگراه‌ها سعی در انتقال بخش اعظمی از ترافیک عبوری خود از یک سوی شهر به سوی دیگر داشته است. از جمله معابر چندسطحی این شهر می‌توان به بزرگراه فراتراز امپنگ و تونل دومنظوره اسمارت^۲ اشاره



۱. شوتو در زبان ژاپنی به معنای راه‌های سریع‌السیر کلانشهر است

2. Smart Tunnel

نمود (تارنمای رسمی تونل اسمارت).

برخلاف نمونه‌های ارائه شده در کشورهای جنوب شرق آسیا که اغلب از بزرگراه‌های طبقاتی به عنوان نماد مدرنیته و یا راهکاری جهت رفع معضل کمبود زمین برای احداث و توسعه بزرگراه‌ها (مدیریت عرضه) بهره می‌برند، در کشور ایالات متحده استفاده از این نوع بزرگراه‌ها اکثراً به منظور مدیریت وسایل نقلیه متعدد موجود است. تمایل به استفاده از وسایل نقلیه شخصی در این کشور به میزانی است که ۸۷ درصد سفرهای روزانه شهروندان و ۸۸ درصد سفرهای کاری در این کشور با وسیله نقلیه شخصی صورت می‌پذیرد و سالیانه، هزینه‌ای معادل با ۶۳ میلیارد دلار صرف سوخت و زمان تلف‌شده در ترافیک می‌گردد. (هئیت حمل‌ونقل ایالات متحده، ۲۰۰۲) در طی دهه‌های پیشین در ایالات متحده آمریکا به جای برنامه‌ریزی مدون برای رفع این معضل، تعریض معابر در پیش گرفته شده است به نحوی که در برخی ایالات این کشور بزرگراه‌های با ۸ خط و بیشتر مشاهده می‌گردد که حتی این نوع معابر نیز موجب نگردیده است تا مشکلات ترافیکی حل گردد و معضلات دیگری از جمله مشکلات ایمنی، لزوم احداث شیب‌راه چندخطه در تقاطع آزادراه‌ها، نیاز به خطوط انتظار گردشی در تقاطع‌های شریانی و چرخه طولانی چراغ راهنمایی را در پی داشته است. به منظور رفع این معضلات و باتوجه به شرایط محیطی موجود، استفاده از بزرگراه‌های چندسطحی در برخی ایالت‌ها رواج یافته است. در بین ایالت‌ها، بزرگراه طبقاتی امبارکادرو از تجارب شکست‌خورده این نوع معابر است، در حالی که تونل شریانی مرکزی تجربه‌ای موفق به شمار می‌رود. بزرگراه طبقاتی امبارکادرو سانفرانسیسکو به عنوان نخستین بزرگراه دوطبقه این کشور بنا گردید. هدف از ساخت این نوع بزرگراه‌ها در ابتدا ایجاد کریدوری با سرعت عملکردی بالا در شرایط بحران بود. احداث این بزرگراه، علیرغم مخالفت‌های مردمی شروع گردید ولی بعلت اعتراض‌های فعالان زیست‌محیطی، احداث آن به صورت نیمه‌کاره رها گردید. بر اثر وقوع زلزله و تغییرمسیر اجباری بوقوع پیوسته براساس تخریب پل،

مسئولین شهری برآن شدند تا بجای بازسازی پل، اقدام به جایگزینی پل با مسیری همسطح نمایند. با تخریب این بزرگراه علاوه بر ایجاد تسهیلات شهری، نمای بصری شهر بهبود یافت و ارتباط شهر با ساحل برقرار گردید. به موجب تغییرات رخ داده، ارزش املاک مجاور بزرگراه نیز تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت. (تارنمای اطلاع‌رسانی بزرگراه امبارکادرو) تونل شریانی مرکزی شهر بوستون (حفر بزرگ) به منظور رفع معضلات ترافیکی و به عنوان جایگزین بزرگراه فراتراز (I-۹۳) تعریف گردیده است. احداث این تونل علاوه بر بهبود جریان ترافیک، بهبود وضعیت حمل‌ونقل انسان‌محور، کاهش تراکم ترافیک، کاهش ۶۲ درصدی زمان سفر به فرودگاه و کاهش ۱۲ درصدی آلودگی هوا، موجب تامین مصالح احداث جهت چندین پروژه عمرانی و همچنین کاهش هزینه تردد وسایل نقلیه نیز گردید. البته لازم به ذکر است اجرای این طرح موجب افزایش تقاضا در مسیر و انتقال گره‌های ترافیکی به مسیرهای منتهی به تونل نیز شده است (گزارش‌های اداره حمل‌ونقل فدرال).

۳. شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های چندسطحی سازی معابر شهری

پس از مرور تجربیات سایر کشورها در احداث معابر چندسطحی سعی گردیده است تا چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از چندسطحی‌سازی معابر شهری شناسایی شده و معیارهای موثر در زمینه انتخاب این نوع معابر معرفی گردد.

۳-۱. چالش‌های ناشی از چندسطحی سازی معابر شهری

استفاده از معابر چندسطحی اگرچه در ظاهر موجب افزایش ظرفیت معابر شهری خواهد گردید، اما چالش‌هایی را نیز برای شهر به دنبال خواهد داشت که از جمله این چالش‌ها می‌توان به هزینه بالای ساخت، افزایش شدت آلاینده‌های صوتی و بصری، محدودیت‌های ارتفاعی تردد و جداسازی محیط شهری اشاره نمود. معابر چندسطحی به دلیل نیاز به احداث سازه‌های عظیم، هزینه بیشتری نسبت به معابر همسطح دربر خواهند داشت به نحوی که برآوردهای انجام شده از پروژه‌های



مشابه نشان می‌دهد در شرایط عادی اگر هزینه ساخت معبر همسطح را واحد در نظر بگیریم، هزینه احداث مسیر فراتراز ۲ برابر و هزینه احداث معابر فراتراز ۴/۵ برابر این مقدار خواهد بود. (ریلی و پارکر، ۲۰۰۷) از دیگر سوی با توجه به آن که معابر فراتراز در سطح بالاتری نسبت به معابر همسطح واقع هستند، محدوده پوشش وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد و در نتیجه سطح آلودگی صوتی در مناطق مجاور این نوع معابر بیش از معابر همسطح خواهد بود، البته سطح آلودگی صوتی در معابر فراتراز که به صورت تونل اجرا شده است، تا حد زیادی، کمتر از معابر همسطح می‌باشد (شفرد و همکاران، ۲۰۰۲؛ بوفینگتون و همکاران، ۱۹۹۷). لازم به ذکر است، بزرگراه‌های فراتراز به دلیل مسدود نمودن میدان دید، موجب ایجاد آلودگی‌های بصری در محیط‌های شهری نیز خواهند گردید که میزان این نوع آلودگی بسته به روش اجرای سازه و طراحی معماری سازه آن متغییر است (ساموئل و همکاران، ۲۰۰۶). احداث چنین معابری اگرچه فرصتی نو را برای تردد وسایل نقلیه به همراه می‌آورد اما موجب می‌گردد تا با توجه به معارضین تاسیساتی موجود در بالا و زیر زمین، یا به دلیل روش و دستگاه‌های حفاری به کار گرفته شده، ارتفاع سازه‌ها محدود شده و محدودیت‌هایی برای تردد وسایل نقلیه به وجود آورد (گزارش بانک توسعه آسیایی، ۲۰۱۲). احداث معابر چندسطحی به‌ویژه معابر فراتراز، با هر تراز ارتفاعی موجب تقسیم مناطق شهری به چند بخش و ایجاد اختلال در زندگی ساکنین پیرامونی طرح نیز خواهد گردید. احداث این نوع معابر اگرچه موجب افزایش مقطعی ظرفیت معبر می‌گردد و شرایط ترافیکی محدوده را بهبود خواهد بخشید اما با ارائه خدمات بهتر به رانندگان، آنان را ترغیب به استفاده از وسیله‌نقلیه شخصی نموده و در نتیجه موجب افزایش مجدد تقاضای ترافیک و ایجاد گره‌های ترافیکی جدید می‌گردد.

۲.۳. فرصت‌های ناشی از چندسطحی‌سازی معابر شهری

احداث معابر چندسطحی علیرغم تمامی چالش‌هایی که در بخش پیشین بدان‌ها اشاره شد، موجب خواهد

گردید تا با افزایش ظرفیت معبر، شرایط ترافیکی محدوده بهبود یافته، از زمان سفر کاسته شده و سطوح آلاینده‌ها، مصرف سوخت و هزینه استهلاک خودروها نیز کاهش یابد. مهمترین فرصت احداث معابر چندسطحی، بهبود شرایط ترافیکی معابر پرتردد و متراکم است که تاثیری مستقیم بر وضعیت ترافیک تمام محدوده شهری دارد. احداث این نوع معابر علاوه بر افزایش ظرفیت، موجب افزایش سرعت عملکردی وسایل نقلیه، کاهش تاخیر و کاهش طول صف در معابر پرتراکم نیز خواهد گردید (ساموئل و همکاران، ۲۰۰۶؛ شفرد و همکاران، ۲۰۰۲). لازم به ذکر است برای دستیابی به بهبود شرایط ترافیکی تنها نباید نگاه خود را به معطوف به محدوده طرح نمود و باید تمامی نقاط پیرامونی را مدنظر قرار داد تا با احداث این معابر گلوگاه ترافیکی جدیدی در معابر پیشروی ایجاد نگردد. بهبود شرایط ترافیکی در محدوده طرح موجب خواهد گردید تا مصرف سوخت روزانه تا چندین میلیون لیتر کاهش یابد و متعاقب آن، میزان آلاینده‌ها نیز کاهش یافته و شرایط زیست‌محیطی بهبود یابد. احداث این نوع معابر اگرچه نیازمند هزینه‌های اجرایی افزون‌تری می‌باشد اما با توجه به مشکلات و هزینه‌های تملک معابر و املاک پیرامونی و یا قرارگیری طرح در بافت تاریخی شهر و لزوم حفظ یکپارچگی و هویت شهری در این مناطق، مزایای متعددی را برای شهر در برخواهد داشت. اجرای معابر چندسطحی علیرغم ایجاد آلودگی‌های بصری، با توجه به عدم دست‌خوردگی محدوده طرح و انتقال بار ترافیک به سطحی بالا یا زیر سطح زمین، بدون ایجاد مزاحمت برای سایر کاربری‌ها موجب ایجاد ظرفیتی جدید برای احداث مراکز شهری جدید خواهد گردید. به موجب احداث این نوع معابر و ایجاد مسیر دسترسی مستقیم بین مبادی و مقاصد سفر، خودروهای با سرعت تردد بالا به فضای غیرهمسطح انتقال یافته و در نتیجه فضای اختصاص یافته به عابرین پیاده افزایش یافته، سرعت تردد در معابر همسطح کاهش می‌یابد و در نتیجه ایمنی و راحتی عابرین پیاده در مسیر همسطح ارتقا می‌یابد (بوفینگتون، ۱۹۹۷؛ گزارش بانک توسعه

آسیایی، ۲۰۱۲). در نهایت نیز می‌توان چنین گفت که با کاهش تعداد رویکردهای تداخلی وسایل نقلیه میزان تصادفات کاهش یافته و وضعیت ایمنی معبر بهبود می‌یابد، این در حالی است که در صورت تعریف معابر شهری، برخورد های ترافیکی افزایش یافته و در نتیجه از ایمنی معابر کاسته می‌شود.

پس از بررسی چالش‌ها و فرصت‌های احداث معابر چندسطحی، معیارهای متعددی (۳۰ معیار) در این زمینه شناسایی شده است که قابل تقسیم به چهار گروه معیارهای ترافیکی و حمل‌ونقلی، معیارهای اجتماعی

و زیست‌محیطی، معیارهای اجرایی و اقتصادی و معیارهای شهرسازی و معماری می‌باشد که در جدول ۱ بدان اشاره شده است (پژوهشگاه حمل‌ونقل طراحان پارسه، ۱۳۹۱).

۴. اولویت‌بندی عوامل موثر در چندسطحی‌سازی معابر شهری

پس از شناسایی ۳۰ معیار موثر در این زمینه و تقسیم معیارها به چهار دسته کلی در این بخش سعی گردیده است تا با توجه به تعدد معیارها و همچنین روند وقت‌گیر و پرهزینه جمع‌آوری تمامی معیارها و دشواری تحلیل

جدول ۱. طبقه‌بندی معیارهای موثر در چندسطحی‌سازی معابر شهری

معیارهای ترافیکی و حمل‌ونقلی			
میانگین سرعت در شبکه	مسافت پیموده‌شده در شبکه	سطح سرویس (ساعت اوج)	متوسط زمان سفر در شبکه
متوسط زمان سفر (ساعت اوج)	گلوگاه‌های ترافیکی موجود	متوسط تاخیر در شبکه	حجم روزانه عبوری از معبر
میانگین سرعت خودروها در معبر	ملاحظات کاربری زمین	مدیریت بحران در اضطرار	ملاحظات ایمنی (تصادفات)
هماهنگی با مطالعات فرادست			
معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی			
راحتی و آسایش مردم در قالب زمان سفر	افزایش پتانسیل تبهکاری‌های اجتماعی	آلودگی صوتی	کاهش آلودگی هوا
معیارهای اجرایی و اقتصادی			
هزینه کلی اجرایی طرح	هزینه بالای تملک اراضی، قطعات اطراف محور و حریم راه جهت گسترش معابر موجود	تعارض با تاسیسات شهری (خطوط آب، برق، گاز)	
معیارهای شهرسازی و معماری			
حفظ ساختمان‌های دارای ارزش بصری- هویتی	حفظ بافت با ارزش تاریخی	افزایش دید به بافت مسکونی اطراف محور	ملاحظات زیبایی شناختی و منظرآرایی
نمای بصری	حفظ بافت سنتی و جلوگیری از گسستگی و شکست بافت معماری سنتی محلات شهری	ایجاد ممانعت دید سازه‌های دارای چشم‌انداز خاص	
حفظ مراکز خطی- محله ای و شهری	جداسازی نقش عبوری از نقش اجتماعی محور برای دسترسی آسان ساکنین به مراکز خرید	حفظ کاربری‌های خدماتی در کنار معابر فعالیتی	

و منظور نمودن آن‌ها، در راستای اولویت‌بندی معیارها و شناسایی عوامل پراهمیت گام برداشته شود. از اینرو پرسشنامه کارشناسی تهیه شده و در اختیار ۶۷ نفر از کارشناسان و مسئولین حوزه حمل‌ونقل و شهرسازی قرار گرفته است. در این پرسشنامه از تمامی کارشناسان خواسته شده است تا به هریک از متغیرهای مؤثر امتیازاتی از میان ۰ تا ۱۰۰ اختصاص دهند که هرچه میزان این امتیازات برای متغیری بیشتر باشد بدین معنا خواهد بود که اهمیت متغیر مورد بحث در این زمینه بیشتر از سایر متغیرهای با امتیازات کمتر است.

۱.۴. روش تحقیق

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، جهت رتبه‌بندی معیارهای مذکور و تعیین الویت هریک از این معیارها از روش تحلیل عاملی استفاده می‌گردد که روشی چندمتغیره است که در آن بحث متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نبوده و جزء روش‌های هم‌وابسته به شمار می‌رود یعنی کلیه متغیرها در آن نسبت به هم وابسته هستند. در این روش همواره سعی می‌گردد تا بدانیم که آیا می‌توان تعداد زیادی از متغیرها را به مجموعه کوچکتری از متغیرها تقلیل داد به نحوی که کمترین میزان ریزش اطلاعاتی را شاهد باشیم؛ در واقع می‌توان چنین گفت که از این تکنیک برای خلاصه‌نمودن داده‌ها استفاده می‌گردد (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹). برای استفاده از این روش تحلیلی، ابتدا باید کیفیت نمونه‌ها با استفاده از تعیین مقدار شاخص KMO در آزمون بار تلت با استفاده از رابطه (۱) بررسی شود. در این پژوهش میزان شاخص KMO برای ۳۰ معیار مورد مطالعه، برابر با ۰/۷۳۷ است که بیانگر برآورده شدن حداقل کفایت لازم برای انجام این نوع تحلیل در زمینه چندسطحی‌سازی معابر شهری می‌باشد (بیمونت، ۲۰۱۰).

رابطه (۱)

$$KMO = \frac{\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n r_{ij}^2}{\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n r_{ij}^2 + \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n a_{ij}^2}, i \neq j$$

که در آن:

r_{ij} : ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای اولیه ۱ و ۲؛

a_{ij} : ضرایب همبستگی جزئی بین متغیرهای اولیه ۱ و ۲؛

برای بررسی اعتمادپذیری عامل‌ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود که نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرهای اولیه است. مقادیر قابل قبول برای این ضریب بیش از ۰/۴۵ است. مقادیر بین ۰/۵ تا ۰/۶ مقبولیت مشروط دارند، مقادیر بین بازه ۰/۶ تا ۰/۷ قابل قبول، ۰/۷ تا ۰/۸ خوب و بزرگتر از ۰/۸ بسیار خوب ارزیابی می‌شود. در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۱۲ به دست آمده است که در محدوده بسیار خوب قرار می‌گیرد. این موضوع نشان‌دهنده اعتمادپذیری کافی عامل‌های استخراج شده است (عبدی و ویلیامز، ۲۰۱۰).

در این پژوهش از بین روش‌های گوناگونی که برای تحلیل عاملی استفاده می‌گردد سعی شده است تا از روش تحلیل مولفه‌های اصلی استفاده شود. در این روش، همبستگی از طریق ماتریس M که با نام ماتریس همبستگی خوانده می‌شود، ارزیابی می‌گردد. این ماتریس با استفاده از متغیرهای تبدیل یافته تشکیل می‌شود و مقادیر ویژه (λ_i) و بردار ویژه (e_i) آن براساس رابطه (۳) محاسبه می‌گردد.

رابطه (۳)

$$M \cdot e_i = \lambda_i \cdot I \cdot e_i$$

که در آن:

I: درجه ماتریس، در صورتی که تعداد متغیرهای اولیه برابر π باشد، درجه ماتریس برابر π خواهد بود.

در نهایت مقدار واریانس توضیح داده شده توسط عامل اصلی ۱ با استفاده از رابطه (۴) محاسبه می‌گردد.

رابطه (۴)

$$Var(e^i X) = \lambda_i$$

۲.۴. اولویت‌بندی و گروه‌بندی معیارهای حاصل از پرسشنامه‌ها

به منظور انجام تحلیل عاملی، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده کارشناسان، داده‌های موجود وارد نرم‌افزار SPSS گردیده و از این نرم‌افزار برای تحلیل اطلاعات استفاده می‌شود. در نتیجه تحلیل

عاملی انجام شده توسط این نرم افزار بر روی متغیرهای پرسشنامه، این متغیرها به هشت گروه تقسیم شدند. گروه‌های بدست آمده و امتیازات عاملی مربوط به آنها در جدول ۲ نمایش داده شده است. بررسی این جدول نشان می دهد دسته بندی متغیرها از منطق قابل قبولی

پیروی می کند و این موضوع خود نمایانگر اعتبار کافی داده های جمع آوری شده و روش بکاررفته است. لازم به ذکر است عامل های استخراج شده مجموعاً ۷۵/۳ درصد کل متغیرها را توضیح می دهد که درصد قابل قبولی برای پوشش ۳۰ معیار اولیه به شمار می رود.

جدول ۲. دسته بندی شاخص ها با استفاده از روش تحلیل عاملی

عامل				
۱	سطح سرویس معبر در ساعات اوج	۷۸/۷۶	۱۴/۶۸	۰/۷۳۹
	متوسط زمان سفر در معبر در ساعت اوج	۷۵/۲۶	۱۷/۸۳	۰/۷۵۱
	متوسط زمان سفر در شبکه	۷۷/۲۵	۱۶/۴۰	۰/۷۷۰
	میانگین سرعت در شبکه	۷۸/۳۳	۱۴/۷۸	۰/۷۳۱
	راحتی و آسایش مردم (زمان سفر جابجایی های بزرگ درون شهری)	۸۵/۴۵	۱۶/۲۷	۰/۷۱۸
۲	میانگین سرعت خودروها در معبر	۶۹/۸۵	۱۵/۷۰	۰/۶۳۰
	متوسط تاخیر در شبکه	۷۵/۵۱	۱۹/۳۴	۰/۵۹۵
	حفظ بافت با ارزش تاریخی	۸۲/۴۷	۱۹/۵۳	۰/۷۶۲
	حفظ ساختمان های زیبا و دارای ارزش های بصری و هویتی	۷۶/۳۲	۱۹/۳۱	۰/۷۹۴
	حفظ بافت سنتی و جلوگیری از گسستگی و شکست بافت معماری سنتی محلات شهری	۷۷/۵۳	۲۰/۰۶	۰/۷۳۴
۳	ملاحظات زیبایی شناختی و منظرآرایی	۷۷/۷۹	۱۷/۸۶	۰/۷۹۱
	نمای بصری	۴۷/۷۱	۲۱/۶۰	۰/۴۶۹
	ایجاد ممانعت دید برای سازه های با ارزش و دارای چشم انداز خاص	۶۵/۰۰	۲۳/۱۳	۰/۴۵۵
	پتانسیل ایجاد فضایی ناامن (بزهکاریهای اجتماعی)	۶۸/۹۱	۲۳/۳۳	۰/۷۶۰
	آلودگی صوتی	۷۲/۲۷	۲۰/۵۱	۰/۷۹۵
۴	مدیریت بحران (استفاده از تسهیلات طبقاتی در مواقع اضطرار و بحران)	۷۳/۰۶	۲۲/۲۱	۰/۶۷۳
	ملاحظات کاربری زمین	۷۶/۴۱	۲۰/۴۲	۰/۶۳۱
	آلودگی هوا	۷۸/۵۷	۱۹/۵۸	۰/۵۷۶
۵	هزینه بالای تملک اراضی، قطعات اطراف محور و حریم راه جهت گسترش معابر موجود	۷۱/۹۴	۲۰/۶۸	۰/۸۱۶
	تعارض با تاسیسات شهری	۷۲/۱۲	۲۲/۹۶	۰/۷۹۴
	هزینه کلی اجرا (Capital Cost)	۷۱/۷۳	۲۲/۵۶	۰/۸۲۰
۶	افزایش دید به بافت مسکونی اطراف محور (با توجه به موقعیت محور)	۶۵/۴۴	۲۳/۳۳	۰/۶۸۲
	حفظ مراکز خطی - محله ای و شهری	۶۸/۶۸	۲۱/۱۴	۰/۷۳۹
	حفظ کاربری های خدماتی در کنار معابر فعالیتی	۶۵/۰۰	۲۱/۹۲	۰/۷۳۱
۷	جداسازی نقش عبوری از نقش اجتماعی محور برای دسترسی آسان ساکنین به مراکز خرید	۷۹/۴۵	۱۸/۸۸	۰/۶۰۳
	تعداد گلوگاه های ترافیکی موجود در معبر	۷۴/۷۰	۱۸/۲۲	۰/۷۷۳
	مسافت پیموده شده در شبکه	۶۹/۸۵	۱۷/۷۸	۰/۷۳۱
۸	ملاحظات ایمنی (تعداد تصادفات)	۷۵/۰۰	۲۳/۱۱	۰/۸۱۰
	هماهنگی و همخوانی با برنامه های بلند مدت حمل و نقلی	۸۱/۵۶	۲۱/۲۶	۰/۶۸۷
	حجم روزانه شمارش شده در کمان	۶۵/۱۹	۱۸/۶۰	۰/۷۴۶

در جدول ۱، میانگین و انحراف از معیار امتیازات اختصاص یافته از سوی کارشناسان و مسولین به هریک از متغیرها ارائه شده است. با توجه به این جدول ملاحظه می‌گردد که معیارهایی مانند «راحتی و آسایش مردم (زمان سفر جابجایی های بزرگ درون شهری)»، «حفظ بافت با ارزش تاریخی» و «هماهنگی و همخوانی با برنامه‌های بلند مدت حمل و نقلی» که میانگین امتیازات اکتسابی آنها به ترتیب ۸۵/۴۵، ۸۳/۴۷ و ۸۱/۵۶ درصد است، رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع بدین معناست که این سه متغیر از نظر کارشناسان و مسولین حمل و نقل و شهرسازی مهمترین معیارها در امکان‌سنجی چندسطحی‌سازی معابر هستند.

ستون امتیاز عاملی نیز نشان‌دهنده همبستگی هر متغیر با عاملی است که در آن قرار گرفته است و همچنین نشان‌دهنده توانایی هر متغیر در پذیرفتن نمایندگی هر عامل است. هر متغیر در عاملی قرار می‌گیرد که امتیاز عاملی بالاتر و معنی‌داری در آن داشته باشد. این مقدار باید حداقل برابر ۰/۳۵ باشد. در این پژوهش امتیاز عاملی تمامی متغیرها بالاتر از این مقدار و معنادار است. در هر عامل، متغیری که امتیاز عاملی بیشتری داشته باشد، نماینده بهتری برای آن دسته از متغیرهاست. اگرچه در دسترس بودن اطلاعات و سهولت در تهیه اطلاعات در مرحله بعدی از اهمیت قرار دارد. به عنوان مثال، با نگاهی به جدول ۲ می‌توان دریافت در گروه ۳ این جدول امتیاز عاملی مرتبط با پتانسیل ایجاد فضایی ناامن و بروز بزهکاری‌های اجتماعی بیش از آلودگی صوتی می‌باشد ولی با توجه به سهولت تهیه اطلاعات، آلودگی صوتی به عنوان عامل برتر انتخاب می‌گردد. لازم به ذکر است پس از انتخاب عامل مربوطه در هر گروه، آن عامل انتخابی باید به خوبی قابلیت بیان سایر پارامترهای هم‌گروه خود را داشته باشد تا بتواند بخوبی بیانگر تمامی آن متغیرها باشد.

ستون بعدی این جدول نیز میزان اشتراک عامل‌ها و متغیرها را نشان می‌دهد. این عدد برابر مجموع مجذورات امتیاز عاملی هر متغیر در تمامی عامل‌ها است

و در واقع، نشان‌دهنده توانایی عامل‌های استخراج‌شده در تبیین واریانس متغیرهای اولیه است. این مقدار نباید کمتر از ۰/۵ باشد یعنی عامل‌های استخراج‌شده باید حداقل قابلیت پوشش ۵۰ درصد واریانس متغیر مربوطه را داشته باشد که در این پژوهش تمامی مقادیر جدول بالاتر از ۰/۵ می‌باشد. ستون آخر این جدول نیز نشان‌دهنده سهم واریانس توضیح داده شده توسط هر عامل است. همانطور که پیش از این ذکر شده، هشت عامل استخراجی قادرند مجموعاً بیش از ۷۵٪ داده‌های جمع‌آوری‌شده مربوط به متغیرهای اولیه را توضیح دهند. در این ستون می‌توان نقش کلی هر عامل را به صورت جداگانه در توضیح متغیرهای اولیه مشاهده نمود. برای مثال، عامل استخراجی نخست، بیش از ۱۱٪ اطلاعات مربوط به متغیرهای اولیه را توضیح می‌دهد. بدین ترتیب، با ۸ عامل استخراجی می‌توان تا ۷۵٪ واریانس ۳۰ متغیر اولیه را پوشش داد و در تصمیمات بعدی مورد استفاده قرار داد. در ادامه سعی گردیده است تا با توجه به امتیاز عاملی بدست آمده، عامل منتخب هر گروه انتخاب گردیده و چرایی انتخاب این گزینه شرح داده شود. در مورد عامل اول (سطح سرویس معبر در ساعات اوج) و چرایی انتخاب این گزینه می‌توان دریافت که سطح سرویس معبر به تنهایی می‌تواند بیانگر تمامی متغیرهای واقع در این گروه باشد به نحوی که متغیر سطح سرویس با زمان سفر، زمان تاخیر، سرعت و راحتی و آسایش کاربران اثرات متقابل دارند و کاهش یا افزایش زمان سفر، تاخیر، سرعت و راحتی وابسته به تغییرات سطح سرویس می‌باشد. پیرامون عامل دوم (حفظ بافت با ارزش تاریخی) نیز می‌توان دریافت با توجه به اهمیت بالای حفظ بافت تاریخی و جلوگیری از تخریب آن در نتیجه اجرای پروژه‌های شهری، مدنظر قرار دادن این متغیر در تصمیم‌گیری حول ساخت معابر چندسطحی نیز حائز اهمیت بالایی است. همچنین محاسبه این متغیر با توجه به قدمت و ارزش بافت تاریخی بسیار دقیق‌تر از محاسبه متغیرهای دیگری همچون آلودگی بصری است. برای مثال می‌توان شاخصی باتوجه به میزان قدمت بناهای تاریخی نیز

تعریف نمود که با افزایش قدمت بنا، میزان این شاخص نیز فزونی یابد. بنابراین دخیل نمودن معیار مربوط به حفظ بافت تاریخی می‌تواند به عنوان نماینده این دسته معیارها برگزیده شود.

در گروه سوم همانطور که پیش از این ذکر شد، میزان آلودگی صوتی ارتباط نزدیک‌تری با موضوع طرح دارد و از آنجا که علاوه بر داشتن امتیاز بالا در گروه، قابل تهیه نیز می‌باشد به عنوان پارامتر نهایی این گروه انتخاب گردیده است. در گروه چهارم سه متغیر نخست با کسب امتیازات عاملی نزدیک به هم، هرکدام می‌توانند به عنوان نماینده این دسته برگزیده شوند و انتخاب هر یک از پارامترها بویژه معیارهای «هزینه بالای تملک اراضی، قطعات اطراف محور و حریم راه جهت گسترش معابر موجود» و «هزینه کلی اجرا» می‌تواند پوشش‌دهنده دیگر متغیرها نیز باشد. اما به علت جامعیت بیشتر هزینه کلی اجرا این متغیر به عنوان متغیر برتر انتخاب گردیده است.

در گروه پنجم نیز، با توجه به این که عبور معابر اصلی بیشتر از میان بافت‌های یکپارچه فرهنگی- اجتماعی موجب ایجاد گسستگی در این بافت‌ها می‌شود، متغیر «حفظ مراکز خطی- محله‌ای و شهری» از اهمیت بالایی برخوردار است ضمن آن که توجه به این متغیر منجر به حفظ کاربری‌های خدماتی در کنار معابر فعالیتی نیز می‌شود و با جداسازی کاربران عبوری و محلی راه، دسترسی آسان ساکنین محلات را به مراکز خرید میسر می‌سازد. این اقدامات در حالی رخ می‌دهد که تنها با حفظ کاربری‌های خدماتی در کنار معابر فعالیتی

نمی‌توان به دو معیار دیگر دست یافت. بنابراین معیار «حفظ مراکز خطی- محله‌ای و شهری» بهترین عامل این گروه است.

در مورد گروه ششم می‌توان مشاهده نمود که با احداث معابر چندسطحی مسافت پیموده‌شده تغییرچندانی نخواهد یافت بلکه با کاهش تعداد گلوگاه‌های ترافیکی سفرهای با مسافت طولانی با سهولت انجام می‌پذیرد از اینرو تعداد گلوگاه‌های ترافیکی نکته مهمتری بوده و باید مدنظر قرار گیرد. از آنجا که بسیاری از طرح‌های حمل‌ونقلی بلندمدت به منظور بهبود شرایط تردد و افزایش ایمنی معابر و در نتیجه کاهش تعداد تلفات ناشی از تصادفات تعریف می‌گردد، استفاده از ملاحظات ایمنی به عنوان عامل منتخب گروه هفتم قابل تعریف است. بدین ترتیب علاوه بر مدنظر قرار گرفتن طرح‌های بلندمدت، سنجش شرایط ایمنی نیز صورت می‌پذیرد؛ در نهایت نیز عامل حجم روزانه شمارش‌شده در کمان که در واقع عامل اصلی انتخاب طرح معابر چندسطحی به جای استفاده از معابر همسطح می‌باشد به علت اهمیت خود در یک گروه مجزا قرار گرفته است.

در نهایت با مروری بر جدول ۲ و توضیحات ذکرشده پیرامون این جدول می‌توان دریافت که هشت عامل «سطح سرویس معبر در ساعات اوج»، «حفظ بافت با ارزش تاریخی»، «آلودگی صوتی»، «هزینه کلی اجرا»، «حفظ مراکز خطی- محله‌ای و شهری»، «تعداد گلوگاه های ترافیکی موجود در معبر»، «ملاحظات ایمنی (تعداد تصادفات)» و «حجم روزانه شمارش شده در کمان» به عنوان عوامل نهایی جهت امکانسنجی احداث

جدول ۳. بررسی میزان اهمیت هر یک از معیارهای مورد مطالعه در مبحث چندسطحی سازی معابر شهری

معیارهای مورد مطالعه	
۳۲/۹۵	معیارهای حمل‌ونقل و ترافیکی
۲۰/۰۳	معیارهای شهرسازی و معماری
۱۱/۷۱	معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی
۱۰/۵۹	معیارهای اجرایی و اقتصادی

انتخاب این عوامل براساس امتیاز عاملی هر متغیر و همچنین در دسترس بودن اطلاعات صورت گرفته است، با استفاده از این هشت عامل می‌توان ارزیابی مناسبی از گزینه‌های موجود در این زمینه انجام داد و پیرامون چندسطحی‌سازی معابر شهری تصمیم‌گیری نمود.

منابع و مأخذ

Abdi, H., and Williams, L. J. (2010) "Principal component analysis", Wiley Interdisciplinary Reviews: Computational Statistics.

Beaumont. R., (2010) "An introduction to Principal Component Analysis & Factor Analysis Using SPSS 19 (psych package)."

Buffington. Jesse L, Vadali. Sharada R, Womack. Katie N, Zimmer. Richard A, McCully. Wayne G, Nikolaou. Michael, Lewis. Carol A, (1997), "Social, Economic, and Environmental Effects of Elevated, Depressed, and At-Grade Level Freeways in Texas."

Bureau of Transportation Statistics, (2002)," National Household Travel Survey."

Cervero, R. (2006), "Freeway deconstruction and urban regeneration in the United States", international symposium for the 1st anniversary of the Cheonggyecheon restoration, Seoul, Korea.

Government of Jammu and Kashmir for the Asian Development Bank, (2012), "Initial Environmental Examination- Construction of Elevated Expressway Corridor (Flyover) from Jehangir Chowk to Rambagh and Natipora in Srinagar City"

Choi, J. (2006). "Cheonggyecheon Restoration Project: A revolution in Seoul."

Reilly. John, Parker. Harvey, (2007). "Benefits and life-cycle costs of underground projects-Underground Space the 4th Dimension of Metropolises", Taylor & Francis Group, London.

Samuel. Peter, Robert W. Poole, Jr. (2006), "Innovative Roadway Design Making Highways More Likeable."

Shepard. Richard, Georgiadis. Andrew, Linn. Jess, (2002), "Assessment of the Miami Urban Watch Alternative for Rebuilding I-395."

پژوهشگاه حمل‌ونقل طراحان پارسه، (۱۳۹۱) مطالعات امکانسنجی ایجاد خیابان‌های چندسطحی در شهر مشهد، معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهر مشهد.

معابر چندسطحی می‌تواند پوشش خوبی از ۳۰ پارامتر شناسایی شده داشته باشند و به منظور انجام مطالعات امکانسنجی احداث این نوع معابر می‌توان با استفاده از این هشت عامل، تصمیمی دقیق‌تر گرفت.

مروری بر این هشت عامل و گروه‌های انتخابی آنها در جدول ۳ نشان می‌دهد از میان عوامل موثر در چندسطحی‌سازی معابر شهری معیارهای ترافیکی و حمل‌ونقلی با ۳۲/۹۵ درصد اهمیت، معیارهای شهرسازی و معماری با ۲۰/۰۳ درصد اهمیت، معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی با ۱۱/۷۱ درصد اهمیت و معیارهای اجرایی و اقتصادی با ۱۰/۵۹ درصد اهمیت در رتبه‌های اول تا چهارم اهمیت قرار دارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با مروری بر تجارب سایر کشورهای مجری چندسطحی‌سازی معابر شهری می‌توان دریافت، در این زمینه تجارب مثبت و منفی بسیاری وجود دارد؛ از اینرو و با توجه به صرف هزینه‌های هنگفت برای احداث این نوع معابر (چه فروتر از و چه فراتر از)، بهتر آن است تا پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم برای ساخت معابر چندسطحی، امکانسنجی در این خصوص انجام پذیرد. از آنجا که با توجه به ۳۰ معیار موثر شناسایی شده در این زمینه، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها روندی سخت و وقت‌گیر خواهد بود، در این مقاله نویسندگان سعی در خلاصه‌نمودن پارامترها و انتخاب عواملی داشته‌اند که به بهترین نحو پوشش‌دهنده تمامی پارامترها باشد. از اینرو پس از طراحی پرسشنامه و اخذ نظرات کارشناسان حمل‌ونقل و ترافیک و شهرسازی و معماری، معیارهای شناسایی شده با استفاده از روش تحلیل عاملی مولفه‌های اصلی اولویت‌بندی گردیده است و در نهایت هشت عامل (سطح سرویس معبر در ساعات اوج، حفظ بافت با ارزش تاریخی، آلودگی صوتی، هزینه کلی اجرا، حفظ مراکز خطی- محله ای و شهری، تعداد گلوگاه‌های ترافیکی موجود در معبر، ملاحظات ایمنی (تعداد تصادفات) و حجم روزانه شمارش شده در کمان) به عنوان عوامل نهایی انتخاب گردیده است که دارای پوشش بیش از ۷۵ درصدی از معیارهای اولیه نیز می‌باشد. از آنجا که

تارنمای اطلاع‌رسانی سفارت ژاپن در ایران
<http://www.ir.emb-japan.go.jp/fa/index.html>

تارنمای رسمی تونل اسمارت
www.smarttunnel.com.my

تارنمای اطلاع‌رسانی بزرگراه امبارکادرو
http://en.wikipedia.org/wiki/Embarcadero_Freeway

زارع چاهوکی، م.ع. (۱۳۸۹) روش‌های تحلیل
چندمتغیره در نرم افزار SPSS، انتشارات دانشگاه

تهران

گزارش‌های اداره حمل‌ونقل فدرال
<http://www.fhwa.dot.gov/publications/publicroads/01julaug/bigdig.cfm>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۲
No.37 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

کاهش خطرات زلزله با تاکید بر عوامل اجتماعی رویکرد تاب آوری؛ نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران

سارا نیکمردنمین* - کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

ناصر برک پور - دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

مجید عبداللهی - دکتری برنامه ریزی شهری، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، ایران.

Risk Reduction of Earthquake with Emphasis on Social Factors of Resilience (Case Study: District 22 of Tehran)

Abstract

Natural hazards because of the severity and impact on communities in short time, have become one of the main concerns of planners and city managers in recent years, and we should notice that the earthquake is the most probable and destroyer hazard in our country. At the time of the earthquake, the first minutes and hours after the fact is extremely important, therefore strengthening the communities have a greater role in reducing risks, and this is accomplished only through education, preparation and adoption of the disaster, which should be achieved on behalf of the citizens. Resilience as a good way to reduce risks resulting from hazards and disasters is selected as the research approach. Having introduced the resilience and identification of its dimensions, and social factors of approach, some strategies are provided for reducing earthquake risks with an emphasis on social factors resiliency in District 22 of Tehran in this paper. Therefore, after the choice of social indicators which affects on resiliency of District 22, with census data of 1390, interviews conducted officials and questionnaires distributed among 96 residents to check the status of the index in this area are discussed. According to data analysis through SPSS software and content analysis of the interviews that conducted, the results of this study demonstrated adequate situation of indicators such as age, education level, attachment to place in the region and also it represents that there are plans for improvement of public participation and dissemination of hazards information, understanding and knowledge of risk, although indicators such as residents' attitude to risk and situation of specific groups needs more attention. Based on the current situation, some strategies are provided in order to strengthen the resiliency of District 22.

Keywords: District 22 of Tehran, Resilience, Social factors, Earth quake

چکیده

مخاطرات طبیعی به دلیل شدت و زمان کوتاه اثرگذاری بر اجتماعات بشری تبدیل به یکی از دغدغه های اصلی برنامه ریزان و مدیران شهری در سال های اخیر شده اند، سهم کشور ما از این مخاطرات بیشتر مربوط به زلزله است. در زمان وقوع زلزله، ساعات و دقائق اولیه بعد از وقوع بسیار پراهمیت است، به همین منظور تقویت اجتماع ساکن در یک محیط نقشی تاثیرگذار در کاهش خطرات دارد و این مهم تنها از طریق آموزش، آمادگی و پذیرش شرایط پس از بحران، از سوی شهروندان به دست می آید. تاب آوری، به عنوان رویکرد و روشی مناسب در جهت کاهش خطرات حاصل از بحران ها و مخاطرات، به عنوان رویکرد پژوهش حاضر انتخاب شده است. هدف اصلی این پژوهش پس از معرفی تاب آوری و شناسایی ابعاد مختلف آن، و نیز معرفی شاخص های بعد اجتماعی این رویکرد، ارائه راهبردهای کاهش خطرات زلزله با تاکید بر عوامل اجتماعی رویکرد تاب آوری در منطقه ۲۲ تهران است. در این تحقیق، پس از تعیین شاخص های اجتماعی تاثیرگذار بر تاب آوری منطقه ۲۲، با استفاده از داده های سرشماری سال ۹۰، مصاحبه با مسئولان ذیربط و توزیع پرسشنامه میان ۹۶ نفر از ساکنان به بررسی وضعیت این شاخص ها در منطقه ۲۲ تهران پرداخته شده است. در تحلیل اطلاعات نیز توامان از روش های کمی و کیفی استفاده شده است. با توجه به تحلیل داده ها از طریق نرم افزار SPSS و نیز تحلیل محتوای مصاحبه های صورت گرفته، نتایج این پژوهش بیانگر وضعیت نسبتاً مطلوب شاخص های سن، سطح آموزش، دلبستگی به مکان در سطح منطقه و وجود برنامه هایی برای بهبود وضعیت مشارکت، اطلاع رسانی مخاطرات، درک و دانش عمومی از خطر است. با این وجود همچنان شاخص هایی نظیر نحوه نگرش ساکنان به مقوله خطر و وضعیت گروه های خاص به توجه بیشتری نیاز دارند. بر این اساس راهبردهایی برای تقویت وضعیت فعلی و تاب آور ساختن منطقه از لحاظ اجتماعی در برابر زلزله ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تاب آوری، زلزله، بعد اجتماعی، منطقه ۲۲ تهران.

اجتماعی در آمادگی شهروندان و تأثیر آن بر کاهش خطرات حاصل از بحران به دست نخواهد آمد، از این رو در این پژوهش رویکرد «تاب‌آوری» که از رویکردهای نوین در عرصه زیست‌محیطی و اجتماعی است، به عنوان زمینه و جهت‌گیری تحقیق در نظر گرفته شده است. تاب‌آوری رویکردی نوپا و نوظهور و در عین حال چندجانبه و کارآمد است. این رویکرد توجه خاصی به ابعاد اجتماعی در کنار دیگر ابعاد شکل دهنده جامعه دارد. هدف اصلی این پژوهش «ارائه راهبردهای کاهش خطرات زلزله با تأکید بر عوامل اجتماعی رویکرد تاب‌آوری در منطقه ۲۲ تهران» است و هدف فرعی آن نیز «بررسی و تحلیل شرایط اجتماعی موجود منطقه ۲۲ تهران و آرایه راهکارهایی در ارتقای تاب‌آوری و سازگاری در جهت کاهش اثرات زلزله متناسب با ویژگی‌های منطقه ۲۲ تهران» است. همچنین در این پژوهش سعی بر آن شده است که به دو سوال پاسخ داده شود: ۱- مولفه‌های اجتماعی تاب‌آوری در حوزه کاهش خطرات زلزله کدامند؟ ۲- راهکارهای ارتقای تاب‌آوری و سازگاری در جهت کاهش اثرات خطرات زلزله متناسب با ویژگی‌های منطقه ۲۲ تهران چیست؟ در مقاله پیش‌رو پس از معرفی روش‌شناسی پژوهش، مبانی نظری بررسی شده و در انتها نیز به بررسی یافته‌های پژوهش پرداخته شده است.

۲- روش‌شناسی

در این پژوهش بعد از استخراج شاخص‌ها با استفاده از منابع آماری، مصاحبه‌های اکتشافی و پرسشنامه، به بررسی وضعیت این شاخص‌ها در سطح منطقه ۲۲ پرداخته شده است. به منظور سنجش روایی پرسشنامه، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. با توجه به خروجی اول پرسشنامه (۱۰ پرسشنامه نمونه در مرحله پیش‌آزمون)، شاخص kmo نزدیک به یک به دست آمد، که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌گیری است. پایایی پرسشنامه با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده در پیش‌آزمون به روش آلفای کرونباخ سنجیده شده است. مقدار آلفای کرونباخ معادل $0/83$ به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه است (زمانی که آلفای

رویارویی با سوانح طبیعی در سال‌های اخیر تبدیل به یکی از بزرگترین دغدغه‌های نوع بشر شده است. علیرغم همه تلاش‌ها و پیشرفت‌های صورت گرفته به منظور مقابله با مخاطرات و بحران‌های طبیعی، محدودیت‌هایی از جانب طبیعت به انسان تحمیل می‌گردد که از آمادگی صد درصدی انسان‌ها برای مقابله جلوگیری می‌کند. مواردی از قبیل ممکن نبودن پیش‌بینی دقیق، حجم زیاد خسارات وارد شده در مدت زمانی کوتاه، از جمله محدودیت‌های ذکر شده هستند. بنابراین ارکان یک جامعه (مدیریتی، کالبدی و اجتماعی) باید همواره در شرایط آماده برای مقابله با این مخاطرات ناگهانی باشند تا حجم خسارات را تا حد ممکن کاهش دهند. با توجه به آمار سال ۱۳۹۰، از مجموع ۱۳۳۱ شهر در ایران، بیش از یک سوم آن‌ها در پهنه‌های دارای خطر نسبتاً بالا، بالا و بسیار بالا از نظر خطر زلزله قرار دارند. موقعیت خاص شهر تهران که مقر بسیاری از فعالیت‌های ملی نیز است، اهمیت و ضرورت و لزوم توجه به آمادگی در برابر زلزله را در این شهر بیشتر مشخص می‌کند.

برخی معتقدند تمرکز بر مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، بهترین راه برای مقابله با زلزله و کاهش اثرات سوء آن است، ولی باید در نظر داشت که این مهم به تنهایی و بدون آمادگی ذهنی و جسمی ساکنان یک جامعه رخ نخواهد داد. در زمان وقوع هر بحرانی، در صورتی که جامعه هدف آن بحران، آمادگی ذهنی برای مقابله با آن را داشته باشند، حجمی وسیع از اغتشاشات و بی‌نظمی‌های بعد از بحران کاهش می‌یابد. بنابراین در کنار آماده‌سازی کالبد یک شهر برای رویارویی با بحران، لازم است ساکنان عادی نیز آموزش‌های لازم برای آنرا ببینند تا با قبول شرایط به وجود آمده، اولین گام‌ها را برای حفظ زندگی خود و اطرافیان و بعد از آن، بهسازی جامعه بحران‌زده بردارند. برای آمادگی کامل جامعه نیاز به آموزش‌ها و آمادگی‌های ذهنی است، اما این مهم به تنهایی و بدون وجود رویکردی راهنما به منظور سنجش و بررسی میزان تأثیر شاخص‌های

کرونباخ بیش از ۰/۷ باشد، پرسشنامه پایایی لازم را دارد (Carver & Nash, 2009). پس از تایید روایی و پایایی، پرسشنامه در سطح وسیع تر و میان ۹۶ نفر از ساکنان ۴ ناحیه منطقه ۲۲ با توجه به ترکیب جنسی و جمعیت هر یک از نواحی توزیع گردید. به منظور نمونه گیری در این تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است. با لحاظ کردن ۱۰٪ خطا و ۹۵٪ سطح اطمینان، تعداد ۹۶ نفر از ساکنان با ترکیب جنسی ۵۱٪ مردان (۴۹) و ۴۹٪ (۴۷) زنان در محدوده مکانی مورد بررسی (منطقه ۲۲ تهران) انتخاب شدند.

در انتها به منظور تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع آوری شده حاصل از پرسشنامه‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش‌های مبتنی بر مقایسه میانگین‌ها، بررسی همبستگی‌ها و روش‌های مشابه از نرم افزار SPSS و برای تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته نیز از روش‌های مربوط به تحلیل محتوا استفاده گردیده است.

۳- مبانی نظری

ضررهای ناشی از بلایای طبیعی بر زندگی مردم آثاری گاه غیرقابل جبران به جا خواهد گذاشت. آمار و ارقام جهانی در مورد خسارات ناشی از حوادث طبیعی، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۱، ۷۰۰ حادثه طبیعی شناسایی شده که منجر به ۲۵۰۰۰ کشته، ۳۶ میلیارد دلار خسارت اقتصادی و ۱۱/۵ میلیارد دلار خسارات بیمه‌ای شده است (صالحی، آقابابایی، سرمدی، فرزادبهباش، ۱۳۹۰). بنابر گزارشات، در سال ۲۰۱۲ تعداد کمتری از مردم نسبت به دهه‌های گذشته در معرض آسیب ناشی از حوادث قرار گرفته‌اند. هرچند این آمار مثبت تلقی می‌شود اما حوادث عظیمی همچون سیل در بریتانیا در سال ۲۰۰۷ که سه میلیارد پوند هزینه در برداشته (Antrobus, 2011)، سونامی سال ۲۰۰۴ اقیانوس هند، توفان نرگس در میانمار در سال ۲۰۰۸ و یا زلزله ۲۰۱۰ هائیتی، مشکلات عظیمی را برجا گذاشته‌اند که نشانگر ضعف عمومی در رویکردهای کاهش خطر و مقابله با بحران‌ها و مخاطرات طبیعی هستند (World Disasters Report, 2013)

آمارها نشان می‌دهد که در هشتاد سال گذشته در جهان بیش از ۱/۵ میلیون نفر و در ایران بیش از ۱۵۰ هزار نفر، در اثر زلزله، جان خود را از دست داده‌اند. نکته قابل توجه آن است که این رقم در حدود ۱۰٪ تلفات کل جهان در این مدت است در حالی که جمعیت ایران تنها حدود ۱/۲٪ جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهد (تقفی، زمستان و بهار ۱۳۷۷-۱۳۷۸). به دنبال ضرورت توجه به زلزله و اثراتش و شناسایی راه‌های کاهش خطرات و آسیب‌های ناشی از آن، تدوین مطالعات و آئین‌نامه‌هایی در دستور کار سازمان‌های ذیربط برای مقابله با زلزله در کشور قرار گرفت که از این میان می‌توان به مطالعات جایکا اشاره نمود. مطالعات و آئین‌نامه‌هایی همانند جایکا تنها بخشی از پروسه کاهش خطر و مقاومت سازه‌ها و به تبع آن مقاومت و پایداری شهر در برابر زلزله هستند. بخش اعظم آمادگی در برابر خطری همچون زلزله مربوط به توانایی‌های فردی و اجتماعی است. به همین دلیل پژوهش حاضر با استفاده از رویکردی نوین که بر مولفه‌های اجتماعی جامعه برای افزایش ایستایی و پایداری در برابر زلزله تاکید دارد، به سنجش و بررسی نحوه تاثیر این مولفه‌ها و ارائه راهبردهایی در جهت افزایش توان جامعه برای روبه رویی با مخاطرات می‌پردازد.

تاب آوری برگرفته از ریشه لاتین «Resilio» به معنای بازگشت به گذشته است. وقتی سخن از تاب آوری به میان می‌آید، مقصود توانایی یک سیستم در تحمل شوک وارده به آن و تلاش در جهت بهبود اوضاع و رسیدن به تعادل است. آنچه باید در نظر داشت این امر است که لزوماً این تعادل به معنای رسیدن به حالت قبل از ورود شوک نیست، بلکه شرایطی است که در آن، سیستم خود را با تغییرات به وجود آمده وفق می‌دهد و حالت پایداری را تجربه می‌کند. مطالعه در زمینه تاب آوری از سال ۱۹۷۳ و توسط هولینگ در مقاله‌ای با عنوان «تاب آوری و پایداری سیستم‌های اکوژیکلی»^۱ با دیدگاه محیط زیستی آغاز شد (Holling, 1973). به دنبال این امر و بعد از طرح مفهوم هولینگ، اندیشمندان

جدول ۳. ارتباطات میان توسعه پایدار و تاب‌آوری

محقق	نوع ارتباط	توضیحات
کامن و پرینگز (1992) Common & Perring	مستقیم - قابل جایگزینی	«یک سیستم ممکن است هولینگ - پایدار خوانده شود اگر و تنها اگر هولینگ - تاب‌آور باشد»
هولینگ و والکر (2003) Holling & Walker	مستقیم - قابل جایگزینی	«یک سیستم اجتماعی - زیست محیطی تاب‌آور، مترادف است با منطقه‌ای که از لحاظ اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی پایدار است»
لوین و همکاران (1998) Levin et al.	هم‌ارز - پایاپای	«تاب‌آوری یک راه ترجیح داده شده برای تفکر در مورد یابرداری در اجتماع همانند سیستم‌های طبیعی است»
لیبل و همکاران (2009) Lebel et al.	تاب‌آوری پیش شرط توسعه‌ی پایدار	«تقویت ظرفیت جوامع برای مدیریت تاب‌آوری به‌طور موثری بر ادامه و دنباله توسعه‌ی پایدار تاثیر گذار است»
ارو و همکارانش (1995) Arrow et al.	تاب‌آوری پیش شرط توسعه‌ی پایدار	«فعالیت‌های اقتصادی زمانی پایدار قلمداد می‌شوند که اکوسیستم‌های پشتیبان زندگی‌ای که وابسته به آن هستند، نیز تاب‌آور باشند»
Derissen, Quaa, & Baumgärtner, 2009		

تاب‌آوری به عنوان یکی از مسئولیت‌های اولیه در منطقه شهری منچستر بزرگ (بعد از سیل ۲۰۰۷) و (Antrobus, 2011)؛

- تمرکز بر افزایش اهمیت توانایی برون رفت از یک بلا بدون هرج و مرج بعد از تجربه بلایای اخیر در مناطق شهری آمریکا (گادزچاک، ۱۳۹۰)؛

- مطالعات پژوهشی در آسیا مانند مطالعه صورت گرفته در کشور هند بعد از وقوع سیل سال ۲۰۰۵ بمبئی به منظور بررسی ابعاد تاب‌آوری و استفاده از ابزار سنجش میزان تاب‌آوری در راه رسیدن به این مهم (Parshar, Shaw & Takeuchi, 2012). در سال‌های اخیر نیز در ایران، توجه به این مفهوم در مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی افزایش یافته است.

۴- تاب‌آوری^۲

هولینگ به عنوان اولین فردی که از این دانش واژه استفاده می‌کند، از یک شاخص گم‌شده به نام «ظرفیت تغییر»، استفاده می‌کند که پایه و اساس تفکر تاب‌آوری است (Gross, 2008). طبق تعریف هولینگ، تاب‌آوری عبارت است از: «معیاری از توانایی سیستم برای جذب

متعددی در ابعاد و علوم مختلف به این مفهوم پرداختند. از سال ۲۰۰۵ میلادی و در همایش هیوگو، واژه‌ی تاب‌آوری وارد مباحث مدیریت سوانح شد و به تدریج در هر دو زمینه نظری و عملی کاهش خطرهای سوانح، جایگاه مهم تری را به خود اختصاص داد. در سال‌های اخیر، مفاهیمی مانند جوامع تاب‌آور، معیشت تاب‌آور و ایجاد جوامع تاب‌آور به صورت معمول در مقالات علمی به کار رفته است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۰). به تدریج و بعد از مطرح شدن این رویکرد در عرصه زیست محیطی، شاهد قدم گذاشتن آن به عرصه شهر و مقابله با بحران‌ها هستیم. برگزاری همایش هیوگو، توجه خاص سازمان ملل در جهت رسیدن به شهرهای تاب‌آور در سطح جهان، شکل‌گیری کمپین کاهش خطر بلایا^۱ ز تلاش‌های جهانی در راه مطرح ساختن این رویکرد هستند. همچنین در برنامه‌های شهری مناطق مختلف نیز لزوم توجه به بحران‌ها و مخاطرات طبیعی و استفاده از تاب‌آوری به عنوان رویکرد کارا لحاظ گردیده است، برخی از نمونه‌های این توجهات عبارتند از:

- قرار گرفتن تهیه نقشه خطر سیل در راستای

1. Disaster Risk Reduction

۲. Resilience تاب‌آوری به عنوان ۱- میزان تخریب و زبانی که یک سیستم قادر است جذب کند بدون آنکه از حالت تعادل خارج شود؛ میزان توانایی یک سیستم برای خود سازماندهی در شرایط مختلف؛ و ۳- میزان توانایی سیستم در ایجاد و افزایش ظرفیت یادگیری و تقویت سازگاری با شرایط تعریف می‌شود. (رضایی، ۱۳۹۰)

تغییرات، در حالی که هنوز مقاومت قبلی را دارد» (Holling, 1973).

تا پیش از ورود تاب‌آوری به مباحث مربوط به حفظ پایداری محیطی، توسعه پایدار به عنوان راه‌نمایی برای حفظ و بهبود شرایط قلمداد می‌شد، اما مشکل اصلی بسط تعریف توسعه پایدار آن است که کاربرد آن در یک حوزه (اقتصادی، محیطی، کالبدی و اجتماعی) اغلب موجب هزینه در سایر حوزه‌ها می‌شود.

(Parshar, Shaw, & Takeuchi, 1, 2012)

در واقع به علت این هزینه‌های وارد شده امکان هماهنگی و ایجاد روابط پایا بین عناصر بیرونی و درونی سیستم عظیمی همچون شهر تا حد زیادی کاهش می‌آید. در این بین رویکرد تاب‌آوری با هدف قرار دادن حفظ تعادل سیستم بعد از وقوع شوک و تغییر، کاربرد گسترده‌ای در مباحث مدیریت سوانح پیدا کرده است. در نگاهی سطحی، هدف از «تاب‌آوری» به عنوان آرمانی جهانی در سطح فردی، سازمانی و جامعه‌ای مطرح است، ولی در واقع تاب‌آوری در برابر بلایا، نیازمند ترکیب موارد متعددی است که در ظاهر مخالف هم هستند (گادزچاک، ۱۳۹۰). تاب‌آوری به دنبال پوشش

ضعف‌های درونی توسعه پایدار و تکمیل این رویکرد وارد عرصه دانش شد. ارتباطات زیادی میان تاب‌آوری و توسعه پایدار توسط محققان مطرح شده است که در جدول ۲ به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

تاب‌آوری مفهومی است که در میان رشته‌های مختلف از اکولوژی و محیط‌زیست تا اقتصاد و سیاست جایگاه خود را پیدا کرده است. در میان تمامی تعاریف این مفهوم، همان «ظرفیت جذب» که هولینگ اولین بار به آن اشاره کرد خود را نشان می‌دهد. بعد از طرح مفهوم از سوی هولینگ، اندیشمندان متعددی در ابعاد مختلفی به طرح این مفهوم پرداختند که از میان آن‌ها می‌توان به پیم^۱، ادگار^۲، کارپنتر^۳، مانینا^۴، بروننوه^۵ و دیویس^۶ اشاره کرد. سیر تحول حوزه مطالعات تاب‌آوری در دسته‌بندی زیر قرار می‌گیرد:

برخی از تعاریفی که در سال‌های اخیر از تاب‌آوری ارائه شده است به شرح جدول ۴ است.

ظرفیت تغییر و پذیرش وقوع تغییر در سیستم‌ها عنصر مشترک میان تعاریف بالا است.

تعریف عملیاتی شهر تاب‌آور

شهر تاب‌آور شهری است که ظرفیت تحمل و پذیرش

جدول ۳. سیر تحول حوزه مطالعات تاب‌آوری

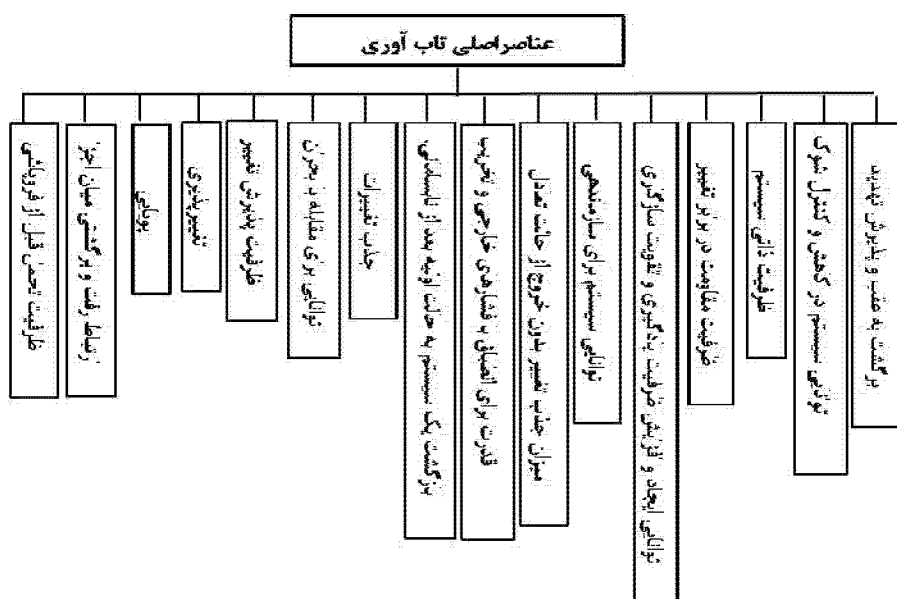
حوزه	محققان
سیستم‌های زیست محیطی	Holling et al.(1995) -Folke et al. (2004)- Chapin et al. (1997)- Olsson et al. (2004)- Cash and Moser (2000)
سیستم‌های اجتماعی	Adger (1997 2000)- Olick and Robbins (1998)- Peluso et al. (1994)- Freudenburg(1992)
ترکیب دو دیدگاه بالا: سیستم‌های زیست محیطی - اجتماعی X: تاب‌آوری در برابر بحران DROPxi	Cutter et al. (2008b)
(Ainuddin & Routray, 2012)	

1. Pimm, 1984
2. Adger, 2000
3. Carpenter et al., 2001

4. Manyena, 2006
5. Bruneau et al., 2003
6. Davis, 2006

جدول ۴. تعاریف تاب آوری

سال	تعریف تاب آوری	ویژگی تعاریف
۲۰۰۷	تاب آوری درجه ای است که سیستم قبل از سازماندهی مجدد قادر به تحمل و از هم نپاشیدن است (Walker, ۲۰۰۷).	ظرفیت تحمل قل از فروپاشی
۲۰۰۸	تاب آوری فرایندی است که موجب ارتباط میان ظرفیت های انطباقی با پاسخ ها و تغییرات بعد از وقوع عوارض جانبی می شود. (Norris et al., ۲۰۰۸)	ارتباط رفت و برگشتی میان اجزا
۲۰۰۹	تاب آوری مفهومی است توصیفی که به ما بینشی در مورد خواص پویایی سیستم می دهد. (Derissen, Quaas, & Baumgärtner, ۲۰۰۹)	پویایی
۲۰۱۰	تاب آوری فرایندی پویا و تعاملی و همیشه در حال تغییر بین فرد و محیط است (Pooley & Cohen, ۲۰۱۰)	پویا و تغییرپذیر
۲۰۱۱	تاب آوری ظرفیت و توانایی جامعه به منظور مقاومت در برابر شوک، زنده ماندن، وفق دادن، رسیدن به تعادل بعد از وقوع بحران و گذشتن سریع از آن است. (Resilient Cities ۲۰۱۱ Congress results in brief, ۲۰۱۱)	ظرفیت پذیرش تغییر
۲۰۱۲	تاب آوری، مفهومی است دال بر ظرفیت جوامع و اقتصاد برای انطباق با شوک در زمان روبه رویی با بحران. ظرفیت مقاومت در برابر شوک و اختلالات با حداقل اختلال در عملکرد سیستم (ESCAP, ADB, & UNEP, ۲۰۱۲)	ظرفیت پذیرش تغییر
۲۰۱۳	تاب آوری جامعه توانایی برای پیش بینی خطر وقوع بلا، تاثیرات محدود، و بازگشت به موقعیت قبل از بحران با در امان ماندن، سازگاری، و تحول و رشد در موقع روبه رویی با تغییر است (Community & Regional Resilience Institute, ۲۰۱۳)	توانایی برای مقابله با بحران



جدول ۶. اصول تاب آوری

گادزچاک (Gadzchalk-۲۰۰۳)	واردکر و همکاران (Wardekker et al.)، (۲۰۱۰)	اشمیت و گارلند (Schmidt & Garland, ۲۰۱۲)
فراوانی و کارآمدی	خودسازماندهی	حفظ عملکرد
تفکیک و وابستگی	تنوع	بلندمدتی فرایند
استحکام و انعطاف پذیری	پاسخدهی سریع	توانایی یادگیری و انطباق
خودمختاری و همکاری	مشارکت	تاب آوری به عنوان بعد مخال فآسیب پذیری
برنامه ریزی و سازگاری	ظرفیت مازاد	پایداری جوامع تاب آور
	افزونگی	
	مجزا بودن	

جدول ۷. ابعاد تاب آوری

معرفی	بعد
در فعالیتهای اقتصادی تاب آوری به نیاز سیستم اقتصادی به سیستم پشتیبان برای حفظ پایداری و تعادل بعد از وقوع سوانح و بحرانها می پردازد	اقتصادی
در بعد کالبدی علاوه بر تامین سرپناههایی برای آسیب دیدگان بعد از وقوع بحران، به اصولی برای طراحی کالبد قبل از وقوع بحران و مخاطره پرداخته می شود.	کالبدی - محیطی
تاب آوری نهادی بر روی مواردی چون برنامه ریزی، مدیریت و آمادگی سیستم برای مقابله با خطر تمرکز دارد.	نهادی
ظرفیتهای مختلف اجتماعی برای جامعه به منظور رسیدگی به اثرات حاصل از مخاطره (بحران) را به تصویر میکشد.	اجتماعی
(Norris, Stevens, Pfefferbaum, Wyche, & Emrich, ۲۰۱۰), (Cutter, Burton, Pfefferbaum, ۲۰۰۸), (Adger, ۲۰۰۰), (Baumgärtner & Quaas, Derissen ۲۰۰۹), (Folke ۲۰۰۶), (Godschalk, AUGUST ۲۰۰۳)	

خطر پیش از فروپاشی سیستم را دارد. سیستم این شهر پویا و تغییرپذیر است. در زمان وقوع خطر، تغییرات را جذب می کند و باز هم به حالت تعادل بازمی گردد. این شهر توانایی برگشت به عقب و پذیرش تهدید را دارد. این ویژگی های منجر به این می شوند که شهر تاب آور پایدار و پویا باشد. برای کارایی بهتر سیستمی عظیم همچون شهر و تاب آور ساختن آن و دستیابی به شهر تاب آور نیاز به رعایت اصولی و تدوین راهبردهایی می باشد، در جدول ۶ مهم ترین اصول تاب آوری از دیدگاه برخی از محققان شناخته شده در این حوزه ذکر شده اند.

با استفاده از این اصول می توان در جهت ایجاد شهر تاب آور و ارائه راهکارهای مناسب در جهت افزایش تاب آوری محیطی قدم برداشت. در این پژوهش نیز از اصول ذکر شده به عنوان راهنمایی برای راهکارهای پیشنهادی استفاده شده است.

مدل تاب آوری منتخب

تاب آوری، رویکردی است چندوجهی و بحث پیرامون این رویکرد نیازمند توجه به ابعاد مختلف و تاثیرگذار بر آن است. در این میان ۴ بعد اجتماعی، اقتصادی، نهادی،

رویارویی با خطر را داشته باشند، تا زمانی که ساکنان آن محیط از لحاظ ذهنی و روحی آماده نباشند احتمال تداوم آشوب و هرج و مرج در محل آسیب دیده وجود خواهد داشت. اینکه افراد یک جامعه در برابر بروز بلا، چه واکنشی از خود نشان می دهند، نیازمند بررسی است، چنانچه فرد نتواند سانحه رخ داده را به عنوان رویدادی که اتفاق افتاده، قبول کند و خود را با شرایط موجود هماهنگ سازد، عملاً دیگر تدابیر کالبدی و مدیریتی چندان کارا نخواهند بود. آموزش و توجه به ابعاد اجتماعی و انسانی هر جامعه راهی برای دستیابی

کالبدی به عنوان ابعاد تاب آوری معرفی شده اند. تاب آوری اجتماعی یک از مولفه های اصلی جامعه تاب آور است، که ظرفیت های مختلف اجتماعی را برای جامعه به منظور رسیدگی به اثرات حاصل از وقوع بحران (زلزله به عنوان نمونه در این تحقیق) را به تصویر می کشد. شهر بدون سیستم های اجتماعی تاب آور به شدت در برابر بلایا آسیب پذیر است (Godschalk, 2003). در هنگام بروز یک سانحه و پس از آن، نقش اجتماع ساکن در یک محیط، بسیار زیاد و تاثیرگذار است. هر اندازه هم ابعاد مدیریتی و کالبدی، یک محیط آمادگی



جدول ۸. ابزار تحقیق

ابزار	شاخص
آمار ۱۳۹۰	سن - سطح تحصیلات
مصاحبه: - دبیر ستاد بحران شهرداری منطقه ۲۲ تهران - دبیر طرح جامعه ایمن (منطقه ۲۲) - دبیر خانه دوام (۴ دبیر از دبیران خانه‌ی دوام)	دانش، اطلاعات مربوط به مخاطرات و بحران‌ها - مشارکت - مهارت، نگرش - وضعیت گروه‌های خاص
پرسشنامه	دلبستگی به مکان - مشارکت - درک و دانش عمومی از خطر - اطلاعات مربوط به مخاطرات و برحان‌ها - آگاهی - نگرش

جدول ۹. دلایل تعلق خاطر و عدم تعلق خاطر ساکنان

تعلق خاطر ظرم به دلیل -	تعلق خاطر ظرم به دلیل -	
تعلق خاطر ظرم به دلیل -	تعلق خاطر ظرم به دلیل -	روایی
	قدیمی بودن و ترسش بودن در محل	
	وجود بوستان و آشنایان	
	عادت	
	آشنایی با محیط -	
	آرامش و سکوت منطقه	فرهنگی
	سطح بالای فرهنگ	
	توری از ترافیک و شلوغی شهر	دسترسی
	دسترسی آسان به مترو و بزرگراه‌های اصلی	
	نزدیکی به محل کار	
	هوای سالم	زیست محیطی
	ساخت و ساز آهسته و لیکن خفه‌ساز شدن	کالبدی
	خانه تازه ساخت و اصولی	
	بافت مناسب منطقه	
	کمبود امکانات و توری از فضاهای آسایشی	امکانات

سوی اجرایی ساختن توسعه پایدار است. منطقه ۲۲ شهرداری تهران، بنیان‌گذار حرکتی نوین در جهت دستیابی به الگوی مناسب و بهینه زندگی شهری است (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۳). منطقه ۲۲ تهران، شامل ۴ ناحیه و ۹ محله و طبق سرشماری سال ۹۰ جمعیت کل آن، ۱۲۸۹۵۸ نفر برآورد شده شده که سهمبیشتر جمعیت (۵۱٪) مختص به آقایان بوده است.

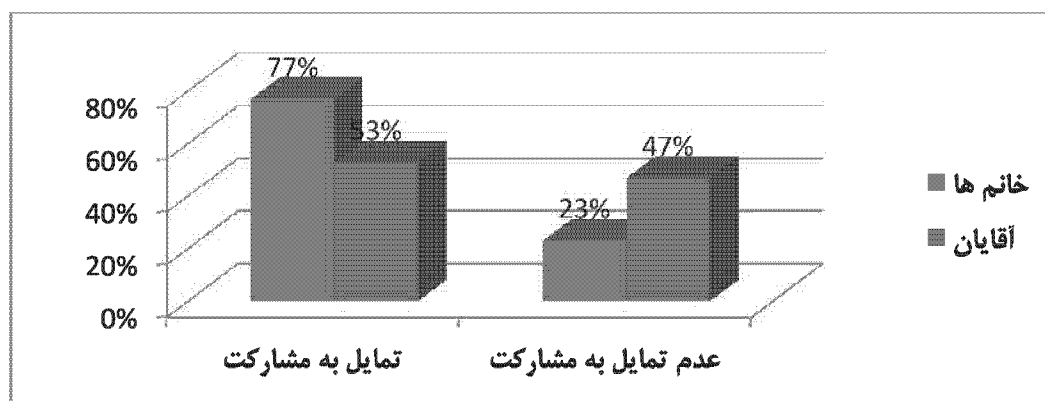
شاخص سن: ۳۶٪ ساکنان منطقه ۲۲ در محدوده سنی ۲۵-۴۰ سال دارد که این محدوده در رده جوانان دسته‌بندی می‌شود و از لحاظ عملکرد در زمان بحران

به موفقیت بیشتر در مسائل پیش روی شهر است. از سوی دیگر آموزش و استفاده از تکنیک‌های مشارکتی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، در تقویت سطح آگاهی و دانش اجتماع به منظور ارتقای سطح تاب‌آوری به نظر تاثیر گذار می‌آید. این شاخص‌ها از طریق سه ابزار مورد سنجش قرار گرفتند (صفحه بعد).

۵- یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی مولفه‌های اجتماعی رویکرد تاب‌آوری و تقویت این موارد در راستای کاهش خطر در برابر زلزله، منطقه ۲۲ تهران به عنوان نمونه موردی در نظر گرفته شد. اصلی‌ترین دلیل انتخاب، حرکت منطقه به

نمودار ۱. میزان تمایل مشارکت آقایان و خانم ها در فرآیند آموزش



ارتباطی معنی دار میان سن، جنسیت و تعلق خاطر با میزان مشارکت به دست آمد:

۱. سن: سن بر مشارکت موثر است؛ گروه سنی ۲۲-۴۰ سال بیشتر تمایل به مشارکت دارند.

۲. جنسیت: با انجام آزمون همبستگی مشخص شد که ارتباط مستقیمی میان جنس و تمایل به مشارکت وجود دارد و مشارکت بانوان در این امور بیشتر از آقایان است.

۳. تعلق خاطر: بررسی و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که حس تعلق بر میزان مشارکت تاثیر دارد و با افزایش میزان حس تعلق خاطر، میزان تمایل به مشارکت افزایش می‌یابد.

شاخص دانش و آگاهی: بیش از ۷۰٪ پاسخ‌دهندگان، آموزش برای مقابله با زلزله را امری ضروری می‌دانستند و همچنین از طریق آزمون Chi-Square مشخص شد که میان سطح آموزش و و ضرورت آموزش از دید شهروندان ارتباط مستقیمی وجود دارد و آن دسته از افرادی که قبلاً در مورد آمادگی در برابر زلزله آموزش دیده‌اند آن را ضروری تر از بقیه افراد می‌دانند.

شاخص درک و دانش عمومی از خطر: بیش از ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان، وقوع زلزله را نسبت به دیگر مخاطرات، خطرناک تر می‌دانند. طبق اصل پایه‌ی تاب‌آوری، قبول خطر اولین گام در جهت مقابله و کاهش اثرات آن است، که از این جهت، حجم نمونه در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین از دید شهروندان حادثه‌ای که توان مقابله با آن را نداشته باشند به مراتب خطرناک تر از دیگر حوادث است. در تعریفی جامع از سوی پرسش‌شوندگان، خطر

توانایی عملکرد مثبت دارند.

شاخص سطح آموزش: برطبق اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، ۹۶٪ ساکنان منطقه ۲۲ باسواد هستند. در میان جمعیت پرسش‌شونده نیز از لحاظ سواد وضعیت زیر برقرار است: ۷ درصد زیردیپلم، ۳۷٫۵ درصد دیپلم، ۱۷٫۷ درصد فوق دیپلم، ۲۸٫۱ درصد لیسانس، ۸ درصد فوق لیسانس، ۱ نفر دکترا. بیشتر پاسخ‌دهندگان در محدوده‌ی دیپلم قرار دارند.

شاخص دل‌بستگی به مکان: برطبق بررسی‌های صورت گرفته از جمعیت مورد پرسش، ۵۷٪ نسبت به محل زندگی خود احساس تعلق خاطر داشتند و دلایل پرسش‌شوندگان برای داشتن و یا نداشتن حس تعلق خاطر در جدول زیر به تصویر کشیده شده است:

شاخص مشارکت: ۶۵٪ از پرسش‌شوندگان امر مشارکت را در فرایند مدیریتی محله زندگی خود کاملاً تاثیرگذار می‌دانستند، و تنها ۱۰٪ نسبت به وجود مشارکت در فرایندهای مدیریتی خوشبین نبودند. همچنین در مورد تمایل به شرکت در مانورهای آموزشی ۵۲٪ از افراد اعلام آمادگی کردند. در مورد تمایل به مشارکت شهروندان پس از وقوع زلزله، ۴۶٪ اعلام آمادگی نمودند اما تقریباً برابر با این میزان نیز تمایل به شرکت در بازسازی و کمک پس از بحران نداشتند و دلیل این امر را نیز عدم داشتن توانایی و دانش لازم در این زمینه عنوان کردند. در مورد شرکت در برنامه‌های آموزشی تقریباً ۶۰٪ از پاسخ‌دهندگان تمایل به شرکت و آموزش داشتند. در بررسی‌های صورت گرفته وجود

جدول ۱۰. روش های اطلاع رسانی

امتیاز	روش
۶	توزیع بروشورهای آموزشی در منازل
۵	بیلبوردهای تبلیغاتی در خیابان ها
۷	جلسات اطلاع رسانی منظم در سطح محلات
۹	مانورهای آموزشی آمادگی در برابر زلزله در مدارس و همچنین در سطح محلات
۴	سایت های اطلاع رسانی
۳	برنامه های رادیویی
۸	تیزرهای تبلیغاتی رادیو و تلویزیون
۱۰	برنامه های آموزشی و کارشناسی در تلویزیون
۱	پیامک
۱	موارد دیگر: روزنامه، آموزش های تخصصی در محل کار، آموزش های مدون در دانشگاه ها، برگزاری مسابقه در سطح محلات



اتفاق نیفتد، از سوی ساکنان تفکر کارسازی در مورد آن صورت نمی گیرد.

۲. غرق شدن مردم در زندگی روزمره و تلاش برای گذران زندگی از دیگر دلایل عدم توجه افراد به موضوعی همچون وقوع زلزله است.

۳. کم بودن مسئولیت پذیری مدیران مسئول: بحران علاوه بر اینکه برای مردم فراموش شده برای مسئولین نیز فراموش شده است و مسئولان درگیر موارد دیگر هستند.

شاخص مهارت: برای تقویت مهارت ساکنان، ستاد مدیریت بحران با همکاری خانه های دوام و گروه های مدیریت بحران اماکن به برگزاری سالانه مانورهای زلزله، سیل، سیلاب و ... می پردازند. در این مانورها توان عملی گروه ها به خصوص دوام به صورت عملی به نمایش گذاشته می شود.

برخی مانورهای برگزار شده عبارتند از: مانور زلزله در سالروز ایمنی برابر زلزله «۵ دی» از سوی ستاد مدیریت بحران، مانورهای تخلیه در مدارس توسط مدیریت بحران اماکن، مانور آمادگی در برابر زلزله در پارک

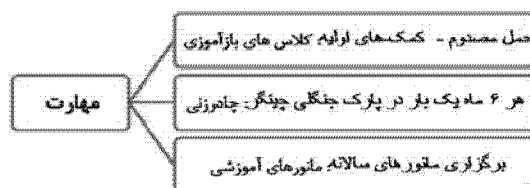
عبارت است از: «حادثه ای که موجب ضرر و خسارات جانی و مالی باشد».

شاخص اطلاعات مربوط به مخاطرات و بحران ها: پرسش شوندگان بیشترین امتیاز برای اطلاع رسانی در مورد مخاطرات و بحران ها را به برنامه های آموزشی و کارشناسی در تلویزیون اختصاص دادند و دیگر راه ها به ترتیب جدول ۱۰ امتیاز گرفتند.

شاخص نگرش: بسیاری از شهروندان هنوز هم نیاز به آموزش برای آمادگی در برابر بحران ها را درک نکرده اند با واشکافی این موضوع در مصاحبه های صورت گرفته و پرسش از مردم، مهمترین دلایل ضعف در نگرش به این امر حیاتی عبارت بودند از:

۱. عدم احساس نیاز در شرایط امن و ایمن؛ تا زلزله

دیگرام ۱. مهارت های چندگانه در منطقه ۲۲



جدول ۱۱. وضعیت شاخص ها در منطقه ۲۲

شاخص	وضعیت تحقق		
	تحقق نیافته	دارای برنامه برای تحقق	تحقق یافته
سن		*	
سطح آموزش		*	
دلبستگی به مکان		*	
مشارکت		*	
دانش و آگاهی		*	
درک و دانش عمومی از خطر		*	
اطلاعات مربوط به مخاطرات و بحران ها		*	
نگرش	*		
مهارت		*	
وضعیت گروه های خاص	*		

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۰

جدول ۱۲. راهکارهای ارتقای تاب آوری اجتماعی منطقه ۲۲

شاخص	قوت و فرصت	ضعف و تهدید	راهبرد
سن	جوان بودن جمعیت ساکن در منطقه تمایل بیشتر قشر جوان به شرکت در مباحث آموزشی و مشارکتی	عدم توجه به سالمندان در برنامه های آموزشی	• درگیر کردن و استفاده از قشر جوان منطقه ۲۲ در برگزاری دوره های آموزشی • استفاده از نیروهای جوان و کارآموزان بومی در زمینه آموزش به دیگر ساکنان • برگزاری کلاس های ویژه برای سالمندان و ایجاد جذابیت برای آن ها به منظور شرکت در دوره ها • برگزاری همایش های متناسب با گروه های سنی مختلف به منظور افزایش دانش در زمینه مخاطرات • برگزاری مسابقه با هدف تفهیم اهمیت موضوع آمادگی در برابر خطر برای سنین جوان و نوجوان
سطح آموزش	با سواد بودن ۸۸٪ ساکنان منطقه اختصاص حجم بیشتر به دانش آموزان	درصد کم تحصیلات عالی در منطقه	استفاده از پتانسیل سواد منطقه و ارسال بسته های آموزشی به درب منازل آموزش دانش آموزان در مدارس و به تبع آن خانواده های آن ها در مقوله آمادگی در برابر خطر
دلبستگی به مکان	تعلق خاطر به منطقه در بیش از نیمی از پرسش شوندگان (۵۷٪) تمایل به حضور در منطقه بعد از وقوع زلزله (۶۳٪) تمایل بیشتر به مشارکت از سوی کسانی که به منطقه تعلق خاطر دارند	تمایل به تغییر محل زندگی به خاطر کمبود امکانات در بیش از نیمی از پرسش شوندگان (۵۳٪)	تقویت امکانات منطقه ۲۲ به منظور افزایش حس تعلق و به تبع آن تمایل به مشارکت در برنامه های تحریک عواطف ساکنان برای شرکت در برنامه های آموزشی

۱. همایش های پیاده روی در کنار مباحث آموزشی

شاخص	قوت و فرصت	ضعف و تهدید	راهبرد
مشارکت	تمایل بیش از ۶۰٪ از پاسخ دهندگان به شرکت در دوره های آموزشی تمایل بیش از ۴۰٪ از پاسخ دهندگان	عدم تمایل بیش از ۴۰٪ پرسش شوندگان به شرکت در بازسازی منطقه بعد از زلزله تمایل کمتر آقایان نسبت به خانم ها برای شرکت در دوره های آموزشی تمایل کمتر مردان به مشارکت مردان منطقه در مناطق مختلف مشغول به کارند و زمان کمی را در محل زندگی خود می گذرانند	جلب مشارکت شهروندان در اداره امور آمادگی در برابر بحران در محلات و عضویت در خانه های دوام با ایجاد اشتیاق و حس ضرورت در آن ها تقویت ارتباط ساکنان محله با رکن ارتباطی میان شهروندان با مدیریت منطقه، یعنی سرای محلات با تقویت حس اعتماد و اثرگذاری شهروندان در کاهش خطر ارتقای مسئولیت پذیری اجتماعی ساکنان محله به عنوان شهروند مسئول و آگاه در امور آمادگی در برابر بحران اجرای برنامه های مشارکتی به وسیله سازمان های مردم نهاد در زمینه آمادگی در برابر زلزله برگزاری دوره های آموزشی در محل های اشتغال خصوصی و دولتی با هدف درگیر کردن مردان و زنان شاغل در امر مشارکت برای آمادگی در برابر زلزله برگزاری مراسم های یادبود و مانورهای آموزشی با استفاده از نیروهای بومی منطقه و افراد عادی زمینه سازی برای مشارکت ساکنان در مراسم و رخدادهای مرتبط مانند روز جهانی هواشناسی، روز جهانی بهداشت، روز زیستگاه جهانی و مراسم یادبود بلایای ملی عمده
درک و دانش عمومی از خطر	شناختن زلزله به عنوان مخاطره ای طبیعی از طرف ۸۳٪ پرسش شوندگان	عدم توجه واقعی شهروندان به مقوله خطر زلزله دور و ناممکن دیدن وقوع زلزله از سوی ساکنان	تلاش در جهت تفهیم اهمیت زلزله به عنوان مخاطره ای ویرانگر از طریق رسانه روشن تر کردن اهمیت زلزله با آموزش های مدون استفاده از بروشورها و بنرهای آموزنده با جملات کلیدی به منظور روشن ساختن ذهن شهروندان برای شناخت زلزله به عنوان خطری سهمگین
نگرش	قبول زلزله به عنوان یک خطر طبیعی	جدی نگاه نکردن به مقوله زلزله از سوی شهروندان توجه محدود مسئولان به مقوله زلزله گم شدن مقوله زلزله در زندگی روزمره ساکنین	آگاه سازی جامعه برای در نظر گرفتن زلزله به عنوان خطری همیشگی و ویرانگر ساخت بنای یادبودی در منطقه به منظور یادآوری وقوع بحران استفاده از فرصت هایی که مردم پذیرای پیام های ایمنی هستند برای تغییر نگرش ساکنان و ضروری دانستن مقوله آمادگی (و قوع بحران در دیگر نقاط کشور و یا جهان)
دانش و آگاهی	آموزش دیده بودن بیش از نیمی از پرسش شوندگان (۵۷٪) ضروری دانستن مباحث آموزشی برای آمادگی در برابر زلزله از سوی ۷۴٪ پرسش شوندگان شناختن رسانه ها به عنوان مرجعی معتبر برای آموزش موارد مرتبط با آمادگی در برابر زلزله	کم توجهی و استقبال کم آقایان در برنامه ها آموزشی نداشتن برنامه ویژه برای سالمندان نداشتن برنامه ویژه برای گروه های خاص	توسعه ساختار آموزش های شهروندی اطلاع رسانی از طریق بروشورها، تیزرهای تبلیغاتی، بنرهای شهری برای افزایش آگاهی عمومی در مورد درک از خطر، کاهش خطر و... هدف قرار دادن گروه های متفاوت تاثیر گذار بر جامعه مانند گروه های محلی مدارس و ... و آماده سازی برنامه های آموزشی برای این گروه ها به منظور افزایش آگاهی در سطح جامعه برگزاری مراسم سالگرد بلایای محلی به یادماندنی همزمان با سالروزهای جهانی مانند «روز ایمنی در برابر بلایا (۱۳ اکتبر)» برگزاری نمایشگاه یا موزه برای حفظ خاطره اثرات بلایای گذشته و آگاهی بخشی به ساکنان. وارد کردن کاهش خطرپذیری بلایا در برنامه های رسمی آموزش و پرورش همکاری با مقامات آموزشی، اساتید، دانشجویان و مدافعان برای وارد نمودن مقوله کاهش خطرپذیری بلایا در تمام سطوح مواد درسی همه مدارس و مؤسسات دولتی و خصوصی. جلب حمایت های فنی لازم موسسات و سازمان های مرتبط جهت طراحی و تدوین برنامه های درسی، جمع آوری و آموختن از تجارب گذشته. آموزش و ظرفیت سازی برنامه های کاهش خطرپذیری بلایا در سطح منطقه ایجاد برنامه های آموزشی پایدار و دائمی برای پرسنل کلیدی شهر، در مشارکت با جوامع، صاحبان حرف و مشاغل مختلف از بخش های اجتماعی و اقتصادی و نهادهای تخصصی محلی و ملی. همکاری با مراجع محلی مانند هلال احمر، رسانه، دانشگاه ها، سازمان های مردم نهاد، معلمان و دیگران برای آموزش شهروندان تمرکز بر آموزش گروه های هدف حائز اولویت از طریق رسانه ها، توزیع کتاب و مطالب آموزشی در اختیار گذاشتن منابع به روز جهانی و دستاوردهای سازمان ملل متحد در زمینه تاب آور ساختن شهرها به زبان ساده به ساکنان

شاخص	قوت و فرصت	ضعف و تهدید	راهبرد
اطلاعات مربوط به مخاطرات و بحران ها	دسترسی به اطلاعات در مورد بحران ها از سوی بیش از ۵۰٪ پرسش شوندگان بی اطلاعی حدود ۷۰٪ از پرسش شوندگان از سامانه های اطلاع رسانی در مورد مخاطرات عدم اطلاع بیش از ۶۰٪ از پرسش شوندگان از طرح-های خانه دوام	بی اطلاع بودن بیش از ۸۰٪ از پاسخ دهندگان در مورد طرح های آموزشی خانه دوام	اطلاع رسانی قوی و کارا در زمینه برگزاری دوره های آموزشی (تبلیغات رسانه ای و بنرهای سطح منطقه) تهیه بانک اطلاعات منطقه در خصوص اطلاعات ارائه شده در زمینه مخاطرات و تبلیغات در مورد این رسانه در سطح وسیع برقراری زمینه همکاری با موسسات آموزشی دولتی خصوصی در زمینه اطلاع رسانی در مورد برنامه های آموزشی
مهارت	آمادگی نسبی ۶۳٪ از پاسخ دهندگان برای روبرویی برابر زلزله گذراندن دوره های مانور آمادگی در برابر زلزله از سوی ۲۲٪ از پرسش شوندگان	فاصله زمانی زیاد میان برگزاری مانورها	برگزاری مانورهای مدون آمادگی در برابر زلزله برگزاری دوره های تخلیه اضطراری برای منازل و محیط های کار ایجاد شرایط الزام آور برای شرکت تمام افراد در این مانورها ارائه دوره های کوتاه مدت و فرصت های آموزش مداوم
وضعیت گروه های خاص		نیود برنامه برای رسیدگی به وضعیت گروه های خاص در مواجهه با بحران	تشویق گروه های خاص با ایجاد زمینه حضور در دوره ها به آموزش مباحث مرتبط با آمادگی بسترسازی برای شرکت گروه های خاص در مباحث آموزشی

۷- جمع بندی و نتیجه گیری

تاب آور ساختن شهرها در ابعاد مختلف، راهی مناسب و کارا در جهت تقویت ساختار شهر برای مقابله با بحران ها و مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی است. به علت اهمیت بالای دقایق و ساعات اولیه پس از وقوع بحران به منظور هضم خطر و یاری در جهت کاهش خسارات و تلفات و همین طور امکان دسترسی کم نیروهای آموزش دیده هلال احمر به محدوده آسیب دیده، نقش اجتماع ساکن در یک محیط برای یاری رسانی، بسیار پررنگ تلقی می شود. با بررسی شاخص های اجتماعی تاب آوری در منطقه ۲۲ تهران، نتایجی مبنی بر وضعیت تقریباً مناسب این رویکرد از لحاظ مولفه های اجتماعی به دست آمد؛ فعالیت های آموزشی، جوان بودن ساختار سنی منطقه، تمایل به مشارکت به صورت ضمنی، همکاری گروه های دوام و مدیریت بحران اماکن، حس تعلق خاطر به منطقه ۲۲ در بیش از نیمی از جمعیت نمونه و مواردی از این دست، نکاتی مثبت در جهت تاب آوری اجتماعی این منطقه به شمار می روند، البته باید در نظر داشت که در کنار این فرصت ها، ضعف هایی همانند نگرش غیرجدی و دور از ذهن به مقوله زلزله از سوی شهروندان، مشارکت کم رنگ آقایان در مباحث آموزشی، ضعف های موجود در اطلاع رسانی سازمان های ذی ربط در مورد آموزش ها، عدم توجه به گروه های خاص در مقوله

چیتگر، مانورهای مدون آشنشانی در خانه ایمنی. علیرغم وجود برنامه هایی برای تقویت مهارت ساکنان منطقه ۲۲، به علت فاصله زمانی زیاد بین مانورها، از اثر آن به شدت کاسته می شود، لذا جای خالی برنامه های مدونی برای برگزاری اینچنین موارد در منطقه ۲۲ احساس می شود.

شاخص وضعیت گروه های خاص: ستاد مدیریت بحران و خانه های دوام در این زمینه فعالیت مستقیمی ندارد، مگر اینکه گروه های مدیریت اماکن برای گروه های خاص تدابیری داشته باشند. البته در خانه های دوام طبقه بندی اقشار خاص صورت گرفته است ولی سالمندان و معلولین مشارکتی ندارند و اصلی ترین دلیل این امر نیاز گروه به همراهی افراد توانمند برای شرکت در مراسم و کلاس ها است که معمولاً این همراهان وقت و انرژی لازم را صرف نمی کنند، در نتیجه تقاضایی از سوی این گروه ها صورت نمی گیرد. در نگاه کلی وضعیت تاب آوری منطقه ۲۲ از لحاظ کیفی در جدول زیر به تصویر کشیده شده است:

۶- راهکارهای پیشنهادی

با بررسی وضعیت شاخص های بعد اجتماعی تاب آوری در منطقه ۲۲، و بنا به اصول ذکر شده در بخش های قبل، راهبردهایی مبنی بر نقاط ضعف و قوت منطقه ۲۲ و به منظور تقویت بعد اجتماعی تاب آوری ارائه شدند:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

روبه رویی با خطر، و مواردی از این قبیل، باعث کاهش سرعت پیشرفت منطقه در جهت تاب آور شدن، هستند. با توجه به نتایج حاصل از سنجش های صورت گرفته، مهم ترین امر در جهت تقویت محدودیت های موجود در منطقه، تاکید بر آموزش و القای ضرورت مشارکت شهروندان در مقوله آمادگی به وسیله تقویت حس تعلق خاطر است. در صورت همکاری و مشارکت ساکنان یک جامعه در طرح های آموزشی و اعطای مسئولیت به آن ها در برگزاری این طرح ها، می توان جامعه را تا حد زیادی آماده ساخت. نکته مهم در راستای تحقق تاب آوری توجه به این امر است که تا ضرورت آموزش و آمادگی در برابر زلزله از دید شهروندان تبدیل به یک تصویر ذهنی گویا و مشخص نشود، تمامی فعالیت ها و آموزش ها تنها به دید زمانی برای گذران وقت تلقی می شود، بدین منظور با شفاف سازی امکان وقوع زلزله و نتایج فاجعه بار حاصل از آن در اجتماع و ایجاد علاقه و انگیزه به مشارکت در فعالیت های مربوط به کاهش خطر زلزله می توان نگرشی عمیق و کارا بر جای گذاشت. با توجه به زمان و محدودیت های انجام پژوهش، پیشنهاد می شود، محققان به انجام پژوهشی با همکاری ساکنین منطقه ۲۲، برای ایجاد محیطی تاب آور براساس دغدغه های ذهنی ساکنان و مشاوره های متخصصان بپردازند. بدین منظور می توان از ظرفیت های بالقوه مشارکتی شهروندان استفاده نمود و با درگیر کردن آن ها در مقوله آمادگی، راه هایی ملموس برای مقابله با خطرات طبیعی یافت.

منابع و ماخذ

ثقفی، محمد جواد (۱۳۷۷-۱۳۷۸) بررسی آسیب های ناشی از اجرای نامناسب در ساختمانهای خسارت دیده از زلزله، دو فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵.
رضایی، م (۱۳۹۰) تبیین تاب آوری اجتماعات شهری به منظور کاهش اثرات سوانح طبیعی (زلزله)؛ مطالعه موردی: کلانشهر تهران، رساله دکتری دانشگاه مدرس. رفیعیان، مجتبی؛ رضایی، محمدرضا؛ عسگری، علی؛ پرهیزکار، اکبر؛ شایان، سیاوش (۱۳۹۰) تبیین مفهومی تاب آوری و شاخص سازی آن در مدیریت سوانح

اجتماع محور (CBDM) برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، شماره ۱۵.
صالحی، اسماعیل؛ آقابابایی، محمدتقی؛ سرمدی، هاجر؛ فرزادبهنش، محمدرضا (۱۳۹۰) بررسی میزان تاب آوری محیطی با استفاده از مدل شبکه علیت. محیط شناسی، سال سی و هفتم، شماره ۵۹، صفحه ۹۹-۱۱۲
گادزچاک، (۱۳۹۰) دیوید کاهش مخاطرات شهری: ایجاد شهرهای انعطاف پذیر، ترجمه: احمد مصطفی پور، رشد آموزش جغرافیا، دوره ۲۵، شماره ۳.
مرکز مطالعات و برنامه ریزی، ش. ت (۱۳۸۰) الگوی توسعه منطقه ۲۲ سند پشتیبان، تهران، مهندسی مشاور شارستان.

Antrobus, D.(2011). Smart green cities: from modernization to resilience. Routledge Informa Ltd Registered in England and Wales

Ainuddin, Syed; Routray, Jayant Kumar. (2012). Earthquake hazards and community resilience in Baluchistan. Natural Hazards. p:909:937

Carver, R. H., & Nash, J. G. (2009). Doing Data Analysis with SPSS Version 18. United States: Cole Cengage.

Community & Regional Resilience Institute. (2013). Retrieved October 22,2013. from <http://www.resilientus.org/>

Cutter, S., & Finch, C. (2008). Temporal and spatial changes in vulnerability to natural hazards. Proceedings US National Academy of Science.

Derissen, S., Quaas, M., & Baumgärtner, S. (2009). The relationship between resilience and sustainable development of ecological-economic systems. University of Lüneburg Working Paper Series in Economics (146).

ESCAP, ADB, UNEP.(2012). Green Growth, Resources and Resilience Environmental Sustainability in Asia and the Pacific. United Nations and Asian Development Bank publication

Godschalk, D. R. (AUGUST 2003). Urban Hazard Mitigation: Creating Resilient Cit-



۳. Resilience تاب آوری به عنوان ۱- میزان تخریب و زیانی که یک سیستم قادر است جذب کند بدون آنکه از حالت تعادل خارج شود؛ ۲- میزان توانایی یک سیستم برای خود سازماندهی در شرایط مختلف؛ ۳- میزان توانایی سیستم در ایجاد و افزایش ظرفیت یادگیری و تقویت سازگاری با شرایط تعریف می شود. (رضایی، ۱۳۹۰)

4. Pimm, 1984
5. Adger, 2000
6. Carpenter et al., 2001
7. Manyena, 2006
8. Bruneau et al., 2003
9. Davis, 2006

۱۰. مفهوم سیستم های اجتماعی- زیست محیطی، مبنی بر فهم این است که تعریف سیستم های اجتماعی و سیستم های زیست محیطی به عنوان سیستم هایی جدا از هم، غیرممکن است. (Schmidt & Garland, 2012)

Disaster Resilience of a Place

ies. NATURAL HAZARDS REVIEW .
 Gross, J. S. (2008). Sustainability versus Resilience: What is the global urban future and can we plan for change? . International Center for Scholars and the Fetzer Institute
 Holling, C. (1973, September). RESILIENCE AND STABILITY OF ECOLOGICAL SYSTEMS.
 Norris FH, Stevens SP, Pfefferbaum B, Wyche KF, Pfefferbaum RL. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities and strategy for disaster readiness. Community Psychol 41:127-150
 Parshar, S., Shaw, R., & Takeuchi, Y.2. (2012). Community action planning in East Delhi: a participatory approach to build urban disaster resilience. Springer
 Pooley, Julie Ann; Cohen, Lynch. (2010). Resilience: A Definition in Context. The Australian Community Psychologist. vol22 .p:30-37
 (2011). Resilient Cities 2011 Congress results in brief. I.C.L.E.I
 local Governments for Sustainability
 Schmidt, Deanna Harlene; Garland, Kathleen A. (2012) Bone Dry in Texas: Resilience to Drought on the Upper Texas Gulf Coast Journal of Planning Literature. p1:12.
 Wardekker, Arjan; de Jong, Arie; Knoop, Joost M.; van der Sluijs, Jeroen P. (2010). Operationalising a resilience approach to adapting an urban delta to uncertain climate changes. ELSEVIER. p:987-989.
 Walker, Brian. (2007). Urban Resilience. CSIRO, Australia Arizona State University, USA Stockholm University, Sweden
 (2013). World Disasters Report; Focus On technology and the future of humanitarian action. International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies.

فهرست پی نوشت

1. Resilience And Stability Of Ecological Systems
2. Disaster Risk Reduction

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۷ زمستان ۹۳
 No.37 Winter 2015

راهکارهای احیاء بافت‌های تاریخی به مثابه هویت واجد ارزش شهری؛ موردپژوهی: محور تاریخی تربیت تبریز

حسین اسمعیلی سنگری* - عضو هیئت علمی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیر پایگاه میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز، تبریز، ایران.

The solutions for revival of historical areas as the urban valuable identity (for example 'the historical axis of Tabriz's Tarbiyat)

Abstract:

Maybe the main reason for this article is the analysis of the potentials of the historical areas of Iran and the presentation of the suggestive solutions for making the mentioned potential actual in which the result of this subject helps for the dynamism and restoration of historical areas of Iran. In recent years the municipal organizations and the urban populousness's offices have been unkind to these historical areas that are found as damaged areas. The prepared article is the result of the analysis which has presented the subject as an example (the footpath of Tarbiyat) which contains the extensive researches of acquaintance, support, pathology, planning and remedy. Then the scientific and practical solutions related to the revival with the historical extremity of country are suggested in comparison with the other cases in Iran and all over the world. We hope that this research would be written after the expert criticism and consideration and be able to provide the background for the custody and keeping the valuable identities of the historical cities, and this goal is not archived unless we have the effort and assistance of the mentioned organizations. The exact awareness of the people from this issue and the sympathetic view of the responsible in the historical cities of Iran.

Key words: Historical area, Revival, Tarbiyat historical axis.

چکیده

مرمت و احیاء بافت در تمام اشکال و دوره‌های تاریخی آن، ریشه در ارزش‌های نشأت گرفته از هویت و فرهنگ ملت‌ها دارد. توانایی در ادراک این ارزش‌ها تاحدی بستگی به میزان منابع اطلاعاتی درباره آنها و جایگاهشان دارد که می‌تواند درک شده، صادق و درست باشد. معرفت و دریافت این منابع اطلاعاتی یک نیاز پایه‌ای برای ارزیابی تمام وجوه ارزشی و هویتی فرهنگ یک ملت و اصالتی دارد که از این منظر مورد بوده و در منشور ونیز به عنوان اصلی‌ترین عامل کیفیت بخش مرتبط با هویت‌های بافت‌های تاریخی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. از سویی دیگر، شاید تحلیل و بررسی پتانسیل‌های بالقوه در بافت‌های تاریخی کشور و ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت بالفعل ساختن پتانسیل‌های مذکور، اصلی‌ترین هدف این نوشتار می‌باشد که نتیجه حاصل از این مبحث کمک شایانی برای پویا سازی و احیاء بافت‌های تاریخی کشور است. روش تحقیق در مقاله حاضر «روش توصیفی-تحلیلی» در مرحله ادبیات نظری و «روش تکوینی-ساختاری» در مرحله تحلیل و بیان یافته‌ها بوده که از ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و پیمایش‌های میدانی بهره برده است. در مقاله حاضر مفهوم احیاء بافت‌های تاریخی مورد تدقیق قرار گرفته است؛ چنانچه حاصل بررسی و تحلیل‌های صورت گرفته‌ای است که برای وضوح بهتر، موضوع را در قالب یک نمونه عینی (عابر گذر تربیت) که شامل تحقیقات گسترده شناخت، مستندنگاری، آسیب‌شناسی، طرح و درمان بوده و سپس با مقایسه آن با نمونه‌های دیگر در ایران و سایر نقاط جهان راهکارهای علمی و عملی در رابطه با احیاء بافت‌های تاریخی کشور پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، مرمت و احیاء، پویاسازی، محورهای فرهنگی-تاریخی.

می نمود؛ اما این کندی پیشرفت در جوامع سنتی در مقایسه با پیشرفت رعد آسای کشورهای غربی و توسعه یافته، آرام آرام امنیت ذهنی و فکری مردمان ساکن در جوامع سنتی را در هم آمیخت و تمام سعی و توان مسئولین و حتی بسیاری از مردم صرف تقلید از کشورهای غربی شد که بیش از یک قرن را به بستر سازی برای پذیرش این اتفاقات اختصاص داده بودند. در این مقاله به مقوله احیاء بافتهای تاریخی به مثابه بافتهایی واجد ارزش و هویت نگاهی انداخته شده و در نمونه مورد مطالعه و در عین حال بصورت کلان، راهکارهایی چند ارائه می گردد.

مواد و روشها

رویکرد تحقیق

در رویکرد تکوینی رابطه میان عوامل، تعریف شده و موثر بر یکدیگر، خطی دیده نمی شود. به این معنی که عوامل تاریخی با تاثیر یک سویه موجب ایجاد یک پدیده نمی شوند، بلکه مجموعه نیروها بر یکدیگر اثر متقابل می گذارند و در این تاثیرات متقابل یا دیالکتیکی، هیچ عاملی بر عامل دیگر برتری ندارد و نقش اصلی را ایفا نمی کند، بلکه این مجموعه عوامل هستند که بر شکل گیری آن تاثیر می گذارند. شاید آنچه ذکر شد،

اندیشمندان فرهنگی معتقدند فهم جایگاه و ویژگی های اصالت نقش مهمی در تمام مطالعات علمی میراث فرهنگی و حفاظت و برنامه ریزی مرمت داشته است و همچنین در فرآیندهای ثبتی که برای کنوانسیون میراث جهانی و دیگر فهرستهای جامع میراث فرهنگی به کار می رود، نقش مهمی ایفا می کند (یوکیلهتو، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳)؛ ولی در این راستا چالشهایی برای اصالت بخشیدن به فضای بافت در راه بازآفرینی و احیاء آن وجود دارند که می بایست بررسی و بیان گردند. از سویی دیگر، در بافت های تاریخی کشور از همان بدو اطلاق نام تاریخی بر آنها شاهد شکل گیری حرکتی بودیم که به صورت تدریجی شروع به از بین بردن و پاکسازی آنها نموده و اخیراً نیز تحت عنوان بازسازی بافتهای فرسوده سرعت بیشتری یافته است. قیل از دوره پهلوی اول به علت شکل حاکم بر زندگی افراد جامعه و غلبه نکردن افکار مدرنیته بر زندگی و فکر مردم، مفاهیم سنتی رکن اصلی حاکم بر زندگی افراد بود، بنابر این تمام هنجارهایی که در طول سالیان متمادی شکل تدریجی بر خود گرفته و سینه به سینه به نسل آینده منتقل گشته بود در بستر طبیعی خود سیر کند پیشرفت را طی



۱. تعدادی از رویکردهای معماری که تاکنون مطرح شده اند و صاحب نظران متعددی در مورد آنها به ارائه فرضیه و تئوری پرداخته اند، عبارتند از: «رویکرد تاریخی». هدف اصلی رویکرد تاریخی در نگاه به یک بنا، تعیین تاریخ آن است. مشخص شدن تاریخ بنا به معنی شناخت شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنا است. در واقع شناخت تاریخ یک اثر به معنی پیوند دادن آن با گذشته اثر است. از صاحب نظران این رویکرد وینکلمن - معمار و باستان شناس آلمانی - و باقر آیت الله زاده شیرازی را می توان نام برد. «رویکرد فرهنگی - اجتماعی». هدف اصلی معماران در رویکرد فرهنگی - اجتماعی، شناخت اجتماع، فرهنگ و مردم شناسی به وسیله بنا و معماری عامیانه می باشد. آموس راپاپورت، پل الیور (Shelter and Society) و بیل هیلیبر (Space is the Machine, ۱۹۸۲) از صاحب نظران این رویکرد هستند. «رویکرد معنا گرا (سنت گرا)». دغدغه معماران در رویکرد معنا گرا، شناخت معانی و مفاهیم نهفته در اثر معماری است و عمدتاً دارای ویژگی نمادپردازانه ای است. از متفکران این رویکرد میتوان به تیتوس بورکهارت (هنر مقدس)، سید حسین نصر (هنر و معنویت اسلامی) و نادر اردلان (حس وحدت) اشاره کرد. «رویکرد عملکردگرا». هدف معماران عملکردگرا، تاکید بر ویژگی های کاربردی معماری است. نقطه اوج و نماد این تفکر، ماشین است. چون کاملاً عملکردی است و کوچکترین پیچ آن هم کاربردی است. از متفکران این رویکرد می توان به هرمان موتسیوس و لویی سالیوان (با طرح شعار فرم از عملکرد پیروی می کند) اشاره کرد. «رویکرد فرم - گرا». هدف پیروان این رویکرد، جنبه های زیبایی شناسانه فرم است. تناسبات، پر و خالی و ترکیب بندی و گونه شناسی فرم مورد توجه این رویکرد است. از متفکران این رویکرد می توان به لویی دوران (دقت و تاکید بر درسهای معماری)، کلاوس هرگ (ساختار و شکل در معماری ایران و ترکستان)، راب کرایبر (ترکیب بندی معماری) و استدمن (مورفولوژی معماری) اشاره کرد. «رویکرد فضاگرا». دغدغه این رویکرد فضا، حرکت در آن و کشف فضا می باشد. از متفکران این رویکرد می توان به زیگفرید گیدئون (فضا - زمان و معماری)، برونو زوی (Poetica dell'architettura neoplastica)، جان هیدک (The Education of an Architect) اشاره کرد. «رویکرد تکنولوژی گرا». دغدغه اصلی این رویکرد، تکنولوژی و زیبایی شناسی جدیدی است که در ابتدای قرن بیستم توسط مارتین هیدگر در کتاب فلسفه تکنولوژی مطرح شد. بنابر این، در معماری هم آشکار کردن مظاهر تکنولوژی در ساختمان، مزیت به شمار آمد. از متفکران این رویکرد می توان به پیتر کوک (Morphosis: Buildings and Projects)، ریچارد راجرز و رنزو پیانو اشاره کرد. «رویکرد طبیعت گرا». دغدغه این رویکرد طبیعت، محیط زیست، چرخه زندگی و پایداری است که در دو دهه آخر قرن بیستم بسیار مورد توجه معماران قرار گرفته است. از متفکران این رویکرد می توان به الگی (Design with Climate) جان لنگ (آفرینش نظریه معماری) اشاره کرد.

منطبق با رویکرد سیستمی فرض شود؛ ولی در واقع کاملاً با آن تفاوت دارد، زیرا اگرچه در رویکرد سیستمی نیز تک عاملی بحث نمی شود و عناصر مختلف سیستم برهم تاثیر می گذارند ولی این رویکرد مانند «پارسونز» یا «لومان» مدعی است که «می تواند به جهان و جامعه موجود توصیفی سودمند و رسا عرضه کند که وجه تمایز آن توانایی بالقوه برای تجزیه و انحلال و ترکیب مجدد است» (مولر، ۱۳۷۹، ص ۳). ادعای این نظریه برای درک کلی و عام موضوع خویش، بدین معنا که «در مقام یک نظریه اجتماعی به همه مسائل اجتماعی می پردازد و نه فقط به بخشها یا قطعاتی محدود» مورد مناقشه است؛ زیرا این رویکرد نظریه پدیده اجتماعی را به قطعات و اعضا آن تجزیه می کند و از خلال این تجزیه روابط آنها را می کاود. در واقع این نظریه به جزییات منفرد یک سیستم می پردازد؛ ولی روش تکوینی به تفرد و تشخیص پدیده های اجتماعی در طول تاریخ اذعان دارد و از ارائه تحلیل کلی راجع به همه مسائل پرهیز می کند. در واقع رویکرد تکوینی، پدیده را تجزیه نمی کند بلکه یک «امر مشخص جزئی» را (که در تمامیت خود عناصری از کلیت را حمل می کند) از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار می دهد. این رویکرد برای فهم آنچه در تاریخ و جامعه اتفاق می افتد تا جایی به روابط میان عوامل انسانی اهمیت می دهد که روان شناسی نیز در آن مهم تلقی می شود و هر فرد اجتماعی یا تاریخی پدیده ای است که در هستی خویش زیست می کند، رابطه ای متقابل با آن دارد. درحالی که در نظریه سیستمی «منظور از اشخاص بیشتر ساختارهای خودسازی سیستمهای اجتماعی است تا سیستمهای روانی یا انسان های کامل». این جهت پژوهشگر از رویکرد منظومه ای برای سامان دادن به یافته ها سود می جوید؛ به جای آنکه آنها را در یک سیستم جمع کند. «هارتین جی» رویکرد منظومه ای «والتر بنیامین» را اینگونه تعریف می کند: «خوشه ای از عناصر متغیر که کنار هم چیده می شوند، ولی در هم تنیده نمی شوند و نمی توان آنها را به مخرج مشترک یا هسته یا اصل نخستین فروکاست». روشهای مورد نظر در این

تحقیق عبارتند از:
روش تحقیق

روش این پژوهش نیز با توجه به رویکرد نظری آن، «روش تکوینی» و روش «تحلیل ساختاری» است. برای توضیح روش می بایست ابتدا مفاهیم به کار رفته در آن شرح داده شود. در روش تکوینی، پژوهشگر دربند تعاریف مفاهیم در نخستین گام نیست، بلکه می کوشد «قانون درونی را جستجو کند که بنابر آن قانون، کل، تکوین می یابد؛ یا لاقل می توان تصور کرد که کل را می آفریند» (وبر، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹)؛ بنابراین، این روش «بودن» یک پدیده را مدنظر قرار نمی دهد بلکه در مسیر «شدن»، تغییرات گذشته آن را بفهمد. این روش ناظر بر همان رویکرد نظری است که حکم تکوینی را بر واقعیت تعریف شده اولویت می دهد و واقعیت اجتماعی برای آن یک پدیده بیرونی نیست که بتوان با تعریف منطقی، آن را در دایره عقل آورد و به کمک ذهن آن را شناخت بلکه واقعیت اجتماعی، هستی پویایی است که انسان نیز جزئی از آن است و در فرایندی تکوینی و از خلال حکمها و قوانینی که بر اثر توافق اجتماعی حاکمیت می یابند، شکل می گیرد و تکامل می یابد. درست بر عکس رویکرد مدرسی فلسفه تاریخ که در آن «هستی از همان آغاز به گونه اندیشه پنداشته می شود و به صورت مفهوم در می آید و با مشتق شدن از اندیشه محمول آن واقع می شود» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). در رویکرد تکوینی «طبیعت، واقعیت نخستین و اندیشه، واقعیت دومین است و به گفته فویرباخ هستی موضوع و اندیشه محمول است. اندیشه از هستی برمی خیزد ولی هستی از اندیشه بر نمی خیزد» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). لذا «فرد تاریخی» وبری نیز ناظر بر پدیده منحصر به فرد تاریخی است که در آن فرایند همین تکوین شکل می گیرد.

روش تحلیل ساختاری: مهمترین روش در این مقاله روش تحلیل ساختاری است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و فراگیری در سایت و روش ساخت و تحلیل شناختی مربوط به آن را نیز شامل می شود. تحلیل آثار

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

در واقع با استفاده از روش ساختاری است.

پیشینه تحقیق

تجربیات جهانی مرمت شهری به تفکیک هدف اصلی، اهداف اقتصادی، اهداف اجتماعی و اهداف فرهنگی قابل بررسی بوده که در میان حفاظت از بافت کهن و اعطای نقش جهانگردی، ایجاد ارتباط میان بافت قدیم و جدید، ایجاد محیط سالم و بهداشتی، بالا بردن سطح زندگی، معاصر سازی، حفظ خصوصیات شهر کهن و احیای نقش فرهنگی از مهمترین اهداف اصلی این تجربیات می باشد. شیوه اقدام با توجه به شرایط شامل بازسازی، بهسازی، نوسازی و یا تلفیقی از آن می باشد. اهم نظریه های مربوط به مرمت در نیمه دوم قرن نوزدهم بوجود آمده که نظریه پردازی در این مورد تاکنون نیز ادامه دارد در کنار تجربیات کشورهای مختلف و بیانیه های بین المللی می توان به چند نکته توجه داشت: در کنگره گوپینو در سال ۱۹۶۰ تاکید گردید حفاظت از جنبه های هنری فضاهای زنده مورد توجه دولت ها قرار گیرد و به وضعیت اجتماعی شهرها توجه شود. در کنگره و نیز ذکر گردید که مفهوم اثر تاریخی فقط ساخته های معماری منفرد را در بر نمی گیرد بلکه فضاهای شهری و مناظر را نیز شامل می شود و می بایست نگهداری بافت های تاریخی با دقتی خاص صورت پذیرد تا دست نخورده حفظ شده و شرایط بافت بهبود یابد. در کنگره بولونیا (۱۹۷۴) تاکید شده که در مرمت بافت های تاریخی، نه فقط شکل ظاهری بناها و بافت ها بلکه گونه شناسی (تیپولوژی) و عملکرد آنها نیز باید حفظ شود. در منشور آمستردام نیز بر تغییر قوانین و مقررات اجرایی تاکید شد تا آشتی میان فضاهای کالبدی قدیمی با فضای زندگی مدرن تحقق یابد. روند تکاملی بیانیه های جهانی و نقطه نظرات صاحب نظران بیانگر این واقعیت است که، در عین توجه به تک بناها به عنوان آثار تاریخی منحصر بفرد به مجموعه ای از مسایل اقتصادی و اجتماعی در بافت های تاریخی توجه گردیده است.

ادبیات نظری

مفهوم اصالت و هویت

بنیاد دیدگاه های اصالت به یونان کهن می رسد و در

معنی اصالت سازگاری با طبیعت درونی خود است. همه ما با طبیعت درونی خود به یک میزان سازگاری نداریم، یا به یک اندازه اصیل و منسجم نیستیم و باید پذیرفت که هیچ سیستمی نمی تواند با نسخه برداری از معیاری بیرونی و تحمیلی، درباره اینکه چه باید باشد، به سازگاری بیشتری با خود نایل شود و به اصالت دست یابد (نقی زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۹). اصالت یک کار هنری، میزان راستین بودن وحدت ذاتی، فرآیند خلاق و نمود فیزیکی آن کار و نیز تأثیرات پیام آن در طول زمان تاریخی آن است. نقی زاده اصالت داشتن و دارای الگو بودن را یکی از معیارهای زیبایی ماندگاری داند و افلاطون انسان سنتی را کسی می داند که نسبت به اصالت خویش وفادار بماند و در حقیقت، اصالت را، وفادار به سنتی بودن می پندارد (بینای مطلق، ۱۳۸۵، ص ۷۱). سند نارا (۱۹۴۴) نیز بر مفهوم اصالت تاکید کرده و معتقد است توانایی ما برای درک ارزش های میراثی، به میزان معتبر یا موثق و در نتیجه، اصیل بودن منابع داده ها بستگی دارد. اما در تفکر مدرن غالباً «شکل» را مهمترین مشخصه اصالت بافت می دانند و به تبیین ساز و کار اشکال و عناصر کالبدی، چون خط و سطح، در تکوین و تعیین ماهیت فضا می پردازند؛ یعنی بیشتر به کمیات پرداخته می شود نه کیفیات فضایی. در مقابل، حکمای مسلمان به اصالت عوامل کیفی در بافت معتقد بودند. در تفکر سنتی معماران ما در ماهیت حجم و فضا، اصالت زاییده عوامل کمی نیست بلکه کیفیات است که فضا را در یک محیط تشکیل می دهد. اگر فرم از محتوا جدا گردد، فضا اصالت خود را بر اساس بینش افلاطونی از دست می دهد و به فرم ظاهری یا غیر اصیل تعبیر می گردد (نقی زاده و امین زاده، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

آلن جیکوبز و داندل اپلیارد (۱۹۸۷) کیفیت هایی را به ترتیب زیر برای دستیابی به فضایی مطلوب و ماندگار فهرست نمودند که هویت و اصالت، از جمله آنها است (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۴۵). مفهوم اصالت در مولفه های نامبرده در حوزه مرمت شهری نیز همچون دیگر هنرها (چنانچه بتوان آن را همردیف دیگر هنرها پذیرفت)

مخاطبین گسترده ای دارد و با توجه به اینکه مردم بافت با این مفاهیم در تماس هستند، می توان به جایگاه و حساسیت آن در مرمت پی برد. از آنجا که گواه تاریخی بر اصالت استوار است، اکنون اگر استمرار زمانی اثر در نتیجه تکثیر از اهمیت بیفتد آنچه در واقع در معرض خطر قرار می گیرد، اصالت اثر یا تجلی آن است؛ بدین معنی که تکرار بی حد و اندازه از جایگاه اصالت آن اثر کاسته و ارزش آن از اعتبار ساقط می گردد.

طرحواره ۱. بافت شهری نشانه هویت جمعی و هویت شهر
 ماخذ: شهرسازی شهروندگرا، ۱۳۸۳.

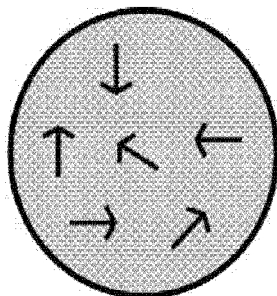


در فرهنگ معین واژه هویت به معنی: آنچه که موجب شناسایی شخصی باشد، یا آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد آورده شده است. به تعبیر ویلیام هانوی، ما تا ندانیم که بودیم، نمی توانیم بدانیم که هستیم، یعنی شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست و تا ندانیم که چگونه به جایی که هستیم رسیده ایم نمی توانیم بدانیم که کجا می رویم (موثقی و آیرملو، ۱۳۸۵، ص ۲).

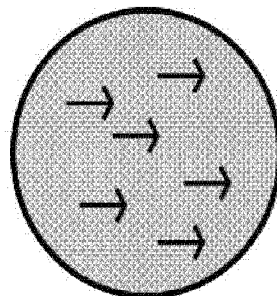
اما هویت در نگرش کلان به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخصی باشد [همچون شخصیت یا کیفیت] است و بیانگر ویژگی های هر فرد یا پدیده ای می باشد. صدرالمآلهین در این مورد معتقد است: «هویت هر موجودی عبارت است از نحوه خاص وجود او و در انسان هویت واحده است که متشان به شئون مختلف می شود. انسان ها را مشخصاتی هست که به واسطه آن ها هریک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آن ها باقی است و به آن هویت گویند.» (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

هویت در ریشه لاتین به معنای تشابه و تداوم است، یعنی در آن هم اشتراک وجود دارد هم استمرار، به عبارتی آنچه در طول تاریخ ثابت و مشترک مانده و تحول و دگرگونی تاریخی روی آن اثر نگذاشته است. اما نباید ماهیت پارادوکسی هویت را نیز فراموش کرد؛ بدین معنی که هویت بطور همزمان حامل یک عنصر ایستا و پویاست، از یک سو رجوع به مفهوم هویت بیانگر

نمودار ۱. تعریف هویت در جوامع مدرن و سنتی؛ ماخذ: حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷.



هویت فردی - جامعه مدرن
 (واگرایی در کالبد و رفتار)



هویت جمعی - جامعه سنتی
 (همگرایی در کالبد و رفتار)

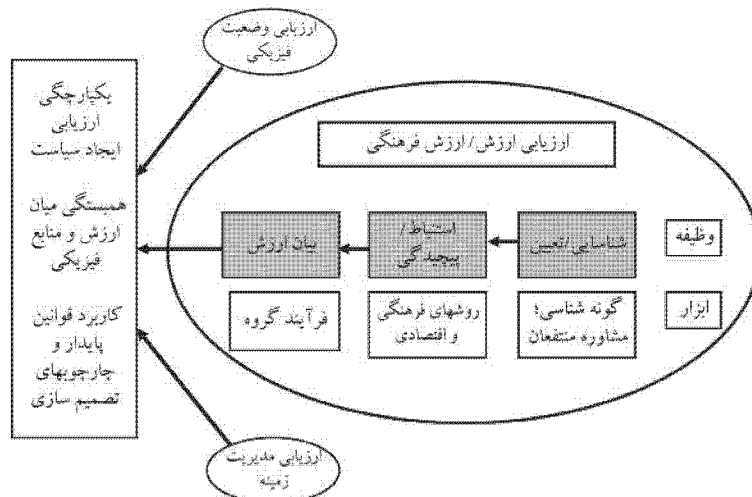
استمرار و تداوم تاریخی است، اما از سوی دیگر نباید این واقعیت را نادیده بگیریم که هویت دائماً در معرض فرآیند بازتعریف و بازتولید است. بدیهی است از نقطه نظر واژه شناسی هویت مترادف تاریخ قلمداد می‌شود. مثلاً وقتی از شهری بی هویت یا بافتی بی هویت سخن به میان می‌آید، منظور آن است که نشانه‌ای از گذشته را در خویش ندارد و یا به عبارتی هیچ گونه رابطه‌ای با گذشته از آن برداشت نمی‌شود. این همان دیدگاهی است که فوکو برای چیستی هویت در معنای نوین آن با شعار «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم» بیان کرده است. اما، هویت برای انسان سنتی (مذهبی) در یک بافت سنتی، باوری است که به مدد ایمان به غیب شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست، در حالی که انسان مدرن (سکولار) خود به مدد خود هویت خویش را می‌سازد. هویت در جامعه سنتی، واحد و الهی و در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی است. در یک نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت اومی‌باشد.

برنامه ریزی فضایی در بافتهای تاریخی

روندی برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده توسط آن در فضای کشور و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتابهای تخریبی و منفی

در فضای سرزمین می‌باشد (اشکوری، ۱۳۷۶، ص ۴۷). پاتریک گدس می‌گوید که شناخت شهر درگرو شناخت عوامل جغرافیایی و تاریخی است، در واقع قبل از هرگونه اقدامی در شهر باید روح شهر را شناخت (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). آثار تاریخی و فرهنگی بعنوان ظاهر و تجسم فیزیکی فرهنگ هر جامعه دارای ارزش های ذاتی و آرمانی است که با استحصال و حفاظت از آنها، پویایی و شفافیت عناصر فرهنگی اجتماع های دارای این ارزش ها را بدنبال خواهد داشت. ضرورت بررسی ارزشهای میراث فرهنگی از این باب نیست که نیازمند اثبات آن هستیم. تقریباً هر کتاب مربوط به این زمینه با جملات مشابه ارزشهای میراث فرهنگی را مفروض قلمداد کرده اند. آنچه نیاز به بررسی دارد ابهاماتی است که در نحوه ارزیابی این ارزشها وجود دارد. ما از بین آثار باقیمانده از گذشته معمولاً به آن چیزهایی توجه می‌کنیم که با ارزش (S □ □) تلقی گردیده اند. برای تعیین آنکه چه چیز با ارزش است باید به ارزشها مراجعه کنیم. این ارزشها باید تحلیل و سپس هماهنگ گردد تا با ارزش بودن اثر تاریخی تعیین گردد» (حجت، ۱۳۸۰، ص ۹۴)، ارزشهای موجود در آثار تاریخی زمانی را می‌توان در قالب واژه های مشخص و معین این ارزش ها دسته بندی کرد. ارزشهای موجود در بناهای تاریخی در قالب سه دسته کلی تقسیم بندی

نمودار ۲. ارزیابی ارزشهای فرهنگی در مداخله در بافتهای تاریخی؛
ماخذ: Randall Mason, ۲۰۰۲ و بنقل از احدنژاد، ۱۳۹۱.



می شود:

کنشگران دخیل در فرایند مداخله در بافت های

شهری

بررسی و ارزیابی موفقیت برنامه های موجود در زمینه بهسازی نواحی نابسامان شهری عمدتاً حاکی از عدم کامیابی کامل این برنامه ها در دستیابی به اهدافشان است. یکی از مهمترین دلایل این امر تعدد دستگاه های دخیل، فقدان هماهنگی های لازم در حوزه سیاستها و برنامه های این سازمان ها، عدم ایفای نقش صحیح بازیگران، متناسب با جایگاه و توان فنی- تخصصی و اجرایی آنان و عدم توجه کافی و جدی برنامه های دستگاه های متولی به نقش مردم و مشارکت آنان در فرایند برنامه ریزی و اجرای برنامه های بهسازی و نوسازی شهری است. از سوی دیگر از آنجا که بهسازی و نوسازی شهری مستلزم اتخاذ سیاست های چندوجهی در حوزه عمران شهری، خدمات شهری، مسکن و ارایه خدمات اجتماعی و اقتصادی به ساکنان این نواحی است، انجام این وظیفه از عهده یک دستگاه دولتی به تنهایی بر نمی آید و پیشبرد آن در مقیاس بزرگ و موثر مستلزم تعهد مشترک و هماهنگ مجموعه دستگاه های دولتی و شهرداری ها در حوزه های ذیربط در سطوح ملی، استانی و محلی است. لذا برای دستیابی به یک برنامه جامع بازآفرینی شهری، ضروری است نخست کنشگران دخیل در سطوح مختلف بازشناسی شده و جایگاه و نقش هر یک در این فرایند تبیین و تدقیق شود. به استناد یافته های بخش قبل، کنشگران دخیل در فرایند بهسازی و نوسازی شهری را می توان در چهار گروه طبقه بندی کرد:

- **بخش خصوصی**، در برگیرنده جامعه حرفه ای؛ شامل تمامی دستگاه ها و شرکت های تخصصی، سرمایه گذاران و نهادهای تامین کننده سرمایه، جامعه نخبگان؛ یا به عبارتی مجموعه عوامل و دستگاه هایی که در زمینه تحقیقات و پژوهش و آموزش و مطالعات صاحب نظر و صاحب قلم اند،

- **دولت**، مشتمل بر کلیه دستگاه های اجرایی، نهاد سیاستگذار، ناظر و هدایت کننده فرایند بهسازی و نوسازی شهری

۱. **اول: ارزشهای هیجانی:** الف- حیرت انگیز؛ ب- هویتی؛ پ- پیوستگی؛ ت- معنوی و نمادین.

۲. **دوم: ارزشهای فرهنگی و تربیتی:** الف- اسنادی؛ ب- تاریخی؛ پ- باستان شناسی؛ ت- قدمت؛ ث- کمیابی؛ ج- زیبایی شناختی و نمادی، چ- معماری، ه- فضای شهری- بوم شناختی- منظر، خ- علمی و تکنولوژی؛

۳. **سوم: ارزشهای کاربردی:** الف- کارکردی، ب- اقتصادی، ج- اجتماعی، چ- آموزشی، ه- قومی و سیاسی (Feilden, 2003, ص ۶).

مکاتب مداخله در بافت های تاریخی

۱- **مکتب کارکردگرایی:** این مکتب در صفت خاص نظام پذیری گروه ها، نهادها و سازمانهای بزرگتر اجتماعی به عمق می رود، در همان حال به سازمان داخلی، مشخصات ساختی و مناسبات مشترک آنها می پردازد (شکویی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

۲- **مکتب خردگرایی:** آلدورسی از معماران ایتالیایی و از پیروان این مکتب، معماری بناهای تاریخی را در برگیرنده خاطرات، افکار و آثار و نسل متعدد در گذشته می داند و نقش آن را در خلق هویت، اساسی می داند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ص ۴۶).

۳- **مکتب فرهنگ گرایی:** نظریه پردازان این مکتب، از جمله کامیلوسیت، لودوک، جان راسکین طی سالهای (۱۹۴۰-۱۸۱۸) توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت و ضروری می دانند. همچنین توجه به فرهنگ ملی و سنتهای قدیمی در توسعه شهری و بهسازی و مرمت، تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه ای و مرمت و بافت بناهای شهری موجب پابرجا و زنده ماندن تمدن شهری می دانند. همچنین این مکتب معتقد است که مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن تقدم دارد و شهر فقط از سازمانهای اجتماعی- فرهنگی زنده می شود. برگشت به گذشته و توجه به زیباشناسی نیز از مشخصات دیگر این مکتب است (زیاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

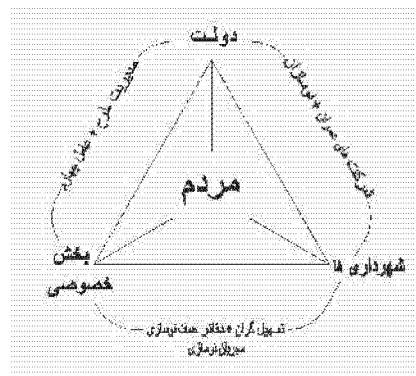
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

- مردم؛ به عنوان اولین و مهمترین جامعه ذی نفع نوسازی و بهسازی بافت، پایه و قاعده اصلی مشارکت فعال در امر نوسازی مشتمل بر ساکنان، شاغلان، مستاجرین، مالکان و مراجعین (عندلیب، ۱۳۸۶)

- شهرداری ها، شوراهای اسلامی شهر، سازمان های نوسازی شهری و انجمن های شورایی وابسته به شوراهای شهر بخش خصوصی، دولت و شهرداری ها هر یک نقش ویژه ای در این فرایند بر عهده دارند. اما در این میان ضروری است نقطه کانونی اقدامات هر سه گروه معطوف به مردم و همگام با خواسته ها و نظرات آنان باشد. در یک فرایند ایده آل، بخش خصوصی ارائه کننده خدمات فنی - تخصصی، تامین کننده منابع مالی و اجرایی است؛ دولت نقش تسهیل گر، سیاستگذار، ناظر و همچنین فراهم کننده زمینه ها و بسترهای لازم برای تشویق و ترغیب مردم برای حضور و مشارکت را بر عهده داشته و شهرداری ها محور مدیریت اجرایی را بر عهده دارند.

نمودار ۳. کنشگران دخیل در فرایند نوسازی شهری و نهادهای مشترک تسهیل گر؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.



بیان یافته های تحقیق

بعد از روی کار آمدن رضاخان در ایران و علاقه بسیار وی به مظاهر جدید و مدرن شهری، کشور به ناگاه دچار تحولات عمیقی گشت و در قسمت شهرسازی با توجه به ورود اتومبیل و علاقه مردم به تجدد، اولین ضربه مهلک

بر بافتهای کهن شهرها که همانا شکافتن آن برای احداث خیابان بود، آغاز گشت. در این دوره مسئولین، جامعه را با بحران فرهنگی تحقیر آمیزی نسبت به فرهنگ غرب روبرو ساختند و گونه ای از بی هویتی که ناشی از نفی تمام سنتها و فرهنگهای پیشین بود گریبانگیر جامعه گردیده بود و در همین دوران است که به تقلید از افکار شهرسازی غربی که تجربه سالیان متمادی در این امر را داشتند، استفاده از معابر بسیار عریض خطی و متقاطع بافتهای تاریخی شهرها را در می نوردد. البته در پس این سیاست به ظاهر علاقمند به مدرنیته مسلماً افکار نظامی و سیاست کنترل بهتر جامعه در مواقع بحران نیز نباید نادیده گرفته شود؛ چرا که هدف نوسازی شهر های اروپائی و بخصوص پاریس مقابله با ناآرامی های اجتماعی نظیر انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه بود در شهرهای ایران به خصوص تهران نیز به تقلید از طرح نوسازی شهری در اروپا، به ویژه طرح هوسمان در زمان ناپلئون سوم اقداماتی به مانند احداث خیابانهای بوذرجمهری و سیروس در تهران، خیابان پهلوی در تبریز و بسیاری خیابانهای مستقیم و خطی در شهرهای دیگر آغاز به ساخت می نمایند. در این میان نکته ای را نیز نباید فراموش کرد که یکی دیگر از مهمترین اهداف احداث این خیابان های پهن و خطی انتقال راحت تر جنگ افزار نظامی برای سرکوب شورش مردم به منظور تضعیف حکومت بود. در واقع میتوان گفت شعار نوشدن شهرها و تجددگرایی سرپوشی بروی افکار پشت پرده مسئولین وقت بود تا مردم کمتر از نیت اصلی آنان با خبر شده و احیاناً مخالفت خود را از آن اعلام نمایند. مصداق واقعی این مدعا عدم توجه به تاسیسات زیر بنایی شهر همانند سیستم آب و فاضلاب بود. ایجاد این تاسیسات به دلیل عدم نمود شهری و همچنین پُرهزینه بودن و همچنین ترس از ایجاد شبکه های زیرزمینی مطابق آنچه در پاریس بوجود آمده بود هیچگاه اجرا نگردید و بسیاری از اصول و مبانی آن نادیده گرفته شد به هر حال این امر یعنی احداث خیابانهای عریض و شکافتن بافتهای تاریخی در دوره های بعد به خصوص در فاصله سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ رشد بسیار چشمگیری



تصویر ۴. عابر گذر تربیت سال ۱۲۸۷



تصویر ۱. تعریض محور تربیت از طرف راسته کوچه، ۱۳۰۷

می یابد؛ چرا که دولت و مسئولین با توجه به فروش نفت و درآمد سرشاری که نصیبشان می گردید قسمتی را نیز به مسائل شهرسازی اختصاص می دادند. در این سالها با شکل گیری وزارت آبادانی مسکن در دهه چهل شمسی و ارائه طرح های جامع و تشکیل شوراهای عالی شهرسازی در دهه پنجاه و همچنین تاسیس وزارت مسکن و شهرسازی به جای وزارت آبادانی و مسکن در همین دهه، تدوین برنامه های ۵ ساله که همگی در دامن زدن به رشد شهرنشینی بسیار موثر بود و باعث ایجاد شهرک های جدید مرفه نشین و تبدیل بافت های تاریخی به بافت های فرسوده شهری شد. حال با توجه به تمام این توصیف ها و با عطف به اینکه یکی از اصلی ترین عواملی که باعث انهدام بافت های تاریخی گردید خیابان بوده است، لیکن خیابان نیز امروزه در بافت های تاریخی جزئی از بافت محسوب گردیده و باید دید که چه راهکارهایی میتواند به پویا سازی بافت های تاریخی کشور و خیابان های موجود در آن کمک نماید. در این میان پایگاه پژوهشی شهر تاریخی تبریز اقدام به مطالعاتی در رابطه با محور های تاریخی کشور و به ویژه شهر تاریخی تبریز نمودیم و دلایل ضعف و انحطاط اکثر آنها و دلایل کمی و کیفی پیشرفت و یا پسرفت آنها بررسی گردید و راهکارهای اجرایی مناسبی جهت بهره وری و استفاده در حل مشکلات محورهای قدیمی و در نهایت پویاسازی محورهای تاریخی اتخاذ گردید. در میان نمونه های بررسی شده محور تاریخی تربیت تبریز که بعد از تعریض در سال ۱۳۰۷ شمسی به دستور

شهردار وقت تبریز محمدعلی تربیت به این نام لقب گرفت و از سال ۱۳۷۴ به عابر گذر تغییر کاربری داد، شاخص ترین نمونه و پویاترین حالت یک محور تاریخی را به منحصه ظهور رسانده است، که در این گفتار سعی در دلایل نقاط قوت آن و شناخت نقاط ضعف و در نهایت ارائه راهکارهای علمی و عملی و جامع برای سایر محورهای تاریخی است. بنابراین بعد از شناخت این محور و سیر تحول شهری آن به صورت نوشتاری و گرافیکی نقاط ضعف و قوت بررسی گردیده و با مقایسه سایر محورهای تاریخی شهر تبریز دلایل پابندگی این محور و انحطاط سایر محورها بیان خواهد شد و در نهایت راهکارهای علمی و عملی و تجربیات حاصل از این پژوهش و فعالیت ارائه خواهد شد.

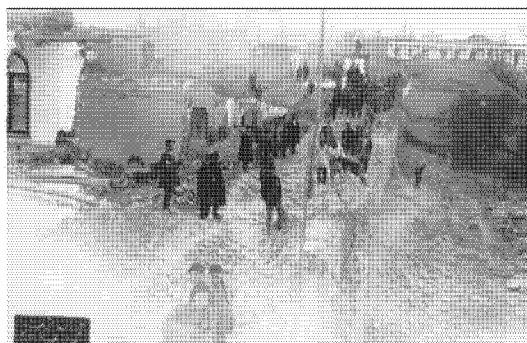
شناخت

بحث اصلی در رابطه با یکی از خیابانهای تاریخی و زیبای شهر تبریز است که در بسیاری از اصول و مبانی شهرسازی و مباحث مرمت شهری در نوع خود بی نظیر میباشد. خیابان تربیت اگرچه در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به دستور محمد علی تربیت شهردار وقت تبریز احداث میگردد، اما محور اصلی قبل از احداث آن مربوط به چند قرن پیش است. این خیابان که دومین خیابان شهر تبریز بعد از خیابان پهلوی (امام خمینی) میباشد (خیابان پهلوی در سال ۱۳۰۵ احداث گردیده)، امروزه زیباترین خیابان شهر تبریز محسوب شده و پذیرای قشر متنوعی از افراد مختلف شهر در طول روز برای بازدید بوده و هدف از نگارش این مقاله معرفی رمز و راز

شده و بیشتر به محلی برای عمده فروشی و پرداختن به کارهای خدماتی و مشاغل نا همگون تبدیل گشته، بافتی پویا و سرزنده داشته و یکی از بهترین مراکز گردش- تفریحی شهر است.

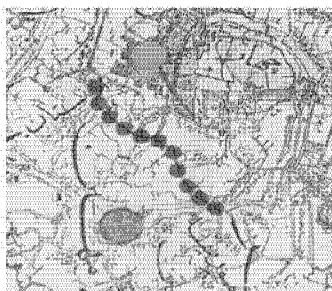
سیر تحول خیابان تربیت

این خیابان همانطور که ذکر شد، در سال ۱۳۰۷ ه.ش احداث گشت. این خیابان قبل از احداث، محوری بود تاریخی که از یکی از ۹ دروازه قدیمی شهر تبریز نوبر آغاز و پس از عبور از محلات اصیل شهر تبریز و چندین مرکز محله و سپس راسته های بازار به دروازه های خروجی شهر منتهی می گشت، که معروفترین آنها دروازه استانبول بود که از آنجا مسیر اروپا را در می نوردید و در واقع ادامه مسیر فرعی جاده ابریشم بود. در واقع خیابان تربیت جزء معدود خیابان های احداث

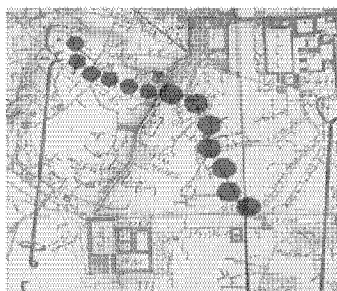


تصویر ۳. محور تربیت در زمان احداث، سال ۱۳۰۷ ه.ش
ماخذ: آرشیو نگارنده.

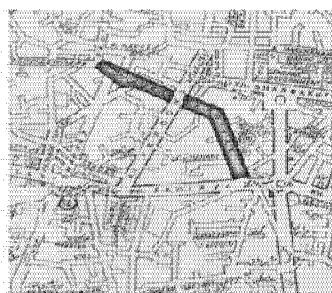
موفقیت این خیابان تاریخی و طرق الگو برداری از آن در احیاء و مرمت دیگر خیابان های تاریخی شهرهای دیگر است. این محور علی رغم بسیاری از محورهای تاریخی شهر های دیگر کشورمان که روز به روز فرسوده تر



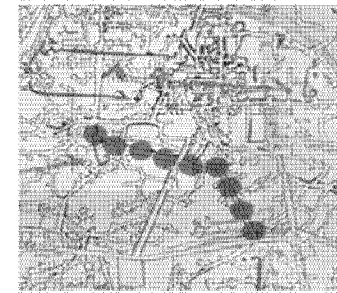
تصویر ۵. محدوده محور تربیت - کریمه شهر تبریز ۱۳۲۶ ه.ش



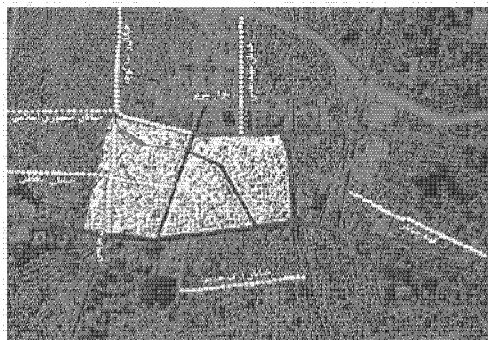
تصویر ۶. محدوده محور تربیت، نشانه نارنگی در تبریز ۱۳۳۷ ه.ش



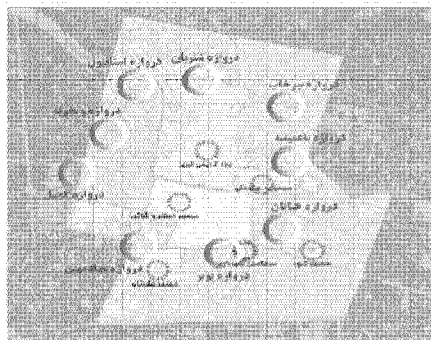
تصویر ۷. محدوده محور تربیت، دوره پهلوی دوم



تصویر ۸. محدوده محور تربیت، کریمه شهر تبریز، ۱۳۳۰ ه.ش



تصویر ۹. جامای سینه محور تربیت و نشان کشی هاور سانس بر روی - عکس همایش سال ۱۳۳۵ ه.ش



تصویر ۱۰. محدوده پهنای تاریخی شهر تبریز و بازار کریمه

توره بازرگان تاریخی

تورانه عین تربیت بازرگان

شده در آن دوران محسوب می گردد که نه با شکافتن بافت و بصورت کاملاً خطی که در آن دوران از طرح های رایج و معمول خیابان کشی ها محسوب می شد، بلکه منطبق بر معبری قدیمی و صرفاً با تعریض آن احداث گشت که این در نوع خود در آن مقطع امری کم نظیر محسوب می گردید. سیر تحول این محور بر روی اسناد تاریخی تبریز که در تصاویر زیر بررسی شده مصداق واقعی این مطلب می باشد.

در واقع تعریض محوری قاجاری با همان حالت ارگانیک و غیرخطی خویش و نوعی بدنه سازی که مختص معماری دوره اول پهلوی بود در دو طرف این خیابان شکل گرفت. بنابراین این ساختمانهای دو طبقه که در بر گیرنده واحد های تجاری در همکف و واحد های دفتری- خدماتی و گاهاً مسکونی در طبقه بالا و در پشت این جداره نیز بافت مسکونی تاریخی بر جای مانده از قرون پیش سر جای خود به زندگی روزمره ادامه می داد و در واقع نقش اصلی این محور که در اواخر زنده و پس از احداث باروی معروف نجفقلی خان دنبلی که همانا تجاری بودن آن، پیشوازی برای ورودی به بازار سرپوشیده تبریز بود به همان صورت ولی در قالبی جدید تر که بیانگر نوع تفکر و سیاست حاکم بر جامعه بود شکل گرفت. تقریباً کمی پس از شروع احداث این خیابان، خیابان فردوسی تبریز از مقابل ارک علیشاه تبریز به طرف خیابان شاه بختی (مجاور بازار) شروع به اجرا میگردد که با توجه به برخورد آن با محور تربیت، محور به دو طول کوچک و بزرگ منفصل گردید، که به محور تربیت بزرگ و تربیت کوچک مشهور گشت. خیابان تربیت به عنوان یکی از شاخص ترین محورهای شهر در سال ۱۳۲۶ مقارن با دوره حکومت پیشه وری رئیس حکومت خود مختار آذربایجان آسفالت گردید و جالب اینکه محل استقرار پیشه وری در ساختمانی در همین خیابان بود. (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی تبریز) اما بعد از گزارش خلاصه ای از سیر تحولات این خیابان شاید بتوان مهمترین تحول ایجاد شده بر روی این محور را به سالهای بعد از انقلاب اسلامی در ایران اشاره نمود که همانا تبدیل این محور تاریخی (محور تربیت بزرگ)

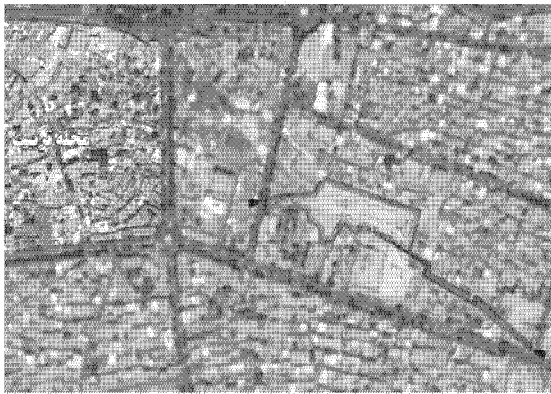
در سال ۱۳۷۴ ه.ش به عابر گذر می باشد. رجوع به اسناد و تصاویر قبل از عابر گذر شدن این محور نشان می دهد که فرسودگی مفرط در این محور بیش از هر چیز به چشم میخورد و بار ترافیکی سنگین ناشی از حرکت اتومبیل در این محور نه چندان عریض که به دنبال خود آلودگی های مختلفی را به دنبال داشت، جداره ها و نماهای تاریخی را بیش از هر چیز تهدید می نمود. عدم امنیت پیاده باعث عدم رفت و آمد مردم در آن شده و بیشتر تبدیل به یک محور تردد اتومبیل به مانند بسیاری از محورها و خیابان های قدیمی شهرهای دیگر بود، بنابراین لزوم حذف ترافیک اتومبیل از آن به عنوان اقدامی عملی انجام پذیرفت. به دنبال آن با طراحی تمامی المانهایی که می توانست یک مبلمان شهری دلچسب همراه با احترام به تاریخ محله را برای مردم منطقه به ارمغان آورد، ارائه گردیده و مردم شاهد سنگفرشی زیبا در طول محور به همراه باغچه های طراحی شده که در کنار خود نیمکت هایی برای استراحت افراد داشتند، شدند که حتی برای عبور صندلی چرخدار و کالسکه کودکان نیز معبری تعریف و طراحی گردیده بود. در کمتر از چند ماه محور فرسوده تربیت تبدیل به یکی از پویا ترین و فعالترین محور های شهر شده، به طوری که در کمتر از دو سال به مهمترین مرکز تفریحی- تجاری شهر بدل گشت که در پس آن نیز ماهیت مسکونی بافت همچنان پابرجا بوده و هیچ خللی به آن وارد نشد.

مقایسه دیگر محورهای تاریخی تبریز با عابر گذر تربیت

در این قسمت چند محور تاریخی شهر تبریز را که در بسیاری از ادوار از اهمیت بیشتری نسبت به محور تربیت برخوردار بوده و اینک به یک محور حاشیه ای و یا خارج از ضوابط بافت تاریخی تبدیل گشته را معرفی و در نهایت مقایسه ای اجمالی بین این محورها و محور تربیت انجام خواهد شد.

الف) محور کهنه خیابان: محور کهنه خیابان تبریز تا قبل از احداث خیابان پهلوی اصلی ترین محور ورودی شهر تبریز محسوب گردیده که منطبق بر راه فرعی جاده ابریشم بوده و در آماده سازی پرونده ثبت جهانی





تصویر ۱۱. محفوده کهنه خیابان محله همجواری تربیت پر روی عکس هوایی سال ۱۳۸۷



تصویر ۱۰. محفوده کهنه خیابان، سال ۱۳۸۷

خوش تغییراتی شده است که از آن به عنوان نوسازی و بهسازی بافت فرسوده یاد میشود.

ب) محور مقصودیه: این محور در واقع در امتداد همان محور تربیت ولی در خارج از باروی قدیمی و دروازه نوبر بود که پس از رسیدن به دروازه نوبر از طریق محور تربیت به مرکز اصلی شهر می رسید. این محور قدیمی به علت تعریف نشدن نقش محوری آن در طول سالیان متمادی و پس از گذشتن یک خیابان عریض از داخل آن که میتوانست از جای دیگری عبور کند و یا حداقل

بازار تبریز نیز به عنوان شاخص ترین محورگذری در حریم این بازار در نظر گرفته شده است، اما همانطور که در نقشه ها و عکسها مشاهده می گردد، از این محور تاریخی که در واقع از حوالی چهارراه منصور تبریز شروع و بعد از عبور از کهنه بازار و دروازه خیابان، رنگچی بازار را طی نموده و با گذر از راسته اصلی بازار تبریز به دروازه استانبول رسیده و راه اروپا را طی می نمود، دیگر چیزی باقی نمانده مگر امتدادهای بسیار کوتاه که هیچ تناسخی نیز ما بین آنها وجود ندارد. محور مذکور دست



تصویر ۱۳. محور مقصودیه (خانه بهنام)



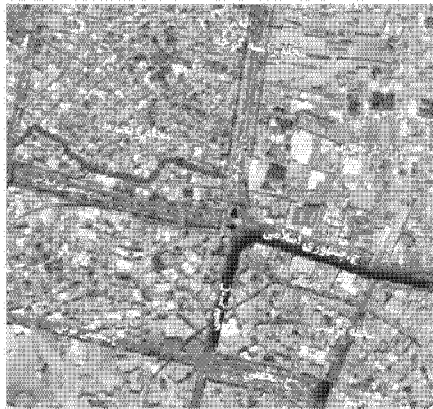
تصویر ۱۴. خیابان جدید الاحداث، ۱۳۸۷

به صورت زیرگذر با این محور برخورد کند از حالت تاریخی و دنج بودن خود که بسیار جو مسکونی- تجاری و زیبایی بر آن حاکم بود، در آمده و از اقتدار اولیه آن کاسته شده است.

ج) محور ویجویه: این محور در سمت غربی بازار تبریز میباشد که از دروازه گجیل مسافران را به طرف مرکز شهر رهنمون می ساخت و یکی از شاخص ترین محورهای تاریخی شهر محسوب می گردید. امروزه



تصویر ۱۴. خیابان جدید الاحداث (کهنه محله) مقصودیه پر روی عکس هوایی سال ۱۳۸۷



تصویر ۱۶. محلات قدیمی همجوار با محله تربیت در عکس هوایی سال ۱۳۸۷



تصویر ۱۵. تصویری از مرکز محله وجویه

از این محور تاریخی که شامل چند مجموعه کامل میدانچه، حمام و مسجد های محله ای در طول مسیر خود بود دیگر رمق چندانی باقی نمانده و به یک محور حاشیه ای تبدیل گشته است، و بسیاری محورهای دیگر تاریخی که هر کدام از یکی از ۹ دروازه قدیمی شهر تبریز وارد شهر می گشت و امروزه یا به کلی از بین رفته اند و یا اهمیت و اقتدار آن از بین رفته است.

دلایل اصلی شاخصیت محور تربیت در روند شهر سازی جدید

بی شک دلایلی چند را می توان برای شاخصیت این محور نسبت به محورهای تاریخی دیگر بیان نمود که هر کدام به عنوان عاملی مهم برسرنوشت این محور تاثیر گذار بوده اند. به طور کلی پس از بررسی و پژوهش های فراوان بر روی این محور عوامل زیر به عنوان مهمترین عوامل تاثیر گذار بر محور مشخص گردیدند:

الف) منطبق بودن محور تربیت بر همان گذر تاریخی شهر که از قرون متمادی پیشین تاکنون پا برجا بوده است.

ب) نقش خیابان تربیت به عنوان یکی از مهمترین محورهای تاریخی ورودی شهر از قدیم الایام تاکنون.

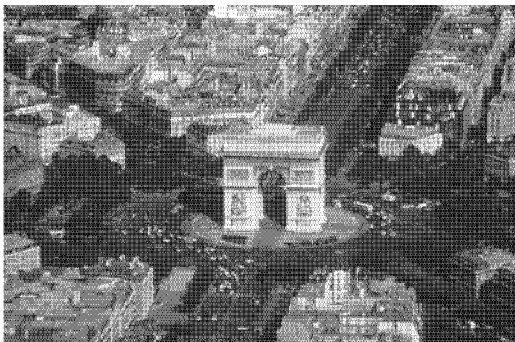
ج) جلوگیری از حرکت سواره و کاهش بار ترافیکی ناشی از اتومبیل در آن که با تبدیل این محور به عابر گذر انجام پذیرفت و باعث رونق خرده فروشی و فروش اجناس لوکس گردیده و رغبت مردم و به خصوص خانواده ها برای بازدید از آن بیشتر گردید.

به طور کلی عابر گذر شدن این محور محاسن زیر را به

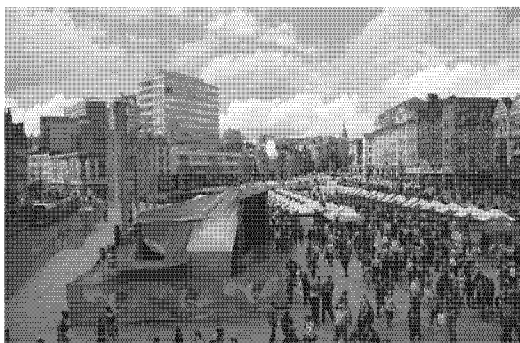
دنبال داشت:

- ۱- احساس آرامش و امنیت در هنگام گشت و گذار در داخل محور.
 - ۲- این محور با توجه به تاریخی بودن و بر خورداری آن از نماها و نشانه های فراوان شهری که تداعی کننده بیش از یک قرن تحولات شهرسازی شهری می باشد باعث افزایش میزان یادگیری و تعلق خاطر مردم میشود.
 - ۳- این محور به علت حضور مستمر در بافتهای پیرامونی و همجواری با بناهای تاریخی اطراف و رعایت مقیاس انسانی، تناسب و تواضع نسبت به مخاطب حس احترام متقابل افراد را نسبت به آن افزایش می دهد.
 - ۴- کاهش آلودگی های صوتی و هوا و همچنین بهبود سیمای شهر.
 - ۵- رونق این محور به بالارفتن ارزش بافتهای مجاور منجر شده که در نهایت به افزایش اعتبار این محور منتهی گردیده است.
- بررسی نمونه هایی از عابرگذرهای مختلف در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه**
- زمانی که تاریخ را مرور کرده و ادبیات مرمت شهری جهان را بازنگری می کنیم به نتایجی می رسیم که افسوس ما را چندین برابر می کند و آن این است که در اوایل قرن بیستم که در ممالک غربی و کشور های پیشرفته و توسعه یافته در حال برگزاری نشست ها و کنگره هایی برای تدوین منشورها و قوانین وضوابط به

تصویر ۱۸. انتهای خیابان شانزه لیزه، طاق نصرت؛ ماخذ: آرشيو نگارنده.



تصویر ۱۹. نمونه ای از عابر گذرهای شهر کپنهاگ در دانمارک؛ ماخذ: آرشيو نگارنده.



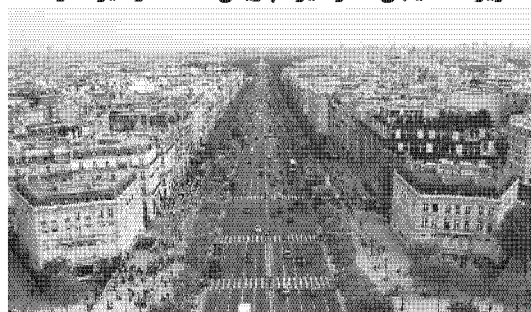
تصویر ۲۰. تصویر قدیمی از لیس مارکت ناتینگهام؛ ماخذ: آرشيو نگارنده.



جهت ارزش نهادن به بافت های تاریخی شان برای حفظ و حراست و بازآفرینی وباززنده سازی چنین مجموعه های شهری در حال چالش هستند و مقارن با آن در کشور ما که دارای بافت های غنی شهری و به سبک های متفاوت (بر حسب تقسیمات اقلیمی حاکم بر جو کشور) بوده سرگرم الگو برداری غلط و بدون مطالعه در نوع سنت و فرهنگ یک جامعه ایرانی در حال تخریب بافت ها در کل و محلات در جزء هستند به این نوع اقدامات به بهانه تجدد گرایی و بهره مند شدن از امکانات روز به خصوص اتومبیل انجام می شود. به طور کلی پس از تولید انبوه اتومبیل و دردسترس قرار گرفتن آن برای اکثر اقشار مردم و تردد بیش از حد آن در خیابانها مفهوم عابر گذر در کشور های توسعه یافته شکلی جدی تر و اساسی تر نسبت به گذشته به خود گرفت. شاید بتوان اولین و یکی از زیباترین عابر گذرهای دنیا که در اوایل ورود اتومبیل به زندگی شهری شکل گرفت را عابر گذر شانزلیزه در پاریس معرفی نمود که فرانسویها به آن «La plus belle avenue du monde» یعنی زیباترین خیابان جهان می گویند که در منطقه ۸ پاریس در شمال غربی این شهر قرار دارد (اسمعیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

آغاز این بلوار از سال ۱۹۱۰ و از شرق میدان کنکورده شروع و تا پایان میدان شارل دوگل ادامه می یابد. طاق نصرت معروف پاریس در پایان این خیابان واقع گردیده است، از اواسط دهه بیستم در آلمان و در شهرهای اسن و کلن اولین عابر گذرها شکل می گیرد؛ به طوریکه تا سال ۱۹۵۵ تعداد بیست و یک شهرداری عابر گذر می گردد.

تصویر ۱۷. خیابان شانزه لیزه، پاریس؛ ماخذ: آرشيو نگارنده.



تصویر ۲۱. کوونت گاردن لندن و تصویر ۲۲. تصویر جدید از لیس مارکت ناتینگهام؛ ماخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۲۴. لیس مارکت ناتینگهام

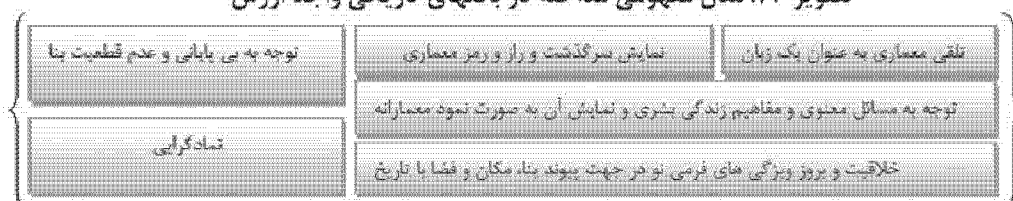
در کپنهاگ دانمارک که یکی از بزرگترین شهرهای جهان میباشد، مسئولین شهر به علت وجود جاذبه های قرون وسطائی شهر در طی یک دوره چهار ساله، خیابان اصلی شهر را به یک خیابان پیاده تبدیل کرده و برنامه ریزان طی مراحل مختلف، شهر را از یک شهر با غلبه اتومبیل به یک شهر برای مردم تبدیل نمودند. نمونه های این محدوده ها را در انگلستان میتوان در برادفورد، محله جواهر فروشان در بیرمنگام، لیس مارکت ناتینگهام (هفت شهر، ۱۳۷۹: ش اول) کوونت گاردن (معماری و فرهنگ، ۱۳۸۰: ش ۸) و چیپ ساید لندن مشاهده نمود (شارستان، ۱۳۸۴: ش ۷ و ۸).

همچنین طرح باز زنده سازی محله قدیمی سالرنو در ایتالیا از نمونه های بسیار زیبای باززنده سازی می باشد که در آن از طریق طراحی پارک - شهر با حفظ بناهای موجود و ایجاد مکانی همگانی برای فراهم آوردن فضایی ملموس برای آیندگان و ساخت موزه های مختلف گیاه شناسی، باغ موزه و مدرسه مرمت اقدام شده است (معماری و فرهنگ، ۱۳۸۰: ش ۸). از مثال هایی که برای کشورهای در حال توسعه میتوان

برشمرد بافت تاریخی قاهره می باشد که با بهبود دسترسی های بافت تاریخی قاهره از طریق پیش بینی رفت و آمد متناسب با ظرفیت محیطی و افزایش سرمایه گذاری و بهسازی ساختار مالی برای گرد آوری سرمایه و پشتیبانی از روند احیا به کمک قدرتی کارآمد و مشارکت فعال مردم محلی انجام پذیرفته است (هفت شهر، ۱۳۷۹: ش ۲).

شهر بخارا را شاید بتوان یکی از شهرهای درحال توسعه ای دانست که دارای مشترکات فرهنگی بسیار زیادی با شهرهای تاریخی ایران می باشد. بافت تاریخی شهر بخارا و مرمت شهری در آن با ایجاد فضاهای باز در اطراف بناهای تاریخی به منظور خلق بهترین دید و منظر شهری گرچه تا حدی عدول از موازین و معیارهای منشورهای بین المللی محسوب می گردد؛ اما از این شهر مکانی کاملاً توریست پذیر و زیبا ساخته است

تصویر ۲۳. مدل مفهومی مداخله در بافتهای تاریخی واجد ارزش



ماخذ: ترسیم نگارنده.

جزئی از خاک ایران بوده و هنوز هم بسیاری از مردم این سرزمین به یادگیری آداب و رسوم ایرانیان علاقه فراوانی از خود نشان می دهند یا از دیگر شهرهای تاریخی کشورهای در حال توسعه که قرابت فراوانی از لحاظ بافت فرهنگی و حتی جغرافیایی با ایران دارد را می توان منطقه بالتیستان در سرحدات شمال پاکستان نام برد که امروزه با مرمت و باززنده سازی نواحی و عمارت های تاریخی منطقه و استفاده از مصالح و تکنیک های سنتی و ساماندهی ترافیک به منطقه گردشگری و توریست پذیر و زیبا مبدل گشته است.

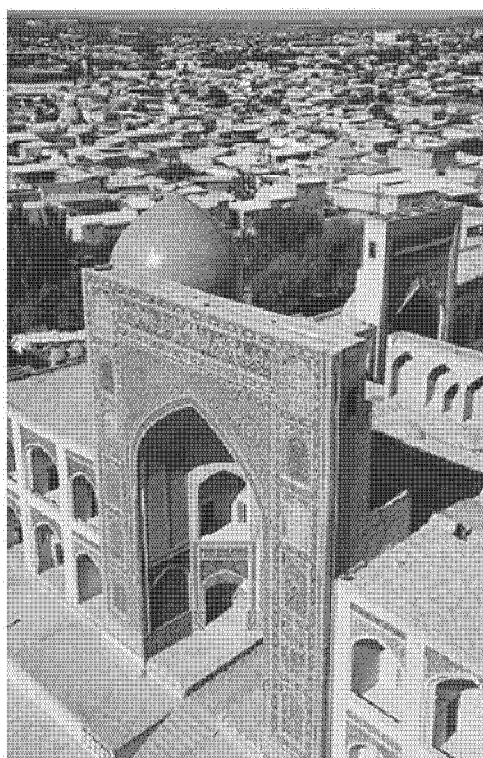
(P115-118:2002, Bianca, Stefano)

نمونه های طراحی شده در ایران

از نمونه های طراحی شده در ایران می توان محور پیاده جنت در مشهد را به عنوان یکی از عابر گذر های شاخص بعد از محور تربیت تبریز نام برد. پیش از پیاده سازی این محور، تداخل حرکت سواره و پیاده به حدی بود که حرکت در آن مختل می شد و از آنجا که به موازات خیابان جنت دسترسی سواره مناسبی وجود دارد حذف حرکت سواره هیچگونه تاثیری در حرکت ترافیک پیرامون این معبر ایجاد نمیکرد و به همین دلیل به راحتی نقش یک محور ویژه پیاده را پذیرفت. این محور با قرار گیری در بافت تاریخی شهر و امکان برخورداری از محور های مناسب سرویس دهنده به نقاط پیرامونی آن از مکانیابی نسبتاً خوبی برخوردار است. در بازدید انجام شده از بافت تاریخی شیراز، کارهای انجام شده توسط سازمان عمران و بهسازی شیراز که با نظارت میراث فرهنگی استان انجام پذیرفته بود اگرچه در بسیاری از مسائل مرمت شهری و رعایت اصول آن موفق بود، ولی دارای یک مشکل اساسی نیز بود که مهمترین آن عدم پویاسازی این محدوده از شهر می باشد. احیاء و بازسازی محور سنگ سیاه نمونه اصلی این مدعاست که البته با کمی دقت و ارائه راهکارهای مناسب می توان این مشکل را نیز حل نمود. شاید تنها شهر ایرانی را که بتوان در آن بسیاری از پتانسیل های انجام یک مرمت شهری کارآمد را به وضوح مشاهده نمود شهر اصفهان می باشد و در همین راستا یکی از زیباترین



تصویر ۲۵. بافت تاریخی قاهره، مصر

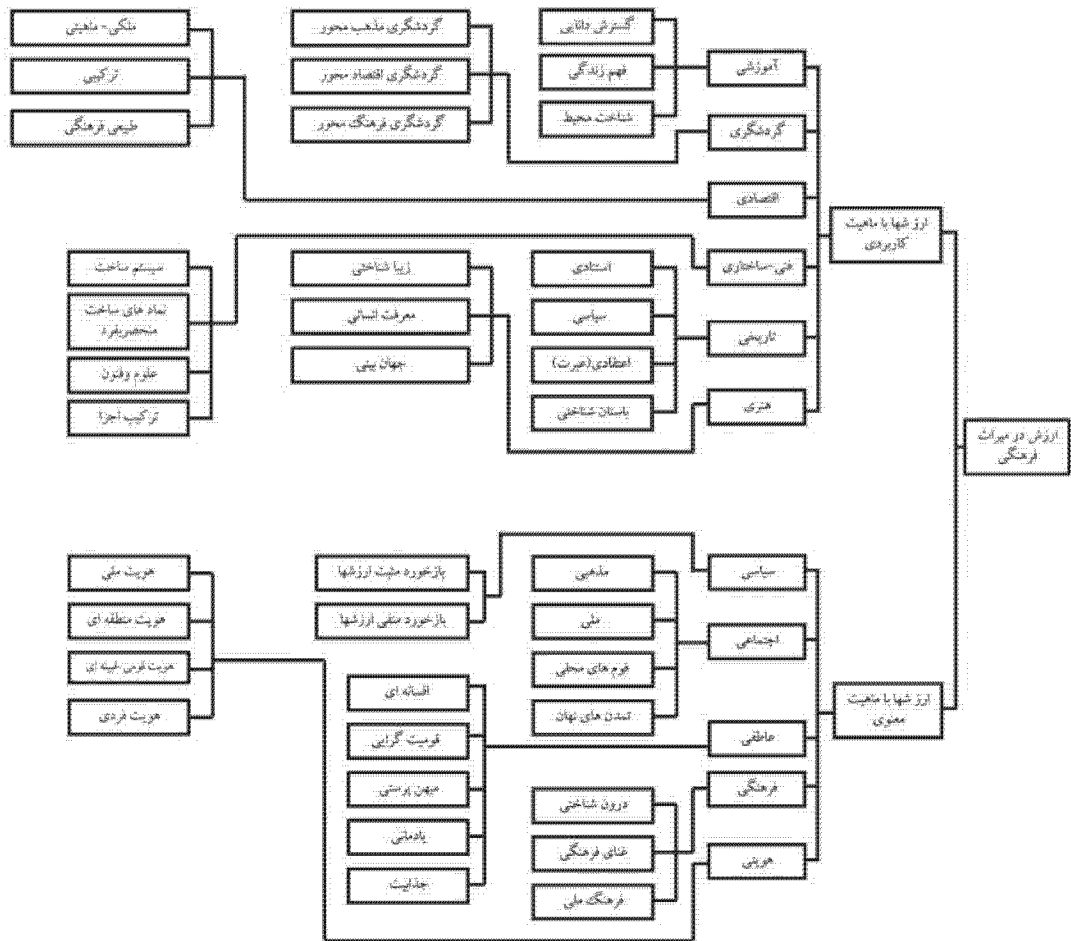


تصویر ۲۶. تصویری از بافت بخارا

که با تکیه بر ایجاد غرور شهروندی و هویت فرهنگی که میتوان آنرا نزد تک تک افراد شهر رویت نمود به الگوهای اصیلی در این زمینه دست یافته اند.

اگرچه طراحی و مرمت شهری بسته به نوع بافت و فرهنگ و اقلیم هر شهر نسبت به شهری دیگر متفاوت است، اما میتوان از بسیاری از شهرهایی که دارای آداب و رسوم مشترک بسیاری با شهرهای کشورمان است الهامات فراوان در بحث مرمت شهری گرفت. کما اینکه شهری مثل بخارا تا کمتر از دو قرن پیش

نمودار ۴. ارزشهای تبیین کننده هویت در بافتهای تاریخی - فرهنگی
 ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

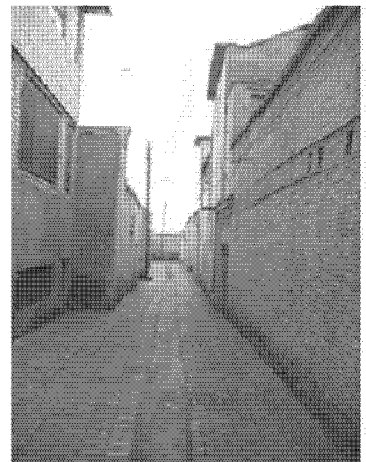


مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۷ زمستان ۹۳
 No.37 Winter 2015



تصویر ۲۹. نمونه های طراحی شده در بافت تاریخی اهواز



تصویر ۲۸. نمونه های طراحی شده در بافت تاریخی اهواز

محور های احیاء شده در این شهر محور جلفا بوده که جذب گردشگران زیادی را نیز برای بازدید در طول سال به دنبال دارد. در این محور نگهداشتن گردشگر در محله به بهانه های مختلف به خوبی به چشم میخورد، که با ایجاد قطب های فرهنگی و فضاهای مناسب پذیرایی و ارتقاء تک بناهای با ارزش تاریخی و ایجاد اماکن اقامتی مناسب به گونه ای از پویاسازی بافت تاریخی دست یافته است.

نتیجه گیری و جمع بندی

در جامعه کنونی ما مفاهیم میراث فرهنگی و تاریخی با فرهنگ موجود مرمت تضاد دارد. نحوه برخورد با بافت میراثی از سویی می تواند منجر به سنت پرستی و از سوی دیگر منجر به قطع ارتباط با گذشته شود. در کشورهای در حال توسعه هرچه رشد اقتصادی و ساخت و ساز سریع تر باشد، مغایرت توسعه با حفظ اصالت و یکپارچگی بافت های قدیم بیشتر دیده می شود، و در شرایط فعلی بافت شهرهای ایران، لزوم گره زدن مسایل توسعه این گونه بافت ها با ضرورت های میراث، الزامی به نظر می رسد و نحوه برخورد قوانین میراث فرهنگی با بافت های تاریخی (فرهنگ علیه فرهنگ)، باعث تخریب بافت و از بین رفتن اصالت آن شده است. به اعتقاد برخی معماران عدم توجه به توسعه همگام و همگرا با حفظ و بهره برداری از میراث تاریخی کشور و تضاد مفاهیم میراث فرهنگی و تاریخی با فرهنگ موجود توسعه در جامعه موجب می شود که مرمت های انجام شده در بافت های تاریخی در تضاد با اصالت و حفظ یکپارچگی بافت باشند؛ لذا اینجاست که بنیاد و جایگاه ارزش ها، اصالت معنایی - رفتاری خود را از دست می دهد و می بایست فکری به حال آن اندیشید.

از سویی دیگر، معماری و شهر سازی هر منطقه با توجه به نوع اقلیم و موقعیت های جغرافیایی و استراتژیک منطقه ای با مناطق دیگر متفاوت است. ارائه نمونه های مختلف مرمت شهری در کشورها و یا شهر های مختلف حاکی از همین مطلب بود و آن اینکه نمیتوان برای احیاء بافت های تاریخی مناطق مختلف دنیا یک راهکار ثابتی را ارائه داد چرا که آسیبها و بیماری های بافت

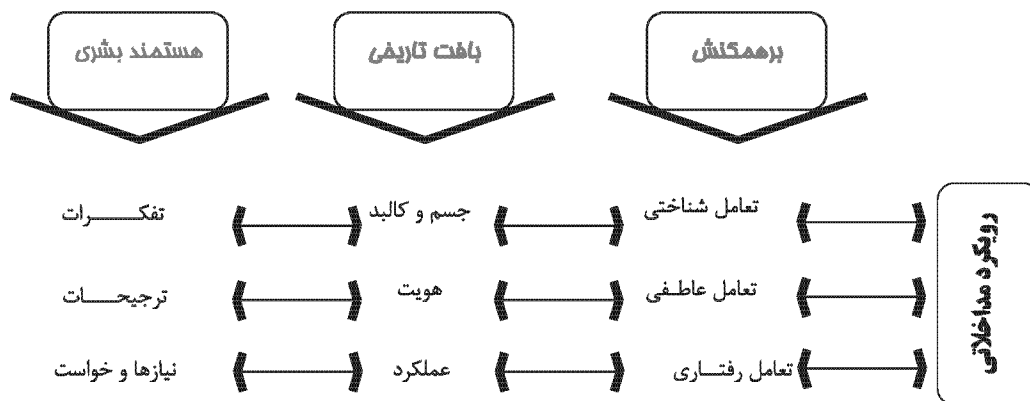
های مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و درمانهای مختلفی را نیز طلب می نماید. بطور خلاصه بهترین راه حل ها برای پویاسازی و احیاء و ساماندهی بافتها و محلات تاریخی را میتوان چنین بیان کرد:

الف- پویاسازی بافت های تاریخی مهمترین رکن احیاء و ساماندهی بافت های تاریخی کشور است برای نیل به این مقصود شاید اساسی ترین کار ایجاد امنیت و آسایش در بافت های قدیمی و ارزشمند است، یعنی سازمانهای وابسته به این امر مخصوصاً شهرداری و سازمان میراث فرهنگی باید شرایطی را فراهم نمایند تا افراد ساکن در محلات قدیمی هیچ تفاوتی را میان معیشت در بافت های قدیمی و جدید نه تنها ندیده بلکه با مشوق هایی از جمله اهدای وام، حذف مالیات و دارایی و ارائه یارانه های خدماتی- رفاهی آنان را بیش از پیش تشویق به ماندن و حفظ و رسیدگی به محل خود نمایند.

ب- حفظ آثار تاریخی در اولویت اول، که این امر در رابطه با طرح های جدید شهری می بایست تأکیداً مدنظر قرار گرفته و حتی در مبحث حرایم نیز دقت لازم انجام پذیرد تا آنچه که در مجاورت میدان نقش جهان انجام پذیرفت، دیگر اتفاق نیافتد که باعث تخریب بخشی از ساختمان جهان نما در ارتفاع گردیده و بسیاری از سرمایه عمومی در این میان از بین رفته و یا احداث مسیر مترو و برخورد آن با خیابان چهار باغ که باعث توقف پروژه گردید و به مقدار قابل توجه، وقت و هزینه به هدر رفت. در این راستا به عنوان مثال در رابطه با احداث مسیر متروی تبریز پایگاه شهر تاریخی تبریز از همان ابتدا با مدیر عامل سازمان قطار شهری استان وارد بحث و جلسات متعدد گردیده و از همان ابتدا مسیر های مشکل ساز در محدوده بافت تاریخی بررسی و در جاهای ضروری تغییر مسیر آن در دستور کار قرار گرفت.

ج- با توجه به اعتبارات اندک سازمان میراث فرهنگی در رابطه با عمران و بهسازی و احیاء بافت های تاریخی و در مقابل اعتبارات بسیار زیاد شهرداری برای انجام امور شهری، سازمان میراث فرهنگی می بایست با استفاده از مشاوران ذیصلاح برای انجام مطالعات و طرح های

رویه و فرآیند مفهومی مدافله در بافتهای واجد ارزش تاریخی



آن و همچنین تبیین نقش راهبردی بافت های تاریخی کشور در چشم انداز برنامه بیست ساله که چه تاثیری در قبال جذب توریست میتوانند داشته باشد، چرا که بدون حفظ و صیانت از بافت های تاریخی مسلماً رسیدن به جذب بیست میلیون گردشگر خارجی در سال ۱۴۰۴ ه.ش سرابی بیش نخواهد بود.

منابع و کتاب شناسی

- (۱) آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی تبریز.
- (۲) آرشیو سازمان اسناد منطقه شمال غرب کشور.
- (۳) آرشیو سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
- (۴) آرشیو شهرداری منطقه تاریخی - فرهنگی تبریز.
- (۵) اسدالهی، شیوا (۱۳۸۰) طرح حفاظتی کاونت گاردن درلندن، معماری و فرهنگ، شماره ۸، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- (۶) اسمعیلی سنگری، حسین (۱۳۸۷) معماری سردرب های تاریخی تبریز، انتشارات ستوده، تبریز.
- (۷) بحرینی، سید حسین و بهناز امین زاده (۱۳۸۵) طراحی شهری در ایران: نگرشی نو، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- (۸) بحرینی، سید حسین (۱۳۸۲) فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۹) بذرگر، محمد رضا (۱۳۷۷) بررسی و شناخت

مرمتی و احیاء و سامان دهی بافتهای تاریخی امور اجرائی را در قالب تفاهم نامه هائی با شهرداری با نظارت مستقیم بر حسن اجرای آن، این امر را در مسیر درست هدایت نموده و در این راستا رسالت اصلی شهرداری که در واقع متولی تمامی امور شهرسازی در شهر میباشد نیز انجام خواهد پذیرفت.

د- همفکری و مشاوره همیشگی میان سازمانهای ذیربط در امور شهری، که در این راستا نقش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان یکی از پایه های اصلی کمیسیون ماده پنج بسیار پررنگ بوده و طبق ماده ۱۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه مشتمل بر مواد ۱۶۵ و ۱۶۶ قانون برنامه سوم توسعه و همچنین مصوبه هیئت وزیران در مورد انجام مطالعات فرهنگی و تاریخی قبل از اجرای پروژه های بزرگ عمرانی در سال ۱۳۸۲ و همچنین مصوبه شورای عالی شهر سازی مبنی بر داشتن حق وتو برای سازمان میراث فرهنگی در محدوده بافتهای تاریخی مصوب، وظیفه این سازمان در پیگیری ضوابط و مقررات اجرایی این محدوده ها خطیرتر و سنگین ترمی باشد که مهمترین آن تصویب بافت های تاریخی شهرها در کمیسیون ماده ۵ استان و به تبع آن شورای عالی معماری و شهرسازی کشور می باشد.

ه- برگزاری سمینارها و همایش های تخصصی در رابطه با آشنایی افراد با بافت های تاریخی و تشویق به احیاء

- ۳۳-۴۱ . ساخت اصلی شهر نمونه موردی در ایران شیراز، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنر های زیبا، دانشکده معماری و شهر سازی.
- (۱۰) بنتلی و دیگران (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه: مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- (۱۱) بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها، ترجمه: فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- (۱۲) پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵ الف) سیمای شهر آنچه کوبین لینچ از آن می فهمید، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
- (۱۳) پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: انتشارات پیام.
- (۱۴) پورجعفر، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۵) مبانی طراحی محور های شاخص شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
- (۱۵) توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۲) طراحی فضای شهری، جلد ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- (۱۶) توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- (۱۷) تولایی، نوین (۱۳۸۶) شکل شهر منسجم، انتشارات امیر کبیر، تهران
- (۱۸) تیزدل، استیون تنداک و تیم هیث (۱۳۷۹) احیای محله های صنعتی و تجاری، مترجم: بهرام معلمی، هفت شهر، شماره اول، سازمان عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهر سازی، تهران.
- (۱۹) جیم، آنتونیو (۱۳۷۹) بافت تاریخی قاهره، مترجم: نیلپر هنرور، هفت شهر، شماره دوم، سازمان عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- (۲۰) حبیبی و مقصودی، سیدمحسن و ملیحه (۱۳۸۶) مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- (۲۱) حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰) فضای شهری، حیات واقعی و خاطره های جمعی، مجله صفا، شماره ۲۸، صص
- ۲۲) حجت، عیسی، (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۵۹-۵۷.
- (۲۳) حمیدی، ملیحه (۱۳۷۲) نقش فرم، الگو و اندازه شهر در کاهش آسیب پذیری از زلزله، هشتمین سمینار بین المللی پیش بینی برابر زلزله تهران: دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
- (۲۴) حمیدی، ملیحه (۱۳۷۵) کنکاشی در الگوی ساختاری و استخوانبندی شهرهای کهن ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
- (۲۵) حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶) استخوانبندی شهر تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی ومهندسی شهرداری تهران
- (۲۶) زیاری، کرامت الله (۱۳۸۴) برنامه ریزی شهرهای جدید، تهران، انتشارات سمت
- (۲۷) سند نارا (۱۹۹۴) سایت مرمتگر، پیش گفتار نارا، بند ۱۱ و ۱۲.
- (۲۸) شکوئی، حسین (۱۳۸۲) دیدگاههای نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، تهران، سمت
- (۲۹) شکوئی، حسین (۱۳۸۵) جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی
- (۳۰) شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- (۳۱) طیبی، غفاری (۱۳۸۹) راهبردهای مطالعه فرم شهری در ایران، همایش ملی معماری و شهر سازی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی
- (۳۲) کازویو، سجمیا، نیشیزوآ، ریو (۱۳۸۰) طرح باززنده سازی ناحیه قدیمی سالرنو، مترجم: شکوه لامیان، معماری و فرهنگ، شماره ۸، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- (۳۳) کن، پاول (۱۳۸۴) طراحی شهری در بافت موجود، نگاهی به طراحی شهری ترنال، شارستان، ش ۷ و ۸ تهران.
- (۳۴) کوآن، رابرت (۱۳۸۵) اسناد هدایت طراحی

فرهنگ اسلامی تجلیات عینی و تألیفی، اصفهان: راهیان.
(۴۸) نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) رابطه هویت سنت
معماری با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا
شماره ۷، صص ۴۴-۳۹.

(۴۹) یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷) تاریخ حفاظت معماری،
ترجمه م، طالبیان و خ، بهاری، انتشارات روزنه، چاپ اول،
صص ۳۲۳-۳۲۲.

(50) Bianca Stefano urban conversation in the
islam world "Iran Architecture for changing
societeie edited by Philip Jodidio" Aga khan
award for architectur, 2002.

(51) Yazd-Iran

(52) www.jumaccess.org.uk

(53) www.wt-group.com

(54) www.kave-d.persiangig.ir

(55) www.oldukphotos.com

(56) www.travel-aziaworld.uz

(57) www.spacesyntax.com

(58) www.upload.wikimedia.org

(59) www.top10inlondon.com

(60) www.wikitravel.org

(61) www.imagesofanthopology.com

(62) www.imagesofanthopology.com

(63) www.spacesyntax.com

تصویر ۱- تعریض محور تربیت از طرف راسته کوچک،
۱۳۰۷؛ منبع (آرشیو تصاویر جدید الاسلام)؛ تصویر ۲-
عابر گذر تربیت سال ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۳-
محور تربیت در زمان احداث، سال ۱۳۰۷، منبع
(آرشیو تصاویر جدید الاسلام)؛ تصویر ۴- محدوده
محور تربیت، نقشه دارالسلطنه تبریز، ۱۲۹۷ ه.ق، منبع
(مؤلف)؛ تصویر ۵- محدوده محور تربیت، خریطه شهر
تبریز، ۱۳۲۶ ه.ق، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۶- محدوده محور
تربیت، خریطه شهر تبریز، ۱۳۰۹ ه.ش، منبع (مؤلف)؛
تصویر ۷- محدوده محور تربیت، دوره پهلوی دوم، منبع
(مؤلف)؛ تصویر ۸- محدوده بافت تاریخی شهر تبریز و
بلوک تربیت، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۹- جانمایی محدوده
محور تربیت و خیابان کشی های معاصر بر روی عکس

شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، چاپ
اول، تهران: انتشارات اسلیمی.

(۳۵) گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹)
دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و
دیگران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم
(۳۶) گلکار، کوروش (۱۳۸۲) از تولد تا بلوغ طراحی
شهری، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۶

(۳۷) لینچ، کوین (۱۳۸۱) بازنگری در سیمای شهر
ترجمه کوروش گلکار، نشریه علمی پژوهشی صفا،
شماره ۳۴

(۳۸) لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر ترجمه منوچهر
مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
(۳۹) لینچ، کوین؛ (۱۳۸۴) تئوری شکل شهر، ترجمه
سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
(۴۰) مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری،
ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی
شهری، تهران

(۴۱) موثقی، رامین و سحر آیرملو (۱۳۸۵) عناصر هویت
فرهنگی در شهر، همایش بین المللی شهر برتر طرح
برتر، سازمان عمران شهرداری همدان، ص ۲.

(۴۲) نقی زاده، محمد (۱۳۷۵) تقابل سبکهای معماری
وارداتی با ارزشها و اصول حاکم بر معماری اسلامی،
مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه
مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

(۴۳) نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده، (۱۳۸۲)،
مفهوم و مراتب فضای کیفی، فرهنگستان هنر، مجله
خیال، شماره ۸، ص ۹۹.

(۴۴) نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) ب) رابطه هویت سنت
معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای
زیبا شماره ۷، تابستان.

(۴۵) نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) الف) تأثیر معماری و
شهر بر ارزشهای فرهنگ، مجله هنرهای زیبا، شماره
۱۱، تابستان.

(۴۶) نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) الف) معماری و شهرسازی
اسلامی، اصفهان، راهیان.

(۴۷) نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) ب) مبانی هنر دینی در

هوایی سال ۱۳۳۵، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۱۰- محدوده
 کهنه خیابان ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۱۱- محدوده
 کهنه خیابان محله همجوار بلوک تربیت بر روی عکس
 هوایی سال ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۱۲- خیابان
 جدید الاحداث ارک جدید ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛
 تصویر ۱۳- محور مقصودیه (خانه بهنام)، منبع (مؤلف)؛
 تصویر ۱۴- جاگذاری خیابان جدید الاحداث ارک جدید
 در محله مقصودیه روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵، منبع
 (مؤلف)؛ تصویر ۱۵- تصویری از مرکز محله ویجویه، منبع
 (مؤلف)؛ تصویر ۱۶- محلات قدیمی همجوار با محله
 تربیت در عکس هوایی سال ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛
 تصویر ۱۷- خیابان شانزه لیزه، پاریس، منبع (www.wt-
 group.com)؛ تصویر ۱۸- انتهای خیابان شانزه لیزه،
 طاق نصرت (Arc de Triomphe) منبع (kave-d.)
 (persiangig.ir)؛ تصویر ۱۹- نمونه ای از عابر گذر های
 شهر کپنهاک در دانمارک، منبع (google earth)؛
 تصویر ۲۰- تصویر قدیمی از لیس مارکت ناتینگهام، منبع
 (www.oldukphotos.com)؛ تصویر ۲۱- تصویر جدید
 از لیس مارکت ناتینگهام، منبع (www.spacesyntax.
 com)؛ تصویر ۲۲- لیس مارکت ناتینگهام، منبع
 (www.spacesyntax.com)؛ تصویر ۲۳- کوونت
 گاردن لندن، منبع (www.upload.wikimedia.org)؛
 تصویر ۲۴- سالرنو ایتالیا، منبع (www.wikitavel.)
 (org)؛ تصویر ۲۵- بافت تاریخی قاهره، مصر، منبع (www.
 imagesofanthopology.com)؛ تصویر ۲۶- تصویری
 از بافت بخارا، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۲۷- عابر گذر جنت
 مشهد، ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۲۸- نمونه های طراحی
 شده در بافت تاریخی شیراز، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۲۹-
 نمونه های طراحی شده در بافت تاریخی اصفهان، منبع
 (مؤلف)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۷ زمستان ۹۳
 No.37 Winter 2015

تحلیل فضایی - زمانی وقوع جرایم در فضاهای شهری (عرضه، خرید و فروش و سوء مصرف مواد مخدر در منطقه ۱۶ کلانشهر تهران)

مهدی اکبری - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مظفر صادقی - دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مهران شیرواند* - جامعه شناس، پژوهشگر و استاد دانشگاه، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی الگوهای فضایی - زمانی وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۶ شهر تهران و شناسایی عوامل موثر بر شکل گیری و وقوع جرم، جهت کنترل و پیشگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه در فضاهای شهری می باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده ها اسنادی و مشاهدات میدانی است. جامعه آماری پژوهش، محدوده منطقه ۱۶ شهر تهران می باشد و در راستای تحلیل نتایج، از ArcGIS نرم افزارهای آماری و توابع مکانی و فضایی در محیط نرم افزاری استفاده گردیده است. نتایج تحلیل زمانی نشان می دهد، روزهای پنج شنبه ساعت ۱۲ ظهر با فراوانی ۴ تا ۵ رویداد مجرمانه، زمان اوج وقوع جرایم مرتبط با کل مواد مخدر در منطقه ۱۶ می باشد و بیشترین میزان وقوع جرم (۶۵.۵ درصد کل جرایم مرتبط با مواد مخدر) در فضاهای شهری در بخش های شمال و شمال شرق منطقه روی می دهد. با این وجود نتایج آزمون های آماری به تفکیک جرایم مرتبط با مواد مخدر، نشان دهنده الگوهای فضایی متفاوتی از جرم خیزی در منطقه ۱۶ می باشد. تطابق الگوهای فضایی وقوع جرایم مواد مخدر با فضاهای مجاور پایانه جنوب و پارک بعثت و الگوهای زمانی وقوع جرم نشان می دهد، مجرمان از ازدحام جمعیت غیربومی مانند مسافران و افرادی که احساس قربات و یا تعلق خاصی با این فضاهای شهری ندارند و یا فضای پارک بعثت به علت برخورداری از فضاهای فاقد کنترل و نظارت، به عنوان عنصری تسهیلگر جهت نیل به اهداف مجرمانه خود استفاده می کنند.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری، رفتار مجرمانه، جرم، مواد مخدر، تحلیل فضایی - زمانی.

Spatiotemporal Analysis of Crime Commitment in Urban Spaces (Supply, Dealing, and Abuse of Drugs in Region 16 of Tehran Metropolis)

Abstract

The current study aims at recognizing the spatiotemporal models of commitment of crimes related to drugs in Urban Spaces of Region 16 of Tehran Metropolis, and also the affecting factors in commitment of crime, in due to control and prevent criminal behaviors in urban spaces. The research method is descriptive-analytic and data are collected through observation and documentary methods. Sample population context is the region 16 of Tehran, where statistical questionnaires and spatial and positional functions in ArcGIS software are used for the analysis of results. Temporal analysis results show that on Thursdays' noon at 12 o'clock with redundancy of 4 to 5 crime commitments are the peak time for the crimes related to drugs in region 1, most of which (65.5 percent) are committed in northern and east-northern parts of the region. However, results of statistical crimes categorized into crimes related to drugs show a different spatial model of crime in region 16. Comparison of spatial models of drug-related crime commitments to the neighbor space of the South Terminal and Park Be'sat and temporal models present that criminals abuse the crowd of stranger population like the passengers and those alien to urban spaces, or some out-of-control spaces of Park Be'sat as a means of reaching the aims for criminals

Keywords: Urban Spaces, Criminal Behavior, Crime, Drugs, Spatiotemporal Analysis

مقدمه

انجام می دهد، هنگامی که صفتی به فضا نسبت داده می شود؛ یک حوزه یا قلمرو فضایی را خلق می نماید (Misra, 1992: 36). رفتارهای مجرمانه ای که انسان در فضاهای شهری انجام می دهد تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل متفاوت قرار دارد. در واقع این عوامل هستند که چگونگی و نحوه انجام یک رفتار مجرمانه را تعیین میکنند. به عبارت دیگر، در فضاهای شهری مجرمان متناسب با اهداف مجرمانه، زمان ها و فضاهای مختلفی را برای ارتکاب جرم انتخاب می کنند. شناسایی نحوه تعامل بین فضاهای شهری و نحوه بروز رفتارهای مجرمانه در زمان های مختلف در شناخت موثر نوع جرم و چگونگی بروز آن ضروری می باشد. از اینرو مقاله حاضر با هدف شناسایی الگوهای فضایی- زمانی وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر می کوشد به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- الگوهای فضایی وقوع جرم در منطقه ۱۶ تهران چگونه می باشد و از کدام مولفه ها تأثیر می پذیرد؟
 - ۲- چه ارتباطی بین زمان های بروز جرایم مواد مخدر و فضاهای شهری وقوع جرم وجود دارد؟
- پیشینه پژوهش

بحث ارتباط بین محیط و رفتار انسان ها پیشینه ای بس طولانی دارد، که در گذر زمان، مناقشات بسیاری را نیز ایجاد کرده است. عده ای بر تأثیرگذاری محیط بر انسان و رفتارهای او، و برخی به اثرگذاری انسان بر روی محیط رأی داده اند. برای مثال ابن خلدون شرایط محیط طبیعی و محیط ساخته شده را به طور توأم در روند زندگی بشر و تحولات فرهنگی، اخلاقی و رفتاری موثر دانسته است (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۱۷). اما اولین مطالعات به شیوه علمی در حوزه جغرافیای بزهکاری از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره گیری از اندیشه های اکولوژی اجتماعی (کارهای اولیه کتله و گری) شروع و توسط محققین و دانشمندان مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم (شاو و مک کی) ادامه یافت. هر چند از دو دهه قبل به ویژه از سال ۱۹۹۰ و با رشد شتابان شهرها و افزایش بی رویه بزهکاری در مناطق شهری

بزهکاری، از جمله مفاهیمی است که به شدت تحت تأثیر مشخصه های مکانی و زمانی، زمینه های فرهنگی، مناسبات اجتماعی، ساختار اقتصادی و ملاحظات سیاسی قرار دارد. لزوم برقراری نظم و امنیت سبب شده تا در تمامی جوامع، همواره مقابله با بزهکاری مورد توجه و حائز اهمیت باشد. برخی مکان ها و زمان ها دارای شرایط و وضعیتی هستند که احتمال وقوع بزه در آن ها زیاد است و بزهکاران برای ارتکاب جرم، به دنبال زمان و مکانی هستند که حداقل خطر و حداکثر منافع حاصل از بزهکاری را در برداشته باشد. بر همین اساس، تغییر شرایط و وضعیت در زمان ها و مکان های خاص می تواند به شکل قابل ملاحظه ای بر کمیت و کیفیت جرایم مؤثر باشد. به بیان دیگر، محیط ارائه، وضعیت و شرایطی است که بزهکار فرصت مناسبی جهت ارتکاب بزه در آن به دست می آورد و تغییر شرایط این محیط می تواند امکان ارتکاب جرم را از وی سلب نموده و یا دشوار نماید. از این رو، ویژگی های کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر برخی محدوده های شهری موجب شکل گیری فرصت ها و اهداف مجرمانه می شود. بدین ترتیب در محدوده شهرها کانون هایی شکل می گیرد، که تعداد جرایم بسیار بالاتری در مقایسه با محدوده های دیگر دارد (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

نتایج پژوهش های جدید نشان می دهد که، در غالب شهرها، بخش اعظم جرایم در محدوده های خاصی تحت عنوان «کانون های جرم» رخ می دهد، که آنها را می توان بر مبنای تعداد وقوع رویدادهای مجرمانه تعیین نمود (Sherman, 1995: 36-37). از سویی نیز، بشر عملاً هر چه هست و هرکاری انجام می دهد با درک او از فضا همبستگی دارد (تی هال، ۱۳۷۶، ص ۹۵). فضا مجموعه ای از انسانها، فعالیت ها، محیط طبیعی و محیط مصنوع را در بر می گیرد (مومنی، ۱۳۷۷، ص ۱۸). فضا، حجم زمانی و مکانی مجموعه فعالیت هایی است که انسان در طبیعت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

توجه و علاقه زیادی نسبت به بررسی‌های مکانی جرایم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد تا ابزارهای تحلیل فضایی توسعه یابد و نظریات و رویکردهای مکانی جدیدی در این زمینه مطرح گردد. از جمله رویکردهای نوین در پیشگیری محیطی بزهکاری، نظریه «پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی» است. این مفهوم نخستین بار در سال ۱۹۷۱ توسط پرفسور جفری، جرم شناس آمریکایی، مطرح شد. پیشگیری محیطی بر این اندیشه استوار است، که بزهکاری تحت تأثیر فرصت‌های محیطی است. بنابراین با دگرگونی و اصلاح محیط کالبدی می‌توان در جهت کاهش نرخ بزهکاری اقدام نمود (کلکوهن، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰). در سال ۱۹۷۳ اسکار نیومن، در راستای اندیشه‌های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و برنامه ریزی شهری، دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح کرد. مطالعه نیومن پاسخی به میزان بالای جرائم در شهرهای آمریکا بود (کلانتري و عبداللهی، ۱۳۸۷، ص ۱۷). اندیشه‌های جفری و جاکوبز در شکل‌گیری و توسعه این نظریه بسیار تأثیرگذار و با اهمیت بوده است. جاکوبز در کتابش تحت عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» بیان داشت که؛ شهرهای جدید به گونه‌ای طراحی نشده اند که مردم قادر به دیدن خیابانهای عمومی و مکانهای اطراف منزل خود باشند و همین امر باعث شده تا امکان کنترل اجتماعی و غیررسمی برای پیشگیری جرم از مردم سلب شود. وی معتقد بود؛ جرم و محیط نظام‌پذیر، مقابل مشاهده و کنترل می‌باشند و لذا مراقبت‌های معمولی ساکنین شهر مانع مهم بروز جرایم تلقی می‌شود.

آنچه در نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی مهم و به طور محوری برجسته است، تأکید بر طراحی و ساخت مناسب محیطی است و تلاش عمده در این راستاست که با کار بر روی خصوصیات فیزیکی محیط، ایمنی آن مکان به حداکثر برسد و کنترل بر روی رفتار مجرمان افزایش یابد. در واقع

پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی، از زاویه و دریچه‌ای دیگر به مسئله جرم و پیشگیری از آن می‌پردازد، که تا قبل از آن عمدتاً توسط جامعه‌شناسان تعیین می‌شده است و حتی خود جفری در کتابی که با همین نام انتشار داده است، چنین بحث می‌کند «که جامعه‌شناسان به طور قابل ملاحظه‌ای در مورد عوامل اجتماعی جرم اغراق می‌کنند و از عوامل تعیین‌کننده محیطی غفلت می‌ورزند» (Kelark, 1986: 1). و بدین سان تکیه بر عامل محیطی برای پیشگیری از جرم در مقابل عوامل اجتماعی مورد تأکید جامعه‌شناسان قرار می‌گیرد. رونالد کلارک در مورد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر این باور است که جرم و تخریب در بلوک‌های آپارتمانهای بزرگ به شدت کاهش می‌یابد. برخی شرایط و ویژگی‌هایی که از دیدگاه وی منشا جرم می‌باشند عبارتند از: ارتفاع و وسعت زیاد مناطق مسکونی که موجب تراکم بی‌رویه جمعیت می‌شود، دسترسی آسان افراد ناشناس به داخل ساختمان‌ها، مقررات عبور و مرور سهل‌گیرانه جهت ورود به ساختمان‌ها و تمرکز زیاد خانواده‌های پر جمعیت در یک ساختمان (Kelark, 1984: 10). پس از جاکوبز، جفری و نیومن مطالعات زیادی پیرامون به کارگیری اصول علم برنامه ریزی و طراحی شهری جهت پیشگیری از بزهکاری انجام گرفت. روهه و گرینبرگ در سال ۱۹۸۴ مطالعاتی در مورد واحدهای همسایگی شهرها انجام دادند. آنها در مطالعه خود رابطه بین جرم و دسترسی‌های مختلف واحدهای همسایگی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که طراحی و برنامه ریزی مناسب محیط ساخته شده دسترسی به واحدهای همسایگی را کاهش می‌دهد. پرکینز در سال ۱۹۹۳ چهل و هشت بلوک از واحدهای همسایگی شهر نیویورک را مطالعه کرد و دریافت تمرکز جرائم بیشتر در تقاطع خیابانهای اصلی واحدهای همسایگی و محل اتصال کوچه‌ها با بلوک‌های کوچک محلات صورت می‌گیرد (کلانتري و عبداللهی، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

جدول ۱. سطح و درصد کاربری های شاخص و مهم منطقه ۱۶؛ مأخذ: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۶.

کاربری	مساحت (هکتار)	درصد	سرانه (متر مربع)
مغایر	۴۰۵,۰۸	۲۴,۲۹	۱۳,۱۵
مسکونی	۳۸۴,۲۶	۲۳,۰۳	۱۲,۴۷
حمل و نقل و انبارداری	۳۶۰,۴۸	۲۱,۶۱	۱۱,۷۰
فضای سبز	۱۷۳,۰۱	۱۰,۳۷	۵,۶۲
صنعتی	۸۴,۰۷	۵,۰۴	۲,۷۳
سایر کاربری ها	۲۶۰,۷۷	۱۵,۶۵	۸,۴۶
جمع کل	۱۶۶۷,۶۷	۱۰۰	۵۴,۱۴



شکل ۱. نقشه کاربری اراضی منطقه ۱۶ تهران؛ مأخذ: شهرداری منطقه ۱۶.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌های اسنادی و میدانی است. به همین منظور از مدل‌های آماری و تحلیلی Crime Analysis در محیط‌های نرم افزاری Arcview و ArcGIS استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، مجموعه جرایم مرتبط با موادمخدر بوده است که در دوره زمانی پژوهش در محدوده منطقه ۱۶ تهران در سال ۱۳۸۷ به وقوع پیوسته است و به عنوان یک رویداد مجرمانه برای آن در کلاتری‌ها و محاکم قضایی اقدام به تشکیل پرونده گردیده است. در این ارتباط داده‌های مربوط به جرایم منطقه مورد مطالعه به صورت نقطه‌ای در نظر گرفته شده است. جرایم مورد بررسی در این پژوهش عبارت از: «خرید و فروش تریاک، کوکائین، موادمخدر صنعتی و سایر مواد مخدر و همچنین سوء مصرف مواد مخدر» بوده است.

معرفی منطقه مورد مطالعه

منطقه ۱۶ یکی از مناطق شهری حوزه جنوبی تهران محسوب می‌گردد، که از شمال با مناطق ۱۱ و ۱۲، از سمت شرق با محدوده منطقه ۱۵، از جنوب با منطقه ۲۰ و از طرف غرب با محدوده مناطق ۱۷ و ۱۹ مجاورت دارد. این منطقه به لحاظ برخورداری از کاربری‌های با عملکرد فرا منطقه‌ای و شهری، موقعیتی ویژه دارد و به دلیل موقعیت حاشیه‌ای آن در سنوات گذشته به محل استقرار انواع فعالیت‌های حاشیه‌ای به ویژه در زمینه حمل و نقل و انبارداری تبدیل شده است، بنحوی که در حال حاضر یکی از عمده‌ترین مناطق تهران در زمینه فعالیت‌های پایانه‌ای بار و مسافر به شمار می‌رود. این منطقه با جمعیتی معادل ۳۱۵۵۷۲ نفر در سال ۱۳۸۵، شامل ۱۶۱۶۲۷ نفر مرد و ۱۵۳۹۴۵ نفر زن می‌باشد (شهرداری تهران، ۱۳۸۶). با توجه به نتایج جدول شماره ۱ می‌توان چنین استنباط کرد که به استثنای کاربری معابر و مسکونی که سهم عمده‌ای از سطح مناطق را به خود اختصاص می‌دهند، سهم کاربری

حمل و نقل و انبارداری در محدوده منطقه ۱۶ بسیار در خور توجه است. این کاربری با ۲۱٫۶ درصد از مساحت کل منطقه، ویژگی بارزی به فعالیت‌های موجود در آن می‌بخشد و به نوعی تعیین‌کننده نقش و کارکرد غالب منطقه می‌باشد. علاوه بر سهم و سطح عمده کاربری مذکور، سهم فضای سبز نیز در مقایسه با دیگر کاربری‌ها با اهمیت است (جدول شماره ۱).

مبانی نظری

تمامی رفتارهای بشری در مقطع مکانی و زمانی خاصی رخ می‌دهد، از جمله این رفتارها، کجروی‌های اجتماعی است که در بسترهای مکانی و زمانی متفاوتی شکل می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد، در برخی مکان‌های شهری به علت ساختار کالبدی ویژه و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، امکان و فرصت بزهکاری بیشتر است. در مقابل در برخی محدوده‌های شهری به دلیل وجود موانع و شرایط باز دارنده، نرخ بزهکاری اندک است (Green-berg, 1984: 61).

۱. «نظریه پیشگیری وضعی بزهکاری»^۱: ایده کلارک در مورد پیشگیری موقعیتی از جرم (پیشگیری وضعی جرم) منشاء در تلاش‌های وزارت کشور بریتانیا در پیشگیری از جرم در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد. این ایده از این جهت اهمیت دارد که مرزهای مکان قابل دفاع و پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی را بیشتر به ورای محیط فیزیکی گسترش می‌دهد تا موضوعات مدیریتی و کاربردی، عناصری که در دیگر نظریه‌ها نادیده گرفته شدند. پیشگیری وضعی بزهکاری یک رویکرد اساساً تاکتیکی است، زیرا با مکان و جرم خاص سروکار دارد. همین ویژگی سبب گردیده تا کلی‌گویی درباره یافته‌های آن در مقیاس وسیع دشوار گردد و به همین جهت در مقیاس کوچک عمل می‌کند، که برای تجزیه و تحلیل موارد خاص مفید است (اشنایدر و ترکیچین، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴).

۲. «نظریه فضای مقاوم در برابر جرم»^۲: در سال ۱۹۷۰ و در راستای اندیشه‌های پیشگیری جرم از

1. Situational crime prevention
2. Defensible space theory

طریق طراحی محیطی، اسکار نیومن دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح نمود. وی مشخصات کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری موثر در کاهش جرم و چگونگی استفاده مردم از آنها را تبیین نمود. به نظر وی این ایده به طراحان محیط شهر کمک می کند، در ساخت (یا بازساخت) فضاهای کالبدی به نوعی شهروندان را در کنترل رفتار اجتماعی سهیم نمایند. این نظریه به خود یاری مردم بیش از مداخله دولت، اهمیت می دهد و همچنین به طراحی کالبدی در افزایش سطح نظارت طبیعی بسیار توجه نموده است (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۸۹). در این نظریه، فضای قابل دفاع، چهار رکن اصلی طراحی دارد، که به تنهایی یا توأمان در آفرینش مفهوم فضای قابل دفاع نقش دارند: «۱- قلمروگرایی؛ ۲- نظارت؛ ۳- نمای ساختمان؛ ۴- مجاورت محل سکونت با دیگر امکانات و تأسیسات (کلکوهن، ۱۳۸۷، ص ۸۸).

۳. «نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی»^۱: پیشگیری محیطی، بر این مفهوم ساده مبتنی است که جرم تا اندازه زیادی پیامد فرصت های برخاسته از محیط است و از این رو، دگرگونی محیط فیزیکی به منظور کاستن از ارتکاب جرم باید مورد توجه قرار گیرد (کلکوهن، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰). اندیشه های جفری و جاکوبز در شکل گیری و توسعه این نظریه بسیار تأثیرگذار و با اهمیت بوده است. آنچه در نگرش پیشگیری از بزهکاری از طریق طراحی محیطی مهم و برجسته است، تأکید بر طراحی و ساخت مناسب محیطی است و سعی می گردد، با کار بر روی خصوصیات فیزیکی محیط، ایمنی آن به حداکثر برسد و کنترل بر روی رفتار مجرمان افزایش یابد (کلارک، ۱۹۸۶، ص ۱). نگرش پیشگیری از طریق طراحی محیطی، راهبردهایی را برای طراحی مناسب محیط شهری و کاهش جرم ارائه داده که مهمترین آنها شامل؛ فضای مقاوم، قلمروگرایی، نظارت طبیعی، دشوار کردن دست یابی به اهداف مجرمانه و پشتیبانی از برنامه فعالیت می باشد (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

۴. «نظریه انتخاب منطقی»^۲: این نظریه به عنوان یک عنصر حمایتی مهم در پیشگیری از جرم موقعیتی، رویکرد مکان قابل دفاع و پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی را شامل می شود. این نظریه بر این فرض استوار است که عوامل محیطی بر انتخاب مجرمان تأثیرگذار است و مجرمان در درون بافتی از عقلانیت محدود مرتکب جرم می شوند. بنابراین نظریه انتخاب منطقی اعمال مجرمانه را به عنوان نتیجه محاسبه ای می داند که هزینه ها (شامل هزینه صرف شده) منافع (پاداش بالقوه) و خطرات مرتبط با آن اعمال را در نظر می گیرد (اشنایدر و تدکچین، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).

۵. «نظریه فعالیت روزمره»^۳: نظریه فعالیت روزمره با الگوی مثلث جرم توسط «فلسون» و «کوهن» در سال ۱۹۷۹ ارائه شده است. آنها توضیح می دهند، جرم هنگامی اتفاق می افتد که بزهکار و بزه دیده با هم در زمان و مکان بدون حضور یا تأثیر ناظر و نگهبان باشند. به عبارت دیگر زمانی که جرمی اتفاق می افتد، بایستی هم بزهکار و هم هدف در یک مکان و زمان وجود داشته باشد و ناظر غایب و بی اثر باشد (جباری، ۱۳۸۸، ص ۷۹). کلارک، بر عنصر زمانی به عنوان عنصر مرکزی نظریه فعالیت روزمره تأکید دارد، و بر سه عنصر کمینه جرم مستقیم، یعنی مجرم احتمالی، هدف مناسب و عنصر نگهبان توانمند در برابر جرم اهمیت قائل می شود (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹)؛ بنابراین حل موثر مسئله به درک نوع جرم و اهداف و قربانیان آنها که باهم در یک مکان هستند و یا مجرمان، اهداف، قربانیان و مکان ها، بطور موثر کنترل می شوند یا نمی شوند، نیاز دارد (کلارک و آک، ۱۳۸۸).

1. Crime prevention through environmental design (CPTED)
2. Rational choice theory
3. Routine activity theory

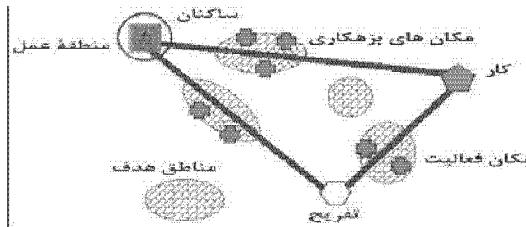
4. Crime pattern theory

شکل ۲. مثلث تحلیل مسئله؛ مأخذ: جباری، ۱۳۸۸



معبر کوچکی بیرون از مسیرشان پیدا کنند، اما آنها معمولاً دورتر از محدوده شناسایی خودشان نمی روند (Rossmo, 2000).

شکل ۳. تئوری الگوی جرم برتینگهام؛ مأخذ: (Rossmo, 2000).



۷. «نظریه کانون های جرم خیز»: این دیدگاه به وسیله شرمن، گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ مطرح شد و بر پایه نوعی علت شناسی مکانی جرم استوار گردید. طبق این نظریه برخی محدوده ها یا نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی دارای تعدادی جرم زیادی می باشند که گره های شهری (پایانه ها و ایستگاه های حمل و نقل شهری) برخی گذرها و حواشی شهر دارای این خصیصه هستند (کلانتری، ۱۳۸۰، ص

۶. «نظریه الگوی جرم»: این نظریه با استفاده از مفهوم مکان فعالیت توضیح می دهد، که مجرمان چگونه اهداف شان را در مسیر فعالیت های روزانه خودشان پیدا می کنند و با یک مثلث توضیح می دهد که چگونه مجرمان از خانه تا کار برای سرگرمی می روند. در اطراف هر یک از این سه گره و در طول هر سه مسیر (به استثنای منطقه پیشگیری از خطر احتمالی که ممکن است شناسایی شود) مجرمان فرصتهای جرم را جستجو می کنند. آنها ممکن است

جدول ۲. بررسی تطبیقی وقوع نوع و میزان جرایم مورد بررسی در شهر تهران، منطقه ۱۶ و ناحیه ۶
مأخذ: محاسبات نگارندگان بر اساس داده های نیروی انتظامی تهران بزرگ

منطقه ۱۶		کل تهران		نوع جرم
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۲۹/۳۱	۳۴	۳۶/۴۹	۳۹۷	خرید و فروش تریاک
۰/۸۶	۱	۰/۱۸	۲	خرید و فروش کوکائین
۱/۷۲	۲	۱۶/۶۴	۱۸۱	خرید و فروش مواد مخدر صنعتی
۶۲/۰۷	۷۲	۴۰/۳۵	۴۳۹	خرید و فروش سایر موارد
۶/۰۳	۷	۶/۳۴	۶۹	سوء مصرف
۱۰۰	۱۱۶	۱۰۰	۱۰۸۸	مجموع

۸۵). تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز فرایند نمایش، شناسایی و تعیین حدود محدوده‌های تراکم و تمرکز بزهکاری در سطح شهرهاست و سعی می‌شود، ضمن شناسایی عوامل چنین تمرکزی، اقدام به ارائه راهبردها و سیاست‌های مناسب جهت حذف یا کاهش اثر این عوامل نموده و از وقوع این بزه در آینده پیشگیری نماید (توکلی، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

یافته‌های پژوهش

همانگونه که قبلاً هم بیان شد، در پژوهش حاضر یکی از شاخص‌های مهم تحلیلی، توزیع و پراکنش فضایی جرایم در سطح منطقه مورد مطالعه و علل و عوامل موثر بر این پراکنندگی فضایی است. به همین منظور، میزان گرایش به مرکز و توزیع فضایی کلی جرایم در محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، از طریق روشهای آماری بیضی انحراف معیار و نقطه مرکز متوسط تعیین گردید. نقطه مرکز متوسط، به عنوان معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی پدیده‌ها (مثلاً وقوع یک نوع جرم خاص) در دوره‌های زمانی مختلف به کار گرفته می‌شود. بیضی انحراف معیار نیز، سطوح پراکنندگی مکان‌های وقوع جرایم را نشان می‌دهد که در آن اندازه و شکل بیضی میزان پراکنندگی و امتداد آن جهت حرکت رفتارهای مجرمانه مشخص می‌کند. در ادامه توزیع نقطه‌ای جرایم، مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار فضاهای وقوع جرم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۶ تهران تحلیل و روی نقشه نشان داده شده است. لازم به توضیح است جرم مربوط به خرید و فروش کوکائین و مواد مخدر صنعتی کمتر از ۳ مورد بوده که امکان انجام تحلیل‌های آماری بیضی انحراف معیار و مرکز متوسط به دلیل کمی تعداد نقاط برای آنها مسیر نمی‌باشد.

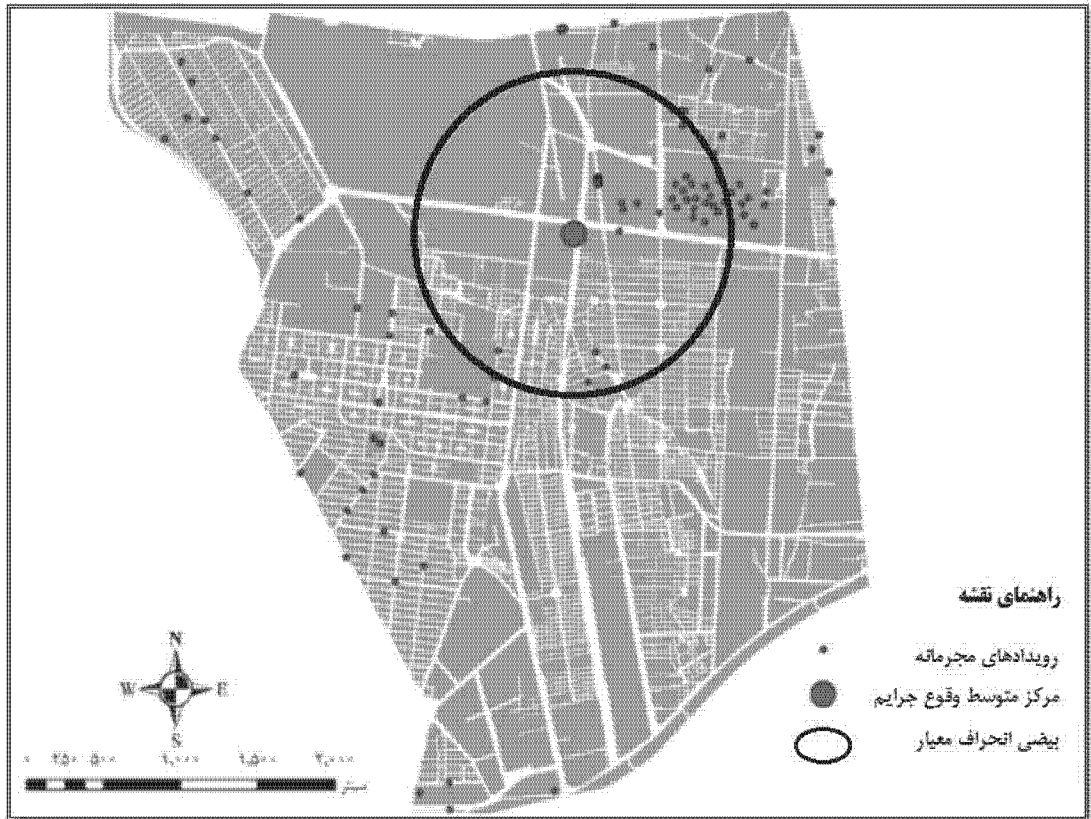
تحلیل فضایی - زمانی کل جرایم مواد مخدر در منطقه ۱۶

نتایج حاصل از آزمون‌های آماری (مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار) نشان می‌دهد که الگوهای فضایی جرایم مواد مخدر در منطقه ۱۶ شهر تهران به گونه‌ای است، که مرکز متوسط این جرایم بر بخش

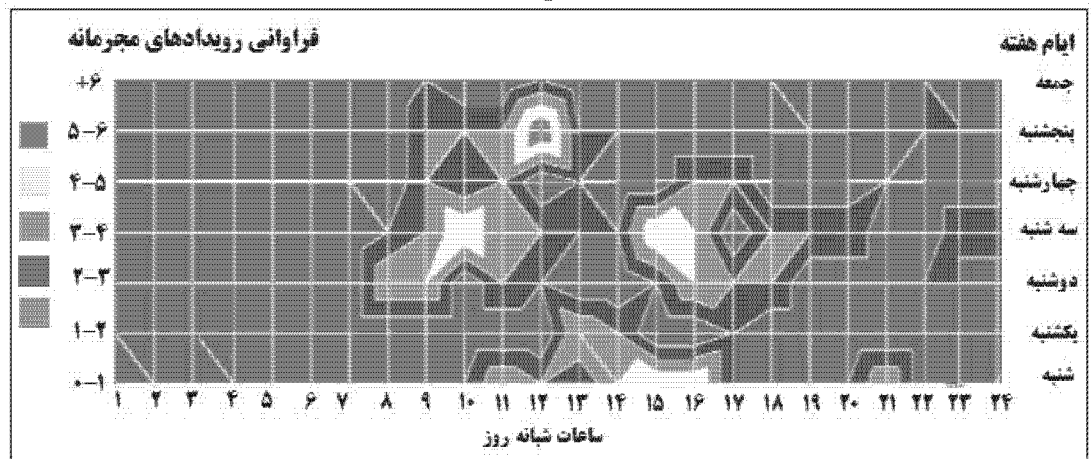
شمالی این منطقه منطبق شده است، کف شامل بزرگراه بعثت و تقاطع مسیر ریلی راه آهن تهران- مشهد می‌باشد. بیضی انحراف معیار کل جرایم دارای جمع‌شدگی و کشش به سمت محدوده‌های شمال و شمال شرقی می‌باشد. این امر گستردگی وقوع جرایم ارتكابی در بخش‌های شمال و شمال شرقی را بخوبی نشان می‌دهد، که این محدوده منطبق بر ناحیه ۶ این منطقه شهری می‌باشد. توزیع نقطه‌ای وقوع جرایم نشان می‌دهد، پایانه مسافری بین شهری جنوب تهران در مجاورت پارک بعثت در بخش شمال شرقی به عنوان محدوده جرم‌خیز با فراوانی بالای وقوع رویدادهای مجرمانه، سبب قرارگیری مرکز متوسط جرایم در بخش شمالی منطقه ۱۶ شده است. پایانه مسافری جنوب بویژه خیابان مجاور آن (خیابان عباسی) و محدوده‌های درونی پارک بعثت که بیشترین گستردگی وقوع جرم را در منطقه ۱۶ نشان می‌دهد، سبب جمع‌شدگی بیضی انحراف معیار به سمت شمال و شمال شرقی منطقه شده است. براساس نمودار گرافیکی حاصل از آزمون‌های آماری تحلیل زمانی (روزهای هفته و ساعات شبانه روز) وقوع جرایم مورد بررسی در محدوده منطقه ۱۶ مشخص می‌گردد، روز پنجشنبه ساعت ۱۲ ظهر، هنگام اوج تمامی جرایم با فراوانی ۵ تا ۶ رویداد مجرمانه می‌باشد. در مجموع، بررسی‌های زمانی کل جرایم مرتبط با مواد مخدر نشان می‌دهد، روزهای آخر هفته زمان اوج رویدادهای مجرمانه و از نظر توزیع زمانی در ساعات شبانه روز، بیشتر جرایم در ساعات اداری و در زمان روز و فعالیت مردم رخ داده است. این امر نشان می‌دهد مجرمان فرصت‌های مجرمانه بیشتری در ساعات روز و هم‌زمان با فعالیت مردم و در ساعات اداری در اختیار دارند. به عبارت دیگر اهداف مجرمانه مرتبط با مواد مخدر در ساعات اداری روز فرصت بروز بیشتری پیدا می‌کند.

همانگونه که از نقشه شماره (۲) مرکز متوسط وقوع جرایم مواد مخدر در منطقه ۱۶ مشخص است، این مرکز در تقاطع بزرگراه بعثت و راه آهن تهران- مشهد

شکل ۴. مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم مواد مخدر در منطقه ۱۶ تهران؛
 مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲



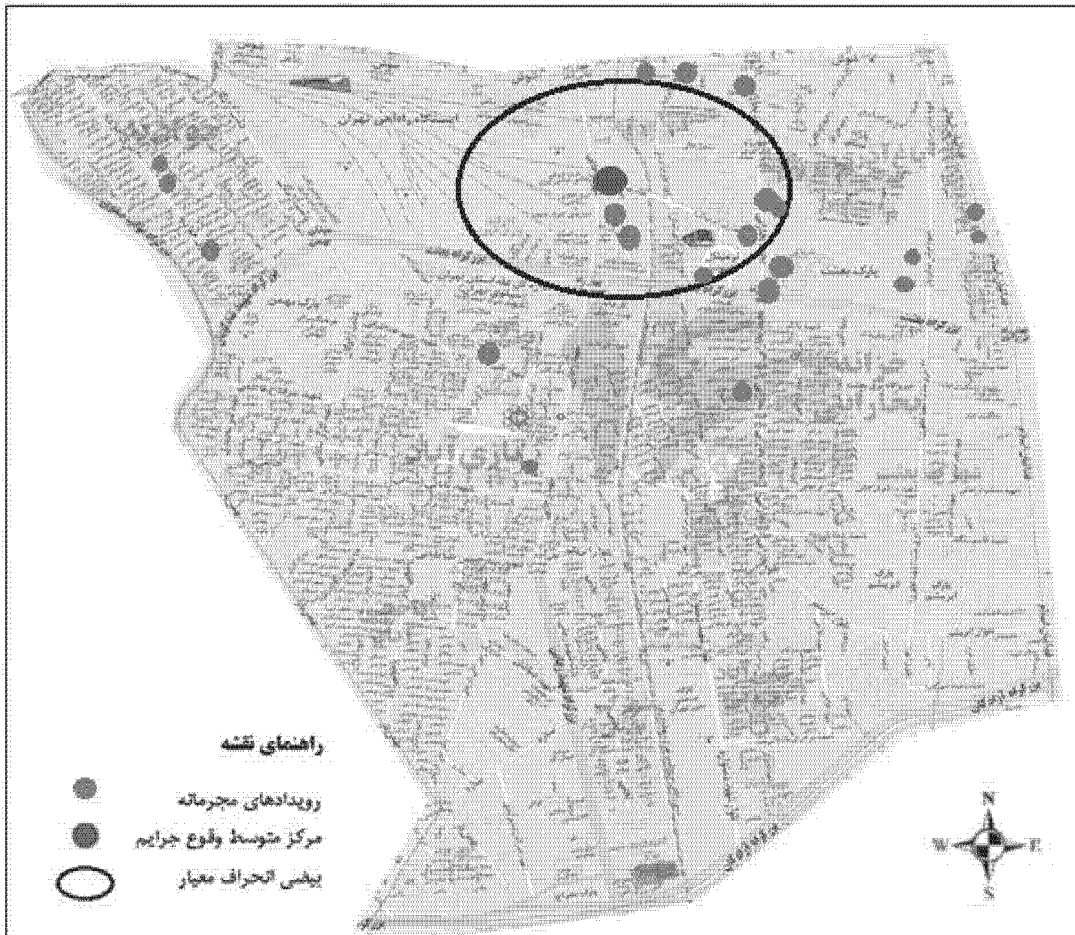
شکل ۵. نمودار توزیع زمانی جرایم مواد مخدر منطقه ۱۶ تهران، در ساعات شبانه روز و ایام هفته؛ مأخذ: ترسیم
 نگارندگان، ۱۳۹۲



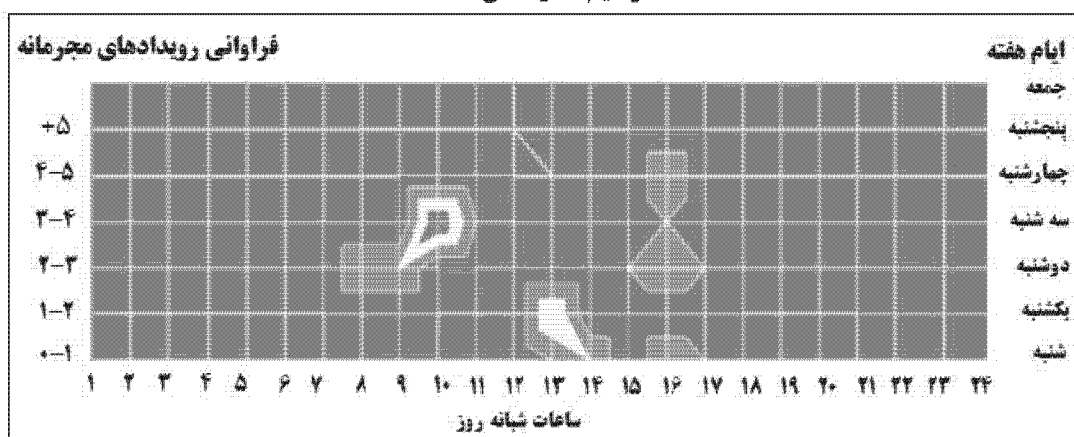
در این بخش از منطقه بسیار پایین بوده و فضاهای مخروبه و معابر بن بست نیز به فراوانی دیده می‌شود. از این رو در این بخش از منطقه شهری بی نظمی محیطی

قرار دارد. موقعیت فضاهای شهری اطراف این مرکز را کارخانجات چیت سازان، فضاهای حمل و نقل و انبارداری در بر گرفته است. تمرکز فضاهای مسکونی

شکل ۶. نقشه مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۶ تهران؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲



شکل ۷. نمودار گرافیکی توزیع زمانی جرایم خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۶ تهران، در ساعات شبانه روز و ایام هفته؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲.



در فضاهای شهری کاملاً به چشم می خورد، بطوریکه هیچگونه روابط قاعده مندی در محیط کالبدی شهر وجود ندارد و نظارت اجتماعی بر فضای شهری بسیار پایین می باشد. تطابق الگوهای فضایی وقوع جرم با فضاهای مجاور پایانه جنوب و پارک بعثت و تحلیل زمانی وقوع جرم در روزهای آخر هفته و حوالی ظهر

(ساعت ۱۲) نشان می‌دهد مجرمان از ازدحام جمعیت های بلا تکلیف و غریبه مانند مسافران و مشتریانی که احساس قربت و همزادی با فضاهای شهری و محله ندارند، از ساعات شلوغ به عنوان زمان های مناسب و عنصری مثبت برای بروز رفتارهای مجرمانه و اعمال بزه استفاده می‌کنند. از اینرو زمان های پر ازدحام و ساعات پر استفاده فضاهای شهری بهترین زمان برای اعمال مجرمانه می‌باشد. پایانه مسافری جنوب، پارک بعثت و کارخانجات اطراف آن به عنوان کاربری های جاذب جمعیت بیشترین نقش را در جمعیت پذیری و ورود جمعیت غیر ساکن به فضاهای مذکور دارند؛ بنابراین شکل گیری رفتارهای مجرمانه در این فضاها همانگونه که در نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی نیز تأکید شده است، متأثر از شرایط کالبدی و محیطی فضاهای شهری، ازدحام جمعیت غریبه و درک مجرمان از این فضا می‌باشد.

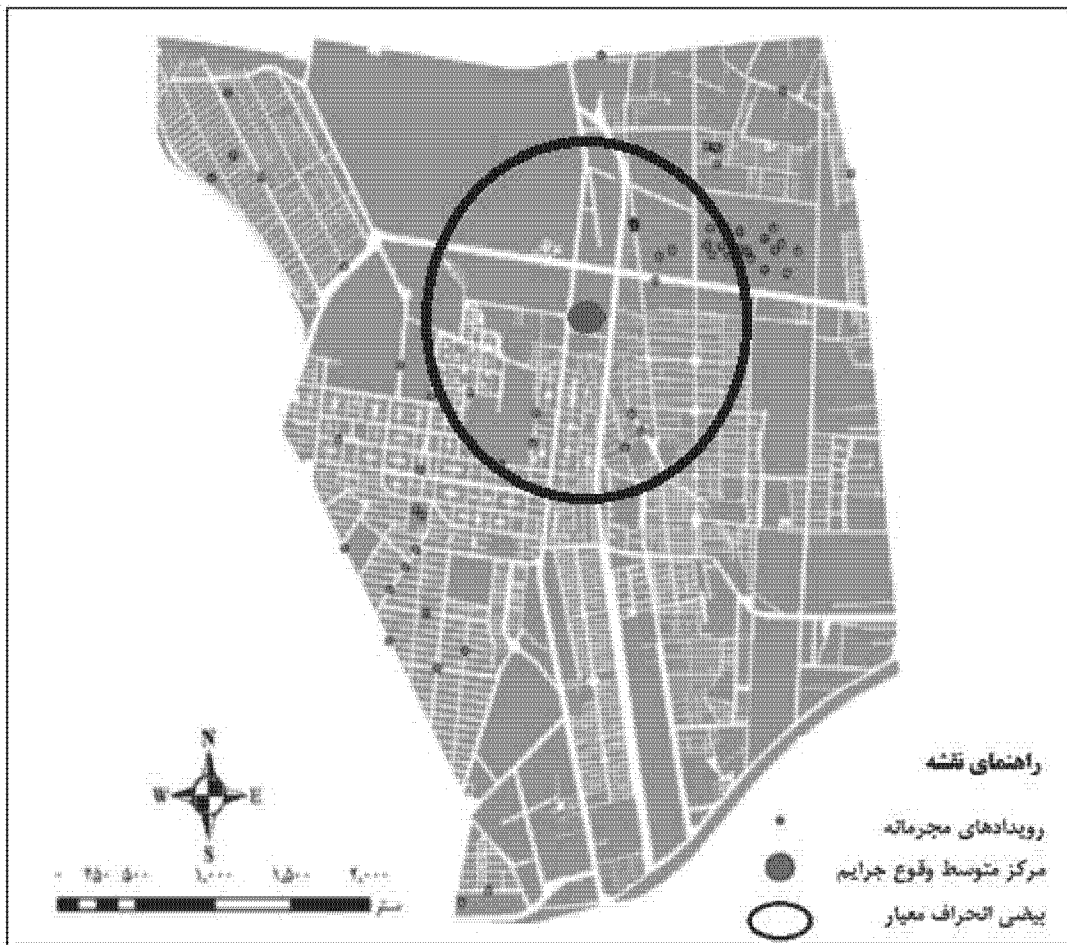
تحلیل فضایی- زمانی جرایم خرید و فروش تریاک: تحلیل نقشه های حاصل از آزمون های آماری بیانگر آن است که الگوهای فضایی وقوع جرایم خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۶ شهر تهران بگونه ای است که مرکز متوسط وقوع این نوع جرم دقیقاً با تقاطع خیابان شهید غفاری و خیابان عباسی منطبق شده است. بیضی انحراف معیار جرایم خرید و فروش تریاک دارای کشیدگی شرقی- غربی در شمال منطقه ۱۶ می‌باشد. مرکز متوسط جرایم خرید و فروش تریاک نسبت به کل جرایم مواد مخدر ۲۵۰ متر به سمت شمال منطقه جابجا شده است و بیضی انحراف معیار نیز به تأثیری از آن به سمت شمال جابجا شده است. تحلیل زمانی وقوع جرایم خرید و فروش تریاک در روزهای هفته و ساعات شبانه روز نشان می‌دهد، روزهای سه شنبه ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح، هنگام اوج زمانی این جرایم با فراوانی ۳ تا ۴ رویداد بزه در این ساعت و روز می‌باشد. روندهای زمانی عمومی این جرم در روزهای ابتدایی و میانی هفته و در ساعات بعد از ظهر و اولیه شب را به عنوان زمان های وقوع جرایم خرید و فروش تریاک نشان

می‌دهد. براساس یافته های حاصل از نمودار های گرافیکی، اواسط هفته و ساعات اداری کار و فعالیت مشخصه مهم تحلیل زمانی اوج وقوع جرایم خرید و فروش تریاک در منطقه می‌باشد. از اینرو مجرمان برای اهداف مجرمانه خود ساعات اداری و روزهای میانی هفته را بر دیگر زمان ها ترجیح می‌دهند.

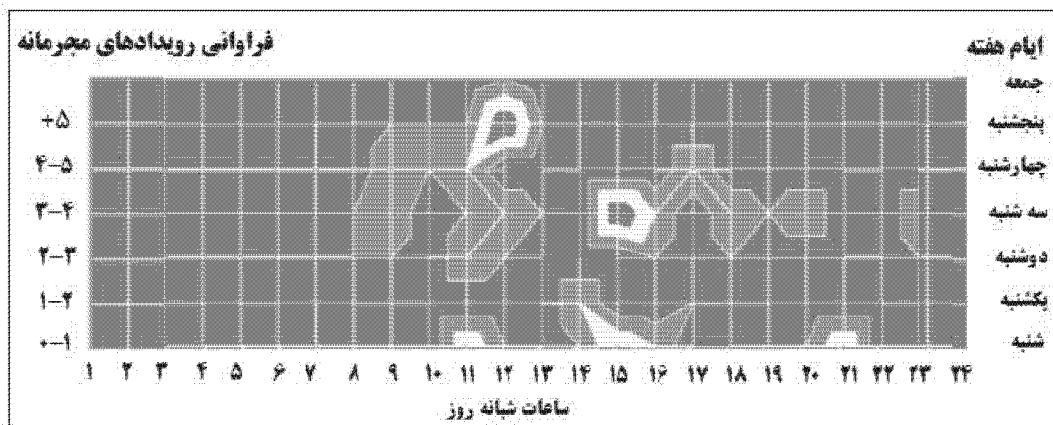
نقشه شماره (۵) بزرگنمایی مرکز متوسط وقوع جرایم خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۶ نشان می‌دهد، مرکز متوسط وقوع این جرایم با قرارگیری پایانه مسافری جنوب و مترو ترمینال جنوب به عنوان دو کاربری جاذب جمعیت در کنار فضاهایی نظیر کارخانه آرد تهران، انبارهای بشکه فروشی و پارک بعثت شکل گرفته است. بنظر می‌رسد مجاورت فضای پایانه و مترو ترمینال جنوب سبب شکل گیری نوعی نقش دروازه ای در بخش شمالی منطقه ۱۶ شده است و این امر فرصت مناسبی را جهت بروز رفتارهای مجرمانه بوجود آورده است. الگوی فضایی وقوع جرایم خرید و فروش تریاک بیشترین مشابهت را با الگوی فضایی کل جرایم مواد مخدر دارد. تیپ فضاها و نوع کاربری ها استقرار یافته در این محدوده با تراکم پایین فضاهای مسکونی و غالب بودن نقش پایانه ای- کارگاهی، وجود کاربری های جاذب سفر و تشکیل فضاهای پر ازدحام، غریبه و بی تعلق نسبت به محله، تضییع هویت های محله ای از جمله مصادیق و مشابهت های فضای جرم خیزی کل مواد مخدر و بزه خاص خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۶ می‌باشد.

حلیل فضایی- زمانی جرایم خرید و فروش سایر مواد مخدر: توزیع نقطه ای جرم خرید و فروش سایر موارد مواد مخدر نشان می‌دهد، تعداد فراوانی این نوع بزه علی رغم تمرکز در بخش های شمال و شمال شرقی منطقه در بخش های جنوب غربی منطقه نیز از پراکندگی محسوسی برخوردار می‌باشد، که منطبق بر محله نازی آباد می‌باشد. تحلیل نقشه حاصل از آزمون آماری مرکز متوسط نشان می‌دهد، مرکز متوسط این جرایم منطبق بر بخش مرکزی منطقه ۱۶ می‌باشد، که نسبت به مرکز متوسط کل جرایم

شکل ۸. مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم خرید و فروش سایر مواد مخدر در منطقه ۱۶ تهران؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲.

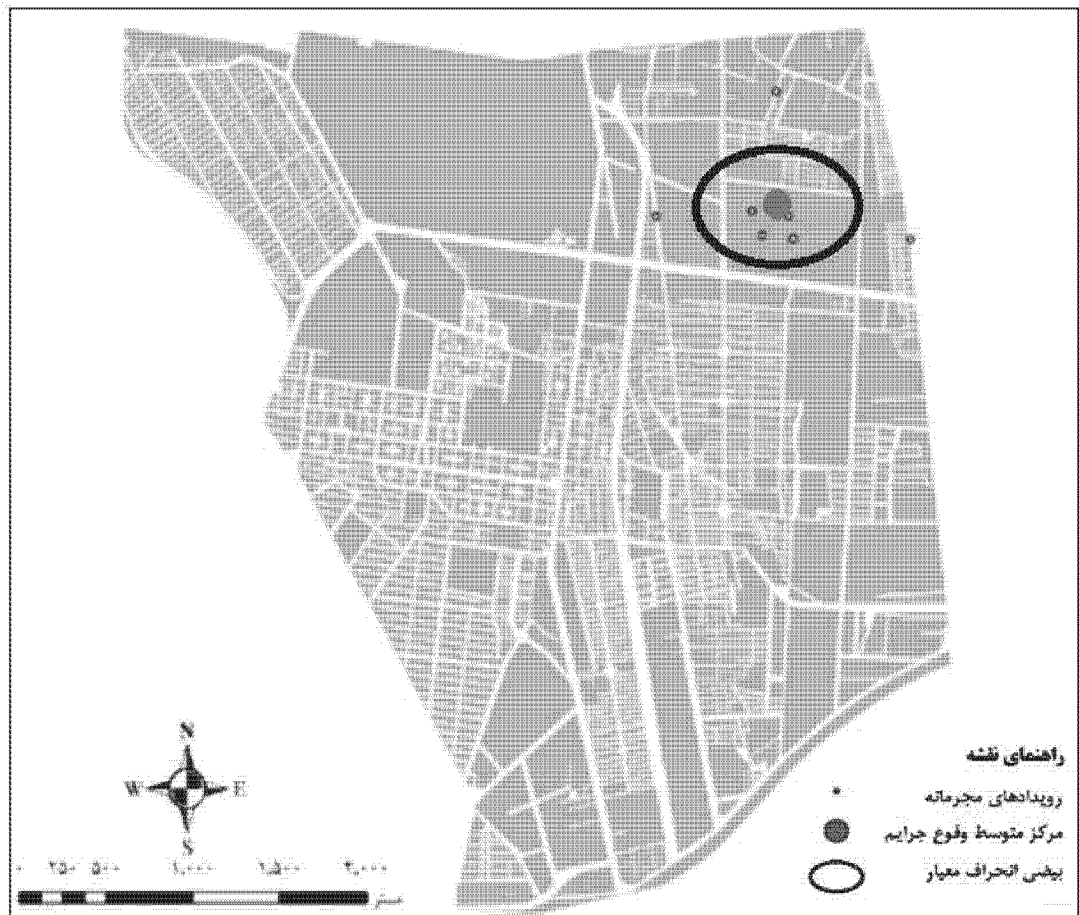


شکل ۹. نمودار گرافیکی توزیع زمانی جرایم خرید و فروش سایر مواد مخدر منطقه ۱۶ تهران، در ساعات شبانه روز و ایام هفته؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲.

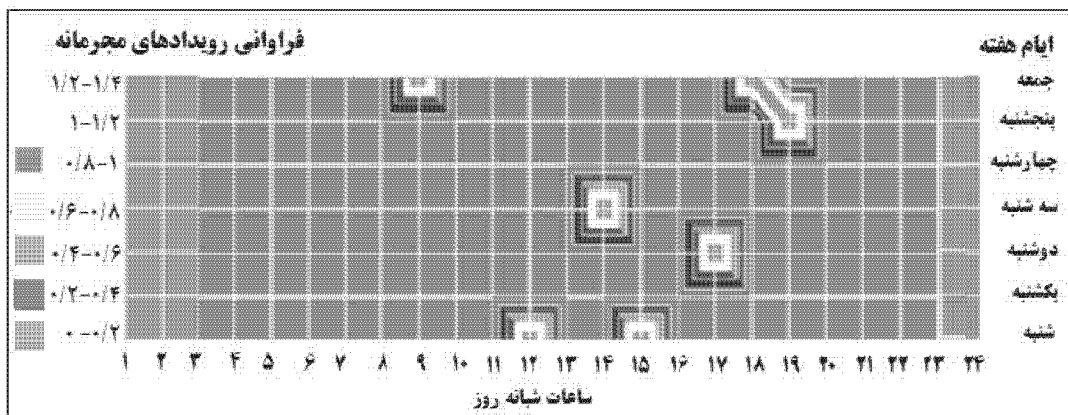


مواد مخدر ۲۰۰ متر به سمت جنوب جابه جا شده است. همچنین بیضی انحراف معیار نیز منطبق بر مرکز منطقه ۱۶ می باشد و شعاع بیضوی از گستردگی زیادی بر خوردار می باشد که نشان از گستردگی قلمرو وقوع این جرم در منطقه می باشد. همچنین کشیدگی بیضی شمال شرقی- جنوب غربی می باشد که علت

شکل ۱۰. مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم سوء مصرف مواد مخدر در منطقه ۱۶ تهران؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲.



شکل ۱۱. نمودار گرافیکی توزیع زمانی جرایم سوء مصرف مواد مخدر در منطقه ۱۶، در ساعات شبانه روز و ایام هفته؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۲.



آن توزیع نقاط جرم خیز در شمال، شمال شرقی و جنوب غربی منطقه می باشد. بررسی زمانی جرایم خرید و فروش سایر موارد مخدر نشان می دهد، زمان اوج وقوع این نوع جرایم در روزهای سه شنبه ساعت ۱۲ ظهر و روز پنج شنبه ساعت ۱۵ می باشد. از این رو، مجرمان برای اهداف مجرمانه خود انتهای ساعات اداری و روزهای میانی و آخر هفته را بر دیگر زمان ها ترجیح می دهند. همچنین، نقشه بزرگنمایی مرکز متوسط وقوع جرایم خرید و فروش سایر مواد مخدر نشان می دهد، این مرکز میانگین برخلاف دیگر جرایم (تریاک، سوء مصرف و غیره) گرایش به سمت بخش های جنوبی که تمرکز بالایی را در کاربری های مسکونی نشان می دهد پیدا نموده است. این مرکز متوسط جرم در شمال محله نازی آباد و در مجاورت خیابان شهید رجایی قرار گرفته است. گرایش به پراکندگی فضایی و وسعت قلمرو این نوع جرم در منطقه و همچنین پراکندگی محدود در شمال غرب منطقه در محله جوادیه نشان دهنده تقاضای درونی این محله ها جهت این نوع جرایم می باشد؛ زیرا براساس نقشه توزیع نقطه ای این پراکنش به صورت محدود و پراکنده می باشد و الگوی متمرکزی از وقوع جرم را نشان نمی دهد.

تحلیل فضایی- زمانی جرایم خرید و فروش سوء مصرف مواد مخدر: الگوی فضایی جرایم سوء مصرف مواد مخدر نشان می دهد که بیضی انحراف معیار کاملاً به سمت شمال شرقی کشیده شده و بیضی این جرایم نسبت سایر الگوهای فضایی جرایم مواد مخدر از جمع شدگی و شعاع کمتری برخوردار است و با محدوده های پارک بعثت و خیابان های اطراف آن مطابقت دارد. همچنین مرکز متوسط این جرم دقیقاً درون محدوده پارک بعثت قرار دارد که براساس مشاهدات و برداشت های میدانی این محدوده تیپ های مختلفی از فضاهای بی دفاع شهری را نشان می دهد که تسهیلگر اهداف مجرمانه می باشد. وجود فضاهای گم و عدم روئیت بصری، کنجها، عدم وجود روشنایی، عدم حضور مستمر جمعیت در فضا و

فضاهای بدون کارکرد از جمله تیپ های فضایی بی دفاع شناسایی شده بشمار می آید که زمینه ساز بروز رفتار های مجرمانه در محدوده پارک بعثت می باشد. تحلیل زمانی وقوع جرایم سوء مصرف مواد مخدر در روزهای هفته و ساعات شبانه روز نشان می دهد که در روزهای شنبه ساعات ۱۲ ظهر و ۱۵ عصر، دوشنبه ساعات ۱۷ عصر، سه شنبه ساعت ۱۴ عصر، پنج شنبه ساعت ۱۹ عصر و جمعه ساعت ۹ صبح و ۱۸ عصر زمان اوج وقوع جرم با فراوانی ۰/۸ تا ۱ رویداد بزه در این ساعات و روزها می باشد. بطور کلی تحلیل زمانی جرم مربوط به سوء مصرف مواد مخدر نشان می دهد که گرایش کلی این نوع جرم در اکثر روزهای هفته و ساعات بعد از ظهر و عصر می باشد. پارک بعثت با بیشترین فراوانی وقوع رویدادهای مجرمانه در زمینه سوء مصرف مواد از فضاهای شهری بسیار ناامن در منطقه ۱۶ بشمار می آید. وقوع جرم در اکثر روزهای هفته و در هنگام روز بیانگر عدم نظارت و حضور مستمر مردم در این پارک می باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

شناخت تک بعدی و یک سویه مسایل اجتماعی هرگز نمی تواند پلیس را به برآورد صحیح و منطقی از مسایل اجتماعی برساند. در نتیجه ما مثلی خواهیم داشت که رأس هر ضلع آن شناخت مسئله، شناخت پیرامون و شناخت نهادهای مؤثر بر مسئله اجتماعی قرار خواهند گرفت. داخل مثلث، اطلاق وضعیت خواهد بود که اطلاعات سه رأس وارد آن خواهد شد و پیش بینی لازم از آینده مسئله و تحولات احتمالی آن، به دست می آید. در این میان تحلیل فضایی- زمانی وقوع جرم یکی از راهکارهای مؤثر جهت شناسایی و پیشگیری از جرایم شهری می باشد. این تحلیل ها به مدیریت شهری و سایر مسئولان ایمنی شهر از جمله مسئولان قضایی و انتظامی این امکان را می دهد که با اقدامات پیشگیرانه که شامل شناسایی محدوده ها جرم خیز شهر در آینده و ارائه راهکارهایی برای ایمن سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدامات کنترل و درمانی در این محدوده ها که با درک علل بروز

جرم از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی توأم است، تصمیمات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش اثرات این عوامل در سطح شهر اتخاذ نمایند. پژوهش حاضر تلاش کرده است به منظور توسعه و ارتقاء نظم و امنیت در فضاهای شهری با شناسایی فضاهای شهری جرم خیز منطقه ۱۶ شهر تهران الگوهای فضایی و زمانی وقوع جرایم مواد مخدر در این منطقه را مورد بررسی قرار دهد. نتایج یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد:

۱- تعداد کل جرایم ارتكابی مرتبط با مواد مخدر در سال ۱۳۸۷ در منطقه ۱۶ تهران، ۱۱۶ فقره جرم می‌باشد که در این بین خرید و فروش سایر مواد مخدر با ۷۲ فقره جرم و خرید و فروش تریاک با ۳۴ فقره جرم در اولویت اول و دوم جرایم ثبت شده در کلانتری‌های انتظامی می‌باشد.

۲- الگوهای فضایی وقوع جرم در منطقه ۱۶ شهر تهران نشان می‌دهد بخش‌های شمال و شمال شرقی منطقه در مجاورت پایانه جنوب، پارک بعثت و مترو ترمینال جنوب بیشترین فراوانی وقوع جرم (۶۵.۵ درصد) به چشم می‌خورد. محدوده پارک بعثت به عنوان محدوده سوء مصرف مواد مخدر بیشترین فراوانی را در وقوع این جرم نشان می‌دهد و تقاطع خیابان شهید غفاری و خیابان عباسی در مجاورت مترو ترمینال جنوب کانون وقوع جرایم خرید و فروش تریاک محسوب می‌گردد. جرایم مرتبط با خرید و فروش سایر مواد مخدر از گستردگی و پراکندگی وقوع بیشتری نسبت به دیگر جرایم برخوردار بوده است و برعکس جرایم سوء مصرف مواد از گستردگی کمتری برخوردار است.

۳- نتایج تحلیل زمانی نشان می‌دهد روزهای پنج‌شنبه ساعت ۱۲ ظهر با فراوانی ۴ تا ۵ رویداد مجرمانه زمان اوج وقوع جرایم مرتبط با کل مواد مخدر در منطقه ۱۶ می‌باشد و بیشترین پراکندگی زمانی در وقوع جرم مربوط به جرایم سوء مصرف مواد می‌باشد که با ویژگی‌های فضایی و نامنی پارک بعثت در ارتباط می‌باشد.

۴- مجرمان درک مناسبی از فضای وقوع جرم دارند از اینرو از ازدحام جمعیت‌های بلا تکلیف و غریبه مانند مسافران و مشتریانی که احساس قرابت و همزادی با این فضاهای شهری ندارند، در ساعات شلوغ به عنوان زمان‌های مناسب و عنصری مثبت برای اهداف مجرمانه استفاده می‌کنند و از فضاهای درونی پارک بعثت به علت وجود فضاهای گم و عدم روئیت بصری، کنجها و سایر مولفه‌های عدم امنیت در اکثر روزها و ساعات مختلف شبانه روز جهت بروز جرایم سوء مصرف مواد مخدر استفاده می‌کنند.

پیشنهادات:

۱- به روز نمودن بانک اطلاعات رایانه‌ای جرایم و بهره‌گیری از نقشه‌های فضایی وقوع جرم و ساده سازی عناصر و اجزای الگوهای فضای جرم خیزی جهت خنثی نمودن عناصر و عوامل جرم‌زا در فضاهای شهری.

۲- استفاده از مدل‌های تحلیلی توزیع زمانی و مکانی وقوع جرم جهت کارآمد کردن نظارت و کنترل موثر رویدادهای مجرمانه در فضاهای شهری.

۳- اتخاذ راهبردهای مناسب مقاوم سازی فضاهای جرم خیز در برابر بزهکاری، گام اساسی برای کاهش جرم در این مناطق می‌باشد.

۴- بهبود برخی تسهیلات و تجهیزات شهری همچون نورپردازی مناسب و تجهیز محدوده‌های جرم خیز به امکانات کنترل و نظارت

۵- با توجه به اینکه بزهکاری، فضای خاص خود را می‌طلبد، به گونه‌ای که بین ویژگی‌های فضای بی‌دفاع و وقوع جرم رابطه مستقیمی وجود داشته و فضاهای بی‌دفاع در شهرها به صورت همگون توزیع نشده‌اند. از این رو، برخی نقاط خاص در شهرها، قابلیت جرم‌خیزی بیشتری دارند و مسئولین امر باید در سطح خرد و در مقیاس محله‌ای و ناحیه‌ای در جهت آسیب‌شناسی فضاهای کالبدی در کانون‌های جرم خیز اقدامات لازم را به عمل آورند.

منابع و مآخذ

- تی هال، ادوارد (۱۳۷۶) بعدپنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
- مومنی، مهدی (۱۳۷۷) درآمدی بر اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات گویا.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۸۴) درآمدی بر کاربرد روش تحقیق در علوم انتظامی تهران: جهان جام جم؛ دانشگاه علوم انتظامی.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰) بررسی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران
- کلانتری، محسن و مریم عبداللهی حقی (۱۳۸۷) کمبود توقفگاههای عمومی و تأثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه یا لوازم آن در بخش مرکزی شهر زنجان، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۲.
- کلکوهن، ایان (۱۳۸۷) طراحی عاری از جرم ایجاد مناطق امن و پایدار، ترجمه دکتر مهرداد رایجیان اصلی و دکتر حمید رضا عامری سیاهویی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- شکویی، حسین (۱۳۶۵) جغرافیای اجتماعی شهرها، (اکولوژی اجتماعی شهر)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹) مقدمه تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ترجمه و نشر کتاب.
- جیسون، سوزان و ویلسون پل آر (۱۳۸۷) طراحی محیطی جرم ستیزی، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه دکتر محسن کلانتری و ابوذر سلامی بیرامی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (۱۳۸۴) تهیه الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۱۶. نیروی انتظامی تهران بزرگ، گزارش مرفوک سال ۱۳۸۷
- اشنایدر، ریچارد؛ کیچین، تد (۱۳۸۷) برنامه ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم (فرزان سجودی، مترجم) تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- توکلی، مهدی (۱۳۸۴) شناسایی و تحلیل کانونهای جرمخیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس)، تهران
- جباری، کاظم (۱۳۸۸) شناسایی و تحلیل فضایی کانونهای جرم خیز شهری با استفاده از سامانه های اطلاعات جغرافیایی (GIS) (مورد مطالعه بخش مرکزی شهر تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، زنجان.
- وی کلارک، رونالد و جان اک (۱۳۸۸) جرم شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار پیشگیری جرم)، مترجمان مهدی مقیمی و مهدیه تقی زاده، انتشارات سازمان زرد.
- Misra. R. P; Micro(1992). "Level Rural Planning' chapman and hall" pp. 34-36
- Clarcke, Ronald V, The Theory Of Crime Prevention The Environmental Design, 1986.
- Greenberg, S. W. & Rohe, W. M. (1984). Neighborhood design and crime: A test of two perspectives. Journal of the American Planning Association, 61.
- Rossmo, kim(2000) crime analysis for problem solves in 60 step. publisher geographic profiling instate. Boca: CRC press

سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض آباد شهر کرمانشاه)

هوشمند علیزاده - استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
کیومرث ایراندوست - دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
مهناپور آور* - کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Assessment of social sustainability at neighborhood level based on the residents' views (Case Study of Faizabad neighborhood in the city of Kermanshah)

Abstract

More concentration of development in cities and more attention to their physical and geometric aspects at the expense of their social goals have faced them with imbalance socioeconomic and environmental problems and created many challenges in terms of poverty, crime and delinquency, cultural conflicts, quality life decline and social disruption. Sustainable development approach usually considers small unit of urban spatial structure, namely the neighborhood, in planning and urban management of cities and tries to identify existing potentials across the neighborhood regarding its social dimension to restore and improve existing conditions and make it more flexible and resilience to future problems. In this regard, residents' attitudes towards the neighborhood are great important because their views reflect general conditions of the neighborhood and more details of their own living environment. Moreover, people's perception of the neighborhood can clarify the reality of the environment, those aspects which are so important in the direction of social planning. In this regard, the main aim of this study is to identify the level of social sustainability at the neighborhood regarding the views of its residents. The results can pave the way for some strategies to restore and refresh social sustainability. The main research strategy is quantitative which utilizes an analytical method based on the correlation analysis to identify and assess social sustainability measurements of the neighborhood. Based on the results, all criteria have a direct impact on the neighborhood social sustainability, but the intensity of their impact is different. In this respect, satisfaction, social security and social stability measurements have the highest correlation with the concept of social sustainability in the neighborhood. This means that they were recognized by the residents as the most effective factors affecting the level of social sustainability in Faizabad neighborhood

Keywords: Sustainable development, Social sustainability, Neighborhood, Faizabad neighborhood, Kermanshah

چکیده

تمرکز توسعه در شهرها و توجه به مفاهیم کالبدی و هندسی و غفلت از اهداف اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی روبرو کرده و چالش‌های زیادی را از نظر فقر، جرم و بزهکاری، تعارضات فرهنگی، نزول کیفیت زندگی، از هم گسیختگی‌های اجتماعی و غیره به وجود آورده است. رویکرد توسعه پایدار، برنامه ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد شهر یعنی محله مورد توجه قرار داده و با رویکرد اجتماعی سعی در شناسایی ظرفیت‌های موجود در محله‌ها و کاربست آنها به منظور ترمیم و بهبود شرایط موجود و ایجاد انعطاف لازم برای حل مشکلات آینده دارد. در این میان تلقی شهروندان از محله خود در تحلیل وضع موجود به دلیل انعکاس شرایط عمومی محله و محیط زندگی افراد حائز اهمیت می‌باشد. همچنین برداشت شهروندان از محله خود بسیاری از واقعیت‌های محیط را نمایان می‌سازد که از جنبه‌های اجتماعی برنامه ریزی درخور اهمیت است. هدف اصلی این تحقیق تعیین میزان پایداری اجتماعی در سطح محله فیض آباد شهر کرمانشاه با استفاده از دیدگاه ساکنین است تا از این طریق بتوان راهکارهایی را برای ترمیم و بازخوانی پایداری اجتماعی استخراج و پیشنهاد نمود. راهبرد اصلی تحقیق کمی است که در آن با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، همبستگی معیارهای تدقیق شده شناسایی و میزان پایداری اجتماعی محله بررسی شده است. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، تمام معیارها تاثیر مستقیمی بر میزان پایداری اجتماعی محله می‌گذارند اما شدت تاثیر معیارها متفاوت است. از این نظر، معیارهای رضایتمندی، امنیت اجتماعی و ثبات اجتماعی دارای بیشترین همبستگی با مفهوم پایداری اجتماعی در سطح محله بوده و از دیدگاه ساکنان بیشترین تاثیر را بر سطح پایداری اجتماعی محله دارند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، پایداری اجتماعی محله، محله فیض آباد، کرمانشاه.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۸۱۲۶۰۸۵۴، رایانامه: m.baravar@yahoo.com

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی شهرسازی «مهناپور آور» با عنوان «ساماندهی محله با رویکرد پایداری اجتماعی؛ نمونه موردی محله فیض آباد کرمانشاه» است که به راهنمایی آقای دکتر «هوشمند علیزاده» و مشاوره آقای دکتر کیومرث ایراندوست در دانشگاه کردستان، گروه مهندسی شهرسازی نگارش شده است.

ای که روابط انسان ها در قالب رسمی، کاری و اداری تعریف میشود که این خود بر مشکلات موجود دامن زده است (جاجرمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸). شهر کرمانشاه به عنوان یکی از کلان شهرهای کشور، به دلیل ویژگی های خاص مکانی-اجتماعی از مسائل و معضلات کلان شهری گوناگونی برخوردار است. تغییرات اجتماعی و کالبدی شهر به ویژه بافت مرکزی، کیفیت زندگی در هسته تاریخی شهر را تحت تأثیر قرار داده و این مساله موجب گسترش نسبی انزوای اجتماعی ساکنان محلات و افزایش برخی مشکلات اجتماعی به ویژه در سطح محله های قدیمی مانند فیض آباد شده است. در این راستا، هدف اصلی تحقیق تعیین میزان پایداری اجتماعی در سطح محله مورد مطالعه بر اساس دیدگاه ساکنین است. تلقی شهروندان از محله خود بدلیل انعکاس شرایط عمومی محله و محیط زندگی آنها در تحلیل وضع موجود حائز اهمیت می باشد. بنابراین برداشت شهروندان از محله خود بسیاری از واقعیت های محیط را نمایان می سازد که از جنبه های اجتماعی برنامه ریزی درخور اهمیت است. با استفاده از نتایج حاصل از این رویکرد می توان راهکارهایی را برای ترمیم و بازخوانی پایداری اجتماعی استخراج و پیشنهاد نماید. در این خصوص سؤال زیر ملاک تدوین رویکرد تحقیق می باشد. چه معیارهایی بر سطح پایداری اجتماعی محله مورد مطالعه مؤثر هستند؟

پیشینه پژوهش

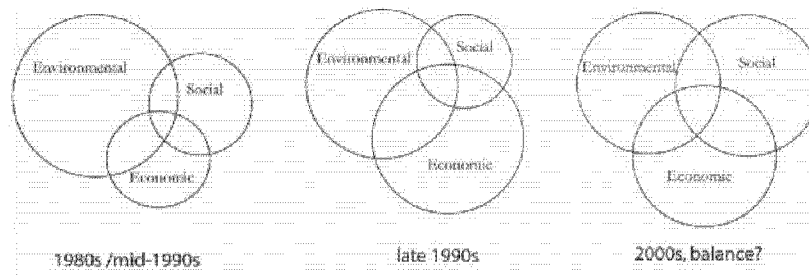
در اوایل قرن بیستم، ایجاد محله نقطه کانونی برنامه ریزی و طراحی شهری توسط پیشکسوتانی چون ابنزار هاوارد (ایده باغشهر) و کلارنس پری (واحد همسایگی) بوده است. اما به دنبال انتقادات مطرح شده در مورد عدم همخوانی این الگوها با زندگی جدید، تأکید بر محیط کالبدی به جای محیط اجتماعی و مبهم بودن رابطه محله و شهر، برای مدتی از توجه به این رویکرد کاسته شد. به دلیل افزایش آگاهی از محیط و در پی ضرورت ایجاد شکل های پایدار شهری در دو دهه آخر قرن بیستم محله دگر بار مطرح و بر اهمیت آن تأکید شد (مدنی پور، ۱۳۸۳). این مفهوم با تعریف توسعه

تمرکز توسعه در شهر ها و توجه به مفاهیم کالبدی و هندسی و غفلت از اهداف اجتماعی در توسعه ی شهرها، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادلات اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی روبرو کرده و چالش های زیادی را از نظر فقر، جرم و بزهکاری، تعارضات فرهنگی، نزول کیفیت زندگی، از هم گسیختگی های اجتماعی و غیره بوجود آورده است. در گذشته، ساکنان واحدهای همسایگی محلات با هم ارتباط نزدیک و تنگاتنگی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داشتند. محله بخشی از ساختار فضایی-کالبدی شهر با محدوده کالبدی-اجتماعی مشخص بود که در آن تعلقات، روابط همسایگی و رضایت مندی، خواه به دلیل فعالیت های مشترک، خواه به دلیل زندگی در فضایی همبسته شکل می گرفت. روشن است که در این واحد فضایی-کالبدی تنها حضور فیزیکی ساکنان مطرح نبوده بلکه افراد با هم علایق مشترک و برهم کنش اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حرفه ای داشتند و سکونت در این واحد با احساس هویت همراه بود. رشد فزاینده جمعیت و افزایش مهاجرت های ناشی از نبود اعتدال در برنامه ریزی مکانی، اجتماعی و اقتصادی کشور، به همراه تصمیم دولت ها در تمرکز یا ایجاد فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، تاسیساتی و سایر جاذبه های مهاجر برانگیز، بیشترین تاثیر را در گسترش ابعاد کالبدی و اجتماعی شهرها داشته و بدین سان اثرات قابل توجه و در عین حال اجتناب ناپذیری را بر زندگی شهری گذاشته است (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۳۹-۳۲). در چنین فرآیندی از گذار، نکته قابل توجه ناکامی برنامه ریزان شهری است که با غفلت از مسائل اجتماعی و فرهنگی سعی در حل معضلات پیش رو با رویکردی صرفا کالبدی-اقتصادی داشته اند. گسست در ساختار فضایی-کالبدی محلات و از بین رفتن هویت آنها، سبب از بین رفتن انسجام ساختار اجتماعی و پیوستگی میان ساکنان و کاهش ارتباط چهره به چهره و رو در روی آنها گشته و جایگزینی روابط ثانوی به جای روابط گرم و صمیمی مابین ساکنین را به همراه است، به گونه

مفاهیم گسترده سرمایه اجتماعی، اجتماعات پایدار، توسعه اجتماعی، ظرفیت اجتماعی، رفاه و محرومیت اجتماعی را در خصوص پایداری اجتماعی مطرح کردند (Barrond and Gauntlett, 2002: 4-5). در همین زمان، گروهی از محققان، به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده در تعریف پایداری اجتماعی اشاره می نمایند؛ عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این رویکرد، مولفه هایی چون فرصت های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت های برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش های اجتماعی به همراه امنیت امرار معاش و ایمنی سکونتگاه های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی به حساب می آید (DFID, 2002: 2). از نظر گودلند، پایداری اجتماعی با مفهوم رفاه به منظور حفظ و بهبود بخشی به سرمایه اجتماعی ارزیابی و تعریف می شود (Goodland, 2003: 1-6). از تعاریف ارائه شده می توان چنین نتیجه گرفت که پایداری اجتماعی واجد تعاریف متعددی است که دربرگیرنده مفاهیمی همچون تنوع، عدالت، برابری، انصاف در توزیع فرصت ها، پاسخگویی سیاسی، تکریم مظاهر فرهنگی و مشارکت عمومی در تصمیم گیری است (Polese & Stren, 2000). اخیراً دیمپسی و همکاران، برابری اجتماعی، تعاملات اجتماعی، شبکه های اجتماعی، مشارکت در گروهها، ثبات اجتماع، حس مکان، ایمنی، و امنیت را به عنوان اصول بعد اجتماعی پایداری مطرح کرده اند (Dempsey, et al, 2011). نکته قابل توجه در سابقه موضوع، فقدان مطالعه ای خاص بروی تلقی و دیدگاه ساکنین

پایدار در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل عمومیت پیدا کرد. با توجه به این پارادایم، توسعه زمانی پایدار است که از نظر اقتصادی ماندگار، از نظر اجتماعی مقبول و از نظر محیطی درست باشد؛ زیرا هر فعالیتی که به وسیله انسانها انجام میگیرد (اجتماعی) غالباً به انگیزه سود و درآمد است (اقتصادی) که در طبیعت دخالت کرده و با استفاده از منابع طبیعی عینیت می یابد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ص ۲۴). بنابراین، یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار همانا پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. همچنانکه شکل شماره ۱ نشان می دهد، در ابتدا ابعاد محیطی و اقتصادی بر توسعه پایداری غلبه داشته اند و تنها در اواخر دهه ۹۰ است که مسایل اجتماعی نیز در برنامه پایداری مورد توجه قرار می گیرد (Colantonio 2007).

در سال ۱۹۹۹ اورتون با تاکید بر عدالت اجتماعی، تامین نیازهای مردم را از اولویت های توسعه پایدار دانست و اذعان داشت جوامعی که عدالت محور نباشند پایدار نیز نخواهند بود (Overton, 1999: 7, 8). هاریس نیز طی مطالعات خود به این نتیجه رسید که پایداری اجتماعی دربرگیرنده مفاهیم برابری، تامین خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت، برابری جنسیتی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت اجتماعی است (Harris, 2000: ۶). آلن آتکینسون با بسط مفهوم شاخص رفاه در تعریف پایداری، چارچوب تازه ای از پایداری را ترسیم کرد، در این چارچوب، توسعه پایدار از چهار رکن اصلی طبیعت، اقتصاد، جامعه و رفاه تشکیل می شود (At-kisson and Hatcher, 2001: 5). بارون و گونتلت،



شکل ۱. اهمیت زمانی ابعاد مختلف توسعه پایدار (Colantonio, 2007: 4)

محلّه از معیارها و شاخص های پایداری اجتماعی است که این تحقیق رویکرد اصلی خود را بر آن متمرکز نموده است.

پایداری اجتماعی

یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار، پایداری اجتماعی است. پایداری اجتماعی به معنی زندگی سالم و بارور و هماهنگ با محیط و طبیعت تعریف شده که در آن بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام های اقتصادی به منظور دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی مورد نظر می باشد (جاودان، ۱۳۸۶، ص ۲). مفهوم پایداری اجتماعی شامل دو مبحث برابری اجتماعی و پایداری اجتماع محلی هستند. تساوی اجتماعی شامل دسترسی به خدمات و فرصت هاست در حالیکه پایداری اجتماع محلی شامل ابعاد فرعی زیادی مانند حس تعلق به محلّه، تعاملات اجتماعی و امنیت محلّه، کیفیت محیط بومی، رضایت از مسکن، و مشارکت در فعالیتهای جمعی مدنی است. در رابطه با تساوی اجتماعی، اینگونه استدلال می شود که تمامی تفاسیر مرتبط با پایداری متضمن عمل تساوی است. این بدان معنی است که توسعه پایدار چیزی بیش از حفاظت محیط زیست را شامل شده و نیاز به تساوی را نیز دربرمی گیرد. در این زمینه باید هم تساوی درون نسلی برای برطرف کردن نیازهای قشر تهیدست در جامعه، و هم تساوی میان نسلی برای اطمینان از رفتار عادلانه برای نسلهای آینده، مورد توجه قرار گیرد (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶).

پایداری اجتماعی در محلّه

محلّه های مسکونی به عنوان سلول های اصلی شهرهای سنتی ایرانی- اسلامی، واحد اجتماعی منسجم و قابل توجهی بوده اند که محدوده و مرز آنها بر اساس زبان، مذهب، شغل، خانواده یا سابقه زندگی مشترک ساکنان تعیین می شده و شعاع عملکرد امکانات رفاهی یا جمعیت تأثیر چندانی در آن نداشته است. ساکنان محلات سنتی بر اساس علایق، سوابق، مذهب، قومیت و فرهنگ خود، بدون توجه به طبقات اقتصادی و به منظور آسایش، امنیت و حمایت بیشتر گردهم می آمدند و همبستگی

اجتماعی- فرهنگی آنها سبب ایجاد عامل روانی تعلق به محلّه بوده است (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹؛ شیخی، ۱۳۸۲). از این نظر، پایداری اجتماعی در محلات گذشته بیشتر در راستای وجود همبستگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ثبات اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حس تعلق خاطر و مسؤولیت پذیری قابل تعریف بود. با توجه به این پیش زمینه، محلّه پایدار اجتماعی معاصر باید توانایی حفظ و ساخت با استفاده از منابع و سرمایه های خود و انعطاف لازم برای حل مشکلات آینده را داشته باشد. در این راستا، پایداری اجتماعی بیشتر بر خواست مردم به زندگی در مکانی معین و بر توانایی آنان در استمرار چنین روندی- چه در زمان حاضر و چه در آینده- تاکید می نماید (Long, 2003, 5). این بدان معنی است که شناخت پایداری اجتماعی در سطح جوامع شهری با مفهوم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه بوده و با مولفه هایی چون قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن، امنیت، درآمد و میزان عدم محرومیت سنجدیده می شود. (Bryden, 2002: 9) بدین ترتیب پایداری اجتماعی در محلات به معنای زندگی سالم از طریق رفع نیازهای اساسی آحاد ساکنین، با در نظر گرفتن کیفیت زندگی و همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام های اقتصادی در مسیر دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی تعریف می شود. در این معنا، رفاه و پایداری اجتماعی نمی تواند بدون سلامت محیط و تحرک اقتصادی پایدار باشد، بنابراین با تعامل سه گانه ابعاد پایداری است که کاهش فقر، سرمایه گذاری اجتماعی و جامعه ای امن از بعد اجتماعی شکل می گیرد. (Torjman, 2000: 2) لذا دستیابی به پایداری اجتماعی در سطح محلّه مستلزم راهکارهایی مانند مشارکت محلی، امنیت، دسترسی به فرصتهای شغلی، برخوردار بودن از امکانات مناسب و برآورده شدن نیازهای روانی و معنوی است که از مفاهیم اصلی شاخص های پایداری اجتماعی منتج می شود (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

مؤلفه ها، معیارها و شاخص های پایداری اجتماعی در محله

از جمع بندی ویژگیهای مطرح شده مرتبط با محله پایدار اجتماعی می توان سه مؤلفه ی کلی هویت و سرزندگی، ارتباط و پیوند و کیفیت زندگی را مورد توجه قرار داد. حال به منظور ارزیابی پایداری اجتماعی

یک سکونتگاه انسانی به مجموعه ای از معیارها و شاخص های مرتبط با سه مؤلفه مذکور نیاز است تا از طریق آنها پایداری اجتماعی محله مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار گیرد. برای این منظور، معیارها، شاخص ها و زیرشاخص های معتبر مورد استفاده در سطوح ملی و بین المللی از ادبیات موضوع استخراج شده و در جدول

جدول ۱. معیارها، شاخص ها و زیرشاخص های پایداری اجتماعی

معیار	شاخص	زیر شاخص
هویت (راپاپورت، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱)	زیبایی محیط (فلاح و اشرف گنجوی، ۱۳۸۴، ص ۳)	مکان یابی درست کاربریها (فلاح و اشرف گنجوی، ۱۳۸۴، ص ۴)
		تناسبات همگن ساختمان ها در مقیاس انسانی (فلاح و اشرف گنجوی، ۱۳۸۴، ص ۵)
فرهنگ غنی (Dixon, 2007: 8)	وجود عرف در بین افراد محله (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶)	تناسبات همگن ساختمان ها در مقیاس اجزای تشکیل دهنده بدنه ها (فلاح و اشرف گنجوی، ۱۳۸۴، ص ۴)
		وجود مکان های مکت (فلاح و اشرف گنجوی، ۱۳۸۴، ص ۴)
حس تعلق (Altman, 1992: 8)	مهاجرت های طبیعی (Dixon, 2007: 8)	توجه به پرسپکتیو و توالی منظر (فلاح و اشرف گنجوی، ۱۳۸۴، ص ۴)
		وجود آثار مذهبی، میراث فرهنگی- تاریخی، مراکز گردهمایی در محله (دهقانی و کریم زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تنوع دسترسی به کالا و خدمات مورد نیاز کلیه ساکنین (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹)	رعایت ادب و احترام متقابل توسط ساکنین محله (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۴۱)
		رعایت قوانین نانوشته و آداب و رسوم موجود در سطح محله (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۴۱)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تأمین نیازهای روزانه در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)	سابقه و گذشته محله (سرمست و توسلی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱)
		سابقه سکونت در محله (سرمست و توسلی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تأمین نیازهای روزانه در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)	تصویر ذهنی مثبت (سرمست و توسلی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰)
		نوع مالکیت (سرمست و توسلی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تأمین نیازهای روزانه در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)	وجود امکانات و خدمات رفاهی- معیشتی، آموزشی، بهداشتی (شمس الدینی و گرجیان، ۱۳۸۹، ص ۸۵)
		وجود مکان های مناسب جهت اجتماعات محلی مانند مرکز محله و غیره (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۶۹-۷۶)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تأمین نیازهای روزانه در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)	عدم استفاده از ماشین برای رفت و آمد جهت رفع نیاز روزانه در سطح محله (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۷۳)
		امکان دسترسی پیاده به مؤسسات عمومی و تجهیزات محله ای (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶۰)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تأمین نیازهای روزانه در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)	تنوع دسترسی به کالا و خدمات مورد نیاز کلیه ساکنین (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹)
		استفاده از کاربری های مختلط و چند منظوره در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)
حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)	تأمین نیازهای روزانه در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)	امکانات تفریحی، بهداشتی، مذهبی، فرهنگی و توزیع مناسب آنها در سطح محله (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷)
		استفاده از کاربری های مختلط و چند منظوره در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸)

مدیر شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

ادامه جدول ۱. معیارها، شاخص ها و زیرشاخص های پایداری اجتماعی

معیار	شاخص	زیر شاخص	
حس تنوع و سرزندگی جکوبز، ۱۳۸۶، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵	تنوع قومی و فرهنگی (Dixon,2007: 8)	پذیرش پوشش مذهبی و سنتی متفاوت آنان (تقی لو، ۱۳۸۶، ص ۱۴)	
		برگزاری اعیاد، مناسک و جشن های مرتبط با فرهنگ ها و اقوام مختلف (تقی لو، ۱۳۸۶، ص ۱۵)	
		وجود ارتباطات بین قومی و فرهنگی (تقی لو، ۱۳۸۶، ص ۱۴)	
	وجود مهارت های متنوع و مفید (Dixon, 2007: 8)	فرصت های شغلی و فعالیت های اقتصادی در سطح محله	
		مرکز محله فعال و پر جنب و جوش (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۶۹-۷۶)	
	رعایت سلسله مراتب فضایی (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶)	تنوع کالبدی- فضایی در بین ساختمان های مختلف (بحرینی و خسروی، ۱۳۸۹، ص ۵-۱۶)	
		حضور فعال و سرزنده ساکنین در داخل بافت (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۳۴-۵۰)	
		جوان بودن جمعیت (Dixon,2007:8)	
		حضور زنان و کودکان در سطح محله (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۳۴-۵۰)	
	حضور افراد مسن و پیر در سطح محله (Dixon,2007:8)	حضور تمام اقشار جامعه در محیط (ویلیامز، ۱۳۸۳)	حضور افراد مسن و پیر در سطح محله
وجود امکانات جهت بازی کودکان در سطح محله (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)			
آشنایی با حقوق شهروندی (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۳۵-۴۸)			
مشارکت اجتماعی (طهماسبی، ۱۳۸۰، ص ۶۶-۵۸)	آموزش (Dixon,2007:8)	برگزاری هیأت های مذهبی، کلاس های آموزش قرآن و... در محله (رضادوست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۹۷-۱۱۰)	
		میزان تمایل به حضور در انتخابات شورای محلی (رضادوست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۹۷-۱۱۰)	
	تشکیل شورای محلی (Dixon,2007:8)	میزان تمایل به عضویت در تشکل های اجتماعی (رضادوست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۹۷-۱۱۰)	
		میزان اعتماد اجتماعی بین ساکنین محله (غفاری، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۵۹)	
مدیریت و مشارکت قوی (Dixon,2007:8)	مدیریت و مشارکت قوی (Dixon,2007:8)	شرکت داوطلبانه مردم در برنامه های عمومی (قاسمی، ۱۳۸۱، ص ۲۵)	
		عدم تخریب کیوسک های تلفن عمومی، فضاهای سبز شهری، میز و صندلی داخل پارکها، لامپ ها و... توسط ساکنین در سطح محله (میرفردی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲)	
احساس مسئولیت (Altman,1992:8)	وجود رهبری (Dixon, 2007: 8)	شناسایی نیازهای جامعه محلی و انتقال آن به دستگاه های ذی ربط (فیدلر و شمرز، ۱۳۷۲، ص ۳۰-۵۸)	
		حق داشتن سنت و شیوه های زندگی متفاوت (تقی لو، ۱۳۸۶، ص ۱۴)	
	رعایت حقوق همسایگی و شهروندی (تقی لو، ۱۳۸۶: ۱۴)	احترام به زبان و فرهنگ های متفاوت (تقی لو، ۱۳۸۶، ص ۱۴)	

ادامه جدول ۱. معیارها، شاخص ها و زیرشاخص های پایداری اجتماعی

معیار	شاخص	زیر شاخص
تعاملات اجتماعی (Horton and Ches-ter, 1989:9-37)	پیوند همسایگی (رئانی خوراسگانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱-۳۱)	شناخت و اعتماد همسایگان (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۶-۷۶)
		روابط صمیمانه بین خانواده ها و همسایه ها (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۶-۷۶)
	وجود گروه ها و شبکه های اجتماعی (Dixon, 2007:8)	امکان گفتگو، مشورت، تقاضای کمک مالی و... از افراد ساکن در محله (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۶-۷۶)
		امکان نقد و بحث و گفتگو در موضوعات مختلف با ساکنین محله (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۶-۷۶)
نظارت اجتماعی (Newman, 1996:9)	کنترل فضاهای محله توسط ساکنین (Newman, 1996)	اعتماد به اعضای خانواده، دوستان، اهالی محله، شورای محلی (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۶-۷۶)
		جهت پنجره های ساختمان (نظارت بر معابر و فضاهای محله)، (Marcus, Sarkissian, 1986: 266)
	برخورد ساکنین با ناهنجاری ها (Newman, 1996)	تراکم ساختمانی متنوع (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۳۴-۵۰)
ثبات اجتماعی (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹)	تغییرات جمعیتی (Dixon, 2007: 8)	هرم جنسی و شمولیت آن (Dixon, 2007: 8)
		هرم سنی و شمولیت آن (Dixon, 2007: 8)
	اتحاد و پیوستگی تازه وارد ها و ساکنین (خصوصاً غریبه ها در مهاجرت های درون کوچی) (Dixon, 2007: 8)	تراکم جمعیتی با ثبات (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۳۴-۵۰)
		رابطه و هماهنگی مناسب بین فرهنگ ساکنین محله (تقی لو، ۱۳۸۶: ۱۴)
عدالت اجتماعی (ساجدی، ۱۳۸۹، ص ۳)	عدالت و تساوی (Dixon, 2007: 8)	پذیرش عرف محله توسط مهاجرین (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۴۱)
		عدم وجود تبعیض برای کسانی که از نظر فیزیکی مشکل دارند (BCRTEE, 1993, cited in Roseland et al., 2005: 155)
	نیبود فقر (Dixon, 2007: 8)	قابل استطاعت بودن خانه ها از نظر اقتصادی (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۷۳)
		توانایی جامعه در تامین نیازها (Dixon, 2007:8)
	برابری جنسیتی (Dixon, 2007: 8)	دسترسی به منابع (Dixon, 2007:8)
		مناسب سازی فضاها و اماکن عمومی برای زنان (کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۴۷-۵۷)
	تاسیسات مناسب و مطلوب (Dixon, 2007: 8)	حمل و نقل مناسب (Dixon, 2007: 8)
امکان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)		
امکانات ورزشی و تفریحی (Dixon, 2007:8)		فضای سبز موجود در محله (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)
رضایتمندی (Amerigo and Ara- gones, 1997, 47)	امید به آینده (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰)	شادکامی (Dixon, 2007:8)
		احساس خوشبختی (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)
		نبود حس محرومیت (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)

ادامه جدول ۱. معیارها، شاخص‌ها و زیرشاخص‌های پایداری اجتماعی

معیار	شاخص	زیر شاخص	
رضایتمندی (Amerigo and Ara-gones, 1997, 47)	امید به آینده (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰)	شادکامی (Dixon, 2007: 8)	
		احساس خوشبختی (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	
		نبود حس محرومیت (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	
	رضایت از محیط اقتصادی (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰-۹۹)	رضایت شغلی (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	
		رضایت از درآمد (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	
	رضایت از وضعیت سکونت (Costanza, 2007: 61)	سلامت و بهداشت محیطی (Dixon, 2007: 8)	
		رضایت از امکانات، دفع زباله (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	
	رضایت از وضعیت مسکن اتم از اندازه، آرامش و سکون (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	رضایت از وضعیت دسترسی به خدمات (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)	دسترسی مناسب محله به سایر نقاط شهر (اجتماعی و عملکردی) (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)
			رضایت از میزان دسترسی به خدمات (Costanza, 2007: 61)
			روشنایی معابر در طول شب (اجتماعی و عملکردی) (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰)
رضایت از کیفیت دسترسی به خدمات (Costanza, 2007: 61)			
امنیت اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۱)	نبود بزهکاری و جرم و جنایت و ناسازگاری‌های اجتماعی (Dixon, 2007: 8)	سلامتی روحی و روانی (Dixon, 2007: 8)	
		نبودن فضاهای خلوت و بلااستفاده و ناامن (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵)	
		آگاهی از ورود غریبه به محله (عزیزی، ۱۳۸۵، ص ۴۴-۴۵)	
	کودک مدار بودن فضا (ضرغامی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹-۱۱۱)	امنیت در ساعات پایانی شب برای اهالی (عزیزی، ۱۳۸۵، ص ۴۴-۴۵)	
		امکانات تفریحی جهت گذران اوقات فراغت (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)	
آسایش درون خانه (ضرغامی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹-۱۱۱)	مصونیت از رفت و آمد خودروها (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)		
	وجود فضاهای آموزشی جهت رشد و پرورش کودکان (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)		
		عدم اشرافیت سایر ساختمان‌ها به منزل مسکونی شما (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵، ص ۸۷-۱۰۵)	
		عدم وجود آلودگی صوتی در سطح محله (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)	



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

شماره ۱ تنظیم شده است.

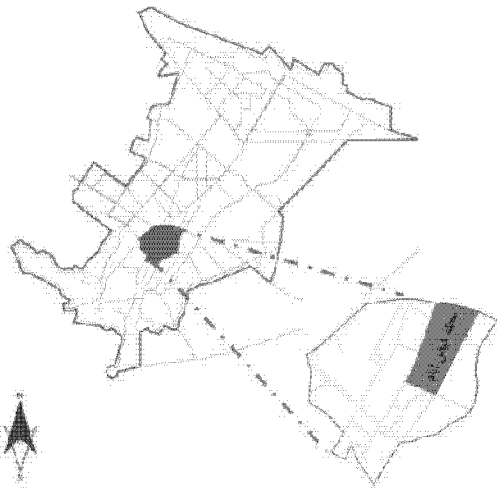
مسئولیت، تعاملات اجتماعی و نظارت اجتماعی می‌باشد.
۳- کیفیت زندگی (Schalock, 2004: 203-16) که شامل چهار معیار ثبات اجتماعی، عدالت اجتماعی، رضایتمندی و امنیت اجتماعی می‌باشد.

روش پژوهش

راهبرد اصلی تحقیق کمی می‌باشد که در آن با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، میزان پایداری

۱- هویت و سرزندگی (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷) که شامل سه معیار هویت (رآپاپورت، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱)، حس تعلق (Altman, 1992: 8) و حس تنوع و سرزندگی (جکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵) می‌باشد.

۲- ارتباط و پیوند (Barron, Gauntlett, 2002: ۲۰) که شامل چهار معیار مشارکت اجتماعی، احساس

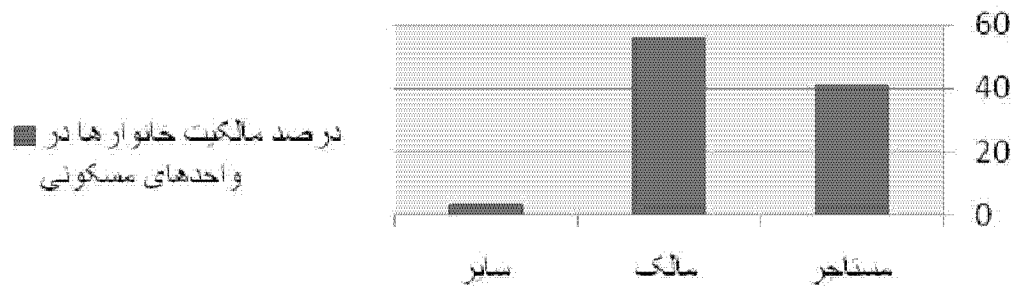


نقشه ۱. موقعیت محله فیض آباد در سطح ناحیه یک شهر کرمانشاه

اجتماعی محله فیض آباد کرمانشاه باستناد دیدگاه ساکنین و با گردآوری پرسشنامه ای و مصاحبه ای بررسی شده است. محله فیض آباد با مساحت ۳۲/۶۴ هکتار (حدود ۱۲ درصد از مساحت ۲۸۵ هکتاری هسته تاریخی شهر را در بر گرفته است) و با جمعیت ۳۸۲۶ نفر در شمال شرقی بازار قدیم شهر واقع شده است. بر اساس فرمول کوکران و با ضریب خطای ۵٪، حجم نمونه جامعه آماری ۳۴۹ نفر برآورد شده که همین تعداد نیز مبنای پرسش شوندهگان قرار گرفته است. با این حجم نمونه سطح اطمینان ۹۵ درصدی را از نتایج خواهیم داشت که از سطح معناداری ۵٪ برای کلیه موارد برخوردار خواهد شد. جامعه آماری شامل ساکنین محله، استفاده کنندگان از محله (کسانی که برای خرید به محله مراجعه می کنند)، مغازه داران و مسئولین برخی نهادها میباشد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه طراحی شده در تابستان ۱۳۹۲ جمع آوری شده و برای تحلیل اطلاعات از ضریب همبستگی پیرسون و برای محاسبات نیز از نرم افزار spss استفاده شده است. پرسشنامه موردنظر با ۷۵ سوال بسته و ۲ سوال باز طراحی و در میان جامعه آماری به طور تصادفی توزیع شده است. سوالهای پرسشنامه در راستای اهداف کلی پژوهش و به گونه ای تدوین شده که در نهایت به اتخاذ تصمیم های هم سو با نظر شهروندان نایل گردد. شاخص ها و زیرشاخص های استخراج شده از ادبیات موضوع اساس تدوین سؤالات

پرسشنامه را تشکیل می دهد. در این راستا، ۲۱ گویه بر اساس زیرشاخص ها از طریق تکنیک Expert Choice برای مفهوم پایداری اجتماعی که متغیر وابسته است، انتخاب شده و برای هر یک از معیارها نیز که متغیر مستقل محسوب می شوند، شاخص های مربوطه نیز به صورت گویه هایی در پرسشنامه مطرح شده اند. سوالات بسته پرسشنامه به ۱۵ بخش تقسیم شده که به ترتیب؛ مشخصات پاسخگو، مشخصات واحد مسکونی در اختیار خانوار، وضعیت مهاجرت یا نقل مکان خانوار، هویت، حس تعلق، احساس مسئولیت، مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی، ثبات اجتماعی، تعاملات اجتماعی، رضایتمندی، حس تنوع و سرزندگی، نظارت اجتماعی،

درصد مالکیت خانوارها در واحدهای مسکونی



نمودار ۱. درصد مالکیت خانوارها در واحدهای مسکونی

درصد افراد دیپلم به بالا و بقیه زیر دیپلم می باشند. پاسخگویان بیشتر گروه های سنی جوان و میانسال را در بر می گیرند. اطلاعات برداشت شده نشان می دهد که ساکنان محله فیض آباد کرمانشاه از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند به طوری که حدود ۵۲ درصد از نمونه آماری برداشت شده درآمدی زیر ۴۰۰ هزار تومان را دارا هستند. از نظر مدت اقامت ساکنان، بالاترین درصد مربوط به رده ۲-۵ سال بوده که خود گویای درصد بالای جابجایی ساکنان محله فیض آباد باشد. ۸۱ درصد از جامعه نمونه نیز تمایل

امنیت اجتماعی و مفهوم پایداری اجتماعی را در بر می گیرد. برای محاسبه میانگین هر کدام از گویه ها، امتیازی برابر با ۵ به پاسخ بسیار زیاد، ۴ به گزینه زیاد، ۳ به گزینه تاحدودی، ۲ به پاسخ کم و ۱ به گزینه بسیار کم، اختصاص یافته است.

یافته های پژوهش

نمونه آماری مورد پرسش قرار گرفته شامل ۱۷۱ زن (۴۸/۹ درصد) و ۱۷۸ مرد (۵۱/۱ درصد) می باشد. از این تعداد ۱۸۹ نفر شاغل (۵۴/۱۶ درصد) و ۱۶۰ نفر غیر شاغل (۴۵/۸۴ درصد) که از نظر سطح تحصیلات ۶۹/۷

جدول شماره ۲. توزیع درصدی پاسخ دهندگان به گویه های معیارهای پایداری اجتماعی به عنوان متغیر مستقل تحقیق و میانگین حاصله

معیارها	گویه	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	میانگین
هویت	تا چه حد از گذشته تاریخی این محله به عنوان میراثی ارزشمند در تاریخچه شهر کرمانشاه آشنایی دارید؟	۵/۷۳	۱۰/۰۲	۳۹/۵۴	۲۹/۲۴	۱۵/۴۷	۲/۶۱
	تا چه حد آثار تاریخی و اماکن شاخص محله خود را می شناسید؟	۰	۰/۵۷	۱۷/۱۹	۵۴/۱۶	۲۸/۰۸	۱/۹
	تا چه حد در محله شما ارزش های بومی و محله ای وجود دارد؟	۰	۳/۱۵	۱۵/۱۹	۲۵/۲۱	۵۶/۴۵	۱/۶۵
	تا چه حد خود را با نام محله ای که در آن زندگی میکنید به سایر شهروندان معرفی میکنید؟	۰	۱/۱۵	۴/۳	۳۴/۰۹	۶۰/۴۶	۱/۴۶
بیشترین میانگین را گویه اول و کمترین میانگین را گویه چهارم به خود اختصاص داده اند. $\sum = ۷۱/۶۲$							
حس تعلق	آیا هنوز هم در مرکز محله شما جلسه و یا گردهمایی ساکنین محله شکل می گیرد؟	۰/۲۹	۲/۰۰	۱۱/۱۷	۳۰/۰۹	۵۶/۴۵	۲/۱۲
	آیا با دوستان و همسالان خود در نقاطی از محل دور هم جمع می شوید؟	۰/۵۷	۱/۱۵	۹/۷۴	۵۳/۳	۳۵/۲۴	۱/۷۹
	آیا دسترسی به خدمات محله ای (برای خریدهای روزانه و...) با پیاده روی امکان پذیر و آسان است؟	۲/۹	۷/۷۳	۲۴/۹۲	۵۵/۰۰	۹/۴۵	۲/۴
	آیا مایلید در محل سکونت فعلی خودتان بمانید و به محله دیگری جابجا نشوید؟	۰/۲۹	۱/۱۵	۱۸/۳۳	۲۶/۶۵	۵۳/۵۸	۱/۶۸
	آیا محله شما در حال حاضر دارای سابقه و پیشینه ای آبرومند و مثبت می باشد؟	۰	۵/۷۳	۱۵/۱۹	۲۹/۵۱	۴۹/۵۷	۲/۳۴
بیشترین میانگین را گویه اول و کمترین میانگین را گویه پنجم به خود اختصاص داده اند. $\sum = ۱۳/۱۵$							
مشارکت اجتماعی	در محله خود تا چه حد در گروه های مذهبی مانند جلسات قرآن و مراسم مذهبی شرکت می نمایید؟	۰/۵۷	۴/۰۱	۱۲/۳۳	۳۳/۸۱	۴۹/۲۸	۱/۷۲
	ساکنین محله تا چه حد در رفع مشکلات محله شرکت می کنند؟	۰	۴/۰۱	۱۳/۱۸	۴۸/۱۴	۳۴/۶۸	۱/۸۶
	چقدر حاضرید در کارها و فعالیت های گروهی که در محله انجام میشود شرکت نمایید؟	۲/۳	۶/۰۱	۹/۷۴	۳۴/۶۷	۴۷/۲۸	۱/۸۱
	تا به حال چقدر از هم محله هایتان برای شرکت در اقدامات جمعی برای رفع مشکلات محله دعوت کرده اید؟	۱/۴۳	۵/۱۵	۸/۰۲	۴۲/۱۲	۴۳/۲۸	۱/۷۹
	تا چه حد تمایل دارید در انتخاب شورای محله شرکت نمایید؟	۲۸/۰۸	۳۳/۵۳	۲۳/۲۱	۱۰/۰۲	۵/۱۶	۳/۶۹



ادامه جدول شماره ۲. توزیع درصدی پاسخ دهندگان به گویه های معیارهای پایداری اجتماعی به عنوان متغیر مستقل تحقیق و میانگین حاصله

معیارها	گویه	بسیار زیاد	زیاد	تأخودی	کم	بسیار کم	میانگین
ثبات اجتماعی	تا چه حد تمایل دارید این محله را به عنوان مکان ثابت سکونت خود برگزینید؟	۰	۰/۲۹	۱۰/۸۸	۳۳/۲۴	۵۵/۵۹	۱/۵۶
	آیا عرف و ارزش های حاکم بر این محله را قبول دارید؟	۰	۰/۸۶	۱۹/۲	۴۲/۴	۳۷/۵۴	۱/۸۳
	تا چه حدی ساکنین این محله بومی بوده و سکونت ثابتی دارند؟	۰	۰/۲۹	۱۰/۳۱	۴۵/۲۷	۴۴/۱۳	۱/۶۷
	امنیت محله با وجود مهاجران در چه حدی است؟	۰/۲۹	۴/۳	۱۳/۱۸	۴۹/۸۶	۳۲/۳۸	۱/۹
	تا چه حد تمایل به مهاجرت از این محله را دارید؟	۰/۸۶	۳/۴۴	۸/۸۸	۴۸/۴۲	۳۸/۴	۱/۸
بیشترین میانگین را گویه چهارم و کمترین میانگین را گویه اول به خود اختصاص داده اند. $\sum = ۱۰/۳۷$							
تعاملات اجتماعی	ملاقات و هم صحبتی شما با همسایه ها تا چه حدی است؟	۲/۲۹	۶/۸۸	۱۳/۷۵	۵۰/۴۳	۲۶/۶۵	۲/۰۷
	میزان تمایل شما به انتخاب دوست برای خود و یا فرزندان خود از اهالی همسایه ها تا چه حدی است؟	۰	۴/۰۱	۱۱/۱۷	۳۲/۹۵	۵۱/۸۷	۱/۶۷
	تا چه حدی افرادی در محله شما وجود دارند که میتوانند در حل مشکلات به شما کمک کنند؟	۰/۱۷	۴/۱۳	۱۲/۶	۳۵/۲۵	۴۷/۸۵	۱/۷۳
	تا چه حدی در مورد وضعیتی از محله که باعث رنجش یا مزاحمتی برای شما شده با همسایگان گفتگو میکنید؟	۲/۲۹	۱۳/۷۵	۲۶/۹۳	۳۳/۵۲	۲۳/۵	۲/۳۸
بیشترین میانگین را گویه چهارم و کمترین میانگین را گویه دوم به خود اختصاص داده اند. $\sum = ۷/۸۵$							
رضایتمندی رضایتمندی رضایتمندی	تا چه حد احساس میکنید از امکانات زندگی بهره مند هستید؟	۱/۷۲	۶/۰۲	۴/۱۸۳	۲۶/۳۶	۲۴/۰۷	۲/۳۵
	آیا از امکانات مسکن خود (تعداد اتاق ها، ابعاد واحد مسکونی و غیره) راضی هستید؟	۰	۰	۸/۰۲	۳۶/۶۸	۵۵/۳	۱/۵۲
	آیا هزینه های مربوط به مسکن (رهن و اجاره، تعمیر، هزینه های گرمایشی و سرمایشی) با سطح درآمد شما همخوانی دارد؟	۰	۰	۲/۱۲	۳۳/۵۳	۴۵/۲۷	۱/۷۶
	آیا از شرایط بهداشتی و محیطی (سروصدای همسایگان، آلودگی هوا) محل سکونت خود راضی هستید؟	۰	۰/۲۹	۱۰/۶	۲۷/۸	۶۱/۳۱	۱/۵
	تا چه حد توقف وسیله نقلیه در اطراف محل سکونت شما امکان پذیر است؟	۰	۰	۱۸/۳۴	۳۷/۸۲	۴۳/۸۴	۱/۷۴
بیشترین میانگین را گویه اول و کمترین میانگین را گویه چهارم به خود اختصاص داده اند. $\sum = ۸/۸۷$							
حس تنوع و سرزندگی	میزان رفت آمد ساکنین در سطح محله تا چه حدی است؟	۱۰/۶	۳۳/۲۴	۲۶/۰۷	۲۰/۹۲	۹/۱۷	۳/۱۵
	تنوع خدمات موجود در محله (اعم از نانوايي، میوه فروشی، سبزی فروشی، سوپرمارکت) تا چه حدی است؟	۰	۱/۱۵	۵۵/۳	۲۴/۹۳	۱۸/۶۲	۲/۳۹
	حضور افراد در سطح محله در طول شب چقدر است؟	۰	۰/۲۹	۱۶/۹	۲۷/۷۹	۵۵/۰۱	۱/۶۲
	سهولت تشخیص آدرس برای غریبه ها در محله شما تا چه حدی است؟	۰	۵/۱۶	۱۰/۶	۳۰/۹۴	۵۳/۳	۱/۶۸
	تعداد مکان های تجمع افراد و پاتوق های دوستانه در سطح محله چقدر است؟	۰	۶/۵۹	۱۸/۰۵	۲۸/۳۷	۴۶/۹۹	۱/۸۴
بیشترین میانگین را گویه اول و کمترین میانگین را گویه سوم به خود اختصاص داده اند. $\sum = ۱۰/۶۸$							

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

ادامه جدول شماره ۲. توزیع درصدی پاسخ دهندگان به گویه های معیارهای پایداری اجتماعی به عنوان متغیر مستقل تحقیق و میانگین حاصله؛ ماخذ: برداشت های میدانی و اطلاعات پرسشنامه ای گردآوری شده توسط نگارندگان.

معیارها	گویه	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	میانگین
نظارت اجتماعی	در محله شما رفتارهای ساکنین تا چه حد قابل قبول و مناسب است؟	.	۳/۴۴	۱۹/۲	۲۹/۲۳	۴۸/۱۳	۱/۷۸
	تا چه حدی ساکنین محله با رفتارهای نامناسب برخورد میکنند؟	.	۰/۲۸	۱۹/۲	۳۰/۶۶	۴۹/۸۶	۱/۷
	تا چه حدی فضاهای محله توسط ساکنین کنترل میشود؟	۲/۸۷	۱۰/۰۲	۲۸/۰۸	۳۶/۳۹	۲۲/۶۴	۲/۳۴
	ساکنین محله تا چه حدی در امور مربوط به محله دخالت و کنجکاوی میکنند؟	.	۱/۷۲	۱۸/۰۵	۲۷/۵	۵۲/۷۳	۱/۶۱
بیشترین میانگین را گویه سوم و کمترین میانگین را گویه چهارم به خود اختصاص داده اند.							
امنیت اجتماعی	امنیت محله شما از نظر اعتیاد، ولگردی، سرقت چگونه است؟	۱/۱۴	۱۱/۱۷	۲۷/۲۲	۳۶/۶۷	۲۳/۸	۲/۲۹
	تا چه حد رفت و آمد در هنگام شب در محله شما امن و بدون مواجه شدن با مشکل است؟	۰/۸۵	۸/۶	۲۵/۵	۴۲/۷	۲۲/۳۵	۲/۲۳
	تا چه حد نظارت نیروی انتظامی و تدابیر امنیتی در محله شما اعمال شده است؟	۱/۷۲	۱۴/۶۱	۳۴/۶۷	۲۸/۰۸	۲۰/۹۲	۲/۵۴
بیشترین میانگین را گویه سوم و کمترین میانگین را گویه اول به خود اختصاص داده اند.							
							$\Sigma=۷/۴۳$
							$\Sigma=۷/۰۶$

به ترک محله خود را ابراز داشته اند. همچنین نتایج بدست آمده نشان می دهد که ۴۰/۹ درصد از جامعه اجاره نشین هستند (نمودار شماره ۱). این درصد بالای جابجایی و اجاره نشینی می تواند تعلق خاطر و حس مسؤلیت پذیری و تمایل برای سکونت دائم را در سطح محله کم رنگ کند.

معیارهای پایداری اجتماعی (متغیر مستقل)

در مجموع یازده معیار برای پایداری اجتماعی در نظر گرفته شده است (جدول شماره ۱). هر یک از این معیارها توسط تعدادی گویه سنجش شده و در مجموع نتیجه سنجش این معیارها برای تعیین میزان ارتباط آنها با پایداری اجتماعی در محله مورد مطالعه استفاده شده است.

مفهوم پایداری اجتماعی (متغیر وابسته)

همان طوریکه در بخش روش تحقیق عنوان شد، برای سنجش متغیر وابسته تحقیق (پایداری اجتماعی در مفهوم عام خود) ۲۱ گویه بر اساس زیرشاخص ها با استفاده از تکنیک Expert Choice انتخاب شده که

نتایج آن در جدول زیر تنظیم شده است. با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که مفهوم پایداری اجتماعی (متغیر وابسته) دارای ۲۱ گویه است. بنابراین امتیاز اختصاص یافته به متغیر وابسته از نظر پاسخگویان باید در بازه (۱۰۵، ۲۱) قرار بگیرد. جمع میانگین کل پاسخ گویان یا امتیاز اختصاص یافته به متغیر وابسته ۴۳/۶۸ است. در میان گویه های مفهوم پایداری اجتماعی، گویه عدم اشرافیت سایر ساختمانها با میانگین ۳/۶۸ بالاترین امتیاز و گویه فقدان فضاهای خلوت و بلااستفاده و ناامن با میانگین ۱/۲۶ کمترین امتیاز را دارا هستند.

سنجش ضریب همبستگی متغیر مستقل و وابسته تحقیق

برای سنجش ضریب همبستگی دو دسته متغیرهای تحقیق، ابتدا گویه هایی را که مربوط به هر یک از دو متغیر است، با هم جمع می کنیم در این حالت یک نمره کمی برای هر متغیر حاصل می شود. برای بررسی رابطه ی بین این دو متغیر از ضریب همبستگی

جدول ۳. توزیع درصدی پاسخ دهندگان به گویه های مرتبط با مفهوم پایداری اجتماعی و میانگین آنها؛ ماخذ: برداشت های میدانی و اطلاعات پرسشنامه ای گردآوری شده توسط نگارندگان

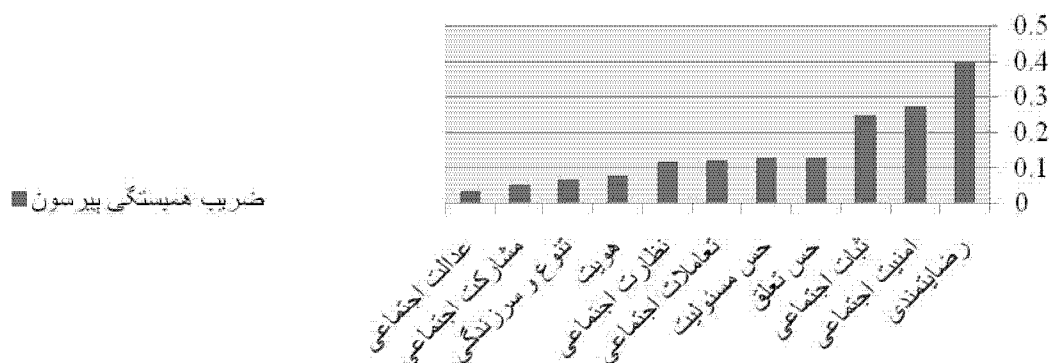
ردیف	گویه	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	میانگین
۱	میزان آشنایی با حقوق شهروندی	۰/۵۷	۲/۲۹	۱۶/۹۲	۳۳/۵۲	۴۶/۷	۱/۷۶
۲	قابل استطاعت بودن خانه ها از نظر اقتصادی	۰/۲۹	۲/۵۸	۱۷/۷۶	۵۳/۵۸	۲۵/۷۹	۱/۹۸
۳	تنوع دسترسی به کالا و خدمات مورد نیاز کلیه ساکنین	۱/۴۴	۲۲/۳۵	۴۵/۲۷	۲۳/۷۸	۷/۱۶	۲/۸۷
۴	مطلوبیت اندازه مسکن	۴/۸۷	۲۶/۹۴	۵۳/۰۰	۹/۱۷	۶/۰۲	۳/۱۵
۵	مکان های تفریحی و فراغتی مانند فضای سبز	۰	۰	۸/۶	۳۰/۹۴	۶۰/۴۶	۱/۴۸
۶	روشنایی معابر در طول شب	۰	۰	۲/۲۹	۳۳/۸۱	۶۳/۹	۱/۳۸
۷	انتقال نیازهای جامعه محلی به ارگان های دولتی	۰	۰	۲/۰۰	۳۵/۵۴	۶۲/۴۶	۱/۴
۸	استفاده از کاربری های مختلط و چند منظوره در محله	۰/۸۶	۲/۱۲	۵۲/۴۳	۱۹/۴۹	۶/۰۲	۲/۹۱
۹	وجود مکان های مناسب جهت اجتماعات محلی	۰	۰/۲۹	۴/۵۸	۳۹/۵۴	۵۵/۵۹	۱/۴۹
۱۰	دسترسی مناسب محله به سایر نقاط شهر (اجتماعی و عملکردی)	۱/۴۴	۲۴/۰۷	۴۲/۴	۲۴/۶۴	۷/۴۵	۲/۸۷
۱۱	میزان استفاده از ماشین برای رفت و آمد جهت رفع نیاز روزانه	۸/۰۲	۱۰/۳۱	۱۷/۷۶	۳۴/۶۸	۲۹/۲۳	۲/۳۳
۱۲	شناخت و اعتماد همسایگان	۰	۰	۱/۷۲	۳۶/۱	۶۲/۱۸	۱/۴
۱۳	امکانات آموزشی، فرهنگی، آثار مذهبی، میراث فرهنگی و ... و توزیع مناسب آنها در سطح محله	۰	۰	۲۰/۳۴	۲۹/۵۲	۵۰/۱۴	۱/۷
۱۴	حضور فعال و سرزنده ساکنین در داخل یافت	۰/۵۷	۳/۱۵	۲۴/۰۷	۳۲/۰۹	۴۰/۱۲	۱/۹۲
۱۵	رعایت ادب و احترام متقابل توسط ساکنین محله	۰/۸۶	۴/۸۷	۵/۴۴	۴۸/۴۲	۴۰/۴	۱/۷۷
۱۶	فرصت های شغلی در سطح محله	۲/۵۸	۱۲/۳۲	۴۸/۱۴	۲۱/۷۸	۱۵/۱۸	۲/۶۵
۱۷	عدم اشرافیت سایر ساختمان ها به منزل مسکونی شما	۲۴/۰۷	۳۵/۲۴	۲۷/۸	۱۰/۸۹	۲/۰۰	۳/۶۸
۱۸	میزان نظارت بر معابر و فضاهای محله از پنجره ساختمان مسکونی	۰/۵۷	۲/۵۸	۱۳/۷۵	۳۲/۲۴	۴۹/۸۶	۱/۷
۱۹	فقدان فضاهای خلوت و بلااستفاده و ناامن	۰	۰	۰	۲۶/۰۷	۷۳/۹۳	۱/۲۶
۲۰	مرکز محله فعال و پر جنب و جوش	۰/۵۷	۱۷/۷۷	۲۶/۰۷	۴۰/۹۷	۱۴/۶۲	۲/۴۸
۲۱	همانگی فرهنگ ساکنین محله	۰	۰/۲۹	۸/۳۱	۳۱/۸	۵۹/۶	۱/۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۲
No.37 Winter 2015

۸۵

ضریب همبستگی پیرسون



نمودار ۲. اولویت بندی معیارهای پایداری اجتماعی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

جدول ۱۳. نتایج آزمون همبستگی

متغیر مستقل		هویت		حس تعلق		احساس مسئولیت		مشارکت اجتماعی	
متغیر وابسته	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار
پایداری اجتماعی	۰.۰۲۷۳	۰.۰۷۷	۰.۰۲۹۶	۰.۱۲۶	۰.۰۳۷۶۳	۰.۱۲۶	۰.۰۳۱۲	۰.۰۵۰۶	
متغیر مستقل		عدالت اجتماعی		ثبات اجتماعی		تعاملات اجتماعی		رضایتمندی	
متغیر وابسته	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار
پایداری اجتماعی	۰.۰۳۱۵	۰.۰۷۸۳	۰.۰۲۴۹	۰.۲۴۸	۰.۰۲۷۱۲	۰.۱۲۱	۰.۰۲۵۵	۰.۴	
متغیر مستقل		حس تنوع و سرزندگی		نظارت اجتماعی		امنیت اجتماعی		حجم جامعه آماری ۳۴۹ نفر	
متغیر وابسته	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار	میزان همبستگی	انحراف معیار
پایداری اجتماعی	۰.۰۳۰۶	۰.۰۶۴	۰.۰۲۶۷	۰.۱۱۵۵	۰.۲۷۱	۰.۲۲۳			

ماخذ: برداشت های میدانی و اطلاعات پرسشنامه ای گردآوری شده توسط نگارندگان

در اینجا ارتباط و وابستگی بین هر یک از معیارها را با متغیر وابسته پایداری اجتماعی می سنجیم. طبق داده های حاصل از پرسشنامه برای هر معیار چندین گویه در نظر گرفته شد. این گویه ها متغیر X یا مستقل برای هر معیار در نظر گرفته شده و گویه های پایداری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته یا Y در نظر می باشند. سپس با استفاده از فرمول ها مقدار همبستگی را به دست می آوریم.

پیرسن استفاده می شود. دو متغیر تصادفی X و Y را با انحراف معیارهای σ_X و σ_Y در نظر می گیریم، ضریب همبستگی این دو را با ρ نشان داده و به صورت زیر تعریف می کنیم:

$$\rho_{x,y} = \frac{\text{cov}(x, y)}{\sqrt{(\text{var } x)(\text{var } y)}} = \frac{\sigma_{xy}}{\sigma_x \sigma_y}$$

در جدول ۱۳، مقادیر مربوط به ضریب همبستگی پیرسون بین صفر تا یک قرار دارد. لذا رابطه معنی دار مستقیمی بین متغیرها وجود دارد. هرچه این مقادیر به صفر نزدیک شوند شدت وابستگی متغیرها کمتر شده و هرچه این متغیرها به یک نزدیک شوند شدت وابستگی متغیرها بیشتر می شود. از این نظر، تمام معیارهای پایداری اجتماعی در محله فیض آباد با مفهوم پایداری اجتماعی ارتباط دارند و افزایش یا کاهش هر یک از این معیارها تاثیر مستقیمی بر میزان پایداری اجتماعی محله خواهد داشت. میزان پایداری اجتماعی در سطح محله به ترتیب به معیارهای رضایتمندی، امنیت اجتماعی، ثبات، حس تعلق، مسئولیت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، نظارت اجتماعی، هویت، تنوع و سرزندگی، مشارکت اجتماعی و عدالت اجتماعی وابسته است. اولویت بندی معیارهای پایداری اجتماعی با توجه به میزان همبستگی آنها با مفهوم پایداری اجتماعی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در نمودار شماره ۲ قابل مشاهده است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به پیچیدگی مسایل شهری دوران معاصر و اینکه محله ها به عنوان سلول های اصلی زندگی اجتماعی مردم به حساب می آیند، توجه به جنبه های اجتماعی محله های شهری ضروری و اجتناب ناپذیر است. در این راستا، نگرش و برداشت ساکنین از عوامل

تأثیرگذار در پایداری اجتماعی به منظور برنامه ریزی و ساماندهی وضع موجود و تدوین راهکارهای آتی ارتقاء پایداری اجتماعی محله حائز اهمیت می باشد. در این پژوهش، محله فیض آباد کرمانشاه در راستای مفهوم پایداری اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. در این زمینه ۱۱ معیار موثر بر میزان پایداری اجتماعی محلات با استفاده از توزیع پرسشنامه و نظرسنجی عمومی و به کمک ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. نتیجه پژوهش دال بر آن است که از معیارهای مذکور معیارهای رضایتمندی، امنیت اجتماعی و ثبات اجتماعی دارای بیشترین همبستگی با مفهوم پایداری اجتماعی در سطح محله بوده و از دیدگاه ساکنان بیشترین تاثیر را بر سطح پایداری اجتماعی محله دارند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مذکور و به منظور ایجاد ارتباط با مؤلفه های اصلی تحقیق، راهبردهای زیر را می توان به منظور ارتقاء پایداری اجتماعی محله فیض آباد کرمانشاه پیشنهاد نمود.

پیشنهادات راهبردی در راستای مؤلفه های پایداری اجتماعی

با توجه به پیچیدگی مسایل شهری دوران معاصر و اینکه محله ها به عنوان سلول های اصلی زندگی اجتماعی مردم به حساب می آیند، توجه به جنبه های اجتماعی محله های شهری ضروری و اجتناب ناپذیر است. در این راستا، نگرش و برداشت ساکنین از عوامل

جدول ۱۴. اهداف خرد، راهبردها، سیاست ها و اقدامات اجرایی

اهداف خرد	راهبرد ها	سیاست	اقدامات اجرایی
افزایش هویت و سرزندگی	استفاده کاربران مختلف از فضا	حذف کاربری های ناسازگار	حذف کاربری های پر سر و صدا مانند تعمیرگاه و گاراژ در ضلع شمالی محله
			ایجاد کاربری های جدیدی مانند اماکن ورزشی، فرهنگی (کتابخانه) و آموزشی (راهنمایی) در مرکز محله و زیر محله پیشنهادی
	ایجاد کاربری های جذاب WW جمعیت	ایجاد فضای سبز و جمعی در طول مسیرهای اصلی (معیار ۱۲ متری پیشنهادی) محله و پهنه های مسئله دار	ایجاد پارکینگ عمومی برای ساکنان محله و مراجعه کنندگان به بازار در ضلع جنوبی محله (سبزه میدان) و در داخل محله در مجاورت محور شرقی-غربی

جدول ۱۴. اهداف خرد، راهبردها، سیاست ها و اقدامات اجرایی

اهداف خرد	راهبردها	سیاست	اقدامات اجرایی
افزایش هویت و سرزندگی	تقویت عناصر هویت بخش محله	تغییر کاربری اماکن تاریخی و طبیعی به نقاط گردشگری برای شناسایی آنها به سایر شهروندان	طراحی لبه رودخانه آبشوران در ضلع جنوبی محله به عنوان به پارک منطقه ای، مرمت کالبد بازار سنتی فیض آباد، مرمت تکیه بیگلربیگی، خانه خواجه باروخ، مسجد شاهزاده، مسجد معتمد و...
		ایجاد کاربری ها و تراکم های سازگار با بافت سنتی محله	حذف تعمیرگاه ها و گاراژها در ضلع شمالی محله، اعطای تراکم تشویقی در ضلع شمالی و جنوبی محله حداکثر تا چهار طبقه، رعایت اصل اشرافیت در مجاورت بناهای تاریخی
افزایش ارتباط و پیوند	ایجاد کاربری های جذاب جمعیت	ایجاد فضای سبز، آموزشی، ورزشی و فرهنگی در مرکز محله و زیر محله ها	ایجاد فضای سبز، آموزشی، ورزشی و فرهنگی در مرکز محله و زیر محله ها
		تعمیر معابر، توزیع مکان های تجمع در سطح محله، رفع پیش آمدگی های بناهایی که موجب انسداد دید در طول مسیر حرکت می شوند، بهبود وضعیت روشنایی در سطح محل در طول شب	تعمیر معابر، توزیع مکان های تجمع در سطح محله، رفع پیش آمدگی های بناهایی که موجب انسداد دید در طول مسیر حرکت می شوند، بهبود وضعیت روشنایی در سطح محل در طول شب
	ایجاد کریدورهای بصری	بهبود وضعیت روشنایی در سطح محله	استفاده از چراغ روشنایی در مرکز محله، زیر محله ها، راسته بازار و پهنه های متراکم خصوصا در ضلع شمالی و جنوبی
	ایجاد فضاهای جمعی	قرار گیری مرکز محله در تقاطع خیابان های اصلی شمالی-جنوبی (پیشنهادی) و شرقی-غربی (موجود) محله	قرار گیری مرکز محله در تقاطع خیابان های اصلی شمالی-جنوبی (پیشنهادی) و شرقی-غربی (موجود) محله
تقویت تعاملات اجتماعی	امکان فعالیت و حضور تمام گروه های سنی و جنس	احداث بوستان کودک در زیر محله غربی در مجاورت کودستان، احیاء قهوه خانه سنتی در مجاورت مرکز محله، رفع مشکلات ناشی از شیب جهت دسترسی به مرکز محله از طریق احداث پله برای سهولت حضور سالخوردگان در محله	احداث بوستان کودک در زیر محله غربی در مجاورت کودستان، احیاء قهوه خانه سنتی در مجاورت مرکز محله، رفع مشکلات ناشی از شیب جهت دسترسی به مرکز محله از طریق احداث پله برای سهولت حضور سالخوردگان در محله
		جذب مشارکت ها و ایده های ساکنین	برگزاری مراسم، اعیاد و یا عزاداری ها در مساجد محله، برگزاری کلاسهای قرآنی، هنری وغیره، تشکیل شورای محلی برای رفع مشکلات موجود محله
ارتقاء حضور انسان در معابر	ایجاد محور پیاده قوی در محله	محور ۱۲ متری شمالی-جنوبی، تعریض معابر	محور ۱۲ متری شمالی-جنوبی، تعریض معابر
		آرام سازی ترافیک عبوری	کفسازی هایی که حرکت سواره را کند کند، زاویه گردش مسیر در جهت کاهش سرعت سواره
تشویق ساکنان برای پیاده روی در محدوده	ارتقاء کیفیت و تسهیلات کافی برای معابر	فضا سازی در مسیرهای پر رفت و آمد	قرار دادن مرکز اصلی محله و زیر محله ها در طول محور پیاده شمالی-جنوبی
		ارتقاء تجهیزات و تسهیلات کافی برای معابر	استفاده از مبلمان شهری نظیر چراغ برق، نیمکت و ...
افزایش تراکم جمعیتی	افزایش سرانه مسکونی	افزایش تراکم مسکونی	ایجاد واحدهای مسکونی با الگو برداری از معماری تاریخی محله در ضلع شمالی محله
		افزایش تراکم ارتفاعی محله	تراکم ارتفاعی واحدهای پیشنهادی حداکثر تا چهار طبقه
ارتقاء کیفیت زندگی	افزایش سکونت دائم	ارتقاء کیفیت کالبدی واحد های مسکونی	احداث واحدهای مسکونی جدید در ضلع شمالی محله به جای تعمیرگاه ها و گاراژها، اعطای سیاست های تشویقی برای ساخت واحدهای مسکونی در سطح محله، حذف بناهای مخروبه در سطح محله
		ارتقاء کیفیت کالبدی و عملکردی محله	اقدام به ساخت و مرمت واحدهای مسکونی، احداث مرکز محله و زیر محله ها در مسیرهای پر رفت و آمد، پراکندگی مناسب نقاط فعال در سطح محله، تقویت عملکرد بازار سنتی فیض آباد در سطح شهر
		ارتقاء کیفیت کالبدی و عملکردی معابر محله	احداث محور ۱۲ متری شمالی-جنوبی، برقراری نظام سلسله مراتب فضایی بین معابر با تعریض معابر در سطح محله، حذف گوشه های تاریک و مخفی در سطح محله، افزایش تدابیر امنیتی با استفاده از شبگرد و نظارت های نیروی انتظامی، بهبود وضعیت روشنایی معابر در طول شب، احداث پارکینگ
		بهبود وضعیت بهداشتی محله	جمع آوری مناسب زباله ها و نخاله های ساختمانی، ساماندهی اطراف رودخانه آبشوران

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

تأثیرگذار در پایداری اجتماعی به منظور برنامه ریزی و ساماندهی وضع موجود و تدوین راهکارهای آتی ارتقاء پایداری اجتماعی محله حائز اهمیت می باشد. در این پژوهش، محله فیض آباد کرمانشاه در راستای مفهوم پایداری اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. در این زمینه ۱۱ معیار موثر بر میزان پایداری اجتماعی محلات با استفاده از توزیع پرسشنامه و نظرسنجی عمومی و به کمک ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. نتیجه پژوهش دال بر آن است که از معیارهای مذکور معیارهای رضایتمندی، امنیت اجتماعی و ثبات اجتماعی دارای بیشترین همبستگی با مفهوم پایداری اجتماعی در سطح محله بوده و از دیدگاه ساکنان بیشترین تاثیر را بر سطح پایداری اجتماعی محله دارند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مذکور و به منظور ایجاد ارتباط با مؤلفه های اصلی تحقیق، راهبردهای زیر را می توان به منظور ارتقاء پایداری اجتماعی محله فیض آباد کرمانشاه پیشنهاد نمود.

منابع و ماخذ

- ۱- آلمن، ایروین [۱۳] محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، مرکز انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲- احمدی، منصور (۱۳۸۳) بررسی عوامل موثر بر گرایش شهروندان به مشارکت در اداره امور شهرها، مطالعه موردی شهر فرخ شهر از توابع استان چهار محال بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰) اندازه شهر و کیفیت روابط اجتماعی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، صفحات ۱۱۱-۱۰۶.
- ۴- بحرینی، سید حسن و خسروی، حسین (۱۳۸۹) معیارهای کالبدی فضایی موثر بر میزان پیاده روی، سلامت و آمادگی جسمانی؛ نمونه موردی: شهر جدید هشتگرد، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۲، صفحات ۵-۱۶.
- ۵- بیات، بهرام (۱۳۸۸) بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی، صفحه ۳۲.

- ۶- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، انتشارات شهیدی، تهران.
- ۷- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، ج ۲، تهران، انتشارات شهیدی.
- ۸- پوراحمد، احمد؛ موسوی، سیروس (۱۳۸۹) ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۲.
- ۹- پورطاهری، مهدی و سجاسی قیداری، حمدالله و صادقلو، طاهره (۱۳۸۸) سنجش و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- تقی لوی، فرامرز (۱۳۸۶) تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران معاصر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، شماره مسلسل ۳۵، صفحات ۹-۲۹.
- ۱۱- جاجرمی، کاظم و کلتی، ابراهیم (۱۳۸۵) سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مجله جغرافیا و توسعه، صفحه ۷.
- ۱۲- جاودان، مجتبی (۱۳۸۶) مروری بر چارچوب مفهومی و راهبردی شاخص های چایداری و اجتماعی، گروه توسعه اجتماعی، مقاله ۱۷۲.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶) مقدمه عمومی علم حقوق. چاپ پنجم. تهران: گنج دانش، ۴۱.
- ۱۴- جی براون، لتس و دیکسون، دیوید و گیلهم، الیور (۱۳۸۹) طراحی شهری برای قرن شهری؛ مکان سازی برای مردم، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۳۰-۲۲۸.
- ۱۵- جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکان ها در محیط انسان ساخت، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲) چگونگی الگوپذیری

- و تجدید سازمان استخوانبندی محله، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۳، صفحات ۳۹-۳۲.
- ۱۸- حبیبی، سید محسن و مسائلی، صدیقه (۱۳۷۸) سرانه کاربری های شهری، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- ۱۹- حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۲) آمار ناپارامتریک، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۰- خاکپور، براتعلی و مافی، عزت الله و باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه ی پایدار محله ای، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۲، صفحات ۸۱-۵۵.
- ۲۱- دهقانی، محمد رضا و کریم زاده، جمشید (۱۳۸۹) عناصر فرهنگی و هویت شهرهای امروز، مجله تخصصی راه و ساختمان، شماره ۴۱، صفحه ۳۶.
- ۲۲- زاهدی، شمس السادات و نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵) بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس، سال دهم، شماره ۴، دوره زمستان.
- ۲۳- راپاپورت، آموس (۱۳۸۱) به سوی انسان شناسی خانه، ترجمه مسعود پرچی عراقی، فصلنامه آبادی، شماره ۳۶.
- ۲۴- ربانی خوارسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۶) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۸-۵۹.
- ۲۵- ربانی خوارسگانی، علی و صدیق اورعی، غلامرضا و خنده رو، مهدی (۱۳۸۹) بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در سطح محله، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان، صفحات ۱۱۹-۱۴۹.
- ۲۶- رستم خانی، پروانه (۱۳۸۳) توسعه فضای سبز در تعامل با توسعه اجتماعی محله، شماره نشریه ک-۳۹۳، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- ۲۷- ژانورن، پاتریس (۱۳۶۷) وندالیسم: بیماری جهانی خرابکاری، ترجمه فرخ ماهان، مجله دانشمندان، شماری پی در پی ۲۹۹.
- ۲۸- ساجدی، عبدالله (۱۳۸۹) عدالت اجتماعی و نقش آن بر توسعه پایدار، سومین همایش ملی جغرافیا و رویکرد علمی به توسعه پایدار.
- ۲۹- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، سروش، تهران.
- ۳۰- ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵) امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت؛ در تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۲۲، صفحات ۱۰۶-۸۷.
- ۳۱- سرمست، بهرام و متوسلی، محمد مهدی (۱۳۸۹) بررسی و تحلیلی نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۶، نوبت پاییز و زمستان، صفحه ۴۰-۴۱.
- ۳۲- سعه زربادی، زهرا سادات و خزاعی، فاطمه (۱۳۸۵) از پایداری محله تا محله پایدار، صفحات ۴۶-۴۳.
- ۳۳- شمس الدینی، علی و گرجیان، پروین (۱۳۸۹) عوامل موثر در مهاجرت روستائیان به شهرها، با تاکید بر شبکه مهاجرت، مجله چشم انداز جغرافیایی (علمی- پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۱۱، نوبت تابستان، صفحه ۸۵.
- ۳۴- شیخی، محمد (۱۳۸۲) ساختار محله ای شهر در سرزمین های اسلامی، نشریه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۲.
- ۳۵- ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، صفحات ۱۱۸-۱۰۳.
- ۳۶- طهماسبی، سوسن (۱۳۸۰) الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، صفحات ۶۶-۵۸.
- ۳۷- عارفی، مهیار (۱۳۸۰) به سوی رویکرد دارای- مبنا برای توسعه اجتماع محلی، ترجمه نوین تولایی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صفحه ۳۷.
- ۳۸- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۵) محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، نشریه هنرهای زیبا، تهران، شماره ۲۷، صفحات ۴۶-۳۵.
- ۳۹- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) تبیین عوامل اجتماعی

assessment Policy and Management, Vol. 3, No 4.

51- Barron, L. and Gaunlett, E., 2002, Housing and Sustainable Communities, Indicators project, western Australian council of social service.

52- Barton, Hugh, et al., 2003, Shaping Neighbourhoods: A guide for health, sustainability and vitality, spon press, London and New York.

53- Bryden, J., 2002, Rural Development Indicators and Diversity in the European Union.

54- Colantonio, A. (2007) Social sustainability: an exploratory analysis of its definition, assessment methods metrics and tools. EIBURS Working Paper Series, 2007/01. Oxford Brookes University, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD) - International Land Markets Group, Oxford, UK.

55- Costanza, R., 2007, Quality of life: An approach integrating opportunities human needs, and subjective well-being”, Ecological Economics.

56- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S. and Brown, C. (2011), The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sust. Dev.*, 19: 289–300.

57- DFID, 2002, Indicators for Socially Sustainable Development, <http://www.livelihood.org/info/docs/wssd-indbr.pdf>.

58- Dixon, Tim., 2007, Measuring Social Sustainability: Best Practice from Urban Renewal in the EU, EIBURS Working Paper Series.

59- Gehl, Jan., 1987, Life Between Buildings, New York, Van Nostrand Reinhold.

60- Goodland, R., 2003, Sustainability Human, Social, Economic and Environmental, World Bank Washington DC, USA.

61- GTZ, 2004, Chance for Sustainable Development, Programme Office for Social and Ecological Standards, Email: social-ecological-standards@gtz.de.

62- Harris, M.J., 2000, Basic Principles of Sustainable Development, Global Development and Environment institute, Tufts University Medford MA 02155, USA.

و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

۴۰- فلاح، حسین و اشرف گنجوی، محمد علی (۱۳۸۴) هویت مکانی یک فضای شهری، همایش عمران، معماری و شهرسازی کرمان، صفحات ۳-۵.

۴۱- فیدلر، فرد و شمزر، مارتین (۱۳۷۲) رهبری اثر بخش، ترجمه سهراب خلیلی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

۴۲- مدنی پور، علی (۱۳۸۳) آیا میتوان مدیریت و توسعه شهرها را بر پایه محله ها بنا نهاد، همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، شهرداری تهران، ۱۹، ۱۸-۲.

۴۳- مرصومی نفیسه و بهرامی، رحمت ا... (۱۳۸۷) توسعه پایدار شهری، صفحات ۲۳-۲.

۴۴- مطلبی، قاسم (۱۳۸۳) رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله ای، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، شهرداری تهران، ۳، ۷۶-۶.

۴۵- میرفردی، اصغر و احمدی، سیروس و نیکخواه، زهرا (۱۳۹۱) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر یاسوج جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۳ ام، شماره پیاپی ۴۷، شماره سوم، صفحات ۱۸۵-۲۰۶.

۴۶- نجیبی، مرتضی (۱۳۸۸) انواع ضریب همبستگی و محاسبه آنها، گروه دانش آماری.

۴۷- ویلیامز، کتی (۱۳۸۳) دستیابی به شکل پایدار شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

48- Altman, I. & Setha Low, 1992, Place attachment, Plenum Press, New York.

49- Amerigo, M., and Aragones, J.I., 1997, A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction, *Journal of Psychology*, 17, 47-57.

50- Atkisson, A. and Hatcher, R., 2001, The Compass Index of Sustainability; Prototype for a Comprehensive Sustainability Information System, *Journal of Environmental As-*

- 63- Horton, Paul & Chester L.Hunt.,1989, sociology,Mc Graw Hill.
- 64- Key, A, 2005,Social capital, The social economy and community development,Oxforduniversity press and community. Development journal. Advance Access publicatiion 15 feb:162.
- 65- Lasing J.B,Marans,R.W.,1969, Evaluation of Neighborhood Quality,AIP Journal,May,195-199 .
- 66- Long, D.,2003, A toolkit of Indicators of Sustainable Communities' Formerly a Toolkit of Sustainability Hndicators, the housing corporation and European institute for urban affairs.
- 67- Marcus, Sarkissian,1986,Women and community safety, conference Safer Communities, Melbourne, September, p266.
- 68- Memford, L, 1954, The neighbourhood and the neighbour unit, Town planning Review,Vol 24: 256-70.
- 69- Newman,Peter W.G.,1999, Sustainability and cities: extending the metabolism model , landscape and urban planning(Elsevier),number44, page 219-226.
- 70- Overton, J., 1999, Strategies for Sustainable Development, Zed books, London and Newyork city.
- 71- Polese, M. and Stren, R. (2000). Social sustainability of cities: Diversity and the management of change. University of Toronto Press: Toronto, Canada.
- 72- Roseland, Mark, with Connelly, Sean, Hendrickson, David, Lindberg, Chris, & Lithgow, Michael. (2005).Towards sustainable communities: Resources for citizens and their governments. (Rev. ed.). GabriolaIsland, BC: New Society Publishers.
- 73- Schalock,R. L. 2004, The concept of quality of life: What we know and do not know, journal of Intellectual disability research, Vol 48(3): 203-16.
- 74- Torjman, Sh.,2000, The Social Dimension of Sustainable Development, Caledon Institute Social Policy.
- 75- Wheeler,Stephen M., 2004, Planning for Sustainability,Roulledge,London and New York.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

برآورد تابع تقاضای حمل کالای فاسدشدنی با کمک روش داده های تابلویی

رسام مشرفی - عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

هادی رحمانی فضلی* - دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

هادی گنجی - عضو هیات عملی پژوهشکده حمل و نقل، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

Estimation of Prishable Cargo Transportation Demand by a Panel Data Model

Abstract

Transportation conditions for Perishable goods are very important. This importance is Because of food hygiene and because of waste reduction. One of prerequisite for planning a cold chain transportation of perishable cargo is demand estimation. For this Propose, this paper is studying behavior of transportation of perishable goods by estimating demand model. The model which is estimated for each of the provinces use panel data. The results show that for every one person increase in province's population, one million rials increase in province's real GDP and for one ton increase in province's milk production perishable cargo transportation demand increases by 78.5, 18.49 and 91738.8 ton-kilometer respectively. On the other side, for every one thousand ton increase in province's meat production, one thousand ton increase in province's poultry production and finally one rial increase in ton kilometer transportation real fare perishable cargo transportation demand decreases by 604516.5, 81006.3 and 309386.3 ton-kilometer

Keywords: transportation demand, perishable cargo, econometric model, panel data

چکیده

کالاهای فاسدشدنی از جمله کالاهایی هستند که شیوه حمل آن اهمیت ویژه ای دارد. این اهمیت به دلیل بهداشت غذایی و همچنین کاهش ضایعات است. یکی از پیش نیازهای اصلی در زنجیره سرد حمل کالاهای فاسدشدنی برای برنامه ریزی حمل و نقل این کالاها پیش بینی تقاضا است. به این منظور در این مقاله، به بررسی تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی، با استفاده از داده های تابلویی به تفکیک استان پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است که به ازای هر نفر افزایش جمعیت در استان ۷۸٫۵ تن کیلومتر، به ازای هر میلیون ریال افزایش در تولید ناخالص داخلی واقعی استان ۱۸٫۴۹ تن کیلومتر، به ازای هر تن افزایش تولید شیر در استان ۹۱۷۳۸/۸ تن کیلومتر به تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی به مقصد استان افزوده می شود و در مقابل، به ازای هر هزار تن افزایش در تولید گوشت در استان به اندازه ۶۰۴۵۱۶/۵ تن کیلومتر، به ازای هر هزار تن افزایش تولید گوشت مرغ و تخم مرغ در استان، ۸۰۰۰۶/۳ تن کیلومتر و در نهایت به ازای هر ریال افزایش در کرایه واقعی حمل ناوگان یخچالی به مقصد استان ۳۰۹۳۸۶/۳ تن کیلومتر از تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی به مقصد استان کاهش می یابد.

واژگان کلیدی: تقاضای حمل و نقل، کالای فاسد شدنی، مدل اقتصاد سنجی، داده های تابلویی.

۱. مقدمه

[۲]. چگونگی حمل و نقل کالاهای فاسدشدنی یکی

از حلقه‌های مهم و موثر در ایجاد ضایعات در زنجیره تولید- مصرف است. عدم استفاده از وسایل مخصوص حمل این نوع از کالاها تاثیر بسزایی در این مهم دارند. برای این منظور برنامه‌ریزی در جهت فراهم کردن امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به این تقاضا ضروری است. و بدیهی است پیش از برنامه‌ریزی برای تامین امکانات لازم برای لجستیک حمل کالاهای فاسدشدنی باید تخمینی از میزان تقاضا برای حمل این کالاها داشت. در این مقاله منظور از کالاهای فاسد شدنی موادی است که در حمل آن نیاز به رعایت استانداردهای محیطی وجود داشته باشد. در شکل ۱ دسته‌بندی کلی از انواع کالاهای فاسدشدنی ارایه شده است.

مساله حمل و نقل کالاهای فاسد شدنی در کشورهای مختلف جهان، به ویژه کشورهای توسعه یافته به شدت مورد توجه است. برای نمونه در مطالعه صورت گرفته توسط هوگو پدرو بوف^۲ [۳] به موضوع عرضه کالای فاسد شدنی در کشور برزیل پرداخته شده است. در

ضرورت توجه به حمل مواد فاسدشدنی و به خصوص مواد غذایی که سهم عمده‌ای از گروه کالاهای فاسدشدنی را به خود اختصاص می‌دهد، در پایه‌ای ترین نگاه به دو دلیل است: ۱- ایمنی یا بهداشت غذایی^۱ ۲- کاهش ضایعات در سیستم حمل و نقل. رعایت استانداردهای تولید، نگهداری، حمل و عرضه کالاهای فاسدشدنی به دلیل کاهش ضایعات، از نظر اقتصادی نیز هدف مهمی برای اقتصاد ملی محسوب می‌شود. این مساله به خصوص در مورد مواد غذایی به دلیل حجم انبوه آن قابل توجه است. توجه به کاهش ضایعات کالای فاسدشدنی و به خصوص مواد غذایی، مساله‌ای بین‌المللی است. بر اساس آمار سازمان خواروبار جهانی مقدار ضایعات مواد غذایی در کشورهای آمریکای لاتین به ۳۳ درصد و در آفریقا به ۴۰ درصد بالغ می‌شود [۱]. در ایران نیز به طور متوسط ۳۵ درصد از محصولات کشاورزی در زنجیره تولید- توزیع ضایع می‌شود که این، خود غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور است

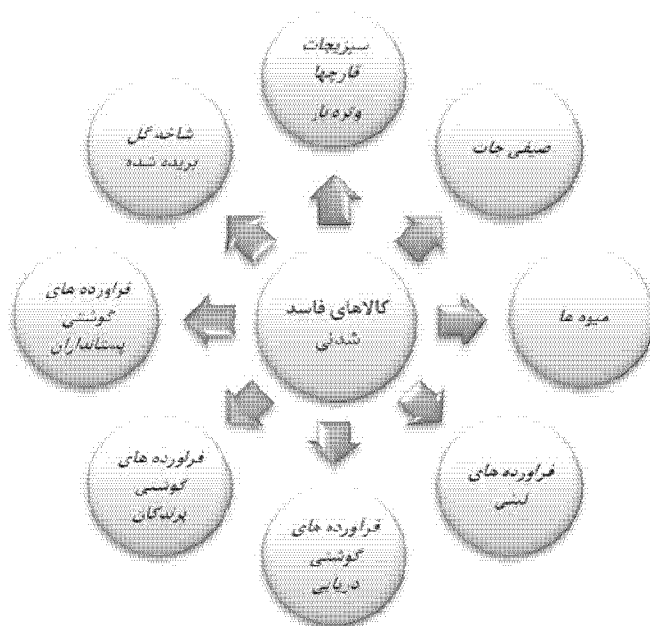
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۹۴

شکل ۱. دسته‌بندی کالاهای فاسدشدنی با توجه به توجه به تقاضای

حمل در جاده‌های کشور؛ ماخذ: نگارندگان.



این مطالعه با توجه به خصوصیت کالای فاسدشدنی، از دیدگاه عرضه به موضوع پرداخته شده است. از آنجایی که فروش نرفتن کالای فاسدشدنی به معنی از بین رفتن هزینه‌های تولید، برای تولیدکننده است، عرضه‌کننده کالای فاسدشدنی نمی‌تواند میزان تقاضا را به طور قطعی برای خود فرض کند. چون این فرض، فرض بسیار پرهزینه‌ای در دنیای واقعی است. عرضه‌کنندگان این محصولات با نگرش تصادفی از وضعیت تابع چگالی احتمال میزان تقاضا در قیمت‌های مختلف را در نظر می‌گیرند و بر پایه این میزان تقاضای انتظاری و بر اساس اصل حداکثر کردن سود، به تعیین میزان تولید می‌پردازند. مثالهایی از حل بهینه عرضه کالای فاسدشدنی بر اساس توابع احتمالی معروفی مانند توابع توزیع تقاضای پارتو و ویبول^۱ ارائه شده است. این مدل مستقل، با افزودن واکنش و به هم وابستگی عرضه‌کنندگان رقیب توسعه یافته است. از این چارچوب مفهومی در این تحقیق برای تحلیل بازار فلفل سبز در شهر ریودوژانیرو استفاده شده است [۳]. در مطالعه دیگری در کشور آمریکا، به تعیین نرخ هفتگی حمل کالاهای فاسد شدنی در کوتاه مدت پرداخته شده است. برای این منظور از تعامل عرضه و تقاضا در بازار رقابتی کامل استفاده شده است. در مدلسازی طرف تقاضا، قیمت تابعی از هزینه‌های ناشی از تاخیر در حمل و مقدار حمل است. هزینه‌ها ناشی از تاخیر به وسیله تفاوت بین قیمت‌های خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و هزینه‌های انبارداری مشخص شده است. برای این منظور از روش اقتصادسنجی استفاده شده است [۴].

برودی و همکارانش^۲ در کشور نیوزلند به بررسی تقاضای شیر به عنوان یک کالای فاسدشدنی پرداخته‌اند. در این تحقیق با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی به بررسی عوامل موثر و بررسی کشش قیمتی بر تقاضای شیر پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که، متغیرهایی چون قیمت، درآمد، هرم سنی جمعیت و فصل و به خصوص الگوی مصرف در دوره‌های بر این تقاضا موثرند. کشش قیمت ۰،۰۶۶- نشان می‌دهد که بازار در قبال قیمت بسیار غیرمنعطف می‌باشد و به عبارت

دیگر در قبال تغییرات قیمت واکنشی از خود نشان نمی‌دهد [۵].

در ایران نیز تحقیقات مختلفی در خصوص حمل و نقل کالاهای مختلف انجام گرفته است. اما در زمینه حمل مواد فاسد شدنی مطالعات کمتری انجام گرفته است. در مطالعه‌ای سعادت اختر، بازاریابی محصولات دریایی و آرایه‌الگوی مناسب حمل و نقل و توزیع را انجام داده که به طور بسیار مختصر به مقوله حمل کالاهای فاسدشدنی دریایی اشاره کرده است [۶]. از سوی دیگر پلیس راهنمایی و رانندگی نیز در مطالعات مختلف در سطح جاده‌های کشور به بررسی شرایط حمل کالاهای مختلف از جمله کالاهای فاسد شدنی پرداخته است اما، تمرکز آن بر روی بحث تخلفات و جرایم در حمل این گروه از کالاها متمرکز بوده است. به عنوان مثال در طرح بررسی و تحلیل علت اجرای تخلف رانندگی و عدول از قوانین توسط استفاده‌کنندگان از وسایل حمل و نقل با بررسی بحثهایی در خصوص دلایل اضافه بار در کامیونهای یخچال دار مطرح کرده است که به نوبه خود در شناسایی کیفیت تقاضا از این زیرگروه موثر است. به هر حال، مطالعات مشخصی در خصوص برآورد تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی وجود ندارد. اما در مقابل مطالعاتی در خصوص برآورد تقاضای حمل و نقل به طور عام و یا شرایط نگهداری کالاهای فاسد شدنی وجود دارد [۷].

در این مقاله با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی به برآورد تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی در جاده‌های کشور به تفکیک استان‌ها پرداخته شده است. عمده‌ترین شیوه حمل کالا در داخل کشور، جاده‌ای است. از آنجا که سری زمانی اطلاعات برای برآورد مدل‌ها کم می‌باشد، از داده‌های تابلیوی برای این منظور استفاده شده است. در ادامه ابتدا به موضوع روش‌های مختلف بررسی تقاضای حمل پرداخته شده است؛ سپس مدل اقتصادسنجی مورد نظر برای برآورد تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی ارائه شده؛ در قسمت بعد بر اساس این مدل و داده‌های کشور ایران برآوردی از تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی و عوامل موثر بر آن صورت

1. Pareto and weibull distribution functions

2. Brodie

پرداخته شده و در قسمت آخر نیز نتیجه گیری از بحث ارایه شده است.

بررسی روش های برآورد تقاضای حمل و نقل

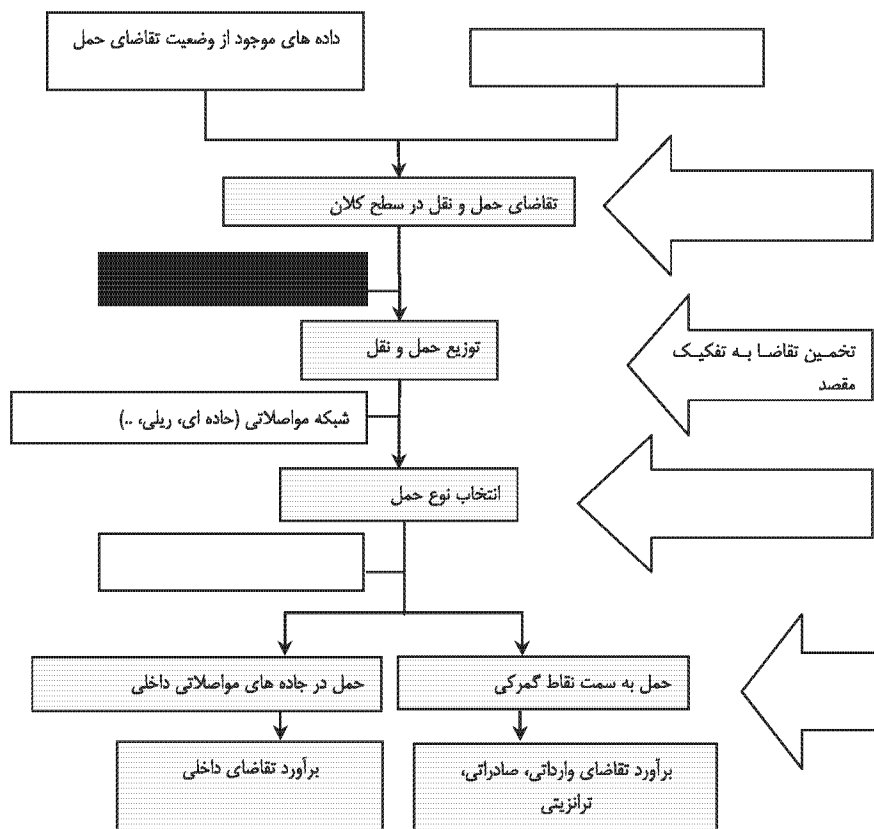
به طور کل مدل های پیش بینی تقاضای حمل یک بیان ریاضی از سیستم حمل و نقل می باشد که در صورت تفصیلی آن، مراحل ارایه شده در شکل ۲ را برای پاسخگویی به تقاضای حمل و نقل می پیماید. البته بسته به سطح دسترسی به داده ها و هدف مدلسازی، میزان تفصیل و جزئیات برآوردها در مطالعات مختلف برآورد تقاضای حمل و نقل متفاوت است. به طور کل چهار لایه برای برآورد تقاضای حمل و نقل وجود دارد که با توجه به هدف پژوهش، متد مدلسازی برآورد تقاضا تا سطحی از این لایه ها می تواند توسعه یابد.

لایه اول، لایه ای است که میزان تقاضای حمل را بر اساس داده های اقتصادی- اجتماعی و داده هایی از روند تاریخی تقاضای حمل و نقل برآورد می کند. برآورد

در لایه دوم، داده هایی که چگونگی توزیع این تقاضای حمل را در میان مناطق جغرافیایی نشان می دهند، نیز به کار گرفته می شوند و تقاضای حمل به تفکیک مناطق خاص که مراکز تولید یا مصرف یا به عبارت دیگری مبداء و مقصد حمل می باشد، برآورد می گردد. اصولاً داده های مبداء و مقصد علاوه بر داده های اقتصادی- اجتماعی در این خصوص به کار گرفته می شوند.

سومین لایه علاوه بر توزیع جغرافیایی حمل و نقل، روش حمل بین هر مبداء و مقصد را نیز تفکیک می نماید. اطلاعات چگونگی پوشش جغرافیایی شبکه حمل و نقل اعم از ریلی، جاده ای، خط لوله، هوایی و آبی، علاوه بر اطلاعات دو لایه فوق در برآورد تقاضای حمل و

شکل ۲. شمای کلی مراحل مدلسازی برای برآورد تفصیلی تقاضای حمل و نقل؛ ماخذ: نگارندگان.



نقل به کار گرفته می شود.

در نهایت در لایه چهارم برآورد تقاضای حمل و نقل، علاوه بر اینکه تقاضا به تفکیک مد حمل و نقل که در لایه سوم مورد اشاره قرار گرفت ارایه می گردد، میزان تقاضا در هر مسیر نیز تفکیک می گردد. به عبارت دیگر میزان تقاضای حمل در هر مد حمل و بین هر مبداء و مقصد به خطوط و مسیرهای حمل و نقل تفکیک می گردد. مدل‌های تقاضایی که به برآورد تقاضای حمل و نقل در این مقیاس می پردازند مدل‌های بسیار بزرگ و متکی بر پایگاه داده های گسترده ای هستند که بر اساس نظام جمع آوری مکانیزه داده ها روزآمد می گردند.

در این مقاله مدل تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی تا سطح لایه دوم توسعه می یابد. مدلی که به این ترتیب طراحی می شود برای پیش بینی تقاضای آتی حمل می تواند مورد استفاده قرار گیرد. البته از آنجاییکه مدل های برآورد تقاضای حمل و نقل به ناچار، متکی به داده های گذشته است و از سوی دیگر حوزه تقاضای حمل و نقل به دلیل تغییرات دائم در تکنولوژی تولید و تغییر سلیقه مصرف کنندگان از یک سو و تغییرات دائم تکنولوژی حمل از سوی دیگر در معرض تغییرات دائم قرار دارد، باید پیش از استفاده از برآورد های مدل های تقاضای حمل و نقل برای سیاستگذاری، به مسایل و رویدادهایی که امکان ورود آن به مدل نبوده است، توجه نمود. اگر این رویدادها تاثیرگذاری معنی داری در نتایج مدل داشته باشد و از سوی دیگر امکان ورود آن ها به شکل سیستماتیک به مدل وجود نداشته باشد، باید استنتاج های کارشناسانه را در کنار نتایج مدل ها قرار داد تا احتمال بروز تخمین های نادرست برای سیاستگذاری به کمترین میزان ممکن کاهش یابد. در حوزه حمل بار استفاده از خدمات حمل و نقل به خودی خود مورد تقاضا قرار نمی گیرد. در واقع تقاضا برای تولید و یا مصرف کالاها باعث شکل گیری تقاضا برای حمل می گردد. بنابراین تئوری های مرتبط با تقاضای مشتق شده^۱ برای برآورد تقاضای حمل و نقل کاربرد دارد.

نئوکلاسیکی است. اگر $x^T = (x_1, x_2, \dots, x_N)$ برداری از N نهاده باشد که در تولید یک ستانده q استفاده می شوند (یکی از نهاده ها حمل مواد مورد نیاز برای تولید است). تابع تولیدی که این رابطه تکنولوژیکی در این فرآیند را نشان می دهد به صورت $q = f(x)$ خواهد بود. هر نهاده ای قیمت یا نرخ اجاره مخصوص به خود دارد که برای بنگاه به شکل یک پارامتر است.

بردار قیمت نهاده ها به صورت $p^T = (p^1, p^2, \dots, p^N)$ است. در نهایت قیمت محصول نیز که با V نشان داده می شود نیز یک متغیر پارامتریک برای بنگاه است. با داده شده فرض نمودن مجموعه قیمت داده ها و محصول آنگاه مساله حداکثر سازی تولید کننده به صورت $\max_x \{v f(x) - p^T x\}$ خواهد بود. شرط مرتبه اول حداکثر سازی رابطه فوق (که می گوید بنگاه نهاده x را به گونه ای به کار می گیرد که قیمت آن با ارزش تولید نهایی آن برابر باشد) را می توان برای بدست آوردن x_1^* حل نمود. اگر تابع تولید مقعر باشد برقراری شرط مرتبه اول برای اطمینان از اینکه تابع سود به حداکثر رسیده است، کفایت می کند.

در حقیقت، اکثر مطالعات در خصوص تقاضای حمل نقل به طور عام اعم از حمل کالای فاسدشدنی و غیرفاسدشدنی، به طور مستقیم بر روی تابع تولید متمرکز نمی باشند. راه قدرتمندتر و در عین حال ساده تری بر اساس تئوری دوگان وجود دارد. تقاضای نهاده ها و تمامی اطلاعات تکنیکی که در تابع تولید وجود دارد، با روش های مختلفی قابل دستیابی است و تمامی این روش ها با رفتار بهینه یابی که پیش از این تشریح شد، سازگار است.

یک روش جایگزین که به جای استفاده از تابع تولید مورد استفاده قرار می گیرد، استفاده از تابع هزینه است که حداقل هزینه به ازای هر میزان تولید را نشان می دهد. اگر TC تابع هزینه کل نامیده شود رابطه آن به صورت رابطه شماره ۱ خواهد بود.

$$TC = C(p, q) = \min_x \{p^T x : f(x) \geq q\} \quad (1)$$

اگر f تابعی پیوسته باشد به تبع آن C نیز نسبت به

زیربنای تئوری تقاضای مشتق شده تابع تولید

P و نسبت به q پیوسته، مثبت، غیرکاهنده نسبت به p و فزاینده نسبت به q و همچنین همگن خطی مثبت و مقعر نسبت به p در یک سطح مشخص از q خواهد بود. به طور معکوس اگر تابع هزینه این ویژگیها را داشته باشد آنگاه تابع تولیدی وجود دارد که دوال تابع هزینه باشد. از دید عملی و تجربی تابع هزینه امتیازهای متعددی نسبت به تابع تولید دارد. اول اینکه با حداقل سازی تابع هزینه برخلاف حداکثر سازی تابع سود مقدار تولید برونزا است. از آنجایی که در فرمول فوق تنها حداقل سازی هزینه فرض شده است که فرض ضعیف تری در مقابل حداکثر سازی سود است. بنابراین نگرش تابع هزینه برای برآورد تابع تقاضای نهاده ها برای بنگاه هایی که مورد اعمال مقررات و قوانین قرار می گیرند، روش مناسب تری است. در حوزه حمل و نقل نیز این مداخلات وجود دارد، مانند مداخلات دولت در قیمت گذاری کرایه حمل. اما مهمترین مزیت تابع هزینه به استفاده از لم سفارد^۱ (۱۹۵۳) در برآورد تابع تقاضا باز می گردد. در این قضیه، مقدار بهینه تقاضا برای نهاده نام به صورت رابطه شماره ۲ محاسبه می شود.

$$x_i^* = \frac{\partial C(p, q)}{\partial p_i} = X_i^*(p, q) \quad (2)$$

بدست آوردن تابع تقاضا از معادله فوق به طور کل بسیار ساده تر از حل معادله حداکثرسازی سود است. راه معادل دیگر مدلسازی ایجاد تابع هزینه متغیر یا مقید است. فرض کنید که برخی از زیرمجموعه های نهاده X^V متغیر هستند و باقی ورودیها نهاده های ثابتی X^F حداقل در کوتاه مدت باشند. تابع هزینه مقید حداقل هزینه متغیری را نشان می دهد که بنگاه می تواند با توجه به بردار قیمت نهاده های متغیر p^V و میزان نهاده ثابت X^F برای هر سطحی از تولید به دست آورد.

$$c(p^V, x^F, q) = \min_x \{p^{VT} x^V : q = f(x)\} \quad (3)$$

در چنین شرایطی لم سفارد می تواند مجدد به کار گرفته شود تا مقدار بهینه ورودیهای متغیر X^V را برای

متغیرهای ثابت حاصل نماید.

$$x_i^{V*} = \frac{\partial C(p^V, x^F, q)}{\partial p_i^V} \quad (4)$$

به این ترتیب ملاحظه می گردد بر اساس مبانی تئوریک حضور قیمت کالا و بردار قیمت سایر کالاها و محصول در تابع تقاضا برای یک نهاده تولید کفایت می کند. البته معمولاً در محاسبات تجربی ساختار معادلات در راستای هدف برآورد تغییراتی داده می شود که در این مقاله نیز تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی بر همین اساس دارای متغیرهای توضیحی دیگری به غیر از تولید و قیمت حمل خواهد شد که در بخشهای بعدی ارایه می شود.

تصریح مدل تقاضای کالای فاسد شدنی

در برآورد تقاضا برای حمل کالاهای فاسدشدنی در جاده های کشور باید در نظر داشت که این تقاضا بین مبادی و مقاصد متعدد در کشور صورت می گیرد. بدیهی است به همین دلیل برآورد معادله تقاضا به صورت کل تقاضای حمل و نقل نتیجه مطلوبی حاصل نخواهد کرد. به همین دلیل با بررسی داده های موجود در خصوص حمل و نقل کالاها در جاده های کشور استفاده از روش پانل یا داده های تابلویی انتخاب شده است. در این روش در واقع خروجی برازش وضعیت تقاضای حمل و نقل بین مبادی و مقاصد متعدد را میسر می کند. برای اینکه مدل از نظر آماری قابل تخمین باشد مقطع داده ها برای ۳۰ استان کشور در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر پس از برازش می توان، ۳۰ معادله تقاضا که نشان دهنده تابع تقاضا جابه جایی کالای فاسدشدنی بین ۳۰ استان کشور است را بدست آورد.

$$q_1^d = f(x_i) \quad i \in \{1, 2, 3, \dots, n\}$$

$$q_2^d = f(x_i) \quad i \in \{1, 2, 3, \dots, n\}$$

...

...

$$q_{30}^d = f(x_i) \quad i \in \{1, 2, 3, \dots, n\}$$

$$Q = \sum_{i=1}^{30} q_i$$

Correlated Random Effects - Hausman Test

Pool: POOL01

Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	77.442336	7	0.0000

Cross-section random effects test comparisons:

Variable	Fixed	Random	Var(Diff.)	Prob.
POP?	71.491246	-2.892301	223.728108	0.0000
GDPR?	17.895073	44.785318	80.138786	0.0027
MIP?	162891.5...	163055.73...	177302488...	0.9969
MP?	-1117939....	-1419772.8...	105934772...	0.3537
DUM?	2276804....	1226552.9...	129266561...	0.7702
FARE?	-5157.336...	6172.405871	24357745....	0.0217
BGP?	11261.95...	61063.821...	603926025...	0.0427

در تحلیل های صورت گرفته تفاوت در بین استانها تنها در عرض از مبداء بوده است، با حذف متغیرهای مجازی مرتبط به استانها امکان رسیدن به مدل میانگینی که تابع تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی در جاده های

کشور را به طور کل نشان می دهد میسر می شود. مدل نهایی که پس از انجام آزمونهای آماری مختلف مبنای پیش بینی تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی در جاده های کشور شد، به شرح زیر است. (۶)

$$TK^d = f(FARER, MIP, MP, BP, POP, GDPR)$$

که در آن:

کرایه حمل واقعی هر تن کیلومتر (FARER) به ریال

میزان تولید شیر (MIP) به تن

میزان تولید گوشت (MP) به هزار تن

میزان تولید مرغ و تخم مرغ (BP) به هزار تن

مقدار تن کیلومتر حمل به مقصد استان (TK_t^d)

جمعیت (POP) به نفر

تولید ناخالص داخلی واقعی (GDPR) به میلیارد ریال

آزمون آن است که برآورد کننده های اثرات ثابت و تصادفی اساسا اختلافی ندارند در این صورت اگر فرضیه صفر رد شود، نتیجه آن است که روش اثرات تصادفی درست نیست.

برای برآورد تابع تقاضا، تن کیلومتر طی شده کالا با کامیون یخچالدار به مقصد استان به عنوان متغیر وابسته و میانگین کرایه هر تن-کیلومتر بارگیر یخچالدار، مقدار تولید گوشت قرمز، تولید گوشت مرغ و تخم مرغ، تولید شیر، تولید صیفی و سبزیجات، جمعیت، تولید ناخالص داخلی به تفکیک استان به عنوان متغیرهای مستقل و یک متغیر مجازی برای سال تفکیک استان خراسان به سه استان مجزا، وارد مدل شدند. پس از جمع آوری، دسته بندی و پالایش اطلاعات حمل کالاهای فاسدشدنی و به خصوص بررسی آمار عرضه کالاهای فاسدشدنی، زمینه برای برازش توابع تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی مهیا شده است. همانطور که اشاره شد تکنیک برازش بر اساس داده های تابلویی روشی است که برای برازش توابع تقاضا به کار گرفته می شود. از آنجاییکه



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۰۰

$$TK = \alpha_0 - 166447174.1 + 78.07141909 * POP + 18.49300318 * GDPR + 91738.87407 * MIP - 604016.0101 * MP - 81006.32222 * BP - 309381.227 * FARER$$

Dependent Variable: TK?
 Method: Pooled EGLS (Cross-section weights)
 Date: ۰۲/۲۹/۱۰ Time: ۰۰:۰۹
 Sample: ۱۳۸۰ ۱۳۸۸
 Included observations: ۷
 Cross-sections included: ۳۰
 Total pool (unbalanced) observations: ۱۹۹
 Linear estimation after one-step weighting matrix

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-۱.۶۶E+۰۸	۱۸۵۷۶۴۲۷	-۸.۹۶۰۱۲۸	۰.۰۰۰۰
POP?	۷۸.۵۷۱۴۲	۸.۶۱۲۲۷۵	۹.۱۲۳۱۹۰	۰.۰۰۰۰
GDPR?	۱۸.۴۹۳۰۰	۵.۰۶۷۷۷۱	۳.۶۴۹۱۴۰	۰.۰۰۰۴
MIP?	۹۱۷۳۸.۸۷	۲۱۸۵۵.۳۴	۴.۱۹۷۵۵۰	۰.۰۰۰۰
MP?	-۶۰.۴۵۱۶۵	۲۷۸۳۵۳.۹	-۲.۱۷۱۷۵۵	۰.۰۳۱۳
BP?	-۸۱۰۰۶.۳۲	۳۰۸۹۷.۸۸	-۲.۶۲۱۷۴۳	۰.۰۰۹۶
FARER?	-۳۰.۹۳۸۶.۳	۲۷۲۱۸۰.۷	-۱.۱۳۶۶۹۴	۰.۲۵۷۳
DUM?	۱۶۴۳۴۶۶.	۴۶۵۸۶۲.۴	۳.۵۲۷۷۹۲	۰.۰۰۰۵



فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۷ زمستان ۹۳
 No.37 Winter 2015

۱۰۱

به ازای هر تن افزایش تولید شیر در استان ۹۱۷۳۸/۸ تن کیلومتر به تقاضای حمل کالاهای فاسدشدنی به مقصد استان با فرض ثبات سایر شرایط افزوده می شود. می توان بیان داشته که، معمولاً کارخانجات فرآوری شیر در نزدیکی مراکز تولید شیر قرار دارد و با توجه به ظرفیت های بالای این کارخانجات تولیدات سایر مناطق نیز که پتانسیل تولید محدود تری دارند به سمت این مراکز روانه می شوند. بنابراین تقاضای حمل کالاهای فاسد شدنی به مقصد استان افزایش می یابد.

به ازای هر هزار تن افزایش در تولید گوشت مقدار حمل کالاهای فاسدشدنی به مقصد استان به اندازه ۶۰۴۵۱۶/۵ تن کیلومتر با فرض ثبات سایر شرایط کاهش می یابد. دلیل این مساله این است که استانی که تولید کننده گوشت است عملاً نیاز به واردات گوشت به استان کاهش می یابد.

به ازای هر هزار تن افزایش تولید گوشت مرغ و تخم مرغ در استان با فرض ثبات سایر شرایط، ۸۱۰۰۶/۳ تن کیلومتر از نیاز به حمل کالاهای فاسد شدنی به مقصد استان کاسته می شود. در این مورد نیز خودکفا

معادله نهایی برآوردی نیز به صورت زیر است: که متغیر α_5 در آن عرض از میانه مدل است که بر حسب هر استان متغیر خواهد بود. جدول زیر نتیجه تخمین را که در بالا به طور خلاصه ارایه شده است نشان می دهد.

نتیجه گیری و جمع بندی

در این مقاله به منظور پیش بینی میزان تقاضای حمل برای کالاهای فاسدشدنی در جاده های کشور، مدل اقتصاد سنجی با استفاده از داده های تابلویی برازش داده شده است. نتایج استخراج شده از مدل حاکی از آن است که:

به ازای افزایش هر نفر به جمعیت استان، ۷۸.۵ تن کیلومتر به تقاضای سالانه حمل کالاهای فاسدشدنی در جاده های استان با فرض ثبات سایر شرایط افزوده می شود.

افزایش در تولید ناخالص داخلی واقعی استان، ۱۸.۴۹ تن کیلومتر تقاضا برای حمل و نقل کالاهای فاسدشدنی در جاده های منتهی به استان با فرض ثبات سایر شرایط افزایش می یابد.

Economics Research Unit, Lincoln College.

۶. اختر، ع.س. (۱۳۷۲) بازاریابی محصولات دریایی و ارائه الگوی مناسب حمل و نقل و توزیع، کشاورزی. تربیت مدرس.

۷. جید، ه.ق.ز. (۱۳۸۵) برآورد تابع تقاضای حمل و نقل جاده‌ای کشور ایران، اقتصاد. ۱۳۸۵، شهید بهشتی.

۸. بیشون، ژ.د.ج. (۱۳۷۴) تفکر سیستمی. ۱۳۷۴: پیشبرد.

شدن استان از واردات گوشت مرغ و تخم مرغ و عدم ضرورت حمل درون استانی به استفاده از ناوگان حمل و نقل یخچالی جاده ای دلیل علامت منفی ضریب این متغیر است.

به ازای هر ریال افزایش در کرایه واقعی تن کیلومتر حمل ناوگان یخچالی به مقصد استان $309386/3$ تن کیلومتر از تقاضای حمل توسط ناوگان یخچالدار کاهش می یابد.

با توجه به نتایج مدل امکان پیش بینی میزان تقاضای بر اساس سناریوهای مختلف، میسر می شود و می توان نسبت به تهیه امکانات و تجهیزات مورد نیاز حمل یخچالی نیز برنامه ریزی لازم را انجام داد. بدیهی است استفاده از تجهیزات خاص نیز زمانی امکان پذیر است که استانداردهای لازم برای حمل وجود داشته باشد. در واقع تعیین تجهیزات و تاسیسات حمل پس از تعریف استانداردها معنی می یابد. باید اشاره کرد که یک مرحله دیگر نیز پیش از تعریف استاندارد وجود دارد و آن این است که کیفیت کالا برای مصرف کننده اهمیت داشته باشد. منظور از اهمیت کیفیت برای مصرف کننده، تنها اهمیت ذهنی نیست و منظور این است که متقاضی حاضر به پرداخت هزینه هایی که در زنجیره سرد برای حفظ کیفیت کالا می شود، باشد.

منابع و مآخذ

۱. زمردی، ع. (۱۳۷۰) بهداشت گیاهان و فراوردهای کشاورزی، تهران، نشر الف.

۲. کلاتری، ع. (۱۳۷۳) امنیت غذایی - امنیت جهانی و ملی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه.

3. boff, H.p., the supply of perishable goods, in ANPEC. 2001: XXIXth Meeting of the Brazilian Economic Society.

4. Agreement on the international carriage of perishable foodstuffs and on the special equipment to be used for such carriage. 2007, International institute of refrigeration, international organization for the development of refrigeration.

5. R.J. Brodie, R.G.M., J.D. Gough, The Demand For Milk: An Econometric Analysis Of The New Zealand Market. 1984, Agricultural

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۰۲

تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های روستایی

محسن ساردوئی* - مربی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران.

چکیده

«فضای باز» از حیث وجودی عنصری مهم و از حیث ماهیتی، موضوعی پیچیده است. فضای باز و نسبت آن با فضای بسته، اگر چه ممکن است از نظر متکلمین به زبان دیگر در اقلیم‌های مختلف یگانه باشد، ولی با نگاهی عمیق‌تر تفاوت‌هایی بنیادی را می‌توان دریافت. عدم توجه به این تفاوتها از یکسو و از سوی دیگر تفاوت‌های بنیادی و ساختاری مجموعه آنها با مقولات برنامه‌ریزی معماری روستایی بسیار مهم بوده و می‌تواند به استحاله پارادیم‌های مرتبط با زندگی روستایی و شیوه معیشت آنان منجر شود. نتایج حاصل از این تحقیق، بیانگر جامعیت بیشتر مفاهیم و رویکردهای «برنامه‌ریزی-مدیریتی» و سپس «حفاظتی-زیست محیطی» در فضاهای باز سکونتگاه‌های روستایی است که اغلب از محدوده فضاهای داخلی فراتر رفته و نواحی حومه‌ای را نیز شامل می‌شود. در روستاها می‌توان شاهد کارکرد گسترده‌تر فضای باز بود که در برخی مواقع از لحاظ اهمیت دارای نقشی نزدیک به فضای بسته می‌باشد. به همین دلیل در بسیاری از مواقع فرایند آرگانیک شکل‌گیری این دو تیپ فضا به شکلی لاینفک درهم آمیخته و نمی‌توان هیچ کدام از آنها را دارای سیطره دانست. در هر حال، روشها، مدلها و تاثیرات هر یک از شیوه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی در رویکردهای تبیین‌کننده جایگاه فضاهای باز بر تامين سه نقش کلیدی فضاهای باز؛ «نقشهای اقلیمی-محیطی و سلامتی-بهداشتی»؛ و مهمتر از همه «نقش حفاظت‌کنندگی» تاکید دارند؛ چنانچه تبیین‌کننده نقش و جایگاه فضاهای باز در سکونتگاه‌های روستایی بوده و با توجه به استحاله‌های فرهنگی در روستاها، از اولویتهای معاصر در حوزه برنامه‌ریزی معماری و طراحی فضاهای روستایی بشمار می‌رود. همچنین پیشنهاد می‌شود تا موارد زیر در حوزه برنامه‌ریزی فضاهای باز سکونتگاه‌های روستایی مورد التفات قرار گیرد: ضرورت شکل‌دهی سازماندهی اجتماعی فضا خاصه در فضاهای باز روستایی؛ ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری سکونتگاه‌های روستایی؛ ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت و اجرا در مناطق روستایی؛ شناسایی کارکرد مفهوم فضای باز در قومیتها و مقوله بومی‌گرایی در طراحی روستا؛ التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد در مقوله جایگاه و نقش فضاهای باز روستایی و مفاهیم وابسته و پیوسته. **واژگان کلیدی:** فضاهای باز عمومی، سکونتگاه‌های روستایی، رویکردهای مداخله در بافت و فضا، رویکرد تحلیلی.

Genealogy approaches to explaining the role of public open spaces in rural settlements

Abstract

Outdoor in terms of major element of nature as something complicated. Open space and its relation to the environment, although the exact language is unique in different climates; But a deeper look at the fundamental differences can be found. Lack of attention to these fundamental differences and structural differences on the one hand and the other with issues of rural architecture planning is very important. The results of this study indicate a more comprehensive concepts and approaches Planning Manager and Safety - Environment in the open spaces of rural settlements is often beyond the scope of internal spaces. In the village you can see more outdoor function that has a role in some cases of importance is nearly closed space. That is why in many cases the organic process of the formation of these two types of space and can be mixed to form an integral knew none of them have dominion. However, methods, models and effects of each of the management practices and planning approaches to explain the status of open spaces on three roles provide key open spaces roles climate - environment and health - health and above all the role of conservationists' emphasis. It is proposed to include in the planning of open spaces under consideration are rural settlements: Necessary form of social organization of space, especially in rural open spaces, architectural design rules and guidelines rural settlements; Standards and guidelines development and implementation in rural areas.

Keywords: public open spaces, rural settlements, and space in the context of intervention approaches, analytical approach.

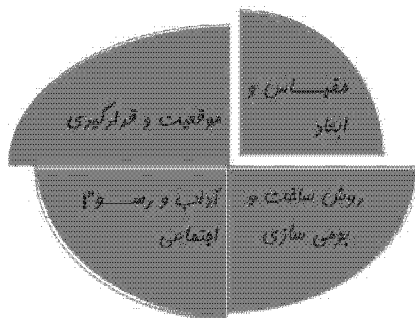
مقدمه

حتی میزان اجتماع پذیری و آداب و رسوم زندگی در مناطق روستایی نیز نشان از این تحولات دوران مدرن و پسامدرن دارد؛ چنانچه مطابق با همه جای دنیا و مناطق روستایی ایران در حال حاضر، شناخت تأثیرات مدرنیته و فرایندهایش بر الگوهای سکونت و فرهنگ معماری در تمام جوامع بخصوص کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده و دشوار شده است؛ زیرا در نتیجه تحولات مدرن و گسترده فرایندهای ارتباطی بین ملت‌ها و ادغام و اشاعه فرهنگها در یکدیگر، دیگر فرهنگ آن کلیت منسجم و یکپارچه‌ای نیست که انسان شناسان در قبایل و اقوام کوچک سنتی و روستایی مشاهده و مطالعه می‌کردند. در این راستا، در این مقاله به مفهوم جایگاه و نقش فضاهای باز در سکونتگاه‌های روستایی و رویکردهای برنامه ریزی آنها در معماری روستاها پرداخته می‌شود.

(۲) مواد و روشها

روشهای مورد نظر در این تحقیق عبارتند از: (۱-۲) روش توصیفی و تحلیلی: در مرحله ادبیات و مبانی نظری با ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی؛

(۲-۲) روش تحلیل ساختاری: مهمترین روش در این رساله روش تحلیل ساختاری است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و قراگیری در سایت و روش ساخت و آداب اجتماعی مربوط به آن را نیز شامل می‌شود. تحلیل آثار در واقع تحلیل ساختاری با استفاده از روش زبان‌شناسی ساختاری است. بدین ترتیب در چارچوب



نمودار ۱. مدل مفهومی تحلیل ساختاری معماری سکونتگاه‌های روستایی؛ ماخذ: ترسیم‌نگارنده بر اساس نظریات ساسور و لوی استراوس.

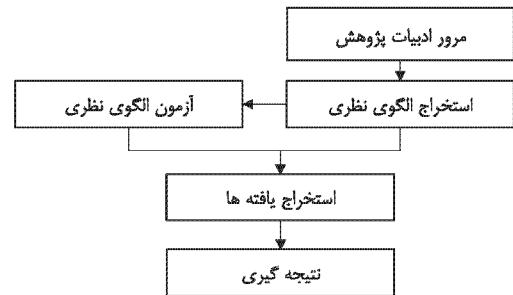
یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابطه‌ای متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است؛ چه این کالبد در سکونتگاه‌های شهری باشد و چه در مناطق جغرافیایی روستایی قرار گیرد، برای نیل به این هدف، خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند؛ به نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند (Waxman, 2004). فضای باز موضوعی مهم در طراحی شهری، معماری و معماری منظر است. بار مفهومی فضای باز متنوع و معانی آن متعدد است. فضای باز از یک سو می‌تواند شامل مناطق حفاظت شده زراعی یا جنگلها، تسهیلات حفاظتی، زیستگاه‌های حیات وحش، نواحی حائلی آبراهه‌ها، پارکهای محلی و منطقه‌ای و حتی زمینهای گلف و بازی باشد که هر یک بواسطه اندازه، میزان تصرف (دائمی یا موقت)، میزان دسترسی عمومی و جایگاه آنها در ساختار فضایی از یکدیگر متمایز می‌شوند (klaiber & Phaneuf, 2010). و از سوی دیگر فضاهای باز که در مقابل فضاهای بسته، فضاهای ساخته شده و یا فضاهای مصنوعی مانند نواحی مسکونی، صنعتی، تجاری و زیرساختهای مربوطه تعریف می‌شوند، می‌تواند شامل پارکها، میادین، خیابانها و فضاهای باز نواحی مسکونی باشد. اهمیت فضاهای باز در محیط پیرامون بشر و ارتقاء کیفیت زندگی، هر روز بیشتر از گذشته درک می‌گردد. امروزه در بسیاری از کشورها فضاهای باز به عنوان یکی از بخشهای جدایی‌ناپذیر برنامه ریزی کاربری اراضی دانسته می‌شوند. با این حال رویکردها به برنامه ریزی فضاهای باز متنوع بوده و هیچگونه توافق کلی در زمینه ضوابط مطلوب که مبین میزان فضای باز مورد نیاز، محل قرارگیری فضاهای باز و شیوه استفاده و بهره‌برداری از آنها باشد، وجود ندارد (Maruani & Amit-Cohen, 2007).

از سویی دیگر، تغییرات در همگنی اجتماعی در مناطق روستایی، تجانس و عدم تجانس‌های فرهنگی روستانشینان، مظاهر و نمودهای اخلاقی جدید در روستاها، الگوهای معاشرتی و حلقه‌های اجتماعی و

رویکرد تحلیل ساختاری انجام می شود تا بتوان به معیارهای مورد نظر تحقیق دست یافت.

(۲-۳) مدل مفهومی تحقیق: مدل مفهومی تحقیق حاضر را می توان در قالب نمودار زیر ترسیم کرد.

(۲-۴) ساختار تحقیق: ساختار تحقیق حاضر در قالب نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.



نمودار ۲. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارنده.

(۳) مبانی نظری تحقیق

(۱-۳) فضا و محیط

موضوع تولید، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط های مصنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه ریزان و طراحان شهری قرار دارد. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که این گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روان شناسی مانند (پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کالن: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لوئیس مامفورد: ۱۹۶۱، جین جیکوب: ۱۹۶۱، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، اموس راپاپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ادوارد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسو از: ۱۹۸۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان موننگمری: ۱۹۸۸، یان بنتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است (پارسی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). اما تجربه نشان می دهد به رغم توجه اندیشمندان و تأکیدهای آنان، تلاش برای ایجاد، احیا و تقویت فضای شهری عموماً با موفقیت همراه نبوده و به نظر می رسد می توان به برخی دلایل آن چنین اشاره کرد:

۱. غلبه اصالت شکل در شناخت، تحلیل و طراحی فضای شهری.

۲. رشد یکسوگرانه گرایش های روان شناختی شهری و کم توجهی به بستر اجتماعی.

۳. عدم شناسایی دقیق عوامل اجتماعی مؤثر در محتوا و فرم فضای شهری و ساز و کار آنها.

۴. عدم کفایت تعریف موجود از محتوای فضای شهری.

عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محتوای آن در بررسی های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک»^۱ اثر ویلیام وایت^۲ در ۱۹۸۰، «زندگی در بین ساختمان ها»^۳ اثر جان گهل^۴ در ۱۹۸۷ و «مکان های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری»^۵ اثر کلیر کوپرمارکوس^۶ و کارولین فرانسیس^۷ در ۱۹۸۸ ارجاع می دهند.

فضاهای شهری و روستایی از آن دسته از فضاهای باز عمومی در شهر هستند که بستر فرهنگی «تعاملات اجتماعی» بوده و دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهر می باشند: «عمومی بودن، باز بودن و بستر تعاملات اجتماعی» (پاکزاد، ۱۳۹۰). برای فضای شهری، تعاریف متعددی از جمله فضای زندگی و فعالیت های جمعی و اجتماعی، فضای تعاملات فرهنگی و فضایی با تناسب زیبایی شناسانه ذکر می شود. فضاهای روستایی می توانند به تناسب «فرهنگ و اقلیم»، فضاهایی سرپوشیده و مسقف نیز باشند؛ بنابراین فضای روستایی فضایی عمومی و عام است که دسترسی همگان به آن امکان پذیر بوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف و مکان دسترسی به فضاها و عملکردهای عدیده ای ایفای نقش می کند. طبیعی است که اگرچه می توان برای فضای شهری ویژگی های کالبدی خاصی را تعریف کرد، اما این ویژگی ها، ویژگی های استاندارد نیستند و در جوامع مختلف تمایزات و تفاوت هایی با یکدیگر دارند. «فضای شهری»^۱ پدیده ای سازمان یافته از اطلاعاتی است که در صور مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی

1. The Social Life of Small Urban Spaces
2. William H. Whyte
3. Life Between Buildings
4. Jon Gehl

5. People Places: Design Guidelines for Urban Open Spaces
6. Clare Cooper Marcus
7. Carolyn Francis

می یابد. بستر شکل گیری و ارتقا زندگی اجتماعی یک جامعه که بیانگر فرهنگ و شیوه شهر نشینی یک تمدن می باشد. فضای شهری عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی، در بستری کالبدی، در زمینه ای معنایی و در راستای عملکردهایی مورد نیاز جمعی انسانی. آنچه در شهرهای امروز ما دیده می شود نه فضای شهری که فضاهایی خالی محصول کنار هم قرار گرفتن بناها و تکه های باقی مانده از توده هایی هستند که کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متبادر می کنند. شاید اینگونه باشد که در شهر؛ اول ساختمانها ساخته می شوند و آنچه باقی می ماند، فضای شهری^۱ است. مهمترین ابزار در جهت تقویت جامعه مدنی تقویت عرصه های عمومی است و اما در میان عرصه های عمومی، فضای شهری فضایی است که با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی اش می تواند عرصه مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی ارائه دهد. فضایی که مکان تعاملات اجتماعی، برخوردهای اجتماعی، تبادلات اجتماعی و محملی برای انواع فعالیت هاست (حبیبی، ۱۳۸۰).

در جستجوی «ماهیت شناخت شناسانه فضا» به معنای عام، دو دیدگاه «ذهنی و عینی»، «فلسفی و علمی» و یا «کیفی و کمی» قابل طرح هستند:

۱. دیدگاه اول؛ نگرشی کیفی است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه های زیباشناختی یا روان شناختی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛

۲. دیدگاه دوم، نگرشی کمی است که بیشتر چشم به جنبه های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات عملکردی، فن آوری، اندازه ها و تناسبات و موضوعات این برخورد به شمار می روند. بر همین اساس شهر مقوله ای علمی می گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش گذاری است و به این اعتبار، لازم است به روستاها و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی

نگریسته شود.

از دیدگاه عینی و مادی، فضا بستری است که روابط اجتماعی و حیات مدنی در آن جریان می یابد. روابطی که بر مبنای واقعه ها و حادثه ها شکل می گیرند و حیات مدنی را به حیات واقعه ای تبدیل کرده و سبب می گردند تا خاطره شکل گیرد و ذهن محل انباشت خاطره ها گردد (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۵۴). فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت ها مرتب بر آن نیز محسوب می گردد. «گهل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد:

۱. دسته اول «فعالیت های ضروری^۲» و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت های عمومی و روزمره در این دسته جای می گیرند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد؛

۲. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، «فعالیت های گزینشی و انتخابی^۳» تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند؛

۳. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند، «فعالیت های اجتماعی^۱» هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در برمی گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت ها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. شرایط خاص فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت ها را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در فضاهای شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط

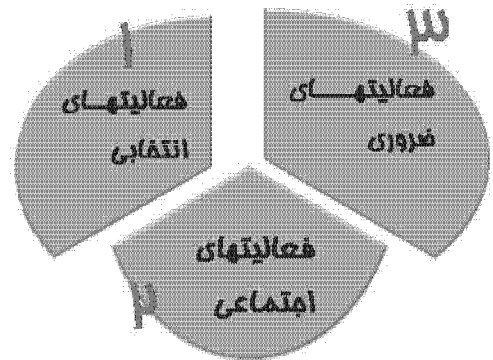
اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیتهای اجتماعی شکل می‌گیرد.^۲

بارزترین این مثال‌ها معماری لپنسکی ویر^۴ یوگوسلاوی است که مربوط به هزاره هفتم پیش از میلاد است. در این منطقه، هم فرم کلی شهر و فرم هم تک‌تک خانه‌ها دوزنقه‌ای شکل است که مبتنی بر حالت خاص دفن امواتشان است.

او این نکته را نیز خاطرنشان می‌سازد که بناهای مختلف مسکونی و غیرمسکونی هم در گذشته از یک مدل پیروی می‌کرده‌اند و بناهای غیرمسکونی شاخص (مانند فضاهای مذهبی) یا مقیاس‌های بزرگتری داشته، یا تزئینات بیشتری و یا در مکان ویژه‌ای واقع می‌شده است. راپاپورت در تاثیرپذیری معماری از فرهنگ تا آنجا پیش می‌رود که رفتار انسان را به نمایشی تشبیه می‌کند، نمایشی که معماری، صحنه آن را برای ایفای بهتر نقش‌ها فراهم می‌سازد. در این نگاه، ساختمان‌ها وسایلی برای تنظیم رفتارهای انسان هستند. به عنوان مثال، خانه مردم تِمَن^۵ در آفریقا با هدف برقراری ارتباط با نیاکان به منظور طلب برکت از آن‌ها ساخته شده و یا بسیاری از بناهای سنتی در واقع نمایشی از صور آسمانی تلقی می‌شده‌اند. بنابراین راپاپورت یک‌بار دیگر بر نقش مذهب به عنوان نظم‌دهنده نظام ذهنی و نظم‌دهنده نظام فضایی تاکید کرده و به نوعی، خاستگاه معماری در جوامع سنتی را در آموزه‌های حاصل از آن می‌داند. در پایان به اختصار به چند نظریه درباره فضا و مولفه‌های فرهنگی دخیل در آن اشاره می‌شود.

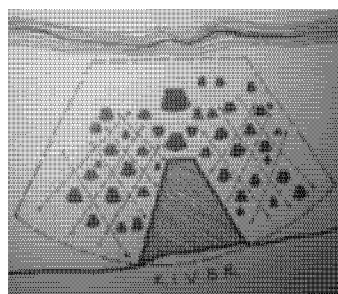
(۲-۳) فضای باز

اصطلاح فضای باز احتمالاً برای نخستین بار در سال ۱۸۳۳ میلادی در انگلستان مورد استفاده بوده است.

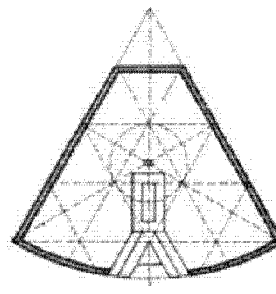


نمودار ۳. انواع فعالیتها در فضا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گهل، ۱۹۸۷.

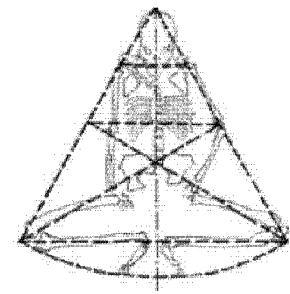
راپاپورت تاکید می‌کند که «هر شیء مصنوعی، هر قدر هم که ساده باشد باید پیش از ساخته شدن، در مقام ایده‌ای وجود داشته باشد. این شیء پس از آن که ساخته شد به ما در یادآوری آن ایده اولیه کمک می‌کند.» بنابراین معماری، تجسد آرمان‌ها و باورهای هر قوم است و آن‌ها را به افراد متذکر می‌شود. در حالت سنتی، این نظم آرمانی را هم در شهر و هم در بناها می‌توان دید چنان‌که به قول آلدو وان ایک^۲ «هر بنا، شهری است کوچک و هر شهر، بنایی بزرگ.» در تایید این نگاه، راپاپورت نیز از چندین مثال عینی یاد می‌کند. یکی از



راپاپورت، ۱۳۶۶ء، ص ۲۸



راپاپورت، ۱۳۸۲ء، ص ۷۶



راپاپورت، ۱۳۸۲ء، ص ۷۶

1. Resultan Activities(Social Activities)

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings

Larice, Michel and Macdonald, Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348-375

- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۲. صص ۴۳-۳۵

3. Aldo Van Eyck

4. Lepenski Vir

5. Temn

جدول ۱. نظریات اندیشمندان در رابطه با فضا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

اندیشمندان	نظریات
لینچ	شهر را مهمتر از مجموعه عناصر کالبدی و دربرگیرنده انسانها، فعالیتها و رفتارهایشان می دانست (لینچ، ۱۳۷۴، ص ۱۰). هیچ عاملی به خودی خود به تجربه در نمی آید مگر آنکه در پیوند با زمینه یا محیط اش دیده شود، تسلسل رخدادهایی که سبب بروز آن گشته شناخته گردد و در رابطه با یادها و تجربه های پیشین باشد.
هالپرین	به نظر می رسد اهمیت کارهای وی به دلیل توجه به تجربه فضایی انسان ها بوده به گونه ای که وی همواره بر نقش مردم و حرکات آنان در پایایی و ماندگاری اشاره دارد و زندگی را وابسته بدان می داند و کالبد اعم از ساختمان های قدیمی و جدید در کنار هم را رشته ای زنجیر وار میان گذشته و حال قلمداد می کند (Halprine, 1963,9-14).
هال	به عقیده وی فضاهایی با نمودهای ثابت (بعد های مادی تعمیم یافته از مالکیت) دارای طرح های درونی و پنهانی که نشأت گرفته از فرهنگ و طرح های فرهنگی می باشند. طرح روستاها، شهرک ها، شهرها و مداخله در حومه اتفافی و تصادفی نبوده بلکه از طرحی که نسبت به زمان و فرهنگ دگرگون است پیروی می کند. (هال، ۱۳۷۶، ۱۴۶)
بیکن	بیکن شهر را بزرگترین دستاورد بشری و حاصل تصمیمات مردم آن می داند (بیکن، ۱۳، ۱۳۷۶). او به منظور اثبات نظریات خود به بررسی شیوه شکل گیری شهرهای قدیمی مثل آتن باستان می پردازد و از نظام های حرکتی سخن به میان می آورد مجاری که کل شهر را به هم پیوند داده و سبب ایجاد یک کل منسجم می گردند (بیکن، ۱۳۷۶، ۳۶-۳۴).
روسی	اهمیت نظریات روسی به دلیل توجه به معماری به عنوان فرآیندی است که گذشته را به آینده پیوند می دهد بنابراین وی شهر را دستاورد ناخودآگاه جمعی و صحنه زندگی، فعالیت ها، رویدادها و عواطف چندین نسل می داند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۳۳۸). او به این واقعیت اشاره دارد که عوامل فرهنگی در شکل گیری ساختار فضا نقش بسزایی را ایفا می نمایند.
راپاپورت	در بسیاری از فرهنگ های سنتی طرح های ذهنی مقدس و معانی از مهمترین ها هستند و فضاها و محیط در آن فرهنگ ها فقط در آن عبارات می توانند فهمیده شوند در فرهنگ های دیگر، سلامت یا بهداشت، اوقات فراغت، انسان گرایی، نوعی از خدا پرستی یا مواردی که با آنها می توان خوب و سالم بود می توانند ارزش هایی باشند که طرح های ذهنی را تبیین می کنند و از این رو در سازماندهی محیط های زیست منعکس شده اند. (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۶۷)
نصر	سخن از سنت، سخن از اصول تبدیل ناپذیری است با منشأ آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلف از زمان و مکان. در عین حال، سخن از تداوم آموزه های خاص و صوری قدسی ست که محمل هائی هستند برای انتقال این آموزه ها به انسان و به فعلیت درآمدن تعالیم سنت در درون انسان. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار) معماری اسلامی، همچون همه انواع معماری سنتی، با کیهان شناسی مأنوس و مرتبط است پس خود انسان است که با کیهان انس و الفت دارد، او عالم صغیر است و همچون عالم کبیر، بازتابنده حقیقتی ماورائی است. همه تشابهات بین انسان و کیهان بیانگر واقعیتی ژرف اند که سطوح مختلف هستی انسان را به سطوح همخوان با هستی کیهان پیوند می زند. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار)
اردلان و بختیار	و بررسی صور نوعی از چند نظر سودمند است. از این راه می توان صاحب فرهنگ نامه ئی از صور ساختمانی شد که راهنمای درک کارهای دیروزیان باشد. آن دُرد تاریخی که پاری از صور به دست می دهند. نمایشگر خاستگاه آنها و حاکی از کاربری ویژه آنهاست؛ و در عین حال مؤید نمادین بودن فطری شان. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۶۷)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۰۸

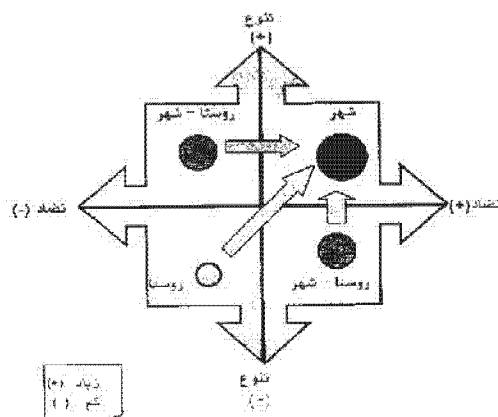
نخستین تعاریف از فضای باز در قرن بیستم حاصل نوعی پنداشت «تهی» از فضا و یا هر آنچه از باقی مانده احجام «پُر» قابل تصور است، می باشد (Simeofori-1993). فضای باز در آن زمان بیشتر در قالب فرم شناخته گردیده تا به عنوان یک عملکرد دانسته شود. بدین ترتیب ناحیه ای ساخته نشده تلقی می شده است. برای بسیاری (مانند: گیدوئن، 1952؛ 1951، CIAM 8) این فضای خالی، محل رویت-پذیری و بهره برداری از شهر است که به آن شکل می دهد و الزاماً نباید یک پارک سبز باشد؛ چراکه به عنوان یک «منظر شهری» در برابر «منظر طبیعی» شناخته شده و پدیده ای انسان ساخت است و نباید با باغهایی که ساختمانها در آن گم می شوند، خلط گردد. شیوه طراحی «فضای مابین اشیاء» که توسط عملکردها، قوانین و معانی انباشته می شود، در آرای بسیاری از نظریه پردازان انتقادی جنبش مدرن مشهود است. کوین لینچ (1963) در تعریفی فضای باز خارجی را فضایی با قابلیت انتخاب آزادانه، محل تحقق فعالیت‌های خودجوش، جنبشها و یا مکان جستجوی بصری تعداد کثیری از مردم شهر می داند (Samadhi & Tantayanusorn, 2006). تعریف لینچ به عنوان یک شهرساز منتقد به دو بعد فرم و عملکرد فضای باز توأمان توجه می کند. فضای باز در این مفهوم به عنوان فضای محصور شده توسط توده های ساختمانی و عناصر طبیعی تعریف می شود که محوطه های بازی را برای زندگی و یا انجام کارهای مشخص و یا نامشخصی مهیا می نماید و تاثیرات مثبت یا غیرمثبتی بر میزان حس مفید بودن و معنا داشتن به محیط یا افراد پیرامون خود می دهد (Germeraad, 1992). در سایر تعاریف فضای باز چه بصورت تلویحی و چه به شکلی صریح توجه به نیازهای فیزیکی و روانشناختی انسانها مورد نظر بوده است. به عنوان مثال، ویلکینسون (1983) فضاهای شهری را دارای شش خصوصیت جامع می داند. شامل: قابلیت گزینش، برانگیزاننده حس تسلط، متعادل و آرام کننده پویایی انسان، قابلیت ایجاد روابط اجتماعی، حس خودشکوفایی و برقراری ارتباط با طبیعت (Samadhi & Tantayanusorn, 2006).

یا کلاوسون عملکردهای فضای باز را شامل شش دسته می داند: تامین نور و تهویه ساختمانها، تامین مناظر بصری شهری، تامین امکانات تفریحی، تامین حفاظت اکولوژیکی، ایجاد ابزار شکل دهی به شهر و ذخیره زمینهای خالی جهت تامین یک یا تعدادی از عملکردها فوق در آینده. نمونه های این فضاها می توانند شامل پارکها، شبکه های حمل و نقل، فضاهای اطراف ساختمانها، رودخانه ها و دریاچه ها، حیاطهای پشتی خانه ها و سایر فضاهای باز خصوصی باشند.

در یک دسته بندی کلان تر، تنکل (1963) دو دسته از فضاهای باز شهری را شناسایی می نماید:

(1) فضاهای باز مورد استفاده که دارای سه عملکرد شامل کاربری (تفریحات، جریان آمد و شد و مانند آن)، چشم انداز و تامین احساسات انسانی (حس خلوت، انزوا و فراخی) هستند و به تناسب و نیازهای انسانی در هر دو بعد فیزیکی و روانشناختی آن توجه دارند.

(2) فضاهای باز شکل دهنده که دارای دو عملکرد هستند؛ تامین خدمات شهری (تامین آب مورد نیاز و جلوگیری از سیلاب بواسطه جمع آوری آبهای سطحی و ایجاد منطقه ایمن) و کمک به شکل گیری الگوی توسعه شهری (بوسیله ایجاد فضا میان ساختمانها یا محلات، فضایی برای هدایت توسعه و زمین حفاظت شده برای آینده) (Samadhi & Tantayanusorn, 2006).



نمودار ۴. تفاوت‌های مناطق روستایی و شهری؛ ماخذ: نگارنده.

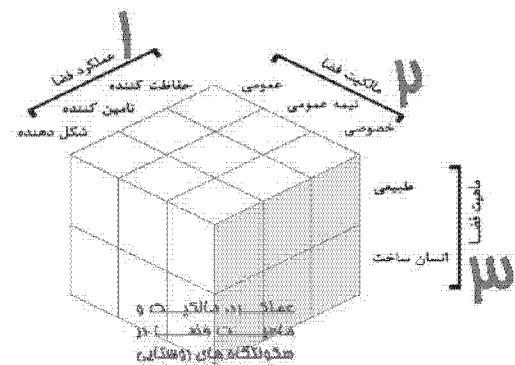
محققان متعددی درصدد کشف عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی فضاهای باز هستند. در این راستا متغیرهای متعدد موثر بر ارزیابی کاربران، مورد بررسی و اکتشاف قرار گرفته است. متغیرهای زیبایی (Amole, 2010; Hur et al., 2009b)، وسعت و ناحیه طبیعی (Amole, 2009b; Hur et al., 2010)، تعامل اجتماعی (Amérgo, Aragonés, 1990; Ge, Hokao, 1990; ۲۰۰۶)، ایمنی خدمات و تسهیلات (Amole, 2009b; Amérgo, Aragonés, 1990; Ge, Hokao, 2006)، نگهداری (Amole, 2009b)، و آسایش محیطی (Thorsson et al., 1990) از جمله مهم‌ترین این متغیرها هستند. اما آنچه در فضاهای باز اهمیت زیادی دارد میزان قابلیت دسترسی عموم مردم بدان است. فضای شهری با بسیاری از سرمایه‌های عمومی عجین شده است (Geoghegan, 2002). اصطلاح «فضای عمومی» در بسیاری موارد بجای «فضای باز» نیز مورد استفاده است. در ادبیات دانشگاهی فضای عمومی طبیعتی چند بعدی دارد؛ مانند عمومی به مفهوم عام، حوزه عمومی، باورهای عمومی و زندگی عمومی که همگی به تعداد کثیری از مردم، جامعه و کشور اطلاق می‌شود که در تعامل یا تقابل با حوزه خصوصی قرار می‌گیرد. محیط شهری حاصل ترکیب فضاهای عمومی و خصوصی است (Madanipour, 2003) که در فضای عمومی زندگی عمومی بر خلاف زندگی خصوصی جاری است. با این حال فضاهای عمومی حاصل درجات مختلفی از «عمومی بودن» و «خصوصی بودن» هستند که دارای اهداف عملکردی و نمادین می‌باشند (Man-del, 2010). در این تعاریف فضای عمومی مکانی است که در آن مقتضیات زندگی خصوصی و همگانی آشکار می‌گردد. چراکه در زندگی جمعی همواره تعادلی پویا میان فعالیت‌های عمومی و خصوصی وجود دارد (Turel et al., 2007). از سوی دیگر فضای باز بخشی از محیط شهری است که توسط تسهیلات رفاهی خود چه بصورت بصری بوسیله داشتن تأثیرات مثبت بر منظر شهری و چه بواسطه دسترسی عمومی تأثیرگذار است. فضای باز

در این حالت ترکیبی از فضاهای سبز و فضاهای شهری است. واضح است که دسترسی به اشکال مختلف طبیعت از نیازهای بنادین انسانی و بنابراین بخش بسیار ضروری فضاهای باز محسوب می‌شود (Thompson, 2002). توجه به فضاهای سبز در قالب پارک‌های عمومی از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی در غرب و در پاسخ به مطالبات اجتماعی به تسهیلات تفریحی و کاهش استرس‌های اجتماعی که عامل تهدید کننده نظم اجتماعی و سیستم حکومتی به شمار می‌روند، مورد توجه بوده است (Maruani & Co-hen, 2007). هم اکنون حمایت‌های مردمی فراوانی جهت تامین فضاهای باز سبز عمومی در نواحی شهری وجود دارد (Wu & Plantinga, 2003) و تاکید روبه رشدی نیز در اهمیت فضاهای باز سبز در سلامت فیزیکی و روانی شهروندان دیده می‌شود (McConnachie & Shackleton, 2010). همچنین امروزه مفهوم فضای باز با فضای سبز گره خورده است. بنابراین فضاهای باز را می‌توان بسته به میزان خصوصی و عمومی بودن آنها به فضاهای باز عمومی، فضاهای باز نیمه عمومی و فضاهای باز خصوصی تقسیم نمود. از سوی دیگر فضاهای باز را بسته به نوع عملکرد آن می‌توان به سه دسته «فضاهای باز تامین کننده» (تفریح و سرگرمی، سلامت شهروندان، ارزش‌های زیبایی‌شناسی- بصری، نیازهای روانشناختی، تنوع فرهنگی و سایر خدمات اجتماعی)، «فضاهای باز حفاظت کننده» (ارزش‌های طبیعی و اکوسیستم، تنوع زیستی، خاطرات جمعی) (McConnachie & Shackleton, 2010; Thompson, 2002; Geoghegan, 2007; Maruani & Cohen, 2002) و «فضاهای باز شکل دهنده» (شکل دهنده به توسعه شهری، نواحی حومه‌ای) تقسیم نمود (Samadhi & Wile, 1978). مدل پیشنهادی زیر (نمودار شماره ۴) گستره مفاهیم و تعاریف فضای باز شهری را در قالب مکعبی مفهومی معرفی می‌نماید. این فضاها با توجه به ماهیت طبیعی یا انسان ساخت بودن آنها و بسته به دامنه خدمات رسانی خود در مقیاس فردی- خانوادگی، زیرمحل‌های، محلی، منطقه‌ای، شهری و حتی منطقه‌ای قابل تعریف بوده و ابعاد و اندازه آنها بر این اساس مشخص می‌شود.

نام الگو	توضیحات
۱. الگوی طبیعی	این الگوها در چشم انداز طبیعی موجود می‌باشند و از جریان انرژی، زمین‌شناسی، طبیعت مواد، فرایند رشد و زوال منتج می‌شوند. این الگوها را می‌توان بر اساس آهنگ یا کلمات و بهتر از همه بوسیله ترمیم و نقشه تشویق نمود.
۲. الگوی اجتماعی	الگوهای اجتماعی نتیجه رفتارهای بشری است که مکانی را برای رفع احتیاجاتش به غذا، سرپناه، حمل و نقل، امنیت و امنیت برمی‌گزیند.
۳. الگوی زیبایی‌شناسی	از جمله تزئینات بازنمایی، استوفا سازی، نما سازی، تمهیل و استعاره گوی، تدریس سازی، فلسفه، شعر، موسیقی و داستان سرایی نشأت می‌گیرد و نتیجه سموات و تزیینات هنرمند یا تحسین آوازی زیبایی‌های طبیعت می‌باشد.
۴. الگوی نمونه‌ای	الگوهای سرمنطق ترکیب استخوان شده الگوهای قبلی هستند و نمونه‌هایی می‌باشند که از موفق بودنشان اطمینان حاصل شده است. جایگاه آنها در طراحی محیط بیرون که هنری متکی بر مکان است، همگند اجزای یک کل است.

جدول ۲. الگوهای طراحی فضاهای باز؛ ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

معاصر تأیید شده است (Walton et al, 2007). یان گل، معمار و شهرساز دانمارکی، در پژوهشهای خود به تبیین بهترین خصوصیت‌های مکانهای عمومی بواسطه محافظت در برابر عوامل منفی اقلیمی و مواجه با عوامل مثبت آن توجه دارد (Nikolopoulou & Lykoudis, 2007). سایمون بل و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی نقش بادشکنها را در کنترل جریان هوا در فضاهای باز خارجی شهر، شبیه سازی می نمایند (Li et al, 2007). علاوه بر عوامل جوی، سنجش تأثیر جنس مصالح بکار رفته در کف سازی فضاهای باز نیز مورد توجه بوده است (Tna & Fwa, 1992). از آخرین پژوهشهای انجام شده در این حوزه می توان به تحقیقی در زمینه تأثیر هندسه فضاهای شهری بر آسایش حرارتی و کیفیت هوا در فضاهای باز نام برد که در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسیده است (Kruger et al, 2011). البته مشابه چنین پژوهشی نیز پیشتر در سال ۲۰۰۶ در نمونه موردی کشور مراکش صورت پذیرفته است. در کنار شرایط اقلیمی، عوامل محیطی نیز به موضوعات مورد توجه تبدیل شده‌اند. تأثیر صوت بر فضاهای باز شهری از این جمله است. کانگ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌های موجود میان نظرات طراحان و بهره بردان با توجه به مشخصات جمعیت‌شناسی هر گروه در خصوص اهمیت اصوات طبیعی در فضاهای سبز باز و آستانه‌های هر گروه می پردازد (Kang & Zhang, 2010). سالها پیش از او نیز آلودگی صوتی ایجاد شده توسط خطوط راه آهن در فضاهای باز مورد بررسی قرار گرفته بود (Mkare-wicsz & Youshida, 1996). علاوه بر این، بخشی از پژوهشها نیز به حوزه مطالعات تطبیقی میان کشورها



نمودار ۵. مدل مفهومی گسترده مفاهیم فضای باز؛ ماخذ: نگارنده بر اساس جمع‌بندی مبانی نظری.

۳-۳) رویکردهای محیطی معاصر به فضاهای باز در سکونتگاه‌های انسانی

رویکردهای تشخیص داده شده به ترتیب شامل: «رویکرد اقلیمی- محیطی، بهداشتی- سلامتی، حفاظتی- زیست محیطی و برنامه ریزی- مدیریتی» می‌باشند.

۱- رویکرد اقلیمی- محیطی در فضاهای باز شهری و روستایی

با وجود اینکه توجه به آسایش فیزیکی کاربران در فضاهای بسته داخلی از دهه ۷۰ میلادی با افزایش قیمت حامل‌های انرژی در جهان به شدت مورد توجه بوده است، تأمین شرایط بهینه آسایشی مردم در فضاهای باز کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. رویکرد اقلیمی- محیطی به بررسی شرایط مناسب محیط مانند نور، تابش، سایه و جریان هوا بر راحتی کاربران فضاهای باز خارجی و عمومی شهر می‌پردازد. نقش شرایط مطلوب محیطی بر استفاده از امکانات فیزیکی در پژوهشهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۱۱

و یا اقلیمهای متفاوت و مقایسه راهکارها و راهبردهای آنها اختصاص دارد.

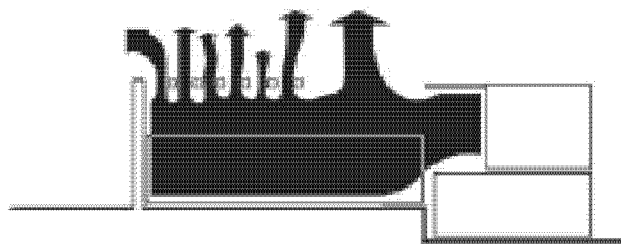
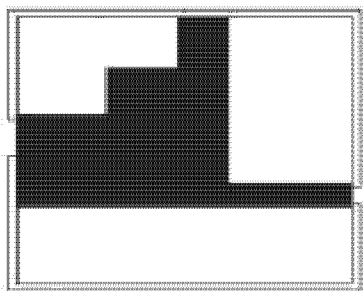
۲- رویکرد بهداشتی- سلامتی در فضاهای باز شهری و روستایی

فضاهای سبز باز در مجاورت محله‌ها (مانند پارکها، باغهای عمومی، زمینهای بازی و دهکده‌های سبز) می‌توانند امکان پیاده‌روی سالمندان و فعالیتهای فیزیکی کودکان و جوانان را فراهم آورند. شواهد در حال افزایش فراوانی نقش مثبت محیط را بر میزان فعالیتهای فیزیکی تأیید می‌کنند (Coombes et al, 2010). بررسی عوامل تاثیرگذار مانند فاصله، جذابیت و اندازه فضاهای باز شهری در افزایش پیاده‌روی مردم و نیز تاثیر ویژگی‌های فضاهای باز محله بر میزان پیاده‌روی سالمندان (Corti, 2005)، موضوع بسیاری از پژوهشهای معاصر است (مانند: Hillsdon et al, 2005; Sugiyama, 2008; & Thompson, Jackson, 2003). افزایش توجه به مدل‌های اکولوژیکی در پژوهشهای مرتبط با فعالیتهای فیزیکی که به بررسی محل وقوع فعالیتها توجه دارد، محققان را به سنجش متغیرهای محیطی و برنامه‌ریزی بر میزان مشارکت در فعالیتهای فیزیکی سوق داده است. علاوه بر فضاهای باز عمومی، نقش فضاهای باز نیمه عمومی مانند فضاهای باز مهدکودکها و مدارس در تشویق کودکان به بازی و تحرک (Cosco et al, 2010) فراوان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳- رویکرد حفاظتی- زیست محیطی در فضاهای باز شهری و روستایی

توجه به مسائل اکولوژیکی در فضاهای باز شهری که

نخستین بار در کارهای معماران منظر قرن ۱۹ و ۲۰ ماند آلمستد، الیوت و گدز مطرح شد، هم اکنون با توجه به رشد بی رویه شهرها که پیامدهای گسترده‌ای بر حیات حیوانات و اجتماعات انسانی دارد به موضوع مهمی در پژوهشهای معاصر تبدیل شده است. رویکردهای اکولوژیکی به فضاهای باز شهری بویژه پارکها بر تنوع پوششهای گیاهی متکی است و به مدل‌های انعطاف پذیر توجه دارد. محدودیت قابلیت تغییرپذیری متناسب با چرخه طبیعی رشد با توجه به اندازه کوچک پارکهای شهری، توجه به موضوعات جدیدتری مانند کانالهای آب، نهرها و خطوط راه آهن را سبب شده است. همچنین تغییرات شدید در منظر طبیعی و سیاستهای ضد مرکزگرایی شهری در کلانشهرها مرکز توجه را به حفاظت از فضاهای باز متمرکز و بدین ترتیب فضاهای باز را به مهمترین موضوع در سیاستهای شهری تبدیل کرده است (Bowman et al, 2009; klaiber & Pha-). سیاستگذاران (neuf, 2010; Anderson & west: 2006). تلاشهایی برای حفاظت از فضاهای باز با ابزارهایی مانند قوانین منطقه بندی، مالیات بر ساخت و ساز، تعیین محدوده توسعه شهری، تبیین حقوق حفاظتی و کنترل منافع عمومی در زمینهای توسعه یافته، انجام داده‌اند (Kotchen & Powers, 2006). امروزه رویکرد حفاظتی به فضاهای باز شهری شامل جمع آوری و تحلیل داده‌ها از منابع طبیعی و شناسایی زمینهای با ارزش جهت حفاظت و یا زمینهای مخاطره آمیز جهت توسعه، به عنوان فضای باز است که اغلب توسط توسعه بافتهای مسکونی تهدید می‌شود. پژوهشهای متعددی به نقش



تصویر ۱. فضای باز پیوسته و متداوم در پلان حاصل باقیمانده فضای میان احجام داخلی و حصار خانه است. در مقطع این فضای باز از تراز همکف به فضای زندگی بام تداوم می‌یابد تا به آسمان منتهی شود

این فضاها در کنترل و یا تشدید توسعه شهری توجه دارند. دیگر پژوهشها به نقش مردم و ساکنین در حفظ فضاهای باز شهری و بویژه فضاهای طبیعی پرداخته اند. به عنوان مثال میزان رغبت ساکنین به پرداخت هزینه جهت حفاظت از فضاهای سبز شهری در شهر هنگ کنگ (۲۰۱۰) مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان دهنده تمایل ۸۰٪ مردم در بازبانی حدود ۲۰٪ از فضاهای سبز شهری از دست رفته است (Lo & Jim, 2010). نمونه‌های فراوان دیگری نیز در دیگر شهرهای جهان انجام شده است (مانند: Austin, 2004; Bengston et al., 2005; Ryan, 2002).

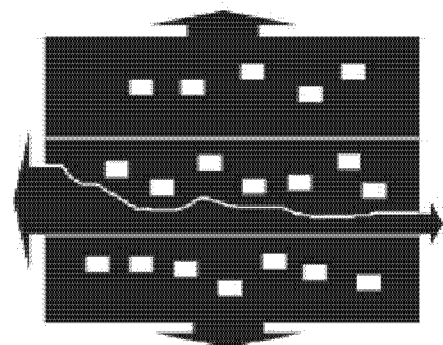
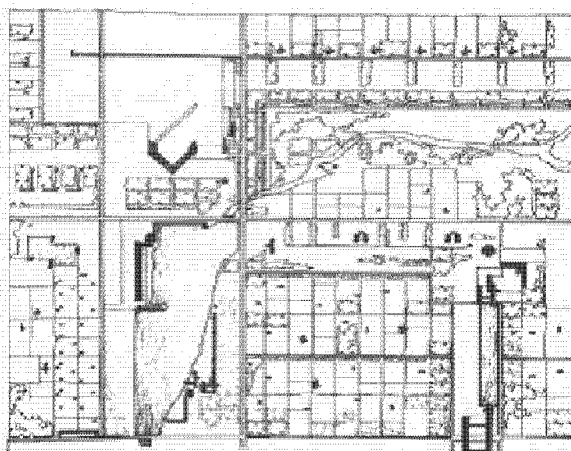
۴- رویکرد برنامه ریزی- مدیریتی در فضاهای باز شهری و روستایی

در طول سالها برنامه ریزی در زمینه فضای باز دو رویکرد کلان قابل شناسایی هستند. رویکرد نخست که بیشتر مورد توجه برنامه ریزان و جغرافیدانان است متکی بر تامین نیازهای انسانی مانند تفریح، تسهیلات رفاهی و کیفیتهای محیطی است. رویکرد دوم که حاصل نگاه اکولوژیستها و مرمت کاران منظر است بر حفاظت از منظر موجود و منابع طبیعی کنونی تاکید دارد (Maru-ani & Cohen, 2007). مدلها و روشهای برنامه ریزی متعددی تا کنون مورد استفاده بوده است. تهیه استانداردهای فیزیکی، سرانه ها و بررسی سیستمهای

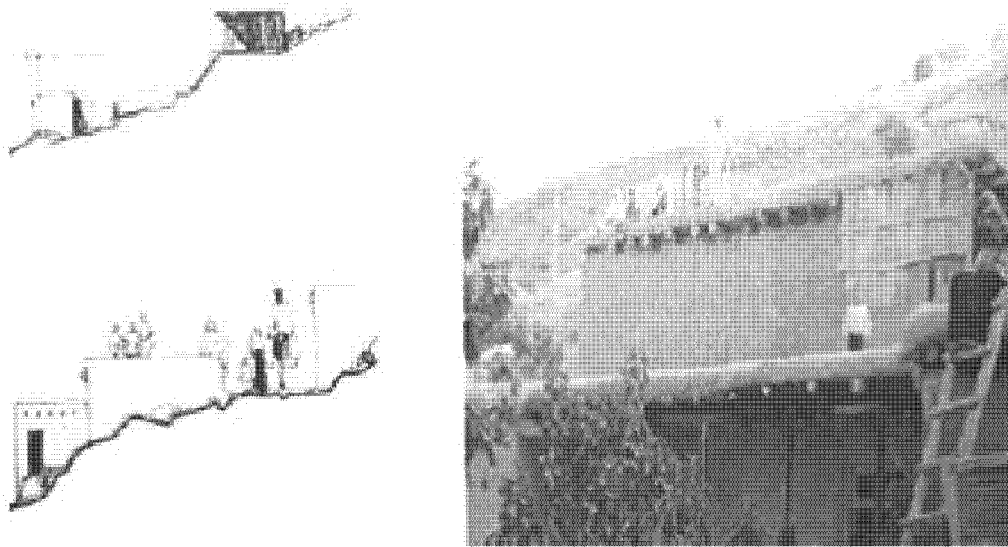
سبز (مانند: Hobden et al. 2004; Lichtenberg et al., 2007) و شیوه تحقق آنها در طرح های توسعه شهری و مدلهای توزیع فضاهای باز در گستره شهر (مانند: Neema & Ohgai, 2010; Banzhaf, 2010) و همچنین برنامه ریزی و مدیریت سیستم گسترده فضای باز در مناظر طبیعی روستایی نیز از موضوعات مورد توجه در این پژوهشها است. به عنوان مثال تبیین مدل های ارتباط فضاهای باز عمومی شهر با فضاهای باز خصوصی در نواحی حومه ای بخشی از پژوهشهای این حوزه است (مانند: Grose, 2009) و همچنین ترسیم سیاست های توسعه شهری ضمن حفظ فضاهای باز (مانند: Bengston et al., 2004; Lewis et al., 2009) و یا نقش فضاهای باز در جلوگیری از حومه نشینی (مانند: Wu & Plantinga, 2003) از دیگر موارد قابل اشاره هستند.

۳-۴) نسبت فضای باز و بسته در سکونتگاه های روستایی

در روستاها بسیاری از عملکردهای مرتبط با نیازهای زندگی روزمره و معیشت در فضاهای باز مجاور مسکن استقرار یافته اند. وجود عناصر نیمه باز که به عنوان یک مفصل بین فضای باز و بسته عمل می نمایند نیز از دیگر نکات مهم می باشند. موردی که باید به آن اشاره شود ارتقاء نسبت بین فضای باز و بسته از جنبه کالبدی



تصویر ۲. تمامی ساختمانها در طرح رایت توسط فضای باز و سبز وسیع احاطه شده اند (اوستروفسکی، ۱۳۸۷، برگرفته از مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳).

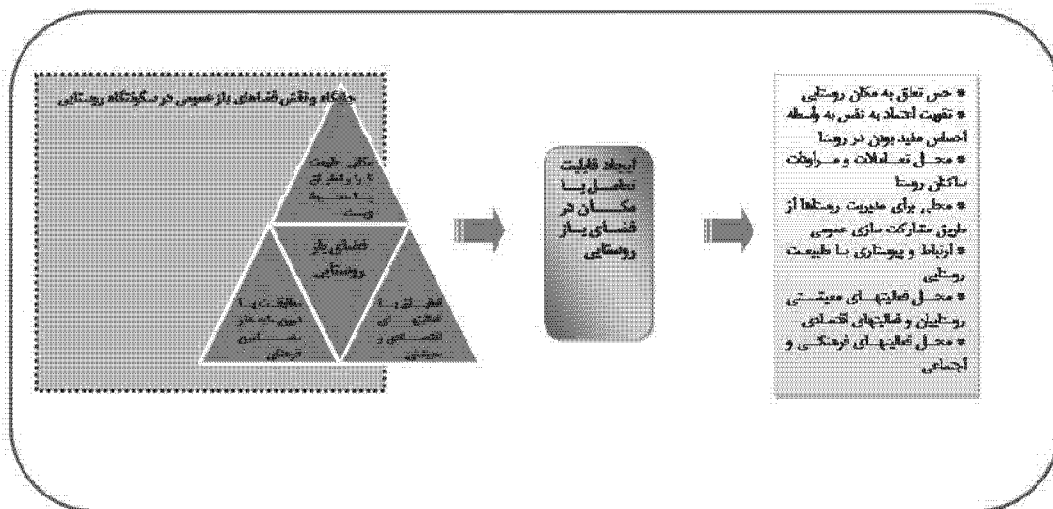


تصویر ۳. کاربری فضاهای باز به عنوان فضاهای جمعی در روستا؛ ماخذ: نگارنده.

جدول ۳. الگوهای طراحی و توپولوژیک در نمونه های بومی و نوگرا

ردیف	نام کشور	عنوان خانه یا نظریه	الگوی طبیعی	الگوی اجتماعی	الگوی زیست‌شناسی	الگوی نمونه‌ای	توضیح
۱	مالزی	مالاکا	●	●	●	●	فضای باز گسترده و پیوسته و بدون مرزهای فیزیکی که توسط مشایط اجتماعی کنترل و محدود می‌شود.
۲	چین	تورنگان	●	●	●	●	فضای باز پیوسته حاصل فضای باقی‌مانده از چیدمان انجام داخلی حصار خانه است و در سطح این فضای باز از تراز عمکف به فضای زندگی در پام تلاوم می‌آید تا به آسان منتهی شود.
۳	هند	بوهرا	●	●	●	●	فضای باز پیوسته ملین توده فضای داخلی خانه محصور است تا سرانجام به آسان منتهی شود.
۴	ایرکستان	بخارا	●	●	●	●	فضای باز مابین توده فضای داخلی خانه محصور است و هم‌چنین به‌طور کامل باقی‌مانده چیدمان انجام داخلی حصار خانه نیست ولی هم‌سایه آن می‌باشد. حصار بیرونی‌اش تعدید می‌شود.
۵	ایران	یزد	●	●	●	●	فضای باز منقطع و متناوب، باقیمانده انجام توپ نیست بلکه خود جداگانه به عنوان یک عنصر طراحی می‌شود و در درون حجم کلی خانه قرار دارد.
۶	فریستان	چینه	●	●	●	●	فضای باز تنها در آخرین تراز وجود دارد. در پلان فضای باز باقی‌مانده فضاهای پر تالی می‌شود که واحد خصوصیات فضاهای باز و مابین نیست.
۷	اسپانیا	شهر خطی	●	-	-	-	فضای باز با محدوده مالکیت قانونی زمین توسط مالک مشخص می‌گردد و صرفاً خانه را احاطه می‌نماید. خانه به لحاظ توپولوژیک در درون آن قرار دارد.
۸	انگلستان	باغشهر	●	-	-	-	فضای باز پیوسته و مشترک برای چند خانه و مابین آنها تعریف می‌شود و فاقد مرزهای خصوصی است.
۹	فرانسه	شهر مستقیم	●	●	●	●	فضای باز گسترده همچون طرفی خانه‌ها را در خود جای می‌دهد و بدون مرز فیزیکی پیوستگی داشته و تلاوم می‌یابد.
۱۰	فرانسه	شهر درختان	●	●	●	●	فضای باز بصورت گسترده پیوسته و سیال در میان برج‌های افرازی است و فضای مابین نیز میان اصلاح ساختمان‌های دانه‌ای شکل و کم ارتفاع مسکونی تعریف می‌شود.
۱۱	آمریکا	شهر پهن‌دشتی	●	●	●	●	فضای باز گسترده و پیوسته است و انجام معماری را در بر می‌گیرد.

نمونه‌های بومی - سنتی
اسلامی در فضای شهری
نمونه‌های شهری نوگرا در غرب



نمودار ۵. جایگاه فضاهای باز در سکونتگاه های روستایی؛ مأخذ: نگارندگان.

بسیاری از جنبه‌های ارزشمند مرتبط با آن به دلیل سیطره پارادایم‌های متأثر از زندگی شهری؛

۲. دوم: از میان رفتن شیوه‌های معیشتی زندگی روستایی؛ به عنوان مثال زمانی که روستایی ماست و لبنیات خود را از شهر تهیه می‌کند، دیگر وجود عناصر مرتبط با فرآوری شیر و حوزه‌های فضایی مرتبط با آن موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

در رابطه با موارد فوق الذکر، شاید مجدداً بتوان به شکلی کلی به نظریه قطع ساختی ارجاع داده و از آن کمک گرفت. فضای باز و نسبت آن با فضای بسته اگر چه ممکن است از نظر متکلمین به زبان دیگر در اقلیم‌های مختلف یگانه باشد، ولی با نگاهی عمیق‌تر تفاوت‌هایی بنیادی را می‌توان دریافت. عدم توجه به این تفاوتها از

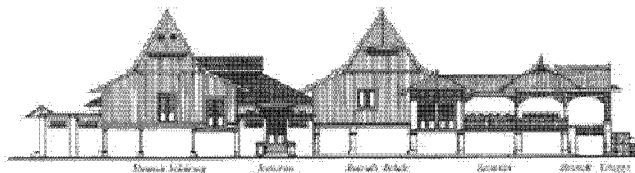
به جنبه‌های عملکردی و بنیادی می‌باشد. در برخی پهنه‌ها نسبت بین دو فضا کاملاً دارای وجهی کاربردی بوده و جنبه فرمال و کالبدی آن دارای وجهی تبعی می‌باشد.

(۴) بیان یافته‌های تحقیق

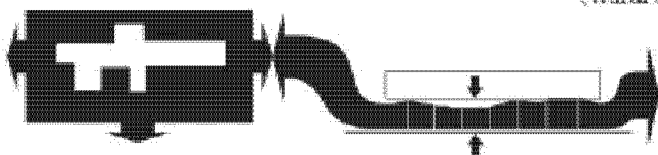
(۴-۱) بازشناسی نسبت بین فضای باز و بسته در طراحی مسکن روستایی

زمانی که کل طراحی معطوف به فضای بسته گردد به این معناست که بخشی تفکیک ناپذیر از یک ارگانیزم را از شبکه ارتباطی متقابل عناصر تشکیل دهنده آن حذف کرده و به نوعی آنرا متلاشی نمائیم. به نظر می‌رسد به دو دلیل این استحاله درک نمی‌شود:

۱. اول: استحاله فرهنگی در روستاها و رنگ باختگی



تصویر ۱: نمای خانه‌ای از گونه مالاکا با ستون‌های برآمده از زمین در جنوب مالزی (Wardi Sudin, 1987)



تصویر ۲: شیوه ساماندهی فضاها، باز و مابین (سطوح سیاه رنگ) در سطح افقی (پلان) و در تراز محدودی (نما) (مأخذ تمامی تحلیل‌ها از نگارندگان است).

تصویر ۳. شیوه سازماندهی فضای

باز در سکونتگاه روستایی مالاکا؛

مأخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

یکسو و از سوی دیگر تفاوت‌های بنیادی و ساختاری مجموعه آنها با مقولات شهری بسیار مهم بوده و می‌تواند به استحاله پارادیم‌های مرتبط با زندگی روستایی و شیوه معیشت آن منجر شود.

(۲-۴) نحو و ساختار طراحی فضاهای باز در طراحی مسکن روستایی

در رابطه با نحوه و ساختار آن در طراحی سکونتگاه‌های روستایی بطور اعم و فضاهای باز روستایی بطور اخص، باید گفت که در نظم فضایی و نظم ساختاری مفاهیم را تنها به شکل ذهنی می‌توان تفکیک کرد. مفاهیم به صورت نمادی از طریق علایم، رنگ‌ها، فرم و منظر بیان می‌شود. در روستاهای سنتی، نظم مفاهیم تطابق تقریباً کاملی با نظم فضایی دارد. در مجتمع‌های زیستی و روستاهای مدرن نظم مفاهیم به صورت سیستم نمادی مستقلی برای بیان موقعیت‌های اجتماعی درآمده و از نظم فضایی فاصله گرفته است. ارتباط نظم داده شده، کنترل روابط میان انسان و انسان، انسان و اشیاء، اشیاء و اشیاء است. این عامل نیز با دو عامل قبل هماهنگ است؛ به طوری که ارتباط میان محیط و انسانها از طریق مفاهیم صورت می‌گیرد. محیط زیست روستاها قادر است با به کارگیری نظم فضایی و مفهومی بر نظام ارتباطات تأثیر گذارد. نظام فضایی روستاها منطبق بر نظام مفاهیم می‌تواند ماهیت، جهت و حجم ارتباطات را تعریف و کنترل کند. زمان ممکن است به دو معنی درک شود؛ نخست زمان در مقیاس وسیع مانند زمان طولی یا دورانی و دوم آهنگ فعالیت‌های انسانی. از سوی دیگر سرعت وقوع فعالیت‌ها در واحد زمان و نحوه توزیع آنها در طول زمان، برداشت دوم از نظم زمانی را آشکار می‌کند.

باید گفت که «معماری زمینه‌گرا خاصه در مناطق بومی و روستایی»، تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلانتر از معماری است. پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون معماری روستا با تأکید بر مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی و زیست محیطی است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه‌عاملی

مثبت و تقویت‌کننده باشد. زمینه‌گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی است که بر طبق آن ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد روستاهای معاصر حضور دارند. درک ویژگی‌های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی فضاهای باز روستایی بطور اخص و روستا بطور اعم، در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است. به طور کلی در طراحی متناسب باز زمینه باید به شکل کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای روستا در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت. اما انسان همواره در سیر تاریخی خود با دو منبع عدم قطعیت روبرو بوده است: طبیعت و جامعه.

برای بدست آوردن یک برآوردی از نیروهای طبیعی و مهار آنها تا جای امکان و قرار دادن آن در چارچوب‌های مکان برای کنترل نیروهای اجتماعی ضروری‌ترین نگرانی‌های سکونتگاه‌های شهری است. تکنولوژی به عنوان یکی از وجوه اصلی معماری باید در سیری تدریجی و تداومی همراه با معماری، فرهنگ و شرایط اجتماعی و اقتصادی رشد نموده و به صورتی ذوب شده در معماری به کار گرفته شود. پس به روشنی می‌توان گفت که آن معماری‌ای که توانایی تداوم حیات و رفع نمودن نیازهای انسانی را دارد که بتواند با شرایط نوین خود را تطبیق دهد و متناسب با مناسبات نوین اجتماعی در سطوح گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی-عمومی نه تنها کالبدهای جدید ارائه دهد، بلکه خود پیشرو در ارائه کالبدهای نوین برای ایجاد روابط نوین اجتماعی و دگرگونی‌های اجتماعی باشد.

همچنین در رابطه با استحاله فرهنگ در مناطق روستایی و تاثیرگذاری آن بر فضاهای باز در روستاها می‌توان به نتایج تحقیق در قالب جدول ۴ اشاره کرد. در پایان باید گفت که مقوله فرهنگ خاصه در مناطق روستایی مقوله‌ای پیچیده و در عین حال غامض است که درک آن بدون شناخت مولفه‌ها و متغیرهای مرتبط با آن قدری مشکل و تاحدودی ناممکن بنظر می‌رسد. در این پژوهش و در انتها برای ارتباط و تعامل سازنده فرهنگ و معماری روستاها خاصه در مناطق باز و

جدول ۲. ابعاد محوری هر یک از رویکردهای معاصر به جایگاه و نقش فضاهای باز در سکونتگاه های انسانی؛

ماخذ: یافته های تحقیق.

نوع رویکرد؛ ابعاد مفهومی فضای باز	عملکرد فضا			مالکیت فضا			ماهیت فضا		برخی پژوهشگران یک دهه اخیر
	تاسیس کننده	حفاظت کننده	شکل دهنده	عمومی	نیمه عمومی	خصوصی	طبیعی	انسان ساخت	
اقلیمی - محیطی	x	-	-	x	x	-	x	x	Li et al.(2007), Nikolopoulou et al.(2006, 2007), Yang & Kang(2005), Kang & Zhang(2010), Chen et al.(2008), Yu & Kang(2010), Kruger & Givoni(2007), Johansson(2006), Shahian et al.(2010), Tadeu et al.(2001), Coronel & Alvarez(2001), Chun & Tamura(2005), Georgi & Dimitriou(2010), Etzion et al.(2001), Boykoff & Goodman(2009), Hader et al.(2009), Matsuura et al.(2009), Parot(2008), Capeluto(2005), Corbella & Magalhaes(2008), Pressman(1996), Bu et al.(2010), Giridharan et al.(2004), Solecki et al.(2005), Gulyas et al.(2006)
بهداشتی - سلامتی	x	-	-	x	x	-	x	x	Sugiyama & Thompson(2008), Timperio et al.(2007), Sommerfelt et al.(2006), Hillsdon et al.(2006), Brocklehurst et al.(2005), Johansen et al.(2005), Jackson(2003), Corti & Donovan(2002), Gal et al.(2008), Harlan et al.(2006), Hall & Kearns(2001), Cerin & Leslie(2008), Guite et al.(2006), Mason(2010),
برنامه ریزی - مدیریتی	x	x	x	x	x	-	x	x	Grose(2009), Bengston et al.(2004), Wu & Plantinga(2003), Tang & Wong(2008), Broussard et al.(2008), Maruani & Cohen(2007), Hobden et al.(2004), Kotchen & Powers(2006), Neema & Ohgai(2010), Zhang et al.(2008), Lewis et al.(2009), Amir & Rechtman(2006), Banzhaf(2010), Sims & Schuetz(2009), Caruso et al.(2007), Jim & Chen(2003), Frenkel(2004), Orenstein & Hamburg(2009), Connell(2005), Kline & Alig(2005), Regan et al.(2006), Irwin & Bockstael(2004), Arendt(2004), Ghaemi et al.(2009), Kaploeitz et al.(2008), Kuhn(2003), Stoms et al.(2009), David(2009), Jones(2007), Buijs(2009), Frischenbruder & Pellegrino(2006), Chiou et al.(2010), Henger & Bizer(2010), Cho(2002), York & Munroe(2010), Li et al.(2007), Noth et al.(2003), Hidding & Teunissen(2002),
حفاظتی زیست محیطی	x	x	-	x	-	-	x	-	Nelson et al.(2007), Bowman et al.(2009), Koomen et al.(2008), Dijk & Wulp(2010), Lo & Jim(2010), Taylor et al.(2007), Orr & Pickens(2003), Hess & King(2002), Austin(2004), Toth et al.(2009), Mitsova et al.(2010), Rubino & Hess(2003), Ruliffson et al.(2003), Maruani & Cohen(2010), Oxbrought et al.(2006), Gittings et al.(2006), Cooper(2002), Bengston et al.(2005), Mutersbaugh(2005), Freestone & Nichols(2004), Ryan(2002), Adams et al.(2009), Russell & MacBride(2003), Vejre et al.(2010), White(2009), Maruani & Cohen(2009), Askins(2009), Glantz & Hilpert(2007), Haaren & Reich(2006), Bark et al.(2009), Bowman & Thompson(2009), Beardsley et al.(2009)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۱۷

جدول ۳. رویکردهای زمینه‌گرایی طراحی فضاهای باز در معماری زمینه‌گرایی مناطق روستایی؛

ماخذ: نگارنده.

رویکرد طراحی فضاهای باز روستایی	وحدت‌گرا	کل‌گرا	سازمندگرا	زیبایی‌گرا	ساختارگرا	زمینه‌گرا
مبانی کلیت و انسجام	همگرایی اجزاء متکثر برای پیوستن به کل بستر روستا	اهمیت کل به عنوان منشاء شکل گیری اجزاء بستر روستا	گرایش اجزاء به هنگام شکل‌گیری برای وابستگی با نظام آفرینش	تأثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر در بستر روستا	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل در بستر روستا	همگرایی اجزاء با ارزش های تاریخی و فرهنگ جمعی
عامل تعیین‌کننده کلیت و انسجام	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	تبعیت از روابط حاکم بر کل	همگرایی با روندهای طبیعت در بستر روستا	هماهنگی و تناسب اجزاء	عناصر فضایی و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص بستر روستا	همخوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی
روش‌شناسی	روش شهودی بر مبنای دریافت وحدت حقیقی	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شهودی بر مبنای دریافت روند های طبیعت در بستر روستا	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه دریافت ساختار ذهنی و عینی	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی
هدف از کلیت	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت	ایجاد کل یکپارچه با نظمی در هم نفوذ یافته در بستر روستا	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روندهای طبیعت در بستر روستا	ایجاد کل آراسته و هماهنگ در بستر روستا	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا در بستر روستا	ایجاد کل معنی‌دار



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۱۸

زندگی مناسب در جامعه ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها خواهیم بود؛ چنانچه در آرایه ضوابط برای طراحی روستاها در زمان کنونی، به خواسته‌های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی در فضاها و معماری اقوام خاص توجه کافی مبذول گردد، مسکن بومی و فضای باز و معماری حاکم بر آن از کارایی مناسب بهره‌مند می‌گردد.

۳. «ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت و اجرا»: لزوم در نظرگیری الگوهای بومی ساخت مسکن که مبتنی بر آداب و رسوم اجتماعی ساخت مسکن در مناطق مختلف کشور است، می‌توان انتظار داشت تا بیشینه انطباق مسکن و نیازهای فرهنگی-اجتماعی مردم فراهم گردد؛ لذا ضرورت تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت مسکن در روستاهای کشور امری ضروری بنظر می‌رسد.

۴. «شناسایی کارکرد مفهوم مسکن در قومیت‌ها و مقوله مسکن بومی»: بدین منظور شناخت کارکرد اجزای واحد مسکونی در پی گونه‌شناسی فضاهای باز و تحلیل ویژگی‌های کاربردی آنها در مناطق مختلف و در زمان‌های گذشته و حال، لازم است و باید با وثوق و علم

رسیدن به جایگاه ارزنده برای مطالعات شناخت‌شناسانه اجتماعی در طراحی سکونتگاه‌های روستایی به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. «ضرورت شکل‌دهی سازماندهی اجتماعی فضا در مناطق روستایی»: ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان، دچار تغییر، دگرگونی و حتی تحول است. بدین‌سان مشاهده‌ی تغییرات در فضاها و معماری روستایی، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای روستاها و به خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی بوجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است؛ بنابراین کالبد زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود. لذا برای تحقق این تداوم نیازمندی به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد.

۲. «ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری سکونتگاه‌های روستایی»: گفته شد که دگرگونی‌ها و استحاله‌های فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جدیدی را در کالبد بنای مسکونی متولد کرده‌اند که امروزه برای

جدول ۴. تحلیل و ارزیابی بافت اجتماعی تاثیرگذار بر شکل گیری فضاهای باز در مناطق روستایی؛

ماخذ: نگارنده.

ارکان اجتماعی	جوامع سنتی روستایی	جوامع مدرن روستایی
الگوهای فرهنگی در روستا		
آرزش‌ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل فرهنگی اندک در روستا	نامتجانس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی شدن در عصر اطلاعات در روستا
هنجارها	مظاهر اخلاقی والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام بومی	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام بومی
تکنولوژی	پیش‌صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی در روستا	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر در روستا
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت‌های اجتماعی محدود؛ اغلب انتصابی؛ وظایف تخصصی محدود در روستا	وضعیت‌های اجتماعی متعدد؛ برخی انتصابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد در روستا
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوت ضعیف در روستا	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوت متناهی در روستا
ارتباطات	چهره به چهره در روستا	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی در روستا
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی در روستا	پلیس رسمی و سیستم قانونی در روستا
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک در روستا	الگوهای شش‌نوار نابرابری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه در روستا
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتوم؛ زنان در میان خانه زندگی می‌کنند	کاهش پدرسالاری؛ کاهش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	کاهش کشاورزی؛ و مهاجرت برای کار
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته‌ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف‌گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در جمع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	تحصیلات ابتدایی همگانی همراه با رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل بودن استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمان ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۱۹

مورد توجه بیشتری باشد؛ چنانچه امروزه درصد اندکی از مطالعات حوزه معماری به بررسی مولفه‌ها و متغیرهای فرهنگی وارد بر، یا دخیل در، معماری مربوط می‌شود. برای تحقق این هدف، گونه‌شناسی فضاهای باز و نقد و تحلیل اجزا و عناصر به لحاظ کاربرد آنها از جنبه‌های گوناگون، در هر منطقه حایز اهمیت ویژه‌ای است که باید مولفه‌های طراحی بر اساس نیازسنجی و مطلوبیت سنجی واحدهای مسکونی برای افراد ساکن باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شکل‌گیری مسکن و ارتباط آن با فضاهای باز و بسته، متأثر از ویژگی‌های محیط انسانی و محیط طبیعی می‌باشد و تعامل و تفاوت بین این ویژگی‌ها، گونه‌های مختلف مسکن را پدید آورده است، به بیانی دیگر

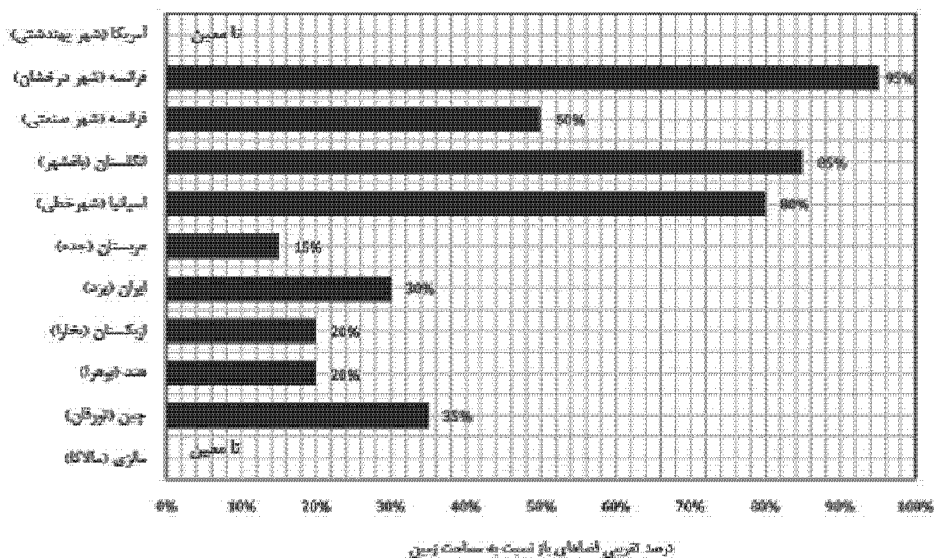
به نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی نسل حاضر، آرایه ضوابطی که منطبق بر دیگر نیازهای موثر در شکل‌یابی مسکن بومی و فضاهای باز باشد؛ با علم به گریزناپذیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که برای آن طراحی می‌کنند، صورت پذیرد.

۵. «التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد

در مقوله طراحی فضاهای روستایی»: در نظر گرفتن نحوه تعامل سازنده معماری و فرهنگ و چگونگی ارتباط پذیری آنها با یکدیگر که باید در راستای بسط و گسترش و یا به عبارت بهتر، استعلای مولفه‌های فرهنگی- اجتماعی و مولفه‌های طراحی معماری روستایی باشد، از مهمترین مواردی است که انتظار می‌رود در پژوهشها و مطالعات فرهنگی و در حوزه معماری

جدول ۵. مقایسه ویژگیهای کلی فضاهای باز در نمونه‌های معماری بومی اسلامی و نظریه‌های نوگرا؛
 ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

نام کشور یا نظریه	ایران	ترکی	اینگلیز	ایران	ترکی	اینگلیز	ایران	ترکی	اینگلیز
دارای روز فیزیکی	-	-	-	●	●	●	●	●	●
زیونگه و بدون روز فیزیکی	●	●	●	-	-	-	-	-	●
محصور و باقی مانده انجام کالبدی	-	-	-	●	●	-	●	●	-
محصور و به مثابه عنصر طراحی شده	-	-	-	-	-	●	-	-	-
استقرار در تراز همگف	●	●	●	●	●	●	●	-	●
استقرار در تراز نام	-	-	-	●	-	-	●	●	-

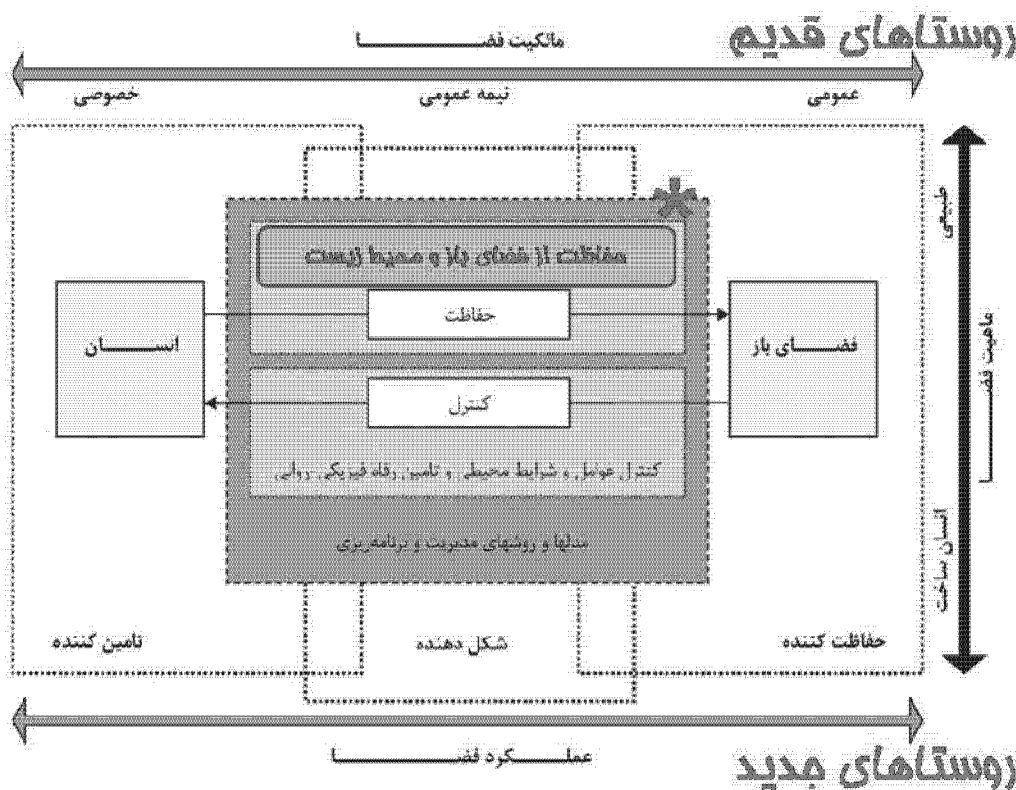


عوامل شکل دهنده خاصه در مناطق روستایی در حال استحاله را نمی توان به یک عامل نسبت داد و یا به طور مجزا بررسی نمود، زیرا کنش‌هایی که مابین عوامل متعدد در شکل گیری فضای باز و بسته رخ می دهد، در اثر پیچیدگی‌هایی است که در رابطه با تعامل و تقابل میان آنها وجود دارد. این ترکیب به بسیاری از نیازهای ساکنین اعم از مادی و معنوی مانند تفکیک محدوده خصوصی و عمومی، حریمیت، امنیت، آسایش اقلیمی، روابط اجتماعی و همسایگی و ... به طور همزمان پاسخ می دهد و همچنین با توجه به موقعیت مکانی و

گونه‌های مسکن بیانگر تداخل عوامل پیچیده و پرشمار، کنش و واکنش‌های متقابل آنهاست. ترکیب بندی فضای باز و بسته در سکونتگاه‌های بومی روستایی از نظام خاصی تبعیت می کند و تلفیق این دو فضا حاکی از سازماندهی آگاهانه و هوشمندانه آن بوده است. شکل این فضاها به همان اندازه که متأثر از عوامل طبیعی است از ساختارهای ذهنی و اجتماعی بشر نیز تأثیر پذیرفته است و در جهت پاسخ گویی به عوامل مختلف اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی موجود در روستا نقش مکمل را ایفا می نماید. بنابراین، ترکیب فضای باز و بسته را از نظر

زمانی و عملکردی بنا، تأثیر یک عامل به عامل دیگر بارزتر و یا کم‌رنگ‌تر می‌باشد. در بسیاری از موارد به دلیل جاذبه‌هایی که ساخت و سازهای مشابه الگوهای شهر برای روستائیان داشته و منفی انگاشته شدن راه حل‌های بومی به دلیل تبلیغات منفی (به عنوان مثال الگوی کپر و کپرنشینی) باید با توضیح و فرهنگ سازی ارزشهای سنتی مرتبط با مسکن بومی را مجدداً احیاء کرد. از سویی دیگر، فضای باز از حیث وجودی عنصری مهم و از حیث ماهیتی، موضوعی پیچیده است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر جامعیت بیشتر مفاهیم برنامه ریزی- مدیریتی و سپس حفاظتی زیست محیطی در فضاهای باز است که اغلب از محدوده فضاهای داخلی شهر فراتر رفته و نواحی حومه‌ای و حتی روستایی را نیز شامل می‌شود.

روشها، مدلها و تأثیرات هر یک از شیوه‌های مدیریتی و برنامه ریزی شهری- منطقه‌ای بر تأمین نقشهای کلیدی فضاهای باز و مهمتر از همه نقش حفاظت کنندگی از اولویتهای معاصر است. همزمان توجه و آفری نیز به شیوه تنظیم شرایط محیطی توسط فضاهای باز و تأثیرات روحی، حسی- روانی تعامل انسان با چنین فضاهایی دیده می‌شود. نسبت انسان- فضای باز، با رویکرد حفاظت همراه است و نسبت فضای باز- انسان با رویکرد کنترل توأم می‌باشد. مدلها و رویکردهای برنامه ریزی- مدیریتی، جایگاه و ماهیت میانه‌ای در این مدل دارند چراکه علاوه بر قابلیت شکل دهنده ذاتی خود، همواره در بخشهای تأمین کنندگی و حفاظت کنندگی نیز حایز توجه هستند. بایستی توجه داشت که فرهنگها خاصه در روستاها در



نمودار ۵. مدل مفاهیم پایه در رویکردهای غالب معاصر در پژوهشهای فضای باز (همانگونه که در مدل ارائه شده آمده است، می‌توان دریافت که در مناطق روستایی قدیمی در برابر روستاهای جدید در حال استحاله، چون ماهیت طبیعی فضا بیشتر است، پس حفاظت از فضاهای باز و توجه به مسائل زیست محیطی اهمیت بیشتری داشته و موضوعیت کنترل و نظارت بر این مناطق اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

شرایط معاصر ایستا نیستند و در طول زمان تحول پیدا می کنند. این تحولات در عصر جهانی شدن اقتصاد و اطلاعات تسریع شده است. هنگامی که تحولات فرهنگی و اجتماعی در زمانی کوتاه شدید و خارج از کنترل باشد، کالبد شهر که ماهیتاً دارای تغییرات کند است قادر نیست در همان بازه زمانی با این تحولات منطبق شود و نابسامانی های شهری در همین شرایط است که به ظهور می رسد. در واقع چنین شرایطی فاصله میان عینیت (کالبد فیزیکی) و ذهنیت (نهفته های اجتماعی و انتظارات جامعه) بیشتر و بیشتر شده و بین خواست و ذهنیت جامعه از محیط مطلوب و عینیت کالبدی فاصله زیادی ایجاد می شود و محیط کالبدی دیگر پاسخگوی انتظارات ذهنی گوناگون افراد نخواهد بود. در شرایط اجتماعی منسجم که دارای سنت و عرف تثبیت شده بوسیله نظارت اجتماعی می باشد، نیاز به اعمال ضوابط و قوانین متعدد و کنترل های ریزپردازانه به حداقل می رسد و تغییرات اجتماعی نیز تغییرات کالبدی را به دنبال خود خواهد آورد. اما در جوامعی که این هماهنگی و همزمانی وجود ندارد کالبد شهر پاسخگوی نیازهای اجتماعی نخواهد بود و در نتیجه نیاز به اصول و معیارهایی که بتواند محیط منسجمی به وجود آورد بسیار بیشتر احساس می شود. در چنین وضعیتی است که بایستی از سایر سیاست های ممکن استفاده کرد تا فرایند ایجاد این هماهنگی را تسریع ببخشند. در چنین وضعیتی دیگر فرهنگ و سنت و عرف پاسخگو نبوده و طراحی شهری ناگزیر است از راهکارهای دیگری برای سامان دادن به محیط کالبدی شهر بهره جوید. در چنین شرایطی مهم ترین مسئله ترکیب ساختمانها با یکدیگر است.

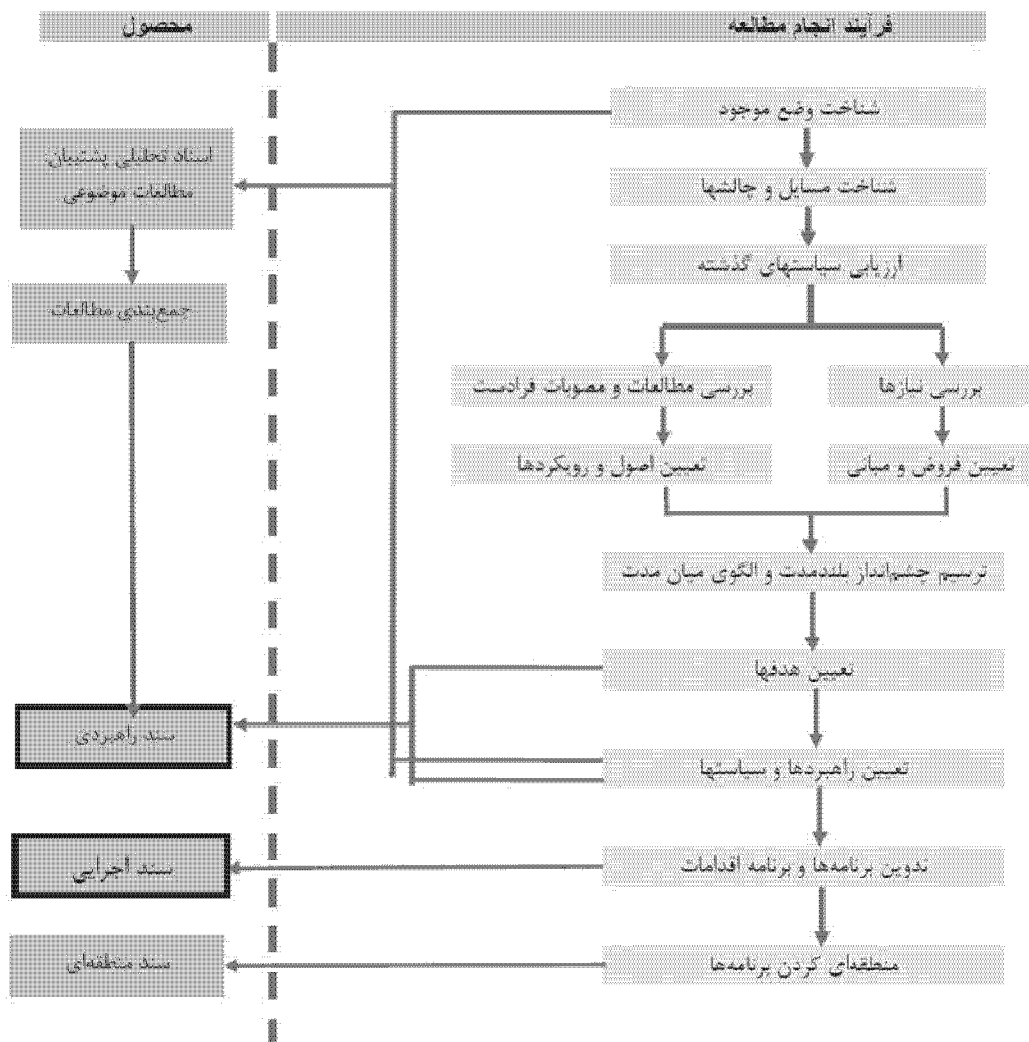
در پایان باید گفت که راه حل های بومی مرتبط با سازماندهی فضای باز درخشان ترین الگوها برای پاسخ دهی به مسائل اقلیمی و معیشتی بوده و در پس ظاهر نه چندان مطلوب آنها می توان محتوای بسیار ارزنده ای را که تبلور قرنها تجربه است، مشاهده نمود؛ به همین دلیل باید با باززنده سازی عناصر محتوایی آنها به شکلی امروزی این

شیوه ها را هم چنان زنده نگاه داشت.

در انتها پیشنهاد می شود در راستای انجام مطالعات بهینه و مناسب در زمینه هماهنگ سازی تأثرات اجتماعی - فرهنگی و طراحی مسکن روستایی با تأکید بر فضاهای باز روستایی در ایران و کارآمدسازی تدوین طرح های پژوهشی و رویه اجرایی حاکم بر آن از نمودار صفحه بعد به عنوان الگوی فرآیندی استفاده گردد.

منابع و ماخذ

- (۱) اردلان، نادر و لاله، بختیار (۱۳۸۰) حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران.
- (۲) افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- (۳) افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۸.
- (۴) بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۵) برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، نشر خاک.
- (۶) پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
- (۷) تانکیس (۱۳۸۸) فرم، فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل های شهری). ترجمه پارس، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.
- (۸) تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
- (۹) جیکوبز، جین (۱۳۸۶) زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا، مترجم: پارس، حمیدرضا؛ افلاطونی، آرزو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۰) حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)؛ فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۴. ۱۳۸۰.
- (۱۱) حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
- (۱۲) حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات



- واقعه ای و خاطره های جمعی، مجله صفا، سال نهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- (۱۳) دانشپور، عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، فصلنامه باغ نظر، سال ۴، شماره ۷، بهار و تابستان ۸۶.
- (۱۴) راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه رضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- (۱۵) راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
- (۱۶) راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
- (۱۷) راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
- (۱۸) رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
- (۱۹) غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) انسان‌شناسی فضای خانگی شهری؛ از مطلوبیت تا واقعیت، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر فکوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- (۲۰) فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
- (۲۱) لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر، ترجمه منوچهر

space in a residential sorting model of twin cities. *Journal of environmental economics and management*, 60: 57-77.

(35) Kotchen, M. et al. (2006). Explaining the appearance and success of voter referenda for open-space conservation. *Journal of environmental economics and management*, 52: 373-390.

(36) Kruger, F.L. et al. (2011). Impact of urban geometry on outdoor thermal comfort and air quality from field measurements in Curitiba, Brazil. *Building and Environment*, 46: 621-634.

(37) Lo, A.Y., Jim, C.Y. (2010). Willingness of residents to play and motives for conservation of urban green spaces in the compact city of Hong Kong. *Urban Forestry & Urban Greening*, 9: 113-120.

(38) Li, W. et al. (2007). Simulating the sheltering effects of windbreaks in urban outdoor open space. *Journal of wind engineering and industrial aerodynamics*, 95: 533-549.

(39) Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. London: Routledge Pub.

(40) Mandeli, K.N. (2010). Promoting public space governance in Jeddah, Saudi Arabia. *Cities*, 27: 443-455.

(41) McConnachie, M., Shackleton, C.M. (2010). Public green space inequality in small town in south Africa. *Habitat International*, 34: 244-248.

(42) Muruani, T., Amite-Cohen, I. (2007). Open space planning models: a review of approaches and methods. *Landscape and Urban planning*, 81: 1-13.

(43) Nikolopoulou, M., Lykoudis, S. (2007). Use of outdoor and microclimate in Mediterranean urban area. *Building and environment*, 42: 3691-3707.

(44) Samadhi, T.N., Tantayanusorn, N. (2006). Reinventing religious land as urban open space: the case of kuang in Chiang Mai (Thailand). *Habitat International*, 30: 886-901.

(45) Simeoforidis, Y. (1993). On landscape and open spaces. *Arch. & Behave.*, 3: 321-327.

(46) Sugiyama, T., Thompson, C. W. 2008. Associations between characteristics of neighborhood open space and older people's walking. *Urban forestry & urban greening*, 7: 41-51.

(47) Tan, S., fwa, T. (1992). Influence of pave-

زمینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

(۲۲) لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۷۵) پدیدارشناسی، ترجمه

عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی.

(۲۳) ماجدی، حمید و زرآبادی (۱۳۸۹) شهر نشان دار

به مثابه شهر زمینه گرا، فصلنامه تحقیقات فرهنگی،

شماره ۳.

(۲۴) مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری

نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد

مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی.

(۲۵) مظفر، فرهنگ و اسدپور (۱۳۹۳) تحلیل توپولوژیک

فضاهای باز در الگوهای مسکن بومی؛ پژوهشهای منظر

شهری، سال اول، شماره ۱.

(26) Anderson, S.T., West, S.E. (2006). Open space, residential property values, and spatial context. *Regional science and urban economics*. 36: 773-789.

(27) Bowman, T. et al. (2009). Valuation of open space and conservation features in residential subdivisions. *Journal of environmental management*, 90: 321-330.

(28) Coombes, E. et al. (2010). The relationship of physical activity and overweight to objectively measured green space accessibility and use. *Social science and medicine*, 70: 816-822.

(29) Corti, B. et al. (2005). Increasing Walking; How important is distance to, attractiveness, and size of public open space? *American Journal of Preventive Medicine*, 28: 169-176.

(30) Cosco, N.G. et al. (2010). Behavior mapping: a method for linking preschool physical activity and outdoor design. *Official journal of American college of sports medicine*, 42: 513-519.

(31) Geoghegan, J. (2002). The value of open spaces in residential land use. *land use policy*, 19: 91-98.

(32) Germeraad, P.W. (1992). Islamic traditions and contemporary open space design in Arab-Muslim settlements in Middle East. *Landscape & Urban Planning*, 23: 97-106.

(33) Kang, J., Zhang, M. (2010). Semantic differential analysis of the soundscape in urban open public spaces. *Building and environment*, 45: 150-157.

(34) Klaiber, H. et al. (2010). Valuing open

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۲۴

- ment materials on the thermal environment of outdoor spaces. *Building and Environment*, 27: 289-295.
- (48) Thompson, C. W. (2002). Urban open space in 21st century. *Landscape and urban planning*, 60: 59-72.
- (49) Turel, H.S. et al. (2007). Evaluation of elderly people's requirements in public open spaces: a case study in Bornova District (Izmir, Turkey). *Building and Environment*, 42: 2035-2045.
- (50) Walton, D. et al. (2007). The relative influence of wind, sunlight and temperature on user comfort in urban outdoor spaces. *Building and environment*, 42: 3166-3175.
- (51) Wu, J.J. Planting, A.J. (2003). The influence of public open space on urban spatial structure. *Journal of environmental economics and management*, 46: 288-309.
- (52) Aiello, Antonio; Ardone, Rita Grazia&Scopelliti, Massimiliano 2010. Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome. *Journal of Evaluation and Program Planning*, 33: 264- 275.
- (53) Amérgo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1990. Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10: 313-325.
- (54) Amérgo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1997. A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology*, 17: 47-57.
- (55) Amole, Dolapo 2009a. Residential Satisfaction and Levels of Environment in Students' Residences. *Journal of Environment and Behavior*, 41: 866-879.
- (56) Amole, Dolapo 2009b. Residential Satisfaction in Students' Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 29: 76-85.
- (57) Arbuckle, James 2009. *Amos 18 User's Guide*, Chicago, SPSS Inc.
- (58) Bonaiuto, Marino; Aiello, Antonio; Perugini, Marco; Bonnes, Mirilia&Ercolani, Anna Paola 1999. Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in the Urban Environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19: 331-352.
- (59) Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando&Bonnes, Mirilia 2006. Perceived Residential Environment Quality In middle-And low-Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée/European Review of Applied Psychology*, 56: 23-34.
- (60) Canter, David V. 1977. *The Psychology of Place*, London, Architectural Press.
- (61) Canter, David V.; Rees, K.A. 1982. Multivariate Model of Housing Satisfaction. *International Review of Applied Psychology*, 32: 185-208.
- (62) Gaitani, N.; Mihalakakou, G.&Santamouris, Mat 2007. On the Use of Bioclimatic Architecture Principles in Order to Improve Thermal Comfort Conditions in Outdoor Spaces. *Journal of Building and Environment*, 42: 317-324.
- (63) Ge, Jian; Hokao, Kazunori 2006. Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 78: 165-178.
- (64) Gifford, Robert 2002. *Environmental Psychology: Principles and Practice*, Canada, Optimal Books.
- (65) Hur, Misun; Morrow-Jones, Hazel 2008. Factors That Influence Residents' Satisfaction with Neighborhoods. *Journal of Environment and Behavior*, 40: 619-635.
- (66) Hur, Misun; Nasar, Jack L.&Chun, Bum-seok 2010. Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived Naturalness and Openness. *Journal of Environmental Psychology*, 30: 52-59.
- (67) Kearney, Anne R. 2006. Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction: Impacts of Density and Nearby Nature. *Journal of Environment and Behavior*, 38: 112-139.
- (68) Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy 1986. *Housing as If People Mattered: Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing*, Berkeley, University of California Press.
- (69) Mesch, Gustavo S.; Manor, Orit 1998. Social Ties, Environmental Perception, and Local Attachment. *Journal of Environment And Behavior*, 30: 504-519.

(70) Thorsson, Sofia; Lindqvist, aria&Lindqvist, Seven 2004. Thermal Bioclimatic Conditions and Patterns of Behaviour in an Urban Park in Goteborg, Sweden. International Journal of Biometeorol, 48: 149–156.

(71) Waxman, Lisa Kinch 2004. More Than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design. Ph.D. Thesis, Florida State University.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۲۶

تبارشناسی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ادبیات داستانی بر معماری شهری با رویکرد تحلیل ساختاری و هرمنوتیک

رضا کشاورز نوروپور* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران.
لیلا کریمی فرد - هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران.

Genealogy impact and influence on urban fiction approach to structural analysis and hermeneutics

Abstract

In addition to the feature story narrative means to express concepts related to the themes that are of particular cultural and historical impression is left. If it is accepted that the architecture of the historical and cultural developments of the summit and is influenced history, We can review the literature on the effectiveness of the architecture and vice versa, the issue seems inevitable; If a written clarification of the type described concepts such as buildings, in line with the attitude of architecture at the same time. In the theoretical literature research study, descriptive and inferential analysis of the cognitive, developmental and structural analysis method is It emerged that the foundations and principles of hermeneutics and result of the relationship between literature and architecture and urban continuum or how likely benefited. The results show that the interpretive hermeneutic dialogue and mutually description artist reveals that after the operation there. Artist (whether in architecture or in fiction) needs; Interpreter also needs to detail and artistic practice needs to fulfill description. Reveal the differences in the interpretation of art and artistic practice, but should not cause two minds cognitive boost. The concept of commitment phenomenal concepts, historical interest, momentum and continuity, dialectical relationships, and ideas from the literature on architecture and architectural in narrative fiction, in various ways, and refers to the summit.

Keywords: fiction, space and urban architecture, and interpretive hermeneutic approach, motion and continuity of ideas.

چکیده

داستان علاوه بر ویژگی روایی، ابزاری برای بیان مفاهیم گوناگون در رابطه با مضامینی بوده است که در دوره های تاریخی تاثیرات و تأثرات فرهنگی ویژه ای بر جا گذاشته است. چنانچه پذیرفته شود که معماری نیز از همین منابع تحولات تاریخی و فرهنگی در اطوار و ادوار تاریخ تاثیر پذیرفته باشد، می توان دریافت که امکان بررسی میزان تاثیرگذاری ادبیات داستانی بر معماری و بالعکس، مقوله ای قابل تامل بنظر می رسد که بایستی در حوزه نظری مورد پژوهش قرار گیرد. فرارگیری داستان به عنوان نوشتار متناسب با فضا و مکان، به خوبی نظر هنرمند را به بیننده منتقل می نماید؛ چنانچه با تدقیق در نوشتارها دریافت می شود که نوع به کارگیری مفاهیم مختلف از جمله توصیف ابنیه، همراستا با نوع نگرش به معماری در همان زمان بوده است. روش تحقیق پژوهش حاضر در مرحله ادبیات نظری، توصیفی و تحلیلی و در مرحله تحلیل شناختی، روش تکوینی و تحلیل ساختاری است که از مبانی برآمده و منتج از اصول هرمنوتیکی و تفسیرشناختی برای بررسی ارتباط و پیوستاری و یا نحوه تعامل احتمالی ادبیات داستانی و معماری شهری بهره برده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که گفت و گوی هرمنوتیکی مفسر و هنرمند متقابلا پیش انگارهایی را که در پس هر دو عمل وجود دارد آشکار می سازد. هنرمند (چه در حوزه معماری و چه در حوزه ادبیات داستانی) نیاز دارد که از مفروضات و ضرورت های افق های بلافلسف رها شود و مفسر نیز به جزئیات و ضرورت های عمل هنری نیاز دارد تا تفسیر هایش را محقق سازد. هویدا ساختن تفاوت های تفسیر هنر و عمل هنری نباید باعث قوی شدن دو ذهنیت شود بلکه باید شناختی را تقویت کند که نه تنها هر نظر گاهی چیزی از خود در دیگری دارد، بلکه می تواند چیزی را که از خود است با بیانی قوی تر درون دیگری و برای او ارائه دهد. این مفهوم به التزام پدیداری مفاهیم فضامندی، تاریخی مندی، حرکت و تسلسل، دیالکتیک روابطی، و ایده پردازی از دل ادبیات داستانی بر معماری و یابالعکس معماری در روایتگری داستانی، به انحاء و اطوار گوناگون اشاره دارد که نشان از اسن دارد که بین ادبیات قصه نویسی و معماری ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و این مورد در ادبیات و معماری کهن و مدرن می تواند نمود داشته باشد.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، فضا و معماری شهری، رویکرد هرمنوتیکی و تفسیری، حرکت و تسلسل و ایده پردازی.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۳۹۶۹۳۰، رایانامه: Rezakeshavarz6@gmail.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول استخراج شده است که از راهنمایی دکتر لیلا کریمی فرد بهره برده است که بدینوسیله مراتب سپاس و امتنان خویش را اعلام می دارد.

اگر خط راست کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه گریز ناپذیر باشد. انحراف از مسیر آن را طولانی‌تر می‌کند و اگر این انحراف بسیار پیچیده، در هم و برهم و پیچ در پیچ شود، آن قدر سریع که ردپای خودش را نیز پاک کند، چه کسی می‌داند- شاید مرگ ما را نیابد، شاید زمان راهش را گم کند و شاید بتوانیم در مخفی‌گاههای متحرکمان پنهان بمانیم (کارل لوی از شش گفتار برای هزاره بعدی ایتالوکالوینو: *Vintage*, ۱۹۹۲)

مقدمه

تشریح یک بنا، بلکه در شیوه‌های طراحی نیز عنصری کلیدی است. از اندیشه گردشگاه معمارانه لوکوربوزیه تا موزه یهود دانیل لیبسکیند در برلین، چشم‌اندازها بسته و باز می‌شوند و جاده‌ها و مسیرها می‌چرخند و لایه لایه می‌شوند تا به نمایشی فضایی و تعلیقی مضاعف برسند. همان‌گونه که معماران مجذوب روایت شده‌اند، نویسندگان نیز مجذوب معماری‌اند. از هزارتوی ددالوس گرفته تا خانه‌های ادگار آلن پو و «شهرهای نامرئی» ایتالو کالوینو، معماری تخیل عمومی را با فهرستی بی‌انتهای از خانه‌های پر رفت‌وآمد و گذرگاه‌های شنی، پوشش داده است. [داستان] تنها با فرهنگ عمومی پشتیبانی نمی‌شود، بلکه فضا نیز موثر است. این فضاها در طول قرن‌ها، همچون یک عمارت روشنفکرانه که رگه‌های اندیشه ریاضی، کیهان‌شناسی، موسیقی، نقاشی و ادبیات در آن به یکدیگر رسیده و به نحو شاعرانه‌ای پیوند یافته‌اند، عمل نموده‌اند. فرانس بیس در «هنر حافظه» به تشریح چگونگی تقویت حافظه به واسطه‌ی معماری و گونه‌های معمارانه که از زمان‌های بسیار دور مدلی برای حافظه بوده می‌پردازد. برای یک سخنران، بازخوانی حافظه به واسطه‌ی پیوستگی لحظات در روایت و توالی در فضاهای یک ساختمان ممکن می‌گردد. همچنان که معماری مسیر حافظه را تقویت می‌کند، به‌عنوان مدل چارچوبی برای کاستن مشکلات آن است. این مقاله مقدمه‌ای انتقادی بر میراث و آرمان‌های نظریه هرمنوتیک و بررسی ارتباط آن با فهم، نظریه و عملکرد تاثیرپذیری و تاثیرگذاری ادبیات داستانی و معماری است که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مواد و روشها

در هر پژوهش، در گام نخست باید مساله تحقیق محدود، مشخص و «قابل پژوهش» شود. دیدن یک پدیده در منظومه‌ای از عوامل، به سهولت نگرستن به آن در

معماری دارای مفاهیم و معانی خاص به خود است؛ حتی کوچکترین جزء شکل‌دهنده، در یک اثر معماری دارای مفهوم و معنی خاص به خود است. ضعف ما در سده‌های اخیر، معلولی بوده ناشی از فراموشی مفاهیم، معانی و هر آنچه که گذشتگان ما برای ما به ارث نهاده‌اند. قصه نویسان در تمامی ادوار پرمایه‌ترین کلمات را بیان می‌کرده‌اند و از سرچشمه غنی معارف برای خلق نوشتار مکتوب سودجسته و گفتگویی بی‌زمان را در سناریوی تاریخ رقم زده‌اند. قصه‌ها و داستانها واقعیت را به تجرید می‌کشد و معماری از تجربه‌ها به سمت واقعیت حرکت می‌کند و یک احساس متعالی را از پس خطوط به یک فضای ملموس مبدل می‌سازد؛ همانگونه که افراد گوناگون می‌توانند برداشت‌های متفاوتی از قصه‌های یکسانی داشته باشند (خمیسی، ۱۳۸۹). آثار هنری از گذشته دور در فرهنگ‌های مختلف و در واقع در دنیای معاصر مسئله‌ی مشابهی را مطرح کرده‌اند: به راحتی قابل فهم نیستند، معماگونه به نظر می‌رسند و ممکن است مبهم به نظر آیند. هدف هرمنوتیک معاصر را بازیابی «صدای» آن دسته از آثار هنری توصیف کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند واضح و بی‌واسطه «سخن بگویند». باید گفت که معماری نوعی فعالیت ذهنی است که به فرم، فضا، برنامه و مصالح مربوط می‌شود. ولی وقتی درباره یک ساختمان صحبت می‌کنند، گویی روایتی را شرح می‌دهند که تماشاگری فرضی را تحت تاثیر قراردادها و او را به سیروسفری درون فضایی می‌برد. از این رو وقتی معماری به‌صورت یک فعالیت در نظر گرفته می‌شود، ساختمان به عنوان چیزی برای تجربه تلقی می‌گردد. این تجربه در راهی پیش می‌رود و به‌موقع خود را آشکار می‌سازد. از نظر برخی معماران، روایت فضایی، نه تنها در روش‌های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۲۸

سیستمی از داده‌های طبقه بندی شده نیست. برای بررسی یک پدیده اجتماعی- تاریخی در منظومه‌ای از عوامل برای آنکه تصویر به دست آمده از آن در انتها، نسبت هرچه نزدیکتری با واقعیت داشته باشد، می‌بایست هرچه می‌توانیم از زاویه نقاط بیشتری در آن منظومه به پدیده نگریست. بدیهی است که در منظومه اطراف هر موضوعی بی‌نهایت زاویه دید وجود دارد. پس اگر دقت و اعتبار پژوهش را به تعداد زوایایی که به پدیده می‌نگریم، وابسته کنیم، راه سختی را در پیش گرفته‌ایم. یکی از راه‌های این مساله «محدود کردن موضوع» است. به این ترتیب که با پرداختن به یک امر مشخص نیاز پژوهش برای پرداختن به یک موضوع از زوایای مختلف را کاهش دهیم؛ زیرا منطقی است که برای دیدن یک امر مشخص نسبت به یک امر عام، پژوهش می‌تواند با حجم کمتری از یافته‌ها مستدل شود. همچنین در پژوهشی جامعه‌شناسانه با دیدی کلی به جامعه، نیازمند آن هستیم که از این روش تا جایی بهره بگیریم که در الگوی انسان‌شناسانه برای توصیف صرف پدیده‌ها نیفتیم. **حل کردن این مساله یعنی دیدن یک امر مشخص و از خلال آن پرداختن به امر عام، دغدغه این پژوهش است.** به این ترتیب مطالعه موردی (یک مورد معماری، به جای یک محدوده یا شهر) به نظر مناسب می‌رسد. لذا باید گفت که از نظر پژوهشگر رساله، موضوع مشخص پژوهش می‌بایست

از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که نمونه مناسبی از تبلور دغدغه‌های ماهوی در معماری شهری است، بتواند برخورد عوامل مختلف منجمله تاثیرات و تاثرات فرهنگی- اجتماعی را در کالبد معماری و یا بالعکس را نشان دهد. بر این اساس، مطابق با مفاهیم تفسیری- هرمنوتیکی تاثیرگذاری و اثربخشی ادبیات داستانی بر معماری شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد تحقیق: رویکرد مورد نظر در تحقیق که محقق از آنها در بحث تاثیر و تاثرات ادبیات داستانی بر کالبد و فضای معماری بهره برده است و به نوعی دورنمای تحقیق پژوهشگر در واکاوی بنیانهای نظری تحقیق و راهگشای رهیافتهای عملی آن بوده است، عبارتند از:

۱- **رویکرد تکوینی:** تحقیق تکوینی به تحقیقی اطلاق می‌شود که درصدد یافتن «علت تکوین و ایجاد یک پدیده یا موضوع تحقیق» است. در رویکرد تکوینی رابطه میان عوامل، تعریف شده و موثر بر یکدیگر، خطی دیده نمی‌شود. به این معنی که عوامل تاریخی با تاثیر یک‌سویه موجب ایجاد یک پدیده نمی‌شوند، بلکه مجموعه نیروها بر یکدیگر اثر متقابل می‌گذارند و در این تاثیرات متقابل یا دیالکتیکی، هیچ عاملی بر عامل دیگر برتری ندارد و نقش اصلی را ایفا نمی‌کند؛ بلکه این مجموعه عوامل هستند که بر شکل‌گیری آن تاثیر می‌گذارند. شاید آنچه ذکر شد، منطبق با رویکرد سیستمی فرض شود؛ ولی در واقع کاملاً با آن تفاوت

۱. تعدادی از رویکردهای معماری که تاکنون مطرح شده‌اند و صاحب‌نظران متعددی در مورد آنها به ارائه فرضیه و تئوری پرداخته‌اند، عبارتند از: «رویکرد تاریخی»، هدف اصلی رویکرد تاریخی در نگاه به یک بنا، تعیین تاریخ آن است. مشخص شدن تاریخ بنا به معنی شناخت شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنا است. در واقع شناخت تاریخ یک اثر به معنی پیوند دادن آن با گذشته اثر است. از صاحب‌نظران این رویکرد وینکلن- معمار و باستان‌شناس آلمانی- و باقر آیت‌الله زاده شیرازی را می‌توان نام برد. «رویکرد فرهنگی- اجتماعی»: هدف اصلی معماران در رویکرد فرهنگی- اجتماعی، شناخت اجتماع، فرهنگ و مردم شناسی به وسیله ی بنا و معماری عامیانه می‌باشد. آموس راپاپورت، پل الیور (Shelter and Society) و بیل هیلیر (Space is the Machine, 1982) از صاحب‌نظران این رویکرد هستند. «رویکرد معنا گرا (سنت گرا)»: دغدغه معماران در رویکرد معنا گرا، شناخت معانی و مفاهیم نهفته در اثر معماری است و عمدتاً دارای ویژگی نمادپردازه‌ای است. از متفکران این رویکرد میتوان به تیتوس بورکهارت (هنر مقدس)، سید حسین نصر (هنر و معنویت اسلامی) و نادر اردلان (حس وحدت) اشاره کرد. «رویکرد عملکردگرا»: هدف معماران عملکردگرا، تاکید بر ویژگی‌های کاربردی معماری است. نقطه اوج و نماد این تفکر، ماشین است. چون کاملاً عملکردی است و کوچکترین پیچ آن هم کاربردی است. از متفکران این رویکرد می‌توان به هرمان موتسیوس و لویی سالیوان (با طرح شعار فرم از عملکرد پیروی می‌کند) اشاره کرد. «رویکرد فرم گرا»: هدف پیروان این رویکرد، جنبه‌های زیبایی‌شناسانه فرم است. تناسبات، پر و خالی و ترکیب بندی و گونه شناسی فرم مورد توجه این رویکرد است. از متفکران این رویکرد می‌توان به لویی دوران (دقت و تاکید بر درسهای معماری)، کلاوس هرگد (ساختار و شکل در معماری ایران و ترکستان)، راب کرایر (ترکیب بندی معماری) و استدمن (مورفولوژی معماری) اشاره کرد. «رویکرد فضاگرا»: دغدغه این رویکرد فضا، حرکت در آن و کشف فضا می‌باشد. از متفکران این رویکرد می‌توان به زیگفرید گیدئون (فضا- زمان و معماری)، برونو زوی (Poetica dell'architettura neoplastic)، جان هیدک (The Education of an Architect) اشاره کرد. «رویکرد تکنولوژی گرا»: دغدغه اصلی این رویکرد، تکنولوژی و زیبایی شناسی جدیدی است که در ابتدای قرن بیستم توسط مارتین هیدگر در کتاب فلسفه تکنولوژی مطرح شد. بنابر این، در معماری هم آشکار کردن مظاهر تکنولوژی در ساختمان، مزیت به شمار آمد. از متفکران این رویکرد می‌توان به پیتر کوک (Morphosis: Buildings and Projects)، ریچارد راجرز و رنزو پیانو اشاره کرد. «رویکرد طبیعت گرا»: دغدغه این رویکرد طبیعت، محیط زیست، چرخه زندگی و پایداری است که در دو دهه آخر قرن بیستم بسیار مورد توجه معماران قرار گرفته است. از متفکران این رویکرد می‌توان به الگی (Design with Climate)، جان لنگ (آفرینش نظریه معماری) اشاره کرد.

دارد، زیرا اگرچه در رویکرد سیستمی نیز تک‌عاملی بحث نمی‌شود و عناصر مختلف سیستم برهم تاثیر می‌گذارند ولی این رویکرد مانند «پارسونز» یا «لومان» مدعی است که «می‌تواند به جهان و جامعه موجود توصیفی سودمند و رسا عرضه کند که وجه تمایز آن توانایی بالقوه برای تجزیه و انحلال و ترکیب مجدد است» (مولر، ۱۳۷۹، ص ۳).

ادعای این نظریه برای درک کلی و عام موضوع خویش، بدین معنا که «در مقام یک نظریه اجتماعی به همه مسائل اجتماعی می‌پردازد و نه فقط به بخشها یا قطعاتی محدود» مورد مناقشه است؛ زیرا این رویکرد نظریه پدیده اجتماعی را به قطعات و اعضا آن تجزیه می‌کند و از خلال این تجزیه روابط آنها را می‌کاود. در واقع این نظریه به جزییات منفرد یک سیستم می‌پردازد؛ ولی روش تکوینی به تفرّد و تشخیص پدیده‌های اجتماعی در طول تاریخ اذعان دارد و از ارائه تحلیل کلی راجع به همه مسائل پرهیز می‌کند. در واقع رویکرد تکوینی، پدیده را تجزیه نمی‌کند بلکه یک «امر مشخص جزئی» را (که در تمامیت خود عناصری از کلیت را حمل می‌کند) از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد. این رویکرد برای فهم آنچه در تاریخ و جامعه اتفاق می‌افتد تا جایی که روابط میان عوامل انسانی اهمیت می‌دهد که روان‌شناسی نیز در آن مهم تلقی می‌شود و هر فرد اجتماعی یا تاریخی پدیده‌ای است که در هستی خویش زیست می‌کند، رابطه‌ای متقابل با آن دارد. درحالی‌که در نظریه سیستمی «منظور از اشخاص بیشتر ساختارهای خودسازی سیستم‌های اجتماعی است تا سیستم‌های روانی یا انسان‌های کامل». این جهت پژوهشگر از رویکرد منظومه‌ای برای سامان دادن به یافته‌ها سود می‌جوید؛ به جای آنکه آنها را در یک سیستم جمع کند. «مارتین جی» رویکرد منظومه‌ای «والتر بنیامین» را اینگونه تعریف می‌کند: «خوشه‌ای از عناصر متغیر که کنار هم چیده می‌شوند، ولی در هم تنیده نمی‌شوند و نمی‌توان آنها را به مخرج مشترک یا هسته یا اصل نخستین فروکاست».

روش تحقیق: روشهای مورد نظر در این تحقیق عبارتند از:

۱- **روش تکوینی:** روش این پژوهش نیز با توجه به رویکرد نظری آن، «روش تکوینی» است. برای توضیح روش می‌بایست ابتدا مفاهیم به کار رفته در آن شرح داده شود. در روش تکوینی، پژوهشگر در بند تعاریف مفاهیم در نخستین گام نیست، بلکه می‌کوشد «قانون درونی را جستجو کند که بنا بر آن قانون، کل، تکوین می‌یابد؛ یا لاقلاً می‌توان تصور کرد که کل را می‌آفریند» (وبر، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹)؛ بنابراین، این روش «بودن» یک پدیده را مدنظر قرار نمی‌دهد بلکه در مسیر «شدن»، تغییرات گذشته آن را بفهمد. این روش ناظر بر همان رویکرد نظری است که حکم تکوینی را بر واقعیت تعریف شده اولویت می‌دهد و واقعیت اجتماعی برای آن یک پدیده بیرونی نیست که بتوان با تعریف منطقی، آن را در دایره عقل آورد و به کمک ذهن آن را شناخت بلکه واقعیت اجتماعی، هستی‌پویایی است که انسان نیز جزئی از آن است و در فرایندی تکوینی و از خلال حکمها و قوانینی که بر اثر توافق اجتماعی حاکمیت می‌یابند، شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. درست بر عکس رویکرد مدرسی فلسفه تاریخ که در آن «هستی از همان آغاز به گونه‌اندیشه پنداشته می‌شود و به صورت مفهوم در می‌آید و با مشتق شدن از اندیشه محمول آن واقع می‌شود» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). در رویکرد تکوینی «طبیعت، واقعیت نخستین و اندیشه، واقعیت دومین است و به گفته فویرباخ هستی موضوع و اندیشه محمول است. اندیشه از هستی برمی‌خیزد ولی هستی از اندیشه بر نمی‌خیزد» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). لذا «فرد تاریخی» وبری نیز ناظر بر پدیده منحصر به فرد تاریخی است که در آن فرایند همین تکوین شکل می‌گیرد. پدیده‌ای منحصر به فرد و تکرارناپذیر که بر اثر تداخل نیروهای مشخص در لحظه تاریخی و محدوده جغرافیایی معین حاصل می‌شود؛ بنابراین هر کدام «مسکن‌های مورد مطالعه پژوهش» به مثابه یک «فرد تاریخی» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ادبیات و مبانی نظری

تعریف داستان و تفاوت آن با قصه

قصه به هر اثر هنری منثور گفته می شود که بیش از آن که از لحاظ تاریخی حقیقت داشته باشد، آفریده و ابداع نیروی خلاق و هنر نویسندگی باشد. قصه ممکن است بر اساس تاریخ و واقعیت ساخته شود یا به کل از قوه تخیل نویسندگی سرچشمه بگیرد. در هر دو حال صفت متمایز آن این است که به قصد لذت روحانی خواننده ابداع میشود و تا حدی نیز به منظور آموزش دادن او؛ به عبارت دیگر قصه در وهله اول به دل خواننده، به احساسات و عواطف او متوسل می شود و در درجه دوم به خرد و قدرت استدلال او. قصه استادانه مخاطب را وا می دارد که فکر کند ولی قصد اصلی همه قصه ها این است که به مخاطبین امکان دهند که حس کنند (دانش آذر، ۱۳۸۶). داستان یک سلسله وقایع حقیقی یا غیر حقیقی است که به طور زنده و آمیخته با جزئیات بیان شده باشد به نحوی که متخیله خواننده یا مستمع بتواند آن ها را آنآ مجسم کند (سی بروکس، ۱۳۵۳، ص ۱۲۱). از این تعریف چنان بر می آید که، داستان ساخته و پرداخته ذهن خلاق فردی به نام نویسندگی است. گرچه از واقعیت های بیرونی برداشت هایی شده است، ولی همه این واقعیت ها از صافی ذهن، عواطف و احساسات و پیش دانسته ها نویسندگی گذشته و از پایگاه و موقعیت اجتماعی او نشأت گرفته است و با کمک ذهن خلاق خواننده و مشارکت اوست که کامل می شود. تفاوت های عمده داستان و قصه عبارتند از:

۱. قصه محصول ذهنیت جمع است و خالق مشخصی ندارد و با نقل پی در پی، جمع بر روی آن اثر گذاشته اند، حال آنکه داستان محصول ذهنیت فرد است و حتی می توان از روی سبک و روش آن نویسندگی اش را بازشناخت.

۲. قصه و داستان هر دو آثار روایی هستند و به نقل رویداد ها می پردازند، ولی آنچه داستان را از قصه جدا می کند روابط علی است که بین رویدادهای مختلف آن برقرار است. حال آنکه قصه بر اساس حوادث پشت سر هم که ممکن است رابطه علت و معلولی هم بر آنها

حاکم نباشد، شکل می گیرد. مثلاً «شاه مرد و سپس ملکه هم مرد»، قصه است؛ حال آنکه «شاه مرد و سپس ملکه از فرط اندوه مرد»، طرح یک داستان است. ترتیب زمانی حفظ شده است، اما مفهوم علیت بر آن سایه گسترده است. مرگ ملکه را در نظر بگیرید. در یک قصه وقتی بشنویم ملکه مرد می گوئیم بعد چه پیش آمد؟ در یک طرح وقتی بشنویم ملکه مرد می پرسیم چه شد؟ این است فرق اساسی این دو جنبه رمان (ایرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۴).

۳. تفاوت دیگر در قهرمان و شخصیت است. قصه های کهن معمولاً قهرمانانی دارند که از الگوهای مشخصی پیروی می کنند و صف بین خوبی و بدی مشخص است، حال آنکه شخصیت ها در داستان دارای نوعی فردیت هستند و در اثر تحولاتی که حادث می شود تغییر می کنند، یعنی سفید سفید یا سیاه سیاه نیستند و سایه روشن و خاکستری هستند.

۴. تفاوت دیگر در ساختار ادبی آن هاست. ساختمان ادبی قصه معمولاً ساده بوده و تنها در آن چهارچوب ها بیان می شده و جزئیات در آن راهی نداشته و توسط گوینده به آن اضافه می شده است. حال آنکه داستان اثری مکتوب است و دست نویسندگی باز است تا آن گونه که می خواهد به جزئیات پردازد.

۵. زبان قصه شفاهی بوده و ماهیت گفتاری دارد حال آنکه داستان به زبان ادبی نوشته می شود و تمام ملاحظات زیبایی شناسی زبان در آن به کار گرفته می شود.

۶. یکی دیگر از تفاوت ها در زمان و مکان است. قصه های سنتی تعلق زمانی و مکانی آشکار ندارند. یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود، جنگلی بود، قصری بود، خانه ای بود... حال آنکه در داستان های امروزی حتی از نوع فراواقعی و فانتزی می توان نشانه های بسیاری دال بر حضور زمان و مکان را در آن مشاهده کرد.

روابط معنایی شباهتهای موجود در ادبیات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۳۱

داستانی و معماری شهری

در زبان روزمره و نیز زبان علمی، ابهام و ابهام در کلام یک نقص محسوب می‌شود و مخاطب انتظار دارد که گوینده مقصود خود را شفاف بیان کند به نحوی که معنای کلام مشخص باشد. در این میان زبان قصه‌ها و داستان‌ها می‌تواند سرشار از ابهام و تخیل باشد. این خصوصیت به آثار معماری نسبت داده شده است. نثر کار خود را با واژگان انجام می‌دهند، نه با معانی. معانی نسبت به واژگان، ثانوی هستند و واژگان بنیادین هستند (ابن خلدون، ۱۹۶۷، ۳۹۱). گرابر می‌نویسد به نظر می‌رسد عناصر اولیه معماری واجد هیچ معنایی در بافت معماری خود نیستند. آنچه یک عنصر معماری را سرشار از معنا می‌کند، کاربرد انسان است. بر این اساس، گرابر تقدم حیات انسانی-اجتماعی را در کشف معنای هنر فرض می‌کند (Jacobson، 1960، 358). نثر داستانی، «مبنای ساختار» هر طرح را تشکیل می‌دهد. که مفاهیم معماری هم همین گونه در تحلیل طرح قصه به کار برده می‌شوند (wittkower; 1971).

در قصه نویسی، برتری کارکرد طرح قصه و داستان اهمیت دیگر کارکردها را از بین نمی‌برد. زمینه‌چینی برای کارکرد در طرح داستان باعث ایجاد ابهام در کارکردهای دیگر می‌شود که بر اساس مواردی چون شروع ناپایداری، گسترش، تعلیق، نقطه اوج، گره‌گشایی، و پایان ایجاد خواهد شد. این برداشت به وضوح با کارکردگرایی در معماری بیگانه است، زیرا در کارکردگرایی در معماری، مکان اساساً نامفهوم و دارای ابهام است. اما در معمارانه ترین سنتها، مکان، همانگونه که رودلف ویتکوور در معماری کلاسیک شاهد بوده و همان گونه که رابرت ونتوری اشاره کرده، دارای ابهام و سرشار از معانی است و بنابراین این ابهام تماماً درون طرح گنجانده شده است. اگر حکم کنیم که در معماری، مضمون اجتماعی به تنهایی تولیدکننده معنا است، شاخص ترین ویژگی آن را نادیده گرفته‌ایم.

حرکت در معماری

در فیزیک حرکت زمانی اتفاق می‌افتد که جسمی از نقطه ای به نقطه دیگر تغییر مکان یابد. ولی شاید

مفهوم فیزیکی حرکت تنها جزئی از مفهوم حرکت در هنر باشد. حرکت در هنر وسیله‌ای است برای درک فضا تمامی هنرها وجود خود را از طریق خلق فضا به دست می‌آورند. حال که این فضا خلق شده است وسیله‌ای لازم است تا آن را درک نماییم و حرکت اولین چیزی است که در این میان خود نمایی می‌کند. حرکت در فیزیک یعنی جابجایی یک جسم در یک محیط که تماماً از جنس ماده است؛ جسمی مادی در محیطی مادی از نقطه ای مادی به نقطه مادی دیگری انتقال می‌یابد. اما حرکت در هنر یعنی پرواز روح، یعنی خروج از دنیای ماده و سفر به دنیای خیال؛ خیالی که می‌تواند در محیطی مادی اتفاق بیفتد. انسانها متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند و این ذات هستی است. در اصل آنها از ابتدایی خاص به انتهای خاص می‌رسند. تمام هستی در حرکت است و ما نیز جزئی از آن به شمار می‌رویم. فضای هستی وجود خود را مدیون حرکت است. انواع حرکتها عبارتند از:

۱. **حرکت فیزیکی:** یعنی جابجایی جسم فرد در فضایی که توسط عناصر مادی قابل درک شده اند
۲. **حرکت بصری:** حتی وقتی که در نقطه ای از فضا به صورت ثابت ایستاده ایم. چشمها حرکت داشته و از نقطه ای به نقطه دیگر تغییر مکان دهند.
۳. **حرکت خیالی:** گاهی روح انسانها در فضای خاصی از تن جدا می‌شود و خیالاتی را در ذهن متبادر می‌نماید و در اصل انسان را از جهانی به جهانی دیگر سوق می‌دهد و این حرکت، حرکت خیالی است. باید نکته ای را ذکر نمود، هر حرکتی در ذات خود دارای سکونهایی نیز می‌باشد. به زبان ساده تر سکون و حرکت در کنار یکدیگر بوده و در کنار هم است که هر کدام معنی پیدا می‌کنند. حرکت بی سکون و سکون بی حرکت معنایی ندارد؛ حرکت تغییر حالتی است که ابتدا و انتهایش سکون است.

حرکت در ادبیات داستانی

هر هنرمندی به واسطه حرکت به نگرش خاص خود می‌رسد و به همین دلیل است که باید برای درک فضای وی در آن حرکت کنیم. نویسنده فردی مثل سایر

یک فرد می باشد و می توان به راحتی سبک نوشتار را تشخیص داد. قصه ها و داستان ها میتوانند فضای خاصی ایجاد کنند که ذهن مخاطب را پرورش دهد و به این وسیله فضای مورد نظر نویسنده برای مخاطب قابل درک خواهد بود. از آنجا که سبک نوشتار قصه ها با توجه به زمان، نویسنده و سبک خاصی که نگارش را انجام داده با هم متفاوت است درک آنها نیز ممکن است برای خوانندگان مختلف باشد (علی آبادی، ۱۳۹۰).

فضا در معماری شهری^۱

فضا در علوم مختلف معانی متفاوتی دارد. پیچیدگی مفهوم فضا، همانند سایر مفاهیم متافیزیکی، باعث شده است تا برخی از متفکران در برابر شناخت مفهومی آن اظهار ناتوانی نمایند. مفهوم فضا آنقدر گسترده است که هر رشته علمی با آن سروکار دارد، هرچند که هر کدام معنایی خاص از آن ارائه می کنند. فضا مفهومی چندمتغیره است و عمدتاً در ارتباط با کاربری آن در هر جامعه معنی می یابد (ربانی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). فضا پدیده ای قابل برنامه ریزی و مدیریت می باشد که در مکان شکل می گیرد و هویت می یابد. هویت، نیاز، شبکه ارتباطی، محتوای اجتماعی، جنبه های تاریخی، همه دربردارنده جنبه های مختلف مفهوم فضا می باشند. «فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی کند ولی به محض آنکه یک گروه انسانی فعالیتی را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می شود» (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۷۵). فضا مفهومی بیشتر انسانی دارد و پاسخگوی محیط طبیعی یا فیزیکی و فرهنگی است (ربانی، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

مفهوم سازی تاریخی فضا به سه دوره تقسیم می شود:

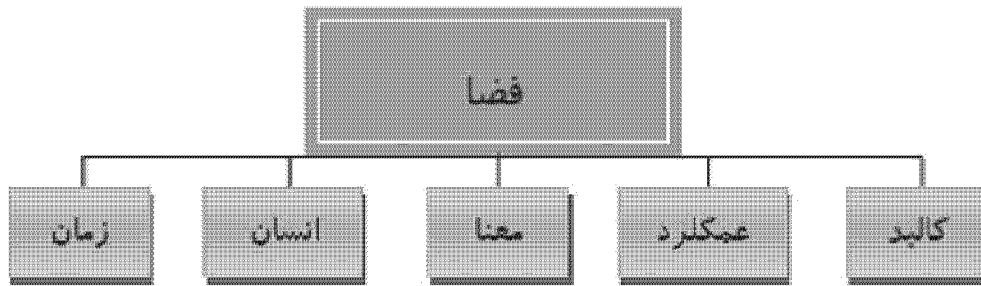
۱. عقل سلیم^۲ پیش اقلیدسی،
۲. انتزاع اقلیدسی و

انسانها دارای تخیل و تفکرات خاص به خود می باشد. او در فکر خود راه می رود یا شاید فکر خود را راه می برد. پس تا به اینجا می دانیم فضایی که نویسنده به وسیله حرکت ایجاد می کند تنها با حرکت نیز قابل درک است. ما قصه ها و داستان های مختلف را می خوانیم. هر کدام از ما روحیات خاص به خود را داریم و ممکن است در زمانی که می خواهیم شروع به خواندن نماییم در سر خود خیالاتی خاص داشته باشیم. به بیان دیگر در فضایی دیگر باشیم؛ حالا قرار است فضای نویسنده را درک کنیم او قصد دارد ما را از فضای ذهن خودمان خارج نماید و به فضای ذهن خود وارد کند. پس می دانیم نویسنده حرکت خود را با سکون آغاز می نماید و با سکون نیز به پایان می رساند و دقیقاً این حالت در ذهن خواننده اثر وی نیز به وجود می آید. هر هنرمندی به واسطه حرکت به نگرش خاص خود می رسد (سیر آفاق و انفس) و به همین دلیل است که باید برای درک فضای وی در آن حرکت کنیم. شاعر فردی مثل سایر انسانها دارای تخیل، احساسات و تفکرات خاص به خود می باشد. او در فکر خود راه می رود یا شاید فکر خود را راه می برد؛ به سویی خاص به آنجایی که می خواهد در موردش شعر بگوید. مثلاً می خواهد فضای کشته شدن سهراب به دست رستم را به شعر تبدیل کند، او فضا را ایجاد کرده است و خود را در آنجا قرار داده است حال در آن فضا شروع به حرکت می نماید تا احساس واقعی خود را به تصویر بکشد.

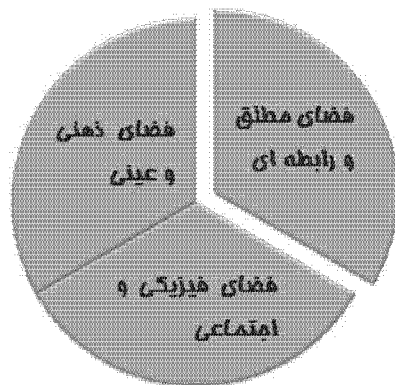
فضا در ادبیات داستانی

این جملات نیستند که فضای قصه را می سازند، انسانها دارای قالبهای فکری مختلفی می باشند هر کدام نگرشی خاص به خود را دارند. نتیجه این امر ایجاد بیان های گوناگون در قصه ها است که هر کدام تنها مختص به

۱. مطالب این قسمت برداشت های شخصی و تحلیل نگارنده از نوشته های کتابهای زیر در موضوع فضا می باشد: مدنی پور، علی (۱۳۸۴) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی. ترجمه: فرهاد مرتضایی. انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. تهران؛ گیدیون، زیگفرید (۱۳۸۱) فضا، زمان، معماری. ترجمه: دکتر منوچهر مزینی. انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ پنجم. تهران. اهری، زهرا (۱۳۸۵) مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر، تهران بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها. ترجمه: فرزانه طاهری. انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول. تهران گروتز، یورگ (۱۳۷۵) زیبایی شناختی در معماری. ترجمه: دکتر جهانشاه پاکزاد، مهندس عبدالرضا همایون. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. تهران توسلی، محمود (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری ۱. مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری. تهران



نمودار ۱. اجزاء اصلی شکل دهنده فضا؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس مدنی پور، ۱۳۹۰.



تصویر ۱. انواع فضا از دیدگاه فلسفی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس افروغ، ۱۳۷۸.

شود و باید در یک عملیات راه حل یابی آن را به کار گرفت. تعداد بسیار زیادی از چنین عملیاتی بر پایه فرضیاتی شکل می گیرند که به ارزشیابی نقادانه نیاز دارد و برخوردی آگاهانه تر با فضای شهری موجود را می طلبد. بنابراین صرف نظر از وسایل نظری و عملی همزاد با رابطه میان دانش و کنش به ویژه در مبحثی به پیچیدگی فضای شهری، این کاری است که باید به فوریت درباره فرآیندی چون طراحی انجام شود که اغلب رمزگونه و بالقوه بحث برانگیز است.

فضای مطلق و رابطه ای: شاید اولین جدال در تعریف فضا را بتوان بحث بر «**فضای مطلق و رابطه ای**» بین فلاسفه دانست که در معماری و شهرسازی هم رسوخ کرده است. «**ارسطو و نیوتن**» مهمترین کسانی هستند که به نظریه فضای مطلق شکل داده اند. در باور آنها فضا و زمان ظرف هایی هستند به گسترش نامنتها که تمام اشیا را دربرگرفته اند. تمام رویدادها و اتفاقات در این

۳. نسبیت مابعد اقلیدسی.

عقل سلیم پیش اقلیدسی به مفاهیم مکانی که اجسام در جهان اشغال می کردند اشاره داشت و به این ترتیب متناهی و نسبی بود. از سوی دیگر، فضای اقلیدسی، نامتناهی و ایجاد آن توسط هندسه دانان باستان با مفهوم سازی فضای جهان به عنوان فضای تهی نامحدود از جانب فیزیکدانان مقارن بود. اساسی ترین ویژگی فضای اقلیدسی این بود که هیچ مرکز و محیطی نداشت (مدنی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۳۶).

بحث فضا و معنای فضا از دیرباز تاکنون مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به طور عمده در دو حوزه معماری و فلسفه به آن توجه شده است. از زمانی که ارسطو فضا را با ظرف قیاس می کند تا امروز که لفور نظریه یکتا گرایانه فضا را مطرح می کند زمان زیادی گذشته است و اظهار نظرهای متعددی در زمینه فضا و به تبع آن فضای شهری انجام گرفته است؛ ولی این سؤال پیش می آید که آیا برای ورود به حیطه طراحی شهری نزاع بر معنای فضا ارزشی دارد؟ مدنی پور در پاسخ به پرسش چنین بیان می دارد که:

«جستجو به دنبال معنایی برای فضا مرحله ای است ضروری که باید آن را طی کنیم، چون که پیش از حرکت به سوی وادی تجویز طراحی، حیاتی است حوزه مسائل توصیفی و تحلیلی طراحی را بکاویم. به بیان دیگر پیش از آنکه تلاش کنیم فضای شهری را دگرگون سازیم، باید آن را بشناسیم. ماهیت عملی و دستوری طراحی نیازمند گردآوری اطلاعاتی است که اغلب به علت محدودیت زمانی بیش از حد با عجله انجام می

ظرف انجام می پذیرد. به نوعی می توان چنین انگاشت که فضا و زمان اشیایی واقعی هستند. در این نظریه سکون و حرکت اشیاء در این ظرف واقع می گردد و به رابطه شان با دیگر اجسام مربوط نمی شود. فضای رابطه ای نخستین بار از طرف لایبنتیس در مخالفت با نظریه مطلق فضا صورت گرفت؛ به گونه ای که او اعتقاد داشت فضا صرفاً متشکل از روابطی است میان چیزهایی بدون حجم و ذهنی. بحثی که رابطه گرایان مطرح می کنند این است که ظرف به طور منطقی متمایز از اشیایی نیست که گفته می شود آنها را در خود جای می دهد.

فضای فیزیکی و اجتماعی: تفکیک دیگری که در مورد فضا و به طور خاص فضای شهری صورت می گیرد، تقابلی است با عنوان فضای فیزیکی و اجتماعی. فضای فیزیکی که تعبیر دیگر آن فضای مصنوع و ساخته شده است، موضوعی است که بیشتر مورد توجه معماران است و بیشتر در قالب مورفولوژی فضا بروز پیدا می کند. فضای اجتماعی، تداعی فضایی نیازهای اجتماعی در روابط افراد و گروه های اجتماعی است. شاید بتوان بحث فرم و کارکرد که با دو رویکرد فرم مستقل از کارکرد و فرم تابع کارکرد را دنباله ای از رویارویی فضای فیزیکی و اجتماعی دانست:

۱. در رویکرد اول آنچه نهایتاً بدست می آید، فضای فیزیکی است که بیشتر مورد توجه طیف شهرسازان معماران است. نمونه ای از این علاقه به فرم را در کارهای راب کریر می توان دید؛

۲. در رویکرد دوم که بیشتر مورد توجه جامعه شناسان و جغرافی دانان است آنچه به عنوان پایه انگاشته می شود فضای اجتماعی است و فرم ها به دنبال روابط اجتماعی موجود و به تبعیت از آنها بروز پیدا می کنند. شاید بتوان مدرنیست ها را محصولی از نگرشهای مربوط به فضای اجتماعی برشمرد. چون در نگاه آنها کارکرد بر فرم ارجحیت دارد.

فضای ذهنی و عینی: تجلی دیگر از مبحث فضای مطلق و رابطه ای، گفتگو درباره مفاهیم ذهنی و عینی فضا است. فضا از نظر کانت مقوله ای ذهنی و متعلق به ساختار ذهن انسان است و از این رو قابل حس و تجربه

هم نیست، اما در گروهی از تعاریف دیگر فضا ابژه ای عینی و کالبدی (اقلیدس، دکارت) در نظر گرفته می شود، از این رو قالب حس و تجربه نیز هست. طبق این تعریف، فضای عینی فضایی است که از طریق حواس درک می شود و از این رو تجربی است. تجربه ما از فضا، رویدادی حسی است که مستلزم حرکت است، حرکتی که پدیدآورنده طیفی گسترده از تأثیرپذیری های متغیر است، از گذار از یک احساس فضایی به احساسی دیگر. در مقابل این تعریف، تعریف فضای ذهنی قرار می گیرد که فضایی است که در طراحی های معماران و شهرسازی دیده می شود. فضای طرح های معماران و شهرسازی، فضایی ذهنی است که معمولاً با محدوده های کالبدی تعریف می شود. فضای عینی و واقعی را می توان به فضای حسی نیز تعریف کرد، زیرا آنچه در این فضا درک می شود رویدادهای حسی است. فضای ذهنی زمانی ایجاد می شود که ما در متن فضا نیستیم و به نوعی بیرون از فضا به فضا می نگرییم با مفاهیم عقلی و استدلال های ذهنی فضا را درک می کنیم. به نوعی می توان گفت قبل از ورود به یک فضای خاص مثل هرم ورودی موزه لوور با توجه به آگاهی های قبلی و نشانه های اطراف ما به برداشت ذهنی از فضای زیر هرم داریم که هرچه به این فضا نزدیکتر می شویم این ذهنیت به عینیت نزدیکتر می شود. برنارد چومی برای بیان این موضوع از تجربه فضایی در یک هزار تو سخن به میان می آورد. در این تعبیر ما در هر لحظه یک قسمت از هزار تو را تجربه می کنیم ولی یک تصویر از کلیت هزار تو نداریم و باید برای تجربه کامل در این فضا حرکت کنیم. تلفیق دو جنبه عینی و ذهنی یا درک فضا براساس تجربه حسی و از طرف دیگر براساس تفکر عقلایی، موضوعی است که به تفصیل توسط هانری لوفور، فیلسوف فرانسوی، در کتابش «تولید فضا (۱۹۹۱)» مورد بحث قرار گرفته است. لوفور معتقد است که برتری دادن به تصویر ذهنی از فضا که مشخصه معرفت شناسی مدرن از فضا است، سبب شده که درک ما از فضا ضعیف شود، امری که به فضای انتزاعی رهنمون می شود. تصور ذهنی به نظر وی تجربه زنده را می کشد و نمی تواند جایگزین غنای

آن شود. لفور از فاصله میان فضای ذهنی و واقعی شروع می کند و از جریان شناخت شناسی مدرن که فضا را یک شیء ذهنی با مکان ذهنی می داند انتقاد می کند. سخن لفور این است که فضای ذهنی و واقعی را نباید از هم دور نگه داشت، بلکه باید فضای ذهنی و فیزیکی را با بستر اجتماعی تلفیق کرد. به نظر وی فضاهای گذشته این خصوصیت را داشته که توسط تمامی حواس قابل درک بود و از این رو جوانب مختلف تجربه فضا را یکجا در خود داشت. او درباره این فضاها که با عنوان فضای یادمانی از آنها یاد می کند، می گوید:

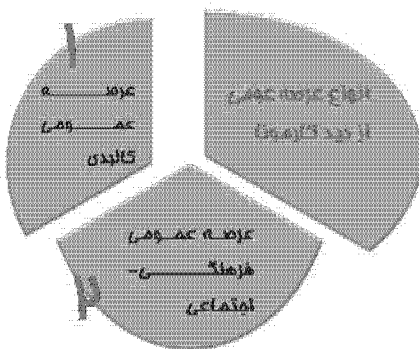
«برای هزار سال، بناهای یادمانی تمامی جوانب فضایی را دارا بودند: ادراکی بودن، شناختی بودن و فضای زنده بودن، نمودهای فضا و فضای تصویری یا شمایی، فضاهایی مناسب برای تمامی قوا، از حس بویایی گرفته تا سخن گفتن، ایما و اشاره و نماد. در فضای یادمانی برای هر عضو جامعه تصویری ذهنی از عضویتش ارائه می گردید.»

آنچه مبرهن است این است که فضای را نمی توان صرفاً فیزیکی یا صرفاً اجتماعی دید. فضای شهری تلفیقی است از کالبد و فعالیت بوده و آنچه به فضای شهری هویت می دهد نه تنها اجزاء فیزیکی فضا است، بلکه فعالیتی که در آن اتفاق می افتد یک شاخصه مهم فضای شهری است. مثال های بارزی را می توان در این زمینه ذکر کرد که وابستگی فضای شهری به فعالیت را بیان می کند. به عنوان مثال فضای شهری میدان نقش جهان صفوی با امروز کاملاً متفاوت است. هرچند که فیزیک تا حدود زیادی باقی مانده است ولی فعالیت های این دوره با آن زمان کاملاً متفاوت بوده و به تبع آن درک فضای شهری امروز از دیروز متفاوت است. با این نگاه می توان طراحی فضای شهری را فرآیندی دانست که کالبد و فعالیت دو جزء عمده آن است.

یکی از بحث های مهم امروزی در میان متفکران مسائل شهری موضوع فضاهای عمومی در شهر است. این مفهوم در طراحی و برنامه ریزی شهری تحت عناوینی همچون «عرصه عمومی»، «فضای شهری»، «مکان عمومی» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. ساده ترین بیان

عرصه عمومی دربرگیرنده گروههای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است که از متن مردم و فعالیت های آنها ریشه گرفته است؛ به نوعی عرصه عمومی یک عرصه همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند. بر اساس «فرهنگ انگلیسی آکسفورد»، واژه Public به معنای کلی و در اکثر معانی متضاد خصوصی است. همچنین تعریف مربوط یا متعلق به مردم به عنوان یک کلیت، نیز برای آن ذکر شده است. در جدیدترین ویرایش فرهنگ آکسفورد تعریفی مشابه مطرح شده است:

«متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم و ارائه شده توسط دولت محلی یا مرکزی. به اتکای این تعریف برای مثال خیابانی عمومی، متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به روی شان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، از طرف دولت ارائه می شود و به آن مرتبط است. این مفاهیم در تعاریف مختلف فضای عمومی بازتاب یافته اند» (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳). «کرمونا» نیز عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی» و «عرصه عمومی فرهنگی-اجتماعی» مورد بررسی قرار می دهد. (Carmona, 2003:11)



تصویر ۲. انواع عرصه عمومی از دیدگاه کارمونا؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس کارمونا، ۲۰۰۳.

در جستجوی ماهیت فضا به معنای عام، دو دیدگاه ذهنی و عینی، فلسفی و علمی و یا کیفی و کمی قبل طرح هستند:

۱. دیدگاه اول نگرشی کیفی است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه‌های زیباشناختی یا روان‌شناختی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛

۲. دیدگاه دوم، نگرشی کمی است که بیشتر چشم به جنبه‌های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات عملکردی، فن آوری، اندازه‌ها و تناسبات و موضوعات این برخورد به شمار می‌روند. بر همین اساس شهر مقوله‌ای علمی می‌گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش‌گذاری است و به این اعتبار، لازم است به شهر و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی نگریسته شود.

هرمنوتیک و تفسیرگرایی

هرمنوتیک را می‌توان شیوه‌ی تفکر فلسفی توصیف کرد که می‌خواهد «روح» کلام را در زمانی که خود کلام غامض شده است، دوباره به آن پیوند زند. واژه‌ی هرمنوتیک یادآور هرمس است که گمان می‌رود پیام‌آور خدایان و بخشنده‌ی نشانه‌ها باشد که رهنوردان و به‌ویژه کسانی که مجبور بودند در تاریکی سفر کنند، به او احترام می‌گذارند. وظیفه‌ی خاص او تفسیر حرفی بود که خدایان می‌خواستند به فانیان بگویند و آن را به صورتی ترجمه کنند که برای آن‌ها قابل فهم باشد. این کار هرمس به همه‌ی کسانی که با بیان سروکار دارند مربوط می‌شود، زیرا چیزی که از طریق بینش یا شهود به ما داده می‌شود، باید فهمیده شود و سپس به صورتی ترجمه گردد که دیگران هم بتوانند چیزی را که ما فهمیده‌ایم درک کنند. هرمس حاکم تنش میان دیدن حقیقت و انتقال آن است. بی‌مناسبت نیست که او خدای کسانی بوده است که در تاریکی و جاده‌های صعب سفر می‌کردند. بارها او را به شکل علائم قضیب‌گونه در کنار آفرودیت که توجه او را جلب کرده، در کنار جاده به تصویر کشیده‌اند. برخی گفته‌اند شب خاستگاه درست هرمس است، چون تاریکی است که نیاز ما را به

راهنمایی آشکار می‌سازد و بدین‌وسیله اجازه می‌دهد دنیا با نور تازه و درونی روشن شود. تجربه‌هایی که اسطوره‌ی هرمس تعریف می‌کند به رابطه‌ی عجیب فهم ماهیت اشتغال ما به هنر و درک وضعیت فانی بودن مان مربوط می‌شود: نیاز دائمی ما به فهم و هدایت، تلاش برای یافتن آن، دنبال کردن و ماندن در راه، نزدیک شدن به آن، هیجان ناشی از پیش‌بینی مقصد و سرانجام درک این که انسان‌ها متفاوت با هرمس نیستند که همیشه جایی در راه است ولی هیچ جایی از خودش ندارد تا در نهایت در آن بیارامد. تاریخ نص «روح» هرمنوتیک بیشتر تاریخچه‌ای صوری است. می‌توان آن را با سه دوره‌ی مهم بیان کرد:

۱. هرمنوتیک و تفسیر کتاب مقدس،

۲. هرمنوتیک و علوم انسانی

۳. هرمنوتیک پدیدار شناختی.

هرمنوتیک و تفسیر کتاب مقدس: پیش از پایان سده‌ی هجدهم، هرمنوتیک اساساً به مسئله‌ی تفسیر کتاب مقدس اختصاص داشت. آیا کتاب مقدس ادراکی کلامی است که معنایش را می‌توان با تحلیل از اجزایش استخراج کرد یا اثری است که تنها در بافتش فهمیده می‌شود؟ در حالت نخست، آیا تاریخ هیچ نقشی در فهم ما از خداوند بازی می‌کند؟ و در صورت دوم، آیا معرفت خداوند محدود به پرسش‌های بافت تاریخی است؟ (شباهت آن با مسئله‌ی هنر آشکار است: آیا اثر هنری به شکل ساختاری خودمختار و بی‌بافت فهمیده می‌شود یا به شکل عنصری وابسته به بافت؟) در مورد هرمنوتیک دینی، آثار کلادنیوس (۵۹-۱۷۱۰) این سنت را به اوج می‌رساند، اگرچه همان‌گونه که نوشته‌های هم عصرانش، لوت و پانبرگ نشان می‌دهد، دیدگاه‌هایش اصلاً تکراری نیست (لوت، ۱۹۸۹؛ پانبرگ، ۱۹۹۷). نه تنها الفاظ هرمنوتیکی اصلی مانند تجلی بلکه پرسش‌هایی قدیمی مانند این که «روح زنده چگونه می‌تواند کلام مرده‌ی گذشته را زنده کند و هم‌چنان هرمنوتیک معاصر را در مواجهه با هوشیاری تاریخی و فرهنگی هدایت کند؟» از هرمنوتیک دینی نشأت گرفته است.



هرمنوتیک و علوم انسانی: شلایرماخر (۱۸۳۴-۱۷۶۸) و دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱) دوره‌ی دوم هرمنوتیک را زمانی می‌دانند که آن را تا حد روش همگانی فهم در ارتباط با درک معنای تمام عبارات فرهنگی، فارغ از این که سیاسی، هنری یا فلسفی باشند، بسط می‌دهند. این دو اندیشمند فکر می‌کنند انسان‌ها خودشان را در کنش بیان می‌کنند. هدف از کنش بیان است و در نتیجه وظیفه‌ی هرمنوتیک فهم معنای درون عبارات انسانی است. به این ترتیب، نظریه‌های «فنی» و «روان‌شناختی» شلایرماخر درباره‌ی تفسیر تلاشی است برای درک معنای متن چه بر اساس ساختارهای صوری آن و چه به شکل بیان نیت مؤلف. دیلتای مباحث شلایرماخر را گسترش داد و تبدیل به نظریه‌ی عمومی فهم فرهنگی کرد که همه‌ی اعمال اجتماعی را بیان بیرونی یک جهان بینی درونی در نظر گرفت. چنین جهان‌بینی‌ای، وقتی تشخیص داده و بازشناخته شد، می‌تواند (اگر درست فهمیده شود) راهی هم‌دلانه به درونیات هنرمند باز کند. بنابراین، در هرمنوتیک دیلتای، نص یک اثر به عنوان ردی از روح (نیت) هنرمند خوانده می‌شود. این روش، همان‌گونه که نوشته‌های خود دیلتای درباره‌ی گوته و شلایرماخر نشان می‌دهد، ناگزیر به امور زندگی‌نامه‌ای سوق پیدا می‌کند. با این که مدت‌هاست عناصر روان‌شناختی در روش دیلتای از اعتبار افتاده است (برای مثال، این که چه‌طور می‌توانم مطمئن باشم چیزی که به عنوان دنیای درونی هنرمند بازسازی می‌کنم ساخته‌ی خود من نیست؟) و با این که تقلیل معنای یک اثر هنری تنها به بیان نیت هنرمند نفی شده است، نوشته‌های دیلتای هم‌چنان اهمیت دارد. نوشته‌های اخیر گیدنز و اوتویت نشان می‌دهد تلاش دیلتای برای طرح مسائل متمایز در فهم هنری و تاریخی یکی از نخستین اقدامات نظام‌مند برای بیان چیزهایی است که شیوه‌های هنری شهود و فهم را از یافتن‌ها و تبیین‌های علمی متمایز می‌سازد (گیدنز، ۶۷۹۱؛ اوتویت، ۵۷۹۱). جورج استاینر نیز می‌گوید در مخصصه‌ی پسامدرن که امکان نقد بی‌حد و حصر نظریه را می‌دهد، گرایش دیلتای به نیت‌مندی امکان تفسیرهای مقبول‌تری را از هر هنری می‌دهد

و آن‌ها را از صرفاً بیان‌های هنرمندانه‌ی فنی تفکیک می‌کند.

هرمنوتیک پدیدارشناختی: دوره‌ی سوم تعیین‌کننده‌ی تفکر هرمنوتیک به فلسفه‌های پدیدارشناختی مارتین هایدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) و هانس گئورگ گادامر (۲۰۰۲-۱۹۰۰) مربوط می‌شود. فلسفه‌ی پدیدارشناختی عمدتاً به این مسئله علاقه‌مند است که چیزهایی که از آن‌ها آگاه می‌شویم چگونه در تجربه‌ی ما از آن‌ها قرار می‌گیرند. هرمنوتیک دیلتای را مباحث معرفت‌شناختی به حرکت درمی‌آورد، اما تفکر هایدگر و گادامر رو به موضوعات هستی‌شناختی دارد. در مورد هایدگر، هرمنوتین دیگر به چیزی که مد نظر ارسطو بود، یعنی تفسیر یا تعبیر چیزی که «آن‌جا» در یک متن یا نقاشی است، دلالت نمی‌کند؛ بلکه نشانگر «واکنشی» پایاپای، گوش دادن و سپس سخن گفتن یا اندیشیدن در کنار چیزی که خود اثر می‌گوید، است. هرمنوتیک صرفاً تفسیر آثار از پیش معین نیست: فهم چیزی نیست که هدف‌مان است، چیزی است که هستیم و انجام می‌دهیم. می‌خواهیم تفسیر کنیم چون «چیزها برای ما اهمیت دارند.» چون اعمال و ارزش‌های ما «بودن- در- جهان» ما شکل می‌گیرد، می‌توانیم با «بیان» دنیای اثر، درگیر آن شویم. از نظر دیلتای نظریه‌ی عمومی تفسیر به فهم خصوصیت‌های یک اثر منجر می‌شود، در صورتی که از نظر هایدگر این فهم (مقوله‌های بودن ما) است که به تفسیر شکل می‌دهد. گادامر جهت تفکر هایدگر را برعکس می‌کند، همه‌ی تجربه‌ی انسانی با زبان بیان می‌شود یا مانند آن است. هرمنوتیک باید عملکردهای «معناسازی» یک اثر هنری را عیان سازد زیرا ریکور معتقد است هنر به خودی خود وجود ندارد، بلکه هدفش تبدیل کردن یک تجربه به گفتمانی کلامی یا دیداری است؛ روشی برای زندگی و بودن در جهانی که پیش از آن است و می‌خواهد گفته شود. در مورد هر سه دوره، می‌توان گفت شاخصه‌ی هرمنوتیک این است که سنتی فعال و ناگسسته از فلسفه است که گویی مضمون اصلی آن- دگرگونی از طریق فهم- چیزی از تجربه‌ی معرف مدرنیته‌ی فرهنگی، یعنی مواجهه با دیگریت، را آشکار

می‌سازد. توجه گادامر به فهم به شکل آمیزش افق‌های فرهنگی مختلف که هر دو سو را متحول می‌کند، بیان امری معضلی است که به تلاش هر دو برای «احساس» (هم سویی با) نظرگاه دیگری باز می‌گردد. هم هرمنوتیک و هم هنرهای مدرن به مسئله‌ی غرابت و میل به کشف چیزی آشنا در آن توجه بسیار زیادی دارند. بنابراین، تعجبی ندارد که ظهور تفکر هرمنوتیک معادل بروز تجدد اجتماعی و فرهنگی است.

هرمنوتیک و مسئله نظریه هنر: هرمنوتیک معاصر کاملاً متوجه نیروهایی است که در تجربه‌ی ما از هنر رخ می‌دهد. اثر هنری یک طرف گفت‌وگو در نظر گرفته می‌شود که خطابش به ماست و توجه‌مان را می‌طلبد. بنابراین، زیبایی‌شناسی هرمنوتیک به نظری‌سازی هنر به شکل بیان روح زمان یا نمونه‌ای از بازنمایی اجتماعی-سیاسی نمی‌پردازد. نظری‌سازی آثار هنری در نتیجه‌ی فرایندهای تولید تاریخی یا اجتماعی یعنی ندیدن خودمختاری و هم عصری آن‌ها. این نظری‌سازی نه بر خود آثار که بر چیزی که دلالت کننده یا بازنماینده‌ی پدیده‌های تاریخی یا اجتماعی در نظر گرفته شود، متمرکز می‌شود. پیامدهای این نظری‌سازی روشن است اثر هنری تا حد چیزی ثانوی تقلیل پیدا می‌کند. شاهده‌ی می‌شود برای چیزی ورای خود. «بزار توضیح» یا «شاهد»ی برای یک نظر گسترده‌تر. برای این که یک اثر هنری خود را به این شیوه‌ی ثانوی نشان دهد، باید خودمختاری را از خودش بزاید و خودش را در معرض قضیه‌ای قرار دهد که برای توضیح آن به کار رفته است. به عبارت دیگر، اهمیت اثر هنری نه به خاطر خودش بلکه به خاطر شاهد بودن آن است. هرمنوتیک حتی حکایت از پوچی کل نظریه هنر دارد، چون هر اثر هنری همیشه فراتر از محدوده‌ی نظری می‌رود و در نتیجه از آن می‌گریزد. تأیید ماهیت معماگونه‌ی (معتبر) هنر نه ذهنی‌گرایی و نه ناخردگرایی، بلکه حساسیت هرمنوتیک را فاش می‌سازد که تلاش عقل نظری برای روشن کردن همه‌ی جنبه‌های هنر را در بهترین حالت ساده‌لوحی و در بدترین حالت بی‌سلیقه‌ی در نظر

می‌گیرد. این شک‌انگاری از ملاحظات زیادی درباره‌ی تعبیر محدودی از نظریه‌ی مورد پسند عمل هنری نشأت می‌گیرد. هم هایدگر و هم گادامر، متأثر از نیچه، کاملاً آگاه‌اند که مسئله‌ی اجتناب‌ناپذیر قرار گرفتن در مقطعی تاریخی و متناهی بودن نظریه‌پرداز تردیدهایی را درباره‌ی مشروعیت همگانی بودن ادعاهایش در مورد هنر ایجاد می‌کند. هر دو فیلسوف در چنین ادعاهایی، حضور آمرانه‌ی یک ذهنیت هدایت‌گر (اراده‌ی قدرت) را حس می‌کنند. بنابراین در نگرش نظری، ذهن دانا دور از موضوع خود قرار می‌گیرد و نمی‌خواهد به واسطه‌ی آن تغییر کند، بلکه فقط می‌خواهد پیش‌انگاره‌های روش‌شناختی‌اش تأیید شود. اگر هرمنوتیک، همان‌گونه که در بخش نخست نشان می‌داد، شرایطی را می‌جوید که به اثر هنری اجازه می‌دهد (دوباره) سخن بگوید، پس خودشناسی ما را بررسی می‌کند. نیچه (منتقدانه) فکر می‌کرد هدف نظریه‌ی فرو کاستن هر چیز به چیزی آشنا و محاسبه‌پذیر است، در صورتی که گادامر ادعا می‌کند «صمیمیت اثر هنری در تماس با ما در عین حال، به شکل معماگونه، درهم شکستن و تخریب آشناهاست. نه تنها «تو باید زندگی‌ات را تغییر دهی» (گادامر، ۱۹۷۶، ص ۱۰۴). اما عجیب است اگر تصور کنیم استدلال گادامر به ناخردگرایی ضد نظری اشاره دارد که مستلزم نوعی ذهنیت‌گرایی کاملاً بیگانه با تفکر اوست. ذهنیت‌گرایی، چنان‌که نیچه می‌فهمد، نظریه را به حرکت درمی‌آورد به‌ویژه زمانی که نظریه را استدلالی ابزاری بینگاریم، از توسل گادامر به تئوریا چنین برمی‌آید که چیز کاملاً متفاوتی است، یعنی شیوه‌ای از بودن که طی آن قدرت پیدا می‌کنیم «نگاه‌مان را از خودمان دور و به سوی دیگری» متمایل کنیم، و خودمان را نادیده بگیریم و به چیزی که شخص، متن یا اثر هنری دیگری می‌گوید گوش دهیم (گادامر، ۱۹۹۸، ص ۵۳).

رویکردهای هرمنوتیک به ادبیات داستانی و معماری

زیبایی‌شناسی هرمنوتیک به معنای امروزی خیلی هم نظریه نیست، بلکه کهکشانی است از دیدگاه‌های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۳۹

تفسیری مختلف که هر یک به ما امکان شناخت یکی از ابعاد یک اثر هنری را می‌دهد. هرمنوتیک ممکن است روشی همگانی را نفی کند اما منکر رویکردهای تفسیری روش‌مند یا دقیق به جنبه‌های مختلف «حقیقت» اثر هنری نیست. ویژگی‌های عمومی این تکثر را می‌توان تحت هفت عنوان زیر خلاصه کرد:

۱. معماری، ادبیات داستانی و تبدیل امور واقعی: تفکر هرمنوتیک بیانگر این عقیده است که هنر دنیای معین را بازنمایی، رونگاری یا دروغ‌پردازی نمی‌کند بلکه اجازه می‌دهد چیزی که درون این دنیاست کامل‌تر نمایان شود یا تحقق یابد. وقتی پس از درک یک اثر بیدار می‌شویم نومید نیستیم، چون باعث می‌شود دنیا را بیشتر بشناسیم. تناقض این‌جاست که دقیقاً همین ماهیت توهّم‌آمیز هنر است که باعث تبدیل دوگانه‌ی امور واقعی می‌شود. نخست این‌که در امور روزمره، راه‌های معنا بی‌هیچ تغییری باز و نامقرر است، در صورتی که در اثر هنری این راه‌ها به دوری کامل تبدیل می‌شود. هنر به انجام می‌رسد و بدین وسیله قابلیت نهفته‌ی واقعیت را تبدیل می‌کند. دوم این‌که همین تفاوت بین اثر هنری و واقعیت است که به ما امکان می‌دهد نه تنها چیزی را که در واقعیت در جریان است ببینیم، بلکه آن را نقد کنیم و بر آن بیشتر تأثیر بگذاریم. در تفکر هرمنوتیک، با هنر پروازی از دنیا انجام نمی‌گیرد بلکه فقط خطر تسلیم شدن در برابر قابلیت‌های آن وجود دارد.

۲. معماری، ادبیات داستانی و پرسش هنری: آثار هنری را باید به شکل پرسش فهمید. هنر را باید به شکل پرسش، یعنی ارائه‌ی پاسخ‌هایی دیداری به مضمون‌ها و موضوع‌های شکل‌گرفته در تاریخ فهمید. این‌که این مضمون‌ها هیچ‌گاه با یک اثر تمام نمی‌شود امکان تعامل و گفت‌وگو با آن‌ها را می‌دهد. از یک سو، می‌توانیم یک اثر را در پرتو چیزی که با شناخت تاریخی از یک موضوع دریافته‌ایم بستانیم، نقد کنیم یا ارزیابی کنیم، و از سوی دیگر دقیقاً به علت این‌که آن اثر از دوره یا فرهنگ دیگری می‌آید، می‌تواند بر محدودیت‌های فهم ما از مضمونی معین پرتو بیفکند. تعامل هرمنوتیک با اثر صرفاً به معنای تفسیر (ارزیابی) یک موضوع نیست،

بلکه به معنای این است که از طریق تفسیر (درگیر شدن با) آن، چیزی را که هنوز درون آن بیان می‌شود باز می‌کنیم و بدین‌وسیله راه‌هایی می‌گشاییم تا مفسران آینده بتوانند در آن‌ها سفر کنند.

۳. معماری، ادبیات داستانی و تاریخ‌مندی بیان: فهم هنر متکی بر تاریخ‌مندی بیان است. هرمنوتیک در سطحی گسترده دو دیدگاه را درهم می‌آمیزد: دیدگاه کانتی که بر اساس آن دنیا را شبیه‌سازی و خودمان را طبق چارچوب‌های شناختی و بیانی مشترک درون آن بیان می‌کنیم، و دیدگاه هگلی که بر اساس آن، چنین چارچوب‌هایی در طول زمان ظهور و بروز می‌کنند. تا جایی که بیان هنری به چارچوب‌های تلویحی ما از معنا و ارزش جلوه‌ی بیرونی می‌دهد، می‌توانیم طی زمان ظرفیت‌های درونی‌مان را بیشتر بازشناسیم. با این حال چون هنر ساخته‌ی تاریخ است، نه آن و نه چیزی که بیان می‌کند نسبت به همگانی بودن عقلانیت و هنجارهای انتقادی یا قواعد انسجام ثابت نیست. با این حال گادامر مشتاقانه چنین تفاوت‌هایی را می‌پذیرد چون این تفاوت‌ها تفسیرهای موضوعاتی را که افق تاریخی بلافصل ما از پس آن بر نمی‌آید، بزرگ می‌کنند.

۴. معماری، ادبیات داستانی و عدم جدایی از تمامیت تفسیری: اثر هنری را نمی‌توان از تمامیت تفسیرها جدا کرد. این شاخه از رویکرد لایبنتیسی اثر را مجموعه‌ای از لایه‌هایی از دیدگاه‌های ذهنی نشان می‌دهد که در یکدیگر فرو می‌روند و همدیگر را دربر می‌گیرند. نیچه این رویکرد را تقویت و آن را به فلسفه‌ی تفسیرها تبدیل کرد که بر اساس آن، اثر چیزی بیشتر یا کمتر از تمامیت تفسیرها نیست. این امر به این نظر گادامر منتهی شد که یک اثر ممکن است به لحاظ زیبایی‌شناختی تمام شود اما هرگز کامل نمی‌شود، یعنی همیشه می‌توان آن را به شکل دیگری دید.

۵. معماری، ادبیات داستانی و معماگونی: معماگونی آثار هنری دقیقاً همان چیزی است که در مورد هنر ارزشمند است. مقاومت هنر در برابر محدودیت‌گذاری نظری یادآور محدودیت‌های فهم ما است و بدین‌وسیله به ما امکان فهم بیشتر آن و نیز خودمان را می‌دهد.

۶. معماری، ادبیات داستانی و فراتری از نیت

هنرمند: فهم اثر هنری از درک نیت‌های بیان شده‌ی هنرمند فراتر می‌رود. هرمنوتیک اخیر نه روشی است بازسازنده و نه می‌خواهد بافت تاریخی اثر را بازسازی و نیت‌های اولیه‌ی هنرمند را بازیابی کند. ممکن است شیوه‌ی ساخت آثار تاریخی را دوباره مطرح کنیم اما دیگر آن را مثل یک آدم سده‌ی هفدهمی نمی‌فهمیم. نیت هنرمند ممکن است آموزنده باشد ولی تمام معنای یک اثر نیست. اهمیت یک اثر به اثرات بعدی آن بر شیوه‌ی فهم بعدی موضوع مربوط می‌شود، اثراتی که اگر آن‌ها را منحصر به نیت هنرمند کنیم، هرگز آن‌ها را نمی‌بینیم. تشخیص اهمیت محدود نیت‌مندی در این جا به این معنا نیست که بگوییم آگاهی تاریخی مهم نیست. برعکس، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ زیرا فهم از نظر گادامر، همانند شدن یا همانی (دیلتای) نیست، بلکه تعیین امور به راستی متفاوت است. گفت‌وگو و فهم تنها بر اساس تفاوت ممکن می‌شود. به وسیله‌ی چنین تفاوت‌هایی هم درمی‌یابیم که چرا یک اثر هنری تاریخی در پرداختن به یک موضوع منحصر به فرد است، و هم به آگاهی کاملتری از این مسئله می‌رسیم که تفاوت پیش‌انگاره‌ها مان دربارهِی یک موضوع با پیش‌انگاره‌های آن اثر متفاوت است. این گفت‌وگو امکانات درون یک موضوع را بسط می‌دهد و تعداد بیشتری از آن‌ها را دربر می‌گیرد.

۷. معماری، ادبیات داستانی و مکاشفه ارتباط

هنری: هرمنوتیک نه می‌گوید هنر زبان است و نه این که عملکردهای هنر را می‌توان به واژه‌ها فروکاست. اما فهم چگونگی مبادله‌ی زبانی به ما دید می‌دهد تا ببینیم آثار هنری چگونه ارتباط برقرار می‌کنند. هم هایدگر و هم گادامر مکالمه را الگوی بعد زبان، یعنی توانایی گفته در به ذهن آوردن ناگفته می‌انگارند. تجربه‌ی آوردن چیزی به ذهن اتفاقی عینی است که خود مکالمه باعث می‌شود. اگر مکالمه صرفاً مبادله‌ی اولویت‌های ذهنی باشد، هیچ مکالمه‌ای رخ نمی‌دهد ولی اگر رخ دهد، نگاه طرف‌های درگیر در آن از درون و به شکلی غیرمنتظره دگرگون می‌شود. بنابراین گادامر معتقد

است هیچ تفاوت بنیادی‌ای بین تجربه کردن قدرت‌های مکالمه و تجربه کردن آن چه هنر بر ما هویدا می‌سازد وجود ندارد. هر دو رخدادهایی به وجود می‌آورند که برخلاف میل و عمل ما، اعتماد به نفس و توازن ما را برهم می‌زند. هرمنوتیک با تمایز پاره‌گفتار و معنا در فلسفه‌ی تحلیلی بیگانه نیست: اگر چیزی را که گفته می‌شود می‌فهمیم، می‌توانیم معنای چیزی را که گفته می‌شود از شیوه‌ی انتقال آن متمایز کنیم. بنابراین زبان مبنای تمایز چیزی که یک اثر هنری به آن می‌پردازد (موضوع آن) از چگونگی انتقال آن است. هرمنوتیک بدین‌وسیله نشان می‌دهد آثار هنری چگونه به فراتر از خودشان (به موضوع) اشاره می‌کنند و درعین حال باعث حاضر شدن چیزهای فراتر از خودشان می‌شوند. فقط واژه‌ها نیستند که تمامیت معنا را بدون توانایی بیان آن وارد بازی می‌کنند، ولی این واژه‌ها هستند که به ما امکان می‌دهند بفهمیم هنر چطور می‌تواند همان کار را بکند. از این گذشته، مادامی که هرمنوتیک تفاوت گفتن و گفته، موضوع و تفسیر را نشان می‌دهد، در مورد هنر نیز کاربرد دارد و نشان می‌دهد چطور فهم ما از هنر به اندازه‌ی فهم ما از زبان، گفتمانی و گفت‌وگویی است. پس تجربه‌ی زیبایی‌شناختی فردی، تک‌گویی انفرادی همراه با لذتی شخصی نیست، بلکه جزء لاینفک گفتمان تاریخی مشترکی در ارتباط با تحقیق معناست. زیبایی‌شناسی هرمنوتیک، به جای انقیاد تصویر یا واژه، می‌خواهد چیزی را وارد زبان کند که درون یک تصویر است اما هرگز در یک نگاه درک نمی‌شود. چنین واژه‌هایی ما را و می‌دارند دوباره نگاه کنیم.

چالش‌های روایتگری هرمنوتیکی ادبیات داستانی

و معماری

روش‌شناسان هرمنوتیک اعتقاد دارند که شناخت پدیده‌های انسانی جز با در نظر گرفتن زمینه، متن، محیط و زمانی که آن پدیده‌ها در آن شکل گرفته‌اند، مقدور نیست. هر جزء از هر پدیده‌های اجتماعی و انسانی باید با در نظر گرفتن شرایط، زمان، بافت و زمینه‌ای که از آن برخاسته‌اند، تأویل گردد. در این راه باید به بعد تاریخی هر پدیده توجه شود، به طوری که توالی پدیده‌ها، نوعی



پیوستار را از گذشته تا زمان مطالعه نشان می‌دهد. از طرفی دیگر، نیات، انگیزه‌ها و خواست‌های شکل دهنده پدیده‌های انسانی و اجتماعی باید به وسیله قرار دادن محقق به جای فاعلی که در موردش تحقیق می‌کنیم، صورت پذیرد. از آن طریق، محقق به تأویلی که موجب شکل‌گیری رفتارها یا پدیده‌های انسانی شده دست خواهد یافت. با تمامی این‌ها، روش‌شناسی هرمنوتیک، همچون هر روشی دیگر، دارای محدودیت‌ها و نواقصی است که از ماهیتش برمی‌خیزد که برخی از مهمترین آن‌ها به قرار ذیل‌اند:

۱. **آزمون ناپذیری:** اولاً استناد به همدلی و گذاشتن خود به جای دیگری، هرگز ملاک مشخصی تعیین نمی‌کند تا بتوان دریافت که کدام محقق به آن حد فرضی نایل شده است، از این روی روش هرمنوتیک از سنجشی با ملاک‌های آزمون‌پذیر دور می‌ماند.

۲. **افراط در درونگرایی و نگاه کیفی:** توجه بیش از اندازه به کیفیت گرای و درون‌گرایی، آن را از تکرارپذیری و قابلیت بررسی توسط دیگران، که از خصایص روش‌های علمی است، دور می‌سازد. امروزه حتی پدیده‌هایی را که با علم ریاضی قابل سنجش نباشند، از طریق آمار و داده‌های کمی و احتمالی آن، محک می‌زنند، ولی روش هرمنوتیک، سوژه‌ها را هر چه بیشتر از سنجش‌های کمی دور می‌سازد.

۳. **تناقضاتی غیرقابل حل:** در روش هرمنوتیک توصیه می‌شود، که محقق می‌بایست ارزش‌های انسان‌ها را برای تفهم رفتارشان بررسی کند، ولی باید ارزش‌های خود را کنار بگذارد. آن‌چگونه مقدور است، وقتی که محقق برای تفهم معنای رفتار کنشگران، باید از یک طرف خود را به جای او بگذارد و از طرف دیگر از ارزش‌های خود خالی شود، در حالی که بنا به ادعای اصحاب هرمنوتیک، بخش بزرگی از تأویل‌های ما در حوزه معانی ناآگاه ذهنی ماست، که به‌آگاهی نمی‌رسد، ولی در تأویل ما تعیین‌کننده‌اند و همان‌ها هستند که تکثر تأویل را مقدور می‌سازند. به بیان دیگر، محقق برای ذوب افق‌ها می‌بایست خود را به جای کنشگرانی که موضوع تحقیق‌اند بگذارد و از طرف دیگر فارغ از اندیشه‌های ارزشی

خود باشد و این تناقض گویی آشکاری را می‌رساند، چرا که بنا بر ادعای طرفداران هرمنوتیک، آنچه را که درک می‌کنیم، فارغ از مفاهیم پیشین ناخودآگاهی ما نیست. در چنین شرایطی محقق هر بار که درصدد برآید تا خود را از ارزش‌ها تهی سازد، تنها خود را از ارزش‌های حوزه آگاهی خلاص می‌سازد و طبقه‌بندی‌های ارزشی ذهنی او در حوزه ناآگاه همچنان در درک و تأویل‌اش در تحقیق دخیل خواهند بود.

کاربردهای قصه و داستان در معماری

قصه و ادبیات دو ابزار نیرومند برای طراحی به شمار می‌روند تمامی شیوه‌های ادبی سودمند هستند، اما برای اهداف طراحی خلاق، قصه بر داستان برتری دارد. قصه‌ها به مثابه مجموعه‌ای از کلام مکتوب است که رویکردهای جمعی مردم را خلاصه می‌کند قطعات ادبی، مانند «صورت مساله» معماری از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد توجه بسیاری قرار گرفته بود. آنها از اولویت‌های عملی معماری، دست به ساخت گزیده‌هایی زدند که آنها را می‌توان با ارزش هنری‌شان به عنوان قطعات ادبی تلقی کرد. قصه‌ها و داستان‌ها می‌توانند برای طراح از نظر آموزشی و همچنین الهام‌بخشی، بسیار مفید باشند. و به شیوه‌های زیر در راهبردهای آموزشی سودمند واقع شوند:

۱. از طریق مشاهده قواعد حاکم بر ساختار اثر ویژه ادبی؛
۲. از طریق مشاهده شیوه‌ای که نویسندگان تلاش می‌کنند از طریق آن پیام مرکزی را که جوهره طرح کلی است آشکار سازند؛
۳. از طریق شیوه برخورد نویسندگان با راز و شگفتی؛
۴. از طریق کمینه ساختن ابزارهای بیان و تلخیص نظامی که فرد برای خلق اثر برمی‌گزیند؛
۵. از طریق معنایی که به واژه‌های مختلف و موقعیتها اختصاص داده شده است؛
۶. از طریق کاربرد ویژه زبان، بافت در کاربرد واژه‌ها و بافت کلی اثر ادبی؛
۷. از طریق تأکید بر فرم در برابر تأکید بر معنا؛
۸. از طریق متن و نوشتار به عنوان تفسیری انتقادی

از زمان و مکان خود یا متنی که بیانگر خرد عمومی و رویکرد کلی مردم نسبت به موضوعات مورد تفکر است؛ ۹. از طریق سهم ارزشمند تفاسیر نویسندگان از حرفه خود و نیز سهم نقد ادبی مجموعه‌ای کامل از نظام زیبایی‌شناختی که ارتباط بسیار قوی با زیبایی‌شناسی معماری دارد (آنتونی سی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴).

بیان یافته‌های تحقیق

در ادامه به این منظور بررسی و تحلیل ساختارهای ادبی برای او در اولویت قرار دارد. تحلیل رابطه موجود بین ادبیات و بخصوص روایت در داستان و معماری از جمله مسائلی است که بیشتر به آن پرداخته است.

تحلیل‌های هندسه در ادبیات داستانی و معماری
آشکارکننده راهکاری روایی بر پایه ارتباط «جریان خطی متن و تقارن هندسی» آن است. راهکاری که کلیه عناصر روایت را، فراتر از جایگاه زمانی خویش در توالی خطی متن، به یکدیگر مربوط می‌سازد. به جهت بیان این ارتباط، با استفاده از فضا سازی، تجربه‌های هم‌سطح چشم با توصیفات کلی ترکیب می‌شوند. نمونه‌های معماری از دل متون تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک بیرون کشیده شده تا مضامین فلسفی موجود در داستان‌ها تقویت شوند. داستان و معماری نمایشی از واقعیت‌اند که بر پایه قوانین سخت منطقی شکل گرفته و در بین اجزاء بی‌شمار ترکیب‌های ممکن قرار می‌گیرند. در یک سطح کلی‌تر، بررسی‌ها اهمیت یک چارچوب وسیع فرهنگی را، هم برای طراحی معماری و هم برای تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد. اگر معماری جزء مهمی از آثار بورخس باشد، نمی‌تواند در یک محدوده انتزاعی شیوه‌ی عملکردش قرار بگیرد. خورخه لوئیس بورخس در داستان‌های خود از پلان‌های پر آشوب که از اتاق‌های شش‌گوش، دوراهی‌ها و خانه‌های متقارن تشکیل شده در بیان اندیشه‌های عمیق خود درباره‌ی دانش و فرهنگ بهره می‌برد. نویسندگانی چون ایتالو کالوینو و امبرتو اکو با تاسی از بورخس از هزارتو، قصر و شهر برای آرایش صحنه و مضمون روایت‌های خود استفاده می‌کنند. تاثیر شدید معماری بر آثار آنها به نقش خواندن و نوشتن در تنظیم تجربه‌هاشان نیز تسری یافته است. امبرتو

اکو در «شش پیاده‌روی در جنگلهای خیالی» از تشابه خواندن و قدم‌زدن استفاده کرده و عنوان می‌کند یک داستان دنیایی بی‌پوشش است که ذره ذره در توالی تجربه می‌شود. روایت، چه بر پایه حرکت‌های متوالی در داستان باشد و چه بر پایه فضاهایی که به صورت متوالی دیده می‌شود، در مرکز تخیل خلاقانه قرار دارد. آثاری وجود دارد که روایت‌های داستانی و فضایی در آنها از یکدیگر جدایی ناپذیرند- کسی نمی‌تواند به اولیس جویند فکر کند بدون اینکه به دوبلین فکر کرده باشد. شاید مثال‌های بهتری وجود نداشته باشد که نشان دهد رابطه‌ی بین معماری و روایت موضوع جدیدی نیست. صرف نظر از اهمیت شناخت و میزان بحث و جدل‌های پیرامون آن و جالب‌تر از همه اهمیت مطالعه ادبیات برای معماری، به هر حال داستان‌های بورخس ما را به بازخوانی و سپس تجزیه و تحلیل ترغیب می‌کند؛ همان‌طور که بعضی از ساختمان‌ها ما را به بازدید و در پی آن دقت نظر بیشتر دعوت می‌کند. یک معمار با خواندن بورخس به سختی قادر است حس گم‌گشتگی در هزارتوهای طرح‌های او را نادیده بگیرد. هزارتوهایی که هم‌زمان توسط تقارن‌های مفهومی متصل کننده شخصیت‌ها و ماجراهای او و تقارن‌های معمارانه‌ی محل زندگی شخصیت‌های او، در هم تنیده شده است. یک منتقد با توجه به اشتیاق روز افزونی که نسب به کالوینو پیدا شده به سختی قادر است نسبت به منبع الهام کالوینو بی‌تفاوت باشد و تجزیه تحلیلی از کارهای خورخه لوئیس بورخس نداشته باشد.

یکی از عناصر هر داستانی، فضا و مکانی است که قصه یا داستان در آن اتفاق می‌افتد. برای بسیاری از نویسندگان معمولاً جریان داستان آنقدر مهم است که ترجیح می‌دهند به مکان به‌عنوان عنصر درجه دوم یا سوم نگاه کنند؛ ظرفی ساده و کم‌اهمیت که معمولاً نام و نشانی ندارد و ساختار آن ساده و مکعبی است و زیاد حاجتی به وصف آن نیست. این نگاه بی‌تفاوت به عنصر مکان در داستان حتی در شاهکارهای نویسندگانی بزرگ مثل داستایوفسکی هم دیده می‌شود. در متن وقایع و اتفاقات تفسیگری که برای کاراکترهای داستایوفسکی





هوگو در مقدمه کتاب خود می‌نویسد ضمن کاوش در کلیسای نوتردام در یکی از زوایای تاریک برج‌ها کلمه «آناخ» را که دستی عمیقاً روی یکی از دیوارها کنده بود، مشاهده کرده که این سنگ‌نوشته دست‌مایه اصلی او برای نوشتن «گوژپشت نوتردام» شده است.

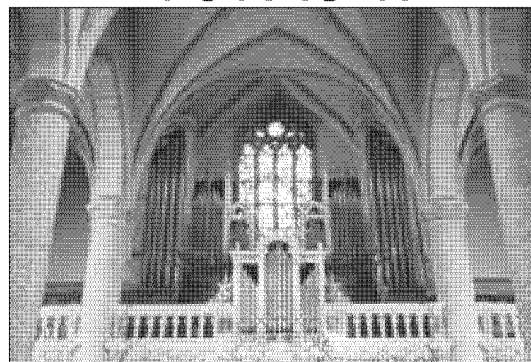
تئاتر وارپته در مسکو (معماری شهری)؛ جایی که گره از شخصیت شیطان باز می‌شود (ادبیات داستانی)

مرشد و مارگاریتا یکی از مهم‌ترین داستان‌های روسی است. یکی از صحنه‌های کلیدی داستان که در نیمه اول کتاب گره از شخصیت «ولند» یا شیطان باز می‌کند، در لوکیشن تئاتر وارپته اتفاق می‌افتد. گفته می‌شود که تئاتر وارپته در اوایل دهه ۱۹۲۰ یکی از سالن‌های موزیک پررونق مسکو بوده است. این سالن در میدان تریمفال‌نایا مسکو قرار داشته و هنوز هم قرار دارد. در مورد تاریخچه این ساختمان گفته می‌شود که در سال ۱۹۱۱ توسط آرشیتکتی به نام «بی‌ام نیلوس» به‌عنوان سالن سیرک روسی برادران نیکیتین طراحی و ساخته شده. در سال ۱۹۲۶ این ساختمان به سالن تئاتر و موسیقی تغییر شکل داد. این سالن ۱۷۶۶ صندلی و تعدادی بالکن دارد و در زمانی که بولگاکف مرشد و مارگاریتا را می‌نوشت، از آن به‌عنوان محلی برای اجرای نمایش‌های کم‌مدی استفاده می‌شد. ساعت‌ها می‌شود

می‌افتد، چه اهمیتی دارد که مکان ارجاع حقیقی یا مجازی به جایی خاص داشته باشد یا نداشته باشد؟ در ادامه به برخی از مصادیق قابل تامل از معیارهای ۷ گانه هرمنوتیکی در تاثیرگذاری ادبیات داستانی بر معماری شهری اشاره می‌شود:

کلیسای جامع نوتردام پاریس (معماری شهری)؛ کازیمودوی گوژپشت برج‌نشین (ادبیات داستانی)

کلیسای نوتردام از آثار فاخر در حوزه معماری است که تبدیلی بی‌بدیل از ساختار معماری را به ذهن متبادر می‌کند. «گوژپشت نوتردام» ویکتور هوگو آنقدر در سراسر جهان شهرت دارد که به اعتبار این شهرت، این کلیسا که خود نیز به اندازه کافی اعتبار تاریخی دارد، از آشناترین و معروف‌ترین کلیساهای تاریخ دنیاست. کلیسای جامع نوتردام در جزیره سیتیه در میانه رود سن و در مرکز پاریس واقع شده است. هر سال حدود ۱۳ میلیون نفر از این کلیسا بازدید می‌کنند. تا قبل از قرن چهارم میلادی در محل این کلیسا، معبدی قدیمی وجود داشت. کلیسای نوتردام تا مدت‌های طولانی بزرگ‌ترین کلیسای اروپا بود و گفته می‌شود ساختمان آن زیباترین اثر معماری گوتیک در دنیاست. برج‌های دوقلوی این کلیسا در رمان ویکتور هوگو، محل زندگی کازیمودوی گوژپشت و ساده‌دل و مهربان است. هرکدام از این برج‌ها ۶۹ متر بلندی دارند و کازیمودو هر روز مجبور است برای رسیدن به بالای آنها از ۳۸۰ پله بالا برود. طول و عرض ساختمان ۱۳۰ در ۴۸ متر بوده و سقف آن روی ۷۵ ستون بنا شده و بلندترین نقطه زیر سقف، ۴۳ متر از سطح زمین ارتفاع دارد.



تصویر ۳. کلیسای نوتردام پاریس؛ ماخذ: آرشیو

نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۴۴



تصویر ۴. خیابان بیکر در لندن؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

معمار انگلیسی در قرن هجدهم ساخته. این خیابان در گذشته یکی از مناطق لوکس و گرانبقیمت و خوش‌نشین لندن بود اما در حال حاضر بیشتر کاربری تجاری دارد. جالب اینجاست که یکی از بزرگ‌ترین و حرفه‌ای‌ترین و مرموزترین دزدی‌های تاریخ، دزدی از بانک لوید در سال ۱۹۷۱ در این خیابان اتفاق افتاده. چه‌بسا اگر داستان دوئل واقعی بود، هیچ‌وقت دزدان معمولی جرات نمی‌کردند که به خانه‌ای در همسایگی آقای هلمز دستبرد بزنند؛ مگر اینکه در حد و اندازه‌های تبهکاری چون پروفیسور مورباتی که آن هم ساخته و پرداخته ذهن دوئل است، بوده باشند.

شانزلیزه و بلوارهای پاریس (معماری شهری)؛ وقتی بودلر با عجله از خیابان رد می‌شود (ادبیات داستانی)
هیچ شاعر و نویسنده‌ای مثل بودلر فرانسوی نیست که این‌چنین همه نویسندگان بعد از او در سراسر اروپا از روسیه گرفته تا آلمان و فرانسه تحت‌تاثیر او باشند. نمی‌توان از بزرگ‌ترین نویسنده سمبولیست در تاریخ ادبیات جهان انتظار داشت که در پاریس قرن نوزدهم زندگی کرده باشد اما اعتنایی به فضاهای شهری و بلوارهای شلوغ و پررفت‌وآمد شهر نداشته باشد. بودلر در «ملال پاریس» می‌نویسد: «با عجله از عرض بلوار عبور می‌کردم... از خلال این آشوب متحرک که در آن مرگ بناگاه از هرسو چهار نعل سر می‌رسد.» این جمله یکی از نخستین انتقاداتی است که از سیر سریع مدرنیستی و حرکت‌های شهری در قرن نوزدهم اروپا مطرح می‌شود

نشست و در این باره صحبت کرد که چرا بولگاکف این سالن را برای لوکیشن صحنه معروف نمایش مسخره و وحشتناک ولند انتخاب کرده است.

بلوار نوئسکی پترزبورگ (معماری شهری)؛ بلوار محبوب آقای گوگول (ادبیات داستانی)

سن‌پترزبورگ شهر مورد علاقه نویسندگان روس است. شهری که از داستایوفسکی و تولستوی و کم‌وبیش تورگنیف گرفته تا چخوف و ناباکوف، همه در فضای آن داستان نوشته‌اند. اما سرسلسله همه این نویسندگان که به قولی همه نویسندگان روسی پس از او از زیر «شنل»ش بیرون آمده‌اند کسی جز نیکلای گوگول نیست. یکی از داستان‌های کوتاه گوگول که در مجموعه «یادداشت‌های یک دیوانه» به فارسی ترجمه شده، بلوار نوئسکی نام دارد. بلواری که الهام‌بخش‌ترین جایی است که سن‌پترزبورگ در خود دارد. جایی که همین جمله پایانی داستان نویسنده در مورد آن کفایت می‌کند تا بدانیم درباره چه خیابانی صحبت می‌کنیم: «آه به نوئسکی اعتماد نکنید... همه‌اش یک رویاست.» بلوار نوئسکی یکی از خیابان‌های اصلی پترزبورگ است که خود روس‌ها به آن پراسپکت نوئسکی می‌گویند که پراسپکت به معنی خیابان طولانی و مستقیم است. این بلوار، قدمتی به اندازه خود شهر دارد. در اوایل قرن نوزدهم و در زمان سلطنت الکساندر این خیابان توسط چندین معمار نئوکلاسیک برجسته تقریباً به‌طور کامل بازسازی شد.

خیابان بیکر لندن (معماری شهری)؛ ساختمان شماره ۲۲۱ آقای هلمز (ادبیات داستانی)

هنوز هم بعضی‌ها تردید دارند که شرلوک هلمز یک شخصیت واقعی است یا شخصیتی خیالی و ساخته و پرداخته ذهن سرآرتور کانن‌دویل. ساختمان شماره ۲۲۱، خیابان بیکر، لندن، شرلوک هلمز، دکتر واتسن، خانم هادسن و... اینها آنقدر واقعی‌اند که تا سال‌ها مردم به آدرس خیالی ساختمان ۲۲۱ نامه می‌نوشتند و از آقای هلمز می‌خواستند تا گره از کارشان باز کند. خیابان بیکر یکی از خیابان‌های معمولی در ناحیه «ماریل بون» در وست‌مینستر لندن است. این خیابان را ویلیام بیکر،

برای اینکه لوکیشن داستان‌های پر از هیجان مثل «کد داوینچی» باشد. این داستان که فیلم سینمایی آن هم شهرت زیادی دارد، قصه پلیسی و پرهیجانی است که از زیر هرم شیشه‌ای لوور آغاز می‌شود؛ موزه‌ای که بیش از ۳۵ هزار اثر هنری و تاریخی را در هشت تالار مختلف جای داده. درباره این موزه به‌خصوص ساختمان جدید آن افسانه‌های زیادی گفته می‌شود. همین افسانه‌هاست که دن براون آمریکایی را به این موزه می‌کشاند تا آن را لوکیشن داستان پلیسی خود قرار دهد.

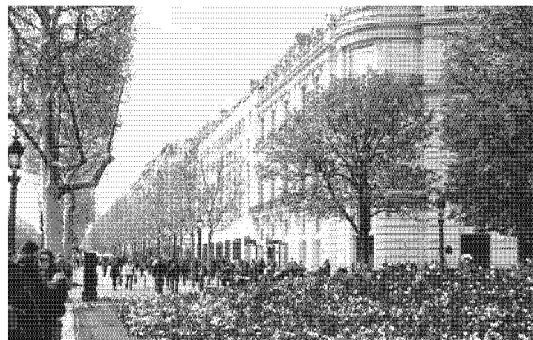
قلعه اوترانتو (معماری شهری)؛ معماری و ادبیات گوتیک (ادبیات داستانی)

در سال ۱۷۶۴، «هوراس والپل» رمانی به نام «قلعه اوترانتو» نوشت. این رمان را بسیاری از منتقدان نخستین رمان سبک گوتیک می‌دانند که سبک مورد علاقه ادبیات‌گونه وحشت است. ژانری که با الهام از معماری گوتیک وصف وحشتناکی از قلعه‌ها و صومعه‌ها و بناهای قدیمی مخروبه ارائه می‌دهد و در آن ماجراهای رومانیتیک را آغشته با تعلیقی ترسناک روایت می‌کند. اوترانتو شهری در ایالت آپولیای ایتالیا است. این شهر در نقطه تلاقی دریای آدریاتیک و دریای ایونی و مرز ایتالیا و آلبانی قرار دارد. همه چیز در این شهر مهیا برای تعریف کردن داستان‌های ترسناک است. فقط یک قلعه بزرگ با معماری گوتیک را کم دارد که هر جایی که در شهر سر برگردانی یکی از آنها را خواهی دید. قلعه‌های زیادی در این شهر وجود دارد که معلوم نیست نویسنده کدام یک را دست‌مایه داستان خود قرار داده است.

کلیسای کومبره (معماری شهری)؛ کومبره دورافتاده آقای پروست (ادبیات داستانی)

نمی‌شود درباره ادبیات صحبت کرد اما اشاره‌ای به «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» نکرد. مارسل پروست و شاهکار هفت‌جلدی‌اش آنقدر مهم است که یک ساختمان معمولی و دورافتاده مثل کلیسای کومبره به‌واسطه اینکه در این کتاب وصف آن آمده، تبدیل به یکی از کلیساهای معروف در تمام دنیا می‌شود. این از بخت روستای کومبره در شمال غربی فرانسه و کلیسای محقرش است، وگرنه اگر پروست در کتابش از هر روستا

و در آینده به نقدهای جان‌دار فیلسوفان قرن بیستم کشیده می‌شود.



تصویر ۵. شانزه لیزه و بلوارهای پاریس؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

میدان قدیمی پراگ (معماری شهری)؛ میدان مورد علاقه نویسندگان چک (ادبیات داستانی)

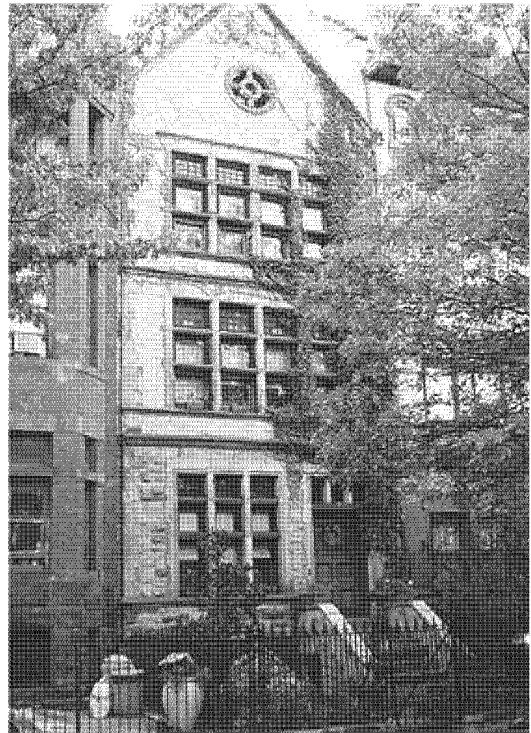
به‌سختی می‌توان یک نویسنده چک را پیدا کرد که داستانی بنویسد و در آن اشاره‌ای به میدان پراگ نکند. اگر فرانتس کافکا را به‌عنوان یک استثنا کنار بگذاریم، میلان کوندار، بهومیل هرابال، ایوان کلیما و همه نویسندگان نامدار معاصر ادبیات چک در داستان‌های خود میدانی را وصف کرده‌اند که اگر مهم‌ترین میدان در سراسر اروپا نباشد، در ردیف پنج‌تای اول خواهد بود. کوندرا در بسیاری از کتاب‌هایش به این لوکیشن اشاره کرده. بخش‌هایی از «تنهایی پرهیاو» هرابال در اینجا اتفاق می‌افتد و کلیما در «روح پراگ» خود در توصیف پراگ و در وصف این میدان می‌نویسد: «میدان قدیمی شهر بی‌تردید تجسم‌بار سنگین تاریخ چک است. این میدان علاوه بر آنکه برای چهار قرن داغ اعدام دسته‌جمعی ننگین ۱۶۲۱ را بر پیشانی دارد، بارها و بارها جشن‌هایی در این میدان به افتخار حاکمان وقت برگزار شده...»

موزه لوور پاریس (معماری شهری)؛ هرم شیشه‌ای (ادبیات داستانی)

کیست که وقتی اسم موزه را می‌شنود، تصویر هرم شیشه‌ای لوور به ذهنش نیاید. هرمی که تالارهای تودرتوی زیرزمینی معروف‌ترین و مرموزترین موزه دنیا را زیر خود پنهان کرده است. موزه‌ای که جان می‌دهد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015



تصویر ۶. کلیسای کومبره؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

و از هر ساختمان دیگری هم در هر کجای دنیا الهام می‌گرفت، آن منطقه و آن ساختمان، امروز به‌جای کومبره نشسته بود. پروست وصفی بسیار طولانی درباره کلیسای کومبره دارد؛ وصفی که کمتر می‌توان نمونه آن را در تاریخ ادبیات سراغ گرفت: «کومبره از دور از هفت‌فرسنگی، از راه‌آهن هنگامی که در آخرین هفته پیش از عید پاک به آنجا می‌رسیدیم چیزی بیش از یک کلیسا به‌نظر نمی‌رسید که چکیده و نماینده شهر بود. از شهر و به جای آن برای دوردست‌ها سخن می‌گفت... شیشه‌نگاره‌هایش هیچ‌گاه به زیبایی نوازشگرانه روزهایی نبود که خورشید کم می‌تابید. به‌گونه‌ای که با همه تیرگی هوای بیرون شک نداشتی که هوای درون کلیسا خوش بود...» ممکن است برای هر کسی این سوال پیش بیاید که آیا به‌راستی کلیسای کومبره اینقدر مهم است؟ همین که پروست به‌سراغ آن رفته نباید در اهمیتش تردید کرد.

بروکلین نیویورک (معماری شهری)؛ شهر شیشه‌ای پل استر (ادبیات داستانی)

محال است که آدم داستان‌نویس معروفی مثل پل استر

باشد، در بروکلین زندگی کند و از کنار آسمانخراش‌های غول‌آسا و زندگی نیویورکی با ویژگی‌های خاصی که دارد به‌سادگی بگذرد. پل استر را امروز در دنیای ادبیات به عنوان نویسنده‌ای می‌شناسند که می‌توان نیویورک را در داستان‌های او، حتی بهتر از آنچه به‌چشم می‌آید، دید. نیویورک و هرج و مرج‌های نیویورکی در «دیوانگی در بروکلین» و «شهر شیشه‌ای» موج می‌زند. می‌توان داستان‌های او را به‌عنوان راهنمایی برای یافتن کنج‌های شهر و راهنمایی برای پرسه‌زدن و لذت‌بردن در گوشه‌هایی دیده و نادیده از نیویورک هم دید. سه‌گانه نیویورکی، نیویورکی‌ترین کتاب پل استر است، سه‌گانه‌ای مستقل که ساختاری پلیسی و جنایی دارد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

اشتراکات زیادی بین مطالعات ادبی به ویژه داستان‌ها و قصه‌ها به‌طور خاص و معماری وجود دارد، بنابراین طرح بیاناتی چون فضاسازی و طراحی برای برخی افراد می‌تواند جالب باشد. عناصر قصه و داستان باید مقتصدانه به کار گرفته شوند، همانطور که معمار از فضایی که در اختیار دارد حداکثر استفاده را می‌کند. تفاوتی که قصه با دیگر انواع ادبی دارد، می‌توان بین معماری در دوره‌های مختلف بیان کرد. در ادبیات گفته می‌شود: *less is more*؛ این عین بحثی است که در معماری وجود دارد تعداد کلماتی که داستان‌نویس به کار می‌برد به مراتب کمتر از کلماتی است که رمان‌نویس استفاده می‌کند. معمار طوری طراحی می‌کند که از همه چیز به‌طور مناسب و بهینه استفاده شود این دقیقاً کاری است که نویسنده با مصالح کار خودش انجام می‌دهد این مصالح شامل شخصیت، زمان، مکان، فضا و واژه‌ها است واژه‌ها همانطور استفاده می‌شوند که معمار از آجرهای بنا استفاده می‌کند ملاحظات نویسنده به ملاحظات معمار نزدیک است. مخاطب معماری مدرن همان مخاطب قصه مدرن است و در اینکه چه ساحتی از انسان مورد خطاب قرار می‌گیرد اشتراک دارند. امروزه بحث هنر کاربردی و از آن جمله معماری اهمیت زیادی دارد و قالباً از یاد برده شده، بحث از زمانی شروع می‌شود که قرار است اثر هنری دیگر کاربردی

نباشد حال آنکه در گذشته این دو وجه بر هم منطبق بودند به عبارتی قصه و معماری گذشته با هم تطابق داشتند. به معماری می توان از جنبه علم و فن آوری، مهندسی و اندازه ها نگاه کرد که در طبقه بندی سه گانه معماری از دیدگاه ادبیات اندازه از همه موارد تشابه بیشتری با قصه دارد (مخبر، بهشتی، ۱۳۸۶). اختلافات اخیر پیرامون ارزش نظریه هنر در تعالیم هنرهای زیبا و برهمکنش ادبیات داستانی و معماری، نشانگر آن است که تأکیدی که هرمنوتیک بر باز بودن، گفت‌وگو و اولویت تجربه زیبایی‌شناختی می‌گذارد الگویی برای گذر از دریای پُرخطر میان عمل هنری و تأمل نظری است. هرمنوتیک از یک سو با شک عمیقش به نظریه‌پردازی انتزاعی جانب عمل را می‌گیرد، چون مانند عمل، می‌فهمد که تجربه‌های مهم همیشه خاص‌اند؛ اما از سوی دیگر، دقیقاً به این خاطر که تجربه‌های مهم خاص‌اند، هرمنوتیک نیز این ادعای نظریه را تأیید می‌کند که تجربه‌ی معنادار در هنر همیشه تفصیل موضوعی معین است. پس هرمنوتیک این حکم کانت را عملیاتی می‌کند که مفاهیم بدون شهودها (تفصیل‌های حسی) تهی‌اند و شهودها بدون مفاهیم (چارچوب‌های اندیشگانی) کورند. گادامر این را مبنای گفت‌وگوی نظریه و عمل هنری قرار می‌دهد. نظریه‌ی هرمنوتیک و عمل هنری نقاط متقابل آشتی‌ناپذیری نیستند، بلکه گفتمان‌هایی مکمل‌اند که به بیان گادامر، قادرند «خلاقانه» در یکدیگر «دخالت» کنند. موقعیت‌مندی تاریخی نظریه و نیز عمل و حساسیت متقابل‌شان نسبت به موضوعات هنر علایق مشترک مهمی را به وجود می‌آورد. روی هم رفته، فعالیت تفسیری و هنری هر دو عمل‌اند. با این‌که هر کدام با الویت‌های خودش سراغ پاره‌گفتار، انتقال و فهم معنای هنری می‌رود، ادعای مشترک‌شان در مورد موضوع هنر و وابستگی متقابل اندیشه و مصداق در زیبایی‌شناسی جمع عمل تفسیر و عمل بیان را تقریباً اجتناب‌ناپذیر می‌کند. گفت‌وگوی تفسیر و عمل هنری با ترجمه‌ی نگاه یک طرف به نگاه طرف دیگر همراه نیست، بلکه نزدیکی نگاه طرف دیگر را به آگاهی متفکرانه‌ی بیشتر از ماهیت و محدودیت‌هایش

فرا می‌خواند. هر کدام با پرداختن به دیگری، خود را بیشتر می‌شناسد. تفسیر با آشکار کردن ساختارهای اندیشگانی عمل، عمل را به نظریه تبدیل نمی‌کند، بلکه عمل در تقابل با جنبه‌های ذاتاً تأملی خود قرار می‌گیرد. روشن کردن موضوعات و بافت‌های تاریخی عمل باعث می‌شود دریابیم چیزی که پیش‌تر غیر از آن (یعنی نظریه) در نظر گرفته می‌شد همیشه بخشی از آن بوده است. چنین مبادله‌هایی مستلزم آن نیست که نظریه‌ی علایق مفهومی‌اش را رها کند، بلکه فقط می‌خواهد تشخیص دهیم که موقعیت‌مند بودن نظریه و شیوه‌ی ارائه، پرداخت و سبک آن هم به ماهیت عمل خودش و هم به رویکردش به چیزی که عمل هنری می‌انگارد شکل می‌دهد. در واقع می‌توان گفت موضوعات هنر همیشه فراتر از موقعیت‌مندی تاریخی‌شان می‌روند، و ماهیت عمل هنری نیز همیشه فراتر از مفهوم عمل می‌رود. پس مبادله‌ی تفسیر و عمل هیچ طرف را بی‌تغییر نمی‌گذارد و در عین حال به هر یک این امکان را می‌دهد که با قوت بیشتری، خودش باشد. پرداختن به تفکر هرمنوتیک به هنرمند امکان می‌دهد مفروضات نیندیشیده کارش را تغییر دهد یا در واقع، آن‌ها را تقویت کند. چون گفت‌وگوی بازاندیشانه چیزی را که در واقع قابلیت‌ی پایان‌ناپذیر برای معناداری درون اثر هنری است می‌گشاید، طبیعی است که تفکر هرمنوتیک در برابر قطعیت‌های دروغین هر شکلی از تقلیل‌گرایی نظری مقاومت می‌کند. از این گذشته، تشخیص می‌دهد که هر نوع مضمون‌سازی تفسیری از یک اثر باید مؤید دیدگاه هنرمند باشد. بدون این تأییدیه مضمون‌سازی هرمنوتیک بازآرایی مفروضات هنرمند را در اختیار او قرار نمی‌دهد و در نتیجه نمی‌گذارد آن‌ها را تشخیص دهد. بر این اساس، مشارکت هرمنوتیک شکست می‌خورد. هدف گفت‌وگوی هرمنوتیک آن فهمی است که طرف‌های آن بتوانند در نتیجه‌ی درگیری با نظرگاه دیگری، به نظرگاه خودشان طور دیگری فکر کنند. چیزی که این مواجهه را آگاهی‌بخش و نه دلسردکننده می‌سازد این است که در زیبایی‌شناسی هرمنوتیک و عمل هنری، هر طرف به صراحت چیزی درباره‌ی دیگری می‌داند که دیگری فقط

به طور ضمنی از آن آگاهی دارد. مفسر و هنرمند برای این که پنجره‌ای به روی آن مفاهیم بیان نشده بگشایند، باید ابتدا به طرف دیگر اجازه دهند از خودشناسی‌اش آشنایی‌زدایی کند. نظریه پرداز پرده از چیزی بر می‌دارد که هنرمند موقعیت‌مند بدیهی می‌انگارد، حال آن که مفسر تقریباً به اندازه‌ی هنرمند با جزئیات کارش آشنایی ندارد. پرداختن به عمل هنری پرده از پیش برداشت‌های متضاد بر نظریه‌پرداز بر می‌دارد، که این می‌تواند مفسر را هدایت کند تا مفروضات پیشینه‌ی عملیاتی خودش را زیر سؤال برد. لازم نیست این آشنایی‌زدایی به بیگانگی بینجامد اگر هم مفسر و هم هنرمند بدانند که شریکش در گفت‌وگو از ابزار فهم کامل‌تر از خودش و نیز چیزی که در اثر هنری وجود دارد، برخوردار است. پس آشنایی‌زدایی گام اولیه برای بسط عینین هرمنوتیک است، یعنی تبدیل موضع بیرون به موضع درون. با این که چنین فهمی هرگز کامل نمی‌تواند باشد، بازگشت به نظرگاه خود به شکلی که انگار نظرگاه دیگری است، آن را کامل‌تر می‌کند.

لذا در پایان می‌توان گفت که این رابطه (تاثیرگذاری و تاثیرپذیری معماری و ادبیات داستانی)، از سه راه به دست می‌آید:

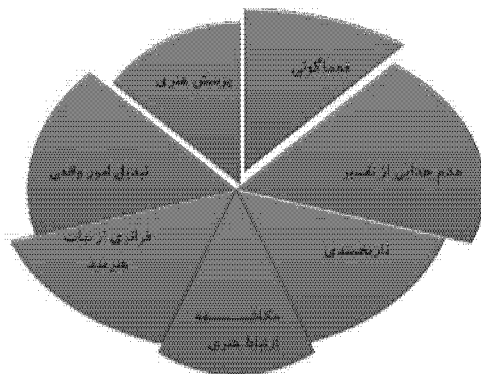
۱. اول، استفاده از معماری به‌عنوان استعاره‌ای برای حرکت و جهت‌یابی در بین مسیر خطی طرح‌های معماری؛

۲. دوم استفاده از زمینه‌های معمارانه‌ای که ایده‌های فلسفی موجود در پشت داستان‌های او را در میان گرفته ۳. در آخر با اعمال یک ساختار روایی تقارن محور که ما را قادر به فهم عناصر روایی به طور هم‌زمان و فراتر از جایگاه آن‌ها در توالی خطی متن می‌کند.

رسالت اصلی در پدیدارسازی این تعامل بین هنری (معماری و ادبیات داستانی)، چه در معماری و چه در ادبیات «تدوین دریافت» است. این مهم به تحولاتی بستگی دارد که درکی هم‌زمان از روابطی که به‌طور معمولی متوالی دیده می‌شوند و بر فراز زمان گسترش می‌یابند، ایجاد کند.

همچنین ادبیات و قصه‌ها در شکل‌گیری هنر و معماری

اسلامی نقش اصلی و عمده ای داشته و دارد با نگاهی به جایگاه ادبیات می‌توان ارتباط مضامین، ویژگی‌ها و شاخصه‌های اجتماعی و فرهنگی معماری و ادبیات هر دوره را شناخت. از گذشته تا امروز همواره رابطه مفهومی میان داستان‌ها و قصه‌ها با معماری وجود داشته است محوریت یک مفهوم مشخص و واحد داشته به گونه ای که در ابتدا خلق فضا سپس پویایی و حرکت در فضا و بکارگیری احساسات منبعی برای الهام هنرمندان در هر دو حوزه هنری بوده است این مفاهیم در فضای دو هنر تا جایی بوده است و در حال نیز ادا می‌دارد آنچنان که با قرار گرفتن در کلیسای معروف نتردام ما به یاد نوشته‌های معروفی که در باره این مکان بوده است افتاده و گویی اینکه شخص زمانی که در این فضا قرار می‌گیرد میتواند خود را جای شخصیت اصلی قصه گذارده و ذهن خود را در فضا حرکت دهد. در انتها می‌توان گفت میزان اثر گذاری هر یک از این هنرها بر دیگری بسیار قابل بحث است، چگونگی شناخت و خلق فضا توسط هنرمندان گذشته می‌تواند یاری دهنده هنرمندان دوران‌های بعد باشد. نتیجه دیگری که می‌توان از این بحث گرفت این است که در قصه‌ها عمود خیمه‌ها درام است اما در داستان ما بحث درام را نداریم و این ارتباط بیشتر بین معماری و ادبیات دوران غیر مدرن وجود داشته است. معماری مدرن غیر دراماتیک است ما تا زمانی که در فضای دراماتیک معماری قرار نگیریم چیز زیادی برای ادراک قصه‌های درام نخواهیم داشت؛ به این دلیل است که معماری دوران گذشته با قصه‌های بیان شده ارتباط نزدیک تری از نظر مفهومی داشته‌اند.



نمودار ۲. مبانی هرمنوتیکی ارتباط و پیوستاری ادبیات داستانی و معماری؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

منابع و کتاب شناسی

- آنتونیادیس، آنتونی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری، جلد اول، ترجمه احمدرضا آی، سروش، تهران.
- افشارنادری، کامران (۱۳۷۷) فضای معماری و فضای زندگی، مجله معماری، شماره ۲
- اهری، زهرا (۱۳۸۵) مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر، تهران
- بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها. ترجمه: فرزانه طاهری. انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول. تهران
- توسلی، محمود (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری ۱. مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری.
- حریری، نجلا (۱۳۹۰) اصول و روش های پژوهش، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- خمیسی، فرزاد (۱۳۸۹) وبلاگ تخصصی معماری و شهرسازی، معمار سبز.
- دانش آذر، سیاوش (۱۳۸۶) هفته نامه ادبی سیمرغ.
- دیبا، داراب (۱۳۸۲) مفاهیم پایه در معماری، چاپ چهارم پاییز ۱۳۸۲.
- سوفیا، سارا (۱۳۹۱) کتاب و هزار تو یگانه و همانندند، روایت و معماری در داستان های بورخس، برگردان: علیرضا کرباسیون، تهران.
- سی بروکس، آر.پی. وارن؛ (۱۳۵۳) اصول فکری نگارش، کتابخانه دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه طباطبایی، مترجم کیومرث سلیمانی، نشر پویه، تهران.
- گروتز، یورگ (۱۳۷۵) زیبایی شناختی در معماری. ترجمه: دکتر جهانشاه پاکزاد، مهندس عبدالرضا همایون. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. تهران
- گیدیون، زیگفرد (۱۳۸۱) فضا، زمان، معماری. ترجمه: دکتر منوچهر مزینی. انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ پنجم. تهران.
- مخبر، سید محمد؛ بهشتی، حسین (۱۳۸۶) نشست. وجوه اشتراک معماری و ادبیات داستانی- داستان کوتاه هنر و معماری، آینه خیال، آبان ۱۳۸۶، شماره ۱
- مدنی پور، علی (۱۳۸۴) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی. ترجمه: فرهاد مرتضایی. انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. تهران.
- Ibn Khaldun, 1967. *The Muqaddimah*, translated by Franz Rosenthal (Princeton, NJ: Bollingen Series 43, Princeton University Press,) vol. 3, p. 391.
- Roman Jakobson, 1960 'Closing Statements: Linguistics and Poetics', in Thomas A. Sebeok (ed.) *Style in Language* (New York: The Technology Press of MIT and John Wiley & Sons, Inc.,) p. 358.
- Rudolf Wittkower, 1971 *Architectural Principles in the Age of Humanism* (New York: W.W. Norton & Company,).

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان تهرانی به محله (جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران)

حسین ابراهیم زاده - استادیار گروه مردم شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.
نوروز هاشم زهی - استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق و رئیس مرکز پژوهش های اجتماعی
کندوکاو، تهران، ایران.

اباذر اشتیری - دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

فاطمه مفرح* - کارشناس ارشد جامعه شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد تهران شمال، تهران، ایران.

چکیده

در این مقاله مسئله و هدف محوری، سنجش میزان تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن (پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای) می باشد. بر اساس رویکرد جامعه شناختی، عمده ترین تحولات نظری این مقوله با استناد به ترکیبی از نظریه های اندیشمندی چون دورکیم، زیمل، پارسونز، اینگلهارت و پاتنام، فوکویاما، ساپ و هارود و هانتینگتون بررسی شده است. با روش پیمایشی و ابزار مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه، ۲۵۰ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند و اطلاعات گردآوری شد؛ روایی و اعتبار پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ به محله در حد کم می باشند. همچنین هر چه پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای در محلات افزایش یابد، تعلق اجتماعی شهروندان به محله نیز افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: تعلق اجتماعی، پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای.

Social factors influencing the Iranians belong to the neighborhood (the study population: Tehran 22 area residents over 18 years old)

Abstract

The central aim of this paper is the evaluation of social belonging and social factors affecting the citizens of District 22 of Tehran (social cohesion, social trust, social participation, solidarity and cohesion, neighborhood) are. According to the sociological approach, the major theoretical developments in this category based on a combination of theories of thinkers such as Durkheim, Simmel, Parsons, Inglehart and Putnam, Fukuyama, Huntington Sap and Harvd and investigated. Questionnaire and interview-based survey of 250 residents over 18 years of district 22 of Tehran were selected by multi-stage sampling and data were collected. Validity and reliability were confirmed. The results showed that the citizens of the community who are less than 22 quarters. As well as social cohesion, social trust, social participation, solidarity and community cohesion in neighborhoods increases, increases social belonging to neighborhood residents.

Key words: social belonging, social links, social trust, social participation, solidarity and community cohesion.

مقدمه

شهروندی و تعلق و یگانگی به شهر را در افراد کندتر کند. در چنین شرایطی انسان شهرنشین در تکاپوی رفع نیاز به تعلق اجتماعی و هویت یابی، توسعه روابط اجتماعی را دنبال می‌کند. در واقع شهرها فقط حاصل فشردگی و تراکم بالای جمعیت در یک مکان خاص نیستند، بلکه افراد حاضر در شهر بر اساس تنظیم روابط خود در قالب روح شهروندی، موفق به ایجاد حس تعلق به یک مکان جغرافیایی و یک محیط اجتماعی می‌شوند. ایجاد نقش شهروندی به این دلیل برای مدیریت شهری اهمیت دارد که در جامعه احساس تعلق شهری را ایجاد کرده و به تبع آن مسئولیت پذیری افراد را نسبت به محیط شهری بالا می‌برد.

هر اندازه مشارکت مردم در اداره شهر بیشتر شود، حس تعلق آنان به شهر نیز افزایش می‌یابد. با ایجاد انگیزه و احساس تعلق اجتماعی مردم و ارتقای سطح دانش آنان، می‌توان شهروندانی مسئول و اجتماعی ساخت. حال اگر در برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری بتوان به گونه‌ای بافت و ساختار و فعالیت‌ها را تنظیم کرد که به توسعه تعاملات و ارتباطات عمیق و کیفی کمک کند، طبعاً بیشترین کمک به ارتقاء حس تعلق اجتماعی، هویت یابی و تامین نیازهای عاطفی شهروندان شده است. از مهم‌ترین اهداف رویکرد محله‌محوری در مدیریت شهری موفق، بهره‌گیری از مشارکت مردم و ارزش‌گذاری بر دیدگاه‌های مردم در موضوعات مختلف شهری است که باعث ایجاد تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی می‌شود. مشارکت شهروندان در اداره شهر و تصمیم‌گیری محلی همواره به عنوان یکی از شیوه‌های انسجام اجتماعی مطرح شده است. آگاهی از نیازها و مسائل مردم و بررسی نگرش آنان در میزان نقشی که می‌توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند موثر است. مردم در کاری مشارکت می‌کنند که آن را به درستی بشناسند. شناخت، اولین گام مشارکت است. سپس تبادل اطلاعات، اعتمادسازی و ایجاد تعلق اجتماعی است که به مشارکت هدفدار منتهی می‌شود. مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری یک حق شهروندی است که باید شرایط آن فراهم شود. پسوند «وند» که پس از

در ادبیات جامعه‌شناسی شهری دهه‌های اخیر ساختار محله‌های شهری با تأکید بر نیاز به توسعه احساس تعلق اجتماعی و مکانی ساکنان در شهرهای بزرگ مورد بازشناسی قرار گرفته است. بازشناسی تعلق اجتماعی در محله‌های شهری یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است که در جهت پیشبرد اهداف استراتژیک مدیریت شهری نقش بسیار مهمی دارد. محله‌ها به طور سنتی کارکردهای اجتماعی مهمی از جمله هویت یابی و احساس تمایز، احساس تعلق جمعی، مشارکت‌یابی و بسیج داوطلبانه‌ی منابع و امکانات انسانی و مالی داشتند. ساخت کالبدی محله باعث تقویت هرچه بیشتر این کارکردها می‌شد زیرا معابر، میدان عمومی، بازار و مسجد محله همه به گونه‌ای طراحی شده بودند که امکان ملاقات و گفتگوی دائمی، حمایت مالی، هم‌فکری و مشورت در امور محله و همکاری را فراهم می‌کرد و هر محله یک مجموعه‌ی زیستی کامل به شمار می‌رفت. محله‌های شهری از گذشته در شکل‌دهی و سازمان‌دهی امور شهری جایگاه ویژه‌ای داشتند. هر محله با ارائه‌ی خدمات روزمره‌ی مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و هویت داشته باشند. در گذشته برای امور محله همچون ایجاد امنیت از اهالی محله مشارکت می‌خواستند ولی به مرور این نقش از مردم برداشته شد و ساکنان محله از هویت خاص محله خود تهی شدند. تراکم اخلاقی، جمعیتی و ساختار ارگانیکی در زندگی مدرن شهری به گونه‌ای است که قانون و هنجارهای رسمی جانشین هنجارهای سنتی می‌شود و در نتیجه مرادوات اجتماعی را بسیار پر حجم اما ناپایدار و بی‌روح می‌کند. در چنین فضایی همکاری، مشارکت و روابط اعتمادآمیز اجتماعی به حداقل می‌رسد و خلاءهای عاطفی و ضعف در هویت جویی افزایش می‌یابد و نیاز به تعلق اجتماعی کمتر تامین می‌شود. کمبود امکانات و تسهیلات شهری در قبال روند افزایش بی‌رویه جمعیت نیز از سوی دیگر موجب شده تا احساس نارضایتی در شهرنشینان ایجاد شود و روند ایجاد نقش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

شهر قرار می گیرد، گویای تعلق و هویت است. تعلق اجتماعی شهروندان به محله می تواند در تامین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، آسیب ها و تنش های ناشی از زندگی شهری و افزایش انسجام اجتماعی (همبستگی و انسجام محله ای)، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی و رضایت شهروندان موثر باشد. احساس تعلق اجتماعی نیز مبنای احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت در توسعه شهری و منطقه ای است. هویت فرهنگی و اجتماعی در تداوم حیات اجتماعی انسان نقش مهمی را در انجام وظایف و مسئولیت های اجتماعی و شهروندی ایفا می کند. نتایج بررسی ها نشان داده است که میزان تعلق اجتماعی شهروندان ضعیف است و شهروندان نسبت به محیط زندگی خود احساس تعلق و یگانگی ندارند. ساختار زندگی شهری شرایطی را ایجاد نموده که منافع عمومی در مقابل منافع شخصی رنگ باخته است.

سازمان محلات شهری و جایگاه آن در نظام جغرافیایی - اجتماعی، در چشم انداز جغرافیایی، جامعه شناختی و برنامه ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه جغرافیایی بیشتر متوجه ساختار فضایی محله های شهری و ضرورت ها و نیازهای محیطی واحدهای فوق و موقعیت محله های شهری از لحاظ تفکیک کارکردی فضایی است. در حالی که نظریه های جامعه شناسی نقش و اهمیت کارکردی محلات شهری را در بعد پیوند اجتماعی و تأثیری که وضعیت مکانی فوق در زندگی جمعی ساکنین شهری دارد را مورد تأکید قرار می دهند. به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری توجه به تعلق اجتماعی شهروندان در محلات (به عنوان کوچکترین واحد شهری) ضروری است. این مقاله در صدد است ابعاد جامعه شناختی تعلق اجتماعی شهروندان و عوامل اجتماعی موثر بر افزایش آن را با نگاهی به ساختار محله در شهر تهران (منطقه ۲۲ شهرداری تهران) مورد بررسی قرار دهد.

۱. اهداف اصلی عبارتند از: «۱. سنجش میزان تعلق شهروندان به محله در منطقه ۲۲؛ و ۲. بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان به محله.»

۲. اهداف فرعی عبارتند از: بررسی رابطه میان سن، جنسیت، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای با میزان تعلق شهروندان به محله.

مبانی نظری

منظور دورکیم از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد خودش را با جامعه هماهنگ دانسته و به طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خود ارزشی فرد می شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می کند. از نظر ساپ و هارود (Sapp & Harrod) تعلق به گروه اجتماعی (جمع گرایی) موجب پذیرش گروه مرجع مثبت گردیده است و به خاطر ارزش های حاکم بر گروه و فشار هنجاری افراد خود را موظف به پذیرش رفتار و پیروی از آن می دانند و در نتیجه فعالیت های گروهی و رفتار اجتماعی تقویت می گردد. ساپ و هارود در تحقیق خود متغیری به نام «پذیرش اجتماعی» (Social Acceptability) را در نظر گرفتند. آنها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت موثر است. بدین ترتیب انسان جهان اطراف خود را از دیدگاه گروه مرجع کلی ادراک می کند. گروه مرجع می تواند هر مجموعه از مردم باشد. این گروه مرجع یک چهارچوب ارزشیابی را به وجود می آورد که بر اساس آن اعضای سیستم اجتماعی یا گروه، خود و دیگران را ارزیابی و کنترل می نمایند. بر این اساس هر آنچه که در یک گروه به عنوان یک مقیاس ارزشی گروهی جا افتد بر روی قضاوت و ارزشیابی تک تک افراد تاثیر می گذارد اما به آن تعلق دارد و آن را به عنوان گروه مرجع مثبت می پذیرد. یک سیستم مقیاس های ارزشی تولید می کند که اعضای گروه به دلایل مختلف از جمله فشار هنجاری و همسکلی خود را موظف به پذیرش و پیروی از آن می دانند البته پیروی از این مقیاس ها بستگی به میزان همبستگی و انسجام گروهی دارد و هر چه که این مقیاس ها مشخص تر باشند و تعداد بیشتری از اعضای گروه آن مقیاس ها را پذیرفته و

از آنها پیروی کنند، همشکلی و لذا فشار هنجاری بیشتر خواهد بود (رفیع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۲). سالی شورتال (Sally Shortall) که به بررسی رابطه مشارکت افراد در توسعه روستاهای ایرلند شمالی می پردازد، احساس کم رنگ شدن تعلق اجتماعی در افراد را از جمله عوارض محرومیت اجتماعی می داند که در نتیجه به کاهش انگیزه های مردم برای شرکت در امور اجتماعی منجر می گردد. تأکید این مقاله بر آن است که افراد به وسیله دریافت هایی که از حضور خود در جمع و انجام امور جمعی بدست می آورند از سود یا ضررهای احتمالی که حضورشان در امور جمعی به دنبال خواهد داشت آگاه می شوند و در نتیجه در مورد ادامه یا کاهش حضور در این گونه فعالیت ها تصمیم گیری می کنند. پررنگ بودن احساس تعلق و تعهد اجتماعی در یک جامعه به عنوان یک کاتالیزور جهت پیوند افراد از گروه های مختلف به یکدیگر عمل می کند. (shortall,2008)

از آغاز طرح مباحث جامعه شناسی مفهوم انسجام اجتماعی (Social Cohesion) در کانون توجه نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار داشته است. از دیدگاه متفکران رویکرد ساختی - کارکردی، انسجام اجتماعی پایه نظم اجتماعی را تشکیل داده و گسترش زمینه های وفاق و همبستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می آورد. «دورکیم» (Durkheim) به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره دارد. همبستگی اجتماعی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم است و باعث تشدید تماس های آنان و بیشتر کردن فرصت های ارتباطشان با یکدیگر خواهد شد. یعنی هر چه اعضای یک جامعه همبسته تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا در حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می کنند. انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه است که در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می آید عاطفه جمعی (Collective Emotion) می نامد. از نظر وی عاطفه جمعی عمیق اکثراً طی مناسبات جمعی به وجود می

آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می کند. از نظر ترنر، سوال انسجام یا همبستگی اجتماعی دورکیم، به چند مسئله مربوط است:

۱. چگونه افراد برای این احساس که تعلق به یک جمع اجتماعی بزرگتری دارند، ساخته می شود؟
۲. چگونه تمایلات و خواسته های آنان به طریقی که موجب مشارکت آنان در جمع می شود، محدود می شود؟
۳. چگونه فعالیتهای افراد و دیگر واحدهای اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و مطابقت داده می شوند؟ (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۴ و ۴۳ و ۴۲).

دورکیم همبستگی را چیزی معرفی می کند که فرد را به جامعه پیوند می دهد. او همبستگی را موجب وحدت جامعه می داند. اگر همبستگی اجتماعی در جامعه تقویت یابد، انسجام جامعه ای توسعه یافته در نتیجه مشارکت جمعی افزایش می یابد. از نظر دورکیم جوامع مکانیکی به دلیل تبعیت از احساسات مشترک دارای همبستگی بالا می باشند ولی در جوامع ارگانیک به لحاظ تقسیم کار و تمایز پذیری اجتماعی، گستره آزادی فردی توسعه یافته و همبستگی کاهش می یابد و هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه، زمینه آنومیک و مساعدی برای رشد انحرافات اجتماعی ایجاد می کند. در چنین حالتی یک نوع فردگرایی افراطی خواسته های فردی را در مقابل حیات اجتماعی قرار می دهد. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی عنوان می کند که برای این که در جامعه انواع بی هنجاری ها رخ ندهند باید به تقویت گروه های اجتماعی پرداخت و از آنجا که جامعه به جلو حرکت می کند ما نیز باید از یک حالت به حالت دیگر گذر کنیم در نتیجه بایستی به دنبال راهکارهایی جهت جانشینی برای زندگی سنتی بود (وطنی، ۱۳۸۷، ص ۷۹ و ۷۵ و توسلی، ۱۳۸۲، ص ۵ و ۷۳). دورکیم بر آن بود که محیط شهری و فرآیند شهرنشینی، بستر و شرایطی را فراهم می کند که با شدت گرفتن فرآیند تغییرات اجتماعی، و تاثیر آن بر روی همبستگی و انسجام اجتماعی، پدیده های نابهنجار و آنومی پدیدار می شوند.

پس برای دورکیم، پدیده شهرنشینی در قالب مفهوم تغییرات اجتماعی متبلور می‌گردد، که به صورت عدم وجود فرصت کافی برای افراد در مشارکت و باور نمودن ارزشهای مشترک اجتماعی و از دست دادن پیوندها و بافتهای همبستگی، آنها را به سوی ناپهنجاری سوق می‌دهد (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴). تالکوت پارسونز از متفکرین برجسته نظریه ساختی - کارکردی نیز، انسجام اجتماعی را مجموعه سازگاری‌هایی می‌داند که برای ایجاد شرایط لازم برای بقاء وضع تفکیک یافته تازه توسط دیگر اجزاء سیستم صورت می‌گیرد تا شرایط لازم برای بقای سیستم به عنوان یک کل پویا فراهم گردد. وی معتقد است هر گاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلا خود می‌رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). ماکس وبر نیز به عوامل انسجام شهری اشاره کرده و آنها را عبارت از: اقتصاد، امنیت، آزادی، برادری می‌داند (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹). زمیل در اثر خود «فلسفه پول» به گرایش‌هایی چون تفرد و تقویت احساس خصوصی بودن، تکثر سبکها و روابط اجتماعی و ابداع و نوآوری ناشی از آنها، رشد خرده فرهنگها و ضد فرهنگها و پیدایش احساس‌های جدید و زیباشناختی در الگوهای معرفی شهرها می‌پردازد. تاکید او بر به وجود آمدن «فرد» و «فردیت» در شهر است. زمیل به از میان رفتن برخی از سطوح تعلق با ورود به شهرها اشاره می‌کند و معتقد است فرد در شهر زیر فشار نیروهای مختلف قرار می‌گیرد که در وی احساس نامطبوعی ایجاد کرده و او را به گوشه‌گیری و انزوا و می‌دارند و موجبات فاصله‌گیری از دیگران را فراهم می‌کند. بدین وسیله فردگرایی در شهر متداول می‌شود (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱).

در قالب پارادایم واقعیت اجتماعی مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتی اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی،

گروهی و نهادی عینیت پیدا می‌کند. در این پارادایم جامعه فراتر از مجموعه افراد تشکیل دهنده آن در نظر گرفته می‌شود. جامعه تنها مجموعه‌ای از افراد نیست، منظومه‌ای است که از اتحاد افراد به وجود آمده و واقعیت خاصی با صفات خاصی است. در این پارادایم از حیث روش شناختی ما مخلوق زمان مان، طبقه مان، فرهنگ مان، جنسیت و محل زندگیمان هستیم (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۱). اتخاذ تدابیری جهت تحقق نمایندگی مردمی در سطح محلی و منطقه‌ای و تفویض قدرت تصمیم‌گیری به سطوح محلی می‌تواند بخشی از زمینه‌های مشارکت را تامین نماید (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۹۶). هانتینگتون نیز بر این نکته تاکید دارد که پایه مشارکت اجتماعی توده‌ها در مفهومی از شهروندی نهفته است که بر اساس آن تمام شهروندان از حداقل حقوق برابر و مسئولیت‌های مشارکت در نهادهای اجتماعی برخوردارند و این مسئله به فرهنگ اجتماعی و نوعی جهان بینی نیاز دارد که مشارکت اجتماعی را مشروع و تسهیل نماید (آریایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۴۶). مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه با هم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). به نظر گولت، مشارکت ویژگی مطلقاً ضروری هر نوع از توسعه می‌باشد و جایی که توده مردم در تشخیص مشکلات به آرایه نظر می‌پردازند و فعالانه از ابتدا درگیر تصمیمات و عملیات توسعه می‌باشند، توسعه شانس محکمی در تمرکز بر نیازهای اساسی انسان از شرکت در کارآفرینی، آرایه فرصت‌های لازم جهت استقلال و انسجام محلی، بهبود الگوهای همبستگی و احترام به تفاوتها و یکپارچگی فرهنگی دارد. مشارکت به مانند کانالی عمل می‌کند که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و بزرگتر دسترسی پیدا کنند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰). مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح ملی و محلی داشته است و مبتنی بر یک فرآیند بوده است. فرآیندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار شده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

به نظر پارکر (Parker) مشارکت اجتماعی کاتالیزوری برای وحدت اجتماعی محلی، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده، عامل جامعه پذیری سیاسی و نظام های دینی است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۳۵). مشارکت اجتماعی در برگیرنده انواع مختلف کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد:

الف. بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می شود؛

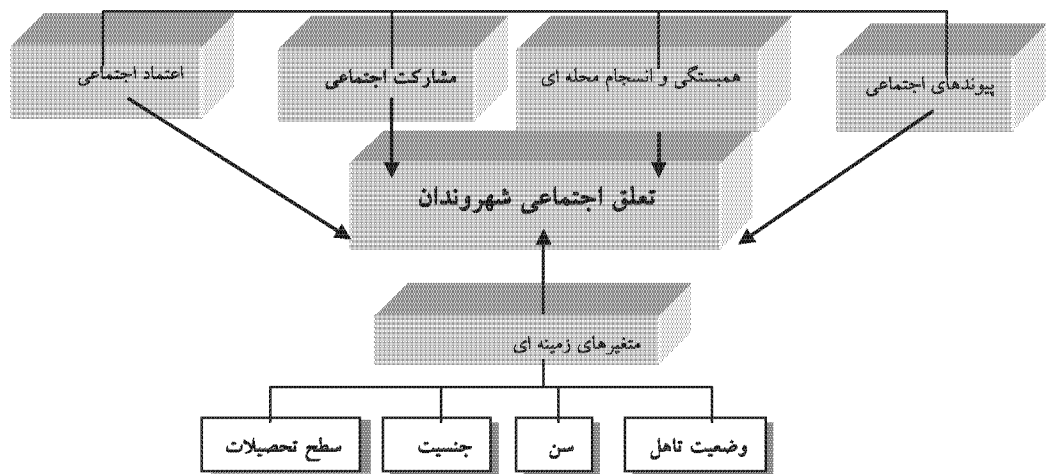
ب. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند، که همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۷-۷۵).

اعتماد، قراردادی است به سوی خطر پذیری در روابط اجتماعی، برای کارهای فردی و جمعی و آمادگی افراد برای اینکه در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند که باید به سایر افراد اطمینان داشته باشند و البته به همان نحوه در مقابل سایرین نیز اطمینان نشان بدهند (اختر محقق، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۴۰ و فیلد، ۱۳۸۱، ص ۱۰). پاتنام (Putnam) اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند که همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می کند. از نظر پاتنام اعتماد باید به تماس، رابطه و عمل اجتماعی ختم شود و سعی شود که مردم با هم معامله و داد و ستدی کنند که بر مبنای اعتماد باشد. از نظر او هر چه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می آورند و انگیزه های بیشتری برای اعتماد پیدا می کنند و نبود این ویژگی ها در برخی از جوامع، عهد شکنی، بی اعتمادی، فریب و حيله، بهره کشی، انزواء، بی نظمی و رکود را به دنبال خواهد آورد (محمدي،

۱۳۸۴، ص ۶۳ و ۶۰ و تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۳۳ و کلدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰ و ۱۹۱-۴ و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۶۹). اینگلهارت معتقد است که هر چه در جامعه اعتماد تقویت پیدا کند در نتیجه مشارکت نیز افزایش می یابد زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش بینی می گردد و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم گیری تقویت می گردد (اینگلهارت، ۱۳۷۴، ص ۳۷۸ و دهقان و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۷۳). فوکویاما، اعتماد را از ویژگی نظام های اجتماعی و انتظاری می داند که از درون اجتماع برمی خیزد که در آن صداقت و رفتار و روحیه تعاون و همکاری مبتنی بر هنجارهای مشترک و عمومی شکل گرفته باشد. این رفتارها نیاز به قانون و تنظیمات در روابط ندارد، بلکه وجدان اخلاقی به اعضای گروه مبنای اعتماد متقابل را اعطا می کند. اگر افراد پیوسته با یکدیگر در کنش متقابل باشند، در نتیجه این تکرار به سطحی از درستکاری و اعتماد دست می یابند؛ بر اساس نظر فوکویاما فرایند فردگرایی زمینه عدم مشارکت و بروز هرج و مرج در جامعه را به دنبال دارد. اعتماد متضمن تمایل افراد به خطرپذیری (قبول ریسک) در یک زمینه اجتماعی است که در جریان آن، فرد اطمینان پیدا می کند، دیگران مطابق انتظار وی واکنش نشان می دهند و به شیوه ای حمایت آمیز عمل می کنند یا حداقل به وی صدمه نمی رسانند. اعتماد نقش اساسی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه مبادلات و نظارت دارد و همچنین موجب پیدایش اقتصادی کارآمدتر می شود (محمدي، ۱۳۸۴، ص ۴-۵۳ و ماهری، ۱۳۸۵، ص ۹ و بهزاد، ۱۳۸۴، ص ۹۴ و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸ و فیروزآبادی و جارجمی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰).

فرضیات تحقیق عبارتند از:

۱. هر چه سن شهروندان محله افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.
۲. به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان زن و مرد یکسان نیست.
۳. به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان مجرد و متأهل یکسان نیست.
۴. به نظر می رسد هر چه میزان تحصیلات شهروندان



خودش را با جامعه هماهنگ دانسته و به طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خود ارزشی فرد می شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می کند.

تعریف عملیاتی: احساس تعلق اجتماعی عدم ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، تلاش و احساس وظیفه در مقابل حل مشکلات مردم. گویه های مقیاس احساس تعلق اجتماعی، عبارتند از: احساس تعلق به محله، مسئولیت پاکیزگی محله، وظیفه هر شهروند پول درآوردن برای خود، اعتقاد به پیشرفت گروهی، رعایت کردن نظم و ترتیب، نقل مکان به محله دیگر در صورت زندگی بهتر، احساس دلتنگی نسبت به محله، متعهد بودن نسبت به شعار «شهر ما، خانه ما»، میزان احساس مسئولیت در حفظ اموال عمومی محیط زندگی، اطلاع به مسئولین در هنگام بروز مشکلات در محله.

اعتماد اجتماعی

تعریف نظری: پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند. از نظر او اعتماد، همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می کند.

تعریف عملیاتی: شاخص اعتماد اجتماعی با استفاده از

افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۵. هر چه پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۶. هر چه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۷. هر چه مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۸. هر چه همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

مدل تحقیق نیز عبارت است از:

روش تحقیق: روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمام شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در منطقه ۲۲ شهرداری تهران می باشد. حجم نمونه به وسیله فرمول کوکران برآورد شده است. شیوه نمونه گیری تحقیق مورد نظر نمونه گیری تلفیقی (خوشه ای و تصادفی ساده) است. واحد تحلیل نیز فرد است.

تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

تعلق اجتماعی (متغیر وابسته و معرف های آن)
تعریف نظری: منظور از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد

اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، قابلیت اعتماد به محیط زندگی و احساس امنیت عملیاتی شده اند.

مشارکت اجتماعی

تعریف نظری: «مشارکت اجتماعی عبارت است از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسئولیت های سیاسی و مدنی. در این صورت، میزان مشارکت اغلب صورتی از قدرت را مشخص می دارد (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۲۵۷).

تعریف عملیاتی: آن دسته از فعالیت های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور شرکت کرده و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد: الف) بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است. شاخص مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی و بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند. شاخص مشارکت اجتماعی در بعد عینی (رفتارهای مشارکت اجتماعی) شامل مشارکت غیررسمی اجتماعی (مشارکت در سطح محله، مشارکت غیررسمی مذهبی، خیریه ای، همیارانه، کمک در فعالیتهای روزمره) و مشارکت رسمی / مدنی (سنتهای مدنی و مشارکت سازماندهی شده در گروه های فرهنگی مختلف) است.

انسجام اجتماعی (همبستگی)

تعریف نظری: دورکیم همبستگی را چیزی معرفی می کند که فرد را به جامعه پیوند می دهد. او همبستگی را موجب وحدت جامعه می داند. احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند (بیرو و ساروخانی). انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه ها و خرده فرهنگ های تمایز یافته است.

تعریف عملیاتی: یعنی احساس تعلق و همانندی با یک کل. در صورتی که افراد احساس همنوایی با کل را داشته باشند، مشارکت تحقق می پذیرد. برای ارزیابی

انسجام اجتماعی نظر پاسخگویان درباره موارد ذیل مورد پرسش قرار گرفت: انجام کار بیشتر برای سربلندی محله، لذت بردن از حضور در اجتماعات محله، اهمیت دادن به دیگران، وجود روابط محبت آمیز بین انسانها، میانجیگری به طور داوطلبانه در حل اختلاف شهروندان، اعتقاد به هم فرهنگ بودن شهروندان محله، وجود همدلی برای حل مسایل محله، آنچه برای اجتماع مفید است برای من نیز مفید است، عدم اعتماد به افراد محله برای در میان گذاشتن مسایل خانوادگی.

ویژگی های فردی پاسخگویان

در این قسمت ابتدا به توصیفی از نمونه مورد بررسی بر اساس متغیرهای زمینه ای از جمله جنس، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تاهل می پردازیم. سپس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل توصیف می شود. بعد از آن روابط میان متغیرها مورد آزمون قرار می گیرند و در نهایت با انجام تحلیل رگرسیون چندمتغیره سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته بررسی شده و تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم آنها بر متغیر وابسته با تکنیک تحلیل مسیر نمایان می شود.

۳۰ درصد افراد حجم نمونه زن (۷۰ درصد) مرد، ۳۱ درصد مجرد و ۶۹ درصد متاهل، میانگین سنی و تحصیلات آنان نیز به ترتیب ۳۲ سال و ۱۲ کلاس می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۱۰ سوال در رابطه با تعلق اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده، نشان می دهد که (۳۷/۱ درصد) پاسخگویان دارای تعلق اجتماعی کم هستند؛ (۵۹/۵ درصد) افراد با تعلق اجتماعی متوسط هستند. (۳/۳ درصد) افراد با تعلق اجتماعی زیاد هستند؛ می توان گفت تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ به محله که در حجم نمونه قرار داشتند، کم می باشند.

اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۹ سوال در رابطه با همبستگی اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۱۹/۵ درصد) پاسخگویان دارای همبستگی اجتماعی کم هستند؛ (۵۷/۷ درصد) افراد با همبستگی اجتماعی متوسط هستند. (۴/۸ درصد) افراد با همبستگی اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت

همبستگی اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد.

اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۹ سوال در رابطه با پیوند اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۲۴/۳ درصد) پاسخگویان دارای پیوند اجتماعی کم هستند؛ (۶۲/۹ درصد) افراد دارای پیوند اجتماعی متوسط هستند. (۱۲/۹ درصد) افراد دارای پیوند اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت پیوند اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۱۶ سوال در رابطه با اعتماد اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۱/۴ درصد) پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی خیلی کم هستند. (۲۴/۳ درصد) پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی کم هستند؛ (۵۹ درصد) افراد دارای اعتماد اجتماعی متوسط هستند. (۱۳/۸ درصد) افراد دارای اعتماد اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت اعتماد اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۲۵ سوال در رابطه با مشارکت اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۵ درصد) پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی خیلی کم هستند. (۳۰ درصد) پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی کم هستند؛ (۵۹ درصد) افراد دارای مشارکت

اجتماعی متوسط هستند (۱۰/۵ درصد) افراد دارای مشارکت اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت مشارکت اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد.

یافته های تبیینی پژوهش

رابطه هریک از متغیرهای تحقیق با متغیر تعلق اجتماعی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که: بین متغیر همبستگی و انسجام محله ای (۱۸۶/)، میزان مشارکت اجتماعی (۱۷۹/)، میزان اعتماد اجتماعی (۱۹۱/)، با ۹۹ درصد اطمینان و پیوندهای اجتماعی (۱۵۲/)، با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار می باشد. اطلاعات آزمون t به دست آمده است بیانگر آن است که تعلق اجتماعی در میان افراد مجرد و متاهل یکسان نیست. مقدار t به دست آمده (-۱۱۲/۱) با sig (۰۴۰/.) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. میانگین تعلق اجتماعی بین پاسخگویانی که متاهل هستند بیشتر از مجردها است؛ در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید می شود. متغیرها و فرضیاتی که در آزمون همبستگی اسپیرمن رابطه معناداری با تعلق اجتماعی نداشته و رد شده اند عبارتند از: میزان تحصیلات و سن، همچنین اطلاعات آزمون t متغیر جنسیت نیز رد شد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

از تحلیل رگرسیون چندگانه به منظور مشخص کردن سهم تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

جدول ۲. آماره های رگرسیونی و برازش مدل رگرسیون

F (تحلیل واریانس)	Sig (سطح معناداری)	Std. Error of the Estimate (خطای معیار)	Adjusted R Square (ضریب تعیین تعدیل یافته)	R Square (ضریب تعیین)	R (ضریب همبستگی چندگانه)	تعلق
۲.۲۱۹	/.۰۰۰	.۵۳۰۳۲	.۰۳۴	.۰۶۲	.۲۴۹	

جدول ۳. عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی میزان تعلق اجتماعی

متغیر	B	Beta	t	Sig
مقدار ثابت	۲/۳۹۲	-	۶/۸۶۱	/۰۰۰
همبستگی اجتماعی	/۱۹۴	/۱۶۹	۲/۱۶۹	/۰۰۰
پیوند اجتماعی	-/۱۴۳	-/۱۵۹	-۲/۳۰۵	/۰۲۲
اعتماد اجتماعی	/۰۳۵	/۰۴۴	/۶۱۵	/۰۱۲
مشارکت اجتماعی	-/۰۱۰	-/۰۱۱	-/۱۴۳	/۰۱۶
وضعیت تاهل	۰/۰۷۰	/۰۶۰	/۸۵۹	/۳۹۲

(/۰۲۲)، اعتماد اجتماعی با توجه به میزان t (/۶۱۵) و سطح معناداری (/۰۱۲) و مشارکت اجتماعی با میزان t (-/۱۴۳) و سطح معناداری (/۰۱۶) تاثیر زیادی بر متغیر وابسته (تعلق اجتماعی) دارند.

نتیجه گیری و جمع بندی

در جامعه شناسی کلاسیک و معاصر همواره به کم و کیف روابط اجتماعی پرداخته می شود. توجه دورکیم به انواع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و انسجام اجتماعی و راه های رسیدن به آن و همچنین توجه تونیس به تبدیل جوامع گمنشافت (اجتماع) به گزلفاشفت و یا تاثیر زندگی شهری بر حیات انسانی، تجددگرایی و زندگی کلان شهری و رشد عقلانی گرایی یا واقعیت گرایی در حیات اجتماعی مورد نظر زیمل تا حدی از نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و ظهور شهر های بزرگ و نوع روابط بین افراد بوده است. مدیریت شهری سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است و چیزی بیش از حیطة کالبدی شهر را در بر می گیرد. «مفهوم شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسایل سنتی نظری جامعه شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت ها منعکس می کند و چارچوبی برای تعامل افراد، گروهها و نهادها ارایه می کند. بنابراین کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه

بدون لحاظ کردن تقدم و تاخر در بین آنها استفاده می شود. در این پژوهش برای تبیین و پیش بینی متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره (توام Enter) استفاده شده است. در این قسمت بر اساس تحلیل رگرسیونی مهمترین عوامل تاثیر گذار بر تعلق اجتماعی را بررسی می کنیم. برای انجام تحلیل رگرسیونی در این تحقیق متغیرهای همبستگی اجتماعی، پیوند اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، جنسیت و وضعیت تاهل را به عنوان متغیر مستقل و متغیر تعلق اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی کردیم و نتایج به قرار زیر می باشد:

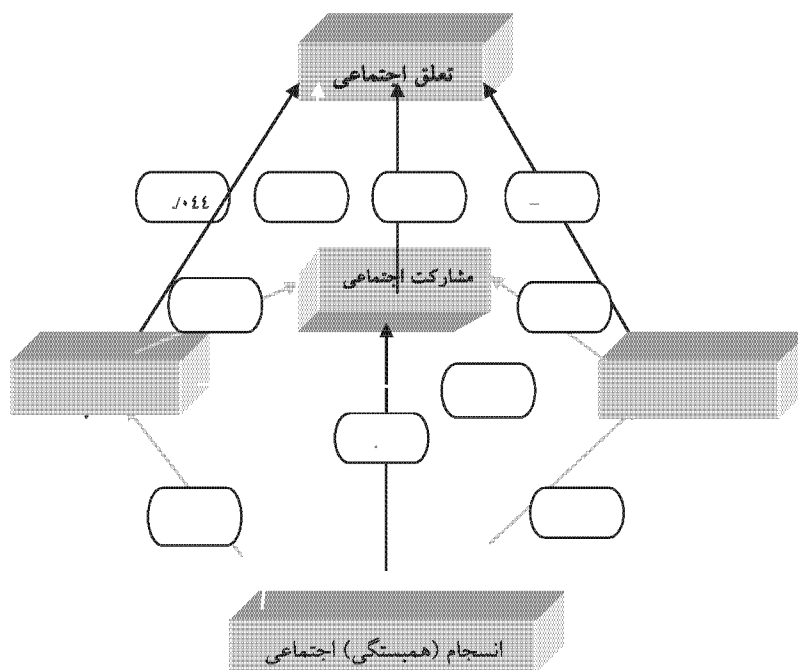
بر اساس اطلاعات جدول فوق می توان دریافت که میزان تاثیر متغیرهای مستقل وارد شده در مدل با متغیر وابسته (تعلق اجتماعی) در حدود ۲۴۹٪ می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی میان متغیرها است. همچنین ۰۶۲٪ درصد از واریانس متغیر تعلق اجتماعی توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می شود که قابل توجه می باشد. بر اساس سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس مدل رگرسیونی فوق در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تایید می باشد.

همان طور که مشاهده می شود، همبستگی اجتماعی اولین متغیری است که وارد معادله شده با توجه به میزان t (۲/۱۶۹) و سطح معناداری (/۰۰۰)، پیوند اجتماعی با میزان t (-۲/۳۰۵) و سطح معناداری

مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارد». اینگلهارت رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار داده است. به نظر او اعتماد به دیگری از عوامل موثر در مشارکت می‌باشد، زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌گردد. پیوند بین انسجام اجتماعی و مشارکت حایز اهمیت زیادی است. در واقع بین مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی نوعی رابطه متقابل وجود دارد. یکی از پیش‌شرط‌های مشارکت، قابلیت و ظرفیت متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است. وفاق اجتماعی مشکل بنیادی هر نظام اجتماعی یعنی پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی را حل می‌کند. با حل مشکل فوق و همزمان با ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری اجتماعی و مشارکت اجتماعی که خود پیش‌شرطی برای اصلاح و توسعه اجتماعی است فراهم می‌آید. مطالعات نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد. بسط رابطه متقابل بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به گسترش و ارتقاء توسعه اجتماعی کمک می‌کند. البته این رابطه در واقعیت توسط عوامل بسیاری ممکن است مشروط و محدود شود. فرایند مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی، خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، ایجاد روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی و از بین بردن سلطه منافع فردی به منافع جمعی، تقلیل از خودبیبگانگی، روحیه تفردجویی، تمرکزگرایی و نیز تعمیق و بسط ارزش‌های دموکراتیک، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق و تعهد در فرد، بسط عدالت اجتماعی و توسعه خود اعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، تعاون اجتماعی و غیره همراه است. مشارکت می‌تواند به اشکال و درجات گوناگونی نظیر تعاون، همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی بیان شود. ایفای نقش‌های

اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است. همانگونه که نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای مستقل علاوه بر تأثیر داشتن بر متغیر وابسته، می‌توانند باعث تقویت یکدیگر نیز باشند و هر چه متغیرهای مشارکت اجتماعی، پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی در بین شهروندان محله افزایش یابد، تعلق به محله نیز افزایش می‌یابد. افزایش تعلق اجتماعی، ایجاد استحکام پیوندهای اجتماعی و مشاهده پیوسته نظم اجتماعی در همه شئون مدیریت و سکونت شهری صرفاً با اراده و خواست شهروندان ممکن خواهد بود و همکاری افراد یک محله استحکام محله را افزایش می‌دهد. روابط اجتماعی و تعامل‌ها یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس تعلق عنوان شده به طوری که تعامل اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در شکل‌گیری جمعی متشکل از افراد، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. راه حل مناسب در پدید آمدن حرکت‌های اجتماعی باید با مشارکت محله‌ها صورت گیرد، در حقیقت باید سازمان‌های مشارکتی در واحد محله شکل بگیرد و عزم ملی با حرکت‌های اجتماعی پیوند بخورد و منابع دولتی در خدمت و تسهیل‌کننده این حرکتها باشد. باید ایده، فکر و برنامه توسط خود مردم تولید شود و مدیریت شهری به صورت تسهیل‌کننده در کنار این قضیه باشد. هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. فرضیاتی که با استفاده از ضرایب همبستگی اسپیرمن، مورد تأیید قرار گرفتند عبارتند از:

فرضیه: هر چه همبستگی و انسجام محله‌ای در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر همبستگی و انسجام محله‌ای و تعلق اجتماعی با ۱۸۶/۱ همبستگی و ۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تأیید کرد. یعنی مطابق با نظر دورکیم، پارسونز



یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر پیوندهای اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۰.۱۵۲، همبستگی و ۰.۹۵ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر دورکیم، هر چقدر پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان مجرد و متاهل یکسان نیست. مقدار t به دست آمده (۱۱۲/۱-) با sig (۰.۴۰) در سطح ۰.۰۵ درصد اطمینان معنادار است. میانگین تعلق اجتماعی بین پاسخگویانی که متاهل هستند بیشتر از مجردها است، در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید می شود. نتایج به دست آمده از معادله رگرسیونی به قرار زیر می باشد:

منابع و ماخذ

- آریایی نژاد، سهیلا (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۴)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران انتشارات کویر، چاپ اول.

و زیمل هر چقدر همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: هر چه مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۰.۱۷۹، همبستگی و ۰.۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر هانتینگتون، گولت هر چقدر مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: هر چه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۰.۱۹۱، همبستگی و ۰.۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر پاتنام، اینگلهارت و فوکویاما هر چقدر مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: هر چه پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می

- اخترمحققی، مهدی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی»، تهران، انتشارات مهدی اختر محقق.
- بهزاد، داود (۱۳۸۴)، «تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌ها اجتماعی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۸۳-۱۰۱.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تهران.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، شیرازه، تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک جامعه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- حسنی، قاسم (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه بیگانگی سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی و امنیت ملی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، ص ۱۴۱-۱۷۹.
- دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲)، «درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی»، تهران، انتشارات سمت.
- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک، چاپ اول.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، «سنجش سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۶۱-۸۲.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی»، ترجمه جلال متقی، تهران، انتشارات موسسه پژوهش تامین اجتماعی.
- فیروزآبادی، سیداحمد، حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۹۷-۲۲۴.
- کلدی، علیرضا (۱۴۸۴)، «سرمایه اجتماعی و خانواده»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۱۸۰-۲۰۳.
- ماهری، احد (۸۶-۱۳۸۵)، «بررسی نقش سازمانهای غیردولتی (NGO)، در ایجاد اعتماد اجتماعی (آذربایجان شرقی)»، کارشناسی ارشد رشته پژوهش واحد علوم تحقیقات.
- محمدی، محمد علی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۹۲-۶۷.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، «بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی»، جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، طرح تدوین نظام ترویج ایران.
- نوابخش، مهرداد، اسحق ارجمند سیاه پوش (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- وطنی، علی (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل موثر بر افزایش انگیزه مردم به مشارکت اجتماعی در استان گلستان»، استانداری گلستان، معاونت برنامه ریزی (دفتر امور اجتماعی و شوراها).
- یزدان پناه، لیلیا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶۳، ص ۱۲۸-۱۰۵.
- Shortall, Sally (2008). Are rural development-programmes socially inclusive? Social, inclu-

sion 'civic engagement ,participation. Journal of
Rural Studies, Volume 24 'Issue4' Pages 450-
.457

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۶۴

بررسی رابطه عدالت سازمانی با مسئولیت پذیری کارکنان؛ مورد مطالعه: کارکنان شهرداری ملایر

مرتضی مرادی - عضو هیأت علمی و استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
علی رضایایی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
محمد رضا تیموری* - کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد ملایر، ملایر، ایران.

چکیده

A survey on the relationship between organizational justice and accountability of the employees (A Case study of the municipality of malayer staff)

Abstract

This study examined the relationship between organizational justice and accountability of malayer municipality staff. Data collection methods included library research and survey questionnaire to find any significant and meaningful relationship between the independent variable, organizational justice as well as its three dimensions such as distributive, procedural and interactional justice, and that of the dependent variable, employees' responsibility. A sample of 201 employees was randomly selected from among a population of 411 staff working in malayer municipality. Data were analyzed by SPSS software and spearman correlation coefficient as well as the K-M test were used. The results indicated that the highest correlation between the levels of independent variable and the dependent variable to interactive justice which showed of 0.369

Keywords: organizational justice, distributive justice, procedural justice, interactional justice, accountability.

Keywords: Organizational Intelligence, Municipality, Urban Management, Mazandaran

در این پژوهش با موضوع بررسی رابطه عدالت سازمانی با مسئولیت پذیری کارکنان شهرداری ملایر، تلاش شده است با استفاده از روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و با ابزار پرسشنامه به بررسی ارتباط و رابطه عدالت سازمانی و ابعاد سه گانه آن شامل عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت تعاملی با مسئولیت پذیری کارکنان پرداخته شود. جامعه آماری این پژوهش کارکنان رسمی شهرداری شهر ملایر به تعداد ۴۱۱ نفر است که تعداد نمونه آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته ۲۰۱ نفر انتخاب شده است. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور جهت سنجش نرمال بودن توزیع جامعه، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات تحقیق نشان داد که بین عدالت سازمانی و ابعاد آن با مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و بالاترین ضریب همبستگی ابعاد مدل تحقیق با مسئولیت پذیری کارکنان، مربوط به عامل عدالت تعاملی با ۰/۳۶۹ بوده است.

واژگان کلیدی: عدالت سازمانی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت تعاملی، مسئولیت پذیری کارکنان.

غیرمنصفانه که توانایی تشخیص و ارزیابی درست و بهینه‌ای از انجام وظایف کارکنان را ندارد و به تخصیص نابرابر حقوق و دستمزد در سازمان می‌انجامد، باعث بروز پیامدهای نامطلوب و جبران ناپذیری در کشور شده است. کاهش مسئولیت‌پذیری در کارکنان در انجام وظایف و بروز پدیده‌های فساد مالی و انحرافات اخلاق حرفه‌ای در کارها، می‌تواند از پیامدهای ناخوشایند و خطرناک احساس بی‌عدالتی در سازمان قلمداد گردد. احساس بی‌عدالتی باعث می‌شود که فرد از وضع موجود فرار کرده و همواره به فکر ترک شغل و یا انتقال به سازمان دیگر باشد. اگر شخصی در سازمان احساس نابرابری کند، خواهان کاهش این نابرابری است و هر قدر این نابرابری بیشتر باشد، انگیزه فرد برای کار و تلاش کاهش می‌یابد و بدین ترتیب زمینه بسیاری از مسائل موجود در سازمانها مانند کم‌کاری، کاهش سطح تعهد و تعلق درونی، کاهش اطمینان و اعتماد به مدیران و بدبینی و کج‌اندیشی به شیوه تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت کلان و نیز افزایش آمارهای مربوط به اختلاس و مظاهر فساد اداری در رسانه‌ها، اتفاق خواهد افتاد. معمولاً عواقب ناشی از احساس نابرابری و بی‌عدالتی در سازمان‌ها که معمولاً گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه می‌باشد، تغییر داده‌های کارکنان مانند کاهش سطح تلاش آنها، تغییر ستاده‌های کارکنان مانند تقاضای اضافه حقوق یا جستجوی راه‌هایی برای تغییر شغل یا ارتقا، تغییر ادراک کارکنان و تغییر شغل یا ترک سازمان.

بنابراین احساس بی‌عدالتی می‌تواند بر بسیاری از مؤلفه‌های سازمانی اثر گذار باشد. تحقیقات مختلف نشان داده است که احساس بی‌عدالتی باعث کاهش حس مسئولیت‌پذیری کارکنان شده و آنها از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. به همین دلیل در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا بین عدالت سازمانی با مسئولیت‌پذیری کارکنان شهرداری ملایر رابطه معناداری وجود دارد؟ همچنین بین ابعاد عدالت سازمانی و مسئولیت‌پذیری کارکنان چه رابطه‌ای وجود دارد؟ اهمیت انجام تحقیق در حوزه عدالت سازمانی می‌تواند نتایج ارزشمندی برای سازمان

عدالت و اجرای آن یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان است که همواره وجود آن بستری مناسب جهت توسعه جوامع انسانی فراهم کرده است. به عبارت دیگر، در طول تاریخ یکی از آرزوهای اساسی انسان اجرای عدالت و تحقق آن در جامعه بوده است. در این خصوص مکتبها و اندیشه‌های گوناگون بشری و الهی راه‌حلهای متفاوتی را برای تبیین و استقرار آن پیشنهاد کرده‌اند. اولین تعاریف درباره عدالت به سقراط، افلاطون و ارسطو منسوب است. یکی از مهمترین پرسشهای سقراط در مورد سرشت عدالت بود. بعد از سقراط، شاگردش افلاطون در کتاب جمهوریت بحثی را عدالت نامید که نخستین و قدیمی‌ترین بحث تفصیلی درباره عدالت در فلسفه سیاسی قدیم است (مرامی، ۱۳۷۸). افلاطون در کتاب جمهوریت در پی این پرسش بود که چرا مرد بافضیلتی مانند سقراط حکیم در جامعه آن روز یونان محکوم به مرگ شد. انگیزه او تحلیل و تبیین عدالت در جامعه آن بود و اینکه مفهوم عدالت چیست (بایس، ۲۰۰۱). به نظر افلاطون عدالت وقتی حاصل می‌شود که در دولت هر کسی به کاری که شایسته آن است بپردازد، به همانگونه انسان عادل نیز انسانی است که اجزای سه گانه روح او (غضب، شهوت و عقل) تحت فرمانروایی عقل، هماهنگ باشند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲). از نظر ارسطو نیز عدالت داشتن رفتاری برابر با افراد برابر است (مرامی، ۱۳۷۸).

تحقیقات نشان داده‌اند که فرایندهای عدالت نقش مهمی را در سازمان ایفا می‌کنند و چطور برخورد با افراد در سازمانها ممکن است باورها، احساسات، نگرشها و رفتار کارکنان را تحت تاثیر قرار دهد. رفتار عادلانه از سوی سازمان با کارکنان عموماً منجر به تعهد بالاتر آنها نسبت به سازمان می‌شود. از سوی دیگر افرادی که احساس بی‌عدالتی کنند، به احتمال بیشتری سازمان را رها می‌کنند یا سطوح پایینی از تعهد سازمانی را از خود نشان می‌دهند (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۹). وجود برخی مشکلات در سازمان‌ها در حوزه عدالت سازمانی مانند استفاده از نظام‌های جبران خدمات ناکارآمد و

شهرداری و بسیاری سازمان‌های ارائه دهنده خدمات داشته باشد که این سازمان در انجام وظایف که همانا ارائه خدمات بسیار متنوع در سطح گسترده‌ای به آحاد مردم است، موفق تر بوده و این عامل باعث افزایش سطح مسئولیت پذیری کارکنان در انجام وظایف محوله‌شان گردد.

مروری بر ادبیات موضوع

یکی از دشواری‌های بحث عدالت، ابهام در تعاریف و معانی آن است. زبان عربی برای برخی واژه‌ها بیش از ده مترادف دارد و واژه عدالت نیز واجد چنین مترادف‌هایی است. بنابراین برای هر جنبه‌ای از عدالت معانی متعددی وجود دارد که شاید مهمترین آنها قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، حصه، میزان، انصاف و غیره باشد. کلمه معادل عدالت در فرانسه و انگلیسی justice و در لاتین justitia است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲). فرهنگ لغات آکسفورد عدالت را به عنوان حفظ حقوق با اعمال اختیار و قدرت و دفاع از حقوق با تعیین پاداش یا تنبیه توصیف کرده است. اما آنچه در تعاریف این واژه به مقاصد ما نزدیکتر است مفهوم عدالت به معنای برابری و تساوی، دادگری و انصاف، داوری با راستی و درستی و مفاهیم دیگری از این قبیل است (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۹).

مطالعه عدالت در محیط‌های کاری و سازمان در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته است. واژه عدالت سازمانی برای نخستین بار توسط گرینبرگ^۱ در سال ۱۹۸۷ مطرح شد (مک‌داول و فلتچر^۲، ۲۰۰۴). عدالت سازمانی مربوط به دیدگاه کارکنان می‌شود که آیا سازمان با آنها با عدالت برخورد می‌کند یا نه؟ (آبو ایلانین^۳، ۲۰۱۰). به طور کلی نظریه‌ها و تحقیقات درباره عدالت سازمانی در قالب سه موج عمده قابل ارزیابی است. موج نخست بر محور عدالت توزیعی، موج دوم بر عدالت رویه‌ای و موج سوم بر عدالت مرادفه‌ای مبتنی است (ازگلی، ۱۳۸۳). بر اساس شواهد موجود، حداقل این سه نوع عدالت از جانب صاحب نظران و محققان پذیرفته شده است. این سه بعد یا جنبه از عدالت در تعامل با یکدیگر، پدیدآورنده انصاف کلی ادراک شده نزد افراد در محیط‌های کاری هستند (گل پرور و نادری، ۱۳۸۹). در زیر به این سه نوع عدالت

اشاره‌ای می‌شود:

عدالت توزیعی^۴

در حدود ۴۰ سال پیش روانشناسی به نام آدامز نظریه برابری‌اش را ارائه کرد و در این نظریه نشان داد که افراد مایل‌اند در قبال انجام کار، پاداش منصفانه‌ای دریافت کنند؛ به عبارت دیگر به اندازه همکارانشان از پاداش‌های انجام کار بهره‌مند شوند. کارکنانی که احساس نابرابری می‌کنند، با واکنش‌های منفی از جمله امتناع از تلاش، کم‌کاری و رفتارهای ضعیف شهروندی سازمانی و در شکل حاد آن استعفا از کار به این نابرابری پاسخ می‌دهند (گرینبرگ، ۲۰۰۴). عدالت توزیعی به انصاف درک شده از پیامدهای سازمانی باز می‌گردد (فورر و سولاو^۵، ۲۰۰۸). به لحاظ تاریخی، نظریه برابری متمرکز بر عدالت درک شده از مقدار پاداش‌های توزیع شده بین افراد است. این نوع عدالت کاربردهای زیادی در محیط سازمانی داشته است و محققان، رابطه این عدالت را با متغیرهای زیادی همچون کیفیت و کمیت کار بررسی کرده‌اند (رابینز، ۲۰۰۱).

عدالت رویه‌ای^۶

عدالت رویه‌ای مربوط می‌شود به عدالت دریافت شده از روشهای استفاده شده برای تصمیم‌گیری در مورد اختصاص‌ها و نتایج (ایلماز و تاسدان^۷، ۲۰۰۹). عدالت رویه‌ای یعنی عدالت درک شده از فرایندی که برای تعیین توزیع پاداش‌ها استفاده می‌شود. عدالت رویه‌ای ممکن است از طریق اثر بر نگرش‌ها، بر عملکرد تاثیر بگذارد. برای مثال زمانی که بی‌عدالتی رویه‌ای بر نگرش‌های کلی نسبت به سازمان و مسئولانش اثر منفی می‌گذارد، به احتمال زیاد این نگرش‌های منفی بر عملکرد تاثیر خواهند گذارد. در حقیقت ادعا شده است که عدالت رویه‌ای زمانی برجسته است که هدف نظم گروهی (هماهنگی گروهی) است، در حالی که عدالت توزیعی زمانی که اثربخشی و کارایی کانون توجه هستند، برجسته است (پترسون و همکاران^۸، ۲۰۰۴). در اینجا می‌توان این سوال را مطرح کرد که آیا ممکن است کارمندی که نسبت به دیگران پاداش کمتری را دریافت می‌کند، اصلاً احساس نابرابری یا بی‌عدالتی



1. Greenberg

2. McDowall & Fletcher

3. Abu Elanain

4. Distributive justice

5. Forret & SueLove

6. Procedural justice

7. Yilmaz & Taşdan

8. Patterson & et al

نکنند؟ با توجه به عدالت رویه‌ای پاسخ مثبت است. این موضوع را با یک مثال روشن می‌کنیم. فرض کنید دو کارمند با صلاحیت و شایستگی یکسان برای انجام یک کار و مسئولیت شغلی وجود دارند، اما به یکی از آنها مقداری بیشتر از دیگری پرداخت می‌شود. سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پرداخت سازمان عوامل قانونی بسیار زیادی را همچون طول زمان کار، شیفیت کاری و غیره را در بر دارد. این دو کارمند از سیاست پرداخت شرکت کاملاً آگاه‌اند و فرصت‌های یکسانی دارند. با توجه به این عوامل ممکن است یکی از دو کارمند از دیگری مقدار بیشتری دریافت کند، با این حال کارمند دیگر ممکن است احساس کند اگر چه کمتر از تمایلش به او پرداخت شده است، اما این پرداخت ناعادلانه نیست.

عدالت تعاملی^۱

به کیفیت رفتار میان اشخاص که بوسیله هر فردی احساس می‌شود بر می‌گردد (پورعزت، ۱۳۸۰). عدالت تعاملی شامل روشی است که عدالت سازمانی توسط سرپرستان به زیردستان منتقل می‌شود (اسکاندورا، ۱۹۹۹)^۲. این نوع عدالت مرتبط با جنبه‌های فرایند ارتباطات (همچون ادب، صداقت و احترام) بین فرستنده و گیرنده عدالت است. به خاطر اینکه عدالت تعاملی توسط رفتار مدیریت تعیین می‌شود، این نوع عدالت مرتبط با واکنش‌های شناختی، احساسی و رفتاری نسبت به مدیریت یا به عبارت دیگر سرپرست است. بنابراین زمانی که کارمندی احساس بی‌عدالتی تعاملی می‌کند به احتمال زیاد این کارمند واکنش منفی به سرپرستش به جای سازمان نشان می‌دهد. از اینرو پیش‌بینی می‌شود که کارمند از سرپرست مستقیمش به جای سازمان در کل ناراضی باشد و کارمند تعهد کمتری نسبت به سرپرست تا سازمان در خود احساس کند. همچنین نگرش‌های منفی وی عمدتاً نسبت به سرپرست است و قسمت کمی از این نگرش‌های منفی به سازمان بر می‌گردد (چاراش و اسپکتور، ۲۰۰۱)^۳. به عبارت دیگر، این نوع عدالت از طریق رابطه‌اش با نگرش‌هایی در مورد سرپرست، با عملکرد مرتبط است؛ یعنی نارضایتی از سرپرست مستقیم می‌تواند به عملکرد

ضعیف منجر شود.

عدالت از دیدگاه امام علی (ع)

اقامه قسط و عدل در میان مردم طبق بیان قرآن کریم هدف بعثت انبیا بوده است و این هدف بزرگ، تنها با قدرت و حکومت به دست آمدنی است. در این راستا امام علی (ع) نیز تنها هدف پذیرش حکومت را «حقوق حق» و «بطلان باطل» اعلام فرموده است. در دیدگاه امیرالمؤمنین آن اصلی که تعادل اجتماع را حفظ می‌کند و همه را راضی و پیکر اجتماع را قرین سلامت و به روح اجتماع آرامش می‌دهد، عدالت است. حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر نوشته است: «بهترین چشم‌روشنی والیان برقراری عدل در شهرهایی است که تحت حکومت آن‌ها است و (در نتیجه) ابراز مودت و علاقه رعیت به آن‌ها است. فردی از امام سؤال می‌کند «عدالت» برتر است یا «جود» امام می‌فرماید: «عدل جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد و «جود» آن را از مجرای خود خارج می‌سازد. «عدالت» قانون عام و مدبر و مدیری است که شامل همه اجتماع می‌شود حال آنکه «جود» اینگونه نیست، پس عدالت برتر است (نعامی و شکرکن، ۱۳۸۳).

مسئولیت پذیری

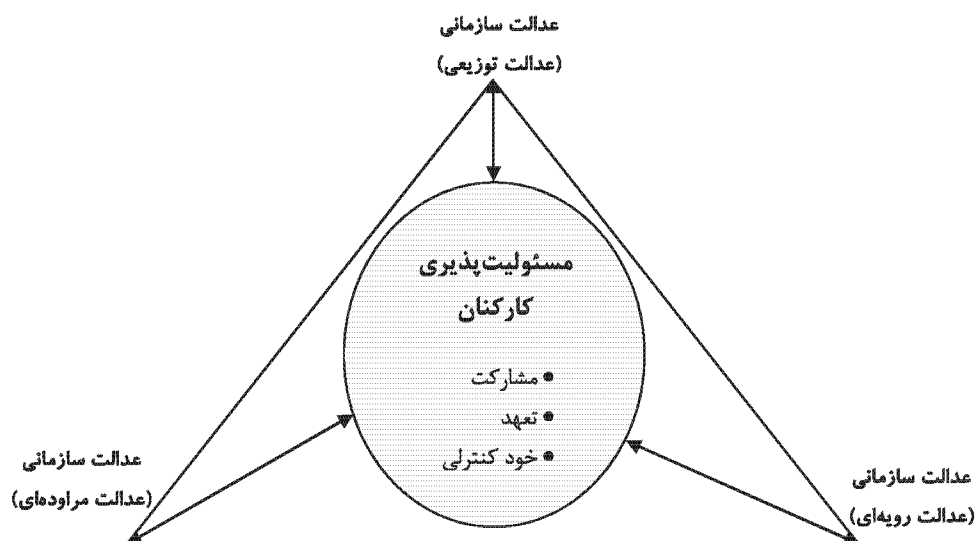
در فرهنگ لغت مسئولیت به معنای قابل یا شایسته بازخواست بودن انسان آمده است و غالباً به مفهوم تکلیف، وظیفه و آنچه که انسان عهده‌دار آن می‌باشد، تعریف شده است (رضایی‌راد و رونیاسی، ۱۳۹۰). مسئولیت در اصطلاح در جایی به کار می‌رود که سائل بتواند خواسته خود را از مسئول پیگیری نماید. گرفتن و بارنی مسئولیت را چنین تعریف می‌کنند: «مسئولیت، مجموعه وظایف و تعهداتی است که فرد بایستی در جهت حفظ و مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد». درک و هینر^۴ (۱۹۹۸) در کتاب: فرهنگ مدیریت در مورد مسئولیت می‌نویسند: «مسئولیت، وظیفه‌ای است بر عهده فرد، به این معنا که تأثیر سوئی بر زندگی اجتماعی که در آن کار می‌کنند، نگذارد. میزان این وظیفه عموماً مشتمل است بر وظایفی مانند: آلوده نکردن، تبعیض قائل نشدن

1. Interactional justice

2. Scandura

3. Charash & Spector

4. Derk & Hiner



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

در استخدام، نپرداختن به فعالیت‌های غیراخلاقی. سازمان، تحقیق حاضر به دنبال آن است تا ارتباط بین همچنین وظیفه‌ای است مبتنی بر مشارکت مثبت در زندگی افراد جامعه (دکرمر، ۲۰۰۵).^۱

سیسرو فیلسوف معروف یونانی مطالبی پیرامون مسئولیت مطرح می‌کند. بعضی فلاسفه قرون وسطی از جمله آگوستین در کتاب اخلاقیات کلیسای کاتولیک و آکوئیناس در کتاب مجموعه الهیات (لاوسن، ۱۳۸۱)، با طرفداری از نوعی وظیفه‌گرایی، مسئولیت پذیری را در

ضمن مباحث وظایف مطرح کرده‌اند. کانت، فیلسوف آلمانی از آنجا که قوام احکام اخلاقی را در امر و الزام می‌پنداشت، با تأکید خاصی بر مفهوم مسئولیت، معتقد بود که انسان مخاطب الزامات عقل بوده و طبیعتاً در برابر آنها مسئول است (تاکوچی و همکاران، ۱۳۷۹).^۱

اندیشمندان مسلمان همواره با در نظر گرفتن مسئولیت انسان در برابر خداوند، این بحث را مطرح کرده‌اند. بحث مسئولیت، یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین

مباحث فلسفی، دینی، اخلاقی و حقوقی است. بر اساس جهان بینی اسلامی، اصل مسئولیت بر پایه‌های مستحکم اعتقادی، فلسفی و کلامی استوار است. برخی از اصول دین مانند معاد، ارتباط بسیار مستقیمی با بحث

مسئولیت دارد؛ زیرا معاد صحنه بازخواست است. این امر مسئولیت انسان را پیش فرض ضروری خود می‌داند. با توجه به اهمیت عدالت سازمانی و مسئولیت پذیری در

1. DeCremer

2. Takeuchi & et al Takeuchi & et

تعاملی است. برای سنجش متغیر مسئولیت پذیری کارکنان از پرسشنامه ۱۳ سوالی محقق ساخته استفاده شد. که مولفه های خودکنترلی، تعهد و مشارکت را در بر می گرفت.

روایی و پایایی پرسشنامه ها

روایی سؤالات پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصین و خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی میزان پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین منظور ابتدا تعداد ۴۰ پرسشنامه بین کارکنان سازمان مربوطه (شهرداری شهرستان ملایر) تقسیم شد و پس از جمع آوری، ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمد که برای عدالت سازمانی ۰/۸۷۲، برای مسئولیت پذیری ۰/۸۳۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۹۷ به دست آمد. با توجه به مقادیر ضریب آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای پرسشنامه و بزرگتر بودن این مقادیر از ۰/۷، می توان گفت که پرسشنامه این پژوهش از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع آوری داده ها و اطلاعات لازم بوسیله پرسشنامه، همگی آنها کدگذاری شده و سپس با بهره گیری از نرم افزارها SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

بررسی میزان عدالت و مسئولیت پذیری

قبل از آزمون فرضیه ها، میزان عدالت و مسئولیت پذیری از نگاه پاسخگویان بر اساس آمار توصیفی در جدول

نفر است. نمونه انتخاب شده این تحقیق با استفاده از جدول مورگان و به صورت تصادفی ساده، تعداد ۲۰۱ نفر انتخاب گردید. ویژگی جمعیت شناختی افراد به قرار زیر بود: از نظر جنسیت، ۱۴۹ نفر (۷۴/۱ درصد) از پاسخگویان مرد و ۴۵ نفر (۲۲/۴ درصد) آنها زن بودند. در ضمن ۷ نفر هم پاسخ این سوال را ندادند. از نظر تحصیلات، ۲۵ نفر (۱۲/۴ درصد) زیر دیپلم، ۴۸ نفر (۲۳/۹ درصد) دارای مدرک دیپلم، ۳۰ نفر (۱۴/۹ درصد) دارای مدرک کاردانی، ۷۷ نفر (۳۸/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۱۴ نفر (۷ درصد) هم دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. ۷ نفر هم به این سوال پاسخ ندادند. از نظر سابقه خدمت، ۵۳ نفر (۲۶/۴ درصد) از پاسخگویان کمتر از ۵ سال، ۷۳ نفر (۳۶/۳ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال است، ۳۴ نفر (۱۶/۹ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۴ نفر (۲ درصد) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۱۱ نفر (۵/۵ درصد) بالای ۲۰ سال سابقه داشتند؛ ۱۱ نفر هم به این سوال پاسخ ندادند.

نحوه جمع آوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. در این تحقیق از دو پرسشنامه استفاده شده است: برای سنجش و ارزیابی متغیر مستقل تحقیق یعنی عدالت سازمانی از پرسشنامه استاندارد عدالت سازمانی نیهوف و مورمن (۱۹۹۳) استفاده شده است که این پرسشنامه حاوی ۲۰ سؤال است؛ ۵ سؤال مربوط به عدالت توزیعی، ۶ سؤال مربوط به عدالت رویه ای و ۹ سؤال مربوط به عدالت

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

معیار	میانگین	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	میانه	مد	مینیمم	ماکزیمم
عدالت سازمانی	۲/۷۶	۰/۷۰۹	۰/۲۰۹	-۰/۶۲۶	۲/۸۰	۳/۳۵	۱/۴۰	۴/۵۵
عدالت توزیعی	۲/۶۴	۰/۶۶۰	۰/۱۷۴	۰/۲۲۷	۲/۶۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۴/۶۰
عدالت رویه ای	۲/۷۹	۰/۸۸۰	۰/۰۳۷	-۰/۷۳۴	۲/۸۳	۲/۶۷	۱/۰۰	۵/۰۰
عدالت تعاملی	۲/۸۰	۰/۸۸۸	۰/۱۵۹	-۰/۷۸۶	۳/۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰
مسئولیت پذیری	۳/۸۰	۰/۵۹۱	-۰/۹۲۲	۱/۱۴۶	۳/۸۴	۴/۰۰	۱/۷۷	۴/۸۵

ماخذ: یافته های تحقیق.

شماره ۱ ارائه شده است.

نتایج نشان داد که میانگین میزان عدالت سازمانی برابر ۲/۷۶ بوده که نشان می‌دهد میزان این متغیر، حدود متوسط است. به علت آنکه ضریب چولگی ۰/۲۰۹ است، توزیع متغیر این مشاهدات دارای چوله به راست است که از نظر قرینگی تفاوت اندکی با توزیع نرمال دارد. همچنین ضریب کشیدگی ۰/۶۲۶- است که نشان‌دهنده تفاوت زیاد توزیع این متغیر با توزیع نرمال به لحاظ پراکندگی است. بر اساس نتایج، ۲ نفر (۱/۰ درصد) از پاسخگویان میزان عدالت سازمانی را خیلی کم، ۷۹ نفر (۳۹/۳ درصد) کم، ۹۶ نفر (۴۷/۸ درصد) میزان آن را متوسط، ۲۳ نفر (۱۱/۴ درصد) آن را زیاد و ۱ نفر (۰/۵ درصد) میزان این متغیر را خیلی زیاد می‌دانند. میانگین میزان عدالت توزیعی برابر ۲/۶۴ بوده که نشان می‌دهد میزان این متغیر، حدود "متوسط" است. به علت آنکه ضریب چولگی ۰/۱۷۴ است، توزیع متغیر این مشاهدات دارای چوله به راست است که از نظر قرینگی تفاوت اندکی با توزیع نرمال دارد. همچنین ضریب کشیدگی ۰/۲۲۷ است که نشان‌دهنده تفاوت کم توزیع این متغیر با توزیع نرمال به لحاظ پراکندگی است. بر اساس نتایج ۸ نفر (۴/۰ درصد) از پاسخگویان میزان عدالت توزیعی را خیلی کم، ۷۲ نفر (۳۵/۸ درصد) کم، ۱۰۵ نفر (۵۲/۲ درصد) میزان آن را متوسط، ۱۴ نفر (۷/۰ درصد) آن را زیاد و ۲ نفر (۱/۰ درصد) میزان این متغیر را خیلی زیاد می‌دانند. میانگین میزان عدالت رویه‌ای برابر ۲/۷۹ بوده که نشان می‌دهد میزان این متغیر، حدود متوسط است. به علت آنکه ضریب چولگی ۰/۰۳۷ است، توزیع متغیر این مشاهدات دارای چوله به راست است که از نظر قرینگی تفاوت اندکی با توزیع نرمال دارد. همچنین ضریب کشیدگی ۰/۷۳۴- است که نشان‌دهنده تفاوت زیاد توزیع این متغیر با توزیع نرمال به لحاظ پراکندگی است. بر اساس نتایج، ۲۰ نفر (۱۰/۰ درصد) از پاسخگویان میزان عدالت رویه‌ای را خیلی کم، ۶۰ نفر (۲۹/۹ درصد) کم، ۷۹ نفر (۳۹/۳ درصد) میزان آن را متوسط، ۳۹ نفر (۱۹/۴ درصد) آن را زیاد و ۳ نفر (۱/۵ درصد) میزان این متغیر را خیلی

زیاد می‌دانند. میانگین میزان عدالت تعاملی برابر ۲/۸۰ بوده که نشان می‌دهد میزان این متغیر، حدود متوسط است. به علت آنکه ضریب چولگی ۰/۱۵۹ است، توزیع متغیر این مشاهدات دارای چوله به راست است که از نظر قرینگی تفاوت اندکی با توزیع نرمال دارد. همچنین ضریب کشیدگی ۰/۷۸۶- است که نشان‌دهنده تفاوت زیاد توزیع این متغیر با توزیع نرمال به لحاظ پراکندگی است. بر اساس نتایج، ۱۲ نفر (۶/۰ درصد) از پاسخگویان میزان عدالت تعاملی را خیلی کم، ۶۹ نفر (۳۴/۳ درصد) کم، ۷۱ نفر (۳۵/۳ درصد) میزان آن را متوسط، ۴۵ نفر (۲۲/۴ درصد) آن را زیاد و ۴ نفر (۲/۰ درصد) میزان این متغیر را خیلی زیاد می‌دانند.

میانگین میزان مسئولیت‌پذیری برابر ۳/۸۰ بوده که نشان می‌دهد میزان این متغیر، حدود زیاد است. به علت آنکه ضریب چولگی ۰/۹۲۲- است، توزیع متغیر این مشاهدات دارای چوله به چپ است که از نظر قرینگی تفاوت زیادی با توزیع نرمال دارد. همچنین ضریب کشیدگی ۱/۱۴۶ است که نشان‌دهنده تفاوت بسیار زیاد توزیع این متغیر با توزیع نرمال به لحاظ پراکندگی است. بر اساس نتایج، ۹ نفر (۴/۵ درصد) از پاسخگویان میزان مسئولیت‌پذیری را کم، ۳۷ نفر (۱۸/۴ درصد) میزان آن را متوسط، ۱۳۸ نفر (۶۸/۷ درصد) آن را زیاد و ۱۷ نفر (۸/۵ درصد) میزان این متغیر را خیلی زیاد می‌دانند.

آزمون نیکویی برازش توزیع نمونه

بر اساس نتایج آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف که برای سنجش نرمال بودن توزیع نمونه استفاده شد، چون سطح معناداری در خصوص متغیرهای عدالت سازمانی، توزیعی، رویه‌ای و تعاملی بزرگتر از مقدار مفروض (آلفا) ۰/۰۵ است، فرضیه H_0 تایید می‌شود و توزیع این متغیرها نرمال است. اما با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری در مورد متغیر مسئولیت‌پذیری از مقدار مفروض (آلفا) ۰/۰۵، فرض H_0 رد می‌شود و توزیع این متغیر غیر نرمال است. بنابراین با توجه به غیر نرمال بودن توزیع متغیر وابسته از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده می‌شود.

آزمون فرضیه های تحقیق

بر اساس نتیجه آزمون برای فرضیه اصلی تحقیق، ضریب همبستگی اسپیرمن بین عدالت سازمانی و مسئولیت پذیری کارکنان، برابر ۰/۳۱۶ بود. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از $\alpha=0/05$ بود، فرض صفر رد و همبستگی و ارتباط معنادار بین عدالت سازمانی و مسئولیت پذیری کارکنان تأیید می شود. این همبستگی نشان دهنده رابطه مستقیم بین این دو متغیر است. بنابراین می توان گفت: بین عدالت سازمانی با مسئولیت پذیری کارکنان شهرداری ملایر ارتباط معناداری وجود دارد. نتیجه آزمون فرضیه فرعی اول نشان داد که بین عدالت توزیعی و مسئولیت پذیری کارکنان ارتباط معنی دار وجود ندارد. چرا که سطح معناداری بزرگتر از $\alpha=0/05$ است. بنابراین می توان گفت: بین عدالت توزیعی با مسئولیت پذیری کارکنان شهرداری ملایر ارتباط معناداری وجود ندارد. بر اساس نتیجه آزمون برای فرضیه فرعی دوم، ضریب همبستگی بین عدالت رویه ای و مسئولیت پذیری کارکنان برابر با ۰/۲۶۸ بود؛ با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از $\alpha=0/05$ بود، پس فرض صفر رد و همبستگی و ارتباط معناداری بین عدالت رویه ای و مسئولیت پذیری کارکنان تأیید می شود. بنابراین می توان گفت: بین عدالت رویه ای با مسئولیت پذیری کارکنان شهرداری ملایر ارتباط معناداری وجود دارد. در نهایت، نتایج فرضیه فرعی سوم بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد، بین عدالت تعاملی و مسئولیت پذیری کارکنان، با توجه

به اینکه سطح معناداری کمتر از $\alpha=0/05$ است ارتباط مثبت و معنی دار وجود دارد، ضریب این همبستگی برابر ۰/۳۶۹ برای ۲۰۱ داده است که نشان دهنده رابطه مستقیم بین این دو متغیر است. بنابراین می توان گفت: بین عدالت تعاملی با مسئولیت پذیری کارکنان شهرداری ملایر ارتباط معناداری وجود دارد. به طور خلاصه نتایج فرضیه های تحقیق در جدول شماره ۲ آمده است.

همانطور که مشخص است ۳ فرضیه از ۴ فرضیه تحقیق تأیید شد، به طوری که عدالت سازمانی به طور کلی و همچنین عدالت رویه ای و تعاملی بر مسئولیت پذیری کارکنان اثر داشت ولی رابطه ای بین عدالت توزیعی و مسئولیت پذیری کارکنان وجود نداشت.

نتیجه گیری و جمع بندی

امروزه گاهی تبعیض و نابرابری بین کارمندان در سازمانها دیده می شود، این امر موجب سلب اعتماد کارمندان از مسئولان و کاهش بازده کاری در طول زمان کاری خواهد شد. کارکنان به منظور پاسخگویی مناسب به مراجعین در طول روز علاوه بر داشتن وجدان کاری و احساس مسئولیت پذیری باید احساس عدالت کنند تا بتوانند به وظیفه خود عمل کنند. هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی رابطه بین عدالت سازمانی و مسئولیت پذیری کارکنان در شهرداری ملایر بود. چرا که فرض بر این بود در صورتی که عدالت در سازمان رعایت شود، حس مسئولیت پذیری آنها افزایش یافته و عملکرد بهتری خواهند داشت. بدین منظور رابطه بین عدالت

جدول ۲. خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معنی داری	نتایج فرضیه
عدالت سازمانی	مسئولیت پذیری	۰/۳۱۶	۰/۱۰	۰/۰۰۰	تأیید
عدالت توزیعی	مسئولیت پذیری	۰/۰۲۷	۰/۰۰۷	۰/۷۰۴	رد
عدالت رویه ای	مسئولیت پذیری	۰/۲۶۸	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	تأیید
عدالت تعاملی	مسئولیت پذیری	۰/۳۶۹	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰	تأیید

سازمانی و ابعاد آن با مسئولیت پذیری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد رابطه همبستگی بین عدالت سازمانی و مسئولیت پذیری کارکنان برابر با ۰/۳۱۶ بود و همچنین ضریب تعیین برابر با ۰/۱۰ بود؛ این نتایج نشان می دهد که ۰/۱۰ حس مسئولیت پذیری از طریق عدالت سازمانی قابل تبیین است. رابطه همبستگی بین عدالت رویه‌ای و تعاملی و مسئولیت پذیری کارکنان به ترتیب برابر با ۰/۲۶۸ و ۰/۳۶۹ بود و همچنین ضریب تعیین به ترتیب برابر با ۰/۰۷۱ و ۰/۱۳۶ بود. این نتایج نشان از رابطه مثبت بین این دو بعد عدالت و مسئولیت پذیری کارکنان دارد. اما رابطه بین عدالت توزیعی و مسئولیت پذیری کارکنان معنی دار نبود. نتایج بیانگر آن است که اهمیت عدالت رویه‌ای و تعاملی نسبت به عدالت توزیعی بیشتر است؛ یعنی اگر رویه‌های کاری عادلانه باشد و در برخورد با کارکنان منصفانه و عادلانه رفتار شود حس مسئولیت پذیری آنها افزایش خواهد یافت.

بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود؛ سرپرستان و مدیران سازمان مصادیق عدالت تعاملی یعنی جنبه‌های فرآیند ارتباطات (همچون ادب، صداقت و احترام) را در رفتار و گفتار خود نهادینه کنند و با اتخاذ تدابیر مدیریتی روشن و بدون ابهام در برقراری ارتباط با کارکنان و همکاران، همواره مروج راستی و راستگویی در جلسات و برنامه‌ها باشند. همچنین در جهت کاهش سلسله مراتب و ساختارهای عمودی در شهرداری و تمرکز بر مسطح کردن ساختار سازمانی به منظور کاهش فاصله کارکنان با مدیریت ارشد، پیشنهاد می شود مراودات کاری کارکنان با مدیران و معاونین افزایش یابد تا به مسئولیت-پذیری بیشتر کارکنان منتهی گردد. همچنین به مدیران پیشنهاد می شود سیستم‌های موجود را تحلیل و زوایای پنهان آن را شناسایی و نقاط قوت و ضعف را تشخیص دهند؛ سپس با علم به سیستم‌های کارآمد نوین و کاربردی موجود در محیط و سایر سازمان‌ها، نواقص و کاستی‌های موجود را برطرف نمایند و رویه‌های کاری را کارآمد نمایند تا بدین ترتیب با تشخیص و اصلاح سیستم

بتوان مسئولیت پذیری کارکنان را تقویت کرد. استقرار سیستم‌های ارتقاء بر مبنای شایستگی مانند غنی سازی شغلی، توسعه شغلی و مدیریت مشارکتی، جهت بالفعل درآوردن استعداد کارکنان و استفاده از نتایج حاصل از آزمون‌های پایایی دوره‌های مذکور در انتخاب کارکنان کلیدی و ارتقا آنها روشی پیشنهادی به منظور افزایش توان احساس عدالت بیشتر در رویه‌های سازمانی و متناسب با آن مسئولیت پذیری کارکنان است. همچنین مدیران و سرپرستان می توانند با یادگیری مهارت‌ها و سبک‌های رهبری اثربخش در سازمان مانند سبک‌های رهبری تحول آفرین و رهبری خدمتگذار، میزان تعامل و حمایت خود را از کارکنان افزایش دهند تا به نوعی مسئولیت پذیری فردی و سازمانی را تشویق کنند. از آنجا که در پژوهش حاضر فقط رابطه عدالت سازمانی با مسئولیت پذیری مورد سنجش واقع شد. به محققین آتی پیشنهاد می گردد رابطه سایر متغیرها از قبیل تعهد سازمانی، جو سازمانی و دیگر مؤلفه‌های سازمانی به عنوان متغیرهای مداخله‌گر و یا میانجی مورد بررسی قرار دهند. همچنین انجام پژوهش در جامعه وسیع‌تر و گسترده‌تر می تواند نتایج بهتری در بر داشته باشد.

منابع و مآخذ

ازگلی، محمد (۱۳۸۳) سیر تاریخی نظریه‌ها و تحقیقات درباره عدالت سازمانی. مجله مصباح، شماره ۴۶.
اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲) عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. قم انتشارات موسسه بوستان کتاب.
پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۰) مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی، مجله دانش مدیریت، شماره ۵۵، صص ۳۱-۴۶.
رضایی‌راد مصطفی، رونمایی نسیم (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت و مسئولیت پذیری کارکنان در حمایت از محیط زیست (شرکت‌های صنایع غذایی شهرک صنعتی توس مشهد). پنجمین همایش ملی بحرانهای زیست محیطی ایران و راهکارهای بهبود آنها.
گل پرور، محسن؛ ناد، محمدعلی (۱۳۸۹) ارزش‌های فرهنگی و انصاف: عدالت سازمانی، رضایت شغلی و ترک خدمت. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲۸-۳۲.



tice perspective. *Personnel Review*, 33(1), 8-29.

Patterson, M., Warr, P. & West, M. (2004). Organizational justice and company productivity. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 77, 193-216.

Robbins, S. P. (2001). *Organizational Behavior*. New Dehli. Prentice Hall, Inc.

Scandura, T.A. (1999). Rethinking leader-member exchange: an organizational justice perspective. *Leadership Quarterly*, 10, 25-40.

Takeuchi, R.; Chen, Z., & Chueung, S. Y. (2012). Applying uncertainty management theory to employee voice behavior: an integrative investigation. *Personnel Psychology*, 65, 283-323.

Yılmaz, K., & Taşdan, M. (2009). Organizational citizenship and organizational justice in Turkish primary schools. *Journal of Educational Administration*, 47(1), 108-126.

Zhang L., Nie T., Luo Y. (2009). Matching organizational justice with employment modes: Strategic human resource management perspective. *Journal of Technology Management*. organizations use succession management to sustain competitive advantage, 4(2), 180-187.

لاوسن، آ (۱۳۸۱) مدیریت اخلاقی در خدمات دولتی. ترجمه: محمدرضا ربیعی مندجین و حسن کیوریان، تهران: نشر یکان.

مرامی، علیرضا (۱۳۷۸) بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نعامی، عبدالزهرا؛ شکرکن، حسین (۱۳۸۳) بررسی روابط ساده و چندگانه عدالت سازمانی با خشنودی شغلی در کارکنان یک شرکت صنعتی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، شماره های ۱ و ۲، ۵۷-۷۰.

Abu Elanain H. M. (2010). Testing the direct and indirect relationship between organizational justice and work outcomes in a non-Western context of the UAE. *Journal of Management Development*, 2(1). 51-62.

Bies, Robert J. (2001). Interactional Justice: The Sacred and the Profane. in Jerald Greenberg and Russell Cropanzano (Eds.), *Advances in Organizational Justice*, Stanford, California: Stanford University Press.

Charash, V.C & Spector, P. E. (2001). The role of justice in organizations: A meta-analysis. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 80, 278-289.

DeCremer, David. (2005). Procedural and distributive justice effects moderated by organizational identification. *Journal of Managerial Psychology*, 20(1), 4-18.

Elovainio, M., Leino-Arjas, P., Vahtera, J. & Kivimaki, M. (2008). Justice at work and cardiovascular mortality: A prospective cohort study. *Journal of Psychosomatic Research*, 61, 271-274.

Greenberg, J. (2004). Stress fairness to fare no stress: managing workplace stress by promoting organizational justice. *Organizational Dynamics*, 33, 322-365.

Forret, M. Sue Love M. (2008). Employee justice perceptions and coworker relationships. *Organizational Behavior*, 4(2), 55-68.

McDowall, A. & Fletcher, C. (2004). Employee development: an organizational jus-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۷۴

مبانی اقتصادی و اقتضات مالی تکوین دولت در جامعه ایرانی

مهناز بیات کمیتکی* - استادیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مهدی بالوی - استادیار حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سید سلمان سامانی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

The economic foundations and financial requirements of the state development in the Iranian society

Abstract

The modern state is a renewable and evolutionary phenomenon and it cannot be evaluated so that it has Single Cause. Therefore none of the fields of the Human Sciences alone cannot fully explain the emergence of the modern state without interaction with other disciplines; Political superstructure in various countries, primarily influenced by the social and cultural systems of communities as the cornerstone of the governance structure and then it is based on, a special financial and economic approach; Economic indicator and financial components of each society in conjunction with the social, political, legal and executive structures play a significant role in the development of the modern state. In other words, the form and content of the governance system has a meaningful relationship with the economic and financial characteristics of that state and the attitude of state towards concepts such as the market, movement of capital, and potential role of government in the economy. In this article we will present a conceptual analysis of the state and explain development of state in the Iranian society and then we will analyze the evolution and transformation of the state from the perspective of most distinctive economic features and financial characteristics.

Keywords: state, Modern state, economic foundations, financial requirements, Iranian society.

چکیده

دولت مدرن پدیده‌ای تکاملی و تجدیدشونده بوده و نمی‌توان آن را بصورت تک‌علی و تک‌ساحتی مورد ارزیابی قرار داد؛ فلذا، هیچیک از حوزه‌های متکثر علوم انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، مالی، اداری، نظامی و ... به تنهایی و بدون کنشگری متقابل با سایر حوزه‌ها، نمی‌تواند پیدایش دولت مدرن را به طور کامل تبیین نماید. بدین ترتیب اگرچه روبنای سیاسی الگوی دولت در کشورهای مختلف، تابعی از ساختار اجتماعی، فرهنگی و فکری مردمان آن جوامع به مثابه سنگ بنای ساختار حکمرانی قلمداد می‌گردد، مع الوصف در وهله بعد ضرورتاً بر اندیشه خاص اقتصادی و مالی ابتناء می‌یابد. بر این اساس، فقدان آمادگی لازم بافت اقتصادی و مالی برای ایجاد نهاد دولت-ملت، لاجرم استقرار معیوب اندامواره‌های اقتدار نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت. شاخصه‌های اقتصادی و مولفه‌های مالی هر جامعه، در مقام تلفیق با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اجرائی و... قادر است تا نقش قابل ملاحظه و تاثیر بسزائی را در روند تکوین دولت ملی ایفاء نماید. به دیگر سخن، شکل و محتوای نظام حکمرانی در هر کشور ارتباط معناداری با خصایص بافت اقتصادی و شرایط مالی آن کشور و نحوه نگرش نظام حاکم به مفاهیمی همچون بازار، گردش سرمایه، نقش‌آفرینی دولت در عرصه اقتصاد و... دارد. در این نوشتار متعاقب تحلیل اجمالی پدیده دولت و تشریح روند تکوین و تکامل آن در جامعه ایرانی، به بررسی و تجزیه و تحلیل تطور و تحول دولت مدرن از منظر شاخص‌ترین انگاره‌های اقتصادی و پارامترهای مالی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: دولت، دولت مدرن، مبانی اقتصادی، اقتضات مالی، جامعه ایرانی.

مقدمه

دیگر از منظر جامعه‌شناختی، بستر سیاسی و اجتماعی پیدایش دولت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. همچنین در سایر رشته‌های علوم انسانی نظیر جغرافیای سیاسی، اقتصاد، مردم‌شناسی و سیاست‌گذاری عمومی، صورت‌بندی بحث به گونه‌ای متمایز انجام شده است. همچنین در جامعه‌شناسی سیاسی، رویکردهای متفاوتی نسبت به ماهیت دولت مدرن اتخاذ گردیده که از جمله بارزترین آن‌ها می‌توان به رویکرد ذهن‌مدار ماکس وبر، رویکرد طبقاتی کارل مارکس و رویکرد نهادی ساختاری پارسونز اشاره نمود. باری؛ علیرغم این تعدد نظرات در خصوص دولت، اغلب اندیشمندان بر این باورند که ساختارها، نهادها و رویه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌ای وجود دارند که تلاش در جهت تشریح آنها، تحت عنوان پدیده دولت، امری منطقی است.

به نظر می‌رسد تکوین دولت مدرن و به طور کلی تغییرات مربوط به مدرنیته، حاصل مجموعه‌ای از عناصر و اتفاقات است که در یک بستر اقتصادی و مالی مشخص حادث گردیده و ابعاد گونه‌گون آن با یک نگاه تک‌بعدی و تک‌ساحتی به چنگ فهم حقوقی در نخواهد آمد. بنابراین تحولاتی که مظاهر مدرنیته را به ساحت حیات جمعی انسان معاصر وارد کرده‌اند در درون یک سیستم مرتبط قرار داشته و از این رو مطالعه درباره دولت مدرن به عنوان یکی از اجزای مدرنیته تنها در درون یک بافت حقوقی ما را به مقصود نخواهد رسانید. بر این مبنا، در پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی تحلیلی ضمن اشاره به روند تکوین و تکامل دولت در جامعه ایرانی، به بررسی و تجزیه و تحلیل دولت‌های تکوین یافته از منظر شاخص‌ترین خصائص اقتصادی و مالی مبادرت خواهیم نمود.

ارزیابی تکوین پدیده دولت از منظر مولفه‌های اقتصادی و انگاره‌های مالی

آسیب‌شناسی ساختار اقتصادی نظام حقوقی و سیاسی مستقر، صرف‌نظر از تبیین میزان کارائی و راندمان سیاست‌های مالی و پولی در جهت توزیع و تخصیص بهینه منابع و ثروت‌های عمومی، از منظر فلسفه سیاسی، پدیداری دولت‌های شبه مدرن، مدرن و پسامدرن و نیز

دولت مدرن که یکی از موضوعات اصلی و رایج فلسفه سیاسی، حقوق و علوم سیاسی در کشورهای دنیاست، از عناصر غالب گفتمان حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر ایران نیز محسوب می‌شود. این پدیده بدون شک فعال‌ترین عامل در اجتماعات انسانی بوده و مشکل می‌توان حیات اجتماعی را بدون آن تصور کرد. بدینسان با آنکه برخی از مواضع فکری گوناگون نسبت به ضرورت وجود دولت شک و تردید کرده و اندیشه‌هایی در خصوص جامعه بی‌دولت عرضه داشته‌اند، لیکن در سطوح امور روزمره، دولت به صورت ظریفی در تمام زوایای زندگی ما نفوذ و رخنه کرده به نحوی که می‌توان به درستی مدعی شد زندگی همه ما در درون چارچوب دولت آغاز و پایان می‌گیرد. به رغم همه این اوصاف، دولت پدیده‌ای نیست که در نگاه اول به خوبی شناخته شود. به هنگام بحث از ماهیت دولت مدرن، دولت را به مثابه یکی از مفاهیم اساساً جدال‌برانگیز، توسعه‌نیافته، نمادی مبهم، دالی واحد با مدلول‌های متنوع و متکثر و یا به یک تعبیر، پدیده‌ای مورد مناقشه که حاوی مشکلات عدیده در معنا، مفهوم و کاربرد است، می‌یابیم.

بر این بنیاد، سخن گفتن درباره دولت مدرن چه در ساحت نظر و چه در عرصه عمل، بسیار مشکل است، چراکه دولت به واسطه گستردگی مفاهیم و موضوعات قابل بحث پیرامون آن، دارای پیچیدگی‌های مفهومی و موضوعی فراوانی است و این امر، زمینه ارائه مطالب و دیدگاه‌های گوناگون در خصوص چیستی و ماهیت آن را فراهم می‌سازد. ارائه تعریفی جامع و دقیق از مفهوم دولت که به نحو گسترده‌ای مورد پذیرش اندیشمندان علوم انسانی قرار گیرد، امری دشوار جلوه‌گر می‌نماید، به طوری که هر یک از متفکرین و نظریه‌پردازان، مفهومی خاص از این پدیده چند وجهی را در ذهن داشته و بر این مبنا، آن را از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. بر همین اساس، برخی زمینه‌های ذهنی و فکری پیدایش دولت مدرن را برجسته نموده و رویکردی صرفاً نظری به این مفهوم داشته‌اند، حال آنکه برخی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

ارتباط با پاره ای از ارزش ها، هنجارها، آرمان ها و مفاهیم بشری اعم از ضرورت استقرار عدالت اجتماعی، گسترش رفاه همگانی، تضمین حقوق بنیادین بشر به طور عام و به صورت مشخص تر رابطه آن با بحث عدالت توزیعی، موجه سازی مداخلات دولت در حوزه های گونه گون و در نهایت محدودسازی حقوق و آزادی های فردی و... اهمیت شایان و جایگاه ممتازی یافته است. چه اینکه یکی از معضلات نظام حقوق بشر در دنیای معاصر، نحوه تضمین و کیفیت تحقق ابعاد مختلف حقوق آدمیان در جهت توسعه و حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد، در دنیائی نابرابر و توأم با شکاف های عظیم اقتصادی و مبتنی بر تفاوت های آشکار در برخورداری انسان ها از منابع زیستی می باشد.

صرفنظر از مداخلات کمی و کیفی دولت ها در عرصه اقتصادی که در چارچوب تئوری های چهارگانه نئوکلاسیک، انتخاب عمومی، هزینه مبادلاتی و نظری اطلاعات صورت پذیرفته و در قالب الگوهای مکاتب سه گانه اختیارگرا، لیبرال نوین و جمع گرا که مشتمل بر وجوه تمایزات بنیادینی در نظامات گوناگون کمونیستی، فاشیستی، سوسیال دموکرات و لیبرال می باشد، ارائه گردیده است، باید اذعان داشت که اساساً حکومت های امروزی در مسیر ساماندهی، سازماندهی، تمشیت، تنظیم و تعدیل کارویژه های اقتصادی، ضمن اتخاذ تدابیر بایسته ای پیرامون مقررات گذاری اقتصادی، نسبت به حضور و مداخله در عرصه بازار اقدام نموده و با اعمال نظارت مستمر بر منابع مالی و پولی جامعه، ضمن اتکاء به سیاست ها و مقررات پیش گفته، از طرق گوناگون ابزارهای اداری، قانونگذاری و حتی قضائی در حوزه اقتصاد نقش آفرینی و رفتار بازیگران این حیطه را کنترل می نمایند. در این جاست که هر آن ممکن است، تصمیمات اقتصادی حکومت بسان سدی مستحکم در برابر روند تکوین و تکامل بایسته دولت مدرن قرار گرفته و در جهت تضییق و تحدید روزافزون حقوق بنیادین شهروندان گام بردارد. توضیح آنکه به سبب عدم استقرار فرآیندهای دموکراتیک و نظامات مشارکت حداکثری شهروندان در فرآیند تصمیم سازی ها، عملاً جلوه های تمامیت خواهی

بر تارک جامعه سایه افکننده و بدین ترتیب مداخلات حاکمیت در مقررات گذاری های اقتصادی در مسیر تامین منافع و مطامع متنفذین حرکت نموده و موجبات تضییع حقوق حقه آحاد مردم را فراهم می سازد. بناء علی هذا ضروریست تا حکومت در اتخاذ تدابیر و سیاست های گوناگون به ویژه تصمیمات اقتصادی که منجر به اقدامات مداخله جویانه دولت در ابعاد و شوون حیات اقتصادی شهروندان می گردد، اصول حاکمیت قانون، پاسخگوئی به شهروندان، انصاف، عدالت رویه ای و تشریفات شایسته و قانونی را نصب العین خویش قرار دهد. مسلماً پاسخگو بودن دولت و نهادهای عمومی و نیز امکان تعبیه نظام کنترل قضائی از طریق نهادهای مستقل بر ماموران و دستگاه های اداری، شرط لازم و نقطه عزیمت هرگونه تصمیم گیری در حوزه مسائل اقتصادی می باشد. به دیگر سخن، مقررات گذاری اقتصادی و مداخله دولت در بازار در بستر و فضائی غیر دموکراتیک دارای تبعات و پیامدهای آنچنان هولناکی برای شهروندان است که رها کردن بازار به حال خود، نمی تواند چنین آثار مخرب و زیان باری را به همراه داشته باشد.

سنگ بنای موجهه و مرکز ثقل مقومه مداخلات دولت ها در مناسبات اقتصادی از طریق مقررات گذاری و تبیین سیاست ها و اصول راهبردی در این باب، بر پایه تضمین منفعت عمومی با اتکاء به دکترین نارسائی بازار و بهبود برابری استوار گردیده است. بارزترین شرایط اساسی سیاست سازی و مقررات گذاری اقتصادی را باید در پنج مولفه امکان پذیری، مطابقت با قانون برتر و مادر اساسی، متخذه بر مبنای مجوز قوانین موضوعه، قرار گرفتن در زیر چتر کنترل و نظارت قضائی و پیاده سازی جستجو نمود. بسیاری از تدابیر متخذه از سوی دولت ها در عرصه فعالیت های اقتصادی، همنوایی معناداری را با تضمین حقوق بنیادین شهروندان برقرار ساخته و همپوشانی عینیت یافته ای را با تحکیم حق های بشری آحاد افراد اجتماع متبلور می سازد. بناء علی هذا انتظام قواعد و مقرراتی نظیر منع فعالیت های رقابتی غیر شرافتمندانه، اعم از تبلیغات دروغین و فریبنده، تخریب رقبا، جعل علائم تجاری، دستبرد به اطلاعات تجاری رقبا و... منع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

اشتغال‌های کارگری غیر عادلانه با متد تنظیم بازار کار، جلوگیری از تمرکز مفرط و افسارگسیخته اقتصادی و پیشگیری از انباشت قدرت مالی و پولی از طریق اعمال قوانین ضد انحصار، وضع مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر درآمد های اضافی، مالیات بر مشاغل و...، ممانعت از نوسانات شدید و مهلک اقتصادی با هدف محافظت از سلامت اقتصادی شهروندان با خلق قواعدی همچون کنترل حجم پول در گردش، نظارت بر قیمت‌ها و اعتبارات و...، نظارت بر کیفیت کالاها و خدمات عرضه شده در بازار، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان با بهره‌گیری از سیاست‌های اعم از استانداردسازی، صدور پروانه، نظارت بر تولید، انتشار اطلاعات و... در این مسیر قابل ارزیابی می‌باشند.

از منظر مارکسیستی، شیوه تولید آسیایی در نظم سنتی جوامع مشرق زمین، عامل بنیادین عدم شکل‌گیری بستر سیاسی، اجتماعی مناسب برای گذار به دولت مدرن محسوب می‌گردد. از دیدگاه مارکس، ویژگی‌های محیطی و به ویژه کم‌آبی در سرزمین‌های آسیایی مانع از شکل‌گیری واحدهای خودمختار اقتصادی می‌گردد. در نتیجه این امر، یک قدرت متمرکز سیاسی که دارای دستگاه دیوانی گسترده‌ای بود، به عنوان عامل و مجری کنترل شبکه آب‌رسانی به گروه‌های جمعیتی پراکنده و روستایی، مالک آن سرزمین‌ها شده و سلطه سیاسی خود را بر آنها اعمال می‌نمود. بدینسان عدم وجود واحدهای خودمختار اقتصادی در کنار عدم ظهور طبقات مستقل اجتماعی که قادر باشند دولت مدرن را نهادینه سازند، نظام جدید در قالب دولت مدرن متظاهر نمی‌گردد.

سیر تکوین و تکامل پدیده دولت در ایران زمین از منظر شاخصه‌های اقتصادی و ویژگی‌های مالی
گذار به مدرنیته به طور عام و تکوین دولت مدرن به طور خاص با ویژگی‌های اقتصادی و مالی هر کشور ارتباط معناداری دارد. تغییرات عصر مدرن و تحول در جنبه‌های مختلف حیات جمعی همگی در بستر جامعه اتفاق افتاده و در درون یک بافت اقتصادی جریان می‌یابند. به هر روی واقعیت آن است که جامعه مدرن را باید به مثابه

یک نوع از حیات اجتماعی اقتصادی قلمداد کرد که تفاوت خود را با جوامع پیشامدرن در ماهیت تعاملات نوینی که در آن جریان دارد عیان می‌سازد. از آنجایی که حقوق هیچگاه نمی‌تواند پشت به جامعه‌ای بایستد که برای تنظیم روابط درونی آن شکل گرفته، توجه به بافت اقتصادی و ساختار مالی جامعه برای درک ماهیت مبهم و پیچیده دولت امری ضروری است. بر این مبنا، در این قسمت از نوشتار حاضر پس از تبیین روند شکل‌گیری و تکوین پدیده دولت در جامعه ایرانی، بارزترین عوامل اقتصادی و مالی ناظر بر روند مزبور، از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

الف) روند تکوین پیش از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هجری شمسی

مطالعه ساختار حکومت‌های مستقر در جامعه ایرانی مبین آن است که نظام حکومت سنتی ایران در آستانه ورود تجدد، بر معجونی از اصول و نگرش‌های ایران باستان از یک سو و انگاره‌های سیاسی و اقتصادی مذهب تشیع از سوی دیگر استوار بود. اندیشه ایران‌شهری و شاهنشاهی مبنی بر فره ایزدی از طریق ترجمه متون ایران باستان، با نگرش اسلامی به سیاست و اقتصاد که در آن دین و دولت در هم آمیخته بودند، همسوئی و سازگاری داشت. برتران بدیع براین باور است که در این دوران از اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی ایران باستان که به موجب آن میان دو نهاد پادشاهی و مذهبی تفکیک صورت نمی‌گرفت و مذهب خود، بنیان پادشاهی محسوب می‌گردید، الهام گرفته شده است. مع‌هذا، باید توجه داشت که اندیشه سیاسی و اقتصادی در اسلام به طور عام و در مذهب تشیع به طور خاص، به هیچ روی بر تعریف دولت استوار نبوده و به تعبیر لمبتون "حقوق عمومی اسلام با تعریف دولت آغاز نمی‌شود، بلکه مبدا حرکت آن تعریف امامت یعنی رهبری جامعه است."

باری؛ در ابتدای استقرار سلسله صفویان، بخش عمده درآمد ملی از انواع مختلف مالیات بر اراضی زراعی تأمین می‌گردید. قسمت زیادی از این وجه، به مصرف ارتشیان رسیده و مابقی آن نیز نوعاً مصروف بر رونق نگاه داشتن دربار شده و سهم بسیار ناچیزی به امور تولیدی

و کارگاه‌های سلطنتی اختصاص می یافت. همزمان با قدرت یافتن صفویان، شالوده اقتصادی کشور روند ارتقاء رضایت بخشی را در پیش گرفت. در این مقطع مازاد تولیدی که در دست حکومت قرار داشت، عمدتاً در بخش های گوناگون اقتصاد و برای تعمیر و گسترش شبکه های آبیاری، جاده ها، کاروانسراها و... سرمایه گذاری می گردید. این تدابیر، افزایش تولید و تجارت را به دنبال داشته و در چنین اوضاعی، رشد جمعیت نیز سیری صعودی به خود گرفت. باید توجه داشت که صرفنظر از تلاش های شاه عباس، اقتصاد جامعه صفوی، فاقد عنصر پویائی خودگردان بود. با این همه، بدون تردید یکی از عواملی که تشکیل دولت به سبک مدرن را در ایران تسهیل نمود، ورود غیر ارادی کشور به فرآیند ادغام در نظام اقتصاد سرمایه داری جهانی در عصر صفویه می باشد. این امر در وهله نخست معلول عدم وجود طبقه قدرتمند سرمایه داری و یا حتی زمین دار و نیز نیاز مبرم حکومت صفوی به نقدینگی، خصوصاً در دوران شاه عباس یکم می باشد. در سده پانزدهم میلادی، صنعت ابریشم اروپا، گسترش چشمگیری یافته و ایران به عنوان عمده ترین کشور تولیدکننده ابریشم در خاورمیانه، به صدور کالای مزبور پرداخت. رفته رفته با ورود ایران به بازار صنایع اروپایی و شکل گیری کمپانی هند شرقی در ایران، فرآیند ادغام بازارهای ایران در نظام اقتصاد جهانی شتاب فزاینده ای یافت. ورود ایران به اقتصاد بین المللی، پیامد قابل توجهی در پی داشت و آن تغییراتی بود که در صورت بندی طبقاتی جامعه ایران به وقوع پیوست و بدین سان ساخت دولت را نیز تحت تاثیر قرار داد.

پس از اضمحلال خاندان صفوی و افول اقتدار سیاسی و اجرائی ایشان، جامعه ایرانی دوره ای از رکود و وقفه را در مسیر تکوین اندامواره های دولت مرکزی سپری نمود. توضیح آنکه، سیطره افغان ها بر کشور، سبب گردید تا تلاش های شاهان صوفی در راه تجمیع و تعبیه مولفه های ناقص و معیوب دولت ملی به ویژه در حوزه اقتصادی، به نسیان سپرده شود. اثرات مخرب این حضور، آنچنان بر پیکره اقتصادی سایه افکند که دو خاندان افشاریه و زندیه را تا مدت ها سرگرم رتق و فتق این نابسامانی ها

ساخت. اگرچه استقرار دو طایفه افشار و زند نیز نتوانست تحول شگرفی را در مسیر دولت سازی در سطح جامعه ایرانی، ایفاء نماید. توضیح آنکه، در این برهه زمانی، دستاوردهای مثبت مربوط به تدابیر سلسله صفوی، به ویژه در عرصه اقتصادی، که می توانست در سایه مشارکت بخش خصوصی و با هدایت حکومت مرکزی، به یک نوع سرمایه داری بومی و اصیل مبدل گردد، از بین رفته و این امر سرانجامی جز فروپاشی اقتصادی، جابجائی اجتماعی، جنگ های داخلی و خارجی، قحطی، بیماری و مهاجرت، به ارمغان نیاورد. در خلال این سال ها، تضعیف حکومت مرکزی و بی ثباتی سیاسی، افول شیوه های تولید و نیز فترت اقتصادی را به دنبال داشت. همچنین، ورود جامعه به عرصه سرمایه داری جهانی در دوران صفویان که می توانست به مثابه قوه محرک نیرومندی برای ساختار اقتصادی کشور قلمداد گردد، به سبب وعدم استفاده بهینه حکام این ادوار تاریخی از منابع موجود، روندی معکوس به خود گرفته و جامعه را بصورت نیمه

استعماری، به قدرت های بیرونی، وابسته ساخت. بر این اساس، نیکی کدی این دوران را مقطع عدم تمرکز قدرت مرکزی، حاکمیت رهبران قبائل و نزول اقتصادی دانسته، و لمبتون نیز آن را دوره احیای قبیله ای، نامیده است. در مقطع افشاریه، نادرشاه افشار به جهت مبارزات مستمر و جنگ های پی در پی و متوالی در خارج از چارچوب مرزهای جغرافیائی کشور، در عمل، ارتش و قوای نظامی را بدل از دیوان سالاری عمومی، به مثابه شالوده و رکن اقتدار امپراطوری خویش قرارداد. نادرشاه تلاش داشت تا با احیاء حاکمیت مرکزی، روند تصاعدی و رو به رشد بحران های مالی و اقتصادی را مهار نماید. وی اگرچه تا حدودی در راه کندتر ساختن شتاب حرکت بحران پولی توفیقاتی را کسب نمود، اما به سبب آنکه در طول دوران حیات خویش، سرگرم فتوحات رزمی و مشغول کشورگشائی بود، باعث شد تا منابع گسترده جامعه ائتلاف گردیده و خسارات جبران ناپذیری بر پیکره نظام تولیدی و فعالین عرصه اقتصادی وارد آید.

احمد سیف، در خصوص تدابیر و اقدامات اقتصادی نادرشاه افشار اشعار می دارد که «حکومت مستبد و

خودکامه نادر، با اتخاذ سیاست سرکوب و آزار و اذیت، هرگونه انگیزه ای برای سرمایه گذاری را در نطفه خفه نمود. این در حالی است که سیاست مالیاتی غارتگرانه و چپاولگرانه وی موجب شد تا اکثریت قریب به اتفاق مردم جامعه، به استثناء امکانات حداقلی برای امرار معاش خود، چیزی برای مصرف و یا سرمایه گذاری نداشته باشند. در نتیجه، هم مصرف و هم تولید در اقتصاد ایران، از این سیاست ها لطمات فراوانی خورد. حکومت مرکزی تاباندجائی درگیر لشکرکشی و جنگ بود که برای رسیدگی به مسائل و امور حیاتی و کلیدی جامعه همچون نظام آبیاری، شبکه راه ها و... مجال چندانی نمی یافت.»

در برهه زمانی زنده، اگرچه اقتدار نسبی حکومت مرکزی در کنار تدابیر و سیاست های کریم خان در باب رونق اقتصادی، رفاه همگانی، جلوگیری از فرار سرمایه های مالی به خارج از مرزهای جغرافیائی، توسعه دوطرفه مناسبات تجاری با خارجیان و... در مقام عمل، منجر به گسترش امنیت اقتصادی گردیده و رضایت مردم را به دنبال داشت، اما هرگز نتوانست، گامی بلند در مسیر تکوین دولت ملی قلمداد شود. علیرغم آنکه پادشاه زند، تدابیری نظیر کاهش نرخ مالیات، تشویق فعالان عرصه صنعت، ساماندهی نظام آبیاری در کشور، احیاء اراضی زراعی به ویژه در ایالت فارس و سایر نواحی جنوبی جامعه، اعطاء امتیازات گسترده به تجار و... را در راس برنامه ها و اهداف خود قرار داد، با این وجود، به سبب آنکه هیچ نوع چارچوب نهادینی برای اداره امور پیش بینی نشده، اصلاحات کریم خان با فرا رسیدن مرگش، نیمه تمام باقی مانده و بدین ترتیب، فصل نوینی از هرج و مرج و جنگ تمام عیار داخلی، فیما بین مدعیان حکومت داری ورق خورد. تا اینکه در نهایت، آقامحمدخان قاجار بر روند جنگ های قبیله ای مهر پایان کوبید.

در دوران زنده، عدم تمرکز بایسته قدرت و استمرار پایگاه قبیله ای حکومت مرکزی، معلول دلائل اقتصادی بوده است. توضیح آنکه، استفاده روزافزون دول اروپائی از راه های دریائی، به نوبه خود، بر کم اهمیت شدن راه های ارتباط زمینی کشورهای آسیائی تاثیرگذار بوده

و این امر، افول و کاهش شدید سطح تولید و تجارت بین المللی ایران را به دنبال داشت. بطوریکه کشور ما، بجز در مناطق محدودی از سواحل خلیج فارس، به نحو چشمگیری از صحنه تجارت جهانی کنار گذاشته شد. در مجموع باید اذعان نمود که در این مقطع از تاریخ ایران، بافت حکومت مرکزی از چنان صلابت و استواری بایسته ای بهره مند نبود تا بتواند سیطره ای تام و تمام بر کشور، برقرار ساخته و در مسیر ایجاد دولتی فراگیر و همه جانبه گام بردارد.

پس از انحطاط قوم زند و در دوران حکمرانی قبیله قاجار بارزترین مولفه ها و شاخصه های اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اداری جامعه ایرانی در این عصر را می توان در مواردی همچون "خودکامگی نظام سیاسی و اعمال یکجانبه و خودسرانه قدرت از سوی زمامداران بر مردم، عدم استقرار ابعاد گوناگون امنیت، تجاوز و ظلم روز افزون حکام ایالتی و عوامل درباری، فقدان چارچوب های قانونی برای اداره حکومت و جامعه، ضعف مفرط بنیان های اقتصادی و تسلط و اشراف عوامل حکومتی بر شریان های اقتصادی، وجود فساد گسترده در ساختارهای اقتصادی، اداری و قضائی، افزایش ظلم و ستم نسبت به تجار محلی، اصناف و کشاورزان، رشد و گسترش حوزه نفوذ بیگانگان در امور سیاسی و اقتصادی، وابستگی ملموس کشور به دول اروپائی، فقدان آگاهی های عمومی و افزایش جهل و خرافات در میان عامه مردم و حتی رجال درباری و... احصاء نمود." براین بنیاد باید اذعان داشت که در این دوران تغییرات عمده ای در روال حکمرانی، حادث نگردیده و الگوی زمامداری، امتداد مرحله تاریخی پیشین بوده و عواملی نظیر بحران های مالی و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشت. چنین شرایطی به نوبه خود، فشارهای گسترده بیرونی و داخلی را به وجود آورده و از قدرت مادی و معنوی حکومت در مقابله با دشواری های داخلی و خارجی کاست. فلذا، حرکات اجتماعی در مسیر تغییر نظام سیاسی با ایدئولوژی مشخص تشکیل یافت. شاهان قجری به توفیق چندانی در مسیر تغییر بافت بدنه اقتصادی جامعه نائل نگردیدند. با این همه، اقدامات و

سیاست های آنها، موجب تکوین پایه ها و ارکان ساخت نوینی از حکومت داری گردیده و سرانجام، این تحولات، زایش انقلاب مشروطه از بطن جامعه را به همراه داشت. باری؛ همنوایی روزافزون شاهان قجری با شرکت ها و دولت های خارجی، افول سطح کمی و کیفی تولیدات داخلی، نابودی ساخت های اقتصادی و تجاری، فقر دامنه دار مردم، تحت الشعاع قرار گرفتن استقلال اقتصادی جامعه و... حکومت مرکزی قاجاریان را با انحطاط مواجه ساخته و میزان بدهی های آن را به دول اجنبی افزایش داده و ادامه این روند، تشدید بحران های اقتصادی را در پی داشت. این نارضایتی همگانی آحاد مردم، گروه های اجتماعی، علمای دینی، فعالین اقتصادی و بازار، اشراف زمین دار و... مطالبه سراسری ضرورت تقید اقتدار هیات زمامداری به قانون و جلوگیری از خودکامگی و استبداد حکام را به همراه آورد.

سیاست های نامطلوب هیات زمامداری در ابعاد اقتصادی و اتخاذ تدابیری نظیر وضع تعرفه تجاری بیشتر بر تجار بومی، انحصار گسترده بر معابر مالیاتی، افزایش مالیات بر اراضی زراعی، کاهش مستمری وابستگان، اعمال نظارت بر املاک موقوفه، استقراض گسترده از منابع مالی بیرونی و... بر نابسامانی فزاینده اقتصادی و افزایش فقر عمومی تاثیر چشمگیری داشت. تحولات حادثه در این برش تاریخی موجب استعفای عین الدوله گردیده و یک هفته بعد از آن به تاریخ ۱۴ مردادماه ۱۲۸۵ هجری شمسی، فرمان مشروطیت به امضاء مظفرالدین شاه رسید. وی در این فرمان، تصمیم خود را پیرامون برپاکردن مجلس شورای ملی، متشکل از منتخبین هشت گروه اجتماعی، یعنی شاهزادگان، علماء، قاجاریان، اعیان، اشراف، ملاکین، تجار و اصناف اعلان و ابراز نمود. به نظر می رسد، نخستین موج دموکراسی خواهی در ایران، ریشه در جنبش آزادی خواهانه قرن نوزدهم میلادی که به تکوین انقلاب مشروطه انجامید، دارد. در مجموع، تحولات جامعه در این ایام، بعدها منجر به نهادینه شدن پیرایه های تئوریک و اندامواره های عینی ساخت دولت ملی گردید.

مشروطه طلبان در فرآیند مبارزه عملی با سنت

پاتریمونالیستی، گام های موثری برداشتند. در این راستا، می توان اهداف انقلاب مشروطه را افزایش اقتدار حکومت مرکزی، به منظور انسجام نظام سیاسی یکدست، به عنوان جانشین نظام سیاسی از هم گسیخته (انقلاب اقتدار سیاسی)، ایجاد دگرگونی های اقتصادی (انقلاب رفاهی)، ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی (انقلاب ملی) و نهایتاً بستر سازی جهت مشارکت مردم در زندگی سیاسی (انقلاب مشارکتی) ارزیابی نمود. مع الاسف حقیقت تلخ، این بود که مشروطه خواهان در تحقق جامع اهداف انقلابی خویش، ناکام ماندند، بطوریکه با اغماض فراوان، جامعه تنها با تحقق انقلاب اقتدار سیاسی، وارد دوران دولت مطلقه گردید. اگرچه ضرورت درک این مهم خالی از لطف نیست که اساساً «منظور استنتاج ذاتی دولت مطلقه از انقلاب مشروطه نیست، بلکه چنان که در مورد جوامع غربی روی داد، موقعیت تاریخی ایران در گذار از نظام ماقبل سرمایه داری به نظام سرمایه داری اولیه، چنان ایجاب می نمود.» عدم تحقق اهداف انقلاب مشروطه و در نتیجه، شکل گیری بستر نظام مطلقه را می توان معلول متعددی نظیر ناکامی اصلاحات اقتصادی دانست. اگر چه پارامترهایی همچون نفوذ اقتصادی بیگانگان، به نوعی منجر به تقویت حس همبستگی جمعی و یکپارچگی ملی، در مسیر مبارزه با استعمار گردید، که این امر به نوبه خود بر ظهور و گسترش روحیه ناسیونالیستی و بیگانه ستیزی موثر افتاد.

در اواخر سده سیزدهم هجری شمسی، جامعه ایرانی، پس از تجربه فراز و فرودهای انقلاب مشروطیت، هم از منظر ساختار قدرت و هم از حیث تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، زمینه استقرار نظام مطلقه حاکمیتی را در خود، فراهم می دید. بطوریکه به سبب ضعف مفرط انگیزه طبقات اجتماعی، دستگاه قدرت اقتدارطلب، وظیفه اصلاح و نوسازی را عهده دار گردید. چنین شرایطی لاجرم، بستر تحقق انقلاب از بالا یا نوسازی محافظه کارانه را فراهم می آورد. در این نوع از نوسازی و تغییر، ضرورت وجود حاکم قدرتمند، جهت سرکوب عناصر مخالف و نیز لزوم استقرار دستگاه دیوانی عظیم و



نیرومند، امری غیر قابل اغماض تلقی می گردد. به دیگر سخن، تاسیس مبانی، تکوین و تجدید ساخت دولت مطلقه در دوران پهلوی، در واقع واکنشی اجتناب ناپذیر به ضرورت نوسازی و تحول سیاسی و اقتصادی، در سطح جامعه ایرانی، پس از از درک تحولات ناشی از انقلاب مشروطه می باشد.

در هنگامه اقتدار پهلویان بر جامعه ایرانی، دولت مطلقه، به مثابه کارگزار اصلی فرآیند نوسازی و اقدانات نوگرایانه، قلمداد گردید. از آنجائیکه دول پهلوی اول و دوم، فاقد خلاقیت لازم برای تحمیل ساز و کارهای ملی بر مردم، ایجاد احزاب مردمی و تبیین مبنائی عقیدتی برای توجیه اقدامات تجددطلبانه خویش بودند، تدابیر متخذه در مسیر نوسازی و تحول در ابعاد گونه گون نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، فربه تر شدن حکومت مرکزی و تجمیع بیش از پیش قدرت نزد هیات عالی زمامداری را به همراه آورد. دولت مطلقه همزمان با این تحولات و در پی نوسازی های اداری، اقتصادی، صنعتی، مالی و... در قالب و هیات «مطلقه نظامی» توسط پهلوی اول انتضاج یافته و سپس در دوران فرزندش محمد رضا پهلوی، به واسطه تلاش های وی و نیز به سبب نقش آفرینی منحصر به فرد نهاد دربار سلطنتی، که جملگی در مسیر از میان بردن پراکندگی منابع قدرت سیاسی و اجرائی و برقراری نظارت متمرکز بر آن ها، گام برداشتند، در شکل «مطلقه سلطنتی» تجدید ساخت گردیده و بازسازی شد.

بدین ترتیب باید اذعان داشت که در دوران خاندان پهلوی، روند تمرکز و انباشت ابعاد گونه گون قدرت سیاسی، اجرائی، اقتصادی، مالی، اداری، قضائی و... به مثابه سنگ بنا و نقطه ثقل تکوین و تکامل دولت مطلقه، به طور فرآینده ای تسریع گردید. این وضعیت علاوه بر اینکه معلول پارامترهای یاد شده بود، ریشه در انگاره های قانون اساسی مشروطیت و پیرایه های متمم آن داشت. توضیح آنکه، اگرچه مطابق مندرجات قانون اساسی دوران مشروطه، مجلس شورای ملی دارای ابتکار عمل گسترده ای بوده و در بعد اقتصادی عهده دار تسویه امور مالیه، جرح و تعدیل بودجه، تغییر در

مالیات ها، اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی، نظارت بر انتقال یا فروش عایدات یا دارائی های عمومی و دولتی، اصدار امتیاز تشکیل کمپانی ها و شرکت های عمومی، تصویب انعقاد عهدنامه ها و مقاوله نامه های اعطای امتیاز و انحصارات تجارتي، صنعتی و کشاورزی، نظارت بر استقراض مقامات عمومی، کنترل هزینه های ناظر بر احداث شبکه راه ها و... بوده است، اما با تمام این، باید توجه داشت که نظارت و نفوذ وصف ناپذیر عالی ترین مقامات کشور بر عملکرد مجلس و کنترل محسوس نمایندگان از سوی پادشاه، که مصداق عینیت یافته و متبلور آن را صرفنظر از دخالت عمال پادشاهان اول و دوم پهلوی در روند انتخابات عمومی مجالس سنا و شورای ملی، می توان به طور آشکاری در توانائی و اختیار مشارالیهما پیرامون انحلال مجلس مشاهده نمود، سبب گردیده است تا در عمل مجالس وقت، از کارکرد بنیادین و کارویژه ذاتی خود فاصله چشمگیری گرفته و در خدمت مطامع و منویات پادشاه قرار گیرند. این عوامل سبب شدند تا مجلسین، تنها در هیات نهادهای فرمانبردار، تنزل جایگاه و تقلیل منزلت یافته و بدین ترتیب، اصل نقش آفرینی شهروندان در باب تصمیم گیری پیرامون مقدرات خویش، از طریق وکلای منتخب ایشان در مجالس دوگانه، به شدت مورد چالش قرار گرفت. بدیهی است چنین اوضاع و احوالی، فربه تر شدن ارکان و پایه های دولت مطلقه در سطح کشور را به ارمغان آورده و موجبات تجمیع اقتدار به ویژه در ابعاد اقتصادی و سیاسی را زمینه ساز گردید.

باری؛ تمرکز در حوزه امور مالی و پولی جامعه و تجمیع بدنه اقتصادی نظام حاکم، به عنوان یکی از شاخصه های بنیادین تکوین دولت مطلقه در اروپای باختری به شمار می آید. ماکس وبر در این خصوص اشعار می دارد، همان گونه که سرمایه داری در مرحله تطور خویش، مستلزم بهره مندی از یک دستگاه دیوانی کارآمد است، به ابزارهای مالی لازم نیز برای تحقق اهداف سیاسی و بوروکراتیک خود نیازمند می باشد. بدین ترتیب، دیوان سالاری نهادها و سرمایه داری، به گونه ای توأمان توسعه می یابند. پارسونز نیز معتقد است که دولت برای نیل

به مرحله کمال خویش، به شکوفائی توسعه اقتصادی، گسترش مناسبات اقتصاد پولی و رشد روابط سرمایه داری، نیاز مبرمی خواهد داشت.

در جامعه ایرانی همزمان با آغاز سده چهاردهم هجری شمسی، عدم شکل گیری طبقات مستقل و نیرومند اقتصادی، در کنار انباشت سرمایه مالی نزد شاهنشاه، موجبات رشد فزاینده دخالت حکومت در حوزه اقتصاد و تمایل آن به تمرکزگرائی اقتصادی، به منظور تقویت پایه های دولت مطلقه گردید. مبانی و بنیان های سیاستگذاری های مالی و اقتصادی، در دوران پهلوی اول را می توان در اجرای سیاست اقتصاد دولتی، اجرای برنامه های عمرانی، حمایت از صنایع داخلی، تعادل بودجه و دریافت مالیات سنگین از مردم، احصاء نمود. در این سال ها پادشاه ضمن ایجاد انحصارات گسترده در سطح صنعتی و اقتصادی، به مثابه عامل برتر و قدرت بلامنزاع در عرصه پولی و مالی ایفاء نقش می نمود. بارزترین تحولات و شاخص ترین تغییرات در عرصه پولی و مالی جامعه و نظام اقتصادی کشور، در دوران زمامداری پهلوی اول، که منجر به تکوین و تکامل دولت مطلقه گردید را می توان به شرح آتی الذکر تبیین نمود؛

• توسعه حوزه ارتباطات و حمل و نقل از طریق گسترش شبکه راه ها

• استقرار نظام بانکداری دولتی

• تاسیس وزارت اقتصاد ملی

• افزایش تعداد کارخانه های صنعتی

• انحصارات گسترده حکومت در تجارت داخلی و خارجی

در دوران پهلوی دوم نیز محمدرضا شاه در مسیر تکوین دولت مطلقه سلطنتی و تثبیت اقتدار خویش، تجمیع ساخت اقتصادی و سیطره بر بدنه مالی و صنعتی کشور را در دستور کار خود قرار داد. در این راستا نخستین برنامه توسعه اقتصادی کشور، تحت عنوان برنامه هفت ساله اول، در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی عملیاتی گردید. این برنامه ضمن ایجاد سازمان برنامه و بودجه برای تدوین، راهبری و اجراء چهار برنامه توسعه بعدی، در جهت برنامه ریزی های جامع اقتصادی و تمرکز و

انباشت روزافزون سرمایه، نزد پادشاه و وزارت دربار گام برداشت. در این هنگامه، درآمدهای نفتی، سبب گسترش سرمایه گذاری های بخش های دولتی و خصوصی در عرصه های گوناگون اقتصادی گردید.

محمدرضا شاه دومین برنامه هفت ساله توسعه اقتصادی کشور (۱۳۳۴ الی ۱۳۴۱) را به مثابه طرحی میان مدت طرح ریزی نمود. ره آورد برنامه دوم، تثبیت نقش مسلط و برتر دولت نسبت به سرمایه های خارجی و بورژوازی داخلی بود. با این وجود نباید از تاثیر چشمگیر درآمدهای حاصل از صنعت نفت در تحقق برنامه های اقتصادی دولت، به سادگی عبور کرد. این درآمدهای عظیم، علاوه بر نوسازی ساختار اقتصادی، گسترش دستگاه بوروکراسی را به عنوان یکی از ابزار مهم استقرار دولت مطلقه به همراه داشت. در این خصوص توجه به روند روبه رشد سهم درآمدهای نفتی در برنامه های پنج ساله عمرانی دولت مطلقه سلطنتی پهلوی دوم که به ترتیب در برنامه نخست ۲۷/۱٪، در برنامه دوم ۶۴/۵٪، در برنامه سوم ۶۶٪، در برنامه چهارم ۷۵٪ و در برنامه پنجم ۸۰٪ بوده است، خالی از لطف نیست. درآمدهای نفتی و بهره مندی نظام حاکم از حمایت های دول خارجی و شرکت های چند ملیتی دریافت کننده اصلی نفت کشور، منجر به وراء طبقاتی و وراء قانونی شدن هیات حاکمه گردیده و در نتیجه این مهم، ستون ها و پایه های دولت مطلقه سلطنتی استحکام یافت. براین اساس بایستی استقلال دولت محمدرضا شاه از بدنه اجتماع را معلول دلارهای نفتی دانست که منبع و پایه استقلال اقتصادی دولت را فراهم می ساختند.

در مجموع باید اذعان داشت که در دوران پهلوی، اقدامات نوگرایانه و ایجاد تغییرات نوعاً روبنائی در حوزه های گونه گون اقتصادی، مالی و... در نهایت، روابط سنتی حاکم بر جامعه را علی رغم تحولات ظاهری، دچار تطورات درونی ننمود. اگر چه به واسطه اصلاحات مذکور، به جای حکومت نیمه فئودالی و پاتریمونیال قدیم، دولتی کم و بیش مطلقه در قالب نظامی و سلطنتی استقرار یافت، لیکن از آنجائیکه اقدامات اصلاح گرایانه عموماً از بالا، روبنائی و کم عمق بودند، به هیچ وجه نتوانستند

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۸۳

ساختارهای اقتصادی قدیم را دستخوش تحولی راستین بنمایند. بدین ترتیب، طبقات و گروه‌های سنتی، همچنان مناسبات اقتصادی خویش را حفظ کردند. (بشیریه، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰)

شرایط پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عرصه نظامات داخلی و بین‌المللی، عدم توفیق بایسته دولت مطلقه سلطنتی پهلوی دوم در تحقق آرمان‌ها و شعارها، اقدامات سرکوب‌گرایانه فرمانروایان نسبت به معترضین به پاخاسته و... در کنار بسیاری از عوامل و مولفه‌های دیگر، منجر به اضمحلال ارکان زمامداری پهلویان و ظهور ساخت نوینی از حاکمیت در سطح جامعه ایرانی گردید.

ب) روند تکامل در عصر جمهوری اسلامی

به ثمر نشستن پایه‌های انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در جامعه ایرانی، مرهون مشارکت حداکثری و اجماع بین‌الاذهانی گروه‌ها، طبقات و طیف‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز اتفاق نظر ایشان در خصوص ضرورت مقابله با خفقان، استبداد، سلطه و سرکوب صورت گرفته توسط حکومت خاندان پهلوی بوده است.

در خصوص مبانی، ارکان و سیاست‌های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی باید اشعار داشت که فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان اقتصاد و امور مالی (اصول ۴۳ الی ۵۵)، ضوابط و چارچوب‌هایی را به منظور هدایت و راهبری فعالیت‌های این عرصه ترسیم نموده است. بدین معنا که تامین استقلال اقتصادی کشور، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در مسیر رشد، به عنوان اهداف و آرمان‌های نظام، نصب العین تحرکات حوزه پولی و مالی جامعه قرار گرفت. همچنین بافت و پیکره نظام اقتصادی مشتمل بر سه بخش مجزای دولتی و عمومی که خود دربرگیرنده کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک داری، بیمه، تامین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه آهن و...، تعاونی که متشکل از شرکت‌ها و

مؤسسات تولید و توزیع و خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات که مکمل فعالیت‌های دو حوزه قبلی (دولتی و تعاونی) می باشد، تعبیه گردید.

نظام جمهوری اسلامی، در مسیر تحقق سیاستگذاری‌های اقتصادی، برنامه‌هایی را همچون بازیابی فرهنگ ملی و مقتضیات محیطی، برنامه ریزی رشد و توسعه از طریق اجرای برنامه‌های عمرانی پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تامین اجتماعی و بیمه بیکاری، تنظیم حقوق کار در برنامه ریزی‌های اقتصادی، تامین شرایط و امکانات کار برای همه، قراردادن وسائل کار در اختیار نیازمندان، تعیین حداقل مزد کارگران، حفظ امنیت شغلی ایشان در جریان کار و حمایت از آن‌ها در مقابل اخراج، حمایت از اوقات فراغت کارگران از طریق اعطاء مرخصی و... برقراری ضوابط ایمنی و بهداشتی کار، هدایت کارگران به سمت ایجاد تشکل‌های کارگری، انعقاد پیمان‌های جمعی کار، ایجاد خدمات رفاهی در کارگاه‌ها و اجرای سیاست‌های متنوع اشتغال، به کارانداختن انفال و ثروت‌های عمومی نظیر اراضی موات و رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، آب‌های عمومی اعم از نهرها، رودخانه‌ها، برکه‌ها و...، کوه‌ها، دره‌ها، بیشه‌های طبیعی، مراتع، اموال مجهول‌المالک، ارث بدون وارث، اموال مسترد شده از غاصبین و...، توزیع عادلانه و بدون تبعیض منابع طبیعی کشور و درآمدهای ملی، بازگرداندن ثروت‌های نامشروع ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، دائر کردن اماکن فساد و... به صاحبان حق و در صورت معلوم نبودن ذی‌الحق، استرداد این ثروت‌ها به بیت‌المال، سیاست‌گذاری مختص رفع فقر و مبارزه با محرومیت در برنامه توسعه، حرکت در مسیر رشد و توسعه اقتصادی و افزایش ظرفیت و توان کشور در تولید کالا و خدمات، توجه به اقتصاد خانواده و تامین نیازهای اساسی آن اعم از تامین مسکن خانوار، تامین اجتماعی خانواده‌ها، سیاستگذاری اشتغال و تعدیل اقتصادی و تاسیس شرکت‌های تعاونی توزیع و مصرف به منظور

تامین مایحتاج عمومی خانوارها و توزیع عادلانه آن میان ایشان و... را در دستور کار خود قرار داد.

خاطرنشان می سازد علاوه بر پایه های سه گانه نظام اقتصادی یعنی بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی، پاره ای از موسسات اقتصادی، در ماده واحده قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی احصاء گردیده اند، لیکن به موجب تبصره ۲ ماده واحده مذکور، اجرای قانون در موسسات و نهادهای عمومی که تحت نظر مقام معظم رهبری هستند، منوط به اذن معظم له خواهد بود. چه اینکه، اعضاء شورای نگهبان، در مقام بررسی و تطبیق این ماده واحده با موازین شرع انور، بیان داشته بودند «نظر به اینکه لایحه مذکور، نهادهای تحت نظر مقام ولایت فقیه را نیز شامل می شود، بدون جلب موافقت مقام معظم رهبری خلاف موازین شرعی است». سیدمحمد هاشمی در این خصوص اظهار داشته است که «موسسات و نهادهای اقتصادی تحت نظر مقام معظم رهبری، در برگیرنده واحدهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی هستند که نظیر آن ها در بخش خصوصی وجود دارد».

در عصر جمهوری اسلامی، پس از استقرار دولت موقت، تدریجاً سه رویکرد متمایز و مجزای اقتصادی از یکدیگر منفک گردیدند. توضیح آنکه، جناح چپ منطق توزیع داشته و ضمن تاکید بر عدالت اجتماعی و تلاش در مسیر فقرزدائی، قائل به دخالت دولت در عرصه اقتصاد، کنترل بازار صنعتی و نیز دولتی کردن تولید، توزیع و تجارت خارجی بود. در این راستا، عنایت خاصی به اصل چهل و چهارم قانون اساسی به عمل آمده و با مبنا قراردادن فعالیت بخش دولتی در بدنه اقتصادی، نقش کم رنگی برای بخش های تعاونی و خصوصی در نظر گرفته شده و سرمایه گذاری خارجی از سوی اشخاص حقیقی ممنوع اعلام گردید. اتخاذ چنین رویکردی، توسعه سطح مناسبات تجاری با کشورهای جهان سوم را به همراه داشته و میزان مبادلات با جوامع اروپائی را کاهش داد. رویکرد دوم که از سوی جناح راست اتخاذ گردیده بود، به منطق تجاری اتکاء داشت. بعدها، شاهد نگرش اقتصادی میانه روئی، با محوریت بخشیدن به منطق تولید بودیم.

این رویکرد که در قالب «کارگزاران سازندگی» و با اتکاء به مدیران تکنوکرات، فن سالار و بورژوازی دولتی عینیت یافت، تدابیر و سیاست هائی نظیر جدیت در امر تولید، صنعتی شدن جامعه، رشد و رونق اقتصادی، ایجاد تاسیسات زیربنائی، توسعه کارخانجات، تعبیه شبکه راه ها، ارتقاء شبکه ارتباطات، ایجاد واحدهای آموزشی غیر دولتی و... را در راس اهداف و برنامه های خود قرار داد. با این وجود، بخش صنعت، به دلیل سودآفرینی کمتر نسبت به بخش تجارت، نتوانست سرمایه های کلان را به سوی خود سرازیر سازد. به نظر می رسد اتکاء جامعه به درآمدهای حاصل از اکتیاف نفت، تاثیر بسزائی در عدم توفیق کارگزاران در خصوص وصول به اهداف اقتصادی شان ایفاء نموده است. در ادامه اصلاح طلبان، تدابیر اقتصادی دولت پیشین را مبنا قرار داده و در این راه، اقداماتی همچون تکمیل طرح های اقتصادی نیمه تمام، بازپرداخت بدهی ها، تک نرخی نمودن ارز و تلاش در مسیر آزادسازی بیشتر بهای ارز در هماهنگی با نرخ بازار بین المللی، کوچک سازی دولت و کاهش حجم دستگاه های اقتصادی، اجرائی و اداری، دنباله گیری برنامه های توسعه و ارائه برنامه پنج ساله سوم جهت اجراء، تاکید بر افزایش سطح کمی و کیفی صادرات غیرنفتی و... را اتخاذ نمودند. با پیروزی اصول گرایان در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ هجری شمسی، دولت بر لزوم تحقق «عدالت اجتماعی» تاکید ورزیده و بدین ترتیب ساختار نظام اقتصادی جامعه، تحت الشعاع این امر قرار گرفت. در ادامه، با به قدرت رسیدن جریان نزدیک به اصلاح طلبان در انتخابات ۱۳۹۲ هجری شمسی، بازگشت به سیاست های اقتصادی دوران اصلاحات و نیز مقطع سازندگی در دستور کار دولت قرار گرفت.

نتیجه گیری و جمع بندی

گذار به مدرنیته به طور عام و تکوین دولت مدرن به طور خاص با ویژگی های اقتصادی و مالی هر کشور ارتباط معناداری دارد. تغییرات عصر مدرن و تحول در جنبه های مختلف حیات جمعی همگی در بستر جامعه اتفاق افتاده و در درون یک بافت اقتصادی جریان می یابند. به هر روی واقعیت آن است که جامعه مدرن را باید به مثابه

یک نوع از حیات اجتماعی اقتصادی قلمداد کرد که تفاوت خود را با جوامع پیشامدرن در ماهیت تعاملات نوینی که در آن جریان دارد عیان می سازد. از آنجایی که حقوق هیچگاه نمی تواند پشت به جامعه‌ای بایستد که برای تنظیم روابط درونی آن شکل گرفته، توجه به بافت اقتصادی و ساختار مالی جامعه برای درک ماهیت مبهم و پیچیده دولت امری ضروری است.

باری؛ همانگونه که ادراک چیستی و ماهیت دولت مدرن مستلزم نگاهی همه جانبه و فراگیر به مجموعه‌ای از عوامل گونه‌گون سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، مالی، اداری، فرهنگی و... بوده، به طریق اولی درک بایسته اقتضات و الزامات پیدایش این پدیده نیز مستلزم بررسی چند وجهی این مفهوم و نه صرفاً نگرشی تک ساحتی و تک علی به آن می‌باشد. بر این بنیاد و با درک این امر که اساساً روبنای سیاسی الگوی حکمرانی و دولت در جوامع مختلف، در تابعی از ساختار اقتصادی و مالی آن جوامع به عنوان زیربنای نظام حکومتی می‌باشد بایستی اذعان نمود که ارائه هرگونه تحلیل پیرامون مفهوم دولت در جامعه ایرانی، مستلزم درک بایسته تاثیرگذاری سنت‌های اقتصادی و خصائل مالی مردمان ایران زمین در نظام سیاسی و الگوی حکمرانی است.

بررسی تحلیلی مبانی اقتصادی و ارکان مالی حکومت‌های استقرار یافته در جامعه ایرانی، جهت ارزیابی سیر تکوین پدیده دولت مدرن، این حقیقت را فراروی محققین قرار می‌دهد که ایران زمین در آستانه ورود مدرنیته، بر ترکیبی از اصول و نگرش‌های ایران باستان و نیز انگاره‌های سیاسی مذهب تشیع استوار بوده و شاخصه‌های اقتصادی جامعه نیز متأثر از مولفه‌ها و پارامترهای محفوظ در آن‌ها بوده است. در هنگامه اقتدار صفویان، برای نخستین بار پاره‌ای از زمینه‌های ناقص ظهور دولت به ویژه در حوزه اقتصادی، عبور از بافت حکمرانی سنتی به ساختاری مدرن را نوید بخشید. پس از آن، به سبب سیطره افغان‌ها بر سطح کشور، روند دولت‌سازی و تطور در ساختار اقتصادی، با گسستی آشکار مواجه گردید. متعاقب این حضور واپسگرا، قاجاریان بستر لازم را به منظور تکوین پایه‌ها و ارکان بافت نوینی از حکومت‌داری فراهم آورده

و شاخصه‌های اقتصادی در مسیر تکوین دولت، نقش آفرینی فربه ای ایفاء نمودند. ماحصل تدابیر متخذه در این برهه زمانی، سرآغاز پیدایش و نهادینه شدن دولت ملی در کشور و شکل‌گیری دوران مشروطیت بود. با این وجود، عدم توفیق چشمگیر مشروطه‌طلبان در مسیر تحقق آرمان‌ها و منویات خویش، آرام آرام زمینه را برای تحمیل اقتدارگرایانه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و استقرار قهرآمیز دولت مطلقه نظامی و سلطنتی در عصر پهلوی هموار نمود. در عصر جمهوری اسلامی، منطق و محتوای عناصر حاکم بر بافت قدرت، بر پایه انگاره‌های تئوری ولایت انتصابی مطلقه فقیه که توسط امام خمینی (ره) ارائه گردید، در بافتی دینی و با تاکید بر جامعه‌ای توده‌ای و همگن حول محور امت اسلامی تکوین یافته و بر این مبنا، ساختار اقتصادی جامعه تحت تاثیر عملیاتی شدن تئوری موصوف قرار گرفت.

پی نوشت:

۱. وینسنت، اندرو (۱۳۸۵)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ص ۱۵.
2.Lubaz.H. (1964), the Development of the Modern State, New York, Macmillan Pres. p 15.
۳. برای نمونه نک: تی بلوم، ویلیام (۱۳۷۶)، نظریه‌های نظام سیاسی؛ کلاسیک‌های اندیشه سیاسی و تحلیل سیاسی نوین، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر آران.
۴. نک: پوچی، جان فرانکو (۱۳۷۷)، تکوین دولت مدرن؛ درآمدی جامعه‌شناختی، ترجمه بهزاد باشی، تهران، انتشارات آگاه.
۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۷۸)، ایران امروز درآینه مباحث توسعه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۶. افضل‌ی، رسول (۱۳۸۶) چیستی دولت مدرن، دولت مدرن در ایران، ویراسته رسول افضل‌ی و جمعی از همکاران، قم، موسسه انتشارات دانشگاه مفید، صص ۱۹-۲۱
7. Pierson, C. (1996), the Modern State, London, Rutledge Press, pp. 6-10.

۸. هداوند، مهدی (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۴، صص ۵۸-۵۹. همچنین برای مطالعه بیشتر پیرامون تاثیر مولفه های اقتصادی در روند تکوین نظریات حقوقی، سیاسی، اجتماعی و ارائه تئوری های متعدد عدالت نگاه کنید به: ایچ. لستاف، مایکل (۱۳۸۱)، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، فصول ۷، ۱۰ و ۱۱، تهران، انتشارات کوچک، فون هایک، فردریش (۱۳۸۰)، قانون، قانونگذاری و آزادی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد، تهران، انتشارات طرح نو. فریدمن، میلتن ورز (۱۳۷۸)، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی، تهران، نشر فروزان. کارنیک، اجیت (۱۳۷۸)، نظریه های دخالت دولت، ترجمه محمدزمان رستمی، قم، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی تجدد نقد و نظر، تهران، نشر نی. پیرو و مبنی (۱۳۷۵)، فلسفه و اقتصاد، ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر، تهران، نشر جامعه و اقتصاد. رنانی، محسن (۱۳۸۳)، نقش دولت در اصلاحات نهادی از طریق قانونگذاری، تهران، نشریه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ویژه نامه قانون مناقصات عمومی، شماره سی و نهم، رنانی، محسن (۱۳۸۱)، ماهیت و ساختار دولت در ایران، نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات) به کوشش سعید فرهادی فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. دادگر، یدالله (۱۳۸۳)، تقریرات درس مالیه عمومی و اقتصاد دولت، دوره کارشناسی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.

۹. کارنیک، اجیت (۱۳۷۸)، نظریه های دخالت دولت، ترجمه محمدزمان خسروی، قم، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳، ص ۳۵.

۱۰. مکتب اختیارگرا (Lebertarian) که طرفدار حقوق طبیعی است دخالت دولت در عرصه اقتصادی را بجز در موارد محدود، نادرست انگاشته و ضمن تاکید بر تفوق آزادی فردی، نظام سیاسی مستقر را فاقد دانش لازم برای تمشیت امور اقتصادی می داند. هایک و فریدمن در عداد

زعمای این تفکر قرار دارند. از منظر لیبرال ها (Liberal) به ویژه مطلوبیت گرایان، اصول دوگانه عدالت یعنی آزادی و برابری، در نهایت با توزیع کالاهای اقتصادی و نیز موقعیت، فرصت، مهارت، آزادی و احترام فردی سر و کار داشته و بر این باورند که دولت ضمن حداکثرسازی آزادی شهروندان، رسالت تعدیل نابرابری های اقتصادی، با هدف حمایت از قشر آسیب پذیر را عهده دار است. بر این اساس لیبرال های جدید با اتکاء به تلاشی خستگی ناپذیر در مسیر برقراری امتزاج و آشتی میان دو مفهوم آزادی و برابری، حدی از مداخله دولت در اقتصاد را مجاز می دانند. جان راولز را باید تئوریسین اصلی این گروه خواند. جمع گراها (Collectivist) که خود متشکل از دو نحله سوسیالیسم و مارکسیسم هستند، ضمن تاکید فراوان بر اصل برابری، نقش آفرینی دولت در عرصه اقتصادی را بی بدیل ارزیابی می نمایند. برای مطالعه بیشتر در خصوص مکاتب سه گانه مورد بحث، نگاه کنید به: هداوند، مهدی (۱۳۸۴)، منبع پیشین، صص ۶۵-۶۴.

۱۱. هداوند، مهدی (۱۳۸۴)، منبع پیشین، ص ۶۲.

۱۲. منبع پیشین، ص ۶۷.

۱۳. قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ص ۶۷.

۱۴. هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، درآمدی بر مقررات گذاری اقتصادی، تهران، مجلس و پژوهش؛ فصلنامه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۴۷.

۱۵. ضرورت امکان پذیری مبین آن است که از نظر قانونی، الزاماتی را که مقررات گذاران نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی تحمیل می نمایند، می باست از بعد اقتصادی و فنی انجام پذیر باشد. به دیگر سخن بر اساس اصل استناداراد مبنای منطقی، مقررات گذاران ملزمند تا اثبات نمایند که تصمیمات ایشان دلخواهی نبوده و قابلیت اعمال را دارد. لزوم تطابق سیاستگذاری های اقتصادی با قانون اساسی، در راستای عنایت و لحاظ محدودیت های نشات گرفته از عالی ترین سند حقوقی

- و سیاسی کشور قابل ارزیابی می باشد. تصمیم سازی اقتصادی با مدنظر قراردادن قوانین موضوعه، آئین نامه ها و دستورالعمل های موجد حق و تکلیف، سبب جلوگیری از اتخاذ تدابیر متعارض و ناهمگون و نیز تکریم حق اعتراض اشخاص نسبت به ضوابط مغایر با قواعد لازم الاجراء را به همراه خواهد داشت. با استفاده از کنترل قضائی تصمیمات متخذه از سوی نهادهای مقررات گذار در معرض بررسی و نظارت محاکم مستقل و بی طرف قرار گرفته و با اتکاء به اصولی نظیر کنترل تطبیق این گونه تصمیم سازی ها با قانون اساسی و قوانین موضوعه، توجه به ملحوظ بودن روش ها و دستورالعمل های لازم الاتباع پیرامون نحوه دسترسی به اطلاعات اقتصادی، عنایت ویژه به نقش آفرینی شهروندان یا نمایندگان ایشان در فرآیند تصمیم گیری های حوزه مالی و پولی و... در جهت پاسداری از حقوق بنیادین آحاد مردم گام برداشته می شود. پیاده سازی مفهوم وجود الزامات شکلی لازم الرعایه ای در زمینه مقررات گذاری اقتصادی می باشد. بر این مبنا، سیاست گذاری های اقتصادی ضرورتاً می بایست مبین مبنای قانونی تصمیم واضعین قواعد موصوف، اطلاعات و استدلالات ارائه شده از سوی تمامی طرف های دخیل و موثر در تصمیم سازی، علت رجحان ادله گروهی از واضعین مقرر بر تفکر سایر اعضاء موثر در تصمیم و... باشد. برای مطالعه بیشتر پیرامون شرایط اساسی صحت مقررات گذاری اقتصادی نگاه کنید به: هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، منبع پیشین، صص ۷۳-۷۰. همچنین نگاه کنید به: هاولت، مایکل و راش، ام (۱۳۸۰)، مطالعه خط مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی. هیوز، آون (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی و دیگران، تهران، انتشارات مروارید.
۱۶. هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، منبع پیشین، ص ۵۸.
۱۷. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۵)، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، تهران، نشر مرکز.
18. Mangaberia Unger, Robert (1976), Law in Modern Society: toward a Criticism of Social Theory, New York, Free Press, p. 135.
۱۹. طباطبائی، سید جواد (۱۳۷۵)، خواجه نظام الملک، تهران، انتشارات طرح نو، صص ۷۵-۷۱. همچنین؛ نقیبزاده، احمد (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست و رفتار خارجی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، صص ۱۴-۱۲.
۲۰. لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۷۹)، نظریه دولت در ایران، ترجمه چ پهلوان، تهران، نشر گیو، ص ۲۲.
۲۱. سیف، احمد (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشمه، ص ۳۴.
۲۲. سیروی، راجر (۱۳۸۰)، در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران، نشر مرکز، ص ۱۳۱. و نیز: فوران، جان (۱۳۸۳)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا، صص ۲۷۷-۲۶۹.
۲۳. کدی، نیکی. آر (۱۳۷۵)، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۶.
۲۴. لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۶۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۸۵.
۲۵. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، نوسازی و اصلاحات در ایران، از اندیشه تا عمل، تهران، نشر قومس، ص ۷۱.
۲۶. سیف، احمد (۱۳۷۳)، همان منبع، ص ۴۰.
۲۷. فوران، جان (۱۳۸۳)، همان منبع، ص ۱۴۴.
۲۸. سیف، احمد (۱۳۷۳)، همان منبع، ص ۴۷.
۲۹. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، همان منبع، صص ۷۳-۷۲.
۳۰. کدی، نیکی. آر (۱۳۷۵)، همان منبع، ص ۴۷.
۳۱. منبع پیشین، صص ۵۷-۵۶.
۳۲. حبیبی خوزانی، محمد (۱۳۸۷)، گفتمان مشروطه اسلامی؛ بررسی زمینه های پیدایش و شکل گیری گفتمان مشروطه اسلامی در عصر مشروطیت ایران، تهران، انتشارات گام نو، ص ۲۰.
۳۳. آدمیت، فریدون (۱۳۴۴)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پیام، ص ۱۰۳.
۳۴. الگار، حامد (۱۳۶۹)، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، تهران، شرکت سهامی انتشار، صص

- ۳۵۹-۲۵۷. همچنین: حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، انتشارات امیرکبیر، صص ۸۵-۶۵ و نیز: کدی، نیکی. آر (۱۳۷۵)، همان منبع، صص ۱۴۶-۱۱۹.
۳۵. آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمسی آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، ص ۶۸. همچنین: حبیبی خوزانی، محمد (۱۳۸۷)، همان منبع، ص ۴۲.
۳۶. در این زمینه نگاه کنید به: کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۴۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران. همچنین: کسروی، احمد (۱۳۶۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر. و نیز: رائین، اسماعیل (۱۳۵۵)، انجمن های سری در انقلاب مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۷. رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۶۲.
۳۸. شهرام نیا، مسعود (۱۳۸۶)، جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی نگاه معاصر، ص ۲۶۵.
۳۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، انتشارات گام نو، ص ۶۸. همچنین نگاه کنید به: Almond, G. (1937), Political Development: Essays in Heuristic Theory, New York, pp. 229-230.
۴۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، همان منبع، صص ۶۶-۶۶.
۴۱. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی تحول دولت مدرن در غرب و ایران، در دولت مدرن در ایران، همان منبع، صص ۲۰۴-۲۰۳.
۴۲. مور، برینگتون (۱۳۶۹)، ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر دانشگاهی، صص ۶۲-۳۱.
۴۳. سمیعی، علیرضا (۱۳۸۶)، دولت مطلقه مدرن و نوسازی اقتصادی-اداری در ایران (۱۳۰۴ الی ۱۳۷۶) در دولت مدرن در ایران، همان منبع، ص ۴۷۵.
۴۴. مطلبی، مسعود (۱۳۸۶)، تکوین دولت مطلقه مدرن در ایران در دولت مدرن در ایران، همان منبع، صص ۱۹۳-۱۹۵.
۴۵. اصول هجدهم و بیستم قانون اساسی مشروطیت.
۴۶. اصل نوزدهم قانون اساسی مشروطیت.
۴۷. اصل بیست و دوم قانون اساسی مشروطیت.
۴۸. اصل بیست و سوم قانون اساسی مشروطیت.
۴۹. اصل بیست و چهارم قانون اساسی مشروطیت.
۵۰. اصل بیست و پنجم قانون اساسی مشروطیت.
۵۱. اصل بیست و ششم قانون اساسی مشروطیت.
۵۲. اصل چهل و هشتم قانون اساسی مشروطیت. خاطرنشان می سازد اصل یاد شده به موجب تصمیم مجلس موسسان به تاریخ ۱۳۲۸/۲/۱۸ مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت.
۵۳. به نقل از: بدیع، برتران و پی یرن، بوم (۱۳۷۹)، جامعه شناسی دولت، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، نشر باز، صص ۵۲ و ۳۹.
54. Vaghefi, M.R. (1975), Modernization Of Iran: 1925-1975, University Of North California, State Management Training Center, p. 11.
55. Ibid. P. 14.
۵۶. قدس، رضا (۱۳۷۴)، دولت و جامعه در ایران، ترجمه علی طایفی، مجله فرهنگ و توسعه، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۴۴.
57. Bharier, J. (1971), Economic Development In Iran 1900- 1970, London, Oxford University Press, P. 241.
۵۸. فوران، جان (۱۳۸۳)، همان منبع، ص ۳۵۱.
۵۹. خلیلی خو، محمد رضا (۱۳۷۳)، توسعه و نوسازی در ایران دوره رضاشاه، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ص ۱۶۷. و نیز: Karshenas, M. (1990), Oil, State And Industrialization In Iran, Cambridge, Cambridge University Press, P. 177.
- خاطرنشان می سازد منبع یاد شده تحت عنوان نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، توسط آقایان علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبد الوهاب ترجمه گردیده و به سال ۱۳۸۲ در تهران، انتشارات گام نو به چاپ رسیده

- است.
۶۰. حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۸)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۵۰.
۶۱. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، موسسه نشر علوم نوین، ص ۴۵. 62.Amuzgar, J. And Fekrat, M. A. (1971), Iran Economic Development Under Dualistic Conditions, Chicogo, P. 64.
۶۳. سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹)، رشد روابط سرمایه داری در ایران؛ مرحله گسترش، تهران، انتشارات شعله اندیشه، ص ۵۵۰.
۶۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران، انتشارات قومس، ص ۱۵۱.
۶۵. برای اطلاع بیشتر پیرامون تاثیر دلارهای نفتی بر پیکره نظام مالی و پولی و انباشت و تجمیع اقتدار اقتصادی نزد پهلوی دوم نگاه کنید به: شهابی، هوشنگ و لینز، خوان (۱۳۸۰)، نظام های سلطانی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر شیرازه، صص ۸۱-۸۰. رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۸)، اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ص ۱۴۰.
- گازپوروسکی، ارک. جی (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنیان دولت دست نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ص ۳۰۳.
۶۶. اصل چهل و سوم قانون اساسی.
۶۷. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به قوانین متعددی نظیر: قانون ملی شدن بانک ها مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۱ شورای انقلاب، قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸. قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران مصوب ۱۳۵۸/۴/۲۵ شورای انقلاب، قانون معادن مصوب ۱۳۶۲/۳/۱، قانون تغییر نام وزارت راه به وزارت راه و ترابری و تشکیلات آن مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۴، قانون تشکیل شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۹، قانون هواپیمائی کشوری مصوب ۱۳۲۸/۵/۱، قانون تاسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران مصوب ۱۳۴۵/۴/۱۴، لایحه قانونی راجع به شرکت خدمات هواپیمائی کشوری (آسمان) مصوب ۱۳۵۹/۴/۵ شورای انقلاب، قانون راجع به تاسیس سازمان بنادر و
- کشتیرانی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲۲، قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰، لایحه قانونی ملی شدن موسسات بیمه و موسسات اعتباری مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۸، با اصلاحات، الحاقات و اضافات بعدی. همچنین در باب گستره حوزه نقش آفرینی بخش دولتی در عرصه اقتصاد نگاه کنید به: بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ص ۳۳۶. (در خصوص بحث خدمات). سنجابی، کریم (۱۳۴۲)، حقوق اداری ایران، تهران، انتشارات زهره، صص ۳۷۶-۳۷۵. همچنین: مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظرات شورای نگهبان، دوره اول، تهران، انتشارات کیهان، جلد اول، ص ۱۶۰.
۶۸. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی ۱۳۷۰.
۶۹. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۲)، تحلیل و بررسی احتکار در فقه اسلام، تهران، نشر اندیشه های نو در علوم اسلامی، ص ۵۳.
- بناء رضوی، مهدی (۱۳۶۷)، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۳۹.
- موسوی خمینی (ره)، آیت الله العظمی سید روح الله (۱۴۰۳ هجری قمری)، تحریرالوسیله، جلد دوم، نجف، مکتبه الاعتماد، ص ۵۵۸.
۷۰. اصل چهل و سوم قانون اساسی.
۷۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: پازوکی، مهدی (۱۳۵۵)، تحقیق در رابطه نظام حقوقی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات مروارید، صص ۳۰-۱۲.
۷۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و الحاقات و اصلاحات بعدی و نیز: قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ و اضافات بعدی.
۷۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: اصل بیست و هشتم و بندهای ۲ الی ۴ اصل چهل و سوم قانون اساسی. همچنین: قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ و اصلاحات و الحاقات بعدی.

همچنین در خصوص چالش های اقتصادی ایران در این مقطع زمانی نگاه کنید به: رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۱۶۹. عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۴)، کارکردهای نظام سیاسی در فرآیند توسعه، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ص ۱۷. طبیبیان، محمد و دیگران (۱۳۸۰)، آزادی خواهی نافرجام، تهران، انتشارات گام نو، صص ۱۸۳-۱۸۴.

۸۸. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، همان منبع، ص ۲۸۳. همچنین برای آگاهی بیشتر پیرامون سیاست خصوصی سازی در جامعه ایرانی نگاه کنید به: غنی نژاد، موسی (۱۳۷۹)، آنچه از خصوصی سازی برجای مانده است، تهران، روزنامه ایران، دوشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۹، ص ۵. و نیز: حیدری، احمد (۱۳۷۸)، خصوصی سازی و جامعه مدنی، تهران، روزنامه عصر آزادگان، چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۷۸، ص ۷.

۸۹. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: سبحانی، عزت الله (۱۳۸۳)، بررسی سیاست های اقتصادی دولت در ویژه نامه نشریه چشم انداز ایران، تهران، ص ۵۲-۳۹. ۹۰. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۶)، نقدی بر خصوصی سازی ایران، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، صص ۵۶-۵۴.

۹۱. برای مطالعه بیشتر در مورد سیاست های اقتصادی دولت اصلاحات، مراجعه کنید به: رنانی، محسن (۱۳۷۶)، بازار یا نابازار؟، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، صص ۴۰۲-۳۹۵. نویمان، فرانتس (۱۳۷۸)، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات شرکت سهامی خوارزمی، صص ۱۱۰-۷۵. تیاسن، آرما (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، تهران، انتشارات کویر، صص ۸۵-۴۲. همچنین نگاه کنید به روزنامه ها و نشریات: ایران، شماره ۳۲۰۸، مورخه ۱۳۸۴/۵/۱۰، ص ۲۹. ایران، شماره ۲۹۴۰، مورخه ۱۳۸۳/۷/۲۲، ص ۱۳. همشهری، شماره ۲۶۸۶، مورخه ۱۳۸۱/۱/۱۸، ص ۹. شرق، شماره ۱۹۲، مورخه ۱۳۸۳/۲/۲۹، ص ۷.

۹۲. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، همان منبع، صص ۳۰۷-۳۰۵.

۷۴. اصل چهل و پنجم قانون اساسی.

۷۵. اصل چهل و هشتم قانون اساسی.

۷۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: اصل چهل و نهم قانون اساسی. همچنین: قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ و اصلاحات و الحاقات بعدی.

۷۷. باید توجه داشت که رشد اقتصادی، امری مادی، عینی و کمی است، در حالی که توسعه اقتصادی مبین رشدی است که در آن تغییرات بنیانی و کیفی در ابعاد گوناگون فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و اجتماعی مورد کنکاش قرار می گیرد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: زندی حقیقی، منوچهر (۱۳۶۹)، اقتصاد؛ فنون تجزیه و تحلیل اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۳۳. قدیر اصل، باقر (۱۳۵۶)، کلیات علم اقتصاد، تهران، نشر سپهر، ص ۴۶۶. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران، نشر نی، صص ۹۵-۷۸.

۷۸. اصل دهم قانون اساسی.

۷۹. اصل سی ام قانون اساسی.

۸۰. اصل بیست و نهم قانون اساسی.

۸۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: فصل پنجم قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مواد ۱۰۷ الی ۱۲۹.

۸۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: فصل سوم قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مواد ۴۱ الی ۵۰.

۸۳. نظریه شماره ۵۳۳۱ شورای نگهبان قانون اساسی مورخه ۱۳۷۲/۷/۱۴.

۸۴. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، ص ۳۶۵.

۸۵. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، همان منبع، ص ۲۷۶.

۸۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Valibeigi, M. (1994), The Private Sector In Iran's Post- Revolutionary Economy, Journal Of South Asian And Middle Eastern Studies, Vol. XVII, No. P. 15.

۸۷. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: عظیمی آرانی، حسین (۱۳۷۴)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، صص ۱۶-۱۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۹۲

بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیاهاکل)

بهرام کریمی* - دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سیدعلی بدری - دانشیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمد سلمانی - استادیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

در اغلب کشورهای در حال توسعه اتخاذ سیاست تبدیل روستا به شهر بر مبنای این فرض است که شهرهای کوچک در فرایند توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی نقش دارند. این پژوهش با مطالعه در بخش دیلمان، در پی ارزیابی نگرش مردم به سیاست تبدیل روستا به شهر در توسعه است. نوع پژوهش، کاربردی، روش انجام آن توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. تمرکز اصلی در بخش مطالعه میدانی بر پرسشنامه است. داده‌های جمع‌آوری شده پس از کدگذاری و انتقال به نرم‌افزار SPSS، تجزیه و تحلیل گردید. برای آزمون فرضیات، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. اگرچه دیدگاه دو گروه از پاسخگویان بر عدم توفیق سیاست تبدیل روستا به شهر دلالت دارد؛ اما میزان تأثیر آن در سطح منطقه بر حسب محل سکونت متفاوت بوده؛ یعنی میزان این تأثیر در سطح شهر بیش‌تر از روستاهای پسرکانه است. بنابراین، بین نگرش ساکنان منطقه مورد مطالعه به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (شهر یا روستا) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان تأثیر این سیاست در ابعاد مختلف متفاوت بوده و بیشترین تأثیر آن در ابعاد اجتماعی-فرهنگی و پس از آن ابعاد کالبدی-زیست‌محیطی و در انتها ابعاد اقتصادی بوده است.

واژگان کلیدی: نگرش، توسعه روستایی، شهر کوچک، تبدیل روستا به شهر، بخش دیلمان.

An Investigation of Local Residents' Attitude to the Policy of Transformation of Villages to Towns According to Settlements (case study: Dailaman District, Siahkal Township)

Abstract

There is a bias for transformation of villages to towns in the developing countries because it is thought that small towns have roles in the national, regional and local development. This research based on studying in Dailaman district is going to assess local residents' attitude to transformation of villages to towns in achievement of the development. The type of research is applied and its method is descriptive-analytical. Required information was collected through the library and field studies. The main tool for data collection was a researcher-designed questionnaire. For analyzing the data, descriptive and inferential statistical methods were used. Although both groups of respondents comment on the failure of the policy of transformation of villages to towns, the extent of its effects in the region has been different according to the settlements. It means the extent of its effects in the town, is more than the villages. Thus, there is a meaningful difference between two groups' attitude about the policy of the transformation of villages to towns in the development according to the settlements (villages or towns). The extent of its effects has been varied in different dimensions. The greatest impact has been on the social-cultural dimensions and then physical-environmental dimensions and in the end, economical dimensions.

Keywords: Attitude, Rural Development, Town, Transformation of Villages to Towns, Dailaman District

مقدمه

صص ۵۳۸-۵۳۷). این خطمشی بر مبنای این فرض کلی استوار است که شهرهای کوچک در فرایند توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی نقش دارند. از منظر پیوندهای روستا-شهری، تقویت شهرهای کوچک، دسترسی به بازار و خدمات را تسهیل می‌نماید؛ به این ترتیب با افزایش درآمد، تقاضا برای کالاها و خدمات افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، میزان سرمایه در سطح ناحیه و شهرهای کوچک بیش‌تر می‌شود. از جنبه نظریه‌ای، این فرایند اثر مثبتی در اشتغال و کار و در نتیجه کاهش فقر دارد (OWUSU, 2005: 15).

البته نباید نقش مفید شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای تعمیم داده شود؛ زیرا شرایط منطقه‌ای در قابلیت ایفای نقش مفید توسعه‌ای آن‌ها اهمیت زیادی دارد (Hinderink and Titus, 2002: 379) و نقش و عملکرد این شهرها در شرایط گسترده‌تر نظام‌های شهری و سیاست‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد (Tacoli, 2006: 50). بنابراین، برای شناخت موفقیت یا عدم موفقیت این شهرها در دستیابی به اهداف، لازم است نقش و عملکرد آن‌ها مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

نگرش مردم در بارهٔ یک برنامه یا طرح می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت آن نقش زیادی داشته باشد؛ به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آن‌ها، به مشارکت مردمی اهمیت زیادی داده می‌شود؛ در این حالت برنامه یا طرح بر اساس منافع واقعی مشارکت‌کنندگان تعریف می‌شود و با موفقیت همراه خواهد بود. عملکرد مثبت یک برنامه یا طرح نیز در شکل‌گیری یا تغییر نگرش مردم تأثیر زیادی دارد؛ نگرش مثبت مردم به آن نشان می‌دهد که برنامه یا طرح مورد نظر در دستیابی به اهداف خود موفق بوده است. نگرش منفی نیز بر عدم توفیق برنامه یا طرح در دستیابی به اهداف دلالت دارد.

نظرسنجی و آگاهی از نظرات و نگرش‌های مردم نسبت به اثرات تبدیل روستا به شهر منجر به آشنایی و آگاهی سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و مسؤولین در این مورد می‌شود که تبدیل نقاط روستایی به شهر تا چه

در طول سال‌های متمادی اغلب پژوهشگران و تقریباً تمامی سیاستگذاران مجذوب چالش‌ها و مسایل شهرهای بزرگ و مادرشهرها بوده‌اند؛ برنامه‌ریزان و محققین روستایی نیز به طور سنتی بر مطالعات روستایی و نواحی کشاورزی متمرکز بوده‌اند. در این بین، سکونتگاه‌های شهری کوچک‌تر مورد غفلت قرار گرفته‌اند (Kammeier, 2002: 23). غفلت از شهر یا روستا در فرایند توسعه، نقش و توان بالقوهٔ آن‌ها را در توسعه محلی و ناحیه‌ای از بین می‌برد (Gaile, 1992: 131). به همین دلیل، در دهه ۱۹۷۰م. انگاره‌ای ترویج یافت که بر اساس آن شهرها می‌توانستند در توسعه روستایی مؤثر واقع شوند (طاهرخانی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۳، ۸۰). یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی توسعه در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه، گرایش مشخص سیاست‌گذاری آن‌ها به نفع شهرهای کوچک و متوسط است (فنی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). در اغلب کشورهای در حال توسعه، گرایش برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی‌های شهری-روستایی در دهه‌های اخیر، منجر به اتخاذ راهبردهای شهری متفاوتی گردیده است (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱، ص ۳۳)؛ یکی از مهم‌ترین این راهبردها، تبدیل روستا به شهر و تقویت آن‌ها می‌باشد؛ در ایران، اقبال مردم برای شهر شدن روستای محل زندگی خود تا حد بسیاری مرتبط با بهره‌مندی از امکاناتی است که بسیاری از نواحی روستایی کشور از آن بی‌بهره‌اند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۸۰). در ایران قانون تقسیمات کشوری برای معرفی معیار شهر شدن سکونتگاه‌ها، تغییرات زیادی به خود دیده، به گونه‌ای که از معیار جمعیتی صرف به معیارهای ترکیبی جمعیتی-اداری (یعنی مرکز شهرستان و مرکز بخش) تغییر یافته است. تغییر در این قانون در دهه‌های اخیر، الگوی نظام سکونتگاهی در کشور را به شدت تغییر داده است. این تغییرات باعث پهن‌تر شدن قاعدهٔ هرم سلسله‌مراتب شهری و ایجاد شکاف بیش‌تر طبقات در کشور شده است (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

اندازه در دستیابی به اهداف توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی نقش داشته‌اند؟ آیا این کانون‌های کوچک شهری توانسته‌اند نقش‌ها و کارکردهایی که برایشان پیش‌بینی شده، ایفاء نمایند؟ و راهبردها، ضوابط و ملاک‌های منطقی و هدفمند در تبدیل روستا به شهر چه مواردی هستند؟

این پژوهش با تکیه بر مطالعه در بخش و شهر دیلمان، می‌خواهد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا بین نگرش ساکنان منطقه مورد مطالعه به موضوع تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (شهر و یا روستا) تفاوت معناداری وجود دارد؟ از دیدگاه این دو گروه تبدیل روستا به شهر تا چه میزان در توسعه منطقه‌ای به ویژه در ابعادی چون رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی و ارتقای شرایط کالبدی- زیست‌محیطی نقش داشته است؟

مبانی نظری پژوهش

اصطلاح نگرش، از کلمه لاتین Attitude به معنی تناسب و استعداد گرفته شده است و در زبان‌های گوناگون واژه‌های مترادف مختلفی برای بیان آن به کار برده شده است (رسولی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۰). نگرش نظام بادوامی از ارزشیابی‌های مثبت یا منفی، احساسات عاطفی و تمایل به عمل مخالف یا موافق نسبت به یک موضوع اجتماعی است. هم‌چنین، نگرش

یک بیان قضاوتی (مطلوب یا غیرمطلوب) درباره اشیاء، افراد یا رویدادها است (آروندی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). اغلب تعاریف ارایه شده، نگرش را واقعیتی آموختنی و بالنسبه بادوام در نظر می‌گیرند که به عنوان یک گرایش از سوی فرد اظهار می‌شود و بر اساس آن شخص به گونه‌ای مثبت یا منفی درباره پدیده‌ها داوری می‌کند (فلکی و همکاران، ص ۱۳۸۷، ص ۲۵۴). به‌طور کلی بررسی نوشتارهای تخصصی مرتبط با نگرش نشان می‌دهد که نگرش دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است (جدول ۱).

نگرش فرد نسبت به یک موضوع، مستقیماً قابل مشاهده نیست؛ به همین دلیل می‌گویند که، ساخت نگرش فرضی است. منظور از فرضی بودن نگرش این است که وجود آن از روی مشاهده رفتارهایی که آن را تأیید می‌کنند، استنباط می‌شود. بدین صورت که یک رشته باورهای ارزشی مربوط به یک موضوع معین در اختیار فردی گذارده و نظر او را در مورد آن‌ها می‌پرسند. آنچه مقیاس نگرش‌سنج نامیده می‌شود همین سری باورها است که فرد به آن‌ها پاسخ می‌دهد. با به‌دست آوردن جمع کل پاسخ‌ها یا ارزش آن‌ها، معلوم می‌شود که نگرش فرد نسبت به موضوع مورد نظر تا چه اندازه مثبت یا منفی است (بدار و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۹۲). در واقع آزمون‌های نگرش، تعدادی پرسش یا اظهارنظر

جدول ۱. ابعاد نگرش؛ مأخذ: آروندی، ۱۳۸۴، ص ۱۳

بعد	تعریف بعد	نمونه در سازمان
شناختی	دانسته‌ها، اطلاعات و دانشی است که در ذهن فرد درباره موضوع مورد نظر وجود دارد.	دانستن و پذیرش موضوع هماهنگی با استراتژی سازمان توسط فرد؛ ارزشیابی و قضاوت‌های فرد بر پایه ادراک و شناخت عقلایی است.
هیجانی	مجموعه‌ای از تمایلات، عواطف و احساساتی است که نسبت به موضوع مورد نظر در فرد وجود دارد.	رضایت فرد از موضوع هماهنگی با استراتژی سازمان و ناخوشایندی فرد دیگر از این هماهنگی جنبه هیجانی دارد.
آمادگی برای عمل	نوعی آمادگی که در شخص برای رفتار آشکار (عمل) در راستای هم‌سویی با ابعاد شناختی و هیجانی نسبت به موضوع ایجاد می‌شود.	خوشایندی یا ناخوشایندی هماهنگی با استراتژی سازمان موجب شکل‌گیری تمایل به رفتار در جهت مورد نظر برای فرد خواهد شد.

درباره موضوعی است که فرد به آن‌ها پاسخ می‌دهد و از روی الگوی این پاسخ‌ها می‌توان به استنتاج از نگرش‌های او پرداخت (مهرآرا، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸).

امروزه فنون مربوط به اندازه‌گیری نگرش‌ها، باورها، عقاید و ادراکات بیش از سایر موضوعات یا روش‌های مصاحبه‌ای و پرسشنامه‌ای توسعه یافته‌اند، و این شاید به دلیل اهمیت جایگاه نگرش‌سنجی در مطالعات علوم انسانی باشد. موضوعاتی که مردم ممکن است نسبت به آن‌ها نگرش داشته باشند، نامحدود هستند تا جایی که برخی از دانشمندان علوم انسانی با استدلال بحث می‌کنند که در تحلیل نهایی، همه چیز زندگی به نگرش‌های فرد بستگی دارد. این سخن احتمالاً درست است زیرا نگرش افراد نسبت به سیاست، ازدواج، مذهب، نوع تغذیه، تغییرات اجتماعی، تعلیم و تربیت، مد، ارتباطات و مانند آن، چنان مهم است که دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی، وقت و اندیشه بسیار صرف یافتن راه‌هایی برای اندازه‌گیری آن کرده‌اند (بامداد صوفی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۸).

سنجش دیدگاه‌ها و نگرش‌ها از امور کیفی هستند که ابزارهای ویژه‌ای را در چارچوب مقیاس‌های اسمی-عددی برای اندازه‌گیری متغیرها طلب می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹). برای اندازه‌گیری آن‌ها از روش‌ها و فنون متعددی بهره‌گیری می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: انواع مقیاس‌ها، مصاحبه زمینه‌یاب، فنون پوشیده، روش‌های فیزیولوژیکی و مشاهدات رفتاری (کریمی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۰). متداول‌ترین شکل برای اندازه‌گیری نگرش‌ها، عقاید و باورها، در علوم انسانی مقیاس‌های درجه‌بندی است (ادواردز و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۸۶). مهم‌ترین این مقیاس‌ها عبارتند از: مقیاس لیکرت، مقیاس افتراق معنایی، مقیاس ترستون، مقیاس گاتمن و مقیاس بورگادوس (فرهنگی و صفرزاده، ۱۳۸۹، ۲۲۵)؛ از میان این مقیاس‌ها، مقیاس درجه‌بندی لیکرت محبوب‌ترین نوع می‌باشد (ادواردز و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۸۶).

پیشینه پژوهش

ارزیابی نظرها و نگرش‌ها نخستین بار به عنوان مسأله‌ای در روان‌شناسی اجتماعی مطرح شد. نگرش فرد نسبت به گروه‌های مختلف به وضوح تلویحاتی از لحاظ روابط گروهی او دارد. به همین سیاق ارزیابی و پیش‌بینی نظرات عامه مردم در زمینه انواع مسایل، مؤسسات و شیوه‌های کار، هم از نظر روان‌شناسان اجتماعی و هم از نظر مدیران، سیاستمداران و سایر مسؤولان اجرایی حایز اهمیت است (آناستازی، ۱۳۸۲، ص ۵۹۰).

بررسی پیشینه مطالعات انجام شده در زمینه ارزیابی نگرش در ایران کم‌تر شامل بررسی نگرش مردم یک اجتماع محلی مانند ساکنان روستا یا شهر است و بیش‌تر پژوهش‌ها از نوع بررسی نگرش کارکنان یک سازمان و یا مراجعه‌کنندگان به یک سازمان و یا بهره‌برداران از یک روش خاص طبابت و یا پزشکی و سایر خدمات خاص بهداشتی و درمانی به صورت مقایسه‌ای هستند. از سوی دیگر در باره موضوع مورد بررسی، پیشینه پژوهش عمدتاً در زمینه اثرات تبدیل روستا به شهر در دستیابی به توسعه به ویژه توسعه روستایی می‌باشد و کم‌تر به ارزیابی نگرش مردم پرداخته شده است. با این وجود، در این بخش نتایج تعدادی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع آرایه می‌گردد (جدول ۲).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و روش انجام آن، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. تمرکز اصلی پژوهش در بخش مطالعه میدانی بر پرسشنامه است و در آن از دو نوع پرسشنامه سرپرست خانوارهای شهری و پرسشنامه سرپرست خانوارهای روستایی استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه از نوع بسته بوده و از دو قسمت تشکیل شده بود. قسمت اول شامل پرسش‌های مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخگو از قبیل جنس، سن، محل تولد، شغل و مانند آن‌ها بود. در قسمت دوم، به منظور بررسی نگرش پاسخگویان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و کالبدی-زیست‌محیطی از ۱۵ مؤلفه و ۸۲ شاخص استفاده شد (جدول ۳). برای

جدول ۲. پیشینه پژوهش

عنوان	سال	پژوهشگر	یافته‌ها
نقش تبدیل روستا به شهر در توسعه روستایی، مورد: استان فارس	۱۳۸۰	ایزدی خرامه	تبدیل روستا به شهر تا حدودی برخی از فرصت‌های شغلی را به وجود آورده‌اند و امکانات در آن‌ها افزایش یافته است. همچنین تا حدودی منجر به کنترل روند مهاجرت به شهرهای بزرگ و تثبیت جمعیت شده است.
نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی استان یزد	۱۳۸۸	نوری و همکاران	این شهرها به عنوان مراکز توسعه روستایی و بستر هماهنگ توسعه شهری و روستایی و حلقه اتصال فضاهای روستایی با شبکه شهری محسوب می‌گردند.
روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش	۱۳۸۶	ضیاء توانا و امیرانتخابی	این شهرها تا اندازه‌ای خلاء مراکز خدمات شهری را در حوزه‌های روستایی پر می‌کنند. از سوی دیگر، در ایجاد اشتغال غیرکشاورزی و تقویت خدمات تجاری، اداری، آموزشی و بهداشتی روستاهای حوزه نفوذ شهرهای جدید مؤثر بوده‌اند.
ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)	۱۳۸۹	رضوانی و همکاران	تبدیل روستا به شهر باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در شهر فیروزآباد و بهبود نسبی کیفیت زندگی در شهر صاحب شده است.
تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر	۱۳۸۶	سرای و اسکندری ثانی	این سیاست در تثبیت و نگهداری جمعیت، بسط کارکردها به درون نواحی پیرامونی و حوزه نفوذ و ارائه اشتغال، امکانات و تسهیلات ناموفق بوده است.
بررسی رضایتمندی ساکنان مناطق روستایی در تبدیل نقاط روستایی به شهر	۱۳۹۰	برقی و همکاران	۲۸/۵ درصد از پاسخگویان از تبدیل اژه به شهر رضایت داشتند و بقیه ناراضی بودند. پاسخگویان، افزایش هزینه‌های ساخت‌وساز، پرداخت عوارض و محدودیت‌های نگهداری دام را از مهم‌ترین دلایل ناراضی‌شان ذکر کرده‌اند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۹۷

جدول ۳. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش نگرش پاسخگویان شهری و روستایی؛ مأخذ: با استفاده از اطلاعات مبانی نظری و پیشینه پژوهش.

بعد اقتصادی		بعد اجتماعی - فرهنگی		بعد کالبدی - زیست‌محیطی	
مؤلفه‌ها	تعداد شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	تعداد شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	تعداد شاخص‌ها
اشتغال	۴	خدماتی	۶	ارتباطات	۸
درآمد	۴	تعلق مکانی	۵	بهریستی فردی و اجتماعی	۵
تعمیرات اقتصادی	۴	تامل و همبستگی اجتماعی	۳	گردشگری	۳
بازار زمین و مسکن	۷	نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۷	منظر	۸
امکانات تولیدی و تجاری	۵	قانونمندی	۳	-	-
-	-	کیفیت زندگی	۱۰	-	-

اندازه‌گیری هریک از شاخص‌ها، از مقیاس نمره‌دهی پنج‌درجه‌ای طیف لیکرت استفاده گردید. این طیف از گرایش خیلی کم تا گرایش خیلی زیاد تشکیل شده و به هر یک از قسمت‌های آن نمره‌هایی از ۱ تا ۵ (به گرایش خیلی کم نمره ۱ و به گرایش خیلی زیاد نمره ۵) اختصاص داده شده است.

به منظور انتخاب تعداد نمونه با توجه به تعداد جمعیت سکونتگاه‌های روستایی، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است، تعداد ۲۲ آبادی از مجموع ۸۴ آبادی دارای سکنه بخش دیلمان به‌عنوان آبادی نمونه انتخاب شده‌اند. روش انتخاب تعداد نمونه به این شکل بوده است که ابتدا آبادی‌های دارای سکنه محدوده مطالعاتی به سه طبقه جمعیتی تقسیم شدند و سپس فاصله آبادی‌ها نسبت به شهر دیلمان نیز در قالب فواصل کوتاه، متوسط و طولانی تعیین گردید. چون تعداد آبادی‌های زیر ۲۰ خانوار، ۵۷ درصد از کل آبادی‌ها را تشکیل می‌دهد، انتخاب نمونه بر اساس طبقات جمعیتی منطقی نبوده؛ بنابراین، از مجموع جمعیت هر طبقه همراه با فاصله، برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. با توجه به همگونی و تجانس نسبی خانوارهای روستایی محدوده مطالعاتی، در مجموع از ۳۱۸۰ خانوار ساکن در این مناطق، به کمک فرمول کوکران، ۲۹۳ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. در سطح شهر دیلمان نیز که دارای ۴۷۰ خانوار است، تعداد ۱۹۲ خانوار به عنوان جامعه نمونه، مورد پرسش قرار گرفتند.

برای ارزیابی روایی پرسشنامه پس از تنظیم پرسشنامه مقدماتی و انجام ویرایش‌های اولیه، با نظر پانل

متخصصان و صاحب‌نظران ۳ گویه از مجموعه پرسش‌ها حذف گردید و روایی پرسشنامه تأیید شد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه با استفاده از ۳۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مجموع ابعاد، ۰/۹۲۲ به دست آمد (جدول ۴). در پایان با بررسی پاسخ‌های به‌دست آمده از ۳۰ پرسشنامه مقدماتی و مشورت با متخصصان و صاحب‌نظران، پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

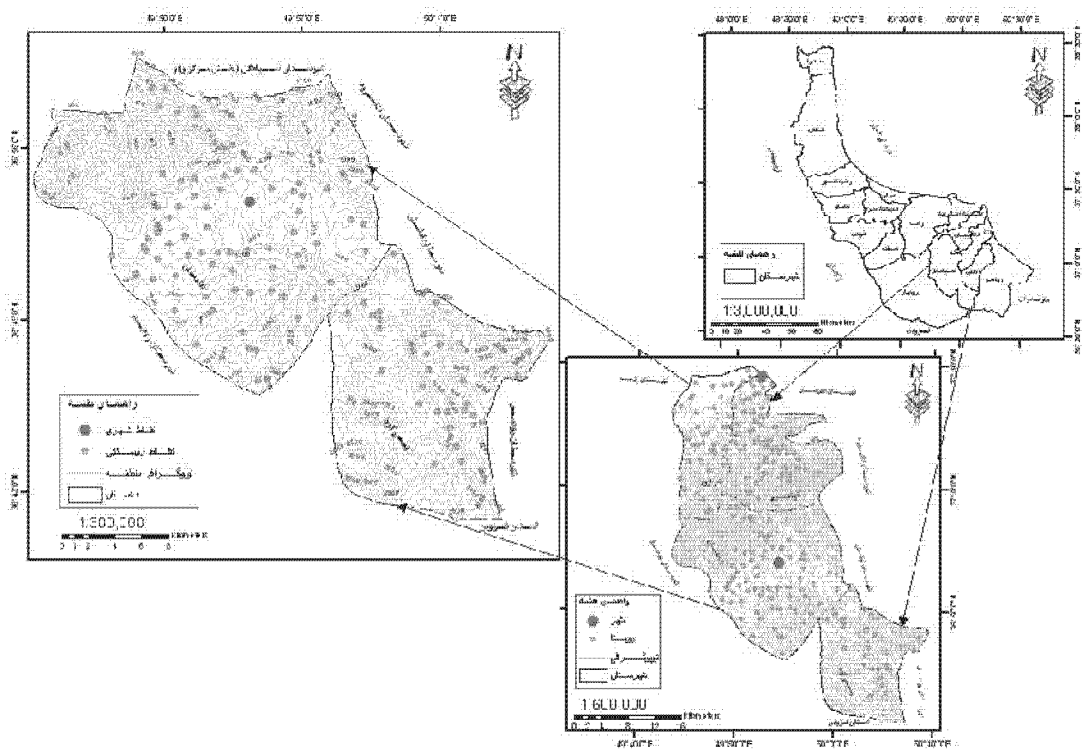
داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها پس از کدگذاری، به نرم افزار رایانه‌ای SPSS تحت ویندوز انتقال داده شد و سپس، تجزیه و تحلیل گردید. برای سنجش نگرش‌های دو گروه پاسخگو، از آزمون‌های t مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و توکی استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، بخش دیلمان یکی از بخش‌های شهرستان سیاهکل می‌باشد که در جنوب استان گیلان قرار دارد و از این سمت، با استان قزوین هم‌مرز است. این بخش که در میان رشته کوه‌های البرز قرار دارد، از دو منطقه کوهستانی - دره‌ای و جنگلی تشکیل شده است. این بخش با جمعیت ۱۲۷۲۱ نفر و ۳۶۵۰ خانوار، دارای دو دهستان به نام‌های دیلمان و پیرکوه، یک شهر به نام دیلمان، ۸۴ آبادی دارای سکنه و ۱۸ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. در محدوده مورد مطالعه، سکونتگاه‌ها با دامنه و اندازه متفاوتی از لحاظ وضعیت اکولوژیکی، میزان برخورداری‌ها و سطح تولیدات استقرار یافته‌اند. استقرار سکونتگاه‌های منطقه به تبعیت از وضعیت طبیعی - توپوگرافیکی بوده است.

جدول ۴. میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای ابعاد مورد بررسی

ردیف	ابعاد	میزان آلفای کرونباخ
۱	مجموع ابعاد	۰/۹۲۲
۲	اقتصادی	۰/۸۷۹
۳	اجتماعی	۰/۸۴۱
۴	کالبدی - زیست‌محیطی	۰/۷۶۴



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

به طور کلی، بافت ناحیه مورد مطالعه روستایی بوده و فعالیت‌های موجود در آن عمدتاً مرتبط با زمین و فعالیت‌های کشاورزی است. در منطقه مطالعاتی تأثیرات محیط طبیعی در شکل‌گیری و پراکنش سکونتگاه‌های روستایی بیش از عوامل محیط فرهنگی بوده است. کوهستانی بودن، محدودیت منابع آب و خاک، مشکلات دسترسی و پیشینه خاص و منحصر زندگی و فعالیت در این محدوده، موجب شده است که سکونتگاه‌های روستایی آن از ثبات ناچیز، انزوا و جدافتادگی و هم‌چنین وسعت کم برخوردار باشند.

به دلیل مشکلات ارتباطی و کمبود یا فقدان زمین‌های کشاورزی که فقط به پادگانه‌های آبرفتی رودخانه‌ها یا دامنه‌های کم شیب محدود می‌شود (رهنمایی، ۱۳۷۰، ص ۹۴)، شهرنشینی در این ناحیه به شکل طبیعی تکوین نیافته و تنها در سال ۱۳۷۸، بر اثر تقسیمات سیاسی-اداری، شهر دیلمان با ترکیب دو روستای دیلمان و اسپیلی به وجود آمده است.

بیان یافته‌ها

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه

نشان می‌دهد که بیش‌تر پاسخگویان (۹۴/۹ درصد) بین ۳۱ تا ۸۲ سال سن دارند و میانگین سنی آن‌ها ۴۷/۳۴ سال می‌باشد. به لحاظ شرایط خاص فرهنگی، از نظر جنسی ۹۲/۲ درصد از پاسخگویان مرد و ۷/۸ درصد زن هستند. ۹۰/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم یا پایین‌تر از دیپلم هستند که از این میان ۲۲/۷ درصد بیسواد می‌باشند. تنها ۹/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند. از نظر اشتغال ۹۷/۳ درصد از پاسخگویان شاغل می‌باشند که شغل کشاورزی با ۶۳/۱ درصد بیش‌ترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده است و ۲/۷ درصد از پاسخگویان بیکار هستند.

آمار توصیفی سنجش دیدگاه سرپرستان خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد و مؤلفه‌ها ارزش میانگین پایین‌تر از حد متوسط است و این نشان می‌دهد که از دیدگاه پاسخگویان تبدیل دیلمان به شهر تأثیر چندانی در روستاهای اطراف خود نداشته است (جدول ۵). از دیدگاه سرپرستان خانوارهای شهری بیش‌ترین تأثیر تبدیل دیلمان به شهر به ترتیب در

مؤلفه‌های نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و گردشگری بوده است که میانگین آن‌ها تا حدی بالاتر از میزان متوسط است اما در بقیه مؤلفه‌ها میانگین پاسخ‌ها از حد متوسط پایین‌تر است. به‌طور کلی، از دیدگاه این گروه از پاسخگویان نیز، تبدیل دیلمان به شهر تأثیر چندانی بر توسعه شهر و منطقه نداشته است (جدول ۶).

با توجه به جدول ۷، در بررسی شاخص‌ها، آزمون برابری واریانس‌ها مقدار تست لون نشان می‌دهد که بین نظرات سرپرستان خانوارهای روستایی و شهری در بخش‌های اشتغال، بازار زمین و مسکن و امکانات تولیدی و تجاری تفاوت معنی‌دار است. سطح معنی‌داری برای برابری میانگین‌ها در تمام مؤلفه‌ها کم‌تر از ۰/۰۵ است که نشان

از تفاوت در میانگین‌های دو گروه دارد. در آزمون برابری واریانس‌ها برای بعد اقتصادی، مقدار تست لون نشان می‌دهد که در این بعد برای دو گروه مورد مطالعه سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد که واریانس‌های پاسخ‌های دو گروه در ابعاد اقتصادی متفاوت است. آزمون برابری میانگین‌ها نیز کم‌تر از ۰/۰۵ است که نشان از تفاوت در میانگین‌های دو گروه دارد. بنابر این می‌توان گفت که نظرات دو گروه در مورد تأثیر تبدیل دیلمان به شهر در رونق اقتصادی از تفاوت معنی‌داری برخوردار است. با توجه به این‌که میانگین پاسخ‌های سرپرستان خانوارهای شهری بیش‌تر از سرپرستان خانوارهای روستایی است می‌توان گفت که تأثیر تبدیل دیلمان به شهر در ابعاد اقتصادی در

جدول ۵. آمار توصیفی نگرش سرپرستان خانوارهای روستایی به شاخص‌های مورد بررسی

سطوح نگرش	بعد اقتصادی (درصد)										بعد اجتماعی- فرهنگی (درصد)				بعد کالبدی- محیطی (درصد)		
	اشتغال	درآمد	تولیدات اقتصادی	مسکن	بازار زمین و تجاری	امکانات تولیدی	خدماتی	تعلق مکانی	تعامل اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی	قابلیت زندگی	آرتیفیات	گردشگری	منظر		
خیلی کم	۶۶/۱	۲۸/۶	۲۸/۵	۲۴/۳	۵۶/۴	۲۲/۴	۳۶/۲	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۲/۲	۱/۳۳	۲۶/۷	۳۵	۴۰/۲	۲۹/۸		
کم	۲۵/۸	۴۴/۷	۳۷/۵	۳۲/۳	۲۸/۲	۳۶/۸	۳۰/۲	۲۰/۷	۲۶/۸	۳۵	۱/۳۵	۲۶/۶	۲۹/۲	۲۶/۶	۲۸/۶		
تا اندازه‌ای	۷/۲	۲۴/۲	۲۷/۹	۳۰/۸	۱۲/۳	۳۲/۹	۲۲/۷	۳۷/۳	۲۵/۸	۲۰	۱/۲۰	۲۶/۵	۲۰/۲	۲۲/۷	۲۱/۷		
زیاد	۰/۹	۲/۲	۵/۹	۱۰/۴	۲/۸	۷	۹/۳	۲۵/۶	۲۰/۶	۹	۱/۹	۱۰/۱	۶/۶	۹/۹	۱۵/۷		
خیلی زیاد	۰	۰/۵	۰/۲	۲/۱	۰/۲	۰/۸	۱/۶	۴/۲	۴/۷	۱	۱/۴	۲/۷	۰/۶	۰/۷	۴/۲		

جدول ۶. آمار توصیفی نگرش سرپرستان خانوارهای شهری به شاخص‌های مورد بررسی

سطوح نگرش	بعد اقتصادی (درصد)										بعد اجتماعی- فرهنگی (درصد)				بعد کالبدی- محیطی (درصد)		
	اشتغال	درآمد	تولیدات اقتصادی	مسکن	بازار زمین و تجاری	امکانات تولیدی	خدماتی	تعلق مکانی	تعامل اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی	قابلیت زندگی	آرتیفیات	گردشگری	منظر		
خیلی کم	۴۸/۳	۲۰/۳	۱۲/۲	۸/۶	۲۵/۵	۸/۵	۱۴/۹	۵/۴	۴/۵	۲۲/۷	۱۹	۱۵/۸	۲۲/۶	۸	۱۲/۷		
کم	۳۷	۴۸/۶	۳۳/۲	۳۴/۹	۴۰/۲	۲۶/۷	۲۶/۳	۱۷/۵	۱۵/۹	۳۴/۲	۲۸/۲	۲۷/۴	۳۱/۹	۲۲/۱	۳۰/۵		
تا اندازه‌ای	۱۰	۲۶/۲	۳۲/۲	۳۶/۲	۱۸/۳	۴۱/۱	۳۲/۹	۴۱	۳۲/۶	۲۷/۴	۳۲/۱	۳۱/۳	۲۷/۴	۳۴	۴۰		
زیاد	۳/۲	۴/۷	۲۰/۲	۱۵/۳	۵/۱	۲۱/۱	۱۱/۸	۲۷/۲	۳۳/۳	۱۳/۴	۱۶/۳	۱۹/۵	۱۳/۲	۲۸/۳	۲۱		
خیلی زیاد	۰/۱	۰/۲	۱/۹	۴/۹	۰/۹	۲/۵	۴/۱	۸/۸	۱۳/۷	۲/۲	۴/۴	۶	۴/۹	۷/۶	۵/۸		
میانگین پاسخ‌ها	۱/۷	۲/۲	۲/۷	۲/۷	۲	۲/۸	۲/۵	۲/۲	۳/۴	۲/۴	۲/۶	۲/۷	۲/۵	۳/۱	۲/۸		

جدول ۷. مقایسه تطبیقی تفاوت میانگین بعد اقتصادی از دیدگاه پاسخگویان

منبع: یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	نمونه‌ها	تعداد	میانگین	وضعیت واریانس	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها		
					ت	معنی داری	ت	معنی داری	تفاوت‌ها میانگین
اشتغال	روستایی	۲۹۳	۱/۷۲۳۵ ۵	برابر	۴/۷۷۸	۱/۰۲۹	۵/۴۵۲	-	-۱/۰۷۳۳۳
	شهری	۱۹۲	۱/۷۹۶۹ ۶	ناپرا بر		۰	۵/۳۰۰	-	-۱/۰۷۳۳۳
درآمد	روستایی	۲۹۳	۱/۰۳۳۴۱ ۸	برابر	۴/۷۷۸	۱/۳۸۴	۲/۹۱۳	-	-۰/۶۰۶۵۰
	شهری	۱۹۲	۱/۶۴۰۶ ۸	ناپرا بر		۰	۲/۸۸۳	-	-۰/۶۰۶۵۰
تسهلات اقتصادی	روستایی	۲۹۳	۱/۴۶۶۶ ۸	برابر	۱/۱۰۰	۱/۲۹۵	۹/۸۲۵	-	-۲/۱۸۸۶۷
	شهری	۱۹۲	۱/۶۵۶۳ ۱۰	ناپرا بر		۰	۹/۶۰۲	-	-۲/۱۸۸۶۷
بازار زمین و مسکن	روستایی	۲۹۳	۱/۳۶۵۲ ۱۶	برابر	۷/۰۸	۱/۰۰۰	۶/۶۹۱	-	-۲/۷۴۴۱۹
	شهری	۱۹۲	۱/۱۰۹۴ ۱۹	ناپرا بر		۰	۷/۵۲۲	-	-۲/۷۴۴۱۹
امکانات تولیدی و تجاری	روستایی	۲۹۳	۱/۱۲۲۹ ۸	برابر	۷/۴۸۲	۱/۰۰۶	۶/۲۰۶	-	-۱/۶۶۲۵۹
	شهری	۱۹۲	۱/۷۸۶۵ ۹	ناپرا بر		۰	۶/۴۳۶	-	-۱/۶۶۲۵۹
بعد اقتصادی	روستایی	۲۹۳	۴۶/۷۱	برابر	۹/۱۲۲	۱/۰۰۳	۹/۳۵۷	-	-۸/۲۷۶
	شهری	۱۹۲	۵۴/۹۹	ناپرا بر		۰	۹/۷۹۷	-	-۸/۲۷۶



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۰۱

مورد نظرات دو گروه سطح معنی داری بالاتر از ۰/۰۵ است که نشان از عدم وجود تفاوت معنی دار در واریانس نظرات دو گروه دارد. بر اساس آزمون برابری میانگین‌ها به روش آزمون t، سطح معنی داری در این دو گروه کم تر از آلفای ۰/۰۵ درصد است. این بدان معنا است که میانگین دو گروه در مورد تبدیل دیلمان به شهر در بهبود شرایط اجتماعی- فرهنگی از تفاوت معنی داری برخوردار است. بنابراین، با توجه به سطح معنی داری آزمون لون (۰/۵۵۰) و مقدار معنی داری آزمون t (۰/۰۰۰) می‌توان نتیجه گرفت که نظرات دو گروه در مورد تأثیر تبدیل دیلمان به شهر در بهبود شرایط اجتماعی- فرهنگی از تفاوت معنی داری برخوردار است. مقایسه میانگین‌های پاسخ‌های دو گروه نشان می‌دهد که تأثیر تبدیل دیلمان

سطح شهر دیلمان بیش تر از روستاهای پسرکانه آن بوده است.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد در مؤلفه‌های خدماتی، نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی و کیفیت زندگی برابری واریانس‌های لون بالاتر از ۰/۰۵ است که نشان از بی معنی بودن تفاوت نظرات دو گروه پاسخگو دارد. سطح معنی داری آزمون T برابری میانگین‌های تمامی مؤلفه‌ها، پایین تر از ۰/۰۵ است و می‌توان گفت میانگین نظرات دو گروه در مورد مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی با یکدیگر تفاوت معنی داری دارد. نتایج آزمون برابری واریانس‌های لون در مورد بعد اجتماعی- فرهنگی در دو گروه نشان می‌دهد که در

جدول ۸. مقایسه تطبیقی تفاوت میانگین بعد اجتماعی - فرهنگی از دیدگاه پاسخگویان

میانگین	تفاوت‌ها	معنی‌داری سطح	درجه آزادی	آزمون t برای برابری میانگین‌ها		وضعیت واریانس	میانگین	تعداد	نمونه‌ها	ابعاد و مؤلفه‌ها
				T	F					
-۳/۳۱۸۱۳	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۹/۳۲۰	۰/۱۰۹	۲/۵۷۸	برابر	۱۳/۶۲۴۶	۲۹۳	روستایی	خدماتی
-۳/۳۱۸۱۳	۰/۰۰۰	۳۲۲/۲۰۹	-۹/۰۸۱			نا برابر	۱۶/۹۴۳۷	۱۹۲	شهری	
-۲/۱۹۶۰۳	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۸/۴۱۲	۰/۰۳۰	۴/۷۲۳	برابر	۱۰/۴۹۱۵	۲۹۳	روستایی	مکانی
-۲/۱۹۶۰۳	۰/۰۰۰	۴۴۶/۸۸۸	-۸/۶۶۴			نا برابر	۱۲/۶۸۷۵	۱۹۲	شهری	
-۰/۸۳۱۰۶	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۳/۸۱۰	۰/۰۱۱	۶/۴۶۸	برابر	۸/۶۶۸۹	۲۹۳	روستایی	تفصیلی اجتماعی
-۰/۸۳۱۰۶	۰/۰۰۰	۴۳۸/۷۲۸	-۳/۸۹۸			نا برابر	۹/۵۰۰۰	۱۹۲	شهری	
-۳/۹۸۹۸۵	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۸/۸۵۰	۰/۲۵۶	۱/۲۹۵	برابر	۱۹/۵۱۵۴	۲۹۳	روستایی	تجزیه و تحلیل اجتماعی
-۳/۹۸۹۸۵	۰/۰۰۰	۳۸۶/۱۷۰	-۸/۷۰۹			نا برابر	۲۳/۵۰۵۲	۱۹۲	شهری	
-۰/۸۴۵۴۰	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۴/۶۵۱	۰/۰۰۰	۱۲/۷۲۱	برابر	۶/۳۰۰۳	۲۹۳	روستایی	قانونمندی
-۰/۸۴۵۴۰	۰/۰۰۰	۴۵۷/۶۷۳	-۴/۸۳۷			نا برابر	۷/۱۴۵۸	۱۹۲	شهری	
-۲/۸۳۲۶۰	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۵/۳۵۶	۰/۲۹۶	۱/۰۹۵	برابر	۲۳/۰۵۸۰	۲۹۳	روستایی	کیفیت زندگی
-۲/۸۳۲۶۰	۰/۰۰۰	۴۲۰/۵۳۳	-۵/۴۰۳			نا برابر	۲۵/۸۹۰۶	۱۹۲	شهری	
-۱۴/۰۱۳	۰/۰۰۰	۴۸۳	-۹/۱۶۷	۰/۵۵۰	۰/۳۵۹	برابر	۸۱/۶۶	۲۹۳	روستایی	بعد اجتماعی- فرهنگی
/۰۱۳	/۰۰۰	/۵۱۶	۹/۱۵۳			نا برابر	۹۵/۶۷	۱۹۲	شهری	
-۱۴	۰	۴۰۶	-							

منبع: یافته‌های پژوهش

نظرات دو گروه وجود ندارد. بر اساس آزمون برابری میانگین‌ها به روش آزمون t، سطح معنی‌داری در این دو گروه کم‌تر از آلفای ۰/۰۵ درصد است. این بدان معنا است که میانگین دو گروه در مورد تبدیل دیلمان به شهر در بهبود شرایط کالبدی- زیست‌محیطی از تفاوت معنی‌داری برخوردار است. بر اساس نتایج آزمون لون (سطح معنی‌داری ۰/۸۱۱) و سطح معنی‌داری آزمون t (۰/۰۰۰) می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی‌داری در نظرات دو گروه در باره اثرات تبدیل دیلمان به شهر در توسعه بعد کالبدی- زیست‌محیطی وجود دارد. با توجه به بیش‌تر بودن میانگین پاسخ‌های سرپرستان

به شهر در ابعاد اجتماعی- فرهنگی در سطح شهر دیلمان بیش‌تر از روستاهای حوزه نفوذش می‌باشد. بر اساس جدول ۹، برای ابعاد کالبدی- زیست‌محیطی، در مؤلفه‌های بهزیستی فردی و اجتماعی و گردشگری، سطح معنی‌داری آزمون لون بالاتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد در این بخش‌ها تفاوت معنی‌داری در واریانس نظرات دو گروه وجود ندارد. سطح معنی‌داری آزمون t برای تمامی مؤلفه‌ها کم‌تر از ۰/۰۵ است که نشان از تفاوت در برابری میانگین‌های نظرات دو گروه دارد. به دلیل بالاتر بودن سطح معنی‌داری آزمون لون از ۰/۰۵، می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری در واریانس



جدول ۹. مقایسه تطبیقی تفاوت میانگین بعد کالبدی- زیست محیطی از دیدگاه پاسخگویان

ابعاد و مؤلفه‌ها	نمونه‌ها	تعداد	میانگین	وضعیت واریانس	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها		
					F	معنی داری	T	آزادی درجه	معنی داری سطح
اطلاعات و ارتباطات	روستایی	۴	۱۷/۳۶۱۸	برابر	۴/۹۶۶	۰/۰۲۶	-۹/۱۸۴۸	۴۸۳	۴/۴۶۱۱۴
	شهری	۲	۲۱/۸۳۲۹	نا برابر			-۹/۶۷۹	۳۸۴/۴۰۹	۴/۴۶۱۱۴
بهبودی فردی و اجتماعی	روستایی	۳	۹/۵۹۷۳	برابر	۰/۰۷۳	۰/۷۸۷	-۹/۲۱۷	۴۸۳	۲/۶۹۹۶۱
	شهری	۲	۱۲/۲۹۶۹	نا برابر			-۹/۲۰۴	۴۰۶/۶۴۹	۲/۶۹۹۶۱
گردشگری	روستایی	۳	۶/۱۲۹۷	برابر	۰/۰۱۹	۰/۸۸۹	۱۴/۲۰۸	۴۸۳	۳/۰۳۶۹۷
	شهری	۲	۹/۱۶۶۷	نا برابر			۱۴/۲۰۲	۴۰۸/۰۰۴	۳/۰۳۶۹۷
منظر	روستایی	۳	۱۸/۸۷۳۷	برابر	۴/۱۱۸	۰/۰۴۲	-۶/۲۱۹	۴۸۳	۲/۶۶۱۷۰
	شهری	۲	۲۲/۱۳۵۴	نا برابر			-۶/۴۳۴	۴۵۲/۰۶۱	۲/۶۶۱۷۰
بعد کالبدی- محیطی	روستایی	۳	۵۱/۹۶	برابر	۰/۰۵۷	۰/۸۱۱	۱۱/۱۵۳	۴۸۳	-۱۳/۴۵۹
	شهری	۲	۶۵/۴۲	نا برابر			۱۱/۲۳۸	۴۲۰/۱۶۸	-۱۳/۴۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون توکی برای شهر و پسرکانه روستایی آن استفاده شده است. بر اساس جدول ۱۰، سطح معنی داری محاسبه شده برای شهر و روستا کم‌تر از ۰/۰۵ و حاکی از وجود تفاوت معنی دار بین میانگین‌های ابعاد مورد بررسی در شهر و روستا است. بنابراین، میزان تأثیر تبدیل دیلمان به شهر هم بر شهر و هم حوزه‌های پسرکانه روستایی در ابعاد مختلف متفاوت است.

حال با توجه به مشخص شدن وجود تفاوت اثرگذاری هر یک از ابعاد مورد نظر پژوهش، جهت سنجش شدت اثرگذاری از آزمون توکی استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۱۱ آمده است، تبدیل دیلمان به شهر هم بر

خانوارهای شهری می‌توان نتیجه گرفت که میزان تأثیر تبدیل دیلمان به شهر در ابعاد کالبدی- زیست محیطی در سطح شهر بیش‌تر از روستاهای اطراف بوده است. اگرچه براساس دیدگاه مردم، تبدیل دیلمان به شهر در رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی و ارتقای وضعیت کالبدی- زیست محیطی تأثیر چندانی نداشته است؛ اما بر طبق شواهد موجود و تحلیل انجام شده، این امر مطلق نیست و به طور مسلم تأثیراتی در منطقه داشته است. به منظور بررسی تفاوت تأثیر هر یک از ابعاد مورد بررسی در تبدیل دیلمان به شهر بر منطقه، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و به منظور بررسی تفاوت بین ابعاد و رتبه بندی آن‌ها از

جدول ۱۰. مقایسه تفاوت میانگین تأثیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی-

زیست محیطی

نوع سکونتگاه	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	آماره آزمون	سطح معنی داری
شهر	بین گروهی	۱۷۱۴۵۲/۴۲۰	۲	۸۵۷۲۶/۲۱۰	۵۱۲/۵۹۱	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۹۵۸۲۹/۱۳۵	۵۷۳	۱۶۷/۲۴۱		
	کل	۲۶۷۲۸۱/۵۵۶	۵۷۵			
روستا	بین گروهی	۲۰۸۰۸۸/۶۹۹	۲	۱۰۴۰۴۴/۳۴۹	۵۶۷/۸۷۴	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۶۰۴۹۸/۳۷۵	۸۷۶	۱۸۳/۲۱۷		
	کل	۳۶۸۵۸۷/۰۷۴	۸۷۸			

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۱. رتبه‌بندی و تعیین میزان تأثیر ابعاد مختلف در منطقه مطالعاتی بر اساس آزمون

توکی؛ منبع: یافته‌های پژوهش.

نوع سکونتگاه	ابعاد	اولویت ابعاد	میزان تأثیر	میانگین زیر مجموعه‌های همگن
شهر	اقتصادی	سوم	کم	۵۴/۹۸۹۶
	اجتماعی- فرهنگی	اول	زیاد	۹۵/۶۷۱۹
	کالبدی- زیست محیطی	دوم	متوسط	۶۵/۴۲۱۹
روستا	اقتصادی	سوم	کم	۴۶/۷۱۳۳
	اجتماعی- فرهنگی	اول	زیاد	۸۱/۶۵۸۷
	کالبدی- زیست محیطی	دوم	متوسط	۵۱/۹۶۲۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۰۴

یا عدم موفقیت آن نقش زیادی داشته باشد؛ به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آن‌ها، به مشارکت مردمی اهمیت زیادی داده می‌شود؛ مردم به عنوان عوامل اصلی و ذینفع و به عنوان قدرت‌های محلی می‌توانند در دستیابی به اهداف سیاست تبدیل روستا به شهر و توسعه منطقه‌ای بسیار تأثیرگذار باشند. زمانی برنامه‌های توسعه مورد توجه مردم قرار می‌گیرد

شهر و هم بر روستا تأثیراتی داشته و موجب تغییراتی در آن‌ها شده است، اما این تأثیرات برای هر یک از ابعاد متفاوت می‌باشد. بیش‌ترین تأثیر در ابعاد اجتماعی- فرهنگی و پس از آن ابعاد کالبدی- زیست محیطی و در انتها ابعاد اقتصادی می‌باشد. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نگرش مردم در باره یک برنامه یا طرح می‌تواند در موفقیت

و مشارکت آنان را جلب می‌نماید که به نیازها و توقعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اکولوژیکی آنان پاسخ گوید. روند شتابان تبدیل روستا به شهر در ایران با تقاضاهای گسترده مردم در جهت بهبود وضع زندگی و برخورداری از امکانات و خدمات بهتر شکل گرفته است، از این رو بررسی این‌که این انتظارات پس از گذشت زمانی معین تا چه اندازه برآورده شده‌اند، ضروری است. در مطالعه موردی، نگرش سرپرستان خانوارهای روستایی و شهری در مورد سه نقش مهمی که به طور معمول یک شهر بر اساس مبانی نظری و دیدگاه‌های متخصصین می‌تواند، در منطقه خود ایفا کند، در شهر دیلمان و پسرکانه روستایی آن مورد آزمون و سنجش قرار گرفته است. بر اساس نظرات دو گروه از پاسخگویان، می‌توان بیان داشت که سیاست تبدیل روستا به شهر در توسعه منطقه مطالعاتی به ویژه در ابعادی چون رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی و ارتقای وضعیت کالبدی- زیست‌محیطی موفق نبوده است. اگرچه دیدگاه دو گروه بر عدم موفقیت سیاست تبدیل روستا به شهر در توسعه منطقه‌ای دلالت دارد؛ اما میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در سطح منطقه با توجه به محل سکونت متفاوت بوده؛ به این معنی که میزان این تأثیر در سطح شهر بیش‌تر از روستاهای اطراف بوده است؛ این تأثیر متفاوت را می‌توان از مقایسه نتایج آمار توصیفی (سطوح نگرش و میانگین پاسخ‌های دو گروه) و آمار استنباطی (نتایج آزمون t و میانگین‌های آن) درک نمود. نتایج این آزمون‌ها، تفاوت در نگرش دو گروه به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- زیست‌محیطی را نشان می‌دهد و به کمک آن‌ها می‌توان پی برد که تأثیرات تبدیل روستا به شهر، در شهر دیلمان بیش‌تر از روستاهای پسرکانه آن بوده است. بنابراین، بین نگرش ساکنان منطقه مورد مطالعه به موضوع تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (شهر یا روستا) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، سطح معنی‌داری محاسبه شده برای شهر و پسرکانه روستایی آن کم‌تر از ۰/۰۵ و حاکی از تفاوت میزان تأثیر تبدیل دیلمان

به شهر هم بر شهر و هم حوزه‌های پسرکانه روستایی در ابعاد مختلف است. بر اساس آزمون توکی تبدیل دیلمان به شهر بر شهر و پسرکانه روستایی آن در ابعاد گوناگون، تأثیرات متفاوتی داشته است؛ بیش‌ترین تأثیر در ابعاد اجتماعی- فرهنگی و پس از آن ابعاد کالبدی- زیست‌محیطی و در انتها ابعاد اقتصادی می‌باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعات افرادی چون باجراچاریا در نپال (۱۹۹۴)، سرایی و اسکندری ثانی در ایران (۱۳۸۶) و برقی و همکاران در ایران (۱۳۹۰) انطباق دارد. این محققان به عدم توفیق شهرهای کوچک و سیاست تبدیل روستا به شهر و اثرات متفاوت آن‌ها بر سکونتگاه‌ها اشاره داشته‌اند. بر اساس مطالعات موجود، تبدیل روستا به شهر بدون بررسی و مطالعه و ظرفیت‌سنجی مورد نیاز، یا به صورت سلیقه‌ای و بر اساس الزامات اداری- مدیریتی و یا درخواست ساکنان محل صورت گرفته است. چنین رویکردی، بر اساس این باور نادرست که تبدیل کردن روستا به شهر باعث رشد و توسعه روستا و سکونتگاه‌های پیرامونی می‌گردد، باعث شده است که امروزه بسیاری از روستاهای کشور از طریق مقامات ملی و منطقه‌ای پیگیری‌های زیادی برای تبدیل شدن به شهر بکنند. به‌طور کلی برای این که سیاست تبدیل روستا به شهر به دستیابی به اهداف توسعه روستایی و منطقه‌ای و در نهایت توسعه ملی کمک نماید و اثرات منفی آن کاهش یابد یا مرتفع گردد؛ باید ملاک‌ها و معیارهای منطقی و علمی برای تبدیل روستا به شهر تدوین شود. این ملاک‌ها و معیارها باید انعطاف‌پذیر و براساس شرایط و گرایش‌های منطقه‌ای و هماهنگ با اهداف و چارچوب راهبرد توسعه شهرهای کوچک، باشد. به منظور ساماندهی و توسعه روستاهایی که به شهر تبدیل شده‌اند نیز، باید راهبرد توسعه شهرهای کوچک تهیه و تدوین شود و ملاک عمل قرار گیرد.

منابع و ماخذ

۱- آرونسکی، سعید (۱۳۸۴) «توسعه خلاقیت بستر دستیابی به قابلیت‌های رقابتی پایدار از طریق انگیزش درونی»، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، ۲۹ آذر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

لغایت ۱ دی ۱۳۸۴، قابل دسترس در

WWW.irimc.com

- ۲- آناستازی، آن (۱۳۸۲) «روان‌آزمایی»، ترجمه محمدنقی براهنی، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- ادواردز، جک ئی، تامس، ماری دی، رزن فلد، پل و کیولی، استفانی بوث (۱۳۷۹) «تحقیق پیمایشی، راهنمای عمل»، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۴- ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰)، «نقش تبدیل روستا به شهر در توسعه روستایی مورد: استان فارس»، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۵- بامداد صوفی، جهانیار، سلیمی، مجید و شهبازمرادی، سعید (تابستان ۱۳۸۶)، «نگرش سنجی در مطالعات مدیریت از طریق تدوین مقیاس لیکرت»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۴، صص ۱۰۶-۸۷.
- ۶- بدار، لوک، ژوزه، دزیل و لوک، لامارش (۱۳۸۰)، «روان‌شناسی اجتماعی»، ترجمه حمزه گنجی، چاپ اول، تهران، ساوالان.
- ۷- برقی، حمید؛ قنبری، یوسف و سی فالهی، محمود (۱۳۹۰)، «بررسی رضایتمندی ساکنان مناطق روستایی در تبدیل نقاط روستایی به شهر»، فصلنامه جغرافیا، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۲۳۳-۲۱۵.
- ۸- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- رسولی، رضا، کریمیان، علی‌رضا و صالحی، علی (۱۳۸۹)، «بررسی نگرش مردم نسبت به شوراهای شهری و ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی در استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷»، مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۴۰-۲۷.
- ۱۰- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه (بهار ۱۳۸۹)، «ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)»، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، سال اول،

شماره اول، صص ۶۵-۳۳.

- ۱۱- زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۲)، «فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام شهرها، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی»، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۵۷-۵۳۵.
- ۱۲- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۰)، «توان‌های محیطی ایران»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۳- سجادی، ژیلا، فرجی ملایی، امین و عظیمی، آزاده (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «تحلیل کیفیت زندگی در یک محیط روستا- شهری؛ مورد پژوهی: شهر سگزآباد»، مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص ۲۸۴-۲۶۵.
- ۱۴- سرایی، محمدحسین و اسکندری ثانی، محمد (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، «تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر»، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص ۱۸۲-۱۶۵.
- ۱۵- ضیاءتوانا، محمد حسن و امیرانتخابی، شهرام (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، «روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش»، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص ۱۲۸-۱۰۷.
- ۱۶- طاهرخانی، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (زمستان ۱۳۸۳)، «تحلیل نقش روابط شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۱۱-۷۹.
- ۱۷- فرهنگی، علی‌اکبر و صفرزاده، حسین (۱۳۸۹)، «روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با نگرشی بر پایان‌نامه نویسی)»، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات برآیند پویش.
- ۱۸- فلکی، ملیحه، شعبانعلی فمی، حسین، ایروانی، هوشنگ و موحد محمدی، حمید (بهار ۱۳۸۷)، «بررسی نگرش کارشناسان ترویج کشاورزی در زمینه به‌کارگیری فناوری اطلاعات در نظام ترویج کشاورزی ایران»، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم (الف)، صص ۲۶۵-۲۵۳.
- ۱۹- فنی، زهره (۱۳۷۹)، «شهرهای کوچک و توسعه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۰۶

No. 3, PP. 379- 391.

29- Kammeier, H. Detlef (2002), "Rural-Urban Linkages and the Role of Small and Medium Sized Towns in Development: Issues, Concepts and Policies", Workshop on Poverty Alleviation through Rural-Urban Linkages: The Role of Small and Medium-Sized Towns, 16-18 September 2002, Siem-reap, Cambodia.

30- Tacoli, Cecilia (2006), "Rural-Urban Linkages Research and Initiative: Lessons and Key Issues from International Experiences", in Fostering New development Pathways: Harnessing Rural-Urban linkages to reduce Poverty and improve Environment in the Highlands of Ethiopia, Proceeding of a Planning Workshop on Thematic Research Area of the Global Mountain Program (GMP) held in Addis Ababa, Ethiopia, August 29-30, PP. 45-55.

An Investigation of Local Residents' Attitude to the Policy of Transformation of Villages to Towns According to Settlements (case study: Dailaman District, Siahkal Township)

Extended Abstract

Introduction

One of the distinctive aspects of development planning policies in most developing countries is their determine trend of policy in favor of small and intermediate urban centers. There is a bias for transformation of villages to towns in these countries because it is thought that small towns have roles in the national, regional and local development. For this reason in the 1970s, an idea was promoted that the cities could effect on rural development. The beneficial roles of small towns in regional development should not be generalized because regional conditions are important in their performance of roles. In Iran, people's bias for transformation of their villages to towns is related to benefit from the opportunities that many

پایدار منطقه‌ای»، مدیریت شهری، شماره ۴، صص ۴۹-۴۴.

۲۰- کریمی، یوسف (۱۳۷۷)، «روانشناسی اجتماعی، چاپ چهارم»، تهران، ارسباران.

۲۱- محمدزاده تیتکانلو، حمیده (زمستان ۱۳۸۱)، «ظرفیت‌سازی در شهرهای متوسط و توسعه فضایی منطقه‌ای (مورد پژوهی: شهر بجنورد و استان خراسان)»، هنرهای زیبا، شماره ۱۲، صص ۴۹-۳۳.

۲۲- مهرآرا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، «زمینه روان‌شناسی اجتماعی»، چاپ اول، تهران، مهرداد.

۲۳- نوری، هدایت‌الله، حسینی ابری، سید حسن و خادمی، حسین (بهار ۱۳۸۸)، «نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی استان یزد»، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، صص ۷۷-۶۱.

24- Bajracharya, Bhishna, N. (1995), "Promoting Small Towns for Rural Development: A View from Nepal", Asia-Pacific Population Journal, Vol. 10, No. 2. PP. 27-50.

25- Chattopadhyay, Basudha (2008), "Public Policy and Sustainable Development of Small Towns in India: A Review", International Conference on Issues in Public Policy and Sustainable Development, New Delhi, 26-28 March 2008.

26- Gaile, Gary L. (1992), "Improving Rural-Urban Linkages through Small Town Market-based Development", Third World Planning, Review 14, PP. 131-147.

27- Herve, Michel (1996), "The Active Citizenship as Decisive Element of the Sustainable Urban Development- the Experience of Parthenay", Utopias and Realities of urban Sustainable Development, Conference Proceeding, Turino- Barlo, 19- 21 September, European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions, PP. 251-262.

28- Hinderink, J. and Titus, M. (2002), "Small Towns and Regional Development: Major Findings", Urban Studies, Vol.39,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۲
No.37 Winter 2015

cates individual attitudes.

Methodology

The type of the research is applied and its method is descriptive-analytical. Required information was collected through the library and field studies. The main tool for data collection was a researcher-designed questionnaire that had been produced according to research objectives. The questionnaire consisted of closed questions and was composed of two parts. The first part consisted of questions about respondent's individual characteristic such as gender, age, birthplace, occupation and so on. The questions of the second part investigated the respondent's attitude about the role of the policy of the transformation of villages to towns in economic prosperity, improvement of social and cultural indicators and promoting physical and environmental conditions. Dailaman district includes 84 villages and Dailaman town and 3650 households. Based on Cochran formula, the sample villages (n=22) were selected by stratified random sampling technique from statistical society (N=84). The heads of households as the sample population (n=485) was selected by simple random sampling technique from statistical society (N=3650). The sample was consisting of 192 heads of households from Dailaman town and 293 heads of households from its hinterland. For analyzing the data, descriptive and inferential statistical methods such as Mean, Percent, Independent Sample T Test, Anova and Tukey's Tests have been used.

Results

To achieve the purpose, three dimensions and 82 indicators were used that 24 indicators were used to assess economical dimensions, 34 indicators to assess social-cultural dimensions and 24 indicators to assess physical-environmental dimensions. The results of descriptive statistics show that from views of respondents the transformation of

rural areas of the country don't have them. Changes in law divisions in recent decades, has drastically changed the pattern of settlement system. These changes led to wider urban hierarchy pyramid and a further class difference in Iran.

People's attitudes about a project or program can have a great role in the success or failure of it. That's why in planning, implementation and assessment of plans, Public participation is so important. The positive performance of a program or plan has great influence in shaping or changing people's attitudes. People's positive attitude to the plan or program shows that it has been successful in achieving its goals. The negative attitude also implies the failure of the program in achieving its goals. Survey of the opinions and attitudes of the people about the policy of transformation of villages to towns leads to understanding and awareness of policy makers, planners, managers and officials in this case that how far transformation of villages to towns have roles in achieving the development objectives of national, regional and local levels. This research based on studying in Dailaman district is going to answer this question whether there is a meaningful difference between two groups' attitude about the policy of the transformation of villages to towns in the development according to the settlements (villages or towns).

The term attitude is a Latin word that means fitness and talented, and in different languages different synonym words have been used to express it. It is an express of judgment (favorable or unfavorable) about objects, people or events. Attitude has three dimensions: cognitive, emotional and behavioral. A person's attitude toward a subject isn't directly visible, that's why it is said the structure of attitude is hypothetical. Attitude tests are some questions or comments about a topic that respondent responds to them and the pattern of these responses indi-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۰۸

though both groups of respondents comment on the failure of the policy of transformation of villages to towns, the extent of its effects in the region has been different according to the settlements. It means there is a meaningful difference between two groups' attitude about the policy of the transformation of villages to towns in the development according to the settlements (villages or towns). The results of this study are consistent with researches of Bajracharya in Nepal (1995), Saraee and Eskandari Sani in Iran (2007) and Barghi et al in Iran (2011). The researchers pointed to the failure of the policy of transformation of villages to towns and its different effects on settlements. Based on existing studies, transformation of villages to towns without study and capacity assessment or based on administrative – management requirements or demanding of local residents has been done. Such an approach is based on the false belief that transformation of villages to towns causes the growth and development of the town and its hinterland. This approach has caused many villages in the country to follow up becoming a town. In this case, guidelines and criteria transformation of villages to towns should be flexible, and in accordance with regional conditions and tendencies, and consistent with the objectives and the strategy of development of small towns. In order to organize and develop the villages transformed to towns, the strategy of development of small towns should be provided and used.

Keywords: Attitude, Rural Development, Town, Transformation of Villages to Towns, Dailaman District

References

- 1- Anastasi, Ann (2003), "Psychological Testing", translated by M.T. Baraheni, Tehran University.
- 2- Arvandi, Saeed (2005), "Creativity Development a Platform to Achieve a Sustainable Competitive Capabilities through in-

villages to towns had no significant effect on the development of the city and region. Although both groups of respondents comment on the failure of the policy of transformation of villages to towns, the extent of its effects in the region has been different according to the settlements. These different effects can be understood by comparing the results of descriptive statistics (the levels of attitude and the average of two group's responses) and inferential statistics (T-test results and its average). It means the extent of its effects in the town is more than the villages. Thus, there is a meaningful difference between two groups' attitude about the policy of the transformation of villages to towns in the development according to the settlements (villages or towns). The extent of its effects has been varied in different dimensions in the town and its hinterland. Also, these effects are different for each dimension. The greatest impact has been on the social- cultural dimensions and then physical- environmental dimensions and in the end, economical dimensions.

Conclusion

Local residents as the main actors and stakeholders as well as local authorities can be very effective in achieving the objectives of the policy of transformation of villages to towns and regional development. When people focuses on development plans that these plans can meet their needs and expectations. Their positive or negative attitude to plans shows that they have been successful or not. In the case study, heads of households' attitude about three important functions that a town can perform in its region have been assessed in Dailaman city and its hinterland. According to the two groups of respondents we can say that the policy of transformation of villages to towns has not been successful in economic prosperity, improvement of social and cultural indicators and promoting physical and environmental conditions. Al-

ternal motivation", the Third International Conference on Management, Tehran, Available at WWW.irimc.com.

3- Bajracharya, Bhishna, N. (1995), "Promoting Small Towns for Rural Development: A View from Nepal", Asia-Pacific Population Journal, Vol. 10, No. 2. PP. 27-50.

4- Bamdad Soufi, Jahanyar, Salimi, Majid and Shahbaz moradi, Saeed (2007), "Measurement of Attitude in Management Research through the formulation of a Likert scale", Journal of Management Research, No. 54, PP. 87-106.

5- Barghi, Hamid, Ghanbary, Yousof and Si Falhi, Mahmood (2011), "The Study of Rural People's Satisfaction about Transformation of Villages to Towns", Journal of Geography, No. 31, PP. 215-233.

6- Bedard, Luc, Josee, Deziel and Lamarche, Luc (1991), "Social Psychology", Translated by H. Ganji, Tehran, Savalan.

7- Chattopadhyay, Basudha (2008), "Public Policy and Sustainable Development of Small Towns in India: A Review", International Conference on Issues in Public Policy and Sustainable Development, New Delhi, 26-28 March 2008.

8- Edwards, J.E., Thompson, M.D., Rosenfeld, P., and Kewell, S.B. (2000), "How to Conduct Organizational Surveys", translated by S.M. Aarabi and D. Izadi, Tehran, Office of Cultural Research.

9- Falaki, Malihe, Shabanali Fami, Hossein, Irvani, Hoshang and Movahed Mohammadi, Hamid (2008), "The study of Agricultural Extension experts' Attitude about Use of Information Technology in Agricultural Extension System in Iran", Science and Technology of Agriculture and Natural Resources, No. 43, PP. 253-265.

10- Fani, Zohreh (2000), "Small Towns and Regional Sustainable Development", Journal of Urban Management, No.4, PP. 44-49.

11- Farhangi, Ali Akbar and Safarzadeh,

Hossein (2010), "Research Methodology", Tehran, Publication Institute of Baraynd- e Pajohesh.

12- Gaile, Gary L. (1992), Improving Rural-Urban Linkages through Small Town Market-based Development, Third World Planning, Review 14, PP. 131-147.

13- Hafeznia, MohamadReza (2003), "An Introduction to the Research Method in Humanities", Tehran, Samt.

14- Herve, Michel (1996), "The Active Citizenship as Decisive Element of the Sustainable Urban Development- the Experience of Parthenay", Utopias and Realities of urban Sustainable Development, Conference Proceeding, Turino- Barlo, 19- 21 September, European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions, PP. 251-262.

15- Hinderink, J. and Titus, M. (2002), "Small Towns and Regional Development: Major Findings", Urban Studies, Vol.39, No. 3, PP. 379- 391.

16- Izady Kharameh, H. (2001), "The Transformation of Village to Town and its Role in Rural Development (The Case Study of Fars Province)", The Thesis Presented to the Geography (rural planning), Tehran, Tarbiat Modares University.

17- Kammeier, H. Detlef (2002), "Rural-Urban Linkages and the Role of Small and Medium Sized Towns in Development: Issues, Concepts and Policies", Workshop on Poverty Alleviation through Rural-Urban Linkages: The Role of Small and Medium-Sized Towns, 16-18 September 2002, Siemreap, Cambodia.

18- Karimi, Yousof (1998), "Social Psychology", Tehran, Arasbaran.

19- MehrAra, AliAkbar (1994), "Context of Social Psychology", Tehran, Mehrdad.

20- MohammadZadeh Titkanlo, Hamideh (2002), "Capacity Building in the Intermediate Cities and Regional Spatial Development (Case Study: Bojnord, Khorasan Raza-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۱۰

- vi)”, *Honar-ha- ye ziba*, No. 12, PP. 33-49.
- 21- Nouri, H. A., Hosseini Abari, S. H. and Khademi, H. (2009), “The Role of Small cities in the Equilibration of Rural Settlement System of Yazd Province”, *Geography and Development*, V. 7, N. 13, PP. 61-77.
- 22- Rahnaemai, MohamadTaghi (1992), “Special Potentials of Iran”, Tehran, Urban Planning and Architecture Research Center, Ministry of Housing and Urban Development.
- 23- Rasouli, Reza, Karimian, AliReza and Salehi, Ali (2010), “Review of People's Opinion towards City Councils as well as Evaluation of the Islamic Councils in East-Azerbaijan province (2008)”, *Journal of Urban Management*, No. 26, PP. 27- 40.
- 24- Rezvani, M. R., Mansourian, H. and Ahmadi, F., Spring (2010), “Promoting Villages to City and its Role on Improvement of Quality of Life of Local Resident”, *Journal of Rural Research*, Vol. 1, No. 2, PP. 33-65.
- 25- Sajadi, Jila, Faraji Mlaee, Amin and Azimi, Azadeh (2002), “Analysis of quality of life in a rural- urban environment (case study: the Segzabad city)”, *Journal of Urban Management*, No.30, PP. 284-265.
- 26- Saraei, M. H., Eskadari Sani, M. (2007), “Changing the Large Village to a Small City and its Roles on the Regional Balance: Rivash-kashmar”, *Geography and Development*, V. 5, N. 10, PP. 165-182.
- 27- Tacoli, Cecilia (2006), “Rural-Urban Linkages Research and Initiative: Lessons and Key Issues from International Experiences”, in *Fostering New development Pathways: Harnessing Rural-Urban linkages to reduce Poverty and improve Environment in the Highlands of Ethiopia*, Proceeding of a Planning Workshop on Thematic Research Area of the Global Mountain Program (GMP) held in Addis Ababa, Ethiopia, August 29-30, PP. 45-55.
- 28- Taherkhani Mehdi and Roknodin Eftekhari, Abdolreza (2004), “Analysis of the Role of Urban-Rural Relations in Development of Rural Area of Ghazvin”, *Journal of Modares Ulum-e Ensani*, No. 4, PP. 79-111.
- 29- Zanganeh Shahraki, Saeed (2013), “The Process of Transformation of Villages to Towns in National Level and Generation of Raw Cities”, *Journal of Rural Research*, No. 3, PP. 535-557.
- 30- Zia-Tavana, M. H. and Amir Entekhabi, Sh. (2007), “Procedure of Conversion in Village to City and its Results in Talesh Township”, *Geography and Development*, V. 5, N. 10, PP. 107-128.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۱۲

پیامد سیاست‌های هدایت و کنترل رشد فضایی بر روند گسترش سکونتگاه‌های پیراشهری در هاله کلانشهری تهران

سید عبدالهادی دانشپور - دکترای شهرسازی، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
مظفر صراف - دکترای برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
تکتم آشنایی* - کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

چکیده

An Impact of Growth Control and Containment Policies on The Trend of Peri-urban Settlements Evolutions in Tehran Metropolitan Fringe

Abstract

The transition process from rural to urban areas in the fringe of Tehran metropolis, or in other words peri-urbanization has had a rapid growth in recent decades. One of the forces contributing to such evolutions is the growth control and containment policies assigned to the city which consist of large scale measures such as green-belt definitions along with small scale measures such as urban development regulations and. Outward spillover from population centers with firm growth control policies to spaces without such policies has resulted in growth peri-urbanization, especially in its southern areas. This research aims to analyze the transition of development spillover resulted from growth control to peri-urbanization in the metropolitan fringe of Tehran which takes place in case such political fragmentation through the local governance territories in the region. This analysis is based on the demographic changes in settlements in Tehran's metropolitan fringe in 1996 to 2006. Result indicates that peri-urban settlements in Tehran metropolitan region have rapid sporadic growth. If this trend continues, the necessities of competitiveness and functional interactions have created a kind of division of labour among the settlements within the region.

Keywords: Growth Control and Containment Policies, Peri-urban, Tehran Metropolitan Fringe, Peri-urbanization, Spillover

فرایند تحول و گذار از نقاط روستایی به شهری در قلمروی پیرامونی کلانشهر تهران یا به عبارتی تحولات پیراشهرنشینی، در دهه‌های اخیر در حال رشد و گسترش است. یکی از نیروهای تاثیرگذار بر چنین تحولاتی سیاست‌های هدایت و کنترل رشد شهری است. این سیاست‌ها از کمربندسبز تا ابعاد خردی همچون ضوابط و مقررات توسعه شهری را دربرمی‌گیرند. برون‌فکنی و سرریز توسعه از نقاط جمعیتی دارای نظام کنترل رشد به نقاطی با نظام کنترل رشد ضعیف یا فاقد آن در شرایط وجود تفرق سیاسی و تعدد قلمروهای مدیریت محلی در منطقه کلانشهری تهران، گسترش پیراشهرنشینی به ویژه در قلمروی جنوبی کلانشهر تهران را در پی دارد. هدف از این پژوهش تحلیل روند گذار از سرریز توسعه منتج از اعمال سیاست‌های کنترل رشد به پیراشهرنشینی در هاله کلانشهری تهران است که در شرایط پخش چنین سیاست‌هایی در بین قلمروهای مدیریت محلی صورت می‌گیرد. برای تحلیل این روند از مدل مفهومی فرایند محوری استفاده می‌شود که برگرفته از مبانی نظری پژوهش است. با بهره‌مندی از روش‌های تحلیل کمی و فضایی، جابه‌جایی‌های فضایی جمعیت طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ خورشیدی در نقاط جمعیتی مستقر در هاله کلانشهری تهران تحلیل می‌گردد. نتایج حاکی از روند رشد سریع و پراکنده نقاط پیراشهری و گسترش فضایی شهرنشینی پیرامونی در منطقه است. تداوم این روند ضرورت برنامه‌ریزی توسعه فضایی یکپارچه برای شهر، روستا و پیراشهر در قلمروی سرزمینی واحد را نمایان می‌سازد که در عین بهره‌مندی از آزادی‌های محلی با سطوح مدیریت منطقه‌ای نیز هماهنگ باشند.

واژگان کلیدی: سیاست‌های هدایت و کنترل رشد، سکونتگاه‌های پیراشهری، هاله کلانشهری تهران، پیراشهرنشینی، سرریز توسعه

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکتم آشنایی با عنوان «تحلیل تاثیر سیاست‌های هدایت و کنترل رشد بر پیراشهرنشینی در هاله کلانشهری تهران» به راهنمایی دکتر دانشپور و مشاوره دکتر صراف در دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۹۲ است.

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۹۷۹۵۷۷، رایانامه: toktam.ashnaee@gmail.com

۱. مقدمه

روستایی تبدیل شده به شهر را سکونتگاه‌های پیراشهری نامید.

پدیده رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران، بیش از آن که معلول مهاجران تازه وارد روستایی باشد، نتیجه باز توزیع مجدد و جابه‌جایی جمعیت شهرنشین در درون منطقه کلانشهری تهران است (Zebardast, 2006). به طوری که بین نرخ رشد جمعیت نقاط شهری (دارای سیستم هدایت و کنترل رشد) با نقاط غیرشهری (فاقد سیستم هدایت و کنترل رشد) شکاف پیوسته‌ای وجود دارد و همواره نرخ رشد جمعیت نقاط غیرشهری بالاتر از نرخ رشد نقاط شهری بوده است (اسدی، ۱۳۸۹).

در این پژوهش هدف، تحلیل پیامد اعمال سیاست‌های هدایت و کنترل رشد همچون ضوابط و مقررات ساخت‌وساز بر روند رشد نقاط روستایی تبدیل شده به شهر (سکونتگاه‌های پیراشهری) در هاله کلانشهری تهران است. بنابراین پاسخ‌گویی به سوالات ذیل برای دستیابی به هدف پژوهش ضروری است. نخست آن که رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در هاله کلانشهری تهران دارای چه روندی بوده است؟ سپس، اعمال سیاست‌های کنترل رشد در نقاط روستایی تبدیل شده به شهر بر جابه‌جایی‌های فضایی جمعیت در هاله کلانشهری تهران^۱ چه تاثیری داشته است؟

فرضیه پژوهش بر این است که نقاط روستایی پیرامونی تهران (فاقد سیستم هدایت و کنترل رشد) که طی روند پیراشهرنشینی به نقاط شهری تبدیل می‌شوند با تاسیس شهرداری و تدوین سیاست‌های کنترل رشد شهری با کاهش نرخ رشد جمعیت روبه‌رو می‌گردند و جمعیت سرریز به قلمروهای پیرامونی فاقد سیاست‌های کنترلی روانه می‌شوند. بدین ترتیب نقاط روستایی همجوار آن‌ها شاهد افزایش رشد جمعیت خواهند بود. تداوم این چرخه باعث رشد قارچ‌گونه سکونتگاه‌های پیراشهری در فواصل دورتر از کلانشهر و گسترش فضایی پیراشهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران می‌شود. با بهره‌گیری از مبانی و چارچوب نظری پژوهش و همچنین روش تحلیل کمی و فضایی، داده‌های جمعیتی و فضایی مرتبط با رشد

در دهه‌های اخیر، شهرنشینی شتاب‌زده و افزایش جمعیت، نه تنها موجب شکل‌گیری پدیده‌های نوینی چون کلانشهرها و ابرشهرها شده بلکه جابه‌جایی‌های فضایی جمعیت بین نواحی شهری و پسرانه روستایی‌شان مرزهای مشخص شهرنشینی را گسسته است. نواحی و نقاط روستایی پیرامون شهر که به شدت تحت تاثیر فعالیت‌های شهری قرار دارند، اغلب به عنوان پیراشهر^۱ شناخته می‌شوند. شهرها با پیشروی به سوی اراضی کشاورزی و محیط طبیعی موجب شکل‌گیری و دگرگونی شهرها در اندازه‌های گوناگون، دگرگونی ماهیت روستایی به شهری در روستاهای در مرحله گذار و ایجاد پدیده پیراشهرنشینی^۲ می‌شوند.

از اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، کلانشهر تهران با گسترش اقتدار و نفوذ خود در شهرها و روستاهای پیرامونی ابعاد و گسترش فضایی خود را در منطقه مطرح می‌کند. تقسیم تهران به دو محدوده قانونی و خارج از محدوده بر اساس ضوابط طرح جامع ۱۳۴۷، باعث ظهور مسایلی چون گرانی زمین، ساخت‌وسازهای غیر مجاز و تخریب اراضی کشاورزی می‌گردد (مهدیزاده، ۱۳۸۲). اعمال سیاست‌های کنترل رشد در تهران و افزایش قیمت زمین و مسکن منتج از آن باعث برون‌فکنی و تغییر مکان فعالیت‌ها از کلانشهر تهران به خارج از مرزهای محدوده رسمی آن می‌شود. بدین ترتیب قدرت رقابت کلانشهر با نواحی پیرامونی‌اش کاهش می‌یابد که حاصل آن کندشدن رشد کلانشهر، توسعه ناپیوسته اراضی بلافصل آن، موازنه مهاجرتی به نفع نقاط غیرشهری، توسعه نواحی پیراشهری و افزایش نقاط روستا- شهری است (حاجی پور، ۱۳۸۷).

در یک فرایند تکراری، در حالی که قیمت زمین با افزایش جمعیت و خدمات در هر مرکز سکونتی بالا می‌رود، برون‌فکنی جمعیت و فعالیت به نواحی پیراشهری دورتر ادامه می‌یابد (غمامی و همکاران، ۱۳۸۶). تداوم چنین روندی از دهه ۱۳۵۰ تاکنون، افزایش روستاهای در حال گذار از ماهیت روستایی به شهری در محیط پیرامونی کلانشهر تهران را در پی دارد که می‌توان چنین مراکز

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۱۴

1- Peri-Urban

2- Peri-Urbanisation

3- Metropolitan Fringe

سکونتگاه‌های پیراشهری در هاله کلانشهری تهران با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS تحلیل و به سوالات پاسخ داده می‌شود.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر ماهیت و پرداختن به مساله توصیفی-تحلیلی قلمداد می‌شود. علاوه بر تبیین ماهیت، ویژگی‌ها و تشریح چگونگی مساله به ابعاد و چرایی آن نیز می‌پردازد. برای تبیین و توجیه دلایل نیاز به تکیه گاه استدلالی است که از طریق مبانی نظری موضوع در قالب پدیده پیراشهرنشینی و عوامل موثر بر آن فراهم می‌گردد. گردآوری اطلاعات مبانی نظری به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه کتب و مقالات به‌ویژه لاتین است. اطلاعات نمونه مطالعاتی در این پژوهش بر اساس اسناد و برنامه‌های مصوب در منطقه کلانشهری تهران و داده‌های جمعیتی سرشماری‌های مرکز آمار ایران در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ تهیه می‌شود. سپس اطلاعات و داده‌ها برای پاسخ به سوالات و دستیابی به هدف پژوهش تحلیل می‌گردد.

روش‌های تجزیه و تحلیل بسیار مختلف و گوناگون هستند. می‌توان سه شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات را به صورت تجزیه و تحلیل کیفی، کمی و فضایی تقسیم‌بندی نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹). شیوه تحلیل روند رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در هاله کلانشهری تهران ترکیبی از روش‌های کمی و فضایی است. شیوه تحلیل فضایی با استفاده از ابزارهای تحلیل در GIS و در فضای جغرافیایی هاله کلانشهری تهران و نقاط شهری و روستایی مستقر در آن صورت می‌پذیرد.

۳. مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

بررسی متون مرتبط با قلمروهای مختلف جغرافیایی و برنامه‌ریزی محیط پیرامونی شهرها و کلانشهرها حاکی از وجود مفاهیم متعددی است که در ارتباط با این قلمروها و کارکردهای چنین محیط‌هایی به کار می‌روند. تعریف مشخص و قابل قبولی در سطح جهانی برای این‌گونه از قلمروهای فضایی تدوین نشده که علت آن تنوع گسترده واژه‌ها و تعاریف است. پیراشهر و پیراشهرنشینی یکی از واژه‌های متداول در ادبیات

برنامه‌ریزی مرتبط با محیط پیرامونی شهرها است که در این پژوهش برای توصیف تحولات فضایی در محیط پیرامونی کلانشهر تهران به کار می‌روند.

بخش دوم مبانی نظری، به بررسی نظریات مرتبط با سیاست‌های هدایت و کنترل رشد می‌پردازد. سپس در مدل مفهومی تاثیر سرریز توسعه منتج از اعمال سیاست‌های کنترل رشد بر روند گسترش پیراشهرنشینی به‌منظور تدوین مدل مفهومی پژوهش بررسی می‌شود.

۱.۳. پیراشهر و توسعه پیراشهری: چالشی در برنامه‌ریزی فضایی منطقه‌ای

توصیف پیراشهر به عنوان لبه جغرافیایی و محیط پیرامونی شهر یکی از مرسوم‌ترین تعاریف است و با واژه‌هایی چون هاله، حاشیه، پیرامون نیز بیان می‌شود. در مطالعه دانشگاه ناتینگهام و لیورپول (۱۹۹۸)، پیراشهر به عنوان قلمروی پویا از لحاظ فضایی و ساختاری تعریف می‌شود که در آن فرایندهای توسعه شهری و روستایی درهم آمیخته، در لبه شهر و تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند. این ناحیه طیفی مشخص با مرزهای روشن نیست و به واسطه فشار بر منابع طبیعی و فرصت‌های بازار کار دارای الگو متغیر کاربری زمین است (Adell, 1999).

از منظر زیست‌محیطی، پیراشهر موزاییکی ناهمگن از اکوسیستم طبیعی یا انسان‌ساخت است که تحت تاثیر جریان‌هایی از سوی نظام شهری و روستایی قرار دارد. شهرها به واسطه جریان‌های طبیعی و تجاری کالاهای اکولوژیکی و خدمات به منابع مادی و محصولات پسرکرانه‌های روستایی‌شان گرایش پیدا می‌کنند. جریان‌هایی از مردم، تولیدات، کالا، سرمایه، اطلاعات و نیز منابع طبیعی، مواد زائد و آلودگی که می‌تواند به‌طور متقابل یکدیگر را تقویت نمایند یا سبب ایجاد روابط متضاد بین توسعه شهر و روستا شوند (Allen, 2003).

مداخلات سیاسی در پیراشهر نیازمند همکاری میان نه‌تنها مدیریت شهری و روستایی بلکه تمامی نهادها در سطح منطقه‌ای است (Adell, 1999). در چنین جوامعی مداخله بخش خصوصی و نهادهای محلی در مدیریت جوامع پیراشهری، اغلب بدون هیچگونه هماهنگی

مشخصی با ساختار مدیریت دولتی است. ماهیت، سرعت تغییرات و مکان پیراشهر موجب می شود که کمتر تحت کنترل های سخت گیرانه قرار گیرد (Narain and Nischal, 2007).

پیراشهر به عنوان فضایی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می تواند توصیف شود که در آن نظام های کشاورزی، شهری و طبیعی در تعاملی پایا و مداوم با یکدیگر قرار دارند. در نگاه سنتی شهرنشینی، به ارتباط بین شهر و پسرکانه روستایی آن با تکیه بر دوگانگی شهری-روستایی توجه می شود (Fazal, 2013). پیراشهر می تواند به معنی مکان، مفهوم و فرایند به کار رود. بر این اساس پیراشهر به کناره شهری و لبه جغرافیایی آن به عنوان مکان، به دخالت بین فعالیت ها و تعاملات شهری و روستایی به عنوان مفهوم و گذار از نواحی روستایی به شهری به عنوان فرایند اشاره دارد (Allen et al, 1999, Narain and Nischal, 2007).

وبستر^۱ در پژوهشی با مرکز تحقیقاتی آسیا و اقیانوسیه^۲ که توسط دانشگاه استنفورد انتشار یافته به مطالعه گذار نواحی روستایی به شهری در آسیای شرقی می پردازد. در طی یک فرایند، نواحی روستایی در پیرامون شهرها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به تدریج ویژگی های شهری کسب می نمایند. این فرایند با تغییرات اقتصاد محلی و ساختار اشتغال از کشاورزی به صنعتی، رشد سریع جمعیت و مهاجرت، افزایش ارزش زمین و اختلاط کاربری همراه است. فرایند توسعه نواحی پیراشهری به عنوان پیراشهرنشینی تعریف می شود که میزان تفرق سیاسی بالا و ظرفیت پایین نهادی در آن قابل توجه است (Webster, 2002).

بکستون^۳ (۲۰۰۸) پیراشهرنشینی را فرایند شهرنشینی پویا در ناحیه پیرامون کلانشهر توصیف می کند که درگیر دگرگونی کاربری اراضی روستایی و سطوح بالایی از رشد غیر کلانشهری است. فعالیت های کاربری زمین در آن نمایانگر عدم تجانس و ناهمگنی، تغییر و تحولات مستمر و ارزش های متناقض است. بسیاری از نواحی پیراشهری^۴ در حوزه نفوذ کلانشهر یا مراکز شهری قرار می گیرند و به آنها جهت تامین اهداف

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وابسته هستند. وی الگویی از گونه های مختلف پیراشهر را ارائه می کند. در این الگو به نقاط پیراشهری درون حوزه سفرهای آونگی به کلانشهر یا شهر مرکزی اشاره می شود که خود نیز می توانند ناحیه پیراشهری مختص به خود را داشته باشند (Buxton et al, 2008).

واژه پیراشهر علاوه بر لبه جغرافیایی شهر و پیوسته با آن، به فضایی گسسته و منفصل از شهر اما تحت تاثیر شهرگرایی آن نیز اشاره دارد. در این پژوهش «نواحی پیراشهری» توصیف کننده لبه جغرافیایی و نواحی پیوسته با شهر و «سکونتگاه یا نقاط پیراشهری» تبیین کننده نقاط روستای منفصل تبدیل شده به شهر هستند. «پیراشهرنشینی» در قالب فرایند تبدیل نقاط سکونتی روستایی به شهری در منطقه کلانشهری تهران تعریف می شود.

۲،۳. سیاست های هدایت و کنترل رشد^۵

نظریات گوناگونی درباره منافع و هزینه های الگوی توسعه نواحی پیراشهری مطرح است و جوامع در تلاش برای ممانعت از بروز علل و پیامدهای پیشروی شهری به سوی پسرکانه های روستایی از طریق اعمال سیاست های کنترل رشد هستند (Rodriguez et al, 2006). این سیاست ها طیفی از ابزارهای تاثیرگذار در شکل دهی الگوی فضایی رشد شهری^۶ و برخورد با پیشروی شهرنشینی در نواحی پیرامونی است (Pendall and Fulton, 2002).

کنترل رشد ابزاری برای پیش بینی و سازگار کردن نیازهای توسعه، ایجاد تعادل بین اهداف رقیب و به رسمیت شناختن نیازهای محلی در ارتباط با شرایط منطقه ای است و شامل مجموعه ای چون منطقه بندی، طرح های جامع، ضوابط و مقررات تفکیک و ساخت و ساز و... است (Nelson et al, 2004). به طور کلی سیاست های کنترل رشد به دنبال استفاده از سه گونه از ابزارها برای شکل دادن به رشد کلانشهری است؛ از جمله مرز رشد شهری، مرز خدمات شهری^۱ و طرح کمربند سبز^۲ (Rodriguez et al, 2006).

سیاست های کنترلی قلمروی فیزیکی رشد را محدود

1- Professor at the School of Global Studies and School of Sustainability, Arizona State University

2- Asia/Pacific Research Center

3- Buxton

4- Peri-Urban centers

5- Growth Control and Containment Policies

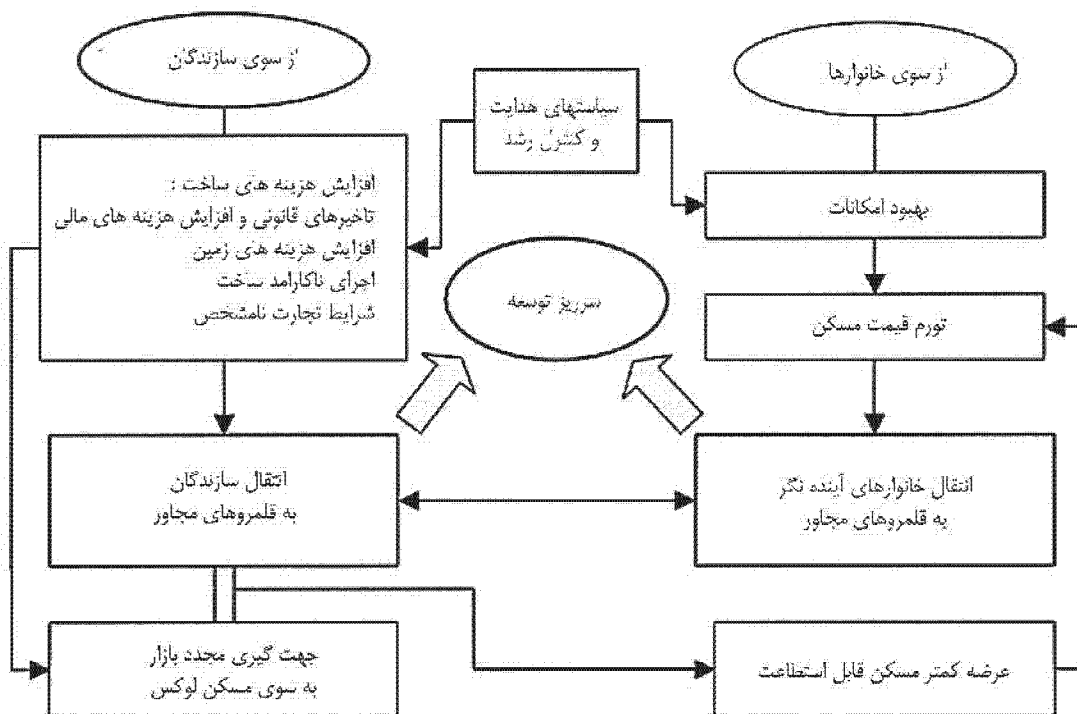
6- Urban Growth Boundary (UGB)

می‌سازند و بر رشد جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی و ساختار فضایی شهر در سطح منطقه تاثیرگذار هستند. بنا به استدلال منتقدان، کنترل رشد می‌تواند الگوی کاربری زمین را از شکل طبیعی خارج سازد و منجر به توسعه جهش قورباغه‌ای بیرون از مرزهای رشد شهری شود (Woo and Guldmann, 2011).

اعمال سیاست‌های هدایت و کنترل رشد موجب سرریز توسعه^۳ و جابه‌جایی فضایی جمعیت و فعالیت به سوی نواحی خارج از مرزهای رشد شهری می‌شود. سرریز توسعه به انتخاب مسکونی خانوارها (تقاضای مسکن) و تصمیم‌های محلی سازندگان (عرضه مسکن) اشاره دارد. بدین ترتیب که از یک سو سرریز توسعه یعنی خواست خانوارها برای حرکت به سوی نواحی که تحت تاثیر بازار نامناسب مسکن ناشی از کنترل رشد محلی است. بنابراین رشد جمعیت از مکان‌هایی با کنترل رشد شدید به قلمروهای مجاور با کنترل رشد کمتر منتقل می‌شود. در عرضه مسکن نیز، سرریز توسعه می‌تواند به عنوان انتقال توسعه مسکونی از نواحی که توسعه به سبب کنترل رشد در آن جا کم است به سوی قلمروهای

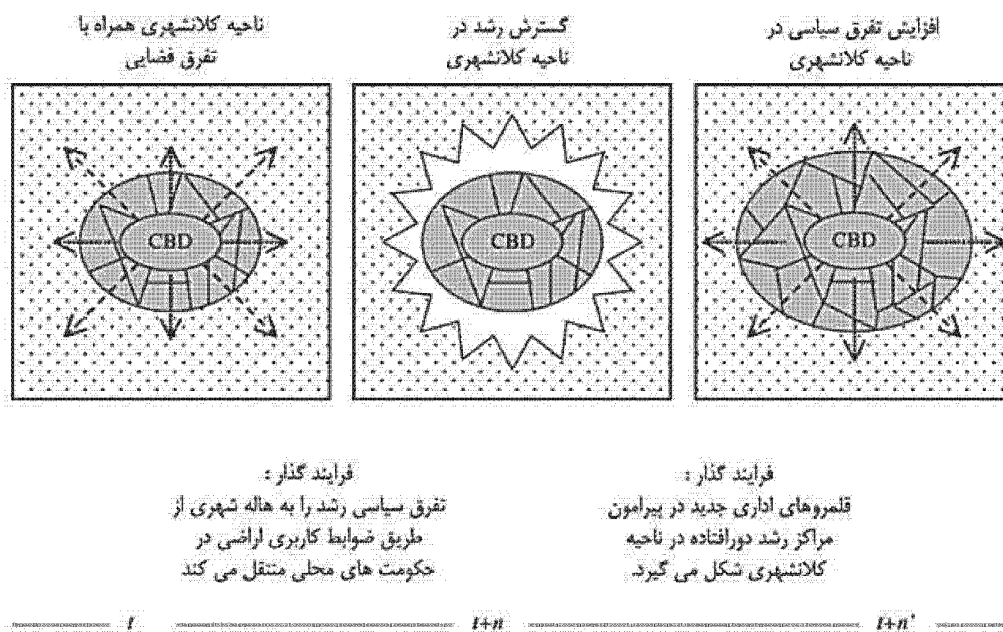
همجواری تعریف گردد که خانه‌سازی در آن پرسود و اعمال کنترل‌های رشد کمتر است. نمودار ۱ نشان می‌دهد که چگونه تقاضا و عرضه مسکن با یکدیگر به تولید سرریز توسعه می‌انجامد (Byun and Esparza, 2005).

در مناطق کلانشهری که تفرق سیاسی وجود دارد یعنی تعداد زیادی از قلمروهای حکومتی و مدیریتی محلی مستقل درون منطقه کلانشهری هستند که هر یک دارای حق، اختیار و صلاحیت اظهار نظر در بخشی از قلمرو منطقه‌اند و هیچ مرجع حکومتی واحد برای تصمیم‌گیری و عمل در گستره کل منطقه و چارچوب هماهنگ‌کننده‌ای وجود ندارد، در این شرایط پخش کنترل‌های رشد میان قلمروهای مدیریتی مختلف می‌تواند منجر به انتقال رشد جمعیت و توسعه مسکونی به نواحی پیرامونی گردد. این امر به نوبه خود وسعت یافتن دامنه تحولات در نواحی پیراشهری را به همراه دارد (Razin and Rosentraub, 2000, Pendall, 1999). کاروترزا^۱ در پژوهش «رشد در نواحی پیراشهری، تحت تاثیر تفرق سیاسی در نواحی کلانشهری امریکا» را



نمودار ۱. چارچوب مفهومی سرریز توسعه منتج از سیاست‌های کنترل رشد (Byun and Esparza, 2005)

1- Urban Service Boundary (USB)
2- Greenbelt
3- Spillover



شکل ۱. الگوی چرخه ارتباطی بین تفرق سیاسی و رشد نواحی پیراشهری (Carruthers, 2003)

بررسی می‌کند. در ساختار متفرق مدیریت کاربری زمین، حکومت‌های محلی مقررات کاربری زمین را برای تامین مزیت‌های سبک زندگی در حومه‌های شهری به تصویب می‌رسانند. تاثیر تفرق سیاسی بر ساختار فضایی کلانشهرها، افزایش روند رشد در نواحی پیراشهری (هاله شهری) است. به سبب محدودیت‌های سختگیرانه درون نواحی کلانشهری برای عرضه فضای قابل توسعه، سهم قابل توجهی از رشد به نواحی خارج از محدوده رسمی کلانشهری فشار وارد می‌سازد، جایی که زمین ارزان و نسبتاً فاقد ضوابط و مقررات سختگیرانه است. در نهایت قلمروهای سیاسی جدیدی در پیرامون این نقاط رشد بیرونی شکل می‌گیرند که خود الگوی تفرق سیاسی را نیز تقویت می‌نماید. شکل ۱ الگوی چرخه ارتباطی بین تفرق سیاسی و رشد نواحی پیراشهری را نشان می‌دهد (Carruthers, 2003).

بررسی می‌کند. در ساختار متفرق مدیریت کاربری زمین، حکومت‌های محلی مقررات کاربری زمین را برای تامین مزیت‌های سبک زندگی در حومه‌های شهری به تصویب می‌رسانند. تاثیر تفرق سیاسی بر ساختار فضایی کلانشهرها، افزایش روند رشد در نواحی پیراشهری (هاله شهری) است. به سبب محدودیت‌های سختگیرانه درون نواحی کلانشهری برای عرضه فضای قابل توسعه، سهم قابل توجهی از رشد به نواحی خارج از محدوده رسمی کلانشهری فشار وارد می‌سازد، جایی که زمین ارزان و نسبتاً فاقد ضوابط و مقررات سختگیرانه است. در نهایت قلمروهای سیاسی جدیدی در پیرامون این نقاط رشد بیرونی شکل می‌گیرند که خود الگوی تفرق سیاسی را نیز تقویت می‌نماید. شکل ۱ الگوی چرخه ارتباطی بین تفرق سیاسی و رشد نواحی پیراشهری را نشان می‌دهد (Carruthers, 2003).

کنترل رشد می‌تواند اثرات منفی بر بازار زمین و مسکن داشته باشد که در پی افزایش قیمت مسکن درون نواحی تحت کنترل رشد و کاهش ارزش زمین در خارج از محدوده‌های مذکور بروز می‌نماید. این سیاست‌ها ممکن است الگوی نامطلوبی از توسعه جهش قورباغه‌ای^۲ با افزایش سفرهای اونگی را ترویج دهند (Pendall et

بررسی می‌کند. در ساختار متفرق مدیریت کاربری زمین، حکومت‌های محلی مقررات کاربری زمین را برای تامین مزیت‌های سبک زندگی در حومه‌های شهری به تصویب می‌رسانند. تاثیر تفرق سیاسی بر ساختار فضایی کلانشهرها، افزایش روند رشد در نواحی پیراشهری (هاله شهری) است. به سبب محدودیت‌های سختگیرانه درون نواحی کلانشهری برای عرضه فضای قابل توسعه، سهم قابل توجهی از رشد به نواحی خارج از محدوده رسمی کلانشهری فشار وارد می‌سازد، جایی که زمین ارزان و نسبتاً فاقد ضوابط و مقررات سختگیرانه است. در نهایت قلمروهای سیاسی جدیدی در پیرامون این نقاط رشد بیرونی شکل می‌گیرند که خود الگوی تفرق سیاسی را نیز تقویت می‌نماید. شکل ۱ الگوی چرخه ارتباطی بین تفرق سیاسی و رشد نواحی پیراشهری را نشان می‌دهد (Carruthers, 2003).

کنترل رشد می‌تواند اثرات منفی بر بازار زمین و مسکن داشته باشد که در پی افزایش قیمت مسکن درون نواحی تحت کنترل رشد و کاهش ارزش زمین در خارج از محدوده‌های مذکور بروز می‌نماید. این سیاست‌ها ممکن است الگوی نامطلوبی از توسعه جهش قورباغه‌ای^۲ با افزایش سفرهای اونگی را ترویج دهند (Pendall et

1. Carruthers: "Growth at the fringe: The influence of political fragmentation in United States metropolitan areas

2. Leap-Frogging

۳. مسکن قابل استطاعت به ظرفیت خانوارها برای استفاده از خدمات مسکن اشاره دارد، به ویژه که ارتباط بین درآمد خانوار و قیمت (اجاره) مسکن را دربر می‌گیرد. خانوارها نباید بیشتر از ۳۰ درصد درآمد خود را برای مسکن بپردازند.

4. Local Restrictive Zoning

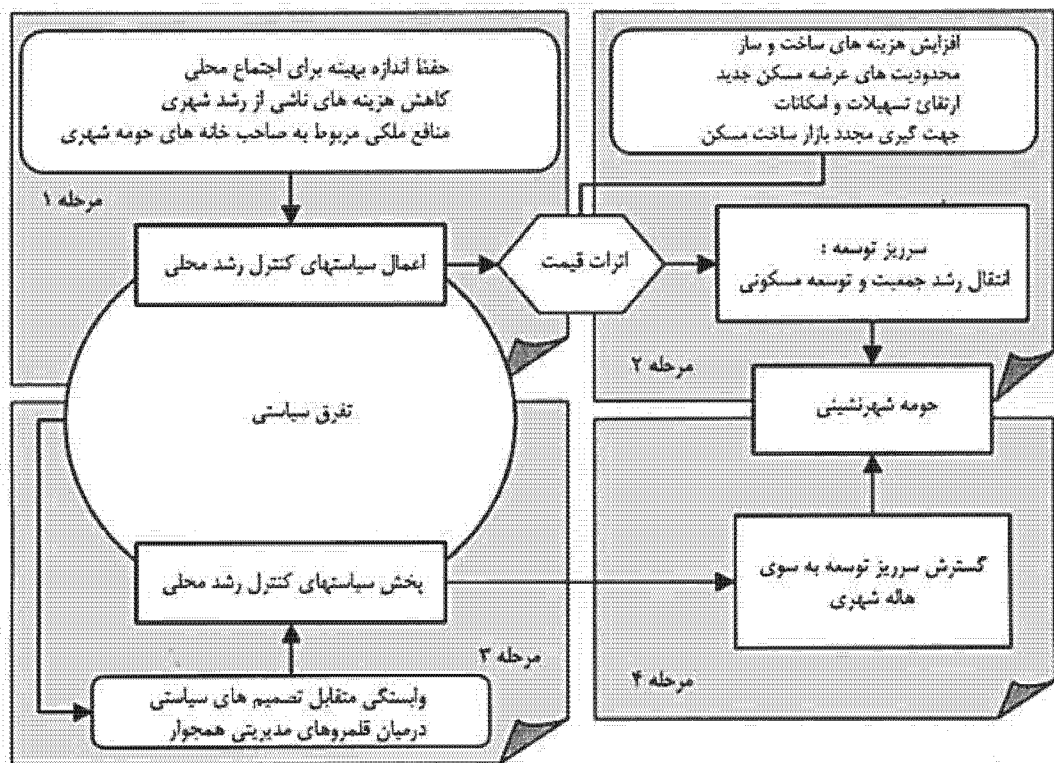
(Esparza,2005).

۳.۳. مدل مفهومی ارتباط گسترش پیراشهری و سیاست‌های کنترل رشد شهری

بایون و اسپارزا^۱ در نمودار ۲، مدل مفهومی را در چهار مرحله پیشنهاد می‌کنند که به تبیین حومه‌شهرنشینی به عنوان یکی از فرایندهای رشد شهرنشینی در هاله شهری یا نواحی پیراشهری می‌پردازد. مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های کنترل رشد محلی در منطقه کلانشهری با ساختار متفرق سیاسی به سرریز توسعه می‌انجامد و این سرریز توسعه به نیروی محرکه اصلی رشد در هاله شهری منجر می‌شود. به باور آنها این مدل تبیینی از فرایند پیش روی شهری به سوی هاله شهری یا نواحی پیراشهری در طی چند دهه اخیر است. در این مدل گذار از مرحله ۱ به ۲ و از ۳ به ۴ همزمان و به صورت چرخه‌ای صورت می‌گیرد (Byun and Esparza,2005).

مرحله اول نمودار نشان می‌دهد که قلمروهای مدیریت محلی با استفاده از اختیار برای تدوین مقررات کاربری زمین به تنظیم رشد جمعیت و توسعه زمین می‌پردازند. آنان برای کاهش هزینه‌های ناشی از رشد شهری در آینده همچون ازدحام ترافیک و آلودگی هوا، افزایش هزینه‌های زیرساخت‌های عمومی و از دست رفتن فضاهای باز و زمین‌های کشاورزی سیاست‌های کنترل رشد اعمال می‌کنند که می‌توانند به کند شدن روند رشد منجر شوند.

در مرحله دوم، با وجود شرایط تفرق سیاسی و کنترل‌های رشد اعمال شده از سوی حکومت‌های محلی، رشد جمعیت یا توسعه زمین به نواحی همجوار انتقال پیدا می‌کند. این فرایند سرریز توسعه، در حقیقت اثر منطقه‌ای اعمال کنترل رشد و منطقه‌بندی تحدیدکننده محلی است. اثرات قیمتی کنترل رشد (هزینه بالای مسکن) موجب تشدید سرریز توسعه می‌گردد. خانوارهای



نمودار ۲. مدل مفهومی سرریز توسعه و حومه‌شهرنشینی در هاله شهری، (Byun and Esparza,2005)

جویای مسکن یا ساکنان موجود به واسطه شرایط نامناسب بازار مسکن مجبور به جست‌وجوی مسکن جایگزین در نواحی همجوار می‌شوند. از سوی دیگر سازندگان مسکن، پروژه‌های خود را به نواحی انتقال می‌دهند که در آن کنترل‌های رشد وجود نداشته یا میزان آن اندک است تا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد. در این مرحله، سرریز توسعه در حقیقت نیروی محرکه حومه‌شهرنشینی یا فرایند رشد شهرنشینی در هاله شهری است. در مرحله سوم، کنترل‌های رشد در بین قلمروهای مدیریت محلی در منطقه کلانشهری پخش می‌شود. در این شرایط حکومت‌های محلی بر اثرات تصمیم‌های خود بر قلمروهای همجوار توجهی نمی‌کنند و هیچ‌گونه هماهنگی بین قلمروهای مدیریتی همجوار برای به حداقل رساندن اثرات منطقه‌ای سیاست‌های کنترل رشد وجود ندارد. اعمال کنترل رشد از سوی یک قلمرو محلی موجب تنگ‌تر شدن شرایط بازار مسکن از دید محلی و حتی منطقه‌ای می‌شود. این امر موجب انتقال سرریز توسعه به سوی نواحی فاقد کنترل رشد می‌گردد. در مرحله چهارم، سرریز توسعه هم‌زمان با جست‌وجوی اجباری مسکن جایگزین در نواحی همجوار از سوی خانوارها صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی قلمروهای مدیریتی، کنترل‌های رشد مضاعفی اعمال می‌کنند. بنابراین سرریز توسعه بیشتری اتفاق می‌افتد. این فرایند خانوارها را مجبور به جست و جوی مسکن در نواحی دورتر از کلانشهر می‌نماید. بازار مسکن و سازندگان مسکن به سرعت به این تقاضای مسکن و پخش کنترل‌های رشد پاسخ می‌دهند. این پاسخ به شکل جست‌وجوی نواحی جایگزین برای توسعه مسکونی است که کنترل رشد در آن‌ها کمتر است. بنابراین، به سرریز توسعه از سوی عرضه مسکن نیز می‌انجامد. بنابراین با وجود چنین سازوکار انتقال فضایی، سرریز توسعه می‌تواند رشد شهرنشینی در نواحی پیرامونی را تشدید نماید (Byun and Es-parza, 2005).

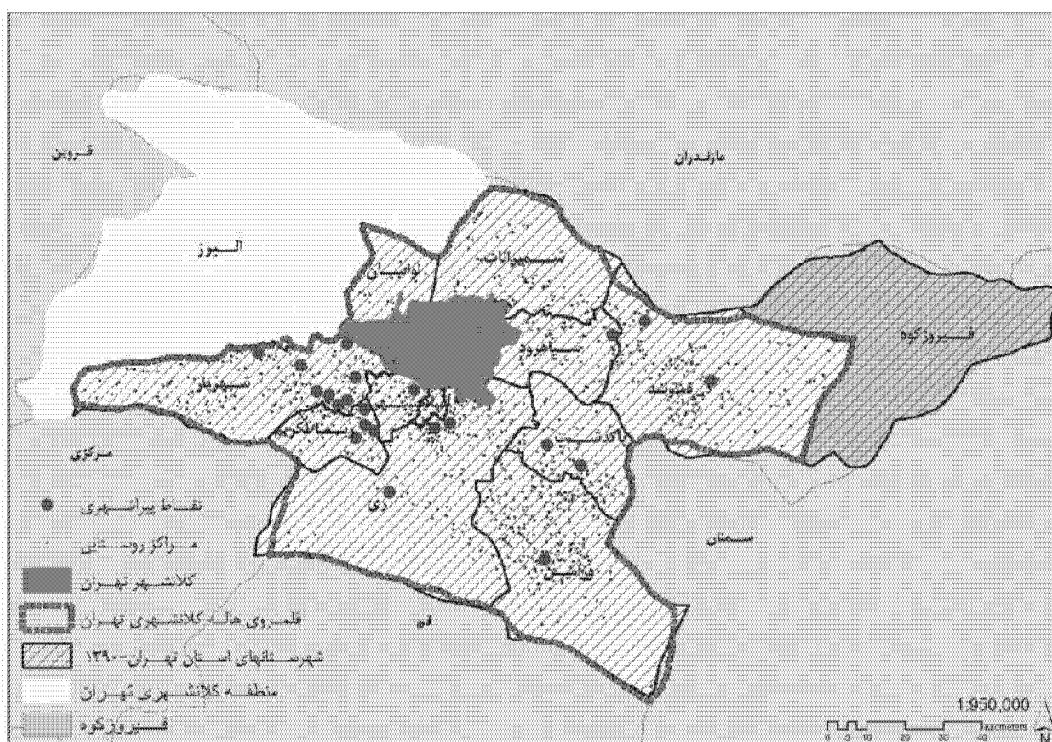
۴. معرفی محدوده مطالعاتی: هاله کلانشهری تهران و نقاط پیراشهری مستقر در آن هاله کلانشهری^۱ به عنوان ناحیه گذار بین نواحی شهری و روستایی توصیف می‌شود با ساکنان کم‌درآمد که از روستاها یا شهر مرکزی مهاجرت می‌کنند و درگیر فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی می‌شوند. نیز فضایی ناهمگن است که با احاطه شهر از طریق کاربری‌های متمایز بر محیط پیرامونی مسلط می‌گردد. کاربری کشاورزی، اشتغال و ارتباطات روستایی به تدریج جای خود را به فعالیت‌های شهری می‌دهند. ساختار فضایی آن در ارتباط مستقیم با توسعه کلانشهر و با گسترش شبکه حمل‌ونقل دگرگون می‌شود. فعالیت‌های شهری در این قلمرو گسترده‌تر و وابستگی به نواحی روستایی روزافزون می‌شود (Browder et al, 1995).

در این پژوهش، هاله کلانشهری به عنوان سطح کلان قلمروی مطالعاتی، بخشی از منطقه کلانشهری تهران است که با تاکید بر ارتباطات عملکردی و وابستگی به تهران تعیین می‌شود. از آنجا که آمار کمی مورد نیاز برای سنجش تحولات، تنها بر اساس تقسیمات سیاسی-اداری کشور در دسترس است، به ناچار قلمروی هاله کلانشهری نیز منطبق با این تقسیمات تعیین می‌گردد. این محدوده دربرگیرنده شهرستان‌های استان تهران به غیر از شهرستان فیروزکوه بر اساس تقسیمات سیاسی-اداری سال ۱۳۹۰ است. این شهرستان به دلیل فاصله زیاد از تهران در مجموعه شهری تهران نیز قرار نگرفته است (شکل ۲).

سطح خرد مطالعات، نقاط روستایی هستند که با شکل‌گیری منطقه کلانشهری تهران از دهه ۱۳۵۰ دستخوش تغییرات گسترده‌ای قرار گرفته و عنوان شهر به آن‌ها اطلاق شده است. در این پژوهش، نقاط جمعیتی که در سرشماری ۱۳۷۵ عنوان روستا دارند اما در سرشماری ۱۳۸۵ یا ۱۳۹۰ به تنهایی یا ادغام با چند روستای دیگر عنوان شهر به آن‌ها اطلاق می‌شود، به عنوان «نقاط پیراشهری» معرفی می‌شوند.

۵. بحث و یافته‌های پژوهش

در این بند با استفاده از مفاهیم و مبانی نظری مطالعاتی



شکل ۲. موقعیت هاله کلانشهری و نقاط پیراشهری مستقر در آن در پهنه سرزمینی منطقه کلانشهری تهران؛ منبع: بر اساس تقسیمات سیاسی- اداری کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و تحلیل نگارندگان در GIS

به سوالات پژوهش پاسخ می‌دهد. ابتدا این که، رشد سکونتگاه‌های (نقاط) پیراشهری در هاله کلانشهری تهران دارای چه روندی بوده است؟ سپس آن که، اعمال سیاست‌های کنترل رشد فضایی در سکونتگاه‌های (نقاط) پیراشهری بر جابه‌جایی‌های فضایی جمعیت در هاله کلانشهری تهران چه تأثیری داشته است که بر اساس مدل مفهومی پژوهش تأثیرات آن تحلیل می‌شود.

۱.۵ تحلیل روند رشد نقاط پیراشهری مستقر در هاله کلانشهری تهران

تحلیل روند گسترش نقاط پیراشهری مستلزم شناخت فرایند رشد نقاط روستایی تبدیل شده به شهر در هاله کلانشهری تهران، بر اساس بررسی روند تغییرات آمار و نقشه‌ها در یک دوره زمانی و بر مبنای استانداردهای مشابه است. تحلیل فرایند رشد بر مبنای آمارهای جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ و ۱۳۹۰ خورشیدی و نیز تغییرات وسعت اراضی شهری شده بر اساس تصاویر ماهواره‌ای لندست ۱۹۸۸،

۲۰۰۶ میلادی است.

• تحلیل فرایند رشد بر اساس تحولات جمعیتی از اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی کلانشهر تهران با گسترش نفوذ خود در شهرها و روستاهای پیرامونی گسترش فضایی خود را در سطح منطقه مطرح می‌کند. فرافکنی توسعه به نواحی پیرامونی و تمرکززدایی فعالیت‌های اقتصادی از تهران بر شکل‌گیری نظام مراکز سکونتگاهی پیراشهری تأثیرگذار بوده است. اما این تراکم‌زدایی و فرافکنی فضایی و جغرافیایی به صورت ایجاد سکونتگاه‌هایی متصل و پیوسته به شهر تهران نبوده و رشد این جوامع منجر به ایجاد تمرکزهای جدیدی شده است (مهندسان مشاور آمایش و توسعه البرز، ۱۳۸۸).

تداوم این روند از دهه ۱۳۵۰ تاکنون موجب شکل‌گیری اشکال سکونتی متنوعی در پیرامون تهران شده که گونه‌بندی عام از آنها را نیز دشوار ساخته است. می‌توان چنین اشکال سکونتی را برای تحلیل فرایند

جدول ۱. سهم اشکال سکونتی از جمعیت شهری هاله کلانشهری تهران و تغییرات رشد جمعیت، ۱۳۹۰-۱۳۵۵؛ منبع: بر اساس آمارهای جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۵۵ و ۱۳۹۰ و محاسبات نگارندگان.

میزان جمعیت -۱۳۵۵ ۱۳۹۰	۱۳۹۰		۱۳۵۵		جمعیت اشکال سکونتی
	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	
۰.۸	٪۷۳.۷۲	۸۱۵۴۰۵۱	٪۹۸	۴۵۳۰۲۲۳	کلانشهر تهران
۵.۴۵	٪۲.۹۵	۳۲۶۵۶۹	٪۱.۱۰	۵۰۷۰۲	شهرهای اصلی ^۱ (شهرهای موجود در سال ۱۳۴۵)
-	٪۱.۴۷	۱۶۲۷۹۷	-	-	شهرهای جدید
۵۴.۹۸	٪۲۱.۸۶	۲۴۱۷۸۶۹	٪۰.۹۳	۴۳۱۸۶	نقاط پیراشهری ^{۲۲} (نقاط روستایی شهری شده)
۱.۴۰	٪۱۰۰	۱۱۰۶۱۲۸۶	٪۱۰۰	۴۶۲۴۱۱۱	جمعیت شهری هاله کلانشهری

شهری هاله کلانشهری در سال ۱۳۹۰ تنها ۱.۴۷ درصد است.

نقاط پیراشهری: از میان شهرهای موجود در سرشماری ۱۳۹۰ به غیر از شهرهای اصلی و شهرهای جدید، سایر شهرهای مستقر در هاله کلانشهری تهران، مراکز روستایی پیرامونی هستند که در اثر تحولات شهرنشینی در منطقه دستخوش تغییرات گسترده‌ای قرار می‌گیرند و عنوان شهر به آنها اطلاق می‌شود. سهم این نقاط پیراشهری از حدود ۰.۹۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۱.۸۶ درصد در سال ۱۳۹۰ می‌رسد.

شهرک‌های مسکونی: از جمعیت‌پذیری این الگوی سکونتی و در سال‌های اخیر مجموعه‌های مسکن مهر که به صورت منفصل در خارج از محدوده‌های شهری و در اراضی متعلق به دولت مکان-یابی می‌گردند، در سرشماری‌ها به طور دقیق آماری موجود نمی‌باشد.

طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۰ خورشیدی سهم جمعیت نقاط پیراشهری از جمعیت شهری هاله کلانشهری تهران افزایش می‌یابد که با اختلاف قابل توجهی بالاتر از شهرهای اصلی و شهرهای جدید است. کاهش سهم کلانشهر تهران از جمعیت شهری هاله کلانشهری از

رشد شهرنشینی در هاله کلانشهری تهران بدین‌گونه دسته‌بندی نمود:

- شهرهای اصلی
 - شهرهای جدید
 - شهرک‌های مسکونی و مجتمع‌های مسکن مهر
 - سکونتگاه‌های پیراشهری (نقاط روستایی شهری شده)
- شهرهای اصلی: کرج، اشتهارد، پیشوا، دماوند، ورامین، تجریش و ری بر اساس سرشماری ۱۳۴۵ یعنی در قبل از شکل‌گیری منطقه کلانشهری تهران به عنوان شهر شناخته می‌شوند. به جز تجریش و ری که در کلانشهر تهران ادغام می‌گردند، سایر شهرها همراه با گسترش تهران و تحت تاثیر فزاینده جمعیت و مهاجرت به عنوان شهرهای اصلی در منطقه معرفی می‌شوند. بر اساس نتایج جدول ۱ سهم جمعیتی شهرهای پیشوا، دماوند و ورامین^۱ از کل جمعیت شهری هاله کلانشهری از ۱.۱۰ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲.۹۵ درصد در سال ۱۳۹۰ می‌رسد.

شهرهای جدید: هدف، جذب سرریز جمعیت کلانشهر از طریق ایجاد کانون‌های اشتغال است. سهم جمعیت شهرهای جدید اندیشه، پردیس و پرنده از کل جمعیت

۱. نقاط پیراشهری سال ۱۳۵۵: شهریار، قرچک، قدس، ملارد، حسن‌آباد و نقاط پیراشهری سال ۱۳۹۰: شهریار، قرچک، قدس، ملارد، حسن‌آباد، آبسرد، ابعلی، اسلام‌شهر، باغستان، باقرشهر، بومهن، پاکدشت، جوادآباد، چهاردانگه، رودهن، رباط‌کریم، شاهدشهر، شریف‌آباد، صالح‌آباد، صباحشهر، صفادشت، فردوسی، فرون‌آباد، فشم، کهریزک، کیلان، گلستان، لوسان، نسیم شهر، نصیرشهر، وحیدیه

جدول ۲. مساحت و درصد تغییرات اراضی شهری در اشکال سکونتی، منبع: علیمحمدی، ۱۳۸۸

اشکال سکونتی	مساحت اراضی - ۱۹۸۸			
	هکتار	درصد	هکتار	درصد
کلانشهر تهران	۴۱۱۰۶.۲۵	۷۹.۹۶	۵۹۲۸۶.۶۲	۷۶.۶۰
شهرهای اصلی	۶۲۴۲.۲۵	۱۲.۱۴	۸۰۹۱.۵	۱۰.۴۵
نقاط پیراشهری	۴۳۴۷.۷۵	۸.۴۶	۱۰۰۰۷.۱۳	۱۲.۹۳

می دهد. رشد فزاینده جمعیت به همراه گسترش ابعاد کالبدی نقاط پیراشهری نمایانگر دگرگونی و تحولات سریع و گسترده در هاله کلانشهری تهران و رشد پیراشهرنشینی است.

۲.۵. تحلیل پیامد اعمال سیاست‌های کنترل رشد در نقاط پیراشهری بر جابه‌جایی‌های فضایی جمعیت در هاله کلانشهری تهران

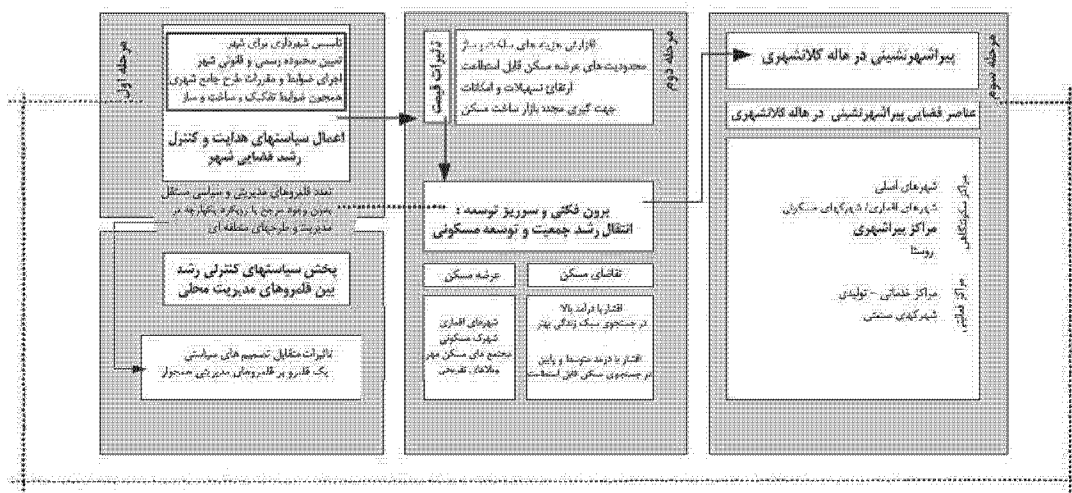
بر اساس مبانی نظری مطالعات و نظریه بایون و اسپرازا (۲۰۰۵) مدل مفهومی پژوهش تدوین می‌شود. بر این اساس اعمال سیاست‌های کنترل رشد از طریق تاسیس شهرداری، تعیین محدوده قانونی و اجرای ضوابط و مقررات شهری (مرحله اول) موجب افزایش هزینه‌های ساخت و ساز، محدودیت در عرضه مسکن قابل استطاعت می‌شود که چنین تاثیرات قیمتی، سرریز توسعه یعنی انتقال رشد جمعیت و توسعه‌های مسکونی (مرحله دوم) را در پی دارد. در شرایط وجود تعدد قلمروهای مدیریتی در منطقه کلانشهری تهران، وجود ۶۰ شهرداری و ۹۶ دهیاری مستقل (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و بدون وجود رویکرد منطقه‌ای در مدیریت آن‌ها، هر یک از مراکز جمعیتی به تدوین سیاست‌هایی در چارچوب محدوده قانونی خود می‌پردازند و در رقابت بین قلمروهای مدیریت محلی بر سر کسب درآمدهای بالاتر به پیامدهای اعمال چنین سیاست‌هایی بر نواحی پیرامونی توجهی نمی‌شود (باید خاطر نشان کرد که طرح‌های توسعه منطقه‌ای موجود از جمله مجموعه شهری تهران (۱۳۷۵)، آمایش استان تهران (۱۳۸۸) و طرح کالبدی البرز جنوبی (۱۳۷۷) تاکنون در حد طرح و برنامه باقی‌مانده و نقشی در ایجاد یکپارچگی

۹۸ به ۷۳ درصد، برون فکنی و سرریز توسعه به مراکز جمعیتی پیرامونی تهران را نشان می‌دهد و همچنین این امر نمایانگر روند در حال رشد نقاط روستایی پیرامون کلانشهر تهران و گذار سریع چنین نقاط روستایی به شهری و رشد شهرنشینی پیرامونی در منطقه است.

• تحلیل فرایند رشد بر اساس تغییرات اراضی شهری شده

اثرگذاری فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست به واسطه تغییرات کاربری قابل ارزیابی است. با استفاده از پردازش تصاویر چند زمانه ماهواره لندست TM (۱۹۸۸) و IRS (۲۰۰۶) روند تغییرات وسعت اراضی شهری را می‌توان بررسی نمود. برای مقایسه میزان تغییرات کالبدی اشکال سکونتی در هاله کلانشهری تهران محدوده اراضی ۳۶ شهر موجود در سال ۱۳۹۰ بر روی تصاویر ماهواره‌ای بررسی می‌گردد. محدوده تعدادی از این شهرها به واسطه نبود مغایرت کافی یا کم بودن وسعت، بر روی تصاویر ۱۹۸۸ قابل تشخیص نیست. به دلیل عدم وجود شهرهای جدید در تصاویر ۱۹۸۸ نیز مقایسه آن‌ها مقدور نمی‌باشد (علیمحمدی، ۱۳۸۸).

جدول ۲ روند تغییرات وسعت اراضی شهری در هر یک از اشکال سکونتی را نشان می‌دهد. بیشترین میزان تغییرات اراضی شهری متعلق به نقاط پیراشهری است. روستاهایی که طی دوره ۱۹۸۸-۲۰۰۶ به شهر تبدیل می‌شوند، بیشترین میزان تغییرات اراضی شهری در را شامل می‌شوند. میزان گسترش اراضی شهری تهران در این دوره حدود ۴۴ درصد است. در حالی که میزان تغییرات اراضی شهری گسسته از کلانشهر و در نقاط روستایی شهری شده پیرامونی آن ۱۳۰ درصد را نشان



چرخه گسترش پیراشهرنشینی

نمودار ۳. مدل مفهومی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

شدن و پس از آن مشخص می‌گردد. نقاط پیراشهری که سال شهر شدن آنها نزدیک به سال ۱۳۷۵ است، این سال مبنای شهر شدن قرار می‌گیرد و نرخ رشد جمعیت دوره ۱۰ ساله قبل (۱۳۶۵-۱۳۷۵) و پس از آن (۱۳۷۵-۱۳۸۵) ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب سرشماری کارگاهی ۱۳۸۱ و سرشماری ۱۳۸۵ نیز به عنوان سال مبنا مد نظر هستند.

در مقایسه نرخ رشد جمعیت در تمامی سکونتگاه‌های پیراشهری پیش از شهر شدن و پس از آن، کاهش قابل توجه نرخ رشد جمعیت پس از شهر شدن مشاهده می‌شود. این امر نمایانگر آن است که اعمال سیاست‌های کنترل رشد و ضوابط و مقررات کاربری اراضی و مجوزهای ساخت و ساز در کاهش نرخ رشد جمعیت این مراکز جمعیتی تأثیرگذار است.

جمعیت کم‌درآمد خواهان سکونت به محض استقرار ساختارهای مدیریتی و اعمال کنترل رشد، مکان دیگری را برای سکونت جستجو می‌کند (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۵). در مرحله سوم که رشد نقاط پیراشهری و تکرار چرخه گسترش پیراشهرنشینی است، نقاط روستایی با سیاست‌های کنترلی ضعیف یا فاقد آن در همجواری سکونتگاه‌های پیراشهری وجود دارند که برون‌فکنی جمعیت منتج از اعمال کنترل رشد و جابه‌جایی فضایی جمعیت به این نقاط روستایی صورت می‌گیرد. بنابراین برای سنجش مدل مفهومی، نقاط روستایی همجوار با

مدیریت منطقه‌ای و هماهنگی بین مدیریت‌های محلی نداشته‌اند. بدین ترتیب انتقال جمعیت از مراکز جمعیتی دارای کنترل رشد به مراکزی با سیاست‌های کنترلی ضعیف و یا فاقد آن روانه می‌شوند. پیراشهرنشینی در هاله کلانشهری به صورت افزایش تعداد نقاط پیراشهری (مرحله سوم) جلوه‌گر می‌شود. با تمرکز جمعیت سرریز در نواحی جدید و اعمال کنترل‌های رشد جدید پس از مدتی چرخه قبلی تکرار می‌شود. تداوم این چرخه گسترش پیراشهرنشینی و رشد نقاط پیراشهری را در پی خواهد داشت (نمودار ۳).

در مرحله اول و دوم مدل مفهومی باید تأثیرات اعمال سیاست‌های کنترل رشد را بررسی نمود. بدین منظور نقاط پیراشهری یعنی روستاهایی که طی سرشماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به شهر تبدیل می‌شوند، برای سنجش در مدل انتخاب می‌گردند. تعیین مبنا برای سنجش تغییرات پیش از اعمال سیاست‌های کنترلی و پس از آن یک ضرورت است. بنابراین مبنای عمل سنجش وضعیت، همزمان با سال شهر شدن و تاسیس شهرداری در آن تعیین می‌شود.

میزان تغییرات رشد جمعیت در نقاط پیراشهری در پیش از شهر شدن و پس از آن معیاری برای سنجش کمی پیامد اعمال سیاست‌های کنترل رشد فضایی است. در جدول ۳ مشخصات سکونتگاه‌های پیراشهری، سال شهر شدن و نرخ رشد جمعیت آن‌ها پیش از شهر

جدول ۳. مشخصات نقاط پیراشهری، سال شهرشدن و نرخ رشد جمعیتی پیش از شهر شدن و پس از آن
منبع: آمارهای جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۹۰ و سرشماری کارگاهی ۱۳۸۱

سکونتگاه‌های پیراشهری	جمعیت			شکل	نرخ رشد جمعیت پیش	
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵		(۱۳۶۵-۱۳۷۵)	(۱۳۸۵-۱۳۷۵)
نسیم شهر	۱۷۵۰	۸۵۱۲۴	۱۳۵۸۴۶	۱۳۷۴	۴۷۶۴.۲۳	۵۹.۵۹
ملارد	۹۶۸۷	۸۸۱۱۸	۲۲۸۱۷۱۳	۱۳۷۴	۸۰۹۶۵	۱۵۹.۵۵
صباشهر	۲۷۵	۱۲۵۴۲	۱۸۱۶۷	۱۳۷۵	۴۴۶۰.۷۳	۴۴.۸۵
وحیدیه	۱۵۶۲	۱۴۷۶۵	۲۴۹۰۴	۱۳۷۵	۸۴۵.۲۶	۶۸.۶۷
شاهدشهر	۴۲۱	۱۳۶۲۳	۱۸۸۵۵	۱۳۷۶	۳۱۳۵.۸۷	۳۸.۴۱
صفادشت	۲۸۱	۶۸۲۵	۱۵۸۸۷	۱۳۷۷	۲۳۲۸.۸۳	۱۳۲.۷۸
گلستان	۹۷۷۷	۱۰۴۴۸۱	۲۳۱۹۰۵	۱۳۷۷	۹۷۳.۰۳	۱۲۱.۹۶
سکونتگاه‌های پیراشهری	جمعیت			شکل	نرخ رشد جمعیت پیش	
	۱۳۸۱	۱۳۷۵	۱۳۸۵		(۱۳۷۵-۱۳۸۱)	(۱۳۸۵-۱۳۸۱)
فردوسیه	۱۷۱۱۳	۱۰۸۱۵	۱۹۳۱۲	۱۳۷۹	۵۸.۲۳	۱۲.۸۵
چهاردانگه	۴۱۹۴۳	۳۶۷۳۶	۴۲۲۳۸	۱۳۷۹	۱۴.۱۷	۰.۷۰
کهریزک	۹۶۳۱	۷۸۱۵	۹۸۲۰	۱۳۷۹	۲۳.۲۴	۱.۹۶
شریف آباد	۷۹۵۱	۴۰۵۴	۸۸۹۴	۱۳۷۹	۹۶.۱۳	۱۱.۸۶
سکونتگاه‌های پیراشهری	جمعیت			شکل	نرخ رشد جمعیت پیش	
	۱۳۹۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵		(۱۳۷۵-۱۳۸۵)	(۱۳۹۰-۱۳۸۵)
باغستان	۷۱۸۶۱	۲۲۳۸۱	۵۲۴۶۳	۱۳۸۳	۶۷.۲۰	۳۶.۹۷
نصیر شهر	۲۶۹۳۵	۹۴۹۰	۲۳۸۰۲	۱۳۸۴	۱۵۰.۸۱	۱۴.۱۶
صالحیه	۵۶۳۵۶	۱۹۹۲۲	۵۴۲۳۸	۱۳۸۴	۱۷۲.۲۰	۴.۹۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۲۵

جدول ۴. جمعیت و نرخ رشد جمعیت نقاط پیراشهری و نقاط روستایی همجوار آن‌ها، ۱۳۷۵-۱۳۸۵؛ منبع: آمار جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و محاسبات نگارندگان

نقاط پیراشهری	سال شهر شدن	جمعیت		نقاط روستایی همجوار	جمعیت	نرخ رشد جمعیت پیش
		۱۳۷۵	۱۳۸۵			
نسیم شهر	۱۳۷۴	۸۵۱۲۴	۱۳۵۸۴۶	خیرآباد	۵۹.۵۸	۱۵۴.۰۰
صبا شهر	۱۳۷۵	۱۲۵۴۲	۱۸۱۶۷	ویره	۴۴.۸۴	۱۴۳.۹۹
گلستان	۱۳۷۷	۱۰۴۴۸۱	۲۳۱۹۰۵	نصیرآباد	۱۲۱.۹۶	۱۵۰.۸۱
				قاجار	۹۴۹۰	۲۳۸۰۲
				صالحیه	۱۷۲.۲۰	۱۷۲.۲۰

نقاط پیراشهری و در شعاع ۵ کیلومتری آن‌ها، با جمعیتی بالاتر از ۳۵۰۰ نفر انتخاب می‌شوند که پتانسیل تبدیل شدن به شهر از لحاظ آستانه جمعیتی را دارا هستند. در جدول ۴ مقایسه نرخ رشد جمعیت نقاط پیراشهری و نقاط روستایی همجوارشان طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵، بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت روستاهای فاقد سیاست‌های کنترل رشد نسبت به سکونتگاه‌های پیراشهری با سیاست‌های کنترل رشد را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه روستاهای نصیرآبادقاجار و صالحیه در پیرامون سکونتگاه پیراشهری گلستان از جمله روستاهایی هستند که همزمان با اعمال سیاست‌های کنترل رشد در گلستان و کاهش نرخ رشد جمعیت در آن، با نرخ رشد جمعیت فزاینده‌ای همراه می‌شوند. به طوری که در سرشماری سال ۱۳۸۵ با افزایش سریع جمعیت عنوان شهرهای نصیرشهر و صالحیه به آن‌ها اطلاق و سیاست‌های کنترل رشد فضایی در آن‌ها اعمال می‌گردد.

بر اساس مدل مفهومی پژوهش در پیرامون نصیرشهر و صالحیه، این دو روستای تبدیل شده به شهر، نیز می‌توان روستاهایی یافت که طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ شاهد افزایش نرخ رشد جمعیت باشند. چرخه رشد نقاط پیراشهری و گسترش قارچ‌گونه آن در هاله کلانشهری تهران طی نیز تکرار می‌شود. بر اساس نتایج جدول ۵ نرخ رشد جمعیت سکونتگاه‌های پیراشهری جدید صالحیه و نصیرشهر با تاسیس شهرداری و اعمال ضوابط و مقررات شهری طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ کاهش می‌یابد. همزمان روستاهای سفیدار و میمنت‌آباد در فاصله کمتر از ۵

کیلومتری آن دو با نرخ رشد جمعیتی بالاتر رو به رشد هستند. با تداوم چنین چرخه‌ای، انتظار می‌رود که در سرشماری ۱۳۹۵ به این دو روستا عنوان شهر اطلاق شود.

بدین ترتیب در چرخه گسترش پیراشهرنشینی در هاله کلانشهری تهران، ابتدا روستای سلطان‌آباد در دهه ۱۳۶۰ جاذب سرریز توسعه و برون‌فکنی جمعیت از تهران و شهرهای اصلی در منطقه کلانشهری است. این روستا با رشد سریع جمعیت در سال ۱۳۷۵ به شهر گلستان تبدیل می‌شود. در طی یک دهه اجرای سیاست‌های کنترل رشد شهری، نرخ رشد جمعیت در شهر گلستان کاهش می‌یابد و در عین حال روستاهای همجوار چون نصیرآباد قاجار و صالح آباد که فاقد سیاست‌های کنترلی بودند، با رشد فزاینده جمعیت روبه‌رو می‌شوند. در نهایت با افزایش جمعیت در سال ۱۳۸۵ آن دو نیز به شهر تبدیل می‌شوند. این چرخه رشد شهرنشینی پیرامونی با سرریز توسعه منتج از اعمال سیاست‌های کنترل رشد در آن‌ها نیز ادامه می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای راهبردی

رشد سریع جمعیت و مهاجرت موجب دگرگونی الگوی توسعه فضایی و کاربری زمین در نواحی پیرامونی کلانشهرها می‌شود. سکونتگاه‌های پیراشهری با زیرساخت‌های ضعیف و خدمات شهری نارسا مانعی برای توسعه منطقه کلانشهری پایدار هستند. پیراشهرنشینی و گسترش فضایی هاله کلانشهری ناشی از تقاضا و عرضه برای مکان سکونت و فعالیتی است که برخی از چنین انتخاب‌هایی تحت تاثیر کنترل‌های رشد قرار می‌گیرند. به‌ویژه در شرایطی که با

جدول ۵. جمعیت و نرخ رشد جمعیت نقاط پیراشهری و نقاط روستایی همجوار، ۱۳۸۵-۱۳۹۰

منبع: آمار جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، ۱۳۹۰

نقاط پیراشهری جدید	جمعیت		نقاط	پیراشهری جدید	جمعیت	
	۱۳۸۵	۱۳۹۰			۱۳۸۵	۱۳۹۰
نصیرشهر	۲۲۸۰۲	۲۶۹۳۵	سفیدار	۱۳۰۱۶	۲۴۰۰۶	
صالحیه	۵۴۲۲۸	۵۶۳۵۶	میمنت آباد	۳۰۹۲	۲۱۰۴۲	

وجود تعدد قلمروهای مدیریت محلی در سطح منطقه کلانشهری سیاست‌های کنترل رشد در چارچوب رویکرد مدیریتی و طرح‌های منطقه‌ای یکپارچه اجرا نمی‌شوند.

قلمروهای مدیریتی شهری و روستایی پیرامون کلانشهر تهران هر یک به‌طور مستقل دارای برنامه و سیاست‌های کنترلی قوی یا ضعیفی برای رشد هستند. در منطقه کلانشهری تهران، سیاست‌های کنترل رشد که برای جلوگیری از پیشروی فضایی به اجرا در می‌آیند، بدون در نظر گرفتن تأثیرات این سیاست‌ها بر قلمروهای همجوار هستند. هر مرکز روستایی که در اثر انتقال رشد جمعیت و توسعه مسکونی در طی زمان با رشد سریع جمعیت روبه‌رو می‌شود، در نهایت در شهر مجاور ادغام یا عنوان شهر به آن اتخاذ می‌شود. با اعمال سیاست‌های کنترل رشد فضایی، نرخ رشد جمعیت روستای تبدیل‌شده به شهر تا حدودی کنترل می‌شود اما از سویی موجب انتقال سرریز توسعه و برون‌فکنی جمعیت به سوی نواحی می‌گردد که دارای کنترل رشد ضعیف یا فاقد آن هستند.

سرریز جمعیت مکانی را برای سکونت انتخاب می‌کند که هزینه‌های زندگی و قیمت زمین پایین‌تر از شهر است. نیازی به پرداخت هزینه‌های بالای ساخت و ساز نیست و در عین حال امکان دسترسی به بازار کار و فعالیت در شهرهای پیرامون وجود دارد. چنین روستاهای همجواری در ابتدا مقصد هدف جمعیت رانده شده از شهر قرار می‌گیرند و با مرور زمان در پی رشد جمعیت خود به شهر تبدیل می‌شوند و با اعمال کنترل رشد، نرخ رشد جمعیت‌شان کاهش و سپس چرخه سرریز توسعه منتج از اعمال کنترل رشد تکرار می‌شود. تداوم و پیوستگی چنین گذاری موجب گسترش پیراشهرنشینی و رشد پراکنده سکونتگاه‌های پیراشهری در سطح منطقه کلانشهری می‌شود.

بر اساس نتایج به‌دست آمده از این پژوهش چندین پیشنهاد راهبردی مطرح می‌شود:

• نیاز به درک عمیق از فرایند پیراشهرنشینی و شناخت تغییر ماهیت نواحی روستایی و شهری در منطقه کلانشهری است. توسعه نواحی پیراشهری مستلزم

رویکردی نوین به ارتباطات شهری- روستایی در منطقه است. منطقه به عنوان سیستمی از نواحی روستایی، پیراشهری و شهری نگریسته می‌شود که ارتباطات زیرساختی بسیار حائز اهمیت است. بنابراین در رویکرد جدید تأکید بر ایجاد ترتیبات نهادی است که به تقویت همکاری‌های میان محلی در حل مسائل عدم تعادل‌های فضایی منجر می‌گردد.

• تداوم چنین روندی، ضرورت حکمروایی منطقه‌ای و شیوه مدیریتی با رویکرد نوین به نواحی پیراشهری را نمایان می‌سازد. برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه فضایی یکپارچه برای شهر، روستا و روستا-شهر در یک قلمروی سرزمینی واحد، نیازمند در نظر گرفتن توسعه‌های فضایی این عناصر با یکدیگر است که در عین بهره‌مندی از آزادی‌های محلی باید با سطوح بالای مدیریتی نیز هماهنگ بود. در یک فرایند حکمروایی منطقه‌ای چند لایه با واگذاری اختیارات و منابع به پایین‌ترین سطوح محلی، این امر را می‌توان محقق نمود. در عین حال اصول پایداری جهانی برای ایجاد چنین هماهنگی و نیز ایجاد سازمان فضایی منطقه‌ای منسجم یک ضرورت است.

• نواحی پیراشهری کلانشهر تهران تحت فشار و تقاضای بالایی برای توسعه قرار دارند و ایجاد تعادل بین توسعه‌های روستایی و شهری و نیز تعادل بین نیازهای اقتصادی- اجتماعی و منابع طبیعی بین مراکز جمعیتی در نواحی پیراشهری می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های تقویت توسعه پایدار منطقه‌ای در دستور کار قرار گیرد.

• در اسناد فرادست سکونتگاه‌های پیراشهری در ارتباط با توسعه کلانشهری باید واجد هویت رسمی گردند و چشم‌اندازی بلند مدت برای توسعه پیراشهری پایدار تدوین شود. سیاست‌هایی که هویت و نیازهای صریح و مشخص چنین سکونتگاه‌هایی را تبیین نمایند.

• تدوین استراتژی‌های فضایی منطقه‌ای (Regional Spatial Strategy) با هدف پیوستگی روستا- شهری در منطقه کلانشهری می‌تواند پلی بین شکاف سیاست‌های توسعه روستایی و توسعه شهری مجزا در منطقه باشد.

ning and management of the peri-urban interface: perspectives on an emerging field", Environment and Urbanization, Vol 15, No 1

10. Allen, Adrian, L. A. da Silva, Nilvo and Corubolo, Enrico (1999), "Environmental Problems Opportunities of The Peri- Urban Interface and Their Impact Upon The Poor", Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London

11. Browder, J O, Bohland, J R and Scarpaci, J L (1995) "Patterns of development on the metropolitan fringe; urban fringe expansion in Bangkok, Jakarta, and Santiago", Journal of the American Planning Association, Volume 61, Issue 3

12. Buxton Michael, Alvarez, Amaya, Butt, Andrew, Farrell, Stephen, Danny O'Neill (2008), "Planning Sustainable Futures for Melbourne's Peri-urban Region", a collaborative research project by researchers from the School of Global Studies Social Science and Planning, RMIT University, and consultants

13. Byun, Pillsung & Esparza, Adrian X (2005) "A Revisionist Model of Suburbanization and Sprawl: The Role of Political Fragmentation, Growth Control, and Spillovers", Journal of Planning Education and Research 24:252-264

14. Carruthers, John (2003), "Growth at the fringe: The influence of political fragmentation in United States metropolitan areas", Regional Science 82, 475-499

15. Fazal, Shahab (2013), "Land Use Dynamics in a Developing Economy: Regional Perspectives from India", Springer

16. Levine, Ned (1999), "The Effects of Local Growth Controls on Regional Housing Production and Population Redistribution in California", Urban Studies, Vol 36, No, 12: 2047-2068

17. Narain V, Nischal S (2007) , "The periurban interface in Shahpur Khurd and Karnera India", Environ Urbanization Vol 19 No 1, pp:261-273

18. Nelson, Arthur C & Dawkins, Casey J. and Sanchez, Thomas W (2004), "Urban Containment and Residential Segregation: A Preliminary Investigation", Urban Studies, Vol. 41, No. 2, 423-439

اما برای موفقیت نظام مدیریت و برنامه‌ریزی نواحی پیراشهری، پشتوانه قانونی و انجام اصلاحات قانونی و نهادی در سطوح کلان قانون‌گذاری، اداری و سیاسی ملی و نیز سطوح منطقه‌ای و محلی و ارزیابی و بازنگری برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای یک ضرورت است.

منابع و مآخذ

۱. اسدی، ایرج (۱۳۸۹)، تبیین عقلانیت منطقه‌گرایی کلانشهری در تهران، رساله دکتری در رشته شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده شهرسازی

۲. برک‌پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۵)، بررسی قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، نشریه مدیریت شهری، شماره ۱۸، ۸۸-۹۵

۳. حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۷)، تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی فضایی منطقه کلانشهری تهران، رساله دکتری در رشته شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده شهرسازی

۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ هفدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

۵. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲) نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی - فضایی شهر تهران (بخش سوم) ، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره چهارم، صص ۳۷-۴۳

۶. مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز (۱۳۸۸)، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، تحلیل اجتماعی و فرهنگی، نظام شهری استان، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران

۷. علیمحمدی، عباس (۱۳۸۸)، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، مطالعات منابع طبیعی و محیط زیست، تحلیل پوشش و کاربری اراضی، معاونت

برنامه‌ریزی استانداری تهران

8. Adell, Germán (1999), "Theories and Models of the Peri-urban Interface: A Changing Conceptual Landscape", Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface, Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London

9. Allen, Adriana (2003), "Environmental plan-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۲۸

19. Pendall, Rolf and Fulton, William and Martin, Jonathan (2002), "Holding The Line Urban Containment In The United States", The Brookings Institution Center on Urban and Metropolitan Policy
20. Pendall, Rolf (1999), "Do land-use controls cause sprawl?", *Environment and Planning B: Planning and Design*, Vol 26, P:555-571
21. Razin ,Eran and Rosentraub, Mark(2000), "Are Fragmentation and Sprawl Interlinked?: North American Evidence", *Urban Affairs Review*, Vol. 35, No. 6
22. Rodriguez,Daniel A & Targa, Felipe & Aytur ,Semra A(2006)," Transport Implications of Urban Containment Policies: A Study of the Largest Twenty-five US Metropolitan Areas", *Urban Studies*, Vol. 43, No. 10, 1879–1897
23. Webster, Douglas(2002); "On the Edge: Shaping the Future of Peri-urban East Asia", Asia/Pacific Research Center, Stanford University
24. Woo ,Myungje and Guldman, Jean-Michel(2011), "Impacts of Urban Containment Policies on the Spatial Structure of US Metropolitan Areas", *Urban Studies*,Vol 48: 3511-3536
25. Zebardast, E (2006) ," Marginalization of the urban poor and the expansion of the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe", *Cities*, Vol. 23, No. 6, p. 439–454



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۳۰

تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت محور در نظام مدیریت شهری با تاکید بر طرحهای توسعه شهری

محمدرضا بمانیان - استاد گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی اکبر تقوایی - دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
مهدی بهرام پور* - پژوهشگر دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Description of justified theory approach in urban management system with emphasis on Urban Development Plans

Abstract

Public domain in this paper is about to study encounter method with urban problem in urban management system and its impact on human communities. This dissertation is about to explain Iran's urban development system and prevalent urban development plans corresponding to urban problem, and aims to achieve a theoretical framework in order to clarify this subject and specifically the reasons why usual urban development plans are inefficient. An urban problem, somehow is a sign of development system inefficiency. In other words, an urban problem is a problem which urban community is dealing with and urban development system is not able to solve and are specifically in the realm of urban development system. During the years, failure of urban development system and urban development plans in solving Iran's urban problem have left a pile of unsolved problems which is a very important key point. This subject can be analyzed from different angles. The main reasons for failure of this system lie in principles of development system policy making which use the planning paradigm approach and comprehensive plans which are contained by comprehensive and detailed plans. In this dissertation we aim to explain the principles of policy making for Iran's development system by planning paradigm approach by clarifying urban issue in Iran and dimensions derived from it and specify reasons to this failure. Also, the present thesis will employ analytical descriptive methodology, literature, sources and visual documentaries review in the context of library research as well as survey, case study and also interview, questioner and unfolding the context of field studies. In the next step, analyze of this research's findings is considered as the basis of problem solving framework and is continued finding a new pattern in solving urban issues.

Keywords: Urban Management, Urban Development Plan, Urban Problem, Rationality Planning Paradigms.

چکیده

حوزه عمومی این تحقیق، مطالعه و تحلیل نظام مدیریت شهری با رویکرد نظریه شهر عدالت محور در برقراری عدالت فضایی- مکانی و تأثیرات آن بر اجتماعات انسانی است. این مقاله بر آن است به تبیین نظام مدیریت شهری با رویکرد شهر عدالت محور بپردازد تا با روشن شدن این موضع و مشخصا علل عدم کارایی رویکردهای متداول نظام مدیریت شهری در برقراری عدالت فضایی- مکانی به چارچوب نظری لازم برای تحقق این موضوع در پرتو نظریه شهر عدالت محور در ایران نائل شود. مسئله شهری به نوعی ناکارآمدی نظام مدیریت شهری محسوب میگردد. به بیان دیگر مسئله شهری، مشکلات و مصائب زندگی شهری میباشد که نظام مدیریت شهری موفق به حل آن نشده است و به طور مشخص در حوزه نظام مدیریت شهری قرار گرفته است. عدم توفیق نظام مدیریت شهری و رویکردهای آن از قبیل طرحهای متداول توسعه شهری در برقراری عدالت فضایی- مکانی در طی سالهای سال و به جای ماندن انباشتی از مشکلات حل نشده در این دوران نکته ای بسیار با اهمیت و کلیدی میباشد. این موضوع میتواند از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. مبانی سیاستگذاری نظام مدیریت شهری کشور با رویکرد پارادایم برنامه ریزی جامع و ماهیت فن گرای آن و به تبع آن استفاده از طرحهای جامع و تفصیلی از اصلی ترین نکات ناکامی این نظام میباشد. رویکرد حاکم بر برنامه ریزی شهری به تدریج از نگاه عقلانی و فن محور به سمت رویکردهای نوینی که نقش محوری را به مردم داده و تکیه بر تعاملات دوسویه دارد

است. **واژگان کلیدی:** شهر عدالت محور، مدیریت شهری، طرحهای توسعه شهری، نظام راهکارها و پیشنهادات.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری «شهر عدالت محور (عدالت فضایی در مدیریت شهری در تهران)» به راهنمایی دکتر محمدرضا بمانیان و مشاوره دکتر علی اکبر تقوایی در گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس است.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۴۴۷۵۱۷، رایانامه: Mehdi.bahrapour@gmail.com

مقدمه

رنج میبرند. عدم تبعیت رشد از مدل رشد در نظر گرفته شده، رشد پراکنده شهری، مهاجرت، ترافیک و فقر از جمله مسائل شهری معاصر میباشند. با توجه به ماهیت این مسائل این نکته دریافت میگردد که اساساً حل این مسائل در نظام توسعه شهری معاصر کشورمان بر عهده نظام مدیریت شهری میباشد و یا باید باشد و راه حلی که نظام مدیریت شهری ارائه مینماید، ضوابط و نقشه های تجویزی و هنجاری در قالب طرح های جامع از نظر مفهومی و در سطحی پایین تر طرح های تفصیلی میباشد که همگی در زیر دستگاه پارادایم برنامه ریزی عقلانی شکل میگیرند و رویکردی مبتنی بر قابلیت ها و مشکلات دارند.

در این مقاله هدف اصلی تحلیل نظام مدیریت شهری با رویکرد نظریه شهر عدالت محور در برقراری عدالت فضایی- مکانی میباشد. لذا بر این اساس و برای رسیدن به اهداف «تبیین و بررسی مفهوم نظریه شهر عدالت محور، تبیین و بررسی علل ناکامی فرایندهای توسعه شهری در برقراری عدالت شهری، و ارتقا فرایندهای نظام مدیریت شهری در جهت برقراری عدالت فضایی- مکانی» مورد اشاره قرار می گیرد.

مواد و روشها

در این مقاله با رویکردی تحلیلی- توصیفی، سعی میگردد با تبیین «نظریه شهر عدالت محور» و ابعاد مترتب بر آن به تبیین مبانی سیاستگذاری نظام مدیریت شهری کشور با رویکرد فوق پرداخته شود و علل این ناکامی معرفی گردد. همچنین این مقاله از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و شیوه های تحقیق مرور متون و منابع و اسناد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه ای و از روش های تحقیق پیمایشی و موردی و شیوه های تحقیق مصاحبه، پرسش نامه و بازنمایی در بستر مطالعات میدانی سود خواهد برد. هدف اصلی تحقیق علاوه بر ایفای سهم در معرفت رشته برنامه ریزی شهری و کمک به سازمانهای درگیر این موضوع در رسیدن به اهدافشان، ارائه تحلیلی از علل ناکامی نظام مدیریت شهری کشور در برقراری عدالت فضایی- مکانی با رویکرد شهر عدالت محور و تحقق این موضوع میباشد. بحران

بیش از سه دهه است که طرح های توسعه شهری برای شهرهای ایران به منظور ایجاد زمینه رشد کالبدی موزون و هماهنگ آنها تهیه شده اند. این طرح ها با هزینه و انرژی زیادی تهیه گردیده اند و هرچند تاثیرات مثبتی در منطقه بندی کاربریها و رعایت ضوابط و مقررات ساختمانی داشته اند، اما به دلیل متعدد نتوانسته اند به تمامی اهداف خود دست یابند و تنها درصد ناچیزی از برنامه ها و طرح های آنها به تحقق گراییده است (مهندسین مشاور شامند، ۱۳۷۸، ص ۸). بی تردید برای انجام صحیح هرکاری، از جمله حل مسائل پیچیده شهری نشینی و ارتقاء کیفیت محیط شهری به منظور استفاده درست از منابع، امکانات و فرصت ها برنامه و طرح لازم است. سالهاست که مسئولان از برنامه ریزان و طراحان ایراد می گیرند که برنامه ها و طرح های آنها، آنچنان که باید، درست و واقع بینانه نیست و البته برنامه ریزان و مسئولان را به بی اعتنائی و کم توجهی به برنامه و طرح و روزمرگی متهم میکنند (مجید غمامی، ۱۳۷۸، ص ۹۱). شناخت مسأله در مقایسه با برنامه ریزی برای حل آن که در واقع نوعی تکنیک است، در اولویت قرار دارد. مسأله شهری به نوعی نقصان در کارکردهای مورد انتظار نظام مدیریت شهری محسوب میگردد. به بیان دیگر، نارسایی نظام مدیریت شهری در انجام وظایف آن منجر به نوعی مسأله میگردد و همین مسأله موجب ایجاد مسائلی دیگر میگردد که در رابطه ای غیر مستقیم با نظام مدیریت شهری قرار می گیرد. در تعریفی عملیاتی مسأله شهری را می توان عدم کارایی راه حل های متداول نظام مدیریت شهری برای حل مشکلات شهری دانست. در اینجا مشخص میگردد، آنچه در این رساله تحت عنوان مسأله شهری مورد بررسی قرار میگردد به طور مستقیم محصول نارسایی نظام مدیریت شهری و راه حل های آن، که در واقع همان طرح های متداول توسعه شهری، می باشد و دایره تعریف و شناخت آن تا حد نتایج مورد انتظار در نظام مدیریت شهری محدود میگردد. امروزه شهرهای ما و مهم تر از آن شهروندان این شهرها از مشکلات بسیاری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

مسکن، ترافیک، فقر شهری، رشد ناموزون، تهدیدات زیست محیطی و عدم مشارکت مردم در فرایند تصمیم گیری های کلان شهری نمونه هایی از ناکامی فوق است که علاوه بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ریشه دیگری در نظام تولید دانش و برنامه برای حل آنها دارد که توجه به آن ضروری است. حساس کردن برنامه ریزان و طراحان شهری نسبت به مفهوم نظریه، عدالت فضایی- مکانی و شهر عدالت محور نیز از دیگر اهداف میباشد. این عدم حساسیت به شکل عمده ناشی از تعصبات کالبدی و ماهیت فن گرای روش های جاری که تار و پود نظام توسعه و مدیریت شهری کشورمان را تشکیل داده است میباشد. در این مقاله سوال تحقیق عبارت است از: چرا نظام مدیریت شهری نتوانسته است موفقیتی در برقراری عدالت فضایی- مکانی داشته باشد؟ و برای پاسخ به این پرسش، چند پرسش فرعی نیز در نظر گرفته شده است: شهر عدالت محور چیست و چه کسانی آن را تعریف میکنند؟ آیا طرح های توسعه شهری توانسته است در برقراری عدالت شهری موفق باشند؟ و آیا با تحقق الگوی شهر عدالت محور چالش های نظام مدیریت شهری در برقراری عدالت فضایی محقق می گردد؟

ضرورت انجام تحقیق: عدم اصلاح نظام مدیریت شهری کشور و حل مسئله شهری ضمن اینکه موجب تحمیل هزینه های بالای تهیه طرح های موجود می گیرد عملاً در عمل موجب ارتقای کیفیت زندگی و حل مسائل شهری نمی گردد؛ و از سوی دیگر عدم حل مسئله شهری موجب بروز هزینه های بالای مالی، روانی و اقتصادی به شهروندان و در نهایت به جامعه میگردد و در دراز مدت میتواند منجر به بحرانهای جدی تری گردد. مسائل مربوط به شهرنشینی و شهرها، به عنوان عرصه اصلی کار و زندگی مردم به لحاظ سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر از آنچه به نظر می رسد اهمیت دارند و غفلت از آنها که طی دو دهه گذشته کماکان ادامه پیدا کرده است، به ویژه در کلانشهرها، در آینده نه چندان دور میتواند عواقب وخیمی برای جامعه داشته باشد. از سوی دیگر با استناد به آمارهای

ارائه شده در سال ۱۳۳۵ در مجموع در کشور، ۱۹۹ نقطه شهری وجود داشته است که در سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۲۷۲، ۳۷۳، ۴۹۶ و ۶۱۲ و ۱۰۱۶ نقطه شهری افزایش یافته است. این افزایش نقاط شهری که در نتیجه تبدیل نقاط روستایی به شهر میباشد به همراه افزایش طبیعی جمعیت شهر های حاضر منجر به رقم کل جمعیت کشور و میزان شهرنشینی طی سال های گذشته همواره روند افزایشی داشته است. کل جمعیت کشور در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۷۰۴۹۶ هزار نفر گزارش شده است که ۴۸۲۶۰ هزار نفر (۶۸٫۵ درصد) در نقاط شهری و ۲۲۲۳۶ هزار نفر (۳۱٫۵ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته اند اطلاعات بررسی شده نشان از افزایش سریع میزان شهرنشینی در پنجاه سال اخیر دارد و ارقام، نشان دهنده بیش از دو برابر شدن میزان شهرنشینی و هشت برابر شدن تعداد جمعیت شهری در کشور است. این موضوع به بیان اهمیت شهرها و زندگی شهری میپردازد و مبین این نکته میباشد که مسائل شهری میتواند تا ۷۰ درصد جمعیت کشور را به طور مستقیم مورد تاثیر قرار دهد که دقت نظر و توجه بیشتری را می طلبد.

مواد و روش انجام تحقیق: این مقاله، پژوهشی توسعه ای- کاربردی است. روش تحقیق در این مقاله روش های توصیفی، تحلیلی و تجربی میباشد که در مراحل مختلف این تحقیق استفاده خواهد شد. جمع آوری اطلاعات جهت انجام مرحله تجربی از طریق مطالعات میدانی، کتابخانه ای و برداشت ها در محدوده صورت خواهد گرفت. در گام نخست در این رساله با رویکردی توصیفی- تحلیلی و با استفاده از شیوه های مرور متون و منابع در دسترس، به بررسی و تبیین منابع نظری پرداخته می شود. نتایج حاصل از این بخش و تبیین مفاهیم پایه ای، رویکردهای نظری و تاثیرگذار در حل مسائل شهری، بررسی پارادایم های برنامه ریزی عقلانی و معاصر است. و در نهایت در بخش جمع بندی و نتیجه گیری، پس از تحلیل و ارزیابی نتایج حاصل از داده های موجود و با مشخص شدن عدم کارایی

رویکردهای متداول نظام مدیریت شهری، این مقاله اقدام به ارائه چارچوبی در راستای اصلاح راه‌حلهای موجود و با توجه به شرایط مترتب بر نظام مدیریت شهری کشور می‌نماید.

پیشینه تحقیق

به رغم آنکه تغییرات مبانی نظری تهیه طرح‌های شهری در ایران، عمدتاً تغییرات محتوایی نبوده است؛ در بیشتر کشورهای توسعه یافته روند تهیه طرح‌ها و مبانی نظری آن به ویژه از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی دستخوش تغییرات بنیادی شده است. در این سالها به تدریج طرح‌های شهری خصلت استراتژیک یافت و برنامه ریزی شهری از یک سو به برنامه ریزی فضایی و از سوی دیگر به به برنامه ریزی عمل‌گرایش یافت. این تحولات بر پایه متدهای تحلیل سیستمی به جای صرف نیرو برای شناخت جامع موضوعی، تلاش خود را متوجه تحلیل جامع مساله کرده است؛ زیرا هم در عمل و هم در تئوری مشخص شده است که حل مسئله بیش از هر چیز مستلزم صورت‌بندی درست مساله است (مهندسین مشاور شامند، ۱۳۷۸، ص ۱۲). الگوی تهیه طرح‌های شهری در ایران بارها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. البته بدون بحث در مبانی تئوریک، ولی مشکلات کاربردی و روشهای مطالعاتی آن کم و بیش مطرح شده است. بر این اساس تغییرات صورت گرفته در محتوا و روشهای نظری طرحهای شهری بسیار ناچیز بوده و عمده تغییرات صوری و عرضی بوده است (مجید غمامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). در زمینه‌های عنوان شده تحقیقاتی بسیار در کشورهای ایران و جهان انجام پذیرفته است که در ادامه به معرفی برخی از مهمترین آنها پرداخته میشود.

۱. اجلالی و همکاران در کتاب «نظریه برنامه ریزی، دیدگاه‌های سنتی و جدید» (۱۳۹۱)، به معرفی مفاهیم نظریه، نظریه برنامه ریزی و در یک تقسیم‌بندی سه‌گانه به معرفی پارادایم‌های رایج برنامه ریزی پرداخته است. تبیین مفاهیم فوق در دانش برنامه ریزی شهری به رقم سبکه طولانی آن، کمتر مسبوق به سابقه بوده است. معرفی پارادایم‌های سه‌گانه و تبیین آنها در

یک طیف پیوسته ضمن روشن شدن مفاهیم فوق به آشکارسازی تار و پود درهم تنیده این مفاهیم سه‌گانه پرداخته است.

۲. مهدی زاده در تحقیقی که در دفتر معماری و طراحی شهری معاونت معماری و شهرسازی در وزارت مسکن و شهرسازی وقت تحت عنوان، **برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران (۱۳۸۵)**، به معرفی برنامه ریزی راهبردی به عنوان یک پارادایم جهانی با توجه تحولات تاریخی، اجتماعی و فکری با نگرشی انتقادی پرداخته است. در ادامه ضمن بررسی تغییرات عمده در دانش، اهداف و موضوعات شهرسازی از برنامه ریزی راهبردی به عنوان الترناتیوی قابل اعتنا یاد شده است. نکته ای که به نظر می‌رسد مغفول مانده است؛ بررسی پارادایم برنامه ریزی عقلانی و توانایی آن در ترکیب با پارادایم برنامه ریزی راهبردی در خصوص کشورمان با توجه به خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فکری آن میباشد.

۳. پیرزاده در تحقیقی که در دفتر معماری و طراحی شهری معاونت معماری و شهرسازی در وزارت مسکن و شهرسازی وقت تحت عنوان، **اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در ایران براساس رویکرد راهبردی (۱۳۸۷)**، انجام داده است، ضمن اشاره تبدیل برنامه ریزی و مدیریت فضایی به یک فعالیت وسیع اجتماعی و همگانی عنوان داشته است که این نحوه رویکرد به برنامه ریزی به یک تجدید نظر اساسی در نظام تصمیم سازی و تصمیم‌گیری، آگاهی و وفاق عمومی، مشارکت همه‌جانبه، فرهنگ برنامه‌پذیری و نهادی شدن در تمام سطوح نیاز دارد. در ادامه این تحقیق با بررسی کشورهای انگلستان، آمریکا و چند کشور دیگر به معرفی برنامه ریزی راهبردی پرداخته شده است.

۴. سعید نیا در مقاله، **اندیشه‌های خام شهرسازی (۱۳۷۴)**، به بحران طرح‌های جامع شهری و منسوخ شدن آنها به ویژه در سه زمینه اهداف، روش و مدل‌های آنها اشاره می‌کند. در ادامه این مقاله ضمن اشاره به توانایی‌ها طرح‌های ساختاری راهبردی، به امکان سنجی استفاده از آنها با توجه به امکانات و

زیرساخت‌های فکری و اجتماعی می‌پردازد. یکی از نکات مورد اشاره در این مقاله حل مسائل شهری در درک شهر و محیط بلافصلش می‌باشد.

۵. عباس زادگان و همکاران در مقاله، **اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری (۱۳۸۵)**، با آسیب‌شناسی روند موجود در نظام برنامه‌ریزی کشور به مزیت‌های رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی اشاره و به معرفی رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور می‌پردازد و آنرا رویکردی میداند در تلاقی فرایند برنامه‌ریزی راهبردی و طراحی شهری سیاست‌گذار که درانجا اسناد تکمیلی طرح‌های توسعه شهری پدید می‌آیند که خود شامل اسنادی چون چارچوب طراحی شهری، دستورکار توسعه و راهنمای طراحی می‌باشند. در ادامه عنوان می‌گردد در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران ابعاد کیفی محیط شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است که این توجهات در ذیل برنامه‌ریزی راهبردی امکان پذیر می‌باشد.

۶. حبیبی و همکاران در مقاله، **شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران (۱۳۸۴)**، ضمن اشاره به جایگاه مشارکت در نظریه‌های شهرسازی، با تلفیق نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و تلفیق آن با شرایط ایران، انگاره‌ای تلفیقی ارائه نموده‌اند که هم قابلیت ارزیابی نظریه‌های موجود شهرسازی مشارکتی و هم قابلیت تبیین شرایط ایران را دارا می‌باشد. در ادامه ضمن اشاره به این نکته که موضوع مشارکت در نظام توسعه کشور نادیده انگاشته شده است، صرفاً در بعضی شرایط به صورت شعاری مورد استفاده قرار گرفته است. ولی در این مقاله این موضوع مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است که مشارکت در بستر برنامه‌ریزی راهبردی میتواند اتفاق بیافتد زیرا اساساً برنامه‌ریزی عقلانی با توجه به ماهیت نخبه‌گرا و قطعی بودن خود نمیتواند مبین مشارکت به طور نهادی باشد.

۷. لطفی و همکاران در مقاله، **مروری بر ناکارآمدی طرح‌های تفصیلی متداول در بافت ارگانیک مسکونی (۱۳۸۳)**، ضمن بررسی طرح تفصیلی محله امام‌زاده قاسم تهران به آسیب‌شناسی طرح‌های تفصیلی پرداخته‌اند. در این مقاله ضمن انتقاد به طرح‌های

شهری رایج، لزوم تهیه طرح‌هایی مطرح میشوند که با مختصات و مقیاس زندگی انسانی سازگار و نیز لزوم جلب صحیح مشارکت مردم در کلیه مراحل فرایند برنامه‌ریزی و طراحی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

۸. دانشپور در مقاله، **در آمدی بر پایه‌های نظری و گونه‌بندی نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری (۱۳۸۲)**، ضمن مرور جایگاه شناخت‌شناسانه و نظری برنامه‌ریزی، ضمن مرور گونه‌بندی موجود به ارائه یک گونه‌بندی جامع از نظریات برنامه‌ریزی و رهیافت‌های همخوان با آن می‌پردازد. وی یکی از مشکلات پژوهش در برنامه‌ریزی را جای دادن آن در یک زمینه نظری و مرتبط ساختن با ساختار اقتصاد سیاسی هر جامعه است. در ادامه با معرفی سه دسته نظریه به این نکته اشاره میکند که توافق اندکی در خصوص نظریه برنامه‌ریزی و دسته‌بندی‌های آن در بین صاحب‌نظران وجود دارد.

۹. پور احمد و همکاران در مقاله، **آسیب‌شناسی طرح‌های توسعه شهری در کشور (۱۳۸۵)**، ادعان میدارد تغییرات سریع نظام سکونت‌ی در کشور و همچنین نارسایی‌های موجود در نظام فعلی شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در کشور، نیاز به برخورد سیستمی و جامع با مقوله شهر و برنامه‌ریزی شهری را می‌طلبد. ازجمله راهکارهای ارائه شده در این مقاله تهیه طرح‌های توسعه در چارچوب طرح ساختاری راهبردی که الگوی کلی ساختار و سازمان کالبدی شهر را شکل میدهد، می‌باشد. توجه به تمرکززدایی در جهت مشارکت مردم در مراحل تهیه و بررسی طرح، به دلیل نقش موثر مشارکت مردم در واقع‌گرایی تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی آن نیز ازجمله دیگر راهبردهای ارائه شده در این مقاله می‌باشد.

مبانی نظری

پارادایم برنامه‌ریزی عقلانی پس از دهه ۱۹۷۰ در کشورهای متعددی که متولد گردید بود، به سرعت، با رویکردهای نوینی جایگزین گردید. در مرحله اول رویکرد سیستمی با هدف کنترل و نهایتاً هدایت مجموعه با شناسایی مکانیزم‌های اصلی سیستم به عنوان جایگزین مطرح

گردید. رویکرد سیستمی به عنوانی پاسخی جامع و مانع دوام چندانی در تاریخ تطور برنامه ریزی به عنوان رویکرد اصلی نداشت و تنها تا پایان دهه ۱۹۸۰ ادامه پیدا کرد اما نقش شالوده ای آن در شکل گیری سایر نظریات برنامه ریزی و قابلیت تطبیق آن تا به امروز ادامه پیدا کرده و نقشی شالوده ای در شکل گیری و تطور سایر نظریات داشته است. مدیریت راهبردی (استراتژیک) در اواسط دهه ۱۹۶۰ در کشور ایالات متحده امریکا، ابتدا در بخش خصوصی به کار گرفته شد. به واقع رویکرد راهبردی از نیاز شرکت های بزرگ تولیدی و تجاری به حفظ بقای خود در شرایط ناامن و متغیر اقتصادی منشا میگرفت (مهدی زاده ۱۳۸۵، ص ۷۲). رویکرد برنامه ریزی راهبردی با تکیه بر چارچوب های مفاهیم و اجتناب از بیان جزئیات و نگاه جزمی به مسائل مطروحه به کمک رویکرد سیستمی در دویخش تصمیم گیری و اجرای تصمیم به سازماندهی، رهبری و کنترل سازمان میپردازد. این رویکرد با ارائه الگوی طرح های ساختاری - راهبردی در زمینه برنامه ریزی و طراحی شهری به معرفی خود پرداخته است. نکته ای که در نظام مدیریت شهری و رویکردهای آن در حل مسئله بسیار با اهمیت است عدم توجه کافی به نیازها و توجه به امکانات و برنامه ها، عدم توجه کافی به ضرورت هدف گذاری، تصمیم گیری و تصمیم سازی و عدم توجه به لزوم تلفیق اهداف کالبدی با اهداف محیطی و اقتصادی - اجتماعی میباشد. در این شیوه برنامه ریزی نظام حاکم بر روند تهیه طرح ها بیش از اتکا به نیازها و اهداف شهروندان و امکانات شهرداری ها، برخوردار است و امکانات و سیاست های دولت استوار است و به عنوان سندی غیرمنعطف و مطابق نظرات کارشناسی در تهیه و نظرات دولت در تصویب به نهادهای محلی جهت اجرا ابلاغ میشود. در این فرایند شناخت هدف مطابق با هر فرایند برنامه ریزی دیگر در مرحله اول قرار دارد. شناخت مسئله شهری در رویکردی ترکیبی از دیدگاههای شهروندان، کارشناسان و مسئولان میتواند معیاری برای ارزیابی رویکردهای حل مسئله فراهم آورد. شناخت مسئله در مقایسه با برنامه ریزی که نوعی تکنیک است

اولویت دارد. این معیارها میتواند از میتوانند چه از طریق ارزیابی نتیجه فرایندها و طرح های اجرا شده و چه از طریق ارزیابی رویکرد دانشی و مبانی نظری طرحهای در حال اجرا در انطباق با معیارهای اخذ شده به اصلاح روندهای موجود بپردازد. در ادامه به برخی از تعاریف در حوزه موضوع مقاله اشاره می شود.

عدل و تقسیمات آن

عدل در دو جا واقع می شود یکی در بخش امور تکوینی و دیگری هم در امور تشریحی؛ یعنی عدل هم در زمان خلقت یک موجود دیده می شود و هم در زمان رابطه این موجود با دیگر موجودات. پس می توان عدل را این گونه تقسیم نمود:

۱. «عدل در تکوین»: این قسم، از تعریف اول - وضع الشیء فی موضعه و دیگری به دست می آید. این بخش به خلقت امور بازگشت می کند و عدل در خلقت می باشد. گاهی در قرآن از عدل به عنوان ترازوی خدا در آفرینش یاد می کند (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۶۰). آیات دیگری هم که در قرآن بیان می دارند آسمانها و زمین براساس عدل استوار شده اند، اشاره به همین نوع از عدل دارند؛ مانند آیه هفت از سوره الرحمن «والسمااء رفعها و وضع المیزان» و روایت «بالعدل قامت السموات و الارض» (ابن ابی جمهور، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳).

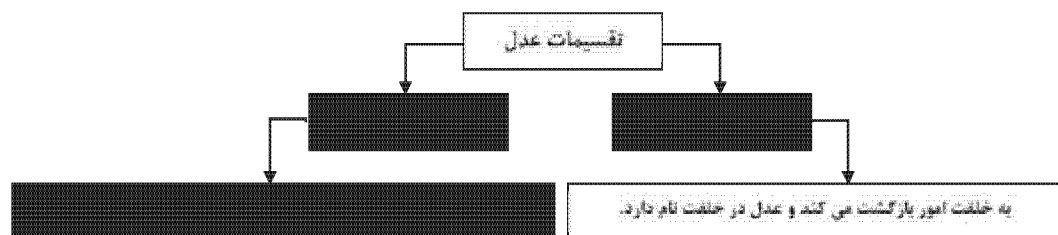
۲. «عدل در تشریح»: این قسم که از تعریف دوم - اعطاء کل ذی حق حقه - عدل فهمیده می شود و به اعمال خارجی برمی گردد. استاد مطهری بیان می دارد: «عدل تشریحی؛ یعنی این که در نظام جعل و وضع و تشریح قوانین، همواره اصل عدل، رعایت شده و می شود» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۳۶). توجه به این نکته لازم است که زمانی که بیان می شود یکی از اهداف ارسال پیامبران الهی عدل بوده، مراد همین بخش است. همانا فرستادگان خویش را به دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم به این وسیله عدل را به پا دارند و در جای دیگری در سوره اعراف آیه ۴ می فرماید: «قل امر ربی بالقسط». باید این مسئله را متذکر شد که غایت وجودی عدل تکوینی،

عدل تشریحی است. بهتر آن است که بگوییم اولین بار خود قرآن عدل را در چهره های گوناگون آن - تکوینی و تبلیغی - مطرح نمود (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

عدالت و مفاهیم آن

«عدالت» در لغت به معنی قرار دادن هر چیز در جای خود است. این واژه عموماً در کنار مفاهیمی چون انصاف و احسان می آید. انصاف تقسیم چیزی به تساوی و نصف کردن است و احسان واگذاری تمام و کمال کالا یا خدماتی بدون چشم داشت به عوضی برای آن؛ اما «عدالت» مفهومی پیچیده تر از این هر دو داراست. در تعریف کاربردی این لغت، کونین لینگ چنین آورده است: «عدالت» روشی است که از طریق آن هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می شود (لینگ، ۱۳۸۱)؛ اما این که این توزیع بر چه اساسی انجام می گیرد، مسئله ای است که نیاز به تعمق بیشتر دارد. عدالت از کلماتی است که انسان برای درک مفهوم آن احتیاجی به تعریف ندارد و انسان به صورت فطری مصادیق آن را درک می کند و همین فطری بودن آن باعث شده که تعریف های آن در جوامع مختلف بسیار به هم نزدیک باشد. با این حال متفکران و اندیشمندان زیادی برای عدالت تعریف های زیادی را ارائه کرده اند که همگی آنها بسیار به هم نزدیک اند. نزدیک بودن مفاهیم عدالت در فرهنگ های مختلف، ریشه در نزدیک بودن مصادیق آن از نظر تمدن های مختلف دارد. اگر ما به اقسام تعاریف عدالت توجه کنیم خواهیم دید که عموماً آنها از لحاظ مصادیق یکی می شوند و تنها علت اختلاف این امر می باشد که در هر تعریف به جنبه های خاصی از مصادیق آن توجه شده است و اختلاف تعاریف ریشه در اختلاف مصادیق دارد. اگر ما بخواهیم که یک وجه جمعی برای

همه تعاریف پیدا کنیم باید آن را وضع شیء در جای خود بدانیم و البته این وضع شیء در جای خود به اعتبار اشیاء، متفاوت است؛ به عبارت دیگر عدل هم همانند علم، یک مفهوم بیشتر ندارد اما به حسب مصادیق گوناگون، جلوه های مختلفی از خود نشان می دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۰). در کتاب السیاسة المدنیة نوشته ی ابونصر فارابی چنین می خوانیم: مردم به اندازه ی جایگاه های جنس های هنر و مراتب دانش هایی که به مقتضای طبیعت آماده ی فراگیری آنند، به همان اندازه با برتری بر یکدیگر، جایگاه های خاصی خواهند داشت و همین برتری ها موجب ریاست و پیشوایی برخی بر برخی دیگر خواهد گشت (فارابی، ۱۳۷۶)؛ بدین ترتیب چنانچه انسانها را متفاوت فرض کنیم، نیازها، مطالبات و حقوق متفاوتی نیز خواهند داشت که این تفاوت منجر به فاصله گرفتن از مفهوم «انصاف» و نیل به تدقیق در کلمه «عدالت» خواهد شد. برای درک مفهوم عدالت و عدالت شهری، عدالت را «توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات دهی و فعالیت، بدون تبعیض و تفاوت گذاری بین ساکنین یک شهر و منطقه» تعریف می کنند (سعیدنیا، ۱۳۸۲). شهید مطهری (ره) از واژه عدالت و ظلم، که درباره انسان به کار می رود، چنین ترسیمی ارائه داده است: «ما افراد بشر، فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سوئی ندارد، به حقوق آنها تجاوز نمی کند، هیچ گونه تبعیضی میان افراد قائل نمی گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره اوست، با نهایت بی طرفی، به همه به یک چشم نگاه می کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال (یعنی عدالت) می دانیم و روش



او را قابل «تحسین» می‌شماریم و خود او را «عادل» می‌دانیم. در مقابل، فردی را که نسبت به حقوق دیگران تجاوز می‌کند، در حوزه قدرت و اداره خود میان افراد تبعیض قائل می‌شود، طرفدار ستمگران و ستمکشان «بی تفاوت» است، چنین کسی را دارای نوعی نقص به نام «ظلم» و ستمگری می‌دانیم و خود او را «ظالم» می‌خوانیم و روش او را لایق «تقیح» می‌شماریم (مطهری، ۱۳۸۹).

شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی

عدالت در لغت به معنای استقامت چیزی، مستقیم بودن، مساوات، داد، انصاف، حکم حق، میزان و امر متعادل آمده است و در اصطلاح حد واسط میان افراط و تفریط است (نقی زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶). عدالت فضیلتی است که تحول جوامع بشری منوط به آن بوده است، در عرصه فردی بحث از نوعی تعادل شخصیتی و توازن در رفتار و کردار است و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است، بحث عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان و مبانی انکارناپذیر مدائن فاضله و آرمانشهرها معرفی شده و جملگی مکاتب حقوقی نیز به نحوی به آن اشاره نموده اند. عدالت اجتماعی، ارزشی

است که با فراگیر شدن آن، دارای شرایط و زمینه هایی می گردد که هر صاحب حقی، به حق خود می رسد و همه امور جامعه، به تناسب و تعادل، در جای شایسته و بایسته خویش قرار می گیرد.
مطهری برای عدل چهار معنا یا مورد استعمال مطرح نموده است:

۱. موزون بودن و تعادل (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۷۲)،
۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۳۱۷)،
۳. رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به ذیحق (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۲)،
۴. رعایت قابلیت ها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد (لک زایی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲).

مطهری می نویسد: «معنای عدالت این است که امتیازاتی که نصیب افراد می شود بر مبنای صلاح و استحقاق باشد» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۲۴۹) طباطبایی نیز در تعریف عدالت می فرماید: «عدالت در لغت به معنی اعتدال بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است.» (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۵)

جدول ۱. اندیشه های نظریه پردازان اسلامی در باب عدالت؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

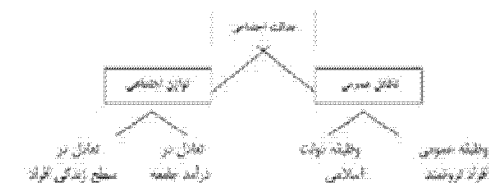
منبع	ویژگی	نوع دیدگاه	دیدگاه	نظریه پرداز
انوار الملکوت	دیدگاه کلامی	فردی - الهی	عدل آن است که فعل قبیح انجام نشود و اخلاقی در واجبات قانونی صورت نپذیرد	شیخ مفید
انوار الملکوت	دیدگاه کلامی	اجتماعی	فعل حسن است که از قبیح دور است	علامه حلی
تمهید الاصول فی علم الکلام	عدالت صفتی برای خداوند	الهی	عدالت خداوند در این است که تمام کارهای او نیکو و پسندیده است و افعال قبیح صورت نمیدهد	شیخ طوسی
المیزان جلد ۵	قانون را مبنای عدالت است	اجتماعی / الهی	عدالت آن است که بر خلاف دستورات و قوانین وضع شده عمل نشود	علامه طباطبایی
عدالت اجتماعی	ظرفیت مبنای عدالت است	الهی - اجتماعی	عادل بودن در این است که فضلش را از هیچ موجودی در حدی که امکان تفضل برای آن باشد، دریغ نمی کند.	شیخ مفید مطهری

در جای دیگر نقل می کند که «آراسته ترین مکانها آنجاست که در آن عدالت باشد و از آن آبادتر نخواهی یافت» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۴۹). در تعریف شریعتی «عدالت یعنی به هر کدام از غرایز و پیوندها و امیال و نیازها، به اندازه طبیعتشان، زندگی بخشیدن و مجال حیات دادن و میان این همه رابطه ای متناسب و متعادل برقرار کردن و در یک کلمه، یعنی اعتدال، میانه روی» (شریعتی، ۱۳۵۷، ص ۴۲۸).

از نظر مطهری ارکان عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام طبق نمودار ذیل بر روی دو اصل می باشد:

۱- **تکافل عمومی:** در برابر یکدیگر مسئول و متعهد بودن، گذشتن از منافع صرف فردی و اندیشیدن به مصالح همگانی.

۲- **توازن اجتماعی:** ایجاد برابری و تعادل در تمام ابعاد زندگی اجتماعی برای تمام افراد و اقشار جامعه یعنی قدرت، ثروت، امکانات و زمینه های بکارگیری و تولید و توزیع و مصرف آنها در جامعه.



نمودار ۲. انواع سطوح عدالت در جامعه؛ ماخذ: نگارندگان.

در تعریف هابز «عدالت وقتی بر آدمیان اطلاق شود معنی آن هماهنگی و انطباق یا عدم انطباق شیوه عمل ایشان با عقل است اما وقتی بر اعمال اطلاق شوند، معنی آنها انطباق یا عدم انطباق اعمالی خاص با عقل است نه شیوه عمل یا شیوه زندگی به طور کلی» (هابز، ۱۹۵۱، ص ۱۷۱).

«أقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»؛ «سوگند که ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرود آوردیم که میان مردم به عدالت قیام کنند» (سوره حدید، آیه ۲۵).

از نظر علی (ع) آن اصلی که می تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. عدالت بزرگراهی است عمومی که همه را می تواند در خود بگنجاند و بدون مشکلی عبور دهد، اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی رساند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸). «فإن فی العدل سعۃ و من ضاق علیه العدل فالجور علیه أضیق». «همانا در عدالت گنجایش خاصی است؛ عدالت می تواند همه را دربرگیرد و در خود جای دهد، و آن کس که بیمار است اندامش آماس کرده در عدالت نمی گنجد، باید بداند که جایگاه ظلم و جور تنگتر است» (همان، ص ۱۲۹). حضرت علی(ع) درباره عدالت می فرماید: «عدالت تدبیرکننده ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصگان پس عدل شریفتر و با فضیلت تر است» (جشنواره، ۱۳۷۹، ص ۳۲). عدل بر چهار شعبه منشعب می شود:

۱- فهم عمیق؛

۲- علم و دانش به حقایق؛

۳- دآوری نیکو؛

۴- بردباری استوار.

برای بررسی مفهوم عدالت شاخص های «برابری و مساوات^۲، اطاعت از قانون^۳ و قرار گرفتن هرکس در جایگاه شایسته خود^۴» در نظر گرفته می شود. با عنایت به انواع عدل مطرح شده در تعالیم قرآنی و نهج البلاغه که عبارتند از عدل الهی (شریعتی، تکوینی)، فردی (اخلاقی)، اجتماعی. می توان به این اصل اساسی دست یافت که پایه و اساس جهان بینی قرآنی را عدل تشکیل می دهد. در این راستا عدل الهی زیربنای عدالت فردی و عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است. عدل قرآن، آنجا که به توحید یا معاد مربوط می شود، به نگرش انسان به هستی و آفرینش شکل خاصی می دهد و به عبارت دیگر، نوعی «جهان بینی» است، آنجا که به نبوت و تشریح و قانون مربوط می شود، یک «مقیاس» و «معیار» قانون شناسی است، آنجا که به امامت و رهبری مربوط می شود یک «شایستگی» است، آنجا که پای

اخلاق به میان می آید، «آرمانی انسانی» است و آنجا که به اجتماع کشیده می شود، یک «مسئولیت» است. نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیست مسلمین و تداوم حیات آن، نقشی بسیار حساس و حیاتی است، رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه شهر، ساختمان یا هر اثر انسانی به گونه ای که بهتر از آن ممکن نباشد، می توان مفاهیمی چون تعادل، هماهنگی، اندازه را از مصادیق و تجلیات بارز عدل در مباحث معماری و شهرسازی نام برد که در ذیل به آنها پرداخته می شود:

۱. «تعادل»: توازن و تعادل در مجموعه های زیستی مفهومی پویاست و متعلق به زمان، مکان و شکل خاصی نیست (برومندی، ۱۳۷۵، ص ۵۷۲). یک مجموعه یا کالبد متعادل، مجموعه یا کالبدی است که انتظام آن بر اساس رعایت اصل «عدل» انجام شده باشد. بسیاری از محققین، غالب ویژگیهای مطلوب را به نوعی به عدل و درجه ای از تعادل نسبت داده اند. بورکهارت عنوان می کند که سه صفت «وحدت»، «عدل» و «کرم» وجوه اصلی زیبایی اند و تقریباً زیبایی را معنی می کنند و این کیفیات را «وحدت»، «هماهنگی و توازن» و «کمال» می نامند، چرا که در ساحت هنر «عدالت» به «توازن و تعادل» می انجامد (بورکهارت، ۱۳۷۲، ص ۵۴) مرحوم علامه طباطبائی نیز با معنا کردن انسانیت به عنوان تعدیل قوای مختلف انسان نهایتاً آنها را به عدالت ارجاع داده و می فرماید: «معنای انسانیت به واقع کلمه جز با تعدیل قوای مختلف و بردن هر کدام به راه میانه مشروع، به دست بشر نمی آید، و ملکه اعتدال قوی همانیست که ما به نام اخلاق فاضله انسانی چون حکمت و شجاعت و عفت می نامیم و همگی زیر کلمه «عدالت» جمعند.» (طباطبائی، ۱۳۴۶، ص ۱۴۶) اهمیت تعادل در پدیده ها به حدی است که نه تنها رعایت آن در تنظیم روابط اجزاء هر پدیده ضروری قلمداد می شود که فراتر از آن ایجاد تعادل بین قوانین حاکم بر آنها نیز از ضروریات توفیق در اهداف خلق پدیده ها تلقی می گردد. چنانچه بورکهارت می گوید: «معماری باید

اعتدال متوازن را نشان دهد و باید مانند یک بلور که بصورت صحیح تشکل یافته است، یک نمونه کامل از ماده بیجان و حیات باشد.» (بورکهارت، ۱۳۷۲، ص ۵۴) و کنفوسیوس اظهار می دارد: «میانه روی و اندازه نگاهداشتن، کمال طبیعی آدمی است.» (کنفوسیوس، ۱۳۵۷، ۴۹) مصادیق تعادل در طراحی محیط مصنوع را می توان در موارد ذیل ذکر کرد:

• از طریق پیشگیری از قطب بندی شهر و محلات آن بر پایه معیارهای مادی؛
• دسترسی متناسب کلیه آحاد جامعه به امکانات عمومی؛

• مکانیابی مطلوب عناصر شهری و مجاورت متناسب و متجانس آنها از نظر کالبد و عملکرد؛
• تناسب مطلوب بین ابعاد فضا و کالبد آن با ویژگیهای روانی و جسمانی انسان؛
• ایجاد تعادل بین طبیعت و مصنوع انسان؛
• ایجاد تعادل بین عملکردهای پاسخگو به نیازهای معنوی و مادی انسان؛ تسهیل و تعدیل در ارتباط انسان با طبیعت (نقی زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷).

۲. «هماهنگی»: مراد از هماهنگی، تنظیم انواع ارتباطات دو یا چند شی، معنا به گونه ای که منافی ارزشها و عملکرد یکدیگر واقع نشوند و در راستای حصول به هدفی که ارتباطات آنها را به وجود آورده است، یکدیگر را یاری و تأیید نمایند. شکل دادن اشیاء مطابق با طبیعت و فطرت آنها نوعی از هماهنگی است که توجه به آن حاصلی زیبا خواهد آفرید. در شهرسازی، مبانی ارزشهای فرهنگی، شکل، کالبد و عملکرد شکل دهنده فضاها، هماهنگی ویژه ای را طلب می نمایند تا کل شهر، پدیده ای منظم و متعادل را به منصف ظهور برساند. هماهنگی کالبد و ارزشها با هماهنگی فضاهای شهر و نیازهای انسان، هماهنگی کالبد شهر و طبیعت، هماهنگی اجزاء شهر با یکدیگر و با کل شهر، هماهنگی ارزشها و عملکردها، هماهنگی شهر با اصول و ارزشهای معنوی و هماهنگی آن با ویژگیهای روانی و جسمی انسان و با اهداف زندگی آن بایستی به نحوی مورد توجه قرار گیرند تا حاصل کار تجلیگاه وحدتی باشد در عین

کثرت. (همان، ۱۹۴) در واقع طبیعت و ویژگیهای آن از جمله اندازه و حساب دقیقی که بر آن حکومت می کند، به عنوان آیات الهی می توانند الگویی مطلوب برای شناخت ویژگیهای ریاضی شهر اسلامی باشند.

۳. «توجه متعادل به ساحت های حیات»: تعادل بین نیازهای سه گانه انسان (فیزیکی، روانی، معنوی)؛ مکانیابی متوازن و هماهنگ عملکردهای پاسخگو به نیازهای مختلف انسان؛ ارتقاء آگاهی و دانش جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل.

۴. «تعادل در احقاق حقوق شهروندان»: استفاده از هوای سالم و نور کافی؛ توجه به همجواری کاربری های شهری متجانس؛ ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی و برنامه ریزی؛ عدم تداخل پیاده و سواره و ایمنی حرکت در معابر و فضاهای عمومی شهر؛ عدم مواجهه با آلودگی های صوتی و بصری (مصالح نامتناسب، اشیاء زاید)؛ فقدان تبعیضات و پیشگیری از قطب بندی های نامتعادل از جنبه های اقتصادی و دسترسی به امکانات عمومی - امکاناتی در زمینه مسکن.

۵. «هماهنگی شهر با تعادل عالم وجود»: تعادل بین محیط طبیعی و مصنوع؛ تعادل بین اجزاء محیط مصنوع از نظر شکل، عملکرد، تداوم تاریخ و غیره (امین زاده، ۱۳۸۱، ۲۵)

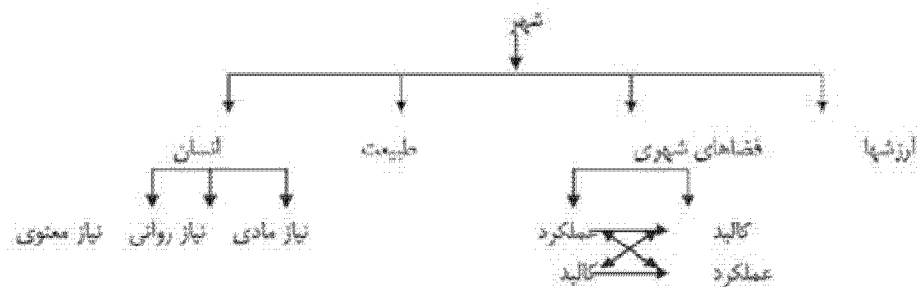
«عدالت» روشی است که از طریق آن هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می شود (لینچ، ۱۳۸۱). عدالت را در کنار کارآمدی، کیفیت محیطی و سرزندگی به عنوان اصول اساسی برنامه ریزی شهری در نظر گرفته اند (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۴). برنامه های توسعه شهری نیز، از آن جهت که به سیاست گذاری و نگاه به آینده

می پردازند، متوجه عدالت می گردند و فراتر از آن، عدالت به شکل یک فرامعیار در برنامه ریزی و طراحی شهری چهره می نماید (لینچ، ۱۳۸۱). مفهوم شهری عدالت و عدالت شهری در «توزیع مناسب عملکردها، خدمات و دسترسی مناسب به مراکز خدمات دهی و فعالیت، بدون تبعیض و تفاوت گذاری بین ساکنین یک شهر و منطقه» خلاصه شده است (سعیدنیا، ۱۳۸۲).

شهر مکانی است که «فرصت» در اختیار مردم می گذارد (مرکز سکونتگاه های انسانی سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، ص ۷) و «فرامعیار عدالت» (لینچ، ۱۳۸۱). می تواند با مساوی بودن این فرصت تعریف شود. به طور تاریخی نیز، اعتقاد برخی از تحلیل گران بر این است که تضادهای شهری به لزوم و پیدایش برنامه ریزی شهری منجر شده اند (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴). بنابراین ظاهراً برنامه ریزی از آغاز پیدایی خود، برای ارتقاء عدالت اجتماعی اهمیت یافته است.

عدالت اجتماعی و شهرسازی

در برخی از مطالعاتی که پیش از این انجام شده است، به بررسی نظام فضایی عدالت اجتماعی در عرصه جغرافیایی پرداخته شده است. با وجود این، این مطالعات عمدتاً فاقد نگاه شهرسازی بوده و تنها توزیع منابع و فرصت ها در وضع موجود را بررسی نموده اند و به عنوان مثال به اثرات مداخلات مدیریت شهری و برنامه های توسعه شهری در افزایش یا کاهش عدالت اجتماعی توجهی نداشته اند. با توجه به این خلاء، مطالعه حاضر در پی شناسایی معیارهایی برای ارزیابی عدالت در برنامه های توسعه شهری است. برای آنکه این مفهوم به مشهود تبدیل گردد، سنجش میزان آن در برنامه های توسعه



نمودار ۳. انواع سطوح عدالت در شهر؛ ماخذ: نگارندگان.

شهری، بر مبنای تعریفی که بر اساس ارزش های هر نظام برنامه ریزی از آن پذیرفته می شود، می تواند راه حلی برای زمینی کردن این مفهوم آسمانی باشد. این تعریف می تواند معیارهایی را تدوین کند که ارزیابی عدالت اجتماعی بر اساس آن محقق گردد. به عنوان مثال، یک برنامه توسعه شهری ممکن است بر میزان دسترسی گروه های مختلف نسبت به خدمات شهری تأثیر بگذارد، و یا در نظام توزیع موضوعی نظیر سرانه مسکونی و یا فرصت های اشتغال در بخش های مختلف شهر مؤثر واقع شود. سوال اینجاست که چه برنامه ای می تواند تأثیر عادلانه تری بر نظام توزیع ثروت و فرصت در شهرها داشته باشد. از این روست که ارزیابی عدالت اجتماعی در برنامه های توسعه شهری اهمیت می یابد.

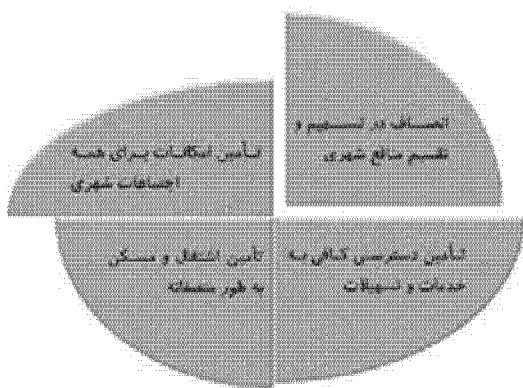
عدالت اجتماعی در شهر یعنی حفظ منافع گروه های مختلف اجتماعی به طور عام و گروه های هدف به طور خاص به وسیله توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه ها. در گزارش برانت لندن سه لایه مهم برای دستیابی به اهداف عدالت اجتماعی عنوان می شود:

- ۱- برابری و مساوات،
- ۲- حفاظت از محیط زیست و
- ۳- برنامه ریزی فضایی (سطح ملی و محلی) (دیوب، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

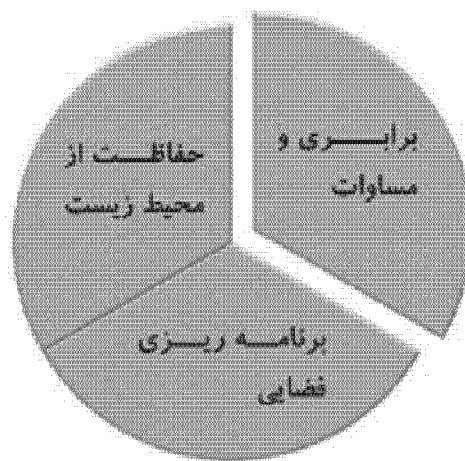
گونه ای باشد که نیازهای جمعیت شهری را پاسخگو باشد و تخصیص منطقه ای منابع را به گونه ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند: از نظر وی مفهوم عدالت اجتماعی در نهایت یعنی «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» (هاروی، ۱۳۷۶، ص ۹۸).

جایگاه برنامه ریزی شهری در عدالت فضایی

افزایش مشارکت مردمی در مدیریت شهری و به کار بردن روشهایی برای خروج مسائل مالی و اقتصادی شهر از روند معاملات املاک و مستغلات می تواند در رسیدن به «عدالت اجتماعی» و انسجام اجتماعی مؤثر باشد، بدیهی است سیاست گذاریهای مناسب به منظور تعدیل و یا حذف نابرابری با راهکارهای جلوگیری از روند تصاعدی درآمدهای نامشروع و غیر قانونی رانتهای قدرت، زمین خواری و نظیر اینها و همچنین تثبیت قیمت زمین و کالاهای اساسی، تدوین قوانین مناسب، ایجاد ساز و کارهای مناسب نظارت و ارزیابی دقیق مراحل و چگونگی اجرای قوانین، انجام پژوهشهای مستمر در مورد تعیین فرایند هماهنگی فضایی- اجتماعی می تواند آینده ای روشن تر را در مسیر عدالت اجتماعی ترسیم کند.



نمایه ۲. جایگاه برنامه ریزی شهری در تحقق پذیری عدالت؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.



نمایه ۱. عدالت در اجتماع در گزارش برانت لندن؛ ماخذ: نگارندگان.

توزیع مناسب کاربری ها و خدمات شهری عوامل مؤثری هستند که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می توانند

از نظر هاروی، «عدالت اجتماعی در شهر» باید به

با برقراری عادلانه‌تر، عدالت اجتماعی و اقتصادی و فضایی را در مناطق شهر برقرار نمایند. بنابراین می‌توان جایگاه برنامه ریزی شهری را در جهت نیل به عدالت اجتماعی در چهار مرحله عنوان کرد:

۱- انصاف در تسهیم و تقسیم منافع شهری؛

۲- تأمین امکانات برای همه اجتماعات شهری؛

۳- تأمین دسترسی کافی به خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه ساکنان شهر؛

۴- تأمین اشتغال و مسکن به طور منصفانه برای افراد و ساکنان بخشهای گوناگون شهر.

معیارهای نظام مدیریت محلی در رابطه با عدالت را می‌توان در عناوین زیر ذکر کرد:

- حق قانونی برخورداری همه افراد محله از منابع زیست محیطی شامل تعریف ابعاد مجاز حق عمومی دسترسی فیزیکی و بصری به عناصر طبیعی بالارزش از قبیل کوهستان ها، سواحل، جنگل ها، مناظر، منابع انرژی طبیعی، هوای سالم، آب سالم و خاک سالم؛

- حق قانونی محافظت شدن همه افراد محله از آلودگی‌ها و ناهنجاری‌های محیطی، و خسارات و صدمات اقتصادی، اجتماعی، جسمی و روانی از جمله محافظت افراد از آلودگی‌های تنفسی، آلودگی‌های آشامیدنی، صوتی، بصری، و نوری؛

- مکانیزم های مالی، روش های توزیع و بازتوزیع عادلانه، متناسب و منطقی منابع عمومی از نظر جمعیتی و فضائی، حفظ و عرضه انواع متنوعی از واحدهای مسکونی از نقطه نظر مساحت، تراکم، قیمت و کیفیت در محلات مختلف.

- دسترسی همه افراد محله به میزان حداقل کمی و کیفی منطقی تعریف شده ای از خدمات، تأسیسات، تسهیلات و زیرساخت های شهری از جمله خدمات درمانی و امدادسانی، خدمات آموزشی و فرهنگی، تفریحی و ورزشی، ارتباطی و حمل و نقل، فضای سبز. باید گفت که شرایط معاصر ایران به دلیل قرار گرفتن در بحران فرهنگی جهانی و تغییرهای پارادایمیک بین المللی از نوعی بی ثباتی و هرج و مرج در حوزه مبانی

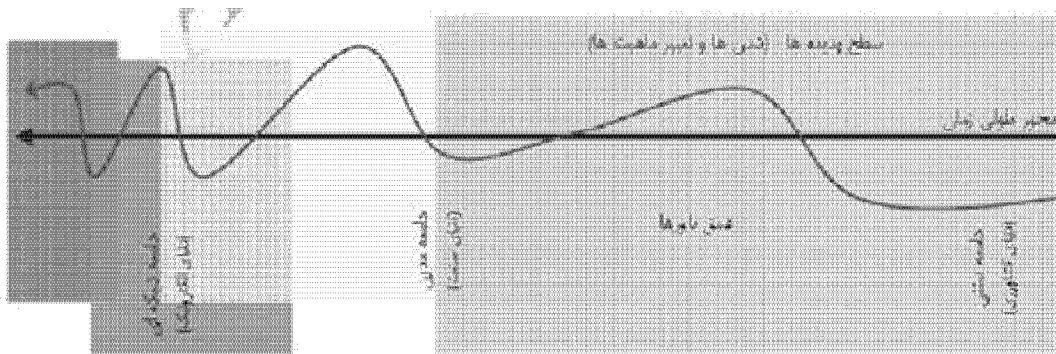
فکری و اندیشیدگی رنج می برد؛ چنانچه التقاط گرایی فرهنگی و بریکولاژهای فرهنگی موجب استحاله فرهنگ از یک طرف و معماری به مثابه یکی از نمودهای آن شده است که تأثیرات اساسی در تعریف سطوح عدالت اجتماعی در شهر و جوامع شهری شده است که در نمودار زیر به این مهم توجه شده است.

از سویی دیگر برنامه ریزی و مدیریت شهری در طول دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی همیشه با دو گرایش عمده و در ضمن متضاد رو به رو بوده است. از یک سو، یک نگرش، برنامه ریزی و مدیریت شهری را فعالیتی فن سالارانه و علمی و تخصصی قلمداد کرده است و از این رو آن را تنها در حیطه مدیران و کارشناسان شهری دانسته و از سوی دیگر و در برابر این طرز تلقی، برداشت دیگری از برنامه ریزی و مدیریت شهری وجود داشته که می توان آن را مدیریت و برنامه ریزی مبتنی بر دموکراسی نامید. در این نوع اخیر، برنامه ریزی و مدیریت شهری فعالیتی سیاسی و اجتماعی است که تصمیم سازی و تصمیم گیری در آن فقط با مداخله و مشارکت همه عناصر متاثر از [و تأثیر گذار بر] شهر ممکن و عملی است.

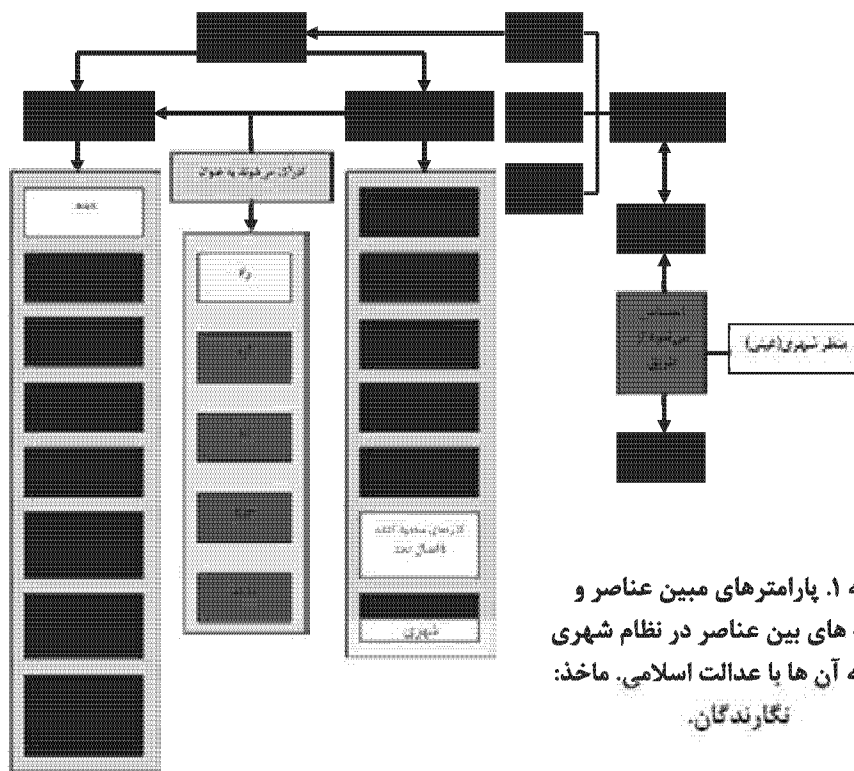
مهمترین خصیلت‌های یک شهر عدالت محور عبارتند از:

«اصل خدا محوری و حاکمیت خداوند (اصل حاکمیت قانون الهی)؛ اصل استقلال و تساوی مدنی (اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و برابری در برابر قانون)؛ برقراری عدالت، برابری و مساوات؛ تعریف و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی؛ قاعده متعهد و مسؤولیت افراد؛ آزادی (عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد)؛ اصل اخوه، برادری، گذشت، ایثار و حس همدردی؛ قانون؛ نظم؛ برقراری قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی؛ برپایی و حاکمیت علایم و نشانه های دین؛ اصل متقابل بودن حقوق و احترام به حقوق یکدیگر؛ اعتماد و حسن نیت نسبت به یکدیگر؛ وفای به عهد؛ برقراری امنیت (جانی، مالی، شخصیتی و درحوزه خصوصی)؛ اصل مشاورت و شورایی بودن امور؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی.»

یکی از برترین و گرامی‌ترین آرمانها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. قرآن کریم هدف اساسی رسالت آسمانی تمامی پیامبران را برقراری عدالت می‌داند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیوم الناس بالقسط» در آیهی فوق الذکر، اولین رسالت و هدف پیامبران و کتابهای آسمانی، استقرار عدالت است. آنها نه تنها برای چنین هدفی مبعوث شده‌اند بلکه باید برای تحقق و استقرار آن می‌بایست فعالیت نمایند. منظور از عدالت آن است که هر حقی به صاحب حق داده شود و هر کس بر اساس تواناییها و استعداد و ظرفیت خویش بهره و امتیاز گیرد نه بیشتر و نه کمتر و عدول از این اصل نیز به معنای عدول از اصل حق محوری و مرتکب ظلم و تعدی شدن است. در این چهار چوب فرق نمی‌کند که صاحب حق فرد، اجتماع یا هر چیز دیگر باشد. باید بدون ستم و تجاوز حقتش ضایع نگردد و به حق و حدود دیگران نیز تجاوز ننمایند. در جامعه‌ی آرمانی یا یک شهر اسلامی، محور تمام فعالیت می‌بایست معطوف به اصل عدالت و حق و عدم تجاوز و تعدی به حقوق دیگران باشد و این اصل می‌بایست در تمامی عرصه های زندگی، فردی،



نمودار ۴. سیر گذار فرهنگی در جامعه معاصر ایران؛ ماخذ: نگارندگان.



نمایه ۱. پارامترهای مبین عناصر و کیفیت های بین عناصر در نظام شهری و رابطه آن ها با عدالت اسلامی. ماخذ: نگارندگان.

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جز آن رعایت شود. در اندیشه‌ی دینی عدالت و دادگری یکی از صفات عمده‌ی خداوند است و وی زمین و آسمان را به عدالت و دادگری آفریده است.^۱ و با وضع میزانهای قسط و عدل، از انسان می‌خواهد تا به آن ملزم باشد و از آن تعدی و تجاوز نکند و براساس معیارهای دادگرانه رفتار کند. اسلام در وهله‌ی نخست انسان را فرا می‌خواند که با نفس خویشتن به عدالت رفتار کند و میان حقوق خود و خداوند و دیگران تعادل و هماهنگی لازم را ایجاد کند.^۲ قرآن کریم، رفتار دادگرانه و عادلانه را نیز معیار اساسی روابط فرزند با پدر و مادر و زنان و مردان میدانند و به آن توصیه‌ی فراوان می‌کند. اسلام از مسلمانان می‌خواهد تا بدون آنکه علایق و روابط سببی، عاطفی و نسبی خود را ملاحظه کنند، با مردم به عدالت و دادگری رفتار کنند. از این رو وابستگی‌های عاطفی، احساسی، قومی، نژادی و انسانی نمی‌بایست فرد را از معیار عدالت و دادن حق به ذی حق باز دارد.^۳

این عدالت نه تنها متوجه مسلمانان و دوستان است بلکه متوجه دیگر انسانها و از جمله دشمنان و رقیبان نیز میباشد. قرآن در این خصوص به مسلمانان هشدار می‌دهد تا مبدا از معیار عدالت و انصاف با دشمنان خارج شوند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین سید شهداء بالقسط و لایجرمنکم شنتان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی و اتقوا الله»^۴ در آیه‌ی فوق‌الذکر به عدالت و دادگری، معیار ایمان، تقوی و قربت به خداوند ارزیابی می‌گردد و به انسانها در برابر بی‌عدالتی و بی‌دادگری از ترس خداوند بر ارتکاب آن، هشدار می‌دهد. سپس عدالت نه صرفاً قاعده‌ی اساسی در روابط میان مسلمانان بلکه قاعده‌ی عام و فراگیری است که شامل تمامی حوزه‌ها به جوامع و انسانها می‌شود و حتی اصل اساسی و فراگیر تدبیر تمام جوامع است. درآموزه‌های دینی حتی در مورد کسی که سخن می‌گویم نیز باید سخن عادلانه و دادگرانه بگوییم و به هنگام عصبانیت و خشم می‌بایست از ادای گفتار ناحق، زشت، بی‌داد و ناروا خودداری کنیم.^۵ در مورد شهادت نیز رعایت اصل مذکور نیز اساسی است.^۶ در حوزه‌ی زندگی اجتماعی

و سیاسی، چه در روابط افراد با یکدیگر و چه در روابط دولت و مردم می‌بایست این اصل رعایت شود. معیار توزیع قدرت، امتیازات، مناصب، درآمدها، موقعیت‌ها و... باید معطوف به اصل عدالت باشد. بنیاد سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید بر مبنای اصل عدالت باشد، تقسیم مناصب سیاسی و واگذاری موقعیت‌های سیاسی باید معطوف به اصل مذکور باشد و کسی که دارای تواناییها، استعداد و ظرفیت منصبی را ندارد، نباید مسؤولیتی را فراتر از تواناییهای خود کسب کند و چنانچه منصبی را کسب کند، نظام سیاسی مرتکب ظلم شده است و از اصل حق محوری و دادگری بیرون رفته است و فرد حاکم نیز باید دارای ملکه عدالت باشد. به طور خلاصه در جامعه‌ی اسلامی (یا شهر آرمانی). دادگری و عدالت «محور تمامی فعالیت‌ها است و در این اصل در آن برقرار است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مؤمن و جامعه‌ی اسلامی و همچنین به منزله‌ی یکی از اهداف چنین جامعه‌ای، راهگشای روابط زندگی فرد و جامعه است. فرد مؤمن بر این قاعده زندگی خویش را پی می‌ریزد و با دیگر انسانها ایجاد رابطه می‌کند. این معیار نه تنها میزان ارتباط وی با مسلمانان بلکه شاخص رفتار وی با دیگران نیز می‌باشد. در حوزه‌ی حکومت، سیاست و قضاوت نیز اسلام فرمان به عدالت» می‌دهد. قرآن کریم ضمن یادآوری اینکه مسؤولیتها و امانتها را باید به شایستگان با کفایتان آن سپرد. بیان می‌دارد که هر گاه میان مردم حکم و فرمانی را ندید، به عدالت حکم کنید. لذا قاعده‌ی عدالت، در حوزه‌ی زندگی اجتماعی و روابط میان مردم و حکومت، قاعده‌ی بنیادین است و طرفین به منظور سامان و تداوم نظم و نظام سیاسی باید آنرا پاس بدارند. چنانچه مردم و حکومت، بر تحقق و استحکام چنین معیاری اصرار بورزند، نظم، امنیت، رفاه و ثبات و تداوم حکومتشان تحقق خواهد یافت و چنانچه آنرا پاس ندارند و حرمتش را زیر پا نهند، نظم اجتماعی و زندگی سیاسی دچار چالش و تهدید خواهد شد و نهایتاً به ظلم و ستم و در نتیجه به سقوط و انحطاط خواهد انجامید.

عدالت در طرحهای شهرسازی^۱

برای مفهوم عدالت و طرحهای شهری توجه به موارد زیر ضروری بنظر می رسد:

۱. انصاف در تقسیم منابع: یکی دیگر از معیارهای برآورد عدالت که به ویژه در برنامه ریزی شهری اهمیت می یابد، انصاف در تسهیم و تقسیم منابع شهری است (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۲. تأمین امکانات (فرصت) برای همه: تأمین امکانات (فرصت) برای همه ی اجتماعات شهری، یکی دیگر از معیارهای حائز اهمیت در حوزه سنجش عدالت به حساب آمده است (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۳. تأمین دسترسی کافی به خدمات: تأمین دسترسی

کافی به خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه ساکنان شهر به عنوان یکی دیگر از معیارهای عدالت طرح شده است (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۴. تأمین منصفانه اشتغال و مسکن: از دیگر وظائف برنامه های توسعه شهری در ارتقاء عدالت، تأمین اشتغال و مسکن به طور منصفانه برای افراد و ساکنان بخش های گوناگون شهر است (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۵. آزادی: در ارتباط با معیار آزادی، در تعریف این معیار چنین آمده است که «مردم را در جمیع کارهایی که فطرت انسانی آنها را راهبر است آزادی بدهند.» (لهسایی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲).

جدول ۳. معیارهای عدالت بر اساس نظر اندیشمندان مسلمان و ایرانی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

تعریف عدالت	نظریه پرداز	معیارها (و یا به تعبیر آمارتیا سن متغیرهای قانونی)	منبع
عدالت در برنامه ریزی شهری	سعیدنیا	انصاف در تقسیم منابع	سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۴
		تأمین امکانات (فرصت) برای همه	
		تأمین دسترسی کافی به خدمات	
		تأمین منصفانه اشتغال و مسکن	
عدالت در جامعه اسلامی	علامه طباطبایی	آزادی فطری	لهسایی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱-۱۱۲
		ارتقاء وضعیت فقرا	
		جلوگیری از اسراف اغنیا	
عدالت سیاسی	سید قطب	وحدت همه جانبه ی متناسب و متعادل تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات	قطب، ۱۳۷۹، ص ۵۴
عدالت در مفهوم برابری طبقاتی	علی شریعتی	برابری طبقاتی	شریعتی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵ و مرامی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷
		نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه	
		نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی و اجتماعی	
درک شهروندان ایرانی از عدالت	نظرسنجی های صورت گرفته از شهروندان	فاصله فقیر و غنی کم باشد	صدیق سروستانی و دغاغله، ۱۳۸۷، ص ۳۳
		کمک دولت به فقرا	
		اجرای قانون	
		نبود فساد	
درک نخبگان ایرانی از عدالت	نظرسنجی های صورت گرفته از نخبگان	فرصت رشد و پیشرفت برابر	صدیق سروستانی و دغاغله، ۱۳۸۷، ص ۳۳
		حقوق مدنی	
		اجرای قانون	
		نبود فساد	

۱. این بخش برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «سنجش میزان تحقق پذیری عدالت اجتماعی در طرح های توسعه شهری؛ نمونه موردی: شهر همدان» است که در چارچوب طرح های پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان بوسیله آقایان کیانوش ذاکر حقیقی و محمد صالح شکوهی بیدهندی انجام یافته است.

۶. ارتقاء وضعیت فقرا: چنان که پیش از این اشاره شد، علامه طباطبایی بر آزادی فطری، ارتقاء وضعیت فقرا و جلوگیری از اسراف اغنیا تأکید دارد. به نظر وی، برای رفع اختلاف سطح طبقاتی بین فقیر و غنی، باید سطح مادی زندگانی فقرا را بالا برد (لهسایی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲-۱۱۱).

۷. جلوگیری از اسراف اغنیا: معیار دیگر مورد اشاره در کلام علامه طباطبایی در تعریف عدالت، جلوگیری از اسراف اغنیاست. در این چارچوب، برای پایین آوردن سطح زندگی اغنیا، باید از اسراف و زیاده روی ها و تظاهر به تجاوز از حد اعتدال آنان ممانعت نمود (لهسایی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲-۱۱۱).

۸. وحدت همه جانبه ی متناسب و متعادل: سید قطب، نویسنده مصری، معتقد بوده است که اسلام در تحقق عدالت اجتماعی با دو اصل بزرگ: ۱. وحدت همه جانبه متناسب و متعادل؛ ۲. تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات پیش می رود. البته عناصر اساسی فطرت انسانی را نیز در نظر داشته و طاقت و نیروی بشری را از نظر دور نموده است (قطب، ۱۳۷۹، ص ۵۴).

۹. تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات: دومین معیار مورد نظر سید قطب در کتاب عدالت اجتماعی در اسلام، تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات است (همان منبع). هر چند سید قطب تعریف دقیقی از این معیار ارائه نمی کند، اما به نظر می رسد که به نوعی به وحدت اجتماع مسلمین اشاره دارد.

۱۰. برابری طبقاتی: شریعتی موضوع برابری طبقاتی را به عنوان یکی از معیارهای عدالت در نظر می گیرد (شریعتی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵ و مرامی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷). در تحلیل اقتصادی عدالت اجتماعی، آنچه اهمیت می یابد، توزیع درآمد و رفاه در میان افراد، اقشار و طبقات جامعه است.

۱۱. نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه: یکی دیگر از معیارهای مورد نظر علی شریعتی، نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه بوده است (شریعتی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵ و مرامی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷). مشاهده می شود

که اندیشه شریعتی در تعریف معیارهای عدالت، به نحوی متأثر از تعریف طبقه در نگاه اندیشمندان سوسیالیست بوده است.^۱

۱۲. نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی و اجتماعی: سومین معیار مدنظر شریعتی، به نفی تضادها و تبعیض ها در ابعاد مختلف اقتصادی، حقوقی و اجتماعی باز می گردد (شریعتی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵ و مرامی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷).

۱۳. کاهش فاصله فقیر و غنی: کاهش فاصله فقیر و غنی، به عنوان یکی از معیارهای محتوایی عدالت، در نظرسنجی صورت گرفته توسط صدیق سروستانی و دغاغله، از سوی شهروندان به عنوان یکی از معیارهای اصلی تعریف عدالت مورد تأکید قرار گرفته است (صدیق سروستانی و دغاغله، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

۱۴. کمک دولت به فقرا: یکی دیگر از معیارهای مبتنی بر تعریف شهروندان از عدالت، کمک به دولت به فقر است. دولت از طریق منابعی نظیر مالیات، به بسترسازی فعالیت های اقتصادی و همچنین توانمندسازی شهروندان می پردازد. هاروی نقطه نظر خود را در ارتباط با دولت چنین مطرح می نماید: درباره مفهوم درست نقش دولت در جامعه سرمایه داری بحث فراوان است. من به سادگی این دیدگاه را بر می گزینم که نهادهای دولتی و فرایندهایی که قدرت های دولت را اعمال می کنند باید چنان شکلی داشته باشند که فراتر از همه تا آن جایی که توانایی دارند در بازتولید و رشد نظام اجتماعی شرکت کنند.

۱۵. اجرای قانون: اجرای قانون، از معیارهای عدالت اجتماعی است که میان شهروندان و نخبگان درباره آن اتفاق نظر وجود دارد (صدیق سروستانی و دغاغله، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

۱۶. نبود فساد: طرح های توسعه شهری در پی کاهش فساد ناشی از عدم شفافیت هستند؛ بنابراین، در ارزیابی این طرح ها، این پرسش مطرح می شود که اجرای این طرح ها تا چه حد توانسته است مانع فساد و رانت گردد.

۱۷. حقوق مدنی: رعایت حقوق مدنی یکی از معیارهای عدالت است که مورد تأکید نخبگان قرار دارد. این معیار

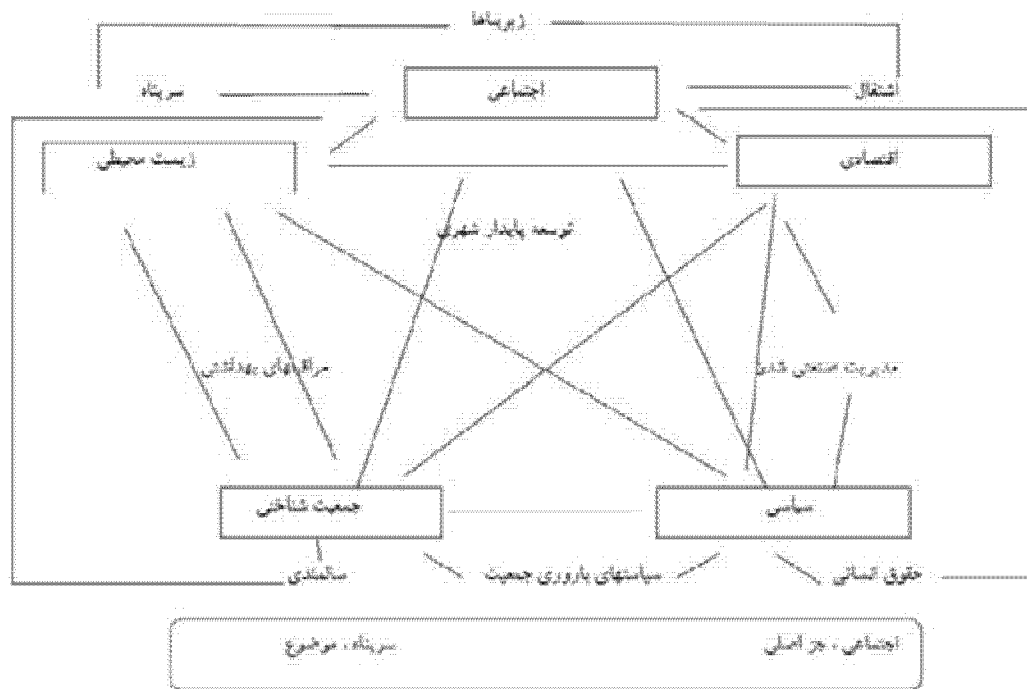
را می توان در شمار معیارهای رویه ای عدالت طبقه بندی کرد (صدیق سروستانی و داغله، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

نتیجه گیری و جمع بندی

چشم انداز شهرسازی و معماری کشور در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، دستیابی به شهرهایی ایمن، پایدار و در شان آحاد مردم کشور جمهوری اسلامی ایران است که با تکیه بر محورهای کرامت انسانی (احترام به حقوق فردی سلامت جسم و روح آسایش شهروندان تامین نیازهای اجتماعی، بهداشتی، آموزش، فرهنگی و اقتصادی آنها)، حرمت محیط طبیعی (آب خاک هوا منابع گیاهان و زیست بوم) و توجه به محیط مصنوع (ساختمان ها و فضاهای شهری) شکل می گیرند که مفهوم عدالت محوری در شهرسازی و برنامه ریزی شهری از مقولات مهم در این زمینه بشمار می رود. چنانکه اشاره شد، تعاریف و رویکردهای مختلفی درباره عدالت وجود دارد. این مطالعه، بررسی معیار عدالت

را به عنوان چارچوب نظری خود مدنظر قرار داده که عبارت بودند از: انصاف در تقسیم منابع، تأمین امکانات (فرصت) برای همه، تأمین دسترسی کافی به خدمات، تأمین منصفانه اشتغال و مسکن، آزادی فطری، ارتقاء وضعیت فقرا، جلوگیری از اسراف اغنیا، وحدت همه جانبه متناسب و متعادل، تکامل و تضامن عمومی بین افراد و واجتماعات، برابری طبقاتی، نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه، نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی و اجتماعی، فاصله فقیر و غنی کم باشد، کمک دولت به فقرا، اجرای قانون، نبود فساد، فرصت رشد و پیشرفت برابر و بالاخره حقوق مدنی. نتایج این ارزیابی نشان دهنده آن است که طرح های جامع، بر اساس همه تعاریف ارائه شده از عدالت، ناعادلانه است و از سوی دیگر، طرح های مذکور بیشترین فاصله را با تعریف علامه طباطبایی (سه معیار آزادی فطری، ارتقاء وضعیت فقرا و جلوگیری از اسراف اغنیا) از عدالت دارد.

نمایه ۳. لایه های تحقق پذیری عدالت در شهر پایدار؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.



۱. تعریف شریعی از طبقه در کتاب امت و امامت عبارت است از «افرادی از انسان که دارای زندگی یا شکل و کار و درآمدی همسان و مشابه اند... افرادی که در یک طبقه قرار می گیرند در شکل کار و زندگی و اندازه برخورداری از جامعه و درآمد با یکدیگر مشابه اند. این ها یک واحد و یک گروه مجتمع را درست می کنند، یک *Classe Sociale*. پس پیوند این ها در اشتراک کار و درآمد یا شکل زندگی و به ویژه وضع و پایگاه اجتماعی است». علیرضا مرادی، نویسنده کتاب بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت، (۱۳۷۸: ۱۳۹) این تعریف را متأثر از نظریات جامعه شناس فرانسوی (اصالتا روس)، ژرژ گورویچ (Georges Gurvitch) نویسنده کتاب مطالعه ای طبقات اجتماعی (*Studios sobre las clases sociales*) می داند.

در چنین حالتی وظیفه شهرسازان (برنامه ریزان شهری) ارایه و شکل دهی به چارچوبی است که تمام گروه‌ها، افراد و سازمان‌های مرتبط، به همکاری، تشریک مساعی و تعامل بپردازند. نظام برنامه ریزی در این حالت به وسیله‌ای تبدیل شده است که از طریق آن بتوان بین منافع متضاد گروه‌ها و افراد مختلف و تاثیرگذار و تاثیرپذیر از شهر میانجی‌گری کرده و به این ترتیب به آینده آن شکل داد. بدیهی است، مدیریت شهری در ایران در مورد اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه خود با معضل‌های متعدد و پیچیده‌ای درگیر است که به شرح زیر به برخی از آنان اشاره می‌شود.

۱- نارسایی و ناکارآمدی قوانین (اغلب سلبی بودن قوانین) در تحقق‌پذیری شهر عدالت محور؛

۲- تعدد نهادها و ارگان‌های تاثیرگذار بر مقدرها و توسعه شهر و دشواری هماهنگی آنها برای تحقق‌پذیری شهر عدالت محور؛

۳- عدم اعتماد دوجانبه بین دستگاه‌ها و مردم؛

۴- عدم وجود تمایل به مشارکت آگاهانه و فعالانه ساکنان شهرها در تحقق‌پذیری شهر عدالت محور؛

۱- نارسایی و کمبود در مورد اطلاعات و کارشناسان خبره و کارآمد؛

۲- عدم وجود امکان‌های فنی در تحقق‌پذیری شهر عدالت محور.

لذا می‌توان گفت که؛ وضعیت معماری ایران بر اساس هیچ‌یک از اصول مورد نظر معماری سنتی این سرزمین نبوده و نتوانسته است ارتباط معقولی با طبیعت و اجتماع زیستی پیرامون خود فراهم کند که عین عدالت در شهر است. ساختار مدیریت شهری پراکنده و غیر قابل انسجام امروز که نتوانسته مدیریت یکپارچه را برای شهرها رقم بزند موجب سردرگمی در بافت شهرها و ساخت و سازهای غیرمتجانس با فرهنگ این سرزمین شده است. به همین منظور می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

۱- مبانی نظری شهرسازی ایرانی-اسلامی اکنون دچار تشتت آراست و بین صاحب‌نظران، متخصصان، حرفه‌مندان، مسوولان و دانشگاهیان در این زمینه وفاق ایجاد

نشده است. به همین سبب نخستین گام در این زمینه تدوین منشورهای متناسب از طریق انجام پژوهش‌های بنیادی در رابطه با تدوین شاخصهای فراگیر مفهوم شهرسازی عدالت محور در حوزه شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی است.

۲- نگرش سوداگرایانه به شهر، زمین و بناهای مختلف عمومی موجب غفلت از ارزشها و ویژگی‌های موجود در بخش‌های فرهنگی و تاریخی شهرها و روستاها و عدم دسترسی آنها به ساخت و سازهای متناسب با مفهوم شهرسازی عدالت محور و معیارهای شهر ایرانی و اسلامی شده است.

۳- عدم به‌کارگیری تخصص‌های مورد نیاز و در عین حال متعهد در جایگاه مناسب و تداخل عملکرد تخصص‌ها موجب زیان‌های جبران‌ناپذیری در ساخت و سازهای و معماری شهرها شده است.

۴- عدم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و بستر طبیعی در توسعه شهرها علاوه بر تاثیر نامطلوب بر محیط طبیعی موجب عدم احساس آسایش و آرامش در واحدهای مسکونی و بناهای عمومی و شهروندان و تحقق‌پذیری مفهوم شهرسازی عدالت محور می‌شود.

۵- مهاجرت‌های مداوم درون شهری و برون شهری موجب عدم امکان ایجاد خاطره جمعی و تعلق خاطر به شهر می‌شود و احساس عدم تداوم استقرار در یک محله موجب عدم توجه به سیما و منظر شهر از سوی شهروندان و تحقق‌پذیری مفهوم شهرسازی عدالت محور می‌شود.

۶- عدم آمایش مناسب جمعیت در پهنه کشور موجب متروک شدن شهرها و روستاها، گسترش فقر اقتصادی و فرهنگی در برخی نقاط و تراکم تحمیلی در برخی شهرهای دیگر شده و پدیده‌های حاشیه‌نشینی را پدید آورده است که علاوه بر اینکه باعث تخریب سیما و منظر عمومی شهر می‌شود بلکه توجه به لزوم ارتقای کیفیت شهری و تحقق‌پذیری مفهوم شهرسازی عدالت محور را تحت الشعاع تبعات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کرده است.

۷- به دلیل آرایه مفاد درسی نه‌چندان مرتبط با مبانی

اندیشه دینی اسلامی در زمینه معماری و شهرسازی و به کارگیری روش های آموزشی نامناسب در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، امکان پرورش متخصصان متناسب و مورد نیاز وجود ندارد.

در عین حال با توجه به این واقعیت که در شکل پذیری شهر عدالت محور، نخست شهر آئینه فرهنگ عمومی است و دوم اینکه فضاهای شهری و شهروندان دارای تاثیر و تاثر متقابل با یکدیگر هستند، می توان گفت که ارزیابی شاخصهای معماری و شهرسازی اسلامی تنها از نقشه راه زیر ممکن خواهد شد:

۱. تعیین عوامل تاثیرگذار و استنتاج شاخص های مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری در سطوح ملی و محلی ایرانی اسلامی؛

۲. تدوین مولفه ها و معیارهای دخیل در الگوی معماری و شهر ایرانی اسلامی (تعامل مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری با معماری ایرانی - اسلامی)؛

۳. تدوین شاخصها و سنجه های تحقق پذیری مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری و معماری ایرانی اسلامی؛

۴. اجماع و به پرسمان گذاری معیارها و شاخصهای مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری بین صاحبان اندیشه و اربابان نظر؛

۵. ارائه سیاستها، راهکارها و راهبردهای کلی در رابطه با تحقق پذیری مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری در معماری ایرانی اسلامی.

باید گفت که با توجه به بررسی های صورت گرفته سیاستگذاری لازم پیرامون طراحی و اجرای پروژه های مبتنی بر معماری ایرانی-اسلامی برای رسیدن به اهداف تعیین شده در برنامه های توسعه ای و اسناد بالادستی در تحقق مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری لازم به نظر می رسد. بر این اساس می توان گفت که توجه به مفاهیم زیر لازم به نظر می رسد؛

۱. تدوین شاخصها و معیارهای تحقق مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری و معماری ایرانی اسلامی با اجماع صاحبان نظران و اربابان نظر؛

۲. مستندسازی معماری بناها و بافت شهرها و روستاهای واجد ارزش فرهنگی و تاریخی؛

۳. برنامه ریزی و سازماندهی طرح مهندسی فرهنگی کشور با تاکید بر بخشهای معماری و شهرسازی؛

۴. ایجاد ارگان بین بخشی و در عین حال ورای دستگاه های دخیل در حوزه تحقق بخشی معیارها و مولفه های شکل دهنده و تاثیرگذار در تحقق مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری و معماری و شهرسازی اسلامی؛

۵. افزایش امکان حضور مردم و تقویت نقش آنها در فرآیند تصمیم سازی و نظارت بر اجرای طرح های توسعه ای و اداره امور شهرها؛

۶. افزایش نقش سازمان های غیردولتی (NGO) در امور مدیریت شهری و روستایی؛

۷. هدایت توسعه و عمران فضایی کالبدی به سمت پایداری توسعه در محورهای طبیعی، مصنوع و پدافندی در راستای تحقق مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری؛

۸. ارتقای سطح «سکان گزینی در شهر» به «سکونت شهری» و تبدیل «شهرنشین» به «شهروند».

۹. نهادینه کردن نقش موثر مردم و مشارکت واقعی آنها در امور توسعه و عمران شهر در راستای تحقق مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری؛

۱۰. بسط عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه فرصت ها برای تامین رفاه اجتماعی و حمایت از گروه های هدف

۱۱. تدوین و اعمال ساز و کار لازم برای حفظ و حراست از اراضی تحت مالکیت دولت.

۱۲. تعیین مدیریت عمرانی مشخص و مجزا از مدیریت سیاسی برای هدایت و کنترل ساخت و سازهای خارج از محدوده و حریم شهرها و محدوده روستاها و شهرک ها بر اساس طرح های توسعه و عمران مصوب از قبیل صدور پروانه و نظارت بر اجرا؛

۱۳. تنظیم همه فعالیت های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله بین درآمدهای طبقه ها و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد در راستای تحقق مفهوم عدالت در برنامه ریزی شهری؛

۱۴. بررسی تطبیقی و تدوین مکانیسم ارتباط نهاد های اجرایی مرتبط با شهرسازی و یکپارچه سازی نهادی و سازمانی اجرا در شهرسازی کشور؛

۱۵. تدوین راهکارهای نظارت بر اجرای طرحهای شهری و شهرسازی کشور؛

۱۶. مطالعه و تدوین مکانیسم بسترسازی روابط بین بخشی در اجرای طرحهای شهرسازی کشور؛

۱۷. ارتباط توسعه شهری، شهرسازی و تعادل منطقه‌ای؛

۱۸. تنظیم شبکه شهری کشور مرتبط با آمایش ملی و منطقه ای و نظام اسکان؛

۱۹. ارتباط طرحهای توسعه شهری و طرح های ناحیه ای و منطقه ای کشور؛

۲۰. توجه به ملاحظه آمایش سرزمین، مکان‌گزینی نقاط جدید جمعیتی و توجه به نقش هر یک از شهرهای موجود.

۲۱. توزیع متعادل جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین بر اساس مطالعه های آمایش و حرکت به سوی تحقق شبکه متعادل سکونتگاه های شهری و روستایی در سطح کل کشور.

۲۲. تاکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه با توجه به: یکپارچگی در سیاستگذاری، برنامه ریزی، ارزشیابی، نظارت و تخصیص منابع عمومی؛

۲۳. پرهیز از افزایش بی رویه محدوده شهرها ضمن تاکید بر استفاده از ظرفیت های درون زای آنها.

۲۴. ارتقای نقش و عملکرد شهرهای میانی در توسعه ملی.

۲۵. همگامی در بهره وری از دانش و فناوری نوین در عرصه توسعه و عمران فضایی کالبدی با در نظر داشتن سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی.

۲۶. گسترش ارتباطات بین المللی موثر در امر هدایت توسعه و عمران فضایی کالبدی.

۲۷. هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی،

۲۸. رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.

۲۹. تهیه و اجرای طرح های جامع و تفصیلی شهری و هادی روستایی با محوریت مساجد و تامین اراضی مورد نیاز احداث مساجد در شهرهای جدید.

۳۰. بررسی رابطه ساخت و ساز در حومه شهرها و

تخریب محیط و منظر حومه شهری، تدوین ضوابط ساخت با توجه به منظر

۳۱. تعیین راهکارها برای ارتقاء کیفیت محیط و منظر در ساختمانهای شهر؛

۳۲. اصلاح قوانین موجود و برقراری قوانین جامع مسکن، شهرسازی، معماری و شهرداری.

۳۳. اقدام های لازم برای جبران عقب ماندگی های حاصل از دوران های تاریخی گذشته با تاکید بر: ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان با تهیه طرح های توسعه روستایی، گسترش کشاورزی صنعتی، صنایع روستایی و خدمات نوین و اصلاح نظام قیمت گذاری محصولات کشاورزی؛

۳۴. ارزیابی مقایسه ای کارآمدی تکنیکها و شیوه های مرمتی در ساختمانهای موجود؛

۳۵. ارزیابی نقش اقدامات انجام شده مرمتی و پیشگیرانه در حفظ بناها و بافتهای تاریخی.

منابع و کتاب شناسی

احمدی، حسن (۱۳۷۸) نگرشی بر الگوهای برنامه ریزی در جهان (آمریکا)، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، وزارت کشور

احمدیان، رضا (۱۳۸۱) امکان سنجی کاربرد طرح ساختاری- راهبردی در هدایت توسعه شهری ایران، پایان نامه دکترای شهرسازی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

احمدیان، رضا (۱۳۸۲) طرح های توسعه شهری ناکارآمد و تحقق ناپذیر، مجله شهرداری ها، سال پنجم، شماره ۵۰

احمدیان، رضا (۱۳۸۳) الگوی ساختاری- راهبردی، مجله شهرداری ها، سال ششم، شماره ۶۶

ارجمند نیا، اصغر (۱۳۸۰) سازمانهای غیر دولتی، راهبرد مشارکت سازمان یافته، مدیریت شهری، شماره ۵، بهار اطهری، کمال (۱۳۷۵) بحران اندیشه در شهرسازی معاصر ایران، فصلنامه تخصصی معماری و شهرسازی، شماره ۳۱ و ۳۲

امین زاده، بهناز (۱۳۷۸) حیاط مساجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن. مجموعه مقالات همایش مسجد -

انتشارات دانشگاه هنر ۱۳۷۸

امین‌زاده، بهرام، نمادگرایی در شهر ایرانی (رساله دکتری)، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۷۸
امین‌زاده، بهناز (۱۳۷۸) حسینیه‌ها و تکایا: بیانی از هویت شهر ایرانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۶.
ایزدی، سعید (۱۳۷۹) گذری بر روند مداخله در بافت‌های شهری در ایران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۵۸، ۵

بمات، نجم‌الدین (۱۳۶۹) شهراسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
بنیادی، ناصر (۱۳۸۰) مهمترین مشکلات شهرسازی در ایران، فصلنامه تخصصی معماری و شهرسازی، شماره ۶۲ و ۶۳

بنیادی، ناصر (۱۳۸۸) روشهای مداخله در بافتهای کهن (رساله دکتری)، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
بنیادی، ناصر (۱۳۸۹) نظام جامع (یکپارچه) توسعه کالبدی، مجله آبادی، شماره ۶۸
بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶) هنر مقدس: اصول و روشها، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران.

پرینان، بهمن (۱۳۷۸) نگرشی بر الگوهای برنامه ریزی شهری در جهان (انگلستان)، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران

پروند، شادان و تولایی، نوین (۱۳۷۶) ویژگیهای فضایی و مکانی مسجد در ایران: آموخته هایی از نمونه های ماندگار گذشته، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، تهران ۱۳۷۶.
پوراحمد، احمد، حسین حاتمی نژاد و سید هادی حسینی (۱۳۸۵) آسیب شناسی طرح های توسعه شهری در کشور، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۵

توفیق، فیروز و علی مدنی پور، و سیمین داوودی، گردآوری مجید غمامی (۱۳۸۴) روشهای شهرسازی نوین در فرانسه، انگلستان و آمریکا، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران
جعفری، [اعلامه] محمدتقی (۱۳۴۳) علم در خدمت

انسان، انتشارات نور، تهران، ۱۳۴۳

حاج سید جوادی، فریبرز (۱۳۷۸) مسجد- مدرسه ها، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر ۱۳۷۸

حبیبی، محسن و هادی سعیدی رضوانی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴ زمستان ۱۳۸۴
حراغلی، محمد بن الحسن (۱۳۶۴) وسایل الشیعه، جلد ۳، انتشارات جامعه مدرسین، قم.

حناچی، سیمین (۱۳۸۳) برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری در ایران، مجله آبادی، سال چهاردهم، شماره ۴۲
خلیل نژادی، محمد هادی (۱۳۸۴) آشنایی با پاریس و انواع طرح های توسعه شهری آن، ماهنامه شهرنگار، شماره ۳۰

دانشپور، زهره (۱۳۸۲) درامدی بر پایه های نظری و گونه بندی نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۵

دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۹) مقررات شهرسازی و معماری و طرح های توسعه و عمران، چاپ پنجم، تهران
دراکیس، دیوید (۱۳۷۷) شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جلالی، نشر توسعه، تهران

رنجبر کرمانی، علی محمد (۱۳۷۸) بررسی تطبیقی معماری نیایشگاههای غربی و مساجد، انتشارات ثقلین سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۳) تهیه طرح توسعه و عمران (جامع) ناحیه، قرارداد همسان شماره ۹، تهران
سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۳) قرارداد تهیه طرح های توسعه و عمران، حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها، قرارداد تیپ شماره ۱۲، تهران

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲) طرح ارزیابی طرح های جامع شهری، مهندسان مشاور زیستا، تهران
سعید نیا، احمد (۱۳۷۴) اندیشه های خام شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره اول
سعید نیا، احمد (۱۳۷۸) طرح های توسعه شهری مشکلات و راهبردها، مجله شهرداری ها، سال اول

سعید نیا، احمد (۱۳۷۹) تجدیدنظر در تعاریف و مفاهیم و محتوای طرح های توسعه شهری، مرکز مطالعات و شهرسازی و معماری ایران تهران

سعید نیا، احمد (۱۳۷۹) کتاب سبز شهرداری ها، مدیریت شهری، جلد یازدهم، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران

سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲) کتاب سبز شهرداری، جلد اول: شهرسازی، وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداریها، تهران.

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵) مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی، تهران

سلیمانی، محمد جواد (۱۳۷۸) معماری مسجد. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده. دانشگاه هنر آذرماه ۱۳۷۶

سیدرضی (۱۳۷۰) نهج البلاغه امام علی علیه السلام: خطبه ها، نامه ها و سخنان حکمت، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شاه، کیت و رابینسون فرد (۱۳۸۲) از تجربه آموختن: تاملی در دو دهه سیاست گذاری شهری بریتانیا، مترجم: ایرج اسدی، فصلنامه آبادی، شماره ۴۰ و ۴۱، پاییز و زمستان

شکاری، جواد (۱۳۸۰) معماری مسجد در نظام اسلامی، مجله فرهنگ مسجد - شماره ۶۳ سال ۱۳۸۰

شیخ صدوق (۱۳۷۴) امالی، ترجمه محمدباقر کمره ای، انتشارات اسلامی، تهران.

شیخ صدوق (۱۴۰۳ق) معانی الأخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم.

صابری یزدی، علی رضا و محمدرضا، انصاری محلاتی (۱۳۷۵) الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، انتشارات مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم.

صدیق سروستانی، رحمت الله و دغاغله، عقیل (۱۳۸۷) مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی، نشریه علمی - پژوهشی نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴، صص ۲۳ تا ۴۸.

صرافی، مظفر (۱۳۷۵) توسعه پایدار و مسئولیت

برنامه ریزان شهری، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۵، مرداد و شهریور

صرافی، مظفر (۱۳۷۷) مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، انتشارات سازمان و برنامه و بودجه

طیبیبیان، منوچهر؛ شکوهی، محمد صالح و ارباب، پارسا (۱۳۸۷) سنجش عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله ی خوب بخت، طرح پژوهشی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تهران.

عباس زادگان، مصطفی و حامده رضوی (۱۳۸۵) اتخاذ رویکردی نوین برای طرح های توسعه شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۵

عبدی دانشپور، زهره (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

عسگری، علی (۱۳۸۲) نظریه پردازی در برنامه ریزی و مدیریت شهری، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۵۳

غمامی، مجید (۱۳۷۱) بررسی و نقد اجمالی طرح های جامع شهری، مجله آبادی، شماره ۷

غمامی، مجید (۱۳۸۷) درباره مسائل شهری در ایران امروز، موسسه انتشارات آگاه، تهران

فلامکی، محمدمنصور؛ (۱۳۶۵) معماری بومی فضایی ناشناخته، مجموعه مقالات معماری بومی، انتشارات موسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران.

قریب، فریدون (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی نظامهای شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران

قطب، سید (۱۳۷۹) عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، انتشارات کلبه ی شروق، چاپ بیست و پنجم، تهران.

کلارک، جایلز (۱۳۷۲) به سوی اشکال مناسب طرح ریزی کالبدی شهری، ترجمه کمال اطهاری، مجله آبادی، سال سوم، شماره نهم

کمره ای، محمدباقر (۱۳۶۵) آداب و سنن، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، انتشارات اسلامی، تهران.

کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. مترجم: محسن ثلاثی. انتشارات علمی، چاپ چهاردهم ۱۳۸۷.

- کولین لی (۱۳۶۶) مدل ها در برنامه ریزی شهری، ترجمه مصطفی عباس زادگان جهاد دانشگاهی، تهران
- گیدنز، انتونی (۱۳۷۸) راه سوم، بازسازی و سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران
- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر (۱۳۷۵) شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری، روابط عمومی شهرداری تهران
- لطفی، سهند و محمد رضا پورجعفر و مجتبی انصاری (۱۳۸۳) مروری بر ناکارآمدی طرح های تفصیلی متداول در بافت ارگانیک مسکونی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۳
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۷) نابرابری و قشربندی اجتماعی، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ دوم، شیراز.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری شکل شهر، ترجمه حسین بحرینی، ویرایش دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ماجدی، حمید (۱۳۸۱) طرح های توسعه شهری، شهرداری ها، سال چهارم، شماره ۴۲
- مجیدی خوانساری، غلامحسین (بی تا) نهج الفصاحه: کلمات قصار پیامبر اسلام (ص) انتشارات انصاریان، قم.
- مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۳) طرح ها و برنامه های توسعه شهری تهران، ارزیابی و مقایسه تطبیقی، شهرداری ها، سال ششم، شماره ۶۶
- مرتضی، هشام (۱۳۸۷) اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، مترجم: ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۲) تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- مرکز سکونتگاه های انسانی سازمان ملل متحد (۱۳۸۸) شهرها در فرآیند جهانی شدن: گزارش جهانی سکونت گاه های انسانی، ترجمه رضا پورخردمند و دیگران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۹) خدمات متقابل اسلام و ایران، شرکت سهامی انتشار.
- مطهری، شهید [مرتضی (۱۳۵۷) علل گرایش به مادّیگری، انتشارات صدرا، تهران.
- معروفی، سکینه (۱۳۸۳) برنامه ریزی شهری مقوله ای صرفاً فیزیکی و کالبدی نیست، شهرنگار سال پنجم شماره ۲۶.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، تهران.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۷۶) درآمدی بر نظریه ها و روش های شهر سازی، مهندسان مشاور فرهاد، تهران.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۰) به سوی شهرسازی دموکراتیک، مدیریت شهری، شماره ۵.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵) برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران.
- مهندسین مشاور شارمند (۱۳۷۸) بررسی تجارب تهیه و اجرای طرح های توسعه شهری در ایران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) شهرسازی و معماری اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، انتشارات مانی، اصفهان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۸) مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، نشر شهر، تهران.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۹) روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۰) شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه، نشر شهر، تهران.
- نقی زاده، محمد، ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی) (۱۳۸۶) شهرداری اصفهان، اصفهان.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۹) آیین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح های توسعه و عمران محلی، ناحیه ای، منطقه ای و ملی مقررات شهرسازی و معماری کشور، تهران
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۲) مجموعه قوانین و

Landis, John(2004), Spatial Development Planning in the U.S: Context, purpose, organization ,outcomes , USA
MC Conel(1981), Theories for planning , London
MC Longhlin(1970) ,Urban and Regional planning
Ministry of Housing(1970), Development Plans “(A manual on form and context), London
UK,Department of Environment(1995); Development Plans: A good practice guide, London

مقررات معماری و شهرسازی، گرد آوری مجید احسن، جلد اول و دوم، چاپ اول، ته ران
وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۷) اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در ایران براساس رویکرد راهبردی، وزارت مسکن و شهرسازی.
وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۷) مبانی و چهارچوب بازنگری شرح خدمات طرح های شهری، کمیته تعاریف، شرح خدمات و قراردادهای وزارت مسکن و شهرسازی.
هاروی، دیوید (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، مترجمان فرخ حسامیان و دیگران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
هال، پیتر (۱۳۸۱) برنامه ریزی شهری و منطقه ای، مترجم: جلال تبریزی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

Alexander, Ernest R (2000) Rationality Revisited: Planning Paradigms in a Post-Postmodernist Perspective , Journal of Planning Education and Research

Allmendinger , philip (2000) , Planning in post-modern times , London and Newyork

Badshah,Akhtar (1996), Our Urban Future (New paradigms for equity and sustainability), Oxford University Press

Buchsbaum and Smith(1993), State and Regional Comprehensive Planning , Chicago

Cataness , A.synder(1988), Urban planning , MC Graw Hill

Campbell , s(1997), Reading in Planning theory , Oxford

Chadwick, George (1971), A system view of planning , Oxford

Chadwick, George (1987),Models of urban and Regional System in Developing Countries (some theories and application in physical planning , Oxford

Cullingworth, Barry(1997), Planning in the USA , Routledge , London

Faludi, Andreas(1973), Planning theory , Oxford

Farvacque, C-Mcauslan, p(1992), Reforming Urban Policies and Institution in developing Countries , Washington, World Bank

Hall , Peter(1994) , Urban and Regional planning , Routledge , London

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۵۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۵۶

اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی

امید تبریزی* - فارغ التحصیل موسسه غیرانتفاعی ساریان، رشته معماری، ساری، ایران.
مصطفی مختاباد امرئی - استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس، گروه پژوهش هنر، تهران، ایران.
محسن فیضی - استاد تمام دانشگاه علم و صنعت، گروه معماری، تهران، ایران.

چکیده

ظهور معماری مدرن در برخی شهرهای کشورهای در حال توسعه سبب تغییر بعضی ساختارهای اجتماعی در آن جوامع شده است؛ چنانچه در شهرهای بزرگ ایران نیز افزایش ارتفاع ساختمانها، تراکم ساخت و ساز، تراکم جمعیت و سایر عوامل سبب شده است که ارتباطات مردمی با یکدیگر افزایش پیدا کرده و تعاملات اجتماعی کاهش پیدا کند. افزایش تعاملات اجتماعی سبب ارتقای حس سرزندگی، افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش مشارکت های فرهنگی، کاهش جرم خیزی میشود که از جمله اهداف طراحی شهری و معماری به حساب می آید. در این پژوهش نوع طراحی بر اساس جمع‌گرایی و تاثیر آن بر افزایش تعاملات و نیز عوامل کالبدی تاثیر گذار بر تعاملات اجتماعی را شناسایی کردیم تا با درک صحیح از طراحی شهری و معماری جمع‌گرا و شناخت ویژگی فضاهایی که در آن تعاملات اجتماعی به میزان بیشتری جریان دارند به اهداف موردنظر اجتماعی دست پیدا کنیم. در این پژوهش دریافتیم که وجود فضاهای جمعی از جمله فضاهای سبز، فضای ورزش، فضای بازی کودکان، کاربریهای تجاری، لابی، پیاده‌راه و همچنین نحوه طراحی با در نظر گرفتن فضاهای عمومی و نیمه عمومی سبب افزایش تعاملات اجتماعی در شهرها، محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی می‌شود.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، معماری جمع‌گرا، طراحی فضای جمعی، روابط اجتماعی.

Design and architecture of collectivist social interaction and communication

Abstract

The emergence of modern architecture in cities in developing countries due to changing social structures of the societies; if the height of buildings in major cities, building density, population density and other factors has caused our people has increased communication and social interaction is reduced. Increased social interaction promote a sense of vitality, increase social trust, increase cultural participation, reducing the seismic mass. The research design is based on collectivism and its impact on increasing interaction and physical factors affecting social interactions were detected to the understanding of urban design and architecture of collectivism and social recognition feature spaces we find the desired objectives. The study found that despite increased social interaction in public spaces in cities and residential neighborhoods are.

Keywords: social interaction, collectivist architecture, design collective, social relations.

مقدمه

یکی از مهمترین نیازهای انسان ارتباط و تعاملات به ویژه در سطح اجتماعی است. بسیاری از روانشناسان و جامعه شناسان همچون آلفرد آدلر، اریک برن، آبراهام مزلو در مورد اهمیت تعاملات و روابط اجتماعی و تاثیر آن بر زندگی فرد و اطرافیانش بحث های گسترده ای انجام داده اند و هرکدام از جنبه ای خاص به این موضوع نگرسته اند. در دنیای مدرن امروز به ویژه در شهرهای پرجمعیت به دلایل مختلف، تعاملات اجتماعی کاهش یافته و این کاهش ارتباطات به ویژه در روابط همسایگی بسیار چشمگیر و مشخص شده است به طوریکه در بسیاری از نقاط کشور شاهد این هستیم که حتی همسایگان در یک واحد مسکونی و یا همسایه های کنارهم نام یکدیگر را نمیدانند، چه برسد به اینکه روابط و تعاملاتی با هم ایجاد کنند. این فقدان ارتباط علاوه بر تاثیرات مخرب فردی مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را باعث میشود.

همزیستی و رفتارهای اجتماعی انسانها باهم از ویژگی های بشر میباشد و یکی از مهمترین جنبه های این رفتارهای اجتماعی، نیاز به برقراری تعامل اجتماعی در سطح روابط همسایگی می باشد. خانه های امروزی در محلات جدید مسکونی با امکانات و شرایط زندگی موجود، قابلیت پاسخگویی به این نیاز اجتماعی را به خوبی ندارند؛ به طوری که امروزه شاهد عدم حضور و بازی کودکان در فضاهای باز و به واسطه آن کم رنگ شدن روابط بین همسایگان و حتی عدم شناختشان نسبت به یکدیگر می باشیم. تغییر کالبدی فضاهای باز مجموعه های مسکونی و از بین رفتن بافت های محلی برای ارتقا سطح این تعاملات، همچنین بریدن از ارزش های حاکم بر جوامع سنتی مبتنی بر تعاملات اجتماعی از جمله مهمترین دلایل بوجود آمدن این مساله می باشد که در دراز مدت منجر به نارضایتی میگردد. متغیرهای این تحقیق انواع فضاهای جمعی و تعاملات اجتماعی هستند. منظور از انجام این

تحقیق افزایش سطح تعاملات اجتماعی افراد در محیط پیرامونشان و شناخت تاثیر انواع فضاهای جمعی در تعاملات اجتماعی می باشد که راه حل آن ایجاد فضاهای باز نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی است که امکان جوابگویی به این نیازها در محیط پیرامون خانه ها بوجود آید و این امکان پذیر نیست مگر با مثبت دیدن این فضاها و طراحی آنها بر اساس نیازهای موجود و نیز تجهیز این فضاها برای برقراری ارتباط درست و مناسب با افزایش روابط میان همسایگان است که در پی آن می توان شاهد افزایش حضور مردم و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی و ایجاد حس مسئولیت در ساکنان نسبت به محل زندگی خود بود. در این راستا، هدف از مطالعه حاضر پاسخ به این سوالات می باشد که

۱. ویژگی های کالبدی فضاهای شهری و معماری، چه تاثیری بر تعاملات اجتماعی بین ساکنین دارند؟
۲. آیا این ویژگی ها میتوانند افراد را به تعاملات اجتماعی در شهر دعوت کنند؟
۳. در صورت افزایش تعاملات اجتماعی به چه اهداف اجتماعی می توان دست پیدا کرد؟

پیشینه تحقیق

در نظریه های طراحی محیط نیز اظهار نظرهای زیادی راجع به چگونگی تاثیر طراحی بر تعامل اجتماعی مردم شده است: جملاتی نظیر «فضای آزاد را طراحی کردیم که مدیران و کارکنان ضمن کار یکدیگر را ببینند». همچنین نیاز انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به یک مکان از جمله مواردی است که جان لنگ برای ضرورت برقراری روابط اجتماعی بر می شمرد و انجام تعاملات اجتماعی و مشاهده فعالیت های مردم را موجب شادی انسان از طریق ایجاد زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری می داند. کریستوفر الکساندر (Alexander) نیز ملاقات های گاه به گاه و غیر رسمی را زمینه ساز توسعه دوستی ها و روابط روزمره مردم دانسته و روابط اجتماعی را موجب نزدیکتر شدن نگرش های متفاوت افراد مختلف می داند. به گفته جنکل (Jehn Kehl) فضاهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

عمومی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فراخوانند یا برعکس به صورتی باشند که وارد شدن به آنها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشند. در فضاهای اجتماع‌پذیر در نحوه طراحی فضا و چیدمان مبلمان آن ارتباط چهره به چهره افراد در نظر گرفته می‌شود. این مسئله در کنار ایجاد فضاهایی که امکان ملاقات با یکدیگر را فراهم می‌کند موجب افزایش قابل توجه تعاملات اجتماعی می‌گردد. مطالعات افرادی چون جن جاکوبس (Jehn Jacobs) و اسکار نیومن (Oscar Neuman) نیز نشان می‌دهد که در محیط‌های محلی که تعامل اجتماعی قابل توجهی میان مردم وجود دارد میزان جرم و جنایت پایین‌تر می‌باشد و امنیت بیشتری حاصل می‌گردد. در مورد فضای داخلی ذکر شده است که «سلسله مراتب فضا به گونه ای باشد که مردم بتوانند رابطه اجتماعی برقرار کنند».

عزیزی و محمد نژاد در بررسی تطبیقی دو گونه متفاوت مجتمع‌های مسکونی در شهر تهران دریافتند تراکم پایین و گشودگی فضا در مجتمع‌های متعارف، عامل مهمی در تامین فضای سبز، آرامش بالا و جریان هوای مناسب است. از طرفی توجه به راهکارهای تامین امنیت توجه به ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی ساکنین آتی مجتمع‌های مسکونی در هنگام برنامه ریزی از عوامل کلیدی در ایجاد مطلوبیت محیط مسکونی می‌باشد (عزیزی و محمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

در مطالعات موردی در مجتمع‌های مسکونی منطقه نواب در تهران برگرفته از نظرسنجی ساکنین در مورد عوامل موثر بر ادراک رضایتمندی از محیط‌های مسکونی نشان می‌دهد که بحث رضایتمندی از واحدهای مسکونی علاوه بر ویژگی‌ها و خصوصیات خود این واحد‌ها به امکانات خدمات عمومی و تجهیزات خارج از مجتمع مرتبط می‌باشد (رفعیان و عسگری‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹).

از دید صاحب‌نظران پایداری مجتمع‌های مسکونی

تأحد زیادی وابسته به هویت اجتماعی و هویت فضای مسکونی و هم‌سنخی ساکنان است. جامعه‌شناسان هویت اجتماعی را مربوط به طبقه اجتماعی آنها میدانند. طبقه اجتماعی را شغل و ثروت و تمکن مالی یا تحصیلات مشخص نمیکند بلکه طبقه اجتماعی هرکس با محل سکونت او مشخص میشود (سجادی قائم مقامی، پوردیهیمی، و زرغامی، ۱۳۸۸، ص ۹).

مواد و روش‌ها

این مطالعه از لحاظ هدف، پژوهشی- کاربردی است؛ زیرا به تدوین معیارهایی برای طراحی جهت افزایش سطح تعاملات اجتماعی می‌پردازد و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها تحقیقی توصیفی است، چراکه هدف آن توصیف پدیده‌ها و مفاهیم مرتبط با تحقیق می‌باشد و از لحاظ نحوه اجرا، تحلیلی و میدانی می‌باشد. روش میدانی که با توجه به اهداف و سوالات اساسی تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز گردید.

ادبیات و مبانی نظری

یکی از بحث‌های مهم امروزی در میان متفکران مسائل شهری موضوع فضاهای عمومی در شهر است. این مفهوم در طراحی و برنامه ریزی شهری تحت عناوینی همچون «عرصه عمومی^۱»، «فضای شهری^۲»، «مکان عمومی^۳» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. ساده‌ترین بیان عرصه عمومی دربرگیرنده گروه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است که از متن مردم و فعالیت‌های آنها ریشه گرفته است؛ به نوعی عرصه عمومی یک عرصه همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند. بر اساس «فرهنگ انگلیسی آکسفورد»، واژه Public به معنای کلی و در اکثر معانی متضاد خصوصی است. همچنین تعریف مربوط یا متعلق به مردم به عنوان یک کلیت، نیز برای آن ذکر شده است. در جدیدترین ویرایش فرهنگ آکسفورد تعریفی مشابه مطرح شده است:

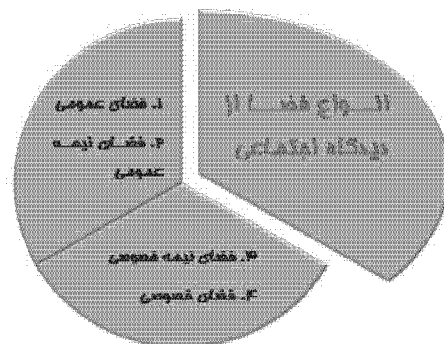
«متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم و ارائه شده



توسط دولت محلی یا مرکزی. به اتکای این تعریف برای مثال خیابانی عمومی، متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به روی شان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، از طرف دولت ارائه می شود و به آن مرتبط است. این مفاهیم در تعاریف مختلف فضای عمومی بازتاب یافته اند» (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳).

تقریباً تمام تعاریف طراحی شهری حاکی از این است که طراحی شهری با عرصه عمومی (یا قلمرو عمومی و یا فضای عمومی) و عناصر تشکیل دهنده آن سر و کار دارد. طراحی شهری از پروژه هایی با چند ساختمان تشکیل می شود که از نظر اندازه متفاوت بوده و از مجموعه های ساختمانی شروع شده و بخش هایی از شهر و در نهایت کل شهر ختم می شود. گاهی طراحی شهری، طراحی خود ساختمان ها را نیز دربرمی گیرد، اما اغلب تنها تا آن حد وارد معماری بناها می شود که کاربرها و نمای ساختمان های به ویژه در طبقه همکف، عرصه عمومی را تعریف می کنند (Lang:2005:6-22).

سازمانها و ساختارهای عمومی از اجزای عمومی و خصوصی تشکیل می شوند. تمایز بین این ها همیشه روشن نیست، زیرا رفتارها و مکانهای «نیمه عمومی» و نیمه خصوصی «هم وجود دارند. به علاوه اینکه چه چیزی را خصوصی یا عمومی تلقی کنیم از فرهنگی به فرهنگ دیگر و در درون هر فرهنگ طی زمان تفاوت دارد.



تصویر بالا. انواع فضا از دیدگاه کاربسته های اجتماعی؛ ماخذ: نگارنده.

«مدنی پور» در فصل هشتم از کتاب «فضاهای عمومی و خصوصی شهر» با یک نگاه ریشه ای، بنیادی ترین تفاوت میان فضاهای عمومی و خصوصی را تفاوت میان فضای درونی انسانی و فضای بیرونی جهان پیرامون می داند. وی در یک تحلیل، خصوصی ترین فضا را فضای درون بدن بر شمرده سپس اولین لایه که رفتار شخص، حرکات بدن و زبان در آن تبلور می شود را فضای شخصی می داند. وی به دنبال این مطلب خصوصی بودن فضا را عمدتاً به ملک خصوصی ارجاع داده و در یک تعریف کلی حوزه خصوصی را بخشی از زندگی شخص می داند که وی در محدوده ای شخصی و به دور از دید و اطلاع مردم یا کنترل حکومت و مقامات رسمی، آن را کنترل می کند. تعبیر عده ای از داشتن حریم شخصی این است که فرد حق دارد تنها و به حال خود باشد. بر اساس این تعبیر، فضای خصوصی بخشی از فضاست که فرد بر آن مالکیت و اختیار دارد و حق داشته از آن بهره انحصاری ببرد و دیگران را در آن راه ندهد (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۲۶).

«حوزه خصوصی»، همزمان، هم جایی در خلوت ذهن دارد، هم دامنه آن تا فضای شخصی بدن گسترده می شود. هم در قالب ملک خصوصی با مفهوم زمین در می آمیزد و هم در خانه با واحدی اجتماعی پیوند برقرار می کند. لایه های مختلف فضای خصوصی تشکیل شده است از: «فضای غیرعینی ذهن، فضای شخصی اجتماعی - روانی بدن، فضای نهادینه شده ملک خصوصی و فضای صمیمی خانه» (همو، همان، ص ۲۹). حوزه خصوصی حوزه ای مجرد مستقل و کاملاً جدا از محیط اطراف نیست، بلکه وابستگی متقابل با حوزه عمومی دارد. نمود این وابستگی متقابل، مرز میان این دو حوزه است که انتظار می رود روشن و واضح باشد، اما اغلب مبهم و محل مناقشه است. فضاهای عمومی شهرها تقریباً در همه زمان ها و مکان ها بیش از آنکه با فضاهای شخصی و صمیمی ارتباط داشته باشند، مکان هایی هستند خارج از حوزه کنترل افراد با گروه های کوچک. این فضاها واسطه و

میانجی فضاهای خصوصی بوده و کاربردهای عملی دارند. از این رو در توصیف فضاهای عمومی می توان گفت که این فضاها، فضاهایی هستند چند منظوره و در دسترس عموم که هم از قلمروهای اختصاصی و مرزبندی شده خانواده ها و افراد متمایزند و هم میانجی آنها محسوب می شوند. اصولاً این فضاها را در صورتی عمومی تلقی می کنند که تأمین و مدیریت آنها برعهده مسئولان دولتی باشد، با مردم به صورت یک کل واحد ارتباط برقرار کنند، مردم آزادانه و به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند و یکایک اعضای جامعه بتوانند از آنها بهره ببرند یا مشترکاً از آنها استفاده کنند. بنابراین وقتی از قلمرو عمومی صحبت می شود منظور فضاهایی است که برای استفاده مشترک عامه مردم است و توسط مسئولان عمومی اداره می شود یا چنان که مدنی پور می گوید:

«فضای عمومی را می توان به مشابه فضایی تعریف کرد که اجازه می دهد مردم به آن و فعالیت های درون آن دسترسی داشته باشند و فضایی است که یک کارگزار عمومی آن را کنترل می کند، فضایی که در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می شود» (Madani Pour, 1996:148).

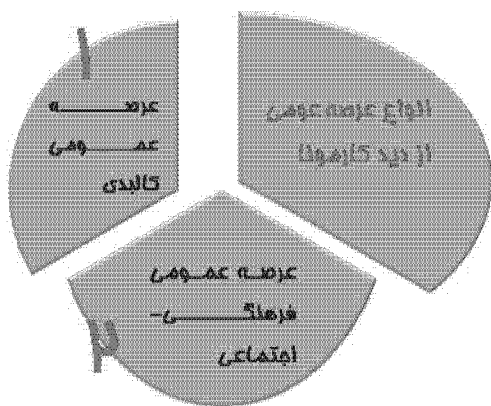
از دید «والزر» فضای عمومی فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخورد های غیر شخصی. (Walz-er, 1996:470). «تیبالدز»، هم در تعریف خود از عرصه عمومی به این مفهوم اشاره می کند. از دیدگاه وی عرصه های عمومی مهمترین بخش شهرها و محیط های شهری هستند. در چنین عرصه هایی بیشترین تماس ارتباط و تعامل بین انسان ها رخ می دهد. این عرصه ها تمام بخش های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی گیرد. بنابراین این مکان ها از خیابانها، پارکها و چهارراه ها تا ساختمان های محصور کننده آنها را شامل می شود (تیبالدز، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

وی همچنین اشاره می کند در حالی که عرصه عمومی در حال تنزل است، عرصه خصوصی با تأکید بر حریم خصوصی، خلوت گزینی آسایش فردی، مصرف شخصی و امنیت فردی رو به افزایش است. از دید تیبالدز اگر بخش خصوصی را به حل خود رها کنیم، هرگز نمی تواند محیطی شهروندگرا بیافریند. فضای عمومی به عنوان بستر مشترکی است برای انجام فعالیت های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده اعضای جامعه است. چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دوره ای. صفحه ای است که در آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد (Carr, 1992:110).

مروری بر نوشته های مربوط به حقوق نشان می دهد که در واژگان حقوقی، اگر فضایی، فضای عمومی به حساب آید، مالکیت و حق دسترسی را نمی توان مانعی بر سر راه کاربردی عمومی آن دانست، علی رغم محدودیت های ذاتی که برای دسترسی عمومی وجود دارد. حتی مکانی عمدتاً خصوصی در اکثر اوقات می تواند در دسترس عموم باشد و اگر هم منع شده باشد، می توان آن را از مجرای قانونی طلب کرد. مکان های عمومی نمی توانند قانوناً تعامل با دیگر استفاده کنندگان را ممنوع کنند، بلکه فقط می توانند ماهیت آن را تعیین کنند (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵).

فضای عمومی مکان هم زمانی فعالیت هاست، مکانی برای عرضه و نمایش، محک زدن واقعیت، کنکاش در تفاوتها و هویت ها، عرصه ای برای باز شناخت، مکانی که فرد با باز نمایی تفاوتها از خود و دیگران شناخت بدست می آورد و امکان بررسی رابطه امر خاص و کلی و امر شخصی و غیرشخصی را پیدا می کند. در این مکان حقایق چندوجهی همزیستی پیدا می کنند و میزان تحمل عقاید و دیدگاه های گوناگون به بوته آزمایش گذاشته می شود (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۳۱). البته به نظر می رسد که شهرهای مدرن مانع این جریانند، چون مردم سوار بر اتومبیل های شخصی خود از میان فضاهای عمومی می گذرند، با تقسیم شهر به مناطق و محله های مختلف خود را از دیگران

پارک ها و فضاهای درونی مانند رواق ها، سالن های ایستگاه های قطار، ساختمان های عمومی و فضاهای دیگری که عامه مردم به آن دسترسی دارند، نظیر فضاهای داخلی مجتمع های تجاری. «کرمونا» نیز عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی^۲» و «عرصه عمومی فرهنگی- اجتماعی^۳» مورد بررسی قرار می دهد. (Carmona، 2003:11)



تصویر ۶. انواع عرصه عمومی از دیدگاه کارمونا؛
ماخذ: نگارنده بر اساس کارمونا، ۲۰۰۳.

«کوستوف^۴ علی رغم اینکه در تعاریف خود از قلمرو عمومی بیشتر «فضاهای باز» را مدنظر دارد، اما به دلیل تعریفی که از فعالیت های انجام شده در این فضاها می کند به نظری مشابه لنگ می رسد: «شاید به صورت بنیادی، آیین های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفته اند که شامل آنزبوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اگری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸؛ به نقل از Kostof، 1992:82).

دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM^۵) فضای عمومی را بخش هایی از محیط طبیعی و ساخته شده مرتبط می داند که عموم به آن دسترسی آزاد دارند. فضای عمومی همه خیابان ها و میداين به طور ویژه جایی که کاربری مسکونی و تجاری وجود دارد، پارک ها و فضاهای باز جایی که دسترسی عمومی

جدا می کنند و تنها به واسطه نهادهای پیچیده انتزاعی و مبتنی بر مقررات خشک اداری با دیگران ارتباط ایجاد می کنند؛ بنابراین فضای عمومی باید شرایطی را برای انسان فراهم کند که علاوه بر رابطه های با واسطه، بی واسطه هم با یکدیگر ایجاد ارتباط کنند.

«لنگ^۱ اشاره می کند که از دید متخصصان حرفه ای در هریک از زمینه های طراحی محیط، عرصه عمومی از دو جزء تشکیل می شود:

۱- جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در آن روی می دهند ارتباط دارد؛ و

۲- جزء دوم چگونگی تصمیم گیری های جمعی توسط دولت یا در چارچوب سازوکار بازار براساس قانون اساسی هر کشور را در برمی گیرد.

وی سپس با تأکید بر عرصه عمومی کالبدی اشاره می کند که عرصه عمومی الزاماً با املاکی که در مالکیت عمومی است یکی نخواهد بود. وی جزء اول را عرصه عمومی کالبدی و جزء دوم را عرصه عمومی تصمیم گیری نام می نهد (Lang، 2005:6-22). در این تعریف از عناصر تشکیل دهنده عرصه عمومی نقش دو عنصر اساسی کالبد به عنوان عنصر عینی فضا و فعالیت به عنوان عنصری که ارتباطی فراتر از محدوده کالبدی داشته و به عناصر بالا دست مؤثر در فضا متصل می شوند را به وضوح می توان مشاهده کرد. در جامعه ای که حق مالکیت عمومی مقدس شمرده می شود و هر فرد حق دارد و آزاد است که آنچه را می خواهد بسازد، عرصه عمومی و فضاهای باز عمومی یعنی فضاهایی که عموم مردم حق ورود به آن را دارند به یک معنی استناد دارند. وی همچنین باتوجه به این تعریف که عرصه عمومی از آن دسته مکان هایی تشکیل می شود که همه به آن دسترسی داشته باشند، هرچند در زمان هایی محدود، چنین بیان می دارد که این تعاریف هم فضاهای درونی و هم بیرونی را شامل می شود. فضاهای بیرونی مانند خیابان ها، میداين،

1- Jon Lang

2- Physical Public Realm

3- Socio-Cultural Public Realm

4- Kostof

5- Office of Deputy Prime Minister

محدود نیست (حداقل در ساعات روشنی از روز) را شامل می شود (OPDM، 2004:10).

به نظر می رسد تعاریف عموماً بر دسترسی بدون محدودیت به فضا و فعالیت های متنوع تأکید می کند که تعامل اجتماعی بارزترین وجه نتیجه این دسترسی محدود نشده است که در فضای عمومی رخ می دهد. لنگ اشاره می کند که در مورد محدوده فضای عمومی و خصوصی ابهام وجود دارد. به این دلیل که هر دو سطوح مشترک کالبدی می یابند. در واقع محدوده فضای عمومی گاه به درون محوطه هایی که دارای مالکیت خصوصی هستند، نفوذ می کند و این محوطه های را (به دلیل استفاده عمومی از آنها) به عنوان فضای عمومی مطرح می کند؛ یعنی محدوده اجتماعی فضای عمومی با محدوده حقوقی و کالبدی آن، روی هم قرار نمی گیرند. در نتیجه مرز کالبدی فضا با قلمرو اجتماعی آن یکسان نیست. وی در این ابهام فضاهای عمومی اعتقاد دارد که اگرچه مردم از نظر دسترسی به آنها از آزادی نسبی برخوردارند، اما این مکان ها در مالکیت خصوصی قرار دارند. از آن جایی که قلمرو عمومی و مشترک شهرها به طور فزاینده ای در حال خصوصی شدن است (یا شاید بهتر است بگوییم قلمرو خصوصی، فضاهای عمومی را در اختیار می گذارد)؛ بنابراین ابهام گفته شده شاید در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

در توضیح این نکته لنگ می گوید: اگرچه، در مورد آنچه که قلمرو عمومی را تشکیل می دهد، مقداری ابهام وجود دارد، ولی چنان که تحلیل مختصری از عناصر محاط کننده آن نشان می دهد، قلمرو عمومی را کف و سطوح ساختمان های احاطه کننده آن دربر گرفته است. برخی از این سطوح دیوارهای خارجی هستند که فضای عمومی و خصوصی را از هم جدا می کنند، اما سطوح دیگر، دیوارها و سقف هایی هستند که فضاهای داخلی را در خود جای می دهند. ابهام به دو دلیل ایجاد می شود:

۱- عناصر تعریف کننده قلمرو عمومی (به ویژه دیوارهای ساختمانها) غالباً در مالکیت خصوصی هستند که مسائلی را در رابطه با مالکیت عمومی در برابر خصوصی مطرح می کند و

۲- بسیاری از فضاها، هم در داخل و هم در خارج ساختمان ها نیمه عمومی هستند (Lang 1994:187-189).

با این توضیح وی نتیجه می گیرد که حیطه فضای عمومی از حد فضای باز شهری فراتر می رود و جایی است که در آن فعالیت عمومی صورت می گیرد (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷). این متفکر طراحی شهری همچنین می نویسد: اگر تاریخ گذشته بتواند در این زمینه و راهنما باشد، وضعیت خصوصی و عمومی در آینده از یک الگوی حلقوی پیروی خواهد کرد. دامنه آنچه عمومی شمرده می شود، کم و زیاد خواهد شد. درک این نیاز که آنچه طراحی شده را تا چه حد با خواست عموم کنترل کنیم یا نکنیم، تابع تغییرات و تحولات سیاسی خواهد بود.

«چرمایف^۱» و «الکساندر^۲» به طور کلی سلسله مراتب فضاهای شهری یا عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در شش دسته زیر طبقه بندی می کنند:

- «فضاهای عمومی شهری»: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم مردم است، مانند شاهراه ها، جاده ها، راه ها و پارک های شهری؛

- «فضاهای نیمه عمومی شهری»: فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده عموم قرار می گیرند ولی دولت یا مؤسسه ای بر آنها نظارت می کند و سرپرستی آنها را به عهده دارد. مانند بنای شهرداری ها، دادگاه ها، مدارس دولتی، دفاتر پست، بیمارستان ها، ایستگاه های مسافری، پارکینگ ها، گاراژها، استادیوم ها و تئاترها.

- «فضاهای عمومی خاص یک گروه»: جاهایی که در مرز عرصه خدمات و تسهیلات عمومی و خصوصی قرار گرفته اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن مسئول هستند. مانند جاهایی که از خدمات پستی، آب و برق، آتش نشانی



از آن استفاده می کنند.

- فضاهای خصوصی خاص یک گروه: انواع جاهایی کم اهمیت تر که تحت نظارت دستگاه اداره کننده ای باشند از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستأجرین حقیقی و یا حقوقی. مانند باغ های عمومی، زمین های بازی، انبار و غیره.
- فضاهای خصوصی خانواده: فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد مانند صرف غذا، تفریح و غیره.
- فضاهای خصوصی فرد: اتاق اختصاصی هر شخص یا هریک از اعضای خانواده (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی

اجتماع دربرگیرنده افراد با سطح فکری و فرهنگی است. هیچ اجتماعی یافت نمی شود که افراد آن صد در صد هم دل، هم عقیده و هم فکر باشند. خواه این جامعه بسیار بزرگ باشد خواه یک خانواده دو نفری تشکیل شود. اینجاست که تعامل اجتماعی پیش می آید یعنی احترام متقابل به خواستها، ایده ها، نگرش ها و عقاید افراد آن جامعه بوجود آید؛ یعنی علیرغم آنکه افراد جامعه با او هم عقیده نیستند ولی به آنها احترام می گذارد. روابط اجتماعی ارتباط بین دو نفر و بیشتر یا بین چند گروه را بیان می کند. این روابط می تواند صورت همکاری، تفاهم و دوستی داشته باشد و می تواند به صورت تضاد و تنش و کشمکش و گاه بی تفاوتی و همزیستی باشد. به بیان دیگر، روابط اجتماعی ارتباط و وابستگی متقابل انسان ها و جهت گیری رفتاری آنهاست که می تواند در جهت دوستی یا دشمنی باشد. عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محتوای آن در بررسی های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک» اثر ویلیام

وایت^۲ در ۱۹۸۰، «زندگی در بین ساختمان ها»^۳ اثر جان گهل^۴ در ۱۹۸۷ و «مکان های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری»^۵ اثر کلیر کوپر مارکوس^۶ و کارولین فرانسیس^۷ در ۱۹۸۸ ارجاع می دهند. مارکوس به بررسی انواع میادین شهری پرداخته، وایت پی از بررسی اجزا و عناصری همچون فضاهای نشستن و به دنبال آن عناصر محیطی همچون بار، خورشید و غیره، بحث مثلث بندی^۸ در فضای شهری را مطرح کرده و گهل سه گونه فعالیت عمومی شهری را مورد بررسی قرار می دهد.^۹ یک فضای شهری می تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند. بسته به میزان همخوانی و همنوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، فضای شهری می تواند از جوه برجسته تری از نظام مطلوب بهره گیرد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت ها مرتب بر آن نیز محسوب می گردد. «گهل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد: ۱. دسته اول «فعالیت های ضروری»^{۱۰} و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت های عمومی و روزمره در این دسته جای می گیرند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد؛

۲. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، «فعالیت های گزینشی و انتخابی»^{۱۱} تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت

1- The Social Life of Small Urban Spaces

2- William H. Whyte

3- Life Between Buildings

4- Jon Gehl

5- People Places: Design Guidelines for Urban Open Spaces

6- Clare Cooper Marcus

7-Carolyn Francis

8-Triangulation

۹- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

Larice, Michel (2007) the Urban Design Reader,

Routledge, New York, PP348-375

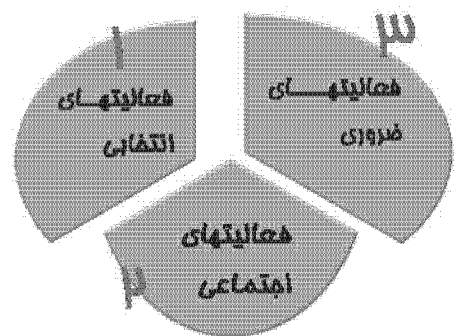
10-Necessary Activities

11-Optional Activities

دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند؛ ۳. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند، «فعالیت های اجتماعی»^۱ هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در برمی گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت ها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. شرایط خاص فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت ها را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در فضاهای شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت ها امکان بروز پیدا می کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیت های اجتماعی شکل می گیرد.^۲

زمانی که تعاملات اجتماعی زیادی را در این مکان ها به وقوع می پیوندد، افزایش می دهند. در مفاهیم نظری مرتبط، دامنه وسیعی از کارکردهای فضاهای عمومی نظیر نقش توسعه یکپارچگی اجتماعی در قالب فرصت سازی برای رویارویی افراد جامعه، تقویت کارکردهای سیاسی جامعه به واسطه ایجاد و تقویت انجمن های آزاد در یک دموکراسی اجتماعی، عرصه ای جهت بروز نمایشات و جشن های فرهنگی، واسطه ای که هویت های خصوصی و گروهی در آن توسعه می یابند و عرصه ای جهت دسترسی عمومی و تمایزی از فضاهای خصوصی، مورد مباحثه و جدل قرار گرفته است. اهمیت فضاهای عمومی در مطالعات سیاست های شهروندی نیز تأکید شده است، تا جایی که آن را در جهت کلی شدن سیاست های شهری لازم و ضروری می دانند. لفور معتقد است که هر جامعه ای در تاریخ خود فضای اجتماعی مشخصی را ایجاد کرده که در این فضاها به کلیه نیازهای متنوع جامعه- از تولیدات اقتصادی تا محصولات اجتماعی- پاسخ داده می شده است (Arefi, 2003: 331-332).

فضای عمومی یک دنیای نهادی و مادی مشترک و فضای حائلی است که امکان حضور مشترک را فراهم کرده، روابط متقابل میان افراد را تنظیم می کند. ما با حضور در مکانی که دیگران نیز در آن حضور دارند به تجربه مشترکی از جهان می رسیم و به این ترتیب با همه انسان هایی که در گذشته (یا آینده) چنین واقعیت فیزیکی را تجربه کرده اند (یا خواهند کرد) پیوند برقرار می کنیم. این بخش پیوند دهنده که دوره های مختلف تاریخی را به هم متصل می کند، فضای عمومی را از ثبات و تداوم برخوردار می سازد. ما با حضور مشترک در نهادهایی خاص همچون آیین ها و مناسک، نمایش ها و اجراها، گفت و گوهای دسته جمعی هم می توانیم به تجربه مشترک دست یابیم (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۳۱). برای تبیین عناصر، عوامل و نیروهای شکل دهنده فضای شهری:



تصویر بالا. انواع فعالیتها در فضاهای شهری؛
ماخذ: نگارنده بر اساس گهل، ۱۹۸۷.

بسیاری از نظریه پردازان شهرسازی معتقدند که فضاهای عمومی شهری بعنوان یکی از اجزای اصلی، نقش با اهمیتی در شهر سالم دارند. این عقیده فراتر از نقش کارکردی فضاهای عمومی است که معطوف به زمانی است که این فضاها، سرمایه اجتماعی را در

1- Resultan Activities(Social Activities)

۲- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

-Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings

-Larice, Michel and Macdonald, Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348-375

- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳. صص ۴۳

• اولاً باید به رشته هایی توجه داشت که با اثر زندگی اجتماعی بر سازمان فضایی سر و کار دارد،
• ثانیاً فضای شهری باید بستر زندگی عمومی و اجتماعی مردم جامعه تلقی شود و
• ثالثاً محتوای اجتماعی این فضا که آن را بیش از پیش به عنوان پدیده ای اجتماعی- کالبدی می نمایند، مورد بررسی عمیق قرار داد.

اهمیت اجتماع پذیری فضاها

اهمیت اجتماع پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه پردازان بر تاثیر این کیفیت بر دلبستگی به مکان زندگی تاکید ورزیده اند. برطبق این نظرات دلبستگی به مکان نه تنها توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دلبستگی به مکان مؤثر می باشند (poll,2012). تعامل اجتماعی با یکدیگر و مشاهده فعالیت های مردم، با بوجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کند. امروزه این وابستگی ها به طور چشمگیری در کلان شهرها به علل مختلفی همچون ورود تکنولوژی های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و اینترنت و ابزارهای رسانه ای مانند شبکه های ماهواره ای، ورود تکنولوژی اتومبیل و سایر وسایل حمل و نقل خصوصی، فاصله زیاد محل سکونت و محل کار، ناپایداری و گذرا بودن ارتباطات مردم با یکدیگر، مهاجرت و ناپایداری اقامت در یک محله از بین رفته است.

بیان یافته های تحقیق

عوامل مختلفی در این تحقیق برای بررسی میزان تاثیر فضاهای جمعی بر شکلگیری تعاملات اجتماعی مورد نظرسنجی قرار گرفته است عواملی همچون وجود کاربری های مذهبی، تجاری، فرهنگی، وجود فضای ورزشی برای بزرگسالان و میان سالان، وجود فضای بازی برای بچه ها و کودکان، وجود پیاده راه ها، وجود فضای سبز، وجود فضای اتراق و نشستن و نمایشگاه سرباز و غیره. با بررسی نظرات ساکنین و اهالی در مورد میزان اثربخشی فضاها بر افزایش

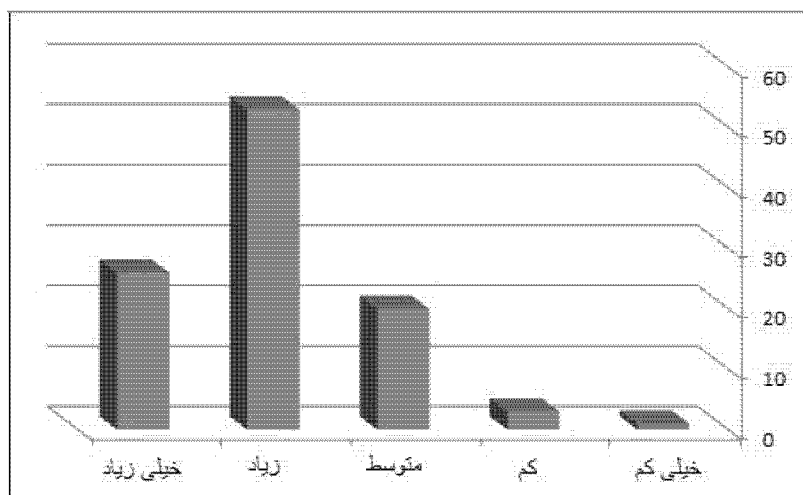
تعاملات اجتماعی به این نتیجه رسیدیم که بیشترین عامل وجود کاربری های تجاری و نیز فضاهای سبز میباشد. این یافته ها بر اساس آزمون χ^2 -square بدست آمد، همچنین وجود فضای ورزش بزرگسالان تاثیر کمتری داشته اما مؤثر بوده اند. برطبق جدول زیر هر جا که بر اساس آزمون t میزان asympt.sig برابر با صفر شود آزمون معنادار است و هر جا این مقدار بیشتر بوده باشد، دلیل بر بی معنا بودن نتایج می باشد. برای پایداری یا قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری از شیوه آلفای کرونباخ استفاده شد که این روش برای محاسبه همبستگی درونی پرسشنامه یا آزمونهایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کنند، به کار میرود. معمولاً دامنه ضریب قابلیت آلفای کرونباخ از صفر به معنای عدم ارتباط تا مثبت یک به معنای ارتباط کامل قرار می گیرد و هر چه مقدار به دست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد، قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می شود. در این تحقیق مقدار آلفای مذکور توسط نرم افزار ۹۲ درصد میباشد و یک مقدار از لحاظ آماری مطلوب تلقی می گردد.

جدول ۱. ضریب آلفا کرونباخ؛ ماخذ: نگارندگان.

ضریب آلفای کرونباخ

از ساکنین پرسیده شده که تا چه میزان نوع طراحی معماران میتواند بر تعاملات اجتماعی ساکنین تاثیر بگذارد که پاسخ ها بدین گونه بود که نزدیک ۲۶ درصد پرسش شوندها معتقد بودند، طراحی میتواند تاثیر خیلی زیادی بر تعاملات اجتماعی داشته باشد و همچنین نزدیک ۵۳ درصد پرسش شوندها معتقد بودند نوع طراحی میتواند تاثیر زیاد داشته و ۲۰ درصد میزان تاثیر متوسط را انتخاب نمودند.

همچنین بر اساس آزمون χ^2 -square ضرایب df و asympt.sig و مقدار χ^2 -square اینچنین بدست آمد:



نمودار ۱. میزان تاثیر نوع طراحی جمع گرا بر افزایش تعاملات اجتماعی؛
ماخذ: نگارندگان

جدول ۲. نتایج پرسشنامه های تحقیق، ماخذ:
نگارندگان

Asymp.sig	.
Chi-square	۲۸۷/۲۱

و ۲۰ درصد تاثیر بسیار زیاد را انتخاب کردند؛ بنابراین این نوع فضاها تاثیر موثری بر تعاملات اجتماعی دارند. همچنین می بایست گفت که افرادی که میزان اثر کم و خیلی کم را انتخاب کرده اند درصدی کمتر از ۳ درصد را داشته اند.

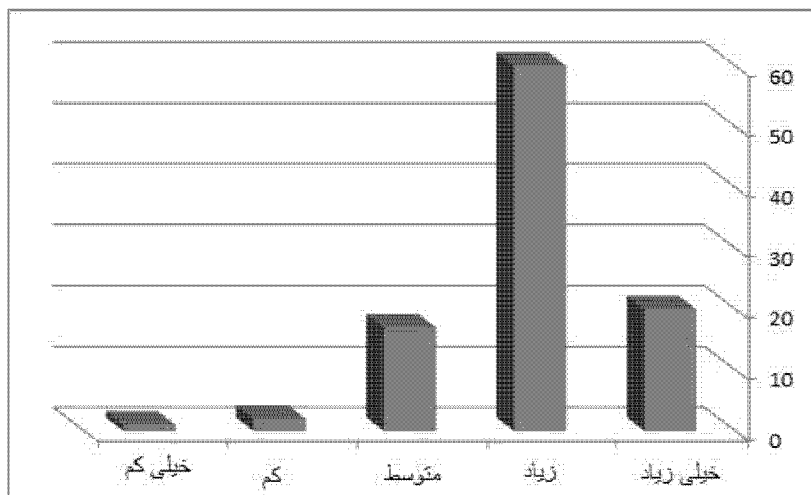
همچنین بر اساس آزمون χ^2 ضرایب df و $asymp.sig$ و مقدار χ^2 اینچنین بدست آمد:

جدول ۳. نتایج خروجی سوال؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

Asymp.sig	.
Chi-square	۳۹۰/۵۶

بنابراین این عامل موثر بوده و معناداری آن نیز با استفاده از بدست آمدن $asymp.sig$ برابر صفر کاملاً واضح است. همچنین بر طبق مطالعات گذشته باید اذعان نمود که فضاهای سبز روحیه و حس سرزندگی را به محیط بخشیده و با همه سطوح سنی میتواند ارتباط برقرار کند؛ چراکه فضای سبز ظرفی است که در آن تعاملات اجتماعی بسیار مناسبی رخ میدهد.

بنابراین این عامل موثر بوده و معناداری آن نیز با استفاده از بدست آمدن $asymp.sig$ برابر صفر کاملاً واضح است. یکی از فضاهایی که مردم باهم در آنجا به برقراری ارتباط و تعامل می پردازند، فضاهای سبز می باشد. جدا از فضاهای سبز مجتمع های مسکونی مردم عموماً در پارکها و فضاهای سبز باهم به صحبت می پردازند، افراد سن بالا در این گونه فضاها که دارای آرامش بیشتری میباشد به دورهم جمع میشوند و با یکدیگر آشنا شده و به ارتباط و تعامل باهم میپردازند. جوانان و نوجوانان نیز فضاهای سبز را معمولاً محلی برای گفتگو انتخاب کرده و کودکان نیز به این فضاها علاقه مند هستند و در این فضاها به ارتباط با هم میپردازند. در بین پرسش شوندگان ساکنین شهرک اکباتان و شهرک آپادانا میزان اثر فضای سبز بر روی تعاملات اجتماعی اینچنین ارزیابی شد که آنها نزدیک به ۶۰ درصد تاثیر زیادی برای فضاهای سبز قائل شدند



نمودار ۲. میزان تأثیر فضای سبز بر افزایش تعاملات اجتماعی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

در آن بتوان هم نیازهای فیزیکی و هم نیازهای روانی را تامین کند و به اهداف اجتماعی یک مسکن مناسب نیز دست پیدا کند. همزیستی و رفتارهای اجتماعی انسانها با هم از ویژگی های بشر میباشد و یکی از مهمترین جنبه های این رفتارهای اجتماعی، نیاز به برقراری تعامل اجتماعی در سطح روابط همسایگی می باشد. همچنین ویژگی های یک مسکن مناسب آن است که علاوه بر سرپناه راحتی بودن بتواند به روابط همسایگی، هویت ساکنین، حس دلبستگی به مکان، ایجاد تعاملات و روابط مناسب بین ساکنین و غیره نیز بپردازد تا با استفاده از این ویژگی ها بتوان سرزندگی فضاها را افزایش داده و سبب کاهش جرم خیزی شده و شناخت متقابل میان ساکنین را افزایش داده، عوامل خاطره انگیز را حفظ کرده و سرمایه اجتماعی را برای منطقه تامین کند و زندگی دلخواه برای مردم و ساکنین آنجا بدست آید.

همچنین میبایست به پیامدهای منفی تعاملات اجتماعی همچون شلوغی و مزاحمت ها نیز فکر کرد و با برنامه ریزی صحیح به اهداف طرح رسید؛ بنابراین در این پژوهش با استفاده از روشهای کمی و کیفی و با استفاده از پرسشنامه و منابع کتبی و غیر کتبی و استفاده از نرم افزار SPSS به بررسی میزان

نتیجه گیری و جمع بندی

فضاهای عمومی می توانند به گونه ای طراحی شوند که مردم و فعالیت ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فرا خوانند یا بر عکس به صورتی باشند که وارد شدن به آنها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشند. در فضاهای اجتماع پذیر در نحوه طراحی فضا و چیدمان مبلمان آن ارتباط چهره به چهره افراد در نظر گرفته می شود. این مسئله در کنار ایجاد فضاهایی که امکان ملاقات با یکدیگر را فراهم می کند موجب افزایش قابل توجه تعاملات اجتماعی می گردد. در دنیای مدرن امروز به ویژه در شهرهای پرجمعیت به دلایل مختلف، تعاملات اجتماعی کاهش یافته و این کاهش ارتباطات به ویژه در روابط همسایگی بسیار چشمگیر و مشخص شده است؛ به طوریکه در بسیاری از نقاط کشور شاهد این هستیم که حتی همسایگان در یک واحد مسکونی و یا همسایه های کنار هم نام یکدیگر را نمیدانند؛ چه برسد به اینکه روابط و تعاملاتی با هم ایجاد کنند. این فقدان ارتباط علاوه بر تأثیرات مخرب فردی مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را باعث میشود. محل زندگی انسان میبایست شرایطی داشته باشد که

تأثیر فضاهایی پرداختیم که در آن تعاملات اجتماعی میتوانستند صورت بگیرد تا با شناسایی فضاها و عوامل افزایش دهنده ارتباطات و تعاملات اجتماعی و اینکه کدام فضاها بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند به طراحی مجتمع مسکونی بپردازیم که با رعایت ویژگی های مذکور بتواند مکانی را محیا کند که در آنجا تعاملات و روابط مثبت اجتماعی نقشی پر رنگ داشته و امکان را جایی مناسب برای زندگی کردن بسازد. فضاهای مورد نظر فضاهایی جمعی بودند که در آنها امکان برقراری روابط اجتماعی صورت میگرفت. فضاهایی همچون لابی، فضای ورزش و بازی برای قشرهای مختلف، فضای اتراق و نشستن، نمایشگاه، فضای اجتماعات، پیاده راه ها و کاربری های جمعی مختلف (تجاری، مذهبی، فرهنگی). با توجه به بررسی های انجام شده در وجود این فضاها میتوانستند سبب شوند که تعاملات اجتماعی و روابط مناسب در میان ساکنین به خودی خود به شکل مناسبی برقرار شود و طراحان این نیاز را با وجود این فضاها برای ساکنین و مردم تامین سازند و سبب بوجود آمدن اهدافی همچون سرزندگی، امنیت، شادابی، اعتماد،

سرمایه اجتماعی در مجتمع مسکونی شوند.

منابع و ماخذ

۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۲. پرتوی، پروین (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنر های زیبا، ش ۱۴، تهران.
۳. پوپر، کارل (۱۳۶۴) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۴. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صغه، سال ۱۶، شماره ۴۵.
۵. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تأثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تأکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.
۶. تقی زاده، محمد (۱۳۸۵) ویژگی های کیفی مسکن مطلوب، مجله صغه، شماره ۴۳.
۷. توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۶۹

جدول ۴. مولفه های تعاملات اجتماعی در راستای معماری جمع گرا؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

اهداف تعاملات اجتماعی
کاهش جرم خیزی؛ افزایش امنیت؛ ایجاد حس سرزندگی و شادابی؛ افزایش
احیا مشارکتهای فرهنگی و آموزشی؛ ارتقا درک متقابل میان انسانها.

جدول ۵. فضاهای تعامل ساز در مقیاس شهری و محله ای؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ایجاد فضاهای	عمومی (شهری)
	فرهنگسراها- کاربری های فرهنگی؛ نمایشگاه ها و ...
	فضای بازی کودکان؛ فضای ورزش بزرگسالان؛ واحدهای
	اجتماعی؛ آلاچیق و میلمان مناسب و ...

- شهرسازی و معماری ایران.
۸. تی هال، ادوارد (۱۹۹۴) بعد پنهان، ترجمه دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۱۰. جان، لنگ (۱۹۹۴) آفرینش نظریه معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. چرمایف و الکساندر، سرج و کریستوفر (۱۳۷۱) عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی (به جانب یک معماری انسانی)، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
۱۴. حبیبی، سید محسن، اهدی، زهرا و دیگران (۱۳۶۷) مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۵. ذبیحی، حسین (۱۳۷۱) تحلیلی بر مجموعه‌های مسکونی در شهر تهران، انتشارات شهرداری تهران.
۱۶. راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده، ترجمه دکتر فرح حبیب، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۷. رای، ال کلیم (۱۳۷۸) مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا، ترجمه آرش ارباب جلفانی، نشر خاک.
۱۸. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۱۹. رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) فلسفه و دموکراسی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی ایران.
۲۰. شولتز، کریستین نوربری (۱۹۸۷) مفهوم سکونت، ترجمه امیریان احمدی، انتشارات خاک.
۲۱. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۷۸) فرم در معماری، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.
۲۲. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۸۱) گفت و گویی درباره زبان و تکنیک، معمار، شماره ۱۷.
۲۳. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.
۲۴. گلکار، کورش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.
۲۵. گلکار، کورش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
۲۶. گهل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، ترجمه شیما شصتی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۷. لنگ جان (۱۳۸۵) طراحی شهری، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. لنگ، جان (۱۳۷۹) آفرینش نظریه‌های معماری، ترجمه علی رضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. لینچ، کوین (۱۳۷۸) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی-مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۲. مدنی پور، علی (۱۳۸۱) تهران، ظهور یک کلانشهر، ترجمه حمید زرازوند، تهران، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۳. مدنی پور، علی (۱۳۸۷) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه دکتر فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۴. مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷) روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۳۵. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران، انتشارات سروش دانش.
۳۶. هابرماس، یورگن (۱۳۸۱) سیطره عمومی، ترجمه: هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۰.
۳۷. هانا آرنت (۱۳۸۵) فصلنامه بخارا، ویژه نامه هانا آرنت، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۸۵.

38. Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
39. David Dunster, Key Buildings of the 20th Century, Vol.2, Houses 1945-1989, London, Butterworth Architecture, 1990.
40. DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
41. Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
42. Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۲
No.37 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۷۲

ظرفیت سنجی ارتقای نقش شهرداری ها در مدیریت مسکن شهری (نمونه موردی شهرداری تهران)

سوده حمزه لو* - کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
غلام رضا کاظمیان - استادیار مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Poll improve the capacity of municipalities to manage urban housing (case study of Tehran)

Abstract

Attention to the issue of urban housing problems in the housing sector in Iran, a number of organizations responsible for housing management and The potential capacity of municipalities to promote their role with regard to the status of the country and Lack of appropriate research activities and scientific space of the other countries in this field; The researchers decided to do some research to improve the technical capacity of Tehran city's housing management. Thus, by studying the experiences of other countries and interviews with officials and experts in this matter, management of urban housing in the next 6 includes: Planning, land supply, financing, directing and controlling the construction, housing policy and organizing and leading actors were explored. Available capacity and may Tehran, the size of the population of the municipality of Tehran, Department of Urban and non-experts in the organization is measured. The results of the collection and analysis of data shows that the existing capacity of Tehran in all aspects of housing management has been below average. While it is possible to improve the capacity of Tehran in housing management has been above average. This indicates the possibility of increasing responsibility in the management of Tehran urban housing.

Keywords: technical capacity, municipalities, municipal housing management

چکیده

ضرورت توجه به مقوله مسکن شهری و مشکلات موجود در بخش مسکن در ایران، تعدد سازمانهای مسئول در امر مدیریت مسکن و همچنین ظرفیت و پتانسیل شهرداری ها جهت ارتقای نقش آنها با توجه به وضعیت موجود کشور و عدم انجام فعالیت های پژوهشی مناسب و فاصله علمی ایران با سایر کشورها در این زمینه، محقق را بر آن داشت تا با انجام این پژوهش به ظرفیت سنجی ارتقای نقش شهرداری تهران در مدیریت مسکن شهری پرداخته و راهکارهایی جهت انسجام و یکپارچگی مدیریت مسکن شهر تهران ارائه دهد. براین اساس از طریق مطالعه تجربیات سایر کشورها و مصاحبه با مسئولان و صاحب نظران این امر، ابعاد مدیریت مسکن شهری در قالب ۶ بعد شامل: برنامه ریزی، تامین زمین، تامین مالی، هدایت و کنترل ساخت و ساز، سیاست گذاری و سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن مورد کنکاش قرار گرفته و ظرفیت موجود و ممکن شهرداری تهران در این ابعاد از نظر جامعه آماری مورد پژوهش یعنی شهرداری تهران، وزارت راه و شهرسازی و همچنین صاحب نظران غیر وابسته به این دو سازمان سنجیده شده است. نتایج حاصل از جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که ظرفیت موجود شهرداری تهران در تمامی ابعاد مدیریت مسکن زیر حد متوسط بوده، این در حالی است که ظرفیت ممکن برای ارتقای نقش شهرداری تهران در مدیریت مسکن بالای حد متوسط بوده که این امر نشان دهنده امکان افزایش مسئولیت های شهرداری تهران در امر مدیریت مسکن شهری است.

واژگان کلیدی: ظرفیت سنجی، شهرداری، مدیریت مسکن شهری

این مقاله برگرفته از پایان نامه خانم سوده حمزه لو با عنوان ظرفیت سنجی ارتقای نقش شهرداری ها در مدیریت مسکن شهری؛ نمونه موردی شهرداری تهران به راهنمایی دکتر غلامرضا کاظمیان است که در دانشگاه علامه طباطبایی ارائه داده شده است.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۲۱۹۱۷۵، رایانامه: hamzehlou@yahoo.com

مقدمه

حق تأمین مسکن برای جامعه، از ابتدای قرن بیستم در کشورهای بیشتر توسعه یافته به عنوان یکی از «حقوق شهروندی» به رسمیت شناخته شده و به تدریج به یکی از وظایف دولت های آن جوامع تبدیل گشته است. با اینحال، در کشورهای در حال توسعه، علیرغم تأکید دائمی بر اهمیت مسکن بعنوان نیازی پایه ای و حقی بنیادین، درصد قابل توجهی از خانوارهای شهری قادر به تأمین آن نیستند. از این رو، مشکل یاد شده روز به روز پیچیده تر شده و شرایط خانوارهای بیشتر و بیشتری بحرانی می گردد (گای، ۲۰۰۲). بنابراین لزوم توجه به امر مسکن به خصوص در شهرها در قالب یک سیستم کارآمد مدیریتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در مورد پاسخگویی به این وظیفه در شهرها معمولاً دو سازمان رسمی به صورت مشخص مسئول می باشند: بخش دولتی که شامل سازمان های دولتی و وابسته به حکومت مرکزی است و بخش عمومی که شهرداری ها و شوراهای را در بر می گیرد. در کشورهای در حال توسعه، نظام برنامه ریزی متمرکز و از بالا به پایین ایجاب میکند که سیاستهای مسکن بوسیله حکومتهای مرکزی، تنظیم یا هماهنگ شوند و حکومتهای منطقه ای یا محلی (شهرداری ها) وظیفه دارند سیاستها و برنامه های مربوط به مسکن را که در سطح ملی طراحی شده اند، به اجرا در آورند (آدامز، ۲۰۰۵). اما امروزه شهرداریها در اکثر کشورهای توسعه یافته به عنوان یکی از انواع سازمان های محلی، در اداره ی شهرها و عرضه ی کالاها و خدمات عمومی محلی، نقش مهم و برجسته ای بر عهده دارند. در این میان شهرداری به صورت بالقوه یکی از عناصر مهم مدیریت مسکن شهری می باشد و تأمین مسکن و مدیریت آن از وظایف برجسته شهرداری ها در کشورهای توسعه یافته به شمار می آید.

در ایران بر اساس اصل سی و یک قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. در واقع متولی

اصلی تأمین مسکن بر طبق قانون اساسی دولت می باشد. البته از لحاظ قانونی مطابق ماده ۵۵ قانون شهرداری ها که به شرح وظایف شهرداری ها می پردازد، علاوه بر صدور پروانه ساختمانی برای کلیه ساختمان های شهر که بر اساس ضوابط و مقررات طرح های جامع و تفصیلی صورت می گیرد، در بند ۲۱ ماده ذکر شده، اتخاذ تدابیر لازم برای ساخت خانه های ارزان قیمت برای اشخاص بی بضاعت شهر نیز از جمله وظایف شهرداری ها در امر مسکن بر شمرده شده است. بررسی سوابق نشان می دهد که وظیفه ساخت و تأمین مسکن هیچ گاه به وسیله شهرداری های کشور به اجرا در نیامده است و تقریباً هیچ تجربه ای مبنی بر ورود شهرداری ها به فرآیند برنامه ریزی یا ساخت مسکن وجود ندارد. در حال حاضر شهرداری ها مجری ضوابط تعیین شده از بالا هستند. اما چنانچه همانگونه که در قانون پیش بینی شده است، اگر مدیریت این فعالیت ها بر عهده شهرداری ها باشد، به نظر می رسد که بهبود قابل ملاحظه ای در بخش مسکن مشاهده شود. لازم به ذکر است در ماده ۱۳ قانون برنامه سوم توسعه، به منظور تحقق مدیریت یکپارچه شهری پیش بینی شده بود که وظایف و اختیارات دستگاه های دولتی و اجرایی کشور که مرتبط با مدیریت شهری هستند به تدریج و بر اساس اولویت های مشخص به شهرداری ها واگذار شود. از جمله این وظایف مرتبط با مسکن شهری، می توان به تهیه طرح های جامع و تفصیلی، ساخت مسکن ارزان قیمت و استیجاری، مدیریت امور زمین شهری و به طور کلی برنامه ریزی و تأمین مسکن اشاره نمود که می بایست از وظایف وزارت مسکن و شهرسازی منفک و به شهرداری ها واگذار شود.

به نظر می رسد برای بهبود وضعیت مسکن و همچنین تحقق مواد قانونی پیش بینی شده در قانون شهرداری ها و قانون برنامه سوم توسعه، نیاز است تا ابتدا ظرفیت های موجود شناسایی شده و در صورت نیاز با بستر سازی مناسب بخش هایی از فرآیند تأمین مسکن که دارای ظرفیت های مناسب هستند به شهرداری ها واگذار شوند. به همین منظور سعی شده با انتخاب موضوعی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۳۷۴

جدید در این زمینه، به ظرفیت سنجی ارتقای نقش شهرداری ها در شش بخش اصلی فرآیند تامین مسکن شهری یعنی: برنامه ریزی، تامین زمین، تامین مالی، کنترل و نظارت بر ساخت و ساز، سیاست گذاری و ساماندهی و هدایت کنشگران پرداخته شود و مشخص شود که به چه میزان می توان نقش شهرداری ها را در بخش های ذکر شده ارتقا داد. که برای این منظور نمونه موردی شهرداری تهران در نظر گرفته شده است.

۱- پیشینه تحقیق

موضوع مسکن شهری در ایران خصوصاً برای پژوهشگران ناشناخته نیست. اما تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه نقش و جایگاه شهرداری ها در مبحث مدیریت مسکن شهری به ثبت نرسیده است. در جدول ۱ پژوهش های صورت گرفته در سایر کشورها و همچنین دو نمونه از پژوهش های داخلی مرتبط با موضوع این تحقیق ارائه شده است.

۲- مبانی نظری

در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، مدیریت شهری، مساوی شهرداری است؛ اما در ایران مدیریت شهری صرفاً مساوی با شهرداری نیست و نهادها و سازمان های دولتی نیز در این حوزه حضور دارند که به همراه شهرداری به اعمال مدیریت شهری در سطح محلی می پردازند و مانع از شک یابی سیستم مدیریت و یکپارچه شهری در چارچوب شهرداری می شوند (شیعه، ۱۳۸۲، ص ۵۲). نظام متمرکز امور در ایران، تاکنون در عمل امکان استقلال و خودکفایی نظام مدیریت شهری را فراهم نساخته (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶) و عملاً با ایجاد ساختارهای نظیر و مشابه در سطوح محلی و شهری در کنار نهاد عمومی چون شهرداری و شورای شهر با ایجاد تعدد مراجع مدیریتی در حوزه شهر مانع از پاگیری مدیریت واحد شهری شده است (پور احمد و عمران زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸).

جدول ۱. پیشینه پژوهشی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

پژوهشگران	نام پروژه	سال	موضوع
هوپی و همکاران	نقش حکومت های محلی در توسعه مسکن ارزان قیمت در پکن	۲۰۰۹	بررسی نقش حکومت های محلی همچون شهرداری ها را در توسعه مسکن ارزان قیمت
دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا	مدل های مسکن ارزان قیمت و پایدار برای حکومت های محلی	۲۰۰۸	بررسی نقش دولت محلی در ارائه مسکن ارزان قیمت در استرالیا و امکان سنجی دخالت دادن شورای شهر و حکومت محلی شهر پاراماتا در غرب سیدنی در پروژه تامین مسکن ارزان قیمت
اسمیت و همکاران	حکومت های محلی و مسکن ارزان قیمت	۲۰۰۷	بررسی نقش فعلی حکومت های محلی در تامین مسکن ارزان قیمت، پتانسیل بهینه سازی نقش حکومت های محلی در فعالیت های مسکن، تسهیل دسترسی به مسکن، موانع و چالش های آن ها در ساخت و اجاره مسکن
کاظمیان و سعیدی	امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها	۱۳۸۲	شناخت تطبیقی وظایف شهرداری ها از دیدگاه های مختلف و در کشورهای گوناگون امکان سنجی مالی، اقتصادی، اداری، قانونی و اجتماعی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها
رنجبر	نقش یابی و ظرفیت سنجی مدیریت شهری در تامین امنیت غذایی	۱۳۹۰	سنجش ظرفیت مدیریت شهری تهران در ابعاد ایفای نقش مدیریت شهری در امنیت غذایی شهر

همانطور که پیش از این ذکر شد، یکی از وظایف مهم مدیریت شهری و شهرداری‌ها در دنیا برنامه‌ریزی، مدیریت، ساخت و به طور کلی تر تامین مسکن می‌باشد. در ایران نیز مطابق ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها که به شرح وظایف شهرداری‌ها می‌پردازد، علاوه بر صدور پروانه ساختمانی برای کلیه ساختمان‌های شهر که بر اساس ضوابط و مقررات طرح‌های جامع و تفصیلی صورت می‌گیرد، در بند ۲۱ ماده ذکر شده، اتخاذ تدابیر لازم برای ساخت خانه‌های ارزان قیمت برای اشخاص بی‌بضاعت شهر نیز از جمله وظایف شهرداری‌ها در امر مسکن بر شمرده شده است. بررسی سوابق نشان می‌دهد که وظیفه ساخت و تامین مسکن هیچ‌گاه به وسیله شهرداری‌های کشور به اجرا در نیامده است و تقریباً هیچ تجربه‌ای مبنی بر ورود شهرداری‌ها به فرآیند برنامه‌ریزی یا ساخت مسکن وجود ندارد (احمدی، ۱۳۸۴).

نکته‌ای که در این بین وجود دارد این است که شهرداری‌ها خود به صورت مستقیم در تولید مسکن نقشی ایفا نمی‌کنند و برخی از محدود عملکردهای شهرداری تهران نیز در این زمینه، اساساً در میان سایر شهرداری‌ها عمومیت ندارد. بررسی تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد که مقامات محلی علی‌الخصوص شهرداری‌ها از طیف گسترده‌ای از ابزار، مدل‌ها و مکانیزم‌ها به صورت ترکیبی برای پیشبرد و ارتقای مسکن ارزان قیمت استفاده می‌کنند. فعالیت‌های اساسی شهرداری‌ها در زمینه تامین مسکن به چهار خوشه تقسیم بندی می‌شوند:

- تامین مستقیم مسکن؛
- استفاده از دارایی (زمین‌ها و سایر امکانات) شوراها برای حمایت از مسکن ارزان قیمت؛
- بودجه و تامین مالی مسکن؛
- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و عملیات (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷).

در ادامه به بررسی وظایف شهرداری‌ها در امر مسکن شهری در تعدادی از کشورها پرداخته خواهد شد. که این مطالعات به همراه نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران

اساس استخراج ابعاد و شاخص‌های مدیریت مسکن شهری را تشکیل داده‌اند.

• آفریقای جنوبی

حق دسترسی به مسکن مناسب در ماده ۲۶ قانون اساسی کشور آفریقای جنوبی لحاظ شده است. همراه با حکومت‌های ملی و ایالتی، حکومت‌های محلی نیز موظف به تضمین این حق برای شهروندان هستند. اگرچه حکومت‌های محلی در آفریقای جنوبی اختیار و تعهد مالی ندارند، اما در قبال تعداد زیادی از مسائل مرتبط با تامین مسکن مسئول هستند که از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شناسایی و تخصیص زمین برای مسکن؛
- تعیین اهداف تامین مسکن؛
- تامین زیرساخت‌های لازم برای مسکن؛
- تشویق و تسهیل توسعه مسکن اجتماعی؛
- توسعه استراتژی‌های مسکن؛
- شناسایی میزان بودجه مورد نیاز برای برنامه‌ریزی مسکن؛
- نظارت و کنترل بر ساخت و ساز (مک‌کارتی، ۲۰۱۰).

• آلمان

در آلمان شهرداری‌ها موظف هستند که برنامه توسعه آینده تمامی زمینه‌های داخلی محدوده شهر را به وسیله طرح‌های عمرانی معین کنند. شهرداری‌ها دارای حق ساخت، اصلاح و نوسازی نیز هستند و طبق قوانین ایالتی و به نام حکومت ایالتی بر امر ساختمان سازی نظارت می‌کنند. شهرداری‌ها از طریق انتقال وام و کمک از منابع مالی ایالت به شرکت‌ها و واحدهایی که در امر ساخت مسکن اجتماعی فعالیت می‌کنند به این امر یاری می‌رسانند و نیز می‌توانند در پرداخت کرایه منزل افراد فقیر سهمی به عهده بگیرند. همچنین شهرداری‌ها می‌توانند برای ساخت مسکن اجتماعی شرکت‌هایی ایجاد کرده و کارهای ساخت و اداره این مسکن‌ها را بر عهده بگیرند و برای گروه‌های خاص اجتماعی برنامه‌های ویژه مسکن سازی را با در اختیار قرار دادن زمین شهری به سازندگان به اجرا در آورند (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۰۸ - ۴۱۱).

از تجربیات سایر کشورها، با مشورت و نظر اساتید محترم، در نهایت مدل تحلیلی پژوهش که بر مبنای آن سوالات پرسشنامه نیز طراحی گردیده است، طراحی شد که نمودار ۱ نمایی کلی از این مدل را نشان می دهد. همانگونه که مشاهده می شود برای ابعاد شش گانه مدیریت مسکن، شاخص های مرتبط استخراج شده و با بررسی ظرفیت موجود و ممکن در هر یک از شاخص ها در نهایت شکاف میان وضعیت موجود و ممکن بدست آمده و تحلیل شده است.

۳- روش تحقیق

روش کلی این پژوهش تحلیلی - توصیفی می باشد. همچنین از لحاظ ماهیت داده ها، کمی و به لحاظ هدف کاربردی و از نظر زمان پژوهش مقطعی می باشد. پژوهش از آنجا که ظرفیت شهرداری تهران را از دیدگاه متخصصان مورد ارزیابی قرار می دهد پیمایشی است. به منظور بررسی ظرفیت شهرداری تهران برای ارتقای نقش آن در «برنامه ریزی»، «تامین زمین مسکن»، «تامین مالی»، «هدایت و کنترل ساخت و ساز»، «سیاست گذاری» و «سازماندهی و هدایت نقش آفرینان» مسکن شهری از یک پرسشنامه چند بعدی در قالب ۱۳ سوال (هر سوال دارای تعدادی زیر سوال می باشد) استفاده شده است که در هر بعد برای سنجش نظرات افراد نسبت به هر کدام از ظرفیتها در وضع موجود بر اساس طیف لیکرت پنج نقطه ای (۱، ۳، ۵، ۷ و ۹) و در ظرفیت ممکن طیف لیکرت (۰، ۵، ۱۰) استفاده شده است. روایی پرسشنامه با نظر کارشناسان و اساتید محترم دانشگاه علامه طباطبایی و همچنین مطالعه کتب، مقالات و مجلات خارجی مورد تایید قرار گرفت و برای تعیین میزان پایایی، از ضریب آلفای

سایر وظایف شهرداری های آلمان در بخش مسکن به شرح زیر است:

- برنامه ریزی کاربری زمین و بازار مسکن؛
- تامین و ذخیره زمین مناسب برای مسکن سازی؛
- صدور پروانه ساخت و ساز (قالیباف، ۱۳۹۰، ص ۵۲).

• مالزی

شهرداری ها در مالزی دارای واحد ها و بخش های مختلفی هستند که یکی از این واحدها مدیریت مسکن می باشد. وظایف این واحد عبارتند از:

- برنامه ریزی تهیه مسکن ارزان قیمت دولتی برای اقشار کم درآمد؛
- تامین امکانات رفاهی؛
- ایجاد سالن های اجتماعات؛
- ایجاد انجمن های محلی ساکنان یک محله و اداره خانه های دولتی (کازمیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۸۲).

• هلند

از جمله وظایف شهرداری های هلند می توان موارد زیر را نام برد:

- ارائه یارانه ساخت و تسهیلات اعتباری از دولت محلی؛
- اخذ بودجه مورد نیاز توسط دولت محلی از دولت مرکزی و هدایت در جهت ساخت مسکن؛
- کنترل و نظارت بر شرکت های مسکن (قالیباف، ۱۳۹۰، ص ۵۷).

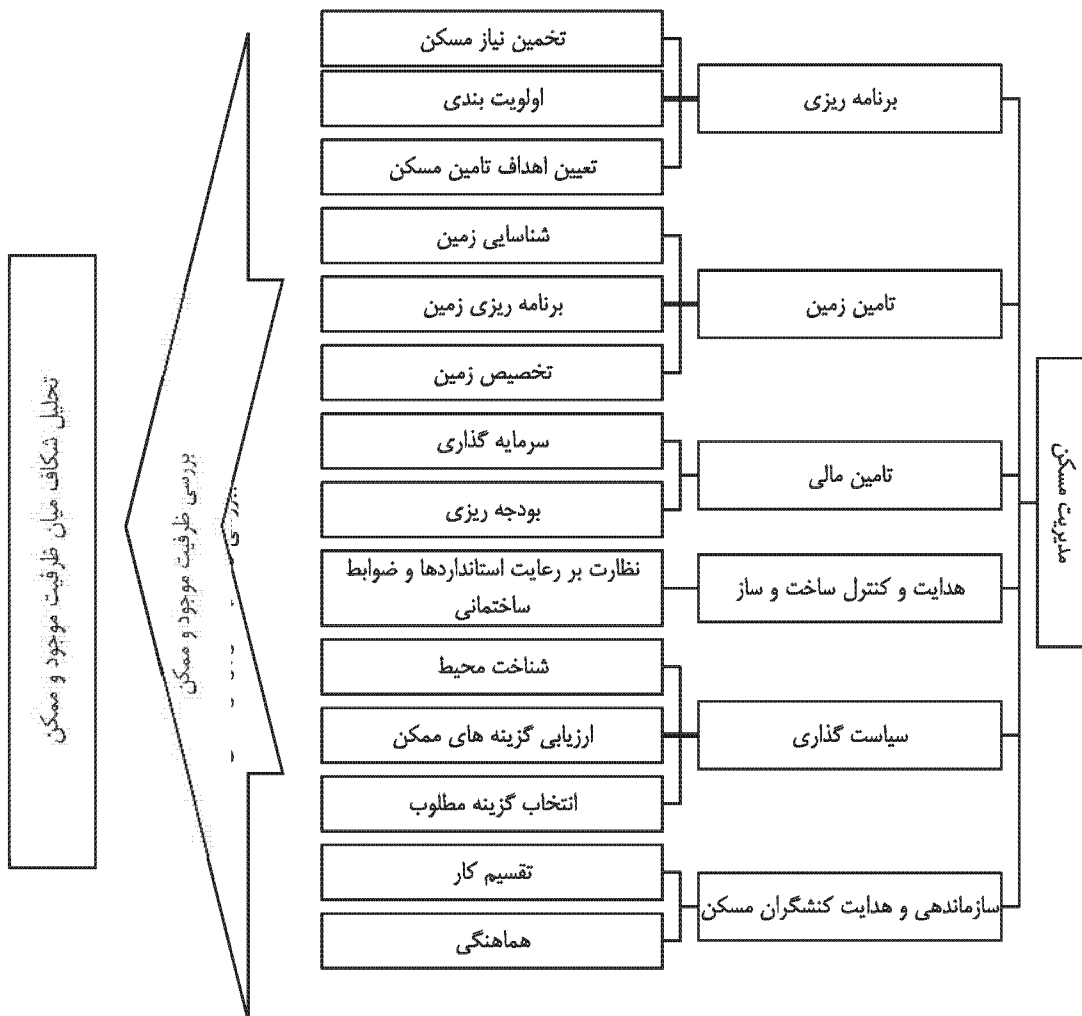
جدول ۲ جمع بندی از نحوه دخالت شهرداری های کشورهای مختلف در شش حوزه مدیریت مسکن را نشان می دهد.

۲- مدل تحلیلی پژوهش

بر اساس مبانی نظری پژوهش و مطالعات صورت گرفته

جدول ۲. جمع بندی نقش شهرداری های جهان در حوزه های مدیریت مسکن؛ ماخذ: نگارندگان.

سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن	سیاست گذاری مسکن	کنترل و هدایت ساخت و ساز	تامین مالی مسکن	تامین زمین مسکن	برنامه ریزی مسکن	
	*	*		*	*	آفریقای جنوبی
*		*		*	*	آلمان
					*	مالزی
*		*	*			هلند



نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

۴- تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

۴-۱- تحلیل یافته های توصیفی

این بخش از تحقیق جهت معرفی اطلاعات توصیفی پرسشنامه و توصیف ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان از آمار توصیفی فراوانی و درصد فراوانی استفاده شده، که نتایج آن در جدول شماره ۲ آورده شده است.

۴-۲- تحلیل یافته های استنباطی

به منظور انتخاب آزمون آماری مناسب ابتدا بررسی نرمال بودن متغیرها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف صورت گرفت و با توجه به غیر نرمال بودن توزیع

کرومباخ (۰/۸۵) استفاده شد که در تحقیقات علوم انسانی و پیمایشی این مقدار بسیار بالا بوده و نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه می باشد. جامعه آماری این پژوهش وزارت راه و شهرسازی و شهرداری تهران و همچنین صاحب نظران غیروابسته به دو سازمان مذکور بوده که نمونه آماری آن با استفاده از جدول مورگان و تخمین جامعه آماری به میزان ۳۰۰ نفر عدد ۱۶۹ بدست آمد که متأسفانه به علت عدم همکاری سازمانها تعداد ۱۳۱ پرسشنامه تکمیل گردید. همچنین تجزیه و تحلیل داده ها نیز با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

جدول ۳. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیر	گزینه ها	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۸۱	۶۱/۸
	زن	۴۶	۳۵/۱
سن	۲۵ تا ۳۵	۵۷	۴۳/۵
	۳۵ تا ۵۰	۴۸	۳۶/۶
	بالای ۵۰	۲۶	۱۹/۸
تحصیلات	کارشناسی	۱۰	۷/۶
	کارشناسی ارشد	۷۴	۵۶/۴
	دکتری	۳۶	۲۷/۴
سابقه کاری	زیر ۵ سال	۳۰	۲۲/۹
	۵ تا ۱۰ سال	۴۵	۳۴/۳
	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۲	۱۶/۷
	۱۵ سال به بالا	۳۴	۲۵/۹
رشته تحصیلی	شهرسازی	۵۰	۳۸/۱
	معماری	۲۷	۲۰/۶
	عمران	۲۶	۱۹/۸
	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	۸	۶/۱
	اقتصاد	۵	۳/۸
	سایر رشته ها	۱۳	۹/۹

نشان می دهد که بیشترین امکان ارتقای نقش برای شهرداری تهران در بعد هدایت و کنترل ساخت و ساز و پس از آن برنامه ریزی با اختلاف میانه هایی برابر ۴/۷۷ و ۴/۱۱ و کمترین امکان ارتقای نقش با اختلاف قابل ملاحظه ای نسبت به سایر ابعاد مربوط به بعد سیاست گذاری مسکن (۲/۷۷) می باشد. امکان ارتقای سه بعد دیگر نیز در این بین و تقریباً به یک میزان می باشد.

۴-۲-۱- بررسی ابعاد مدیریت مسکن شهری بعد اول: برنامه ریزی مسکن شهری

بعد برنامه ریزی مسکن شهری از سه شاخص «تخمین نیاز مسکن»، «اولویت بندی» و «تعیین اهداف تامین مسکن» تشکیل شده است. با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای، میانه هر سه شاخص و بعد اصلی برنامه ریزی مسکن شهری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ کمتر هستند (زیر حد متوسط) بنابراین از

داده های پژوهش از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون یک نمونه ای استفاده شده است. روش استنباط این مطلب که هر کدام از ظرفیت ها در چه وضعیتی قرار دارند به این صورت است که حداقل ۵۰ درصد از پاسخ گویان می بایست معتقد باشند که ظرفیت موجود یا ممکن شهرداری تهران در مدیریت مسکن شهری بالاتر یا پایین تر از حد متوسط قرار دارد. بنابراین چنانچه در سطح اطمینان ۹۵ درصد میانگین پاسخ ها از حد متوسط در وضعیت ممکن بیشتر باشد (حد متوسط در طیف مذکور ۵ است) به این معناست که امکان ارتقای ظرفیت شهرداری تهران در مدیریت مسکن شهری وجود دارد.

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود در تمامی ابعاد مدیریت مسکن وضعیت ممکن از وضعیت موجود بیشتر است. بررسی ابعاد مدیریت مسکن نیز

جدول ۴. نتایج آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای برای ابعاد مدیریت مسکن

شاخص ها	وضعیت	میانہ	آماره ویلکاکسون	سطح معناداری
برنامه ریزی مسکن	موجود	۳/۶۶	-۷/۳۴	۰/۰۰۰
	ممکن	۷/۷۷	۸/۸۶	۰/۰۰۰
تامین زمین مسکن شهری	ظرفیت موجود	۳/۹۱	-۵/۰۷	۰/۰۰۰
	ظرفیت ممکن	۷/۵۵	۸/۶۳	۰/۰۰۰
تامین مالی مسکن شهری	ظرفیت موجود	۳/۷۳	-۴/۶۹	۰/۰۰۰
	ظرفیت ممکن	۷/۱۲	۷/۶۳	۰/۰۰۰
هدایت و کنترل ساخت و ساز مسکن شهری	ظرفیت موجود	۳/۷۳	-۴/۶۹	۰/۰۰۰
	ظرفیت ممکن	۸/۵	۸/۴۷	۰/۰۰۰
سیاست گذاری مسکن شهری	ظرفیت موجود	۳/۷۳	-۴/۶۹	۰/۰۰۰
	ظرفیت ممکن	۶/۵	۹/۱۸	۰/۰۰۰
سازماندهی و هدایت کنشگران مسکن	ظرفیت موجود	۳/۹۷	-۵/۳۵	۰/۰۰۰
	ظرفیت ممکن	۷/۲۵	۹/۳۴	۰/۰۰۰



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۸۰

زمین» تشکیل شده است. با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای، میانہ هر سه شاخص و بعد اصلی برنامه ریزی مسکن شهری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ کمتر هستند (زیر حد متوسط) بنابراین از نظر پاسخگویان ظرفیت موجود شهرداری تهران در تامین زمین مسکن شهری کمتر از حد متوسط است. این میانہ در بیشترین حالت (۴/۳۳) مربوط به شناسایی زمین و در کمترین حالت (۳/۶۶) مربوط به برنامه ریزی زمین می باشد. بررسی شاخص ها در وضعیت ممکن نشان می دهد که میانہ هر سه شاخص و بعد اصلی تامین زمین مسکن شهری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ بسیار بیشتر بوده است. بنابراین از نظر پاسخگویان ظرفیت ممکن شهرداری تهران در تامین زمین مسکن شهری بیشتر از حد متوسط بوده بطوریکه شاخص شناسایی زمین با میانہ ۹/۱۶ نشان دهنده ظرفیت

نظر پاسخگویان ظرفیت موجود شهرداری تهران در برنامه ریزی مسکن شهری کمتر از حد متوسط است. شرایط این شاخص ها در وضعیت ممکن کاملا متفاوت بوده به طوریکه میانہ هر سه شاخص و بعد اصلی برنامه ریزی مسکن شهری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ بسیار بیشتر بوده است. بنابراین از نظر پاسخگویان ظرفیت ممکن شهرداری تهران در برنامه ریزی مسکن شهری بیشتر از حد متوسط بوده بطوریکه بیشترین میانہ ظرفیت ممکن برای دو شاخص اولویت بندی و تعیین اهداف تامین مسکن عدد ۸/۳۳ بوده است و کمترین میانہ نیز مربوط به تخمین نیاز مسکن بوده است.

بعد دوم: تامین زمین مسکن شهری

بعد تامین زمین مسکن شهری از سه شاخص «شناسایی زمین»، «برنامه ریزی زمین» و «تخصیص

ممکن بسیار بالای شهرداری تهران در زمینه شناسایی زمین می باشد. همچنین شاخص تخصیص زمین کمترین میانه یعنی عدد ۷ را در این مجموعه داراست.

بعد سوم: تامین مالی مسکن شهری

بعد تامین مالی مسکن شهری از دو شاخص «سرمایه گذاری» و «بودجه ریزی» تشکیل شده است. با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای، میانه هر دو شاخص و بعد اصلی تامین زمین مسکن شهری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ کمتر هستند (زیر حد متوسط) بنابراین از نظر پاسخگویان ظرفیت موجود شهرداری تهران در تامین مالی مسکن شهری کمتر از حد متوسط است. میانه شاخص سرمایه گذاری $3/66$ و بودجه ریزی ۴ می باشد. بررسی این دو شاخص و بطور کلی بعد تامین مالی مسکن شهری در وضعیت ممکن نشان می دهد که میانه هر دو شاخص و بعد اصلی تامین مالی مسکن شهری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ بیشتر بوده است. بنابر این از نظر پاسخگویان ظرفیت ممکن شهرداری تهران در تامین مالی مسکن شهری بیشتر از حد متوسط بوده بطوریکه میانه شاخص سرمایه گذاری و بودجه ریزی به ترتیب $7/5$ و 7 می باشد.

بعد چهارم: هدایت و کنترل ساخت و ساز مسکن شهری

بعد هدایت و کنترل ساخت و ساز مسکن شهری دارای یک شاخص با عنوان «نظارت بر رعایت استانداردها و ضوابط ساختمانی» است. با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای، میانه این شاخص و بعد اصلی هدایت و کنترل ساخت و ساز مسکن شهری با عدد $3/73$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ کمتر هستند (زیر حد متوسط)؛ بنابراین از نظر پاسخگویان ظرفیت موجود شهرداری تهران در هدایت و کنترل ساخت و ساز مسکن شهری کمتر از حد متوسط است. همچنین میانه این شاخص در وضعیت ممکن با عدد $8/5$ بالاتر از حد متوسط می باشد که بطور کلی این بدان معنی است که پاسخ دهندگان ظرفیت لازم برای تحقق شاخص این بعد را ممکن دانسته اند.

بعد پنجم: سیاست گذاری مسکن شهری

بعد سیاست گذاری مسکن شهری از چهار شاخص «شناخت محیط»، «ارزیابی گزینه های ممکن»، «انتخاب گزینه مطلوب» و «اجرا» تشکیل شده است. با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای میانه هر چهار شاخص و بعد اصلی سیاست گذاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد از ۵ کمتر بوده به این معنا که پاسخگویان وضعیت موجود شهرداری تهران را زیر حد متوسط می دانند. به جز شاخص انتخاب گزینه مطلوب، سایر شاخص ها در وضعیت ممکن دارای میانه ای بیشتر از حد متوسط می باشد که بیشترین میزان آن مربوط به شاخص اجرا با میانه ۸ است. نکته جالب توجه در این بعد این است که با آنکه شاخص انتخاب گزینه مطلوب تنها شاخصی است که میانه وضعیت ممکن آن زیر حد متوسط است اما بیشترین میانه ($4/33$) را در وضعیت موجود دارا می باشد. بنابراین از نظر پاسخ دهندگان شهرداری تهران در تمامی شاخص های سیاست گذاری مسکن شهری به جز انتخاب گزینه مطلوب ظرفیت ممکن بالاتر از حد متوسط دارد.

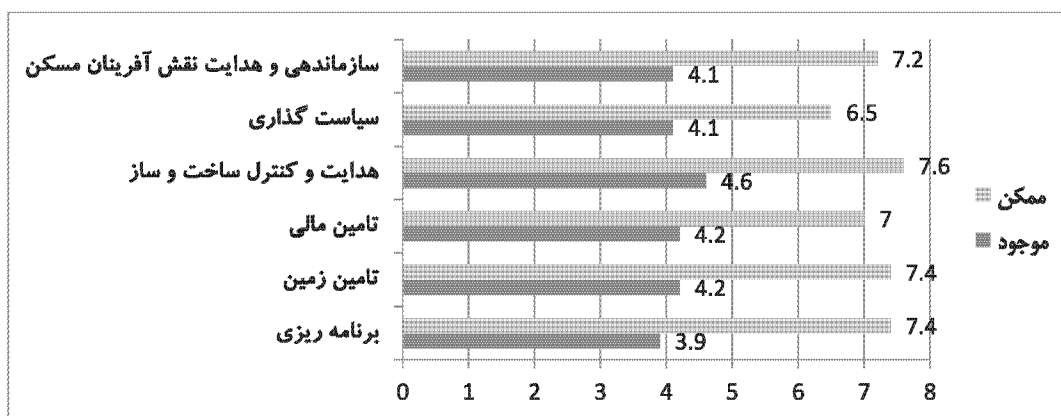
بعد ششم: سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن شهری

بعد سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن شهری از دو شاخص «تقسیم کار» و «هماهنگی» تشکیل شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای، میانه هر دو شاخص و بعد اصلی سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن شهری در وضعیت موجود از حد متوسط کمتر می باشد. در وضعیت ممکن میانه هر دو شاخص هماهنگی و تقسیم کار (به ترتیب $7/5$ و 7) بالاتر از حد متوسط بوده که نشانگر این است که از نظر پاسخگویان امکان افزایش ظرفیت شهرداری تهران در این شاخص ها وجود دارد.

۳-۴- مقایسه وضعیت موجود و ممکن در ابعاد مدیریت مسکن
جدول شماره ۴ آمار توصیفی ابعاد مدیریت مسکن در وضعیت موجود و ممکن را نشان می دهد. همانگونه که مشاهده می شود کمترین و بیشترین میانگین در

جدول ۵. آمار توصیفی ابعاد مدیریت مسکن (وضعیت موجود و ممکن)

ابعاد	تعداد	میانگین موجود	انحراف معیار	میانگین ممکن	انحراف معیار
برنامه ریزی	۱۳۱	۳/۹۳	۱/۳۸	۷/۴۷	۱/۸۱
تامین زمین	۱۳۱	۴/۲۱	۱/۶۷	۷/۴۷	۲/۰۱
تامین مالی	۱۳۱	۴/۲۲	۱/۷۰	۷/۰۴	۲/۲۴
هدایت و کنترل ساخت و ساز	۱۳۱	۴/۶۲	۱/۷۱	۷/۶۹	۲/۰۲
سیاست گذاری	۱۳۱	۴/۱۲	۱/۳۲	۶/۵۲	۱/۲۱
سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن	۱۳۱	۴/۱۹	۱/۶۷	۷/۲۹	۱/۷۵



نمودار ۲. نمودار میله ای مقایسه وضعیت موجود و ممکن ابعاد مدیریت مسکن

ممکن متغیر تامین زمین میانگین بیشتری نسبت به متغیر تامین مالی دارد. بیشترین تفاوت میان وضعیت موجود و ممکن برای بعد برنامه ریزی مسکن و کمترین آنها برای سیاست گذاری می باشد.

۴-۴- مقایسه وضعیت موجود و ممکن در شاخص های ابعاد مدیریت مسکن

جدول شماره ۶ آمار توصیفی شاخص های ابعاد مدیریت مسکن در وضعیت موجود و ممکن را نشان می دهد همانطور که مشاهده می شود در وضعیت موجود کمترین میانگین مربوط به اولویت بندی نیازهای مسکن (۳/۷۹) و بیشترین میانگین مربوط به نظارت بر رعایت استانداردها و ضوابط ساختمانی (۴/۶۲) می باشد. همچنین با توجه به داده های جدول در وضعیت ممکن کمترین میانگین مربوط به انتخاب گزینه مطلوب

وضعیت موجود در بین ابعاد برای برنامه ریزی و هدایت و کنترل ساخت و ساز با میانگین های ۳/۹۳ و ۴/۶۲ و در وضعیت ممکن بیشترین میانگین مربوط به بعد هدایت و کنترل ساخت و ساز (۷/۶۹) و کمترین آن مربوط به سیاست گذاری مسکن (۶/۵۲) می باشد.

در نمودار شماره ۲ وضعیت موجود و ممکن ابعاد سوالات با یکدیگر مقایسه شده اند همانطور که مشاهده می شود در تمامی متغیرها وضعیت ممکن از وضعیت موجود بیشتر است. در شرایط موجود و ممکن بعد هدایت و کنترل ساخت و ساز نسبت به بقیه ابعاد میانگین بیشتری دارد. وضعیت موجود دو متغیر سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن و سیاست گذاری و وضعیت دو متغیر تامین مالی و تامین زمین نیز در شرایط موجود از نظر پاسخگویان یکسان است اما در شرایط

جدول ۶. آمار توصیفی شاخص های ابعاد مدیریت مسکن

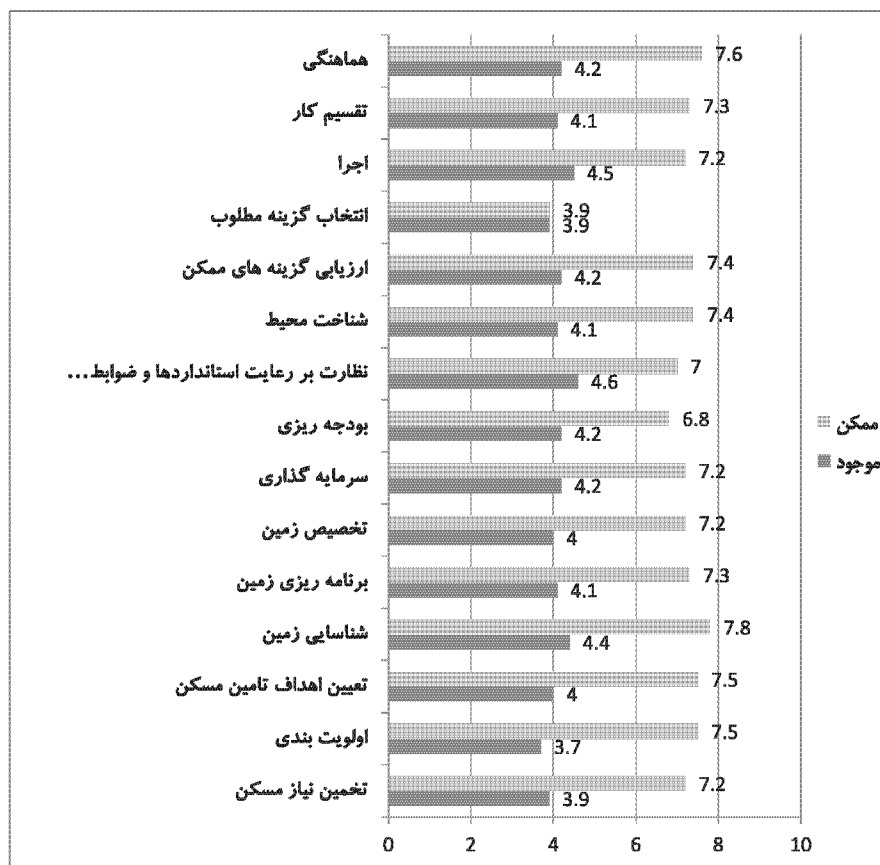
شاخص ها	تعداد	میانگین وضعیت موجود	انحراف معیار	میانگین وضعیت ممکن	انحراف معیار
تخمین نیاز مسکن	۱۳۱	۳/۹۹	۱/۴۰	۷/۲۶	۱/۹۷
اولویت بندی	۱۳۱	۳/۷۹	۱/۳	۷/۵۷	۱/۹۴
تعیین اهداف تامین مسکن	۱۳۱	۴/۰۱	۱/۶۹	۷/۵۸	۱/۹۸
شناسایی زمین	۱۳۱	۴/۴۳	۱/۶۸	۷/۸۲	۲/۱۲
برنامه ریزی زمین	۱۳۱	۴/۱۲	۱/۶۴	۷/۳۴	۲/۲۶
تخصیص زمین	۱۳۱	۴/۰۸	۱/۸۶	۷/۲۶	۲/۱۹
سرمایه گذاری	۱۳۱	۴/۲۲	۱/۸۷	۷/۲۴	۲/۳۷
بودجه ریزی	۱۳۱	۴/۲۱	۱/۶	۶/۸۵	۲/۳۵
هدایت و کنترل ساخت و ساز	۱۳۱	۴/۶۲	۱/۷۱	۷/۰۶	۱/۹۸
شناخت محیط	۱۳۱	۴/۱۳	۱/۴۷	۷/۴۸	۲/۲۲
ارزیابی گزینه های ممکن	۱۳۱	۴/۲۶	۱/۷۹	۳/۹۷	۱/۵۶
انتخاب گزینه مطلوب	۱۳۱	۳/۹۷	۱/۵۶	۷/۵۹	۱/۷۶
اجرا	۱۳۱	۴/۵۰	۱/۵۱	۷/۲۱	۱/۹۵
تقسیم کار	۱۳۱	۴/۱۰	۱/۸۰	۷/۳۷	۱/۶۶
هماهنگی	۱۳۱	۴/۲۸	۱/۶۳	۷/۶۹	۲/۰۲



۴-۵- بررسی تاثیر شاخص های جمعیت شناختی بر پژوهش

با توجه به غیر نرمال بودن متغیرها از آزمون کروسکال والیس جهت بررسی رابطه بین نحوه پاسخگویی به ابعاد سوالات و شاخص های جمعیت شناختی استفاده شده است. نتایج آزمون کروسکال والیس نشان می دهد که سطح معناداری کلیه ابعاد پرسشنامه نسبت به متغیرهای جمعیت شناختی (محل اشتغال، سن، جنسیت، تحصیلات، میزان سابقه کاری و رده سازمانی) بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین در شرایط موجود و ممکن و در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین نحوه پاسخگویی به سوالات پرسشنامه و متغیرهای جمعیت شناختی رابطه ای وجود ندارد بنابراین این متغیرها بر میزان ارزیابی ابعاد سوالات (برنامه ریزی، تامین زمین، تامین مالی، هدایت و کنترل ساخت و ساز، سیاست گذاری، سازماندهی و

۳/۹۷) و بیشترین میانگین مربوط به شاخص شناسایی زمین (۷/۸۲) می باشد. در نمودار ۳ وضعیت موجود و ممکن شاخص های ابعاد مدیریت مسکن با یکدیگر مقایسه شده اند؛ همانطور که مشاهده می شود در تمامی متغیرها وضعیت ممکن از وضعیت موجود بیشتر می باشد. متغیرهای شناسایی زمین و هماهنگی در شرایط ممکن از نظر پاسخگویان بیشترین ظرفیت را دارا می باشند. برای شاخص انتخاب گزینه مطلوب همانگونه که مشاهده می شود از نظر پاسخگویان ظرفیت موجود و ممکن برابر و زیر حد متوسط می باشد. بیشترین تفاوت میان وضعیت موجود و ممکن برای شاخص اولویت بندی نیاز مسکن (اختلاف میانگین ۳/۸) و کمترین تفاوت نیز مربوط به شاخص نظارت بر رعایت استانداردها و ضوابط ساختمانی (اختلاف میانگین ۲/۴) می باشد.



نمودار ۳. نمودار میله ای مقایسه وضعیت موجود و ممکن برای شاخص های ابعاد مدیریت مسکن

مشاهده شد از نظر پاسخگویان ظرفیت موجود و ممکن برابر و زیر حد متوسط می باشد. بیشترین تفاوت میان وضعیت موجود و ممکن برای شاخص اولویت بندی نیاز مسکن (اختلاف میانگین $3/8$) و کمترین تفاوت نیز مربوط به شاخص نظارت بر رعایت استانداردها و ضوابط ساختمانی (اختلاف میانگین $2/4$) می باشد. پس بیشترین ظرفیت سازی برای شاخص اولویت بندی و کمترین آن برای نظارت بر رعایت استانداردها و ضوابط ساختمانی نیاز است.

مقایسه وضعیت موجود و ممکن ابعاد سوالات با یکدیگر نیز نشان می دهد که در تمامی ابعاد وضعیت ممکن از وضعیت موجود بیشتر است. در شرایط موجود و ممکن بعد هدایت و کنترل ساخت و ساز نسبت به بقیه ابعاد میانگین بیشتری دارد. وضعیت موجود دو متغیر سازماندهی و هدایت نقش آفرینان مسکن و سیاست گذاری و وضعیت دو متغیر تامین مالی و تامین زمین

هدایت نقش آفرینان مسکن) تأثیری نداشته اند

۵- بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش در مورد ابعاد مختلف فرآیند مدیریت مسکن نشان داد که در حال حاضر ظرفیت موجود شهرداری تهران در تمامی ابعاد مدیریت مسکن و شاخص های آنها پایین تر از سطح متوسط بوده است؛ در حالی که از نظر پاسخگویان ظرفیت های لازم (ممکن) جهت تحقق این امر با در نظر گرفتن شرایط و بسترهای موجود در جامعه کافی می باشد و امکان ارتقای نقش شهرداری تهران در مدیریت مسکن شهری وجود دارد. با توجه به آمارهای توصیفی پژوهش و مقایسه دو وضعیت موجود و ممکن در تمامی شاخص های ابعاد مدیریت مسکن وضعیت ممکن از وضعیت موجود بیشتر می باشد. متغیرهای شناسایی زمین و همه‌نگی در شرایط ممکن از نظر پاسخگویان بیشترین ظرفیت را دارا می باشند. برای شاخص انتخاب گزینه مطلوب همانگونه که

نیز در شرایط موجود از نظر پاسخگویان یکسان است اما در شرایط ممکن متغیر تامین زمین میانگین بیشتری نسبت به متغیر تامین مالی دارد. بیشترین تفاوت میان وضعیت موجود و ممکن برای بعد برنامه ریزی مسکن و کمترین آنها برای سیاست گذاری می باشد. بررسی تجارب کشورهای موفق در امر مسکن نشان می دهد که تقریباً در اکثر کشورهایی که وظیفه تامین مسکن بر عهده شهرداری ها می باشد یکی از مهم ترین فعالیت هایی که توسط شهرداری ها صورت می گیرد برنامه ریزی مسکن می باشد. که این امر ناشی از میزان اطلاع بیشتر شهرداری ها نسبت به ارگان های دولتی از نیازها و خواسته های شهروندان می باشد. شهرداری تهران نیز به عنوان اصلی ترین نهاد اداره کننده شهر تهران و میزان آگاهی که از شرایط شهروندان و نیازهای آنها دارد می تواند در صورت ارتقای نقش شهرداری در فرآیند برنامه ریزی مسکن اهداف را به گونه ای تنظیم نماید که در نهایت پاسخگوی نیازهای واقعی شهروندان باشند. به طور کلی با توجه به ساختار شهرداری تهران، منابع کارشناسی و انسانی آن و میزان آشنایی و آگاهی از نیازهای شهروندان امکان ارتقای نقش شهرداری تهران در برنامه ریزی مسکن به میزان قابل توجهی وجود دارد. در ارتباط با مساله تامین زمین مسکن شهری اصلی ترین نهاد در زمینه تامین زمین مسکن، سازمان ملی زمین و مسکن که از سازمان های تابعه وزارت راه و شهرسازی است می باشد. با توجه به شناخت دقیقی از محیط شهر تهران، یکی از نقاط قوت شهرداری تهران در امر تامین مسکن را می توان توانایی آن در شناسایی زمین های مناسب برای احداث پروژه های ساخت مسکن ذکر نمود که از جمله این زمین ها می توان به بافت های فرسوده شهری اشاره کرد که شهرداری تهران می تواند با شناسایی آن ها و سرمایه گذاری و حتی تخصیص این زمین ها نقش قابل توجهی را ایفا نماید. همچنین از آنجایی که شهرداری تهران دسترسی به زمین ذخیره قابل ملاحظه ای در سطح مناطق دارد می تواند در تخصیص زمین برای ساخت مسکن ارزان قیمت نیز نقش مفیدی داشته باشد. شاید

بتوان گفت یکی از مهم ترین ابعاد مدیریت مسکن، تامین مالی مسکن می باشد که نیاز به سرمایه گذاری های وسیع را شامل می شود. در شرایط کنونی کشور، فقدان سیستم کارای تامین مالی مسکن مانع حضور خانوارهای فاقد پس انداز و ثروت اندوخته کلان در بازار مسکن می شود. بنابراین خرید مسکن برای اکثریت آحاد اقتصادی تنها با گسترش پرداخت هزینه های سنگین آن در طول زمان و با استفاده از ابزارهای تامین مالی ممکن است. سرمایه گذاری در بخش مسکن در اکثر کشورها بر عهده دولت مرکزی بوده و شهرداری ها بودجه مورد نیاز برای ساخت مسکن اقتدار کم درآمد را از طریق حکومت مرکزی دریافت می نمایند. در ایران نیز در حال حاضر وظیفه تامین مالی پروژه های مسکن بر عهده دولت می باشد. با توجه به ناپایدار بودن درآمدهای شهرداری تهران و عدم تخصیص بودجه به شهرداری تهران از سوی دولت، به نظر می رسد که امکان سرمایه گذاری شهرداری تهران در امر مسکن امکان پذیر نباشد. البته نتایج حاصل از پرسشنامه عکس این امر را بیان می کند. با وجود اینکه اکثر پاسخ دهندگان معتقدند درآمدهای شهرداری ناپایدار و عمدتاً از راه فروش تراکم بوده، اما اعتقاد دارند که شهرداری تهران با توجه به در اختیار داشتن بانک شهر و بودجه بالای امکان حضور در این بعد را دارا می باشد.

یکی از مهم ترین و بحث بر انگیز ترین ابعاد مدیریت مسکن هدایت و کنترل ساخت و ساز مسکن می باشد که در حال حاضر مهم ترین وظیفه شهرداری تهران در امر مسکن بوده و بررسی ها نشان می دهد متأسفانه شهرداری تهران در زمینه نظارت بر رعایت استانداردها و ضوابط ساختمانی در حد قابل قبولی عمل نکرده و گاهی به منظور کسب درآمد، این ضوابط و استانداردها نادیده گرفته می شوند. به همین علت است که پاسخگویان به پرسشنامه نیز معتقد بودند که ظرفیت موجود شهرداری تهران در این موضوع زیر حد متوسط می باشد. از آنجایی که مسئولیت این امر به عهده شهرداری بوده و ظرفیت ممکن بالایی را نیز دارا می باشد نیاز به ظرفیت سازی و ارتقای نقش شهرداری تهران در این بعد بیشتر

از سایر ابعاد احساس می شود.

۶. قالیباف، محمد باقر (۱۳۹۰) نگاه راهبردی به مسکن و شهرسازی در کشور، انتشارات نگارستان، تهران، صص ۵۲ و ۵۷

۷. کاظمیان، غلامرضا؛ صالحی، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۲) مدیریت شهری؛ جلد سوم: بررسی تطبیقی نظام مدیریت شهری در کشورهای نمونه، انتشارات تیس، تهران، صص ۴۰۸-۴۰۹، ۴۸۲

1. Adams, D. (2005). Planning, Public Policy & Property Markets. Oxford, UK: Blackwell.

2. Emsley, Simon; Phibbs, Peter; Crabtree, Louise. (2008), models of sustainable and affordable housing for local government, university of western Sydney, Urban research center

3. Guy, S. (2002). Development And Developers: Perspectives On Property. University Of Newcastle: Blackwell Publishing.

4. Hui, Eddie C.M; Wong, Francis K.W; Tong, de. (2009), The Roles of Local Government on Affordable Housing Development in Beijing, Hong Kong Polytechnic University

5. McCarthy, Malcolm. (2010), Benchmarking Housing in South African Municipalities, VNG International The Hague, the Netherlands

6. Smith, Kay Saville; James, Bev; Scotts, Margie. (2007), Local Government and Affordable Housing, Centre for Housing Research Aotearoa New Zealand

بررسی تجربیات بین المللی نیز نشان می دهد که رهبری سیاسی محلی در مورد مسائل مسکن می تواند موفق ترین نوع دخالت در امر مسکن باشد. بنابر این یکی از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد افزایش نقش شهرداری تهران در سیاست گذاری مسکن می باشد. بر اساس بررسی های صورت گرفته در قوانین موجود کشور، در هیچ یک از قوانین بالادستی به ارائه نقش شفاف شهرداری جهت فعالیت در امر مدیریت مسکن پرداخته نشده است و فقط در مواردی به صورت مختصر به لزوم همکاری شهرداری با سایر ارگان ها اشاره شده است. از آنجایی که مسکن شهر شامل حیطه وسیعی از موضوعات می باشد، لذا وجود قوانین و مقررات شفاف در خصوص لزوم همکاری هریک از نهادها، سازمان ها و مراکز دولتی و خصوصی موجود در شهر از جمله شهرداری ها می تواند نقش بسزایی در هماهنگی و ضمانت اجرایی این فعالیت ها داشته باشد. چه بسا در صورت وجود قوانین حمایتگر در این زمینه، شهرداری تهران بتواند با همکاری سایر سازمان ها هرچه بهتر در جهت ارتقای مدیریت مسکن شهری گام بردارد.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، وحید (۱۳۸۴) بررسی نقش و جایگاه دولت در تامین مسکن، مجله روند، شماره ۴۶، پاییز، تهران
۲. آخوندی، عباس (۱۳۸۶) حاکمیت شهر- منطقه تهران: چالشها و روندها. نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۹، بهار، صص ۱۳۶
۳. پوراحمد، احمد؛ عمران زاده، بهزاد (۱۳۸۹) بررسی علل عدم تحقق مدیریت یکپارچه شهری در ایران، فصلنامه جغرافیای انسانی، صص ۱۹۸
۴. رنجبر، محمد جعفر (۱۳۹۱) نقش یابی و ظرفیت سنجی مدیریت شهری در تامین امنیت غذایی شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران
۵. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مبانی برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ بیست و چهارم، تهران، صص ۵۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۲۸۶

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban Management

37

Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center

Vol.13 No.37 Winter 2015

1. Criteria Prioritization for Feasibility Studies of Multilevel Urban Roads Construction by Factor Analysis
 2. Risk Reduction of Earthquake with Emphasis on Social Factors of Resilience (Case Study: District 22 of Tehran)
 3. The solutions for revival of historical areas as the urban valuable identity (for example the historical axis of Tabriz's Tarbiyat)
 4. Spatiotemporal Analysis of Crime Commitment in Urban Spaces (Supply, Dealing, and Abuse of Drugs in Region 16 of Tehran Metropolis)
 5. Assessment of social sustainability at neighborhood level based on the residents' views (Case Study of Faizabad neighborhood in the city of Kermanshah)
 6. Estimation of Prishable Cargo Transportation Demand by a Panel Data Model
 7. Genealogy approaches to explaining the role of public open spaces in rural settlements
 8. Genealogy impact and influence on urban fiction approach to structural analysis and hermeneutics
 9. Social factors influencing the Iranians belong to the neighborhood (the study population: Tehran 22 area residents over 18 years old)
 10. A survey on the relationship between organizational justice and accountability of the employees (A Case study of the municipality of malayer staff)
 11. The economic foundations and financial requirements of the state development in the Iranian society
 12. An Investigation of Local Residents' Attitude to the Policy of Transformation of Villages to Towns According to Settlements (case study: Dailaman District, Siahkal Township)
 13. An Impact of Growth Control and Containment Policies on The Trend of Peri-urban Settlements Evolutions in Tehran Metropolitan Fringe
 14. Study of the Effectiveness of Knowledge about the Green Roofs in the Reduction of Environmental Impacts from the Architectures Perspective
 15. Design and architecture of collectivist social interaction and communication
- Abstract
16. Poll improve the capacity of municipalities to manage urban housing (case study of Tehran)
 17. Assessment and prioritization of key factors influencing the increase in the quality of higher education and provide optimal solutions (Case Study: Bachelor of Urban Development and Education)
 18. Discourse Analysis in the Evaluation of architectural approaches and practices among urban areas in the age of globalization
 19. Development and crisis management in commerce system design utilizes a uniform modeling techniques (UML)
 20. Evaluation of strategies of increasing social interaction through the community places architecture, case study: Tehran community houses